۳۱

# علم مفاهیم شناسی در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

# علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد سی و یکم– حرف ی

## مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد سی و یکم- حرف ی/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴ ۵آ/

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱–قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف،هدف،

فایـده، پیش انگـاره هـا (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسـیر از علوم مرتبط با قرآن به شـمار می آیـد که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسـیر به دانشـی گفته می شود که انسـان را بـا معانی و مقاصـد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعـد آن آشنا می سازد.

به عبـارت دیگر، دانش تفسـیر از چنـد بخش اساسـی تشـکیل می شود: ۱) مبانی تفسـیر؛ ۲) قواعد تفسـیر؛ ۳) منابع تفسـیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسـیر: آیات قرآن (سـخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم نازل شـده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲–اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصـیف شودمقـدمه تفسـیرخواهد شد و تفسـیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشـهای نوین زبانشناسـی است می باشـد . زبانشناسـی بیشتر نـاظر به کلاـم انسـانی است که دردورهـای مختلف شامـل کلاـم هـای مقـدس(کتابهـای آسـمانی) نیز شـده است . زبـان شناسـی شامـل: زبـان شناسـی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختـاری ؛ سبک شناسـی ؛ تجویز و توصـیف ؛ کاربردشناسـی ؛ زبانشناسـی کـاربردی ؛ اکتسـاب زبـان ؛ زبـان شناسـی روان شنـاختی ؛ زبان شناسـی جامعه شـناختی ؛ زبان شناسـی شـناختی ؛ جامعه شناسـی زبان ؛ زبان شناسـی محاسـباتی؛ زبان شناسـی توصـیفی ؛ زبان شناسـی تاریخی ؛ زبان شناسـی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک

ومتودولوژی می تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین زمینه

مراکز قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله

بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن را

درمنظومه این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیرآمده است.

۹-البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش

آن درکـل قرآن فکرودل مـن را بخـودش مشــغول می کرد و ساعتهـا و روزهـا وقـت مرا می گرفـت و رهـایم نمی کرد ؛ نمی توانسـتم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جـدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشـف می شـد ولی همیشـه دوست داشـتم یـک راهی پیـدا کنم که آن را به صـورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کارونداشـتن ابزار و امکانـات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شـد. و برای همین همیشـه درحیرتم که قلب مقدس اشـرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضـرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسـینه مبارکشـان داشـتند و آن را حمـل می کردننـد. آری ایـن کلمـات و آیـات الهی است که بی نهـایت بارقابـل اسـتناد و اسـتدلال و فیض جـاری است و هنرنمائی می کنـد.کاری که ازعهـده هیـچ مجموعه و دسـتگاه علمی برنمی آیـد. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰–ازخوبیهای علم دردوران جدیـد این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمـایش و عموم گـذاشت . شـما نگاه کنیـد در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن و

صـدها نمونه از این دست به صورت علمی دسـته بنـدی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسـیاری ازتفاسـیر که دردوران قـدیم نوشـته شـده است درمحـدوده علم آموزی ودانش یـک فرد و بسـته به نوع کتابهای تفسـیری و امکاناتی که دراختیارداشـته و گرایش و هدفی که داشـته است.درصورتیکه درزمان معاصـرباید ازنوشتن تکراری و بیهـوده این تفاسـیرخوداری کرد و زیرنظرمجمـوعه ای ازاساتیـد ، تفسـیرهمه جـانبه نوشت.وحوزهـای پژوهشـی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشـگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشـتن روش هدفمنـد و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسـیرازنکات مهمی است که مفسـرین بایـد رعایت کنند. زیرا مفسـرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عـدول کرده انـد مثـل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه( صـلوهَ) را به این شـکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صـلاهٔ) بنویسـیم. اگرمـا توانستیم به معنـای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسـیم بایـد بااین ملاک واحـد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳–اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم بایـد اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴–قرآن کریم در آیه ی بیست و

یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

( وَ إِن مِّن شَيْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

( وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَناً قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه

فرو فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدروقیمت وعظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

–

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی – الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات وبینات

است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت

بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن رابرآورند و در ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است . و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزید و قرآن کریم را ازشرجاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم . و شما ای فرزندان برومند اسلام ! حوزه ها ودانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف

آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست . )

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فروبسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق

ظاهر که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی ) – وجود

لفظی ( علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف-وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب-وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج-وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د-وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می کند

و حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند دربخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد ووقتی درعرصه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبا استخراج کرده ایم ؛ باشد که انشا ء الله در آینده این علم( مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضی ازاستاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را درمقدمه آن تفسیرشایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی ازکلمات مشترک لفظی و بعضی ازآنها مشترک معنوی می باشند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی و

کسانیکه می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

## یأجوج از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

افساد یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱،۱۲

۱- مردم شمال ، از طوایفی فسادانگیز به نام یأجوج و مأجوج ، به ذوالقرنین شکایت بردند .

قالوا یذا القرنین إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون

مفسـران و مؤرخان، با استفاده از ادله مختلف و برخی متون باستانی، این را مسلم گرفته اند که مراد از یأجوج و مأجوج، همان قبایل مغول و تاتار هستند.

۱۲- < عن أمیرالمؤمنین ( ع ) : إنّ ذاالقرنین . . . وجد . . . قوماً لایکادون یفقهون قولاً قالوا : یا ذاالقرنین ! إنّ یأجوج و مأجوج خلف هـذین الجبلین و هم یفسدون فی الأرض إذا کان إبّان زروعنا و ثمارنا خرجوا علینا من هذین السدّین ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتّی لایبقون من ها شیئاً < فهل نجعل لک خرجاً > نؤدیه إلیک فی کلّ عام < علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا > ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده:. .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سـخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانـا، یأجوج و مأجوج، پشت این دو کوه انـد و آنان در زمین فساد می کننـد. زمانی که فصل برداشت زراعت هـای ما و چیـدن میوه هایمان فرامی رسـد، آنان، از پشت این دو سـدّ (دو کوه) به ما حملهور شـده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قدر می چرانند که هیچ چیز

از را باقی نمی گذارند. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو بپردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟>.

امت بودن یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱۳

۱۳- < عن حذیفه قال : سألت رسول اللّه ( ص ) عن یأجوج و مأجوج ؟ فقال : یأجوج أُمّه و مأجوج أُمّه ;

از حذیفه، روایت شده که گفت: از رسول خدا(ص) در باره یأجوج و مأجوج را پرسیدم؟ فرمود: یأجوج، یک امت و مأجوج هم یک امت است>.

ایمنی از هجوم یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۷

۷- آسیب پذیران از هجوم یأجوج و مأجوج ، از ذوالقرنین برای ساختن سدّی در میانه دو رشته کوه بلند در برابر هجوم آن متجاوزان ، کمک خواستند .

قالوا یذا القرنین . .. تجعل بیننا و بینهم سدًّا

پیروزی یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۳،۴

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یأجوج و مأجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

<حدب> به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون>; یعنی، به سرعت

می روند و می تازند.

۴- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یأجوج و مأجوج در سراسر زمین در آینده

حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

اضافه شدن لفظ عموم <کلّ> بر اسم نکره <حدب> بیانگر این است که ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست; بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

خروج یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۱،۲

۱- سنت الهی بر ثبت اعمال مؤمنان برای پاداش و محرومیت هلاک شدگان از بازگشت به دنیا ، تا خروج یأجوج و مأجوج ( انقراض دنیا ) ادامه خواهد داشت .

فمن یعمل . .. و حرم علی ... حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حتی> معنای غایت را افاده کند. البته میان اهل ادب در افاده آن برای غایت، اختلاف نظر وجود دارد; ولی از سیاق و آهنگ آیه، غایت قابل استفاده است. براین اساس <حتّی إذا فتحت...> غایت برای <فمن یعمل من الصالحات... و حرام قریه...> خواهد بود. گفتنی است که نوع مفسران بر آنند که مقصود از یأجوج و مأجوج، دوگروه از مردمی هستند که در آخر الزمان ظاهر می شوند و به تاختوتاز و فتوحات دست می زنند و پس از مرگ آنان، عمر دنیا به پایان می رسد.

۲- اختلافات دینی پیروان ادیان الهی در مسأله توحید ، تا خروج یأجوج و مأجوج ( انقراض دنیا ) ادامه خواهد داشت .

و تقطّعوا أمرهم بینهم . .. حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج

برداشت یاد شده

مبتنی بر این است که <حتّی> غایت برای <و تقطّعوا أمرهم بینهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۲

۲- هجوم یأجوج و مأجوج ، از علایم نزدیکی برپایی قیامت است .

حتّی إذا فتحت یأجوج . .. و اقترب الوعد الحقّ

ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به دوره آخرالزمان است. بنابراین ذکر مسأله برپایی قیامت پس از این ماجرا، بیانگر این است که این ماجرا از علایم برپایی قیامت است.

خطر تجاوز یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۳

۳- خطر هجوم یأجوج و مأجوج ( مغول و تاتار ) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

درگیری یأجوج و مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۳

۳- از پیدایش درگیری های داخل میان یأجوج و مأجوج ، پس از ویرانی سد ذوالقرنین خبر داده است . *

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء . .. و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

بدان احتمال که ضمیر در <بعضهم> به یأجوج و مأجوج بازگردد؛ یعنی، پس از ویرانی سد، آن ها، به کشمکش ها و تهاجمات گسترده به هم دست خواهند زد.

راههای هجوم یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۶

۶- میانه دو کوه مرتفع و سدآسا ، تنها راه نفوذ و حمله یأجوج و مأجوج ( مغول و تاتار ) علیه همسایگان

خود بود .

فهل نجعل لک خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

عجز یأجوج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۷ – ۲

۲– یأجوج و مأجوج ، از صعود بر بالای سد ذوالقرنین و نیز ایجاد رخنه و نقب در آن ، ناتوان بودند .

فما اسطعوا أن یظهروه و مااستطعوا له نقبًا

<ظهور> به معنای <علو> و بالا رفتن است <فما اسطاعوا أن یظهروه> یعنی: <اقوام مهاجم، نتوانستند از آن بالا روند. >. <نقب> به معنای <سوراخ و تونل> است و <ما استطاعوا له نقباً> یعنی: <نتوانستند که در دیوار سد، تونل و یا معبر ایجاد کنند.>.

قصه یأجوج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۴ – ۶،۱۲

۶– میانه دو کوه مرتفع و سدآسا ، تنها راه نفوذ و حمله یأجوج و مأجوج ( مغول و تاتار ) علیه همسایگان خود بود .

فهل نجعل لک خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

۱۲– < عن أمیرالمؤمنین ( ع ) : إنّ ذاالقرنین . . . وجد . . . قوماً لایکادون یفقهون قولاً قالوا : یا ذاالقرنین ! إنّ یأجوج و مأجوج خلف هـذین الجبلین و هم یفسدون فی الأرض إذا کان إبّان زروعنا و ثمارنا خرجوا علینا من هذین السدّین ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتّی لایبقون من ها شیئاً < فهل نجعل لک خرجاً > نؤدیه إلیک فی کلّ عام < علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا > ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده:. .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان

نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانا، یأجوج و مأجوج، پشت این دو کوه اند و آنان در زمین فساد می کنند. زمانی که فصل برداشت زراعت های ما و چیدن میوه هایمان فرامی رسد، آنان، از پشت این دو سدّ (دو کوه) به ما حملهور شده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قدر می چرانند که هیچ چیز از را باقی نمی گذارند. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو بپردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۷ - ۲

۲- یأجوج و مأجوج ، از صعود بر بالای سد ذوالقرنین و نیز ایجاد رخنه و نقب در آن ، ناتوان بودند .

فما اسطعوا أن یظهروه و مااستطعوا له نقبًا

<ظهور> به معنای <علو> و بالا رفتن است <فما اسطاعوا أن یظهروه> یعنی: <اقوام مهاجم، نتوانستند از آن بالا روند. >. <نقب> به معنای <سوراخ و تونل> است و <ما استطاعوا له نقباً> یعنی: <نتوانستند که در دیوار سد، تونل و یا معبر ایجاد کنند.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۳

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یأجوج و مأجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

<حدب> به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا

شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون>; یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

محدوده افساد یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۲

۲- منطقه گسترده ای از سرزمین شمال ، در عهد ذی القرنین ، مورد تهدید هجوم ها و فسادگری های یأجوج و مأجوج قرار داشت .

إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

حرف <ال> در <فی الأرض> برای عهد حضوری است و چون تعبیر <فی الأرض> برای مناطق کوچک و محدود، تعبیر متعارفی نیست، مراد از آن منطقه ای گسترده خواهد بود.

وسعت هجوم یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۴

۴- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یأجوج و مأجوج در سراسر زمین در آینده

حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

اضافه شدن لفظ عموم <کلّ> بر اسم نکره <حدب> بیانگر این است که ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست; بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

هجوم یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۳

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یأجوج و مأجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حتّى إذا فتحت يأجوج و مأجوج و هم من كلّ حدب ينسلون

<حدب> به معناى جاهاى مرتفع و بلند زمين

است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هر گاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون>; یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

هجوم یأجوج در آخرالزمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۲

۲- یأجوج و مأجوج ، در آستانه قیامت ( آخرالزمان ) به حمله و هجوم علیه دیگر انسان ها خواهند پرداخت .

و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

ممکن است این آیات، در صدد پیش گویی برخی حوادث آخرالزمان و اشراط الساعه باشد. عبارت های <إذا جاء وعد ربّی> و <نفخ فی الصور> جملگی، قرائن این معنا هستند. لذا جمله <ترکنا...> بیان کننده برخی از همان اشراط الساعه خواهد بود; یعنی، در آن هنگام (و در پی متلاشی شدن سد ذوالقرنین) برخی مردم، موجب اضطراب برخی دیگر می شوند. و با توجه به این که سد، در برابر یأجوج و مأجوج بوده است، محتمل است، این اضطراب، از ناحیه هجوم و حمله آنان باشد.

## یاران خدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{یاران خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۲،۴

۲ - مجاهدان راه خدا ، یاران خدا هستند .

تؤمنون باللّه و رسوله و تجهدون فی سبیل اللّه. .. یأیّها الذین ءامنوا کونوا أنص

ارتباط آیه شریفه با آیات پیشین، بیانگر مطلب بالا است.

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی ( ع ) باشند .

یأیّها الذین ءامنوا کونوا أنصار اللّه کما قال عیسی ابن مریم .

.. قال الحواريّون

امربه معروف یاران خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۱ – ۲

۲ – اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین او

الذین إن مکّنّهم . .. و نهوا عن المنکر

برپایی نماز یاران خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۱ – ۲

۲ – اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین او

الذین إن مکّنّهم . .. و نهوا عن المنکر

زکات یاران خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۱ – ۲

۲ – اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین او

الذین إن مکّنّهم . .. و نهوا عن المنکر

زمینه تشخیص یاران خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۵ – ۲۰

۲۰ – شناخته شدن یاران خدا و پیامبران و جدا گشتن صفوف آنان از دیگران ، حکمت تشریع جهاد از سوی خداوند

و أنزلنا الحدید . .. و لیعلم اللّه من ینصره و رسله

نهی ازمنکر یاران خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۱ – ۲

۲ – اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر

، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین او

الذین إن مکّنّهم . .. و نهوا عن المنکر

یاران خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۵ – ۲۱

۲۱ – دین داران راستین ، کسانی انـد که به یاری خدا برمی خیزند و با دشـمنان دین او به جهاد و پیکار می پردازند ، در حالی که او را نمی بینند .

من ینصره و رسله بالغیب

یاران خدا ویژگیهای

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۱ – ۲

۲ – اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، از بارزترین ویژگی های یاران خـدا و پیکارکنندگان راه دین او

الذین إن مکّنّهم . .. و نهوا عن المنکر

## یأس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

یأس

آثار یأس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۷ – ۵

۵ – شادی و یأس بی جهت ، به هنگام برخورداری و تنگنا ، با توجّه به خدادادی بودن امکانات ، بی معنا است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها . .. و إن تصبهم سیّئه ... إذا هم یقنطون . أَوَل

استفهام در <اَوَلم یروا> انکاری است; یعنی: <آنان، غفلت کردند و ندیدند. >. بنابراین، استفاده می شود که توجه به عامل اصلیِ بودن گشایش و تنگی اقتصادی، انسان را از حالت شادمانی و یأس بیجا، دور می کند.

آثار یأس از آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ - یأس یهود از سرای

آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

آثار یأس از اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۴

۴ - لزوم دوری جستن از محیط فساد ، در صورت یأس از اصلاح آن

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

آثار یأس از امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۸

۸ - احساس خطر شدید و یأس از عوامل نجات دهنده مادی ، زمینه توجه انسان به خدا و دعا به درگاه او است .

و إذا غشیهم موج کالظّلل دعوا اللّه مخلصین له الدین

آثار یأس از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۹

۹ - معتقدان به آخرت اما مأیوس از ثواب اخروی مانند کافران ، بی اعتقاد به رستاخیزاند .

قد یئسوا من الأخره کما یئس الکفّار من أصحب القبور

در صورتی که مقدر آیه چنین باشد: <قد یئسوا من ثواب الآخره. ..>; استفاده می شود که معتقدان به معاد ولی ناامید از ثواب اخروی همچون کافرانی اند که اصولاً از زنده شدن دوباره مأیوس اند.

آثار یأس از حق پذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۳

۳ - سعی در هدايت گمراهان ، پس از يأس از حق پذيری آنان ، لازم نيست .

إنّ هؤلاء قوم لايؤمنون .

فاصفح عنهم

آثار یأس از هدایت فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۲ – ۳

۳- نفرین موسی ( ع ) به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از هدایت فرعونیان

و إن لم تؤمنوا . .. فدعا ربّه أنّ هؤلاء قوم مجرمون

<دعا> در مقام شکایت، دربردارنده درخواست مجازات است.

آثار یأس از هدایت گمراهگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۴ – ۸

۸ – نفرین بر ظالمان و گمراه کنندگان جامعه پس از ناامیدی از هدایت آنان کاری پسندیده و روا

و لاتزد الظلمین إلاّ ضللاً

آثار یأس انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۱۰ – ۹

۹ ناامیدی پیامبران از هدایت یافتن مردم ، شرط نزول عذاب الهی بر امت های آنان بود .

حتّی إذا استیئس الرسل . .. جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

آثار یأس مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۰ – ۸

۸ ناباوری و ناامیدی مشرکان به حیات اخروی ، عامل عبرت نگرفتن آنان از سرگذشت شوم اقوام پیشین چون قوم لوط

أفلم یکونوا یرونها بل کانوا لایرجون نشورًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <بل> برای اضراب انتقالی است; یعنی، این طور نیست که آنان به خاطر ندیدن آثار به جا مانده از قوم هلاک شده قوم لوط، از آن عبرت نگرفته اند بلکه چون آنان اعتقاد و امیدی به روز رستاخیز ندارند از چنین حادثه ای عبرت نیاموخته اند.

آثار یأس یهود

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۶ – ۱۳

۱۳ – یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

اجتناب از یأس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۴ – ۱۰

۱۰ – گنهکاران نباید از شمول فضل و رحمت خداوند ، ناامید باشند .

ثم تولیتم . .. فلولا فضل اللّه علیکم و رحمته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۴ – ۲۵

۲۵ گنهکار نباید از آمرزش و رحمت خداوند مأیوس باشد.

من عمل منکم سوءاً . .. فأنه غفور رحیم

اهمیت یأس کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۶ – ۲

۲ – باید کافران را از طمع در ایمان مردم مأیوس کرد و زمینه های موفقیت کافران در فریب مؤمنان را از بین برد .

فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

چنان که مفسران گفته اند: نهی <لایصدّنک> گرچه ظاهراً متوجه کافران است، ولی در حقیقت نهی از ایجاد سبب است; یعنی تو ای موسی و دیگر مؤمنان نباید به گونه ای عمل کنید که کافران بتوانند شما را از ایمان بازدارند.

حرمت یأس از رحمت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۳ – ۱۰

۱۰ – مأیوس شدن بندگان از رحمت خداوند هرچند گناهانشان بسیار باشد حرام است .

لاتقنطوا من

رحمه اللّه إنّ اللّه يغفر الذنوب جميعًا

زمينه يأس

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۹ – ۲

۲ آدمى ، به هنگام از دست دادن امكانات و موهبت هاى دنيوى ، از رحمت الهى مأيوس شده و تدبير خداوند در هستى را منكر مى شود .

و لئن أذقنا الإنسن . .. إنّه ليئوس كفور

<كفور> مى تواند از كفر كه به معناى انكار است گرفته شده باشد. بر اين اساس جمله <إنه ... كفور> اشاره به اين دارد كه: انسان در پى برخوردار شدن از نعمت و سلب آن نعمت از وى چنين مى پندارد كه تبديلها و تغييرها در هستى به دست خداوند نيست و از اختيار او بيرون است.

زمينه يأس از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۵ – ۴

۴ – فقر ، تنگدستى ، بيچارگى و درماندگى زمينه ساز يأس و نوميدى از خدا ( كفر ) و پناهنده شدن به غير او ( شرك )

من كان يظنّ . .. هل يذهبنّ كيده ما يغيظ

روى سخن در اين بخش، با آن اشخاصى است كه به خداپرستى گرويده بودند و همين كه با برخى از ناملايمات زندگى روبه رو شدند از عبادت او روى برتافتند و به گمان آن كه در هستى جز خدا، نيروهاى ديگرى نيز دخالت دارند، به شرك (آيين سابقشان) بازگشتند.

زمينه يأس از غير خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۲۲

۲۲ باور و توجه به انحصار علم و حكمت

در خداوند ، زمینه ساز قطع امید از غیر اوست .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا إنه هو العلیم الحکیم

هر چند جمله <عسی الله . ..> حاوی حصر نیست، ولی می توان گفت حصری که از تعلیل (إنه هو ...) استفاده می شود به آن جمله نیز سرایت می کند. بنابراین مفاد (عسی الله ...) چنین می شود: من تنها به خدا امید دارم و به غیر او امیدی ندارم ; زیرا تنها او دانا و حکیم مطلق است.

زمینه یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

زمینه یأس محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۵

۵ - تلاش وحی ناباوران ، برای مأیوس ساختن پیامبر ( ص ) از دعوت آنان به اسلام

و قالوا . .. فاعمل إنّنا عملون

از مانع تراشی های مشرکان و تأکیدهای مکرر آنها مبنی بر نرسیدن دعوت پیامبر(ص) به آنان و نیز تأکیدشان بر پایبندی به کیش خویش، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه یأس مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶۷ – ۲

۲

– کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

زمینه یأس نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۲ – ۷

۷ اشراف و سران قوم نوح ، درصدد مأیوس کردن او از پذیرش دعوت های توحیدی

قد جدلتنا فأکثرت جدلنا فأتنا بما تعدنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۴ – ۱

۱ نوح ( ع ) ، در پی درخواست قومش ( تحقق بخشیدن به عذاب های موعود ) از ایمان آوردن آنان سخت به تردید افتاد .

فأتنا بما تعدنا . .. قال ... لاینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لکم

زمینه یأس هود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۳۶ – ۴

۴ – تلاش قوم عاد ، به ایجاد یأس و ناامیدی در حضرت هود ( ع ) نسبت به دستیابی او به اهداف رسالتش

قالوا سواء علینا أَوَعظت أم لم تکن من الوعظین

یادآوری قوم عاد به حضرت هود(ع) مبنی بر مؤثر نبودن موعظه هایش، می تواند به منظور ایجاد یأس در آن حضرت و نیز بازداشتن ایشان از تلاش برای ادامه رسالت و تبلیغ خود باشد.

سرزنش یأس

فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۳ – ۸

۸ انسان ها نبایـد علی رغم ارتکاب گناهان بسـیار و یا گرفتار شدن به ارتداد ، از پذیرش توبه خویش و مغفرت و رحمت الهی مأیوس باشند .

و الذین عملوا السیئات . .. إن ربک من بعدها لغفور رحیم

کلمه <السیئات> جمع <سیئه> است و <ال> در آن مفید استغراق و شمول می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۳ – ۱۰

۱۰– دچار شدن به یأس و پوچی ، از خصلت های مذموم و ناپسند انسان و مورد نکوهش خداوند است .

و إذا مسّه الشرّ کان یوسًا

سرزنش یأس از رحمت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۵ – ۳

۳– یأس از لطف و رحمت خداوند ، نکوهیده و ناپسند است .

فلاتکن من القنطین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۶ – ۶

۶– یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، از گناهان بزرگ و امری بس نکوهیده

و من یقنط من رحمه ربّه إلاّ الضالّون

اینکه خداونـد یـأس از رحمت خویش را عمـل گمراهان قرار داد و مأیوسان را برابر گمراهان شـمرده است، بیانگر بزرگی این عمل است.

سرزنش یأس از لطف خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۵ – ۳

۳- یأس از لطف و رحمت خداوند ، نکوهیده و ناپسند است .

فلاتکن من القنطین

شگفتی یأس از رحمت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ –

۹،۱۳ - ۳۶

۹ - دل خوش شـدن به مظاهر مـادی دنیـا ، به هنگـام برخورداری از آنهـا ، و مأیوس شـدن از رحمت خـدا ، با از دست دادن امکانات ، ناپسند و مذموم است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سیّئه . .. إذا هم یقنطون

آیه، درصدد توبیخ و سرزنش چنین روحیه ای است و <إذا> که فجاییه است، می تواند مؤید این نکته باشد.

۱۳ - ناامید شدن از رحمت خدا ، به هنگام ابتلا به سختی ها ، به رغم مشاهده رحمت او ، امری غیر منتظره است .

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. و إن تصبهم سیّئه ... إذا هم یقنطون

عوامل رفع یأس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۹ - ۲

۲ - بارش باران پس از مدت ها انتظار و مأیوس شدن انسان ها از آن ، خوشحالی فوق العاده ای در پی دارد . *

إذا هم یستبشرون . و إن کانوا ... لمبلسین

احتمال دارد تکرار <من قبل> به منظور بیان طولانی بودن نباریـدن باران و ناامیدی عمیق مردم باشد. در این صورت، کیفیت خوشحالی، تابع مقدار ناامیدی است.

عوامل یأس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۰ - ۲

۲ ملاحظه عوامل طبیعی ، عامل یأس زکریا از اعطای فرزند به او

قال ربّ انّی یکون لی غلام و قد بلغنی الکبر و امراتی عاقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱۱

۱۱- سلب نعمت از انسان ، شرّ

و مایه یأس اوست .

و إذا أنعمنا علی الإنسن . .. و إذا مسّه الشرّ

به قرینه مقابله <مسّه الشرّ> با <أنعمنا> احتمال دارد که مراد از دچار شدن به سختی و شرّ، از دست دادن نعمت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۲ – ۳

۳ – جرم و گناه ، عامل ناامیدی انسان ، در قیامت است .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۶ – ۱،۸،۹

۱ – انسان ها ، به هنگام برخورداری از اندک رحمتی ، شادمان ، به هنگام مواجهه با کمی ناگواری ، مأیوس و ناامید می شوند .

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. یقنطون

<قنوط> در لغت، به معنای <یأس از خیر> است (مفردات راغب). <ذوق> به معنای <چشیدن و خوردن بسیار کم> استعمال می شود. کاربرد <أذقنا> به جای هر واژه دیگر، می تواند به منظور یاد شده باشد. لازم به ذکر است که تنوین <رحمه> و< سیّئه> تنکیر و برای قِلّت است.

۸ – ناکامی ها و برخورداری ها ، عواملی مؤثر در ایجاد روحیه امید و یأس درانسان ها است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سیّئه. .. إذا هم یقنطون

۹ – دل خوش شدن به مظاهر مادی دنیا ، به هنگام برخورداری از آنها ، و مأیوس شدن از رحمت خدا ، با از دست دادن امکانات ، ناپسند و مذموم است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سیّئه . .. إذا هم یقنطون

آیه، درصدد توبیخ و

سرزنش چنین روحیه ای است و <إذا> که فجاییه است، می تواند مؤید این نکته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۹ - ۱

۱ - انسان ها ، در پی تأخیر بارش باران بر آنها ، اندوهگین و ناامید می شوند .

و إن کانوا من قبل أن ینزّل علیهم من قبله لمبلسین

<إبلاس> مصدر <مبلسین> به معنای <اندوهِ ناشی از شدت سختی> است (مفردات راغب). و نیز به معنای <یأس و ناامیدی> نیز آمده است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۴

۴ - سیطره یأس و ناامیدی بر انسان ، به هنگام مواجه شدن با سختی و ناکامی ها ( شرور )

و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۱

۱ - آسیب دیدن محصولات کشاورزی ، یأس آور برای انسان ها و باعث احساس حرمان برای آنان

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون ... بل نحن محرومون

عوامل یأس از غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۶

۱۶ درماندگی ، اضطرار و احساس خطر مرگ ، عرصه بریده شدن امید انسان از غیر خدا

و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا اللّه مخلصین له الدین لئن أنجیتنا من هذه لنکوننّ من ال

عوامل یأس از فرزند داری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۵ – ۴

۴- پیری و سالمندی ، از عوامل

یأس انسان از فرزنددار شدن

مسّنی الکبر فبم تبشّرون . .. فلاتکن من القنطین

عوامل یأس انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۳

۳ اصرار کفرپیشگان بر تکذیب پیامبران و عناد و لجاجت آنان ، موجب یأس پیامبران از موفقیّت خویش و ایمان آوردن قومشان

حتّی إذا استیئس الرسل

متعلق <استیئس> ایمان آوردن مردم و موفقیت پیامبران است.

عوامل یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۲ - ۳

۳ - پیامبر ( ص ) ، مأیوس سازنده کافران از پیوستن به آنان در شرک

لا أعبد ما تعبدون

حرف <لا> گرچه برای نفی مستقبل است; ولی مفهوم سخن، شامل زمان حال نیز می شود.

عوامل یأس مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۷

۷- اعلام پیروزی قطعی حق بر باطل ، مایه امید مؤمنان و یأس مشرکان و باطل گرایان

و قل جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل کان زهوقًا

اعلام صـریح بر شـکست قطعی باطل، در پی بیان تلاشهای کافران جهت اخراج پیامبر(ص) از مکه، می تواند برای تقویت بنیه روانی مؤمنان و ایجاد یأس در دل مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۶

۶ - مشرکان ، با برخورداری از امکانات اندک ، شادمان شده و با اندک گرفتاری ، ناامید می شوند .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سيّئه. .. يقنطون

ممکن است به قرینه آیات پیش که درباره مشرکان است <ال> در

<الناس> عهد و مراد از <الناس> مشرکان باشد. لازم به ذکر است که تنوین <سیّئه> تنکیر و برای قِلّت است.

عوامل یأس یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۴

۴ - یهودیان ، به خاطر ارتکاب گناهان ، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

کفر یأس از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۲

۲ - مأیوس بودن از رحمت خدا ، روحیه ای ناپسند و کافرانه است .

و الذین کفروا . .. یئسوا من رحمتی

گناه یأس از آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۷

۷ - یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی ، گناهی است بزرگ .

قومًا غضب اللّه علیهم قد یئسوا من الأخره

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <قد یئسوا. ..>، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

گناه یأس از رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۷

۷ - یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی ، گناهی است بزرگ .

قومًا غضب اللّه علیهم قد یئسوا من الأخره

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <قد یئسوا. ..>، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۴

۱۴ < عن أبی عبدالله ( ع ) : . .

. [ من الكبائر ] الإياس من روح الله ، لأن الله عزوجل يقول : < إنه لاييأس من روح الله إلاّ القوم الكافرون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: [یکی از گناهان کبیره] ناامیدی از رحمت خداست ; زیرا خدای عزوجل می فرماید: <إنه لاییأس من روح الله إلاّ القوم الکافرون>. ..>.

ممنوعیت یأس از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۷ - ۴

۴- هیچ کس ، حتی مطرودین درگاه الهی و لعن شدگان ، نباید از رحمت خداوند مأیوس شوند ; بلکه باید خواسته های خویش را از او طلب کنند .

و إن علیك اللعنه إلی یوم الدین . قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون . قال فإنک من ال

منشأ یأس کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۵

۵ - خداوند ، مشرکان و کافران صدر اسلام را از گمراه کردن مؤمنان هدایت یافته ، مأیوس ساخت .

و من یهد اللّه فما له من مضلّ

یادآوری گمراه نشدن هدایت یافتگان (مؤمنان)، می تواند به منظور مأیوس ساختن کافران و مشرکان در تبلیغات و تلاش هایشان علیه اسلام و مسلمین باشد.

منشأ یأس مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۲ - ۳

۳ - خداوند در صدد مأیوس کردن مشرکان ، از پیشرفت و نفوذ آیینشان

ما أنتم علیه بفتنین

اِخبار خداوند به ناتوانی مشرکان که به صورت روشن و قاطع بیان گردیده است می تواند برای ایجاد یأس و ناامیدی

در میان آنان از هرگونه پیشرفت و نفوذ در میان مردم باشد.

منشأ یأس مشرکان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۷ – ۵

۵ – خداوند ، مشرکان و کافران صدر اسلام را از گمراه کردن مؤمنان هدایت یافته ، مأیوس ساخت .

و من یهد اللّه فما له من مضلّ

یادآوری گمراه نشدن هدایت یافتگان (مؤمنان)، می تواند به منظور مأیوس ساختن کافران و مشرکان در تبلیغات و تلاش هایشان علیه اسلام و مسلمین باشد.

موانع یأس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۵ – ۱۱

۱۱ توجّه به توانایی و قدرت خداوند ، برطرف کننده هر گونه نگرانی و یأس مسلمانان نسبت به آینده

اولمّا اصابتکم مصیبه . .. انّ اللّه علی کل شیء قدیر

سؤال مسلمانان (انّی هذا)، حکایت از این معنا دارد که چنین واقعه ای را هرگز انتظار نداشتند و عدم انتظار، طبعاً ناامیدی آدمی را در پی دارد که خداوند با بیان قدرت مطلقه خویش، از جمله نصرت آنان، در مقام زایل ساختن یأس مؤمنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۶ – ۷

۷– هدایت و شناخت پروردگار ، موجب امیدواری به رحمت او و زداینده هرگونه یأس و ناامیدی

و من یقنط من رحمه ربّه إلاّ الضالّون

حضرت ابراهیم(ع) یأس از رحمت پروردگار را معلول گمراهی و نشناختن پروردگار دانست. بنابراین هدایت و شناخت پروردگار، می تواند موجب امیدواری به رحمت خدا و عامل از بین رفتن یأس شود.

فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶۲ – ۴

۴ – توکل و اعتماد به خدا ، مایه آرامش و عدم یأس در بحران ها

قال کلّاإنّ معی ربّی سیهدین

موانع یأس حق طلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۵ – ۶

۶ – توجه به مخالفت و ستیزه جویی با حق در طول تاریخ ، مانع راه یابی روحیه یأس و ناامیدی در حق گرایان

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

ناپسندی یأس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۶ – ۹

۹ – دل خوش شدن به مظاهر مادی دنیا ، به هنگام برخورداری از آنها ، و مأیوس شدن از رحمت خدا ، با از دست دادن امکانات ، ناپسند و مذموم است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سیّئه . .. إذا هم یقنطون

آیه، درصدد توبیخ و سرزنش چنین روحیه ای است و <إذا> که فجاییه است، می تواند مؤید این نکته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۷ – ۵

۵ – شادی و یأس بی جهت ، به هنگام برخورداری و تنگنا ، با توجّه به خدادادی بودن امکانات ، بی معنا است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها . .. و إن تصبهم سیّئه ... إذا هم یقنطون . أَوَل

استفهام در <اَوَلم یروا> انکاری است; یعنی: <آنان، غفلت کردند و ندیدند. >. بنابراین، استفاده می شود که توجه به عامل اصلیِ بودن گشایش و تنگی اقتصادی، انسان را از حالت شادمانی و

يأس بيجا، دور مى كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۶

۶ - حرص و آز در شرائط رفاه و يأس و نااميدى به هنگام سختى ، امرى ناپسند وموردنكوهش

لايسئم الإنسن من دعاء الخير و إن مسّه الشرّ فيئوس قنوط

با توجه به لحن نكوهش آميز آيه، مطلب بالا استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۷

۷ - نااميدى و منفى بافى مفرط در سختى ها و سرخوشى مستانه در آسايش ، دو خصلت ناشايست و همگن

و إن مسّه الشرّ فيئوس قنوط . و لئن أذقنه رحمه منّا من بعد ضرّاء مسّته ليقولنّ ه

ناپسندى يأس از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۲

۲ - مأيوس بودن از رحمت خدا ، روحيه اى ناپسند و كافرانه است .

و الذين كفروا . .. يئسوا من رحمتى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۹

۹ - يأس و نااميدى از رحمت خداوند ، در عين وعده او به آمرزش تمامى گناهان بندگان ، امرى بى جا و نامعقول است .

لاتقنطوا من رحمه اللّه إنّ اللّه يغفر الذنوب جميعًا

جمله <إنّ اللّه يغفر الذنوب جميعاً> به منزله تعليل براى جمله <لاتقنطوا. ..> مى باشد; يعنى، از رحمت خدا مأيوس

نشوید; چون او همه گناهان را می آمرزد. با این حساب یأس از رحمت خدا، امری بی جا و نامعقول است.

نهی از یأس

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۴،۵

۴ یعقوب ( ع ) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لاتآیئسوا من روح الله

۵ مأیوس نشدن از رحمت خدا و امید داشتن به یاری او ، توصیه یعقوب ( ع ) به فرزندان خویش

و لاتآیئسوا من روح الله

<روح> به معنای سرور ، فرح ، استراحت و رحمت می باشد. اضافه آن کلمه به <الله> و متعلق قرار گرفتن <من روح الله> برای <لاتآیئسوا> گویای این است که مراد از آن <رحمت> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۷

۷ - گناه کاران ، نباید خود را از لطف و یاری خدا محروم بدانند .

و ما أصبكم . .. و ما لكم من دون اللّه من ولیّ و لا نصیر

با توجه به آیات پیشین که در مورد انسان ها و جوامع گنه کار است می توان استفاده کرد که <ما لكم من دون اللّه. ..> ناظر به این نکته است که خداوند ملجأ و پناهگاه تمامی انسان ها حتی گنه کاران می باشد.

یأس ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۱۳

۱۳- حضرت ابراهیم ( ع ) تا سالخوردگی فاقد فرزند و از فرزنددار شدنش از راه عوامل طبیعی و عادی مأیوس بود .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربّی لسمیع الدعاء

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۲

۲- ابراهیم ( ع ) آن گاه خبر فرزنددار شدنش را از فرشتگان دریافت کرد که کاملاً پیر و از فرزنددار شدن مأیوس بود .

قال أبشّرتمونی علی أن مسّنی الکبر فبم تبشّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۹ - ۱۱

۱۱ - ناامید شدن ابراهیم ( ع ) ، از هدایت قومِ بت پرست خویش

و قال إنّی ذاهب إلی ربّی سیهدین

از تصمیم ابراهیم(ع) برای هجرت از شهر خود پس از نجات یافتن از آتش افروزی مشرکان علیه ایشان برداشت یاد شده به دست می آید.

یأس ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۱۵

۱۵- شیطان ، ناتوان و ناامید از به دام افکندن آدم ( ع ) و گمراه ساختن او

لأحتنکنّ ذریّته إلاّ قلیلاً

تأکید ابلیس بر گمراه ساختن ذریه آدم(ع) و به میان نیاوردن نامی از خود او، می تواند مشعر به مطلب فوق باشد.

یأس احزاب صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۳

۳ - احزاب متّحد ، در حالی از محاصره مدینه ناامید و پراکنده شدند که آکنده از خشم بودند .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم

<باء> در <بغیظ> برای ملابسه است و <بغیظهم> حال برای موصول <الذین کفروا> است.

یأس اخروی بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۷

۷ - بدکارانِ دروغ انگارِ آیات الهی ، در روز قیامت ،

ناامید و اندوه ناک اند .

ثمّ کان عقبه الذین أسئوا السوأی أن کذّبوا بأیت اللّه . .. و یوم تقوم الساعه ی

یأس اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۱

۱ - مجرمان ، در روز برپایی قیامت ، اندوهگین و ناامیدند .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

<إبلاس> در لغت، اندوهِ ناشی از شدت سختی (مفردات راغب) و نیز به معنای یأس است (لسان العرب).

یأس اخروی مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۵ - ۲

۲ - اندوه سنگین و یأس آلود مجرمان در جهنم

لایفتّر عنهم و هم فیه مبلسون

<إبلاس> (مصدر <مبلسون>) به معنای اندوه ناشی از یأس است. (مفردات راغب)

یأس اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۴ - ۷

۷ - روبه رو شدن مشرکان با عذاب الهی در قیامت ، همراه با یأس کامل آنان از وجود یاری دهنده ای برای خود

قیل ادعوا شرکاءکم . .. فلم یستجیبوا لهم و رأوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۳ - ۸

۸ - ناتوانی معبودان مشرکان از شفاعت آنها در پیشگاه خداوند ، از عوامل یأس و اندوه آنان در قیامت است .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون . و لم یکن لهم من شرکائهم شفعؤا

ذکر <و لم یکن لهم. .. شفعؤا> پس از بیان ناامیدی مشرکان در قیامت، ممکن است برای اشاره به این نکته باشد که یأس آنان، ناشی از شفیع نداشتن شان است.

یأس اخروی مکذبان آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۲ – ۷

۷ – بدکارانِ دروغ انگارِ آیات الهی ، در روز قیامت ، ناامید و اندوه ناک اند .

ثمّ کان عقبه الذین أسئوا السوأی أن کذّبوا بأیت اللّه . .. و یوم تقوم الساعه ی

یأس از آمرزش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۳ – ۸

۸ انسان ها نباید علی رغم ارتکاب گناهان بسیار و یا گرفتار شدن به ارتداد ، از پذیرش توبه خویش و مغفرت و رحمت الهی مأیوس باشند .

و الذین عملوا السیئات . .. إن ربک من بعدها لغفور رحیم

کلمه <السیئات> جمع <سیئه> است و <ال> در آن مفید استغراق و شمول می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۹ – ۳

۳ – ناامیدی دوزخیان از نجات کامل خود از عذاب جهنم و یا تخفیف و بخشش عمده آن

ادعوا ربّکم یخفّف عنّا یومًا من العذاب

دوزخیان، از نگهبانان جهنم درخواست تخفیف تنها یک روز و اندکی از عذاب خود را دارند. از این نکته می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

یأس از ازدواج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۰ – ۴

۴ – ناامیـدی از زنـاشویی و بی میلی نسـبت به امور جنسـی ، نشان سالخوردگی زنان و مجوز فرونهادن حجاب و پوشـش برای آنان است .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا . .. غیر متبرّجت بزینه

جمله <الّتی لایرجون نکاحاً> صفت

و قید توضیحی برای <و القواعد من النساء> و بیان کننده مقصود از آن است.

یأس از اسلام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <و قد کان . ..> و یا عطف بر جمله <یسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۷

۷ - توجه به باور نادرست یهود درباره ( عذاب نشدن یهود جز روزی چند ) ، موجب قطع امید از ایمان آوردن اینان

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

یأس از ایمان اقوام انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۸

۱۸ < قال المأمون : . . . یا أباالحسن ( ع ) فاخبرنی عن قول الله عزوجل : < حتّی إذا استیأس الرسل و ظنّوا أنّهم قد کذبوا جائهم نصرنا > قال الرضا ( ع ) یقول الله عزوجل : < حتی إذا استیأس الرسل > من قومهم و ظنّ قومهم أن الرسل قد کذبوا جاء الرسل نصرنا . . . ;

مأمون [به امام رضا(ع)] گفت: ای اباالحسن! پس مرا خبر ده از سخن خداوند

عزوجل: <حتّی إذا استیأس الرسل و ظنّوا أنهم قد کذبوا جائهم نصرنا> امام رضا(ع) فرمود: خداوند می فرماید: تا آن گاه که رسولان از قوم خود ناامید شدند و قومشان گمان کردند رسولان دروغ گفته اند، یاری ما برای پیامبران رسید . ..>.

یأس از ایمان اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۲

۲ ناامیدی و یأس شعیب ( ع ) از ایمان آوردن کفرپیشگان مردم مدین

اعملوا علی مکانتکم . .. سوف تعلمون ... وارتقبوا

جمله هایی نظیر <هرچه از دستتان برمی آید کوتاهی نکنید ، بر مواضع ناصوابتان بمانید ، به زودی خواهید دانست و منتظر باشید> سخنانی است که آدمی پس از یأس و ناامیدی ، به زبان می آورد. گفتنی است که: <ارتقاب> (مصدر ارتقبوا) به معنای انتظار کشیدن است.

یأس از ایمان بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۷

۷ - توصیه خداوند به پیامبر ( ص ) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیماردل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

یأس از ایمان حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۷

۷ - توصیه خداوند به پیامبر ( ص ) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیماردل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

- فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۲

۲ - توصیه خداوند به پیامبر ( ص ) ، مبنی بر این که از کفرپیشگان حق ستیز قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

حتّی تأتیهم الساعه بغته

اخبار خداوند به این که مخالفان پیامبر(ص)، هرگز به قرآن ایمان نخواهند آورد، می تواند متضمن توصیه ای باشد به پیامبر(ص) مبنی بر این که آنان را در کفر بی ایمانی شان رها کند و امیدی به گرویدن آنان به اسلام و قرآن نداشته باشد.

یأس از ایمان سختدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۷

۷ - توصیه خداوند به پیامبر ( ص ) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیماردل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

یأس از ایمان فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۱ - ۱

۱- درخواست آزادی بیان ، پیشنهاد موسی ( ع ) به فرعونیان پس از یأس از ایمان آوردن آنان

و إن لم تؤمنوا لی فاعتزلون

<فاعتزلون>، کنایه از این است که اگر خود اهل ایمان نیستید، لااقل متعرض من نباشید تا آزادانه پیامم را به مردم برسانم.

یأس از ایمان قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۱

۱ - التجای پیامبرِ پس از نوح به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

ظرف <قال> محذوف است; یعنی،

<قال بعد ما ایس من إیمانهم>. <باء> در <بما کذّبون> سببیه و <ما> مصدریه (موصول حرفی ) است. بنابراین <بما کذّبون> به تأویل <بتکذیبهم إیّای> می باشد.

یأس از ایمان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۱

۱ - التجای پیامبرِ پس از نوح به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

ظرف <قال> محذوف است; یعنی، <قال بعد ما ایس من إیمانهم>. <باء> در <بما کذّبون> سببیه و <ما> مصدریه (موصول حرفی ) است. بنابراین <بما کذّبون> به تأویل <بتکذیبهم إیّای> می باشد.

یأس از ایمان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۳

۳ - ناامیدی شدید نوح ( ع ) از گرایش کافران قومش به ایمان و رنج عمیق وی از کفرورزی آنان

و نجّنی و من معی من المؤمنین

از این که نوح(ع) از پیشگاه خدا خواستار فیصله یافتن نزاع میان او و قومش شده است، نشان می دهد که او دیگر هیچ گونه امیدی به گرویدن قومش به خود نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۲

۲ - ناامیدی کامل نوح ( ع ) از ایمان آوردن قومش و نجات آنان از گمراهی شرک و بت پرستی

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱

۱ نوح ( ع ) ، در پی درخواست قومش (

تحقق بخشیدن به عذاب های موعود ) از ایمان آوردن آنان سخت به تردید افتاد .

فأتنا بما تعدنا . .. قال ... لاينفعكم نصحى إن أردت أن أنصح لكم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۶ – ۲

۲ خداوند ، درپی تلاش های حضرت نوح ( ع ) و مؤثر نبودن آن تلاشها ، او را از ایمان آوردن کفرپیشگان قومش مأیوس کرد .

و أُوحى إلى نوح أنه لن يؤمن من قومك إلاّ من قد ءامن

فاعل <لن يؤمن> کلمه ای همانند <أحد> می باشد؛ یعنی: <لن يؤمن أحد من قومک. > <إلاّ> به معنای <غیر> و صفت برای <أحد من قومک> است نه استثنای از جمله <لن یؤمن ...>؛ زیرا استثنای مؤمنان از جمله سابق، استثنای وجیه بلکه صحیحی نیست. بنابراین جمله <لن یؤمن ...> چنین معنا می شود: احدی از افراد غیر مؤمن قومت (کافران آنان) ایمان نخواهد آورد.

یأس از ایمان کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۹ – ۳

۳ – ناامیدی و یأس پیامبراسلام ( ص ) از ایمان آوردن کفرپیشگان در نیمه نخست رسالت

قل يقوم اعملوا على مكانتكم إنّى عمل فسوف تعلمون

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، از ایمان آوردن مردم مکه ناامید بود. ازاین رو آنان را به خودشان وانهاده و به آنان فرمود: هر چه از دستتان برمی آید، انجام دهید و بر مواضع نادرست خود باقی بمانید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۶ – ۳،۶

۳ – پیامبر ( ص

) در گفتوگو با کافران ، ناامیدی خود را از ایمان آنان ابراز کرد و آنها را از مشرک شدن خویش ، مأیوس ساخت .

لکم دینکم و لی دین

۶ - پیامبر ( ص ) پس از ناامیدی از ایمان کافران ، از آنان خواست برای پایبندی او به دین خود ، مشکل آفرین نباشند .

و لی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۲

۲ پیامبران ، در صورت ناامیدی از ایمان آوردن کفرپیشگان ، وظیفه ای از جهت تبلیغ رسالت ، برعهده نداشتند .

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم إنا عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۹

۹ ناامیدی پیامبران از هدایت یافتن مردم ، شرط نزول عذاب الهی بر امت های آنان بود .

حتّی إذا استیئس الرسل . .. جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۲

۲ - توصیه خداوند به پیامبر ( ص ) ، مبنی بر این که از کفرپیشگان حق ستیز قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

حتّی تأتیهم الساعه بغته

اخبار خداوند به این که مخالفان پیامبر(ص)، هرگز به قرآن ایمان نخواهند آورد، می تواند متضمن توصیه ای باشد به پیامبر(ص) مبنی بر این که آنان را در کفر بی ایمانی شان رها کند و امیدی به گرویدن آنان به اسلام و قرآن نداشته باشد.

یأس از ایمان مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ۸۸ - ۴۳

۲ - یأس و ناامیدی پیامبر ( ص ) ، از ایمان آوردن مشرکان مکه

و قیله یربّ إنّ هؤلاء قوم لایؤمنون

یأس از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵،۷

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند ( یهودیان )

قومًا غضب اللّه علیهم قد یئسوا من الأخره

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد; بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند; ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

۷ - یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی ، گناهی است بزرگ .

قومًا غضب اللّه علیهم قد یئسوا من الأخره

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <قد یئسوا. ..>، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

یأس از پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۶

۶ برخی از مؤمنان مأیوس از پیروزی در جنگ بدر و مطمئن به شکستی مرگ آفرین در آن کارزار

یجدلونک . .. کأنما یساقون إلی الموت و هم ینظرون

یأس از تخفیف عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۹ – ۳

۳ – ناامیدی دوزخیان از نجات کامل خود از عذاب جهنم و یا تخفیف و بخشش عمده آن

ادعوا ربّکم یخفّف عنّا یومًا من العذاب

دوزخیان، از نگهبانان جهنم درخواست تخفیف تنها یک روز و اندکی از عذاب

خود را دارند. از این نکته می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

یأس از رحمت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۴ – ۱۰

۱۰ – گنهکاران نباید از شمول فضل و رحمت خداوند ، ناامید باشند .

ثم تولیتم . .. فلولا فضل اللّه علیکم و رحمته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹ – ۲

۲ آدمی ، به هنگام از دست دادن امکانات و موهبت های دنیوی ، از رحمت الهی مأیوس شده و تدبیر خداوند در هستی را منکر می شود .

و لئن أذقنا الإنسن . .. إنّه لیئوس کفور

<کفور> می تواند از کفر که به معنای انکار است گرفته شده باشد. بر این اساس جمله <إنه ... کفور> اشاره به این دارد که: انسان در پی برخوردار شدن از نعمت و سلب آن نعمت از وی چنین می پندارد که تبدیلها و تغییرها در هستی به دست خداوند نیست و از اختیار او بیرون است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۶ – ۶

۶- یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، از گناهان بزرگ و امری بس نکوهیده

و من یقنط من رحمه ربّه إلاّ الضالّون

اینکه خداوند یأس از رحمت خویش را عمل گمراهان قرار داد و مأیوسان را برابر گمراهان شمرده است، بیانگر بزرگی این عمل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۶ – ۹

۹ – دل خوش شدن به مظاهر مادی دنیا ،

به هنگام برخورداری از آنها ، و مأیوس شدن از رحمت خدا ، با از دست دادن امکانات ، ناپسند و مذموم است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سیّئه . .. إذا هم یقنطون

آیه، درصدد توبیخ و سرزنش چنین روحیه ای است و <إذا> که فجاییه است، می تواند مؤید این نکته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند ( یهودیان )

قومًا غضب اللّه علیهم قد یئسوا من الأخره

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد; بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند; ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۸

۸ انسان ها نباید علی رغم ارتکاب گناهان بسیار و یا گرفتار شدن به ارتداد ، از پذیرش توبه خویش و مغفرت و رحمت الهی مأیوس باشند .

و الذین عملوا السیئات . .. إن ربک من بعدها لغفور رحیم

کلمه <السیئات> جمع <سیئه> است و <ال> در آن مفید استغراق و شمول می باشد.

یأس از عوامل طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۹،۱۰،۱۵

۹- نقش مؤثر دعا در فرزنددار شدن انسان ، حتی در سالخوردگی و هنگام یأس از تأثیر عوامل طبیعی

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر

إسمعیل و إسحق إن ربّی لسمیع الدعاء

۱۰- امکان فرزنددار شدن انسان در سالخوردگی و هنگام یأس از تأثیر عوامل طبیعی ، با اراده و مشیت الهی

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربّی لسمیع الدعاء

۱۵- دعا ، راه امیدی برای مأیوس شدگان از عوامل طبیعی و عادی در رسیدن به مطلوب خویش

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربّی لسمیع الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۴

۴- در لحظه های دشوار ، کارآمد نبودن قدرت های غیر الهی برملا می شود و از اسباب ظاهری قطع امید می گردد .

و إذا مسّکم . .. ضلّ من تدعون

یأس از غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۷

۷ یأس از غیر خداوند و دعای خالصانه به درگاه او، از اسباب استجابت سریع دعا

بل إیاه تدعون فیکشف ما تدعون إلیه

حرف <فاء> برای افاده معنی ترتیب بدون انفصال است. بنابراین میان <تدعون> و <فیکشف> فاصله ای فرض نشده است.

یأس از گمراهگری مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۵

۵ - خداوند ، مشرکان و کافران صدر اسلام را از گمراه کردن مؤمنان هدایت یافته ، مأیوس ساخت .

و من یهد اللّه فما له من مضلّ

یـادآوری گمراه نشـدن هـدایت یافتگـان (مؤمنـان)، می توانـد به منظور مأیوس ساختن کافران و مشـرکان در تبلیغات و تلاش هایشان علیه اسلام و مسلمین باشد.

یأس از گمراهی آدم(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۱۵

۱۵- شیطان ، ناتوان و ناامید از به دام افکندن آدم ( ع ) و گمراه ساختن او

لأحتنكنّ ذريّته إلاّ قليلاً

تأکید ابلیس بر گمراه ساختن ذریه آدم(ع) و به میان نیاوردن نامی از خود او، می تواند مشعر به مطلب فوق باشد.

یأس از محتضر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۷ - ۲

۲ - لحظه ناامیدی حاضران بر بستر محتضر و بر زبان آوردن کلمات یأس ، شایان یادآوری برای دلبستگان دنیا

و قيل من راق

یأس از مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۳

۳ اصرار کفرپیشگان بر تکذیب پیامبران و عناد و لجاجت آنان ، موجب یأس پیامبران از موفقیّت خویش و ایمان آوردن قومشان

حتّى إذا استيئس الرسل

متعلق <استیئس> ایمان آوردن مردم و موفقیت پیامبران است.

یأس از هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ - یأس پیامبر ( ص ) از هدایت مشرکان و کافران ، در نیمه نخست رسالت ( دوره مکه )

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیه یختلفون

درخواست داوری خداونـد که به معنای دخالت خداوند با شـکست مشـرکان در دنیا و یا کیفر دادن در آخرت است می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۹ - ۷

۷ - لزوم ارشاد تمام مردم ، هر چند امیدی به پندپذیری برخی

از آنان نیست .

فذکّر إن نفعت الذکری

چنانچه مراد از <إن>، تشکیک باشد، جمله <إن نفعت الذکری> قید <ذکّر> نخواهد بود; بلکه جمله معترضه ای است که تعریض به وجود افراد تذکرناپذیر در بین مردم دارد. مفاد آیه در این احتمال این است که باید همه مردم را ارشاد کرد ولی مگر تذکر سودی دارد؟! این تعبیر علاوه بر اظهار یأس از سودمندی تذکر برای گروهی از مردم، بر نکوهش آنان نیز دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۶

۶ برخی مردم در مرحله ای از گمراهی قرار می گیرند که دیگر امیدی به هدایت آنان نیست.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه

در این آیه گویا مردم به دو بخش تقسیم شده اند: یک دسته به دعوت پیامبر(ص) پاسخ مثبت می دهند و دسته ای دیگر به تعبیر آیه <الموتی> هستند. و همان گونه که امید به زنده شدن مرده در این جهان واهی است، نمی توان به هدایت این گونه افراد امیدی داشت.

یأس از هدایت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۲

۲- انبیا از هدایت شدن اقوام کافر ناامید شدند و آنان رانفرین کردند .

قالت لهم رسلهم . .. و استفتحوا

انبیا پس از ارائه بیّنات و چند گفت و گو با کافران و تهدید شدن از سوی آنان و اعلام تهدید خداوند، از خداوند طلب پیروزی برای خویش کردند و این نشانگر این است که آنان امیدی به هدایت اقوام خویش نداشتند.

یأس از هدایت انسان ها

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۶ – ۹

۹ مبلغان دینی ، پس از یأس از هدایت پذیری انسانها ، موظف به ابلاغ و بیان معارف الهی نیستند .

فلاتبتئس بما کانوا یفعلون

یأس از هدایت بت پرستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۶ – ۴

۴ – نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

یأس از هدایت حق ناپذیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۶ – ۴

۴ – نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

یأس از هدایت فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۴ – ۴

۴ – مؤمن آل فرعون ، پس از تلاش گسترده هدایتگرانه اش ، از تأثیرپذیری قومش مأیوس شد .

فستذکرون ما أقول لکم

از تعبیر و آهنگ <فستذکرون ما أقول لکم> (پس به زودی آنچه را به شمامی گویم به یاد خواهید آورد) استفاده می شود

که مؤمن آل فرعون، از هدایت پذیری مردم مأیوس بود.

یأس از هدایت قوم ابراهیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۹ – ۱۱

۱۱ – ناامید شدن ابراهیم ( ع ) ، از هدایت قومِ بت پرست خویش

و قال إنّی ذاهب

إلی ربّی سیهدین

از تصمیم ابراهیم(ع) برای هجرت از شهر خود پس از نجات یافتن از آتش افروزی مشرکان علیه ایشان برداشت یاد شده به دست می آید.

یأس از هدایت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۱

۱ - التجای نوح ( ع ) به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

در این آیه ظرف <قال> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <قال بعد ما آیس من إیمانهم>. <باء> در <بما کذّبون> سببیه و <ما> مصدریه است. بنابراین <بما کذّبون>، به تأویل <بسبب تکذیبهم إیّای> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۲

۲ - یأس و ناامیدی نوح ( ع ) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۴

۴ - ناامیدی کامل نوح ( ع ) ، از نجات یافتن قومش از گمراهی و ستم پیشگی

و لاتزد الظلمین إلاّ ضللاً

نفرین نوح(ع) علیه قومش، نشانه آن است که آن حضرت از هدایت یافتن آنان کاملاً مأیوس بود; زیرا اصولاً پیامبران الهی

برای هـدایت مردمـان مبعوث شدنـد و نوح(ع) نیز سالیانی دراز؛ قومش را به هـدایت دعوت کرد و چون آنان نپذیرفتنـد، علیه آنان نفرین فرمود.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۷

۷ نومیدی نوح ( ع ) از هدایت یابی قومش و آگاهی او از ناشایستگی آنان برای ایمان ، زمینه ساز رفع اندوه از او

لن یؤمن من قومک . .. فلاتبتئس بما کانوا یفعلون

برداشت فوق ، از تفریع <لا-تبتئس> بر اِخبار از ایمان نیاوردن کافران استفاده شده است؛ یعنی ، حال که از هدایت نیافتن کافران آگاه شدیو احساس مسؤولیت نمی کنی، زمینه ای برای اندوه وجود ندارد پس غمگین مباش.

یأس از هدایت قوم یونس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۵

۵ - یأس و ناامیدی یونس پیامبر ، از هدایت قوم خویش

إذ أبق إلی الفلک المشحون

فرار یونس(ع) از میان قوم خود، می تواند به دلیل یأس او از هدایت آنان باشد.

یأس از هدایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۱۱

۱۱- هجرت از سرزمین کفر ، پس از ناامیدی از هدایت کافران و ناتوانی از ایفای وظایف ، امری ضروری و بایسته

و إن لم تؤمنوا لی فاعتزلون . .. فأسر بعبادی

تکلیف هجرت، پس از شکوه موسی(ع) از فراگیری جرم و نفوذناپذیری فرعونیان در برابر حق و ادامه تعرض های آنان نسبت به بنی اسرائیل، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۴

۴ – نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و

روا

و قال نوح ربّ لاتذر على الأرض من الكفرين ديّارًا

يأس از هدايت مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۲

۲ - يأس و نااميدى پيامبر ( ص ) ، از هدايت مشركان در مرحله نخست رسالت خويش

فاعبدوا ما شئتم من دونه

برداشت ياد شده با توجه به امر تهديدى <فاعبدوا. ..> و مكى بودن اين سوره و آيات مورد بحث است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۰۲ - ۷

۷ پيامبر اكرم ( ص ) از سوى خداوند دستور يافت يأس و نوميدى خود را نسبت به هدايت يافتن مشركان ابلاغ كرده و اعلان كند كه در انتظار نزول عذاب بر آنان به سر مى برد .

فهل ينتظرون . .. قل فانتظروا إنى معكم من المنتظرين

يأس ازهدايت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۷

۷ نوميدى نوح ( ع ) از هدايت يابى قومش و آگاهى او از ناشايستگى آنان براى ايمان ، زمينه ساز رفع اندوه از او

لن يؤمن من قومك . .. فلاتبتئس بما كانوا يفعلون

برداشت فوق ، از تفريع <لا-تبتئس> بر اِخبار از ايمان نياوردن كافران استفاده شده است; يعنى ، حال كه از هدايت نيافتن كافران آگاه شديو احساس مسؤوليت نمى كنى، زمينه اى براى اندوه وجود ندارد پس غمگين مباش.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۱

۱ - التجای نوح (ع ) به درگاه پروردگار ، پس از

ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

در این آیه ظرف <قال> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <قال بعد ما آیس من إیمانهم>. <باء> در <بما کذّبون> سببیه و <ما> مصدریه است. بنابراین <بما کذّبون>، به تأویل <بسبب تکذیبهم إیّای> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۲

۲ - یأس و ناامیدی نوح ( ع ) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۴

۴ - ناامیدی کامل نوح ( ع ) ، از نجات یافتن قومش از گمراهی و ستم پیشگی

و لاتزد الظلمین إلاّ ضللاً

نفرین نوح(ع) علیه قومش، نشانه آن است که آن حضرت از هدایت یافتن آنان کاملاً مأیوس بود; زیرا اصولاً پیامبران الهی برای هدایت مردمان مبعوث شدند و نوح(ع) نیز سالیانی دراز; قومش را به هدایت دعوت کرد و چون آنان نپذیرفتند، علیه آنان نفرین فرمود.

یأس انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۸

۱۸ < قال المأمون : . . . یا أباالحسن ( ع ) فاخبرنی عن قول الله عزوجل : < حتّی إذا استیأس الرسل و ظنّوا أنّهم قد کذبوا جائهم نصرنا > قال الرضا ( ع ) یقول الله عزوجل : < حتی إذا استیأس الرسل >

من قومهم و ظنّ قومهم أن الرسل قد كذبوا جاء الرسل نصرنا . . . ;

مأمون [به امام رضا(ع)] گفت: ای اباالحسن! پس مرا خبر ده از سخن خداوند عزوجل: <حتّی إذا استيأس الرسل و ظنّوا أنهم قد كذبوا جائهم نصرنا> امام رضا(ع) فرمود: خداوند می فرمايد: تا آن گاه كه رسولان از قوم خود نااميد شدند و قومشان گمان كردند رسولان دروغ گفته اند، ياری ما برای پيامبران رسيد . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱۵ - ۲

۲- انبيا از هدايت شدن اقوام كافر نااميد شدند و آنان رانفرين كردند .

قالت لهم رسلهم . .. و استفتحوا

انبيا پس از ارائه بيّنات و چند گفت و گو با كافران و تهديد شدن از سوی آنان و اعلام تهديد خداوند، از خداوند طلب پيروزی برای خويش كردند و اين نشانگر اين است كه آنان اميدی به هدايت اقوام خويش نداشتند.

يأس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۶

۶ حالات روحيو روانی انسان ( نااميدی ، شادمانی مفرط ، تكبر و . . . ) حتی باكمترين سختيو رفاه تغييرپذير است .

و لئن أذقنا الإنسن . .. إنّه ليئوس كفور. و لئن أذقنه نعماء ... إنّه لفرح فخور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - خداوند ، فرو فرستنده باران ، پس از نااميدی انسان از بارش آن

و هو الذی ينزّل الغيث من بعد ما قنطوا

۲ - خداوند ، تنها پناهگاه انسان و نويددهنده او

در مشکلات و ناامیدی ها است .

و هو الذی ینزّل الغیث من بعد ما قنطوا

آیه شریفه با طرح نزول باران در شرایط ناامیدی، ضمن اشاره به رحمت گسترده الهی، ناظر به این نکته است که در بدترین شرایط هم نباید ناامید شد و باید به خدا پناه برد.

یأس برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۲،۴

۲ فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین ، در کناری به دور از یوسف و کارگزارانش برای چاره اندیشی درباره مشکل پیش آمده به مشورت و گفت و گوی محرمانه پرداختند .

فلما استیئسوا منه خلصوا نجیًّا

از معانی <خلوص> اعتزال و کناره گیری کردن است. <نجیّ> به فرد و یا افرادی اطلاق می گردد که در نهان با او گفت و گو شود. این کلمه در آیه شریفه حال برای فاعل <خلصوا> می باشد. بنابراین <خلصوا نجیّاً> ; یعنی، برادران یوسف از دیگران جدا شدند و با یکدیگر به نجوا و گفت و گوی سرّی پرداختند.

۴ بازگشت همگان به کنعان ، نظر و رأی اکثریت فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین

قال کبیرهم ألم تعلموا . .. فلن أبرح الأرض

استفهام در <ألم تعلموا . ..> استفهام توبیخی است. از نتیجه ای که <لاوی>، فرزند ارشد یعقوب، در سخنان خویش بیان می دارد (فلن أبرح الأرض ; از دیار مصر نمی روم) معلوم می شود منشأ توبیخ و سرزنش او از برادرانش این بوده که آنان را مصمم بر بازگشت می دیده است.

یأس جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۲

مؤمنون – ۲۳ – ۷۷ – ۲

۲ – یأس کافران از نجات و رهایی ، پس از قرار گرفتن در تنگنای عذاب جهنم

عذاب شدید إذا هم فیه مبلسون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۹ – ۳

۳ – ناامیدی دوزخیان از نجات کامل خود از عذاب جهنم و یا تخفیف و بخشش عمده آن

ادعوا ربّکم یخفّف عنّا یومًا من العذاب

دوزخیان، از نگهبانان جهنم درخواست تخفیف تنها یک روز و اندکی از عذاب خود را دارند. از این نکته می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

یأس حق ناپذیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۱ – ۱۰

۱۰ – یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلی خروج من سبیل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

یأس خویشاوندان محتضر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۷ – ۲

۲ – لحظه ناامیدی حاضران بر بستر محتضر و بر زبان آوردن کلمات یأس ، شایان یادآوری برای دلبستگان دنیا

و قیل من راق

یأس داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۸ – ۴

۴ داود و عیسی ( ع ) ، مأیوس از ایمان کفرپیشگان قوم خویش *

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

طرد ولعن کافران بنی اسرائیل از سوی داود و عیسی(ع) حکایت از

یأس و نومیدیشان از هدایت یافتن آن گروه دارد.

یأس در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۳ – ۶۸

۶– انسان ، در برخورد با کمترین سختی ها و ناگواری ها ، دچار یأس و سرخوردگی شدید می شود .

و إذا مسّه الشرّ کان یوسًا

تعبیر از گرفتار شدن به شرّ و سختی به <مسّه الشرّ> (شر او را مس کند) حاکی از کمترین ناگواری است.

۸– اعراض از خدا در حال رفاه ، و به پوچی و یأس رسیدن در ناگواری ها ، بیماری محرومان از هدایت قرآن است .

و ننزّل . .. شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا . و إذا أنعمنا ع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۹ – ۶

۶ – حرص و آز در شرائط رفاه و یأس و ناامیدی به هنگام سختی ، امری ناپسند وموردنکوهش

لایسئم الإنسن من دعاء الخیر و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط

با توجه به لحن نکوهش آمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۷

۷ – ناامیدی و منفی بافی مفرط در سختی ها و سرخوشی مستانه در آسایش ، دو خصلت ناشایست و همگن

و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط . و لئن أذقنه رحمه منّا من بعد ضرّاء مسّته لیقولنّ ه

یأس در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۲ – ۳،۷

۳ – جرم و گناه ، عامل ناامیدی انسان ، در

قیامت است .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

۷ - بدکارانِ دروغ انگارِ آیات الهی ، در روز قیامت ، ناامید و اندوه ناک اند .

ثمّ کان عقبه الذین أسئوا السوأی أن کذّبوا بأیت اللّه . .. و یوم تقوم الساعه ی

یأس دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۸

۸ - پیامبراسلام ( ص ) موضع قاطع و سازش ناپذیری خود را حتی در صورت تنها ماندن به دشنان اعلام کرد و آنان را از امید بستن به سازش و تسلیم مأیوس ساخت .

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم إنّی عمل فسوف تعلمون

یأس دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۲۶

۲۶ روز نصب حضرت علی ( ع ) به امامت و رهبری ، روز یأس دشمنان دین از شکست اسلام

الیوم یئس الذین کفروا . .. الیوم اکملت لکم دینکم

سیاق و لحن آیه حکایت از آن دارد که بین این دو فراز از آیه (یعنی <الیوم یئس> و <الیوم اکملت>)، ارتباط کامل وجود دارد و می رساند که یأس دشمنان، ریشه در اکمال و اتمام دین دارد و این کمال و تمامیت با توجه به شأن نزول با نصب حضرت علی(ع) تحقق پذیرفته است.

یأس زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۰ - ۲

۲ ملاحظه عوامل طبیعی ، عامل یأس زکریا از اعطای فرزند به او

قال ربّ انّی یکون لی غلام و قد بلغنی الکبر و امراتی عاقر

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵ – ۹

۹- زکریا ، طبق عوامل عادی و طبیعی ، از فرزنددار شدن خود ، ناامید بود .

و کانت امرأتی عاقرًا فهب لی من لدنک ولیًّا

یأس زلیخا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۴ – ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف ( ع ) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهنّ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهنّ> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مراوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

یأس زنان اشراف مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۴ – ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف ( ع ) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهنّ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهنّ> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مراوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در

آیه بعـد، مؤیـد این نکته است که یأس زنان و انصـرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

یأس شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۹ – ۲۵

۲۵ شـعیب ( ع ) پس از یـأس از ایمـان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداونـد از وی خواست تا بین او و کفرپیشـگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۳ – ۲

۲ ناامیدی و یأس شعیب ( ع ) از ایمان آوردن کفرپیشگان مردم مدین

اعملوا علی مکانتکم . .. سوف تعلمون ... وارتقبوا

جمله هایی نظیر <هرچه از دسـتتان برمی آیـد کوتاهی نکنیـد ، بر مواضع ناصوابتان بمانیـد ، به زودی خواهید دانست و منتظر باشـید> سـخنانی است که آدمی پس از یأس و ناامیـدی ، به زبان می آورد. گفتنی است که: <ارتقاب> (مصـدر ارتقبوا) به معنای انتظار کشیدن است.

یأس شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۸ – ۵

۵ شیطان ، مأیوس از گمراه شدن گروهی از مردم توسط وی

و قال لاتخذن من عبادک نصیباً مفروضاً

شیطان، بی تردید خواهان گمراهی تمامی مردم است; بنابراین گفته او که برخی از بندگان را به اطاعت از خود خواهم گرفت، حکایت از ناامیدی او نسبت به اغوای همه مردم دارد.

یأس عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۴

۴ داود و عیسی ( ع ) ، مأیوس از ایمان کفرپیشگان قوم خویش *

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

طرد ولعن کافران بنی اسرائیل از سوی داود و عیسی(ع) حکایت از یأس و نومیدیشان از هدایت یافتن آن گروه دارد.

یأس غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ خدافراموشان، دارای چهره هایی مأیوس و اندوهبار به هنگان نزول عذاب الهی

فلما نسوا به . .. فإذا هم مبلسون

ابلاس به معنی ناامید و متحیر شدن است. (قاموس اللغه). ابلاس به حزن و اندوهی گفته می شود که از شدت سختی بر کسی عارض شود. (مفردات راغب).

یأس فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۶

۶ - فرعون از پیروزی خود در برابر معجزه موسی ( ع ) مأیوس شده و تنها به حمایت ساحران چشم دوخته بود .

قال نعم و إنّکم إذًا لمن المقرّبین

تلاش فرعون برای جلب حمایت ساحران از خود، به هر قیمت ممکن و بیش از انتظار آنها، گویای برداشت یاد شده است.

یأس قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۸

۸قوم ثمود ، امید های خویش درباره صالح ( ع ) را به خاطر مبارزه او علیه شرک ، بر باد رفته می دیدند .

قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

قید <قبل هذا> دلالت بر قطع

امید قوم ثمود از صالح(ع) دارد و جمله <أتنهنا> بیانگر دلیل و علت آن است.

یأس قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۸

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاب فساد ها و ارتکاب رفتار های پلید و ناروا

إنهم أناس یتطهرون

به کارگیری فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ تنها کفرپیشگان به یاری خدا امید ندارند و از رحمت او مأیوسند .

لایأْیئس من روح الله إلاّ القوم الکفرون

مراد از <کافرون> در آیه شریفه ، منکران قدرت خدا و رحمت آفرینی او و آگاهیش به نیاز بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۲

۲ - یأس کافران از نجات و رهایی ، پس از قرار گرفتن در تنگنای عذاب جهنم

عذاب شدید إذا هم فیه مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۵

۵ – قطع امید کافران از همه عوامل مادی و احساس بی پناهی کامل در هنگام مرگ

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۹ – ۷

۷ – یأس و نا امیدی کافران از دستیابی به اهداف و آرمان های خود

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن

ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یحسبه الظمأن. ..لم یجده شیئاً> مربوط به دنیا باشد; یعنی، در همین دنیا است که کافران همچون تشنگان، به نتیجه اعمال خود و در پی نیل به اهداف خویش اند; ولی به آن دست نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلی خروج من سبیل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۴

۴ - کافران ، مأیوس و ناتوان از مقابله با پیامبر ( ص ) و پیشگیری از دعوت آن حضرت

نتربّص به ریب المنون

پناه بردن کافران به آرزو و دلبستن به حادثه، نشانه یأس آنان از مقابله کارساز با پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۲

۲ - مرگ ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبیر های خویش و نقطه های امید

فیه یصعقون . یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئًا

در صورتی که <یومهم الذی. ..> در آیه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۳

۳ - پیامبر ( ص ) در گفتوگو با کافران ، ناامیدی خود

را از ایمان آنان ابراز کرد و آنها را از مشرک شدن خویش ، مأیوس ساخت .

لکم دینکم و لی دین

یأس گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۶ – ۱

۱– در پی توصیه ملائکه به ابراهیم ( ع ) برای اجتناب از یأس ، او تنها گمراهان را مأیوس از رحمت خداوند خواند .

فلاتکن من القنطین . قال و من یقنط من رحمه ربّه إلاّ الضالّون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۳ – ۸

۸– اعراض از خدا در حال رفاه ، و به پوچی و یأس رسیدن در ناگواری ها ، بیماری محرومان از هدایت قرآن است .

و ننزّل . .. شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا . و إذا أنعمنا ع

یأس گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۴ – ۲۵

۲۵ گنهکار نباید از آمرزش و رحمت خداوند مأیوس باشد.

من عمل منکم سوءاً . .. فأنه غفور رحیم

یأس گناهکاران صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۴ – ۲۲

۲۲ برخی مردم در صدر اسلام، با وجد علاقه به اسلام، به سبب گناهان و خلافهای گذشته خود امید راه یافتن به جرگه

مؤمنان را نداشتند.

و إذا جاءك الذين يؤمنون بأيتنا فقل سلم عليكم . .. أنه من عمل منكم سوءاً بجهله

<إذا جاءك الذين يؤمنون> دلالت دارد که برخی از مردم، که متمایل به اسلام بودند، نزد پیامبر(ص) می آمدند، ولی از عملکرد

گذشته خویش بیمناک بودند. آیه شریفه با وعده رحمت و مغفرت به آنان در صدد جذب سریعتر آنان به ایمان است.

یأس لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۹ – ۱

۱ – ناامیدی لوط ( ع ) از هدایت پذیری قوم خویش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

اقدام لوط(ع) به طرح درخواست نجات از پیشگاه خداوند، نشان می دهد که او از هدایت قومش کاملاً مأیوس شده بود.

یأس محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲۱ – ۲

۲ پیامبران ، در صورت ناامیدی از ایمان آوردن کفرپیشگان ، وظیفه ای از جهت تبلیغ رسالت ، برعهده نداشتند .

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم إنا عملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۵ – ۳

۳- پیامبر ( ص ) ، از هدایت یافتن گروهی از کفرپیشگان عصر بعثت مأیوس بود .

قل کلّ متربّص فتربّصوا فستعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۵ – ۲

۲ – یأس و ناامیدی پیامبر ( ص ) ، از هدایت مشرکان در مرحله نخست رسالت خویش

فاعبدوا ما شئتم من دونه

برداشت یاد شده با توجه به امر تهدیدی <فاعبدوا. ..> و مکی بودن این سوره و آیات مورد بحث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۳

۳ - ناامیدی و یأس پیامبراسلام ( ص ) از ایمان آوردن کفرپیشگان در نیمه نخست رسالت

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم إنّی

عمل فسوف تعلمون

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، از ایمان آوردن مردم مکه ناامید بود. ازاین رو آنان را به خودشان وانهاده و به آنان فرمود: هر چه از دستتان برمی آید، انجام دهید و بر مواضع نادرست خود باقی بمانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ - یأس پیامبر ( ص ) از هدایت مشرکان و کافران ، در نیمه نخست رسالت ( دوره مکه )

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیه یختلفون

درخواست داوری خداوند که به معنای دخالت خداوند با شکست مشرکان در دنیا و یا کیفر دادن در آخرت است می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۸ - ۲

۲ - یأس و ناامیدی پیامبر ( ص ) ، از ایمان آوردن مشرکان مکه

و قیله یربّ إنّ هؤلاء قوم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۳،۶

۳ - پیامبر ( ص ) در گفتوگو با کافران ، ناامیدی خود را از ایمان آنان ابراز کرد و آنها را از مشرک شدن خویش ، مأیوس ساخت .

لکم دینکم و لی دین

۶ - پیامبر ( ص ) پس از ناامیدی از ایمان کافران ، از آنان خواست برای پایبندی او به دین خود ، مشکل آفرین نباشند .

و لی دین

یأس مکذبان آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۳ – ۱

۱ – کافرانِ

به آیات الهی و لقاءاللّه ، از رحمت خداوند ، مأیوس اند .

و الذین کفروا بأیت اللّه و لقائه أولئک یئسوا من رحمتی

یأس مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۳

۳ - کافرانِ به قرآن ، مأیوس از رحمت خداوندند .

و الذین کفروا بأیت اللّه . .. أولئک یئسوا من رحمتی

یأس مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۱

۱ - کافرانِ به آیات الهی و لقاءاللّه ، از رحمت خداوند ، مأیوس اند .

و الذین کفروا بأیت اللّه و لقائه أولئک یئسوا من رحمتی

یأس موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۲

۲ ناامیدی موسی ( ع ) از حرکت بنی اسرائیل و مبارزه با جباران برای ورود به سرزمین مقدس

قال رب انی لااملک الا نفسی و اخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۶

۶ موسی ( ع ) از ایمان آوردن فرعونیان به خدا و پذیرش تعالیم وی ناامید شد .

عسی ربکم أن یهلك عدوکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۲ – ۳

۳- نفرین موسی ( ع ) به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از هدایت فرعونیان

و إن لم تؤمنوا . .. فدعا ربّه أنّ هؤلاء قوم مجرمون

<دعا> در مقام شکایت، دربردارنده درخواست مجازات است.

یأس مؤمن آل فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶

- غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۴

۴ - مؤمن آل فرعون ، پس از تلاش گسترده هدایتگرانه اش ، از تأثیرپذیری قومش مأیوس شد .

فستذکرون ما أقول لکم

از تعبیر و آهنگ <فستذکرون ما أقول لکم> (پس به زودی آنچه را به شمامی گویم به یاد خواهید آورد) استفاده می شود که مؤمن آل فرعون، از هدایت پذیری مردم مأیوس بود.

یأس مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۶

۶ برخی از مؤمنان مأیوس از پیروزی در جنگ بدر و مطمئن به شکستی مرگ آفرین در آن کارزار

یجدلونک . .. کأنما یساقون إلی الموت و هم ینظرون

یأس نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۲،۷

۲ خداوند ، درپی تلاش های حضرت نوح ( ع ) و مؤثر نبودن آن تلاشها ، او را از ایمان آوردن کفرپیشگان قومش مأیوس کرد .

و أُوحی إلی نوح أنه لن یؤمن من قومک إلاّ من قد ءامن

فاعل <لن یؤمن> کلمه ای همانند <أحد> می باشد; یعنی: <لن یؤمن أحد من قومک. > <إلاّ> به معنای <غیر> و صفت برای <أحد من قومک> است نه استثنای از جمله <لن یؤمن ...>; زیرا استثنای مؤمنان از جمله سابق، استثنای وجیه بلکه صحیحی نیست. بنابراین جمله <لن یؤمن ...> چنین معنا می شود: احدی از افراد غیر مؤمن قومت (کافران آنان) ایمان نخواهد آورد.

۷ نومیدی نوح ( ع ) از هدایت یابی قومش و آگاهی او از ناشایستگی آنان برای ایمان ، زمینه ساز رفع اندوه از او

لن یؤمن من

قومک . .. فلاتبتئس بما کانوا یفعلون

برداشت فوق ، از تفریع <لا ـ تبتئس> بر اِخبار از ایمان نیاوردن کافران استفاده شده است; یعنی ، حال که از هدایت نیافتن کافران آگاه شدیو احساس مسؤولیت نمی کنی، زمینه ای برای اندوه وجود ندارد پس غمگین مباش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۱

۱ - التجای نوح ( ع ) به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

در این آیه ظرف <قال> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <قال بعد ما آیس من إیمانهم>. <باء> در <بما کذّبون> سببیه و <ما> مصدریه است. بنابراین <بما کذّبون>، به تأویل <بسبب تکذیبهم إیّای> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۴

۴ - التجای نوح ( ع ) به ربوبیت خدا در شرایط یأس و هجوم مشکلات بر سر راه رسالتش

قال ربّ إنّ قومی کذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۳

۳ - ناامیدی شدید نوح ( ع ) از گرایش کافران قومش به ایمان و رنج عمیق وی از کفرورزی آنان

و نجّنی و من معی من المؤمنین

از این که نوح(ع) از پیشگاه خدا خواستار فیصله یافتن نزاع میان او و قومش شده است، نشان می دهد که او دیگر هیچ گونه امیدی به گرویدن قومش به خود نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۲،۵

## ۲ - یأس و ناامیدی

نوح ( ع ) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

۵ - غلبه همه جانبه قوم نوح بر آن حضرت و بستن تمامی راه های امید بر روی ایشان

أنّی مغلوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۴

۴ - ناامیدی کامل نوح ( ع ) ، از نجات یافتن قومش از گمراهی و ستم پیشگی

و لاتزد الظلمین إلّا ضللًا

نفرین نوح(ع) علیه قومش، نشانه آن است که آن حضرت از هدایت یافتن آنان کاملًا مأیوس بود; زیرا اصولًا پیامبران الهی برای هدایت مردمان مبعوث شدند و نوح(ع) نیز سالیانی دراز; قومش را به هدایت دعوت کرد و چون آنان نپذیرفتند، علیه آنان نفرین فرمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۲

۲ - ناامیدی کامل نوح ( ع ) از ایمان آوردن قومش و نجات آنان از گمراهی شرک و بت پرستی

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

یأس یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۵

۵ - یأس و ناامیدی یونس پیامبر ، از هدایت قوم خویش

إذ أبق إلى الفلك المشحون

فرار یونس(ع) از میان قوم خود، می تواند به دلیل یأس او از هدایت آنان باشد.

یأس یهود از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

- ۹۵ - ۱،۴

۱ - یهودیان ، هرگز - به خاطر یأس از سعادت اخروی - خواهان مرگ نبوده و هیچ گاه از آن استقبال نخواهند کرد .

و لن یتمنوه أبداً

۴ - یهودیان ، به خاطر ارتکاب گناهان ، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

یأس و امید

{یأس و امید}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ سرزنش مؤمنان به خاطر وجود یأس در میان آنان

الن یکفیکم ان یمدّکم ربّکم بثلثه الاف من الملئکه

لحن آیه با کلمه استفهام، دلالت بر توبیخ کسانی دارد که در نبردها و رویارویی با دشمنان دین، علی رغم وعده های الهی به امداد آنان، دچار دلهره و یأس می شوند و سستی میورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۲ - ۵

۵ امید برخورداری از رحمت الهی ، برانگیزاننده مردم برای پیروی خدا و رسول ( ص )

و اطیعوا اللّه و الرّسول لعلّکم ترحمون

## یاور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

یاور

محرومیت مشرکان از یاور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۹ – ۱۳

۱۳ – مشرکان هواپرست ، از داشتن هرگونه یاوری ، در برابر اراده الهی ، محروم اند .

فمن یهدی من أضلّ اللّه و ما لهم من نصرین

ملاک یاور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۲ – ۸

۸ – انسان ها ، دارای گرایشی درونی به قدرتی برتر جهت انتخاب ولیّ و یاورند .

و ما

لکم من دون اللّه من ولیّ و لانصیر

نفی مطلق غیرخدا برای ولایت و یاوری، مبتنی بر وجود خصلت یارطلبی و اتکا به ولیّ برتر است.

نیاز به یاور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان در قیامت ، نیازمند ولایت و یاوری است .

و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

یاور ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲

۲ - اسماعیل ( ع ) ، کمک کار پدرش ابراهیم ( ع ) در مسائل اجتماعی و زندگی

فلمّا بلغ معه السعی

از آمدن قید <معه> (در معیت او) برداشت یاد شده به دست می آید.

یاور اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۳ - ۴

۴ - خداوند ، یگانه معبود به حق و تنها پشتوانه انسان در قیامت

أین ما کنتم تعبدون . من دون اللّه هل ینصرونکم أو ینتصرون

یاور اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۵ – ۶

۶ – آتش دوزخ ، تنها یاور کافران و منافقان

هی مولیکم

یاور اخروی منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۵ – ۶

۶ – آتش دوزخ ، تنها یاور کافران و منافقان

هی مولیکم

یاور انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۱۰ – ۷

۷ خداوند ، یاری کننده پیامبران خویش و سرکوب کننده مخالفان ایشان

حتّی إذا استیئس الرسل .

.. جاءهم نصرنا

یاور انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۷

۷ برای انسان ها ، هیچ سرپرست و یاوری جز خداوند نیست .

و ما لكم من دون اللّه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۳

۳ خداوند بی مدد دیگران ، یاوری کافی برای انسان در زندگی و تأمین کننده نیاز های هدایتی او

و کفی بربّک هادیًا و نصیرًا

یاور انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۵،۱۰

۵ - انسان ها ، جز خداوند یاوری ندارند .

و ما لكم من دون اللّه من ولی و لانصیر

۱۰ - مالکیت و حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، مقتضی نبود هیچ سرپرست و یاوری برای بندگان جز او

له ملك السموت و الأرض و ما لكم من دون اللّه من ولی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۹

۹ تنها خداوند ، یاور و سرپرست انسانهاست .

و ما لکم من دون الله من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۲

۲- تنها ، خداوند ، قادر بر یاری رساندن در بحبوحه قطع همه اسباب ظاهری است .

هنالك الولیه للّه الحقّ

اهل لغت، تفاوتی را بین معنای <وِلایت> و <وَلایت> ذکر کرده اند و آن این که <وَلایت> به معنای نصرت است و <وِلایت> به معنای سرپرستی و تدبیر. گرچه برخی مفسران این

تفاوت را انکار کرده اند، (ر.ک: المیزان) ولی با توجه به موارد مشابه در آیات دیگر و نیز آیه قبل که سخن از نصرت است، به نظر می رسد این معنا در این مورد، اقرب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۳

۳ - خدا ، تنها دستگیر و یاور مردمان در دنیا و سرای آخرت

من کان یظنّ أن لن ینصره اللّه فی الدنیا و الأخره. .. هل یذهبنّ کیده ما یغیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۹

۹ - تنها خداوند ، ولی و یار و یاور حقیقی انسان است .

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء ما نعبدهم إلاّ لیقرّبونا إلی اللّه زلفی

محکوم شدن ولیّ و یاور گرفتن غیرخدا که از جمله بعد استفاده می شود (إنّ اللّه یحکم بینهم. ..) بیانگر این است که تنها خدا ولیّ و یاور حقیقی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۵

۵ - انسان ها ، هیچ گونه سرپرست و یاوری جز خداوند ندارند .

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لا نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۶

۶ - تنها خداوند ، سرپرست و یاور حقیقی انسان ها ، در دنیا و آخرت است .

ولا یغنی . .. ما اتّخذوا من دون اللّه أولیاء

یاور اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ -

۴- خداوند ، تنها یاور قابل اتّکا ، به هنگام عذاب و گرفتاری ها است .

هنالک الولیه للّه الحقّ

چنان چه <هنالک> اشاره به زمان عذابی باشد که <أُحیط بثمره> بر آن دلالت داشت، مراد این است که هنگام نزول عذاب، امید آدمی به اسباب، منقطع گشته و تنها نقطه امیدبخش، نصرت خدای یگانه است.

یاور دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۶

۲۶ - قدرت و عزت الهی ، ضامن نصرت قطعی دفاع کنندگان از حق و یاوران دین است .

و لینصرنّ اللّه من ینصره إنّ اللّه لقویّ عزیز

یاور مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۳۰

۳۰ - ستایش خدا از سرپرستی خود نسبت به مسلمانان و یاری رساندن به آنان

هو سمّیکم المسلمین. .. فنعم المولی و نعم النصیر

یاور مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۵

۵ - مشرکان ، معبود ها را یار و یاور خود می دانستند .

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء

<ولی> (مفرد <أولیاء>) در لغت به سه معنا آمـده است: محب، صـدیق و نصـیر (قاموس المحیط و مفردات راغب). در آیه شریفه به قرینه جمله بعد (ما نعبدهم إلاّ لیقرّبونا إلی اللّه) در معنای سوم به کاررفته است.

یاور موحدان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۶ - ۱۳

۱۳- خداوند ، فراهم آورنده شرایط مناسب ، برای استوار ماندن یکتاپرستان مهاجر ، بر عقیده توحیدی خویش

و یهیّیء

لکم من أمرکم مرفقًا

یاور موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۳

۳ برادر موسی ( هارون ) شریك او در دریافت وحی و یاور او در امر رسالت بود .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۳ - ۲

۲- هارون ( ع ) ، در خدمت اهداف موسی ( ع ) بود و او را در انجام رسالت های الهی اش یاری می کرد .

و وهبنا له . .. هرون

تعبیر <بخشیدن هارون به موسی> مبالغه در خدمت گزاری کامل او به اهداف الهی برادرش موسی(ع) است. <نبیّاً> حال است و بیانگر این که <هارون> در حالی که خود نیز پیامبر بود، کمر به خدمت موسی(ع) بسته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۵ - ۴

۴ - هارون ، یار و مددکار موسی ( ع ) در رسالت

ثمّ أرسلنا موسی و أخاه هرون

ذکر <اخوت> که در تعبیرات کنایی به معنای معین و پشتیبان به کار می رود علاوه براین که بیانگر نسبت سببی هارون با موسی(ع) است، می تواند اشعار به این نکته نیز داشته باشد که رسالت اصلی، بر دوش موسی بوده و رسالت هارون، یاری کردن و مدد رساندن به او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۵ - ۲،۵

۲ هارون ، برگزیده خداوند برای معاونت و یاری حضرت موسی ( ع

) در امر خطیر رسالت

و لقد ءاتینا موسی الکتب و جعلنا معه أخاه هرون وزیرًا

<وزیر> که از واژه <وزر> (به معنای ثقل) گرفته شده است اسم برای شخصی است که بارسنگین مسؤولیت پادشاهی را بر دوش گیرد و نقش مشاور او را داشته باشد و با رأی خود او را کمک کند (قاموس المحیط).

۵ رسالت و مسؤولیت اصلی هدایت و رهبری جامعه بر دوش حضرت موسی ( ع ) بود و هارون تنها نقش معاونت و مشاورت او را بر عهده داشت .

و لقد ءاتینا موسی الکتب و جعلنا معه أخاه هرون وزیرًا

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که دریافت کننده کتاب و شریعت، حضرت موسی(ع) بود و برادرش هارون، تنها به عنوان معاون و مشاور او معرفی گردیده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۲

۲ هارون ، شریک و همتای موسی ( ع ) در امر رسالت و تبلیغ فرعون و قوم او

و لقد ءاتینا موسی الکتب . .. أخاه هرون وزیرًا. فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّ

یاور مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۷ - ۱۰

۱۰- هدایت شدگان ، از عنایت خداوند و از مددکار و یاورانی برخوردار خواهند بود .

فمنهم من هدی الله و منهم من حقّت علیه الضلله . .. فإن الله لایهدی من یضلّ و ما

از آن جایی که خداوند مردم را دو گروه هدایت پذیر و گمراه معرفی کرده و گمراهان را محروم از هدایت خدا و یار و یاور دانسته است، به

قرینه مقابله می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

## یاوه گویی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار یاوه گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - یاوه گویی ، نشانه جهل و نادانی انسان است .

و إذا سمعوا اللّغو . .. و قالوا ... لانبتغی الجهلین

اجتناب از یاوه گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۵

۵ - رعایت ادب در سخن گفتن و پرهیز از بیهوده گویی ، امری ستوده و مورد توصیه خداوند

و إذا سمعوا اللّغو أعرضوا عنه

تهمت یاوه گویی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۱

۱۱ - اتهام یاوه سرایی ، حربه کافران علیه پیامبر ( ص ) و مؤمنان بود .

لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلّا مبطلون

باطل، در اصل، به معنای <بی ثبات و بی ریشه> است. گاهی، درباره کسی به کار برده می شود که مطلبی عاری از حقیقت بگوید (مفردات راغب).

تهمت یاوه گویی به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۱،۱۳

۱۱ - اتهام یاوه سرایی ، حربه کافران علیه پیامبر ( ص ) و مؤمنان بود .

لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلاّ مبطلون

باطل، در اصل، به معنای <بی ثبات و بی ریشه> است. گاهی، درباره کسی به کار برده می شود که مطلبی عاری از حقیقت بگوید (مفردات راغب).

۱۳ - کافران ، سخنان مؤمنان پیرو پیامبر ( ص ) را نیز عاری از حقیقت می دانستند .

و

لئن جئتهم بأيه ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلاّ مبطلون

جمع آورده شدن مخاطب كافران (إن أنتم. ..) در خطاب به پيامبر(ص) احتمال دارد از اين جهت باشد كه آنان، مى خواستند با اين موضع گيرى، مدافع فكرى براى پيامبر(ص) باقى نگذارند و گفته هاى مؤمنان را نيز پيشاپيش، مخدوش اعلام كنند.

كيفر ياوه گويى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۱۳ - ۳

۳ - تفتيدن بر آتش دوزخ ، جزاى كفر ، دروغ پردازى و ياوه سرايى عليه دين

قتل الخرّصون . .. يوم هم على النار يفتنون

كيفر ياوه گويى عليه انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ - عذاب دردناك و شديد ، كيفر ياوه سرايى عليه رسولان الهى است .

ما قد قيل للرسل . .. ذو عقاب أليم

ياوه گويى مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۸ - ۶

۶ - مخالفان پيامبر ( ص ) ، مردمى ياوه گو و باطل انديش بودند .

إذًا لأَرتاب المبطلون

<مبطل> به معناى <ياوه گو> و <مدعى بطلان حق> است.

ياوه گويان

اجتناب از مقابله به مثل با یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۲

۲ - پرهیز ایمان آوردگان از اهل کتاب ، از مقابله به مثل کردن در برابر سخنان یاوه و بی ادبانه افراد نادان

و إذا سمعوا اللّغو أعرضوا عنه

اجتناب از همنشینی با یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ -

قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۱۲

۱۲ - لزوم پرهیز از هم نشینی با افراد نادان و یاوه گو

لانبتغی الجهلین

ترک گفتگو با یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۹

۹ - لزوم قطع گفتو گو با یاوه گویان ، جدا شدن از آنها و ر ها کردن آنان به حال خویش

و قالوا . .. سلم علیکم

<سلام علیکم> معادل تعبیر <بدرود> است که در وقت تودیع گفته می شود.

روش برخورد با یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۱،۳،۴،۱۰

۱ - مواجه شدن ایمان آوردگان از اهل کتاب ، با یاوه گویی مخالفان نادان

الذین ءاتینهم الکتب من قبله . .. و إذا سمعوا اللّغو أعرضوا عنه

۳ - ستایش خداوند از ایمان آوردگان اهل کتاب به خاطر رفتار پسندیده آنان در برابر یاوه گویان

و إذا سمعوا اللّغو أعرضوا عنه

۴ - سکوت در برابر یاوه گویان ، نمودی از بردباری ایمان آوردگان از اهل کتاب

أُولئک یؤتون أجرهم مرّتین بما صبروا . .. و إذا سمعوا اللّغو أعرضوا عنه

۱۰ - رعایت ادب و حفظ منش بزرگوارانه از سوی ایمان آوردگان از اهل کتاب به هنگام جدا شدن از یاوه گویان و وانهادن آنان به حال خویش

و قالوا . .. سلم علیکم

سرزنش مقابله به مثل با یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۶

۶ - مقابله به مثل کردن در برابر یاوه گویی جاهلان ، امری نکوهیده در بینش الهی و به دور از شأن مؤمنان

و

إذا سمعوا اللّغو أعرضوا عنه

نفرين بر یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخرّصون

## یتیم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{یتیم}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر ( ص ) درباره ایتام

و یسئلونک عن الیتامی

آثار اجتناب از احترام یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۵ - ۲

۲ - ترک یتیم نوازی ، بی توجّهی به تغذیه فقیران ، تصاحب ارث دیگران و دلبستگی شدید به ثروت ، مایه گرفتاری به عذابی بی نظیر در قیامت

فیومئذ لایعذّب عذابه أحد

ضمیر <عذابه>، ممکن است به انسان برگردد که در آیات پیشین ویژگی های او بیان شده بود. در این صورت عذاب که اسم مصدر و به معنای تعذیب است به مفعول خود اضافه شده است و مفاد آیه شریفه این است که عذاب کردن آن فرد، به گونه ای انجام می گیرد که کسی جز خداوند آن گونه عذاب نمی کند.

آثار احترام یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۸

۸ - راه دستیابی به عزّت و گران قدری در پیشگاه خداوند ، گرامی داشتن یتیمان است ; نه برخورداری از رفاه و ثروت .

و نعّمه فیقول ربّی أکرمن . .. کلاّ بل لاتکرمون الیتیم

آثار انفاق به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹

- انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۷

۷ – وفای به نذر ، خوف از قیامت و دستگیری خالصانه از بینوایان ، یتیمان و اسیران ، موجب بهره مندی از پاداش های بهشتی و مورد ستایش و قدردانی خداوند

یوفون بالنذر و یخافون یومًا . .. إنّ هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورًا

آثار بلوغ یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۱۲

۱۲– عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران ، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

و لاتقربوا . .. حتی یبلغ أشدّه

با توجه به اینکه پیام آیه، در راستای حقظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و <حتی یبلغ أشدّه> غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتام است; بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

آثار بی احترامی به یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۷ – ۹

۹ – ذلّت و خواری در پیشگاه خداوند ، نتیجه بی احترامی به یتیمان است ; نه کاهش ثروت .

ربّی أهنن . کلّا بل لاتکرمون الیتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۶ – ۳

۳ – کسانی که یتیمان را گرامی نداشته و بر

تغذیه مساکین توصیه نمی کنند و به ناحق ارث دیگران را تصرف کرده و به مال دنیا دل بسته اند ، در قیامت به سخت ترین شکل به بند کشیده خواهند شد .

لاتکرمون . .. لاتحضّون ... تأکلون ... تحبّون ... و لایوثق وثاقه أحد

ممکن است ضمیر <وثاقه> به <الإنسان> برگردد. در این صورت <وثاق> به مفعول خود اضافه شده است.

آثار تحقیر یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۷ – ۴

۴ – خداوند ، کسانی را که به شخصیت یتیمان بها ندهند ، گرامی نخواهد شمرد .

یقول ربّی أکرمن . .. کلّا بل لاتکرمون الیتیم

آثار ترشرویی با یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ماعون – ۱۰۷ – ۲ – ۴

۴ – ترش رویی در برابر یتیمان و رد خواسته های آنان ، دورسازنده انسان از قرب به خداوند است .

فذلک

<ذلک>، اسم اشاره ای است که برای دور به کار می رود و در آیه شریفه یا برای تحقیر به کار رفته و یا نشانگر دوری از خداوند است.

آثار رد خواسته های یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ماعون – ۱۰۷ – ۲ – ۴

۴ – ترش رویی در برابر یتیمان و رد خواسته های آنان ، دورسازنده انسان از قرب به خداوند است .

فذلک

<ذلک>، اسم اشاره ای است که برای دور به کار می رود و در آیه شریفه یا برای تحقیر به کار رفته و یا نشانگر دوری از خداوند است.

آثار ولایت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۱۷

۱۷– قبول سرپرستی اموال یتیم ، تعهدی مسؤولیت آور است . *

و لاتقربوا مال الیتیم . .. و أوفوا بالعهد إن العهد کان مسئولاً

احتمالاً ـ <أوفوا. ..> بـا توجه به اینکه پس از جمله <لا ـ تقربوا مـال الیتیم> آمـده است، از نوع ذکر عام پس از خاص باشـد. بنابراین کفالت اموال یتیمان، می تواند از موارد معاهدات باشد.

آثار یتیم نوازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ماعون – ۱۰۷ – ۲ – ۶

۶ – یتیم نوازی ، لازمه پذیرش روز جزا و نشانه کام یابی در آن است .

یکذّب بالدین . فذلک الذی یدعّ الیتیم

اجتناب از سلطه بر یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۹ – ۱،۲

۱ – پرهیز از تحمیل خواسته های خود بر یتیمان ، توصیه خداوند به پیامبر ( ص )

فأمّا الیتیم فلاتقهر

<قَهْر> به معنای مسـلط شدن است. خداوند را <قاهر> می گویند; زیرا خلق را مقهور تسـلط و قدرت خویش ساخته و آنان را بر وفق آنچه اراده اش تعلق گرفته چه دلخواه آنان باشد و چه از آن اکراه داشته باشند متحوّل ساخته است. (تاج العروس)

۲ – خداونـد ، بـا گوشـزد کردن یتیمی پیـامبر ( ص ) و مراقبت هـای خویش از آن حضـرت ، او را به پرهیز از سـلطه بر یتیمان فراخواند .

ألم یجدک یتیمًا فاوی . .. فأمّا الیتیم فلاتقهر

حرف <فاء>، این آیه را بر جمله مناسب آن در آیات پیشین، تفریع کرده است.

اجتناب از غصب ارث یتیم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۹ – ۳

۳ – لزوم بها دادن به شخصیت یتیمان و ترک تجاوز به حق ارث آنان

لاتکرمون الیتیم . .. و تأکلون التراث أکلاً لمّا

آیه بعد، از حب مال سخن گفته و در این آیه خوردن میراث مطرح شده است. ارتباط این آیات با دو آیه قبل، بیانگر این است که هر کس برای یتیمان ارزشی قائل نباشد، میراث آنان را تصاحب می کند و هر کس به فکر تغذیه مساکین نباشد، گرفتار مال دوستی است.

احترام یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۸ – ۱۱

۱۱ – کسانی که در تنگنای اقتصادی به سر می برند ، در صورت احترام به یتیمان و ترغیب دیگران به فقرزدایی از جامعه ، نزد خداوند گرامی بوده و از حقارت و خواری مبرّا خواهند بود .

فیقول ربّی أهنن . کلاّ بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضّون علی طعام المسکین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۴ – ۸

۸ – ارج نهادن به یتیمان ، تغذیه نیازمندان ، پرهیز از غصب ارث دیگران و دل نبستن به ثروت ، توشه هایی سودمند برای آخرت

لاتکرمون . .. لاتحضّون ... تأکلون ... تحبّون ... یلیتنی قدّمت لحیاتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۷ – ۴

۴ – آزمون دانستن فقر و غنا ، گرامی داشت یتیمان ، سیر کردن گرسنگان ، تصرف نکردن ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی ، زمینه ساز اعتماد به رهایی از

صحنه های وحشت بار قیامت

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. یأیّتها النّفس المطمئنّه

<نفس مطمئن> به قرینه آیات پیشین انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، مبرّا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۸

۸ - آزمون دیدن فقر و غنا ، گرامی داشت یتیمان ، تغذیه فقیران ، ترک تصرف ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی ، مایه احساس رضایت انسان از خداوند و زمینه ساز رضایت خداوند از او است .

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. راضیه مرضیّه

نفس <راضی> و <مرضی> به قرینه آیات پیشین انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، مبرّا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۵

۵ - اندیشه صحیح نسبت به فقر و غنا ، برخورد شایسته با یتیمان و مسکینان ، قطع حرام خواری و دل نبستن به ثروت ، زمینه ساز ورود به بهشت برین

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. و ادخلی جنّتی

احسان به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۳،۱۳،۱۷

۳ - احسان به پدر و مادر ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از جمله پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا میثق بنی إسرءیل لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین إحساناً و ذی القربی و ا

<إحساناً> مفعول مطلق برای فعل محذوف <تحسنون> یا <احسنوا> می باشد. کلمات <ذی القربی و ...> عطف بر <الوالدین> است.

۱۳ - نیکی کردن به

پدر ، مادر ، یتیمان و مساکین از وظایف ضروری اهل ایمان است .

و بالولدین إحساناً و ذی القربی و الیتمی و المسکین

فرمانهای موجود در آیه، هر چند که به عنوان میثاقهای خدا با بنی اسرائیل مطرح شده است، ولی بیان آن در قرآن نشانه این است که: عمل کردن به آن فرمانها وظیفه همگان خصوصاً اهل ایمان است.

۱۷ - یکتا پرستی و احسان به والدین ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از مصادیق اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت . .. لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین إحساناً ... و المسکین

آیه مورد بحث در حقیقت تفسیری برای آیه پیشین و بیان مصادیقی از <الصالحات> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۸،۱۵،۲۰

۸ ضرورت احسان و نیکی به خویشاوندان ، یتیمان و درماندگان

و بالوالدین احساناً و بذی القربی و الیتامی و المساکین

۱۵ ضرورت احسان به ایتام و اولویت دادن به آنان ، پس از پدر ، مادر و خویشان

و بالوالدین احساناً و بذی القربی و الیتامی

۲۰ احسان به ایتام ، نیازمندان و درماندگان ، زمینه جلب محبت الهی

و الیتامی و المساکین و ابن السبیل . .. انّ اللّه لا یحبّ من کان مختالا فخوراً

احکام مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱،۳،۴

۱ هرگونه تصرف عدوانی در داراییهای یتیمان و تجاوز به آن حرام است.

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف در اموال یتیمان با به کارگیری فعل <لاتقربوا> (نزدیک نشوید)، اشاره به جهاتی دارد; از جمله تصریح و تأکید

بر این که هر نوع و مصداقی از تصرف در مال یتیم، ممنوع است.

۳ تصرف در داراییهای یتیمان برای مصالح آنان، مجاز و مشروع است.

و لاتقربوا . .. إلا بالتی هی أحسن

<التی> صفت برای کلمه ای مانند <الخصله> (طریقه و روش) است. بنابراین <لاتقربوا ... إلا ...> یعنی تصرف نکنید مگر به بهترین روش تصرف. بدیهی است که مراد تصرفی است که برای یتیم نیکو باشد.

۴ به هنگام تصرف در اموال یتیمان باید سودمندترین روش به حال آنان انتخاب شود.

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق با توجه به کلمه <أحسن> (بهتر و نیکوتر) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۲،۱۱،۱۰،۸،۷،۳،۱

۱- تصرف بی جا و حیف و میل اموال یتیمان ، ممنوع و حرام است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

۳- پرهیز از هرگونه امری که موجب حیف و میل مال یتیم و تصرف به ناحق در آن شود ، واجب و لازم است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

۷- تصرف در اموال و دارایی های یتیمان با رعایت مصالح آنان ، مجاز و مشروع است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

۸- جواز تصرف در مال یتیم ، مشروط به رعایت بالاترین سطح مصالح وی است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

۱۰- عهده داران مال یتیم ، موظف به انتخاب ثمربخش ترین شیوه حفظ و به کاراندازی آن

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

برداشت فوق، مبتنى بر اين است كه مخاطب <لاتقربوا. ..> متصديان امور يتيمان باشند كه خداوند،

به آنها دستور می دهد: <جز با رعایت مصالح آنها، نباید در آن اموال دخل و تصرف کنند>. بنابراین مراد از <التی هی أحسن> تصرف ثمربخش و مفید است.

۱۱- یتیم ، از تصرف در مال خویش تا هنگام رسیدن به مراحل رشد و بلوغ کافی ، ممنوع است .

حتی یبلغ أشدّه

<حتی یبلغ أشدّه> غایت کفالت یتیم است; یعنی، شما ای متکفلان ایتام! از اموال آنها مراقبت کنید و در آنها دخل و تصرف بی جا نکنید تا زمانی که آنان به رشد کافی برسند و این حکایت از آن دارد که یتیم، قبل از رسیدن به رشد لازم، حق تصرف در اموال خود را ندارد.

۱۲- عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران ، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

و لاتقربوا . .. حتی یبلغ أشدّه

با توجه به اینکه پیام آیه، در راستای حقظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و <حتی یبلغ أشدّه> غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتام است; بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

احکام یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۱،۴،۵

۱ وجوب پرداخت اموال یتیم به وی

و اتوا الیتامی اموالهم

۴ حرمت تبدیل و تعویض اموال مرغوب یتیم ، به اموال غیرمرغوب

و اتوا

الیتامی اموالهم و لا تتبدّلوا الخبیث بالطّیّب

۵ حرمت تصرف غاصبانه در اموال یتیمان

و اتوا الیتامی اموالهم . .. و لا تاکلوا اموالهم الی اموالکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵ – ۱۸

۱۸ ضرورت پرهیز از سپردن اموال یتیمان به آنها ، قبل از رسیدن آنان به مرحله رشد

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: هم الیتامی لا تعطوهم اموالهم حتّی تعرفوا منهم الرُشد . .. .

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۲۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۲، ح ۵۰.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶ – ۲،۳،۴،۱۹

۲ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی ، دو شرط برای تحویل اموال یتیمان به آنان

حتّی اذا بلغوا النّکاح فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم

۳ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی ، دو شرط برای جواز تصرف یتیمان در اموال خود

و ابتلوا التیامی . .. فادفعوا الیهم اموالهم

۴ وجوب ردّ اموال یتیمان ، پس از بلوغ جنسی و احراز رشد اقتصادی آنان

و ابتلوا الیتامی . .. فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم

مؤیّد برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آیه فوق فرمود: ایناس الرّشد حفظ المال.

---

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۶۴، ح ۷، ب ۱۱۳ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۴۴۴، ح ۶۰.

۱۹ جواز بهره گیری متعارف ولیّ یتیم از مال وی ، مشروط به صرف وقت خود در جهت مصلحت آن و کم

نبودن ( کافی بودن ) آن مال

و من کان فقیراً فلیاکل بالمعروف

امـام صـادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلک رجل یحبس نفسه عن المعیشه فلابأس ان یأکل بالمعروف اذا کان یصـلح لهم اموالهم فان کان المال قلیلا فلایاکل منه شیئاً . .. .

---

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۶۹.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۰ – ۳

۳ جواز تصرف در اموال یتیمان ، در صورتی که ظلم به آنها نباشد .

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۲ – ۵،۱۱،۲۳

۵ رشد یتیمان (به دست آوردن تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان) پایان جواز تصرف دیگران در اموال آنان

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشده

<أشـد> به معنای تجربه و شـناخت است. (لسان العرب). بر اساس این معنا و به مناسـبت مورد، مقصود از <أشد> تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان است.

۱۱ مراعـات کردن عـدالت در مبادلات و انتخاب سودمنـدترین روش برای تصـرف در اموال آنها بیش از توان متعارف واجب نیست.

إلا بالتی هی أحسن . .. و أوفوا الکیل ... لانکلف نفسا إلا وسعها

بیـان این حقیقت که <خداونـد انسـان را بیش از توانش تکلیف نمی کنـد> پس از فرمانهـای یاد شـده، اشاره به این دارد که مکلفان برای رعایت آن فرمانها لازم نیست خود را به مشـقت اندازند. چرا که انجام تکلیف تا حد قدرت متعارف فرض اسـت و نه بیش از آن.

عبدالله بن سنان عن أبی عبدالله(ع) قال: سأله أبی و أنا حاضر عن الیتیم متی یجوز أمره؟ قال: حتی یبلغ اشده قال: و ما أشده؟ قال: الاحتلام قال قلت: قد یکون الغلام ابن ثمان عشره سنه او اقل او اکثر و لایحتلم؟ قال: إذا بلغ و کتب علیه الشیء جاز أمره إلا أن یکون سفیها او ضعیفا.

عبدالله بن سنان گوید: پدرم از امام صادق(ع) درباره یتیم سؤال کرد که در چه زمانی تصرفات او صحیح و معتبر است؟ فرمود: زمانی که به حد رشد برسد. بار دیگر پرسید: رشد او چه زمانی است؟ فرمود: زمان محتلم شدن است. پرسید: گاهی جوان به هجده سالگی یا کمتر یا بیشتر می رسد، ولی محتلم نمی شود؟ فرمود: هرگاه به سن بلوغ و حد تکلیف رسید، تصرفاتش صحیح و معتبر است مگر اینکه سفیه و یا ضعیف باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۱۲،۲۰

۱۲– عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران ، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

و لاتقربوا . .. حتی یبلغ أشدّه

با توجه به اینکه پیام آیه، در راستای حفظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و <حتی یبلغ أشدّه> غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتام است; بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به

بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

۲۰- < عن عبدالله بن سنان عن أبی عبدالله ( ع ) قال : سأله أبی و أنا حاضر عن الیتیم حتی یجوز أمره ؟ قال : < حتی یبلغ أشدّه > قال : و ما < أشده > قال : الإحتلام ، . . . ;

عبدالله بن سنان گوید: من همراه پدرم بودم که او از حضرت امام صادق(ع) در باره یتیم سؤال کرد که چه موقع امر او نافذ است؟ حضرت فرمود: <حتی یبلغ أشدّه> پدرم پرسید مقصود از <أشدّه> [در سخن خدا ]چیست؟ حضرت فرمود: محتلم شدن . ..>.

ارزش معاشرت با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۶

۶ - ارزشمندترین رابطه مردم با یتیمان ، بها دادن به شخصیت آنان و اکرام و احترام به ایشان است .

کلّا بل لاتکرمون الیتیم

آیه شریفه، عنایتی ویژه به احترام یتیمان دارد; به گونه ای که گویا اولین انتظار آنان از جامعه، درک شخصیت آنها و بها دادن به آن است.

ازدواج با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۱،۲،۳

۱ ممنوعیّت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از بی عدالتی نسبت به آنان

و ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النّساء

جزای شرط <ان خفتم> حذف شده و <فانکحوا>، جانشین آن جزاست. یعنی: <ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی فلا تنکحوهن و انکحوا>. و این نهی بنابر آنچه در شأن نزول آمده ناظر به ازدواج برخی از مردم با یتیمان، بدون پرداخت مهریه

مناسب به آنان است.

۲ ممنوعیّت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از خیانت در اموال آنان

و اتوا الیتامی اموالهم . .. و ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا

از جمله <ان خفتم . .. >، استفاده می شود که ازدواج بـا دختـران یتیم در صورت ترس از بی عـدالتی ممنوع است و به قرینه آیه قبل مراد از بی عدالتی (الّا تقسطوا) رعایت نشدن قسط در اموال آنان است.

۳ ازدواج با یتیمان ، لغزشگاهی برای خیانت در اموال آنان و انحراف از عدالت

و ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۷ – ۱۱،۱۲،۱۳،۱۴

۱۱ رغبت به ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال کردن حقوق آنان ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه بعد از <ترغبون>، حرف <فی> در تقدیر باشد که در این صورت <رغبت> به معنای تمایل است.

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

۱۳ بیزاری از ازدواج با دختران یتیم ، از اخلاق و رسوم جاهلی

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه پس از <ترغبون> کلمه <عن> مقدر باشد که در این صورت، <رغبت> به معنای اعراض کردن خواهد بود.

۱۴ نکوهش خداوند از نادیده گرفتن حق ازدواج دختران یتیم

لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه

<رغبت> به معنای اعراض باشد، جمله <و ترغبون . ..> در حقیقت بیان مصداقی است از جمله < لا- تؤتونهن ما کتب لهن>.

استفاده از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ برداشت از اموال یتیم در قبال خدمت به وی ، بر ولیّ ثروتمند حرام است .

و من کان غنیّاً فلیستعفف

برخی برآنند که مراد از تصرف و بهره گیری از اموال یتیم، بهره هایی است که ولیّ و سرپرست یتیمان به عنوان کارمزد از اموال یتیم می گیرد.

۱۱ استفاده نکردن ولیّ غنی از اموال یتیمان در قبال خدمت به آنان ، امری نیکو و پسندیده ( مستحب )

و من کان غنیّاً فلیستعفف

در برداشت فوق <فلیستعفف> (باید از تصرف در اموال یتیم بپرهیزد)، بر معنای استحبابی حمل شده است ; چون مقابل <فلیاکل> قرار گرفته که دلالت بر وجود ندارد.

۱۲ جواز بهره گیری متعارف ولیّ از مال یتیم ، در قبال خدمت به او ، در صورت فقر

و من کان فقیراً فلیاکل بالمعروف

۱۹ جواز بهره گیری متعارف ولیّ یتیم از مال وی ، مشروط به صرف وقت خود در جهت مصلحت آن و کم نبودن ( کافی بودن ) آن مال

و من کان فقیراً فلیاکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلک رجل یحبس نفسه عن المعیشه فلابأس ان یأکل بالمعروف اذا کان یصلح لهم اموالهم فان کان المال قلیلا فلایاکل منه شیئاً . .. .

---

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۶۹.

۲۰ جواز بهره گیری سرپرست یتیم از

دارایی وی ، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: المعروف هو القوت و انما عنی الوصّی او القیّم فی اموالهم و ما یصلحهم.

---

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۴۶، ح ۶۷.

۲۱ جواز برداشت سرپرست یتیم از دارایی وی به عنوان قرض ، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امـام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: معناه من کان فقیراً فلیأخـذ من مال الیتیم قـدر الحاجه و الکفایه علی جهه القرض ثم یردّ علیه ما أخذ اذا وجد.

---

مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۷ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۳

۳ جواز تصرف در اموال یتیمان ، در صورتی که ظلم به آنها نباشد .

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً

اصلاح امور یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۵،۶،۷،۹

۵ توصیه خداوند به اصلاح امور ایتام

و یسئلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر

۶ اصلاح امور ایتام ، خیر است .

اصلاح لهم خیر

۷ جواز هرگونه معاشرت با ایتام بر اساس برادری و اصلاح امور آنان

الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخوانکم

۹ معاشرت و اصلاح امور ایتام ، بهتر از پرهیز از معاشرت با آنان است .

و یسئلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخوانکم

بنابراینکه <خیر>، افعل التفضیل باشد. گویا مسلمانان به خاطر آیات شدیداللّحنی که درباره چگونگی رفتار با ایتام و اموال آنان

نازل شده بود از معاشرت با آنان پرهیز داشتند که آیه مزبور، پرهیز را رد کرده و معاشرت برادرانه و دخالت اصلاح طلبانه در امور آنان را تجویز کرده است.

اطعام به خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵ - ۲

۲ - رساندن غذا به خویشاوندان یتیم خود ، بر تغذیه دیگر نیازمندان مقدم است .

یتیمًا ذا مقربه

<مقربه> مصدر و با <قرابه> (خویشاوندی) به یک معنا است. (صحاح اللغه)

اطعام به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۸ - ۱،۲،۷

۱ - اطعام ایثارگرانه به نیازمندان ، یتیمان و اسیران ، از ویژگی های ابرار

إنّ الأبرار . .. و یطعمون الطعام علی حبّه مسکینًا و یتیمًا و أسیرًا

<علی حبّه> حال برای فاعل <یطعمون> است و ضمیر آن به <طعام> بازمی گردد. مقصود از دوست داشتن غذا (علی حبّه)، نیاز داشتن به آن است; چون انسان در وقت نیاز به چیزی، دوست دارد که به آن دست یابد تا با آن رفع نیاز کند. از این رو اطعام ابرار، نوعی ایثار از سوی آنان است.

۲ - رفع نیاز های غذایی مستمندان ، یتیمان و اسیران در حد ایثار ، سیره و برنامه ابرار در زندگی است .

و یطعمون الطعام . .. أسیرًا

آمدن فعل <یطعمون> به صیغه مضارع، بر استمرار دلالت دارد; یعنی، کار اطعام، عملی است مستمر و از برنامه های زندگی ابرار محسوب می شود.

۷ - < عن أبی عبداللّه ( ع ) قال : کان عند فاطمه ( علیهاالسلام ) شعیرٌ فجعلوه عصیدةً فلمّا انضجوها و

وضعوها بين أيـديهم جاء مسـكين . . . فقام على ( ع ) فأعطاه ثلثَ ها فما لَبِثَ أن جاء يتيم . . . فأعطاه ثلثها الثانى . . . فلمّا لبث أن جاء أسير . . . فأعطاه الثلث الباقى و ما ذاقوها فأنزل اللّه فيهم هذه الآيه إلى قوله < و كان سعيكم مشكوراً > ;

از امام صادق(ع) روایت شـده که فرمود: نزد فاطمه(س) مقـداری جو بود که آن را حلوا کردند. پس از این که آن را پختند و برای خوردن آوردنـد، مسـکینی آمـد ... حضـرت علی(ع) برخـاست و ثلث آن را به او داد. زمانی نگـذشت که یتیمی آمـد ... حضـرت ثلث دیگرش را به او داد ... زمانی نگذشت که اسیری آمد ... و ثلث باقی مانده را به او عطا فرمود و خود هیچ از آن حلوا نچشیدند. پس خداوند درباره آنان آیه <و یطعمون الطعام...> تا آیه <کان سعیکم مشکوراً> را نازل کرد>.

اطعام یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۹ – ۱

۱ – اطعام و انفاق ابرار به مستمندان ، یتیمان و اسیران ، کاملاً خالصانه و تنها برای جلب رضای خداوند است .

و یطعمون . .. و أسیرًا . إنّما نطعمکم لوجه اللّه

امتحان با یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۸ – ۱۰

۱۰ – ثروتمندان ، در انجام دادن وظیفه رسیدگی به یتیمان و مسکینان ، همواره مورد آزمایش الهی اند .

ابتلیه ربّه فأکرمه و نعّمه . .. الیتیم ... طعام المسکین

امتحان یتیم

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱

۱ لزوم آزمایش یتیمان تا هنگام بلوغ و توان ازدواج ، برای تشخیص رشد اقتصادی آنان

و ابتلوا الیتامی حتّی اذا بلغوا النّکاح . .. رشداً

امداد به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۴

۱۴- امدادرسانی به ایتام و بازماندگانِ انسان های صالح و حفاظت از اموال ایشان ، کاری است مورد پسند خدا .

فأراد ربّک . .. رحمه من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۳

۳ - یتیمان ، در معرض مجبور شدن به اجرای دستور های دیگران و نیازمند امداد و حمایت در برابر تجاوزگران

فأمّا الیتیم فلاتقهر

انفاق به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۷

۷ والدین ، خویشاوندان ، یتیمان ، فقرا و در راه ماندگان ، به ترتیب از موارد مصرف انفاق هستند .

فللوالدین و الاقربین و الیتامی و المساکین و ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۸ - ۱

۱ - اطعام ایثارگرانه به نیازمندان ، یتیمان و اسیران ، از ویژگی های ابرار

إنّ الأبرار . .. و یطعمون الطعام علی حبّه مسکینًا و یتیمًا و أسیرًا

<علی حبّه> حال برای فاعل <یطعمون> است و ضمیر آن به <طعام> بازمی گردد. مقصود از دوست داشتن غذا (علی حبّه)، نیاز داشتن به آن است; چون انسان در وقت نیاز به چیزی، دوست دارد که به آن

دست یابد تا با آن رفع نیاز کند. از این رو اطعام ابرار، نوعی ایثار از سوی آنان است.

اولیای یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲ – ۷

۷ متصدیان اموال یتیمان ، در معرض لغزش های فراوان

و اتوا الیتامی . .. و لا تاکلوا ... انّه کان حوباً کبیراً

لحن تأکیدآمیز آیه در برخورد با اموال یتیمان و رعایت احکام آن، حکایت از این معنا دارد که متصدیان اموال یتیم در معرض خطر انحراف مالی هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶ – ۹،۱۰،۱۲،۱۸

۹ حرمت اسراف و سوء استفاده اولیا از اموال یتیمان

اموالهم و لا تاکلوها اسرافاً و بداراً ان یکبروا

۱۰ برداشت از اموال یتیم در قبال خدمت به وی ، بر ولیّ ثروتمند حرام است .

و من کان غنیّاً فلیستعفف

برخی برآنند که مراد از تصرف و بهره گیری از اموال یتیم، بهره هایی است که ولیّ و سرپرست یتیمان به عنوان کارمزد از اموال یتیم می گیرد.

۱۲ جواز بهره گیری متعارف ولیّ از مال یتیم ، در قبال خدمت به او ، در صورت فقر

و من کان فقیراً فلیاکل بالمعروف

۱۸ هشدار خداوند به اولیای یتیمان ، نسبت به عدم رعایت حقوق آنان

فان انستم منهم رشداً . .. و کفی باللّه حسیبا

اهمیت آرامش یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۸

۸ - یتیمان ، باید از مأوای مناسب برخوردار و از سرگردانی رهانیده شوند .

ألم یجدک یتیمًا فاوی

آیه شریفه، گرچه در

مقام امتنان بر پیامبر(ص) است و مأوا بخشیدن به آن حضرت را در دوران یتیمی، امدادی الهی به او خوانده است; ولی نعمت شمردن این عمل، تمجید از آن و نشانگر مطلوب بودن چنین رفتاری است.

اهمیت احترام یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۵،۶

۵ - لزوم ارج نهادن و احترام به یتیمان

کلّا بل لاتکرمون الیتیم

۶ - ارزشمندترین رابطه مردم با یتیمان ، بها دادن به شخصیت آنان و اکرام و احترام به ایشان است .

کلّا بل لاتکرمون الیتیم

آیه شریفه، عنایتی ویژه به احترام یتیمان دارد; به گونه ای که گویا اولین انتظار آنان از جامعه، درک شخصیت آنها و بها دادن به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۳

۳ - لزوم بها دادن به شخصیت یتیمان و ترک تجاوز به حق ارث آنان

لاتکرمون الیتیم . .. و تأکلون التراث أکلاً لمّا

آیه بعد، از حب مال سخن گفته و در این آیه خوردن میراث مطرح شده است. ارتباط این آیات با دو آیه قبل، بیانگر این است که هر کس برای یتیمان ارزشی قائل نباشد، میراث آنان را تصاحب می کند و هر کس به فکر تغذیه مساکین نباشد، گرفتار مال دوستی است.

اهمیت اکرام یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۸

۸ - مـال دوسـتان و حرام خـواران ، در آخرت بـه ارزش حقیقی ثروت و لزوم مصـرف آن در اطعـام گرسـنگان و فـواید بزرگداشت یتیمان ، پی خواهند برد .

لاتکرمون

. .. و لاتحضّون ... تأكلون ... تحبّون ... كلاّ ... يومئذ يتذكّر الإنس

اهميت تأمين خويشاوندان يتيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۶ – ۴

۴ – فضيلتِ تغذيه خويشاوندان يتيم خود ، برتر از رساندن غذا به ديگر اقشار محروم جامعه است .

يتيمًا ذا مقربه . أو مسكينًا ذا متربه

اهميت تأمين يتيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۴ – ۶

۶ – < عن الرضا ( ع ) : . . . علم اللّه عزّوجلّ أنّ كلّ أحد لايقدر على فكّ رقبه فجعل إطعام اليتيم و المسكين مثل ذلك ;

از امام رضا(ع) روايت شده كه فرمود: . .. خداى عزّوجلّ مى دانست كه تمامى افراد، توانايى آزاد كردن بنده را ندارند. پس غذا دادن به يتيم و مسكين را همسان آزاد كردن بنده قرار داد>.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۵ – ۱،۳

۱ – يتيمانِ نيازمند ، سزاوارترين قشر جامعه به دريافت كمك هاى غذايى در سال هاى قحطى اند .

أو إطعم . .. يتيمًا

۳ – رساندن غذا به يتيمان در سال هاى قحطى ، تكليفى سنگين و نيازمند همتى والا است .

ما العقبه . .. أو إطعم فى يوم ذى مسغبه . يتيمًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۷ – ۳

۳ - ایمان آوردن و تشویق یکدیگر به صبر و ترحّم ، برتر از اقدام به آزادسازی بردگان و تغذیه یتیمان و مساکین است .

ثمّ کان من

الذین

حرف <ثمّ> برای تراخی رتبی است و دلالت دارد که آنچه بعد از آن آمده، در مرتبه ای والاتر از کارهای قبل است.

اهمیت حقوق یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳ – ۱

۱ ممنوعیّت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از بی عدالتی نسبت به آنان

و ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النّساء

جزای شرط <ان خفتم> حذف شده و <فانکحوا>، جانشین آن جزاست. یعنی: <ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی فلا تنکحوهن و انکحوا>. و این نهی بنابر آنچه در شأن نزول آمده ناظر به ازدواج برخی از مردم با یتیمان، بدون پرداخت مهریه مناسب به آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۷ – ۲۰

۲۰ حفظ حقوق یتیمان و استیفای کامل آن ، وظیفه ای همگانی

و إن تقوموا للیتمی بالقسط

اهمیت حمایت از یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۸ – ۴

۴ – حمایت ویژه اسلام از مستمندان ، یتیمان و اسیران

و یطعمون الطعام علی حبّه مسکینًا و یتیمًا و أسیرًا

از اختصاص به ذکر یافتن سه گروه یاد شده در بیان ویژگی ها و ایثارگری های ابرار، مطلب یاد شده به دست می آید.

اهمیت رعایت مصالح یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۴

۴- اهتمام اسلام به حمایت از مال و منافع یتیمان و عناصر ضعیف و بی پشتیبان جامعه

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی

أحسن

اهمیت شخصیت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۴،۶

۴ - خداوند ، کسانی را که به شخصیت یتیمان بها ندهند ، گرامی نخواهد شمرد .

یقول ربّی أکرمن . .. کلاّ بل لاتکرمون الیتیم

۶ - ارزشمندترین رابطه مردم با یتیمان ، بها دادن به شخصیت آنان و اکرام و احترام به ایشان است .

کلاّ بل لاتکرمون الیتیم

آیه شریفه، عنایتی ویژه به احترام یتیمان دارد؛ به گونه ای که گویا اولین انتظار آنان از جامعه، درک شخصیت آنها و بها دادن به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۳

۳ - لزوم بها دادن به شخصیت یتیمان و ترک تجاوز به حق ارث آنان

لاتکرمون الیتیم . .. و تأکلون التراث أکلاً لمّا

آیه بعد، از حب مال سخن گفته و در این آیه خوردن میراث مطرح شده است. ارتباط این آیات با دو آیه قبل، بیانگر این است که هر کس برای یتیمان ارزشی قائل نباشد، میراث آنان را تصاحب می کند و هر کس به فکر تغذیه مساکین نباشد، گرفتار مال دوستی است.

اهمیت محافظت از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۴

۴- اهتمام اسلام به حمایت از مال و منافع یتیمان و عناصر ضعیف و بی پشتیبان جامعه

و لاتقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

برخورد با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ - ۲،۳

۲ لزوم برخورد نیک با خویشاوندان

، یتیمان و مساکین به هنگام بهره مند ساختن آنان از میراث

و اذا حضر القسمه . .. فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

۳ لزوم توجّه به نیازمندی های خویشاوندان ، یتیمان و مساکین و برخورد نیک با آنان

اولوا القربی و الیتامی و المساکین، فارزقوهم منه و قولوا لهم قولا معروفاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹ – ۱۱

۱۱ لزوم برخورد نیک و گفتار صواب و متین با یتیمان

و لیقولوا قولا سدیداً

برکت اخروی اطعام به یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۸ – ۱

۱ – آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أُولئک أصحب المیمنه

<یُمْن> و <میمنه> به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

بلوغ یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۱۱،۲۰

۱۱– یتیم ، از تصرف در مال خویش تا هنگام رسیدن به مراحل رشد و بلوغ کافی ، ممنوع است .

حتی یبلغ أشدّه

<حتی یبلغ أشدّه> غـایت کفـالت یتیم است; یعنی، شـما ای متکفلاـن ایتـام! از اموال آنهـا مراقبت کنیـد و در آنهـا دخـل و تصرف بی جا نکنید تا زمانی که آنان به رشد کافی برسند و این حکایت از آن دارد که یتیم، قبل از رسیدن به رشد لازم، حق تصرف در اموال خود را ندارد.

> -۲۰

عن عبدالله بن سنان عن أبی عبدالله ( ع ) قال : سأله أبی و أنا حاضر عن الیتیم حتی یجوز أمره ؟ قال : < حتی یبلغ أشدّه > قال : و ما < أشده > قال : الإحتلام ، . . . ;

عبـدالله بن سـنان گویـد: من همراه پـدرم بودم که او از حضـرت امام صادق(ع) در باره یتیم سؤال کرد که چه موقع امر او نافذ است؟ حضـرت فرمود: <حتی یبلغ أشدّه> پدرم پرسـید مقصود از <أشدّه> [در سـخن خدا ]چیست؟ حضرت فرمود: محتلم شدن . ..>.

بنی اسرائیل و یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسـرائیل ، جز انـدکی از آنان به پرسـتش غیر خـدا گرویدنـد و حقوق والـدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین احساناً . .. ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

بی اعتنایی به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - بی اعتنایی به یتیمان ، نشانه رد شدن در امتحان الهی است .

إذا ما ابتلیه ربّه فأکرمه و نعّمه . .. کلاّ بل لاتکرمون الیتیم

تأمین نیازهای یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۸

۸ - یتیمان ، باید از مأوای مناسب برخوردار و از سرگردانی رهانیده شوند .

ألم یجدک یتیمًا فاوی

آیه شریفه، گرچه در مقام امتنان بر پیامبر(ص) است و مأوا بخشیدن به آن حضرت را در دوران یتیمی، امدادی الهی به او

خوانده است; ولی نعمت شمردن این عمل، تمجید از آن و نشانگر مطلوب بودن چنین رفتاری است.

تأمین یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۰،۲۰

۱۰ - ضرورت دستگیری از یتیمان ، درماندگان ، در راه ماندگان و فقیرانی که تقاضای کمک دارند .

و ءاتی المال علی حبه . .. الیتمی و المسکین و ابن السبیل و السائلین

۲۰ - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان ، یتیمان ، مساکین ، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است .

و لکن البر من . .. و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی و السائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ - ۳

۳ لزوم توجّه به نیازمندی های خویشاوندان ، یتیمان و مساکین و برخورد نیک با آنان

اولوا القربی و الیتامی و المساکین، فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۶،۷

۶ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان ، باید از خمس غنایم و دیگر درآمد ها بهره مند شوند .

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

۷ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر ( ص ) باشند . *

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ال> در <الیتامی> و . .. جانشین مضاف إلیه باشد ; یعنی یتامی الرسول و ... .

تبدیل مال یتیم

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۴،۸

۴ حرمت تبدیل و تعویض اموال مرغوب یتیم ، به اموال غیرمرغوب

و اتوا الیتامی اموالهم و لا تتبدّلوا الخبیث بالطّیّب

۸ تبدیل اموال مرغوب یتیمان به نامرغوب ، ضمیمه ساختن دارایی آنان به ثروت خویش ، گناهی بزرگ

و لا تتبدّلوا الخبیث بالطیّب و لا تاکلوا . .. انّه کان حوباً کبیراً

متعدی شدن فعل <لا تاکلوا> به <الی>، گویای این است که در آن فعل، معنای ضمیمه ساختن تضمین شده است.

تجاوز به حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۵،۱۳

۵ هشدار خداوند نسبت به عدم رعایت حقوق یتیمان

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً . .. فلیتّقوا اللّه

۱۳ حکمت حرمت اجحاف در مال یتیم ، ادامه حیات و استقلال وی و مصون ماندن نسل انسان از آثار سوء آن اجحاف

ولیخش الّذین

امام رضا (ع) فرمود: . .. ففی تحریم مال الیتیم استبقاء الیتیم و استقلاله بنفسه و السلامه للعقب ان یصیبه ما اصابهم ... .

---

عیون اخبار الرّضا (ع)، ج ۲، ص ۹۲، ح ۱، ب ۳۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۷۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ تجاوز به حقوق زنان یتیم ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن

۱۱ رغبت به ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال کردن حقوق آنان ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه

بعد از <ترغبون>، حرف <فی> در تقدیر باشد که در این صورت <رغبت> به معنای تمایل است.

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

تجاوز به مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۷

۷ آتشی سوزان و برافروخته ، فرجام پایمال کنندگان اموال یتیمان

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً . .. و سیصلون سعیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱

۱ هرگونه تصرف عدوانی در داراییهای یتیمان و تجاوز به آن حرام است.

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف در اموال یتیمان با به کارگیری فعل <لاتقربوا> (نزدیک نشوید)، اشاره به جهاتی دارد; از جمله تصریح و تأکید بر این که هر نوع و مصداقی از تصرف در مال یتیم، ممنوع است.

تحقیر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۳

۳ - محروم ساختن یتیمان از اکرام و احترام و بها ندادن به شخصیت آنان ، فرهنگی حاکم بر مردم عصر بعثت

لاتکرمون الیتیم

تصرف مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱،۳،۴،۵

۱ هرگونه تصرف عدوانی در داراییهای یتیمان و تجاوز به آن حرام است.

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف در اموال یتیمان با به کارگیری فعل <لاتقربوا> (نزدیک نشوید)، اشاره به جهاتی دارد; از

جمله تصریح و تأکید بر این که هر نوع و مصداقی از تصرف در مال یتیم، ممنوع است.

۳ تصرف در داراییهای یتیمان برای مصالح آنان، مجاز و مشروع است.

و لاتقربوا . .. إلا بالتی هی أحسن

<التی> صفت برای کلمه ای مانند <الخصله> (طریقه و روش) است. بنابراین <لاـتقربوا ... إلا ...> یعنی تصرف نکنید مگر به بهترین روش تصرف. بدیهی است که مراد تصرفی است که برای یتیم نیکو باشد.

۴ به هنگام تصرف در اموال یتیمان باید سودمندترین روش به حال آنان انتخاب شود.

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق با توجه به کلمه <أحسن> (بهتر و نیکوتر) استفاده شده است.

۵ رشد یتیمان (به دست آوردن تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان) پایان جواز تصرف دیگران در اموال آنان

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشده

<أشد> به معنای تجربه و شناخت است. (لسان العرب). بر اساس این معنا و به مناسبت مورد، مقصود از <أشد> تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان است.

تصرفات یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۲،۳،۷

۲ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی ، دو شرط برای تحویل اموال یتیمان به آنان

حتّی اذا بلغوا النّکاح فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم

۳ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی ، دو شرط برای جواز تصرف یتیمان در اموال خود

و ابتلوا التیامی . .. فادفعوا الیهم اموالهم

۷ صحت تصرف کودکان یتیم در اموال ، با اذن و نظارت ولیّ

و ابتلوا الیتامی حتّی

اذا بلغوا النّکاح

چون بدون تصرف یتیم در اموال و بدون نظارت ولیّ بر آن تصرفات، آزمایش تحقق نمی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲۳

۲۳ عبدالله بن سنان عن أبی عبدالله(ع) قال: سأله أبی و أنا حاضر عن الیتیم متی یجوز أمره؟ قال: حتی یبلغ اشده قال: و ما أشده؟ قال: الاحتلام قال قلت: قد یکون الغلام ابن ثمان عشره سنه او اقل او اکثر و لایحتلم؟ قال: إذا بلغ و کتب علیه الشیء جاز أمره إلا أن یکون سفیها او ضعیفا.

عبدالله بن سنان گوید: پدرم از امام صادق(ع) درباره یتیم سؤال کرد که در چه زمانی تصرفات او صحیح و معتبر است؟ فرمود: زمانی که به حد رشد برسد. بار دیگر پرسید: رشد او چه زمانی است؟ فرمود: زمان محتلم شدن است. پرسید: گاهی جوان به هجده سالگی یا کمتر یا بیشتر می رسد، ولی محتلم نمی شود؟ فرمود: هرگاه به سن بلوغ و حد تکلیف رسید، تصرفاتش صحیح و معتبر است مگر اینکه سفیه و یا ضعیف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۱

۱۱- یتیم ، از تصرف در مال خویش تا هنگام رسیدن به مراحل رشد و بلوغ کافی ، ممنوع است .

حتی یبلغ أشدّه

<حتی یبلغ أشدّه> غایت کفالت یتیم است; یعنی، شما ای متکفلان ایتام! از اموال آنها مراقبت کنید و در آنها دخل و تصرف بی جا نکنید تا زمانی که آنان به رشد کافی برسند و این حکایت از آن دارد که یتیم، قبل از رسیدن

به رشد لازم، حق تصرف در اموال خود را ندارد.

تضییع حقوق یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۳ – ۲۲

۲۲ – بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین احساناً . .. ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

تکفّل یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۰ – ۱۳،۱۴

۱۳ تهدید خداوند ، نسبت به فسادگران در امور ایتام

قل اصلاح لهم خیر . .. و اللّه یعلم المفسد من المصلح

۱۴ تشویق اصلاحگران امور ایتام و تضمین اجر آنان ، از جانب خداوند

قل اصلاح لهم خیر . .. و اللّه یعلم المفسد من المصلح

حرمت تصرف در مال یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۱

۱– تصرف بی جا و حیف و میل اموال یتیمان ، ممنوع و حرام است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

حسن معاشرت با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۵

۵ - آگاهی از فلسـفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان ، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت ، فرونشاننده اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. یأیّتها النّفس المطمئنّه

توصیف <نفس> به <مطمئن> در قیامت ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او

حاصل شده بود.

حفظ مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۴

۴ عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورت حفظ اموال یتیمان

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً انّما یاکلون فی بطونهم ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۲،۲۰،۲۱،۲۲

۱۲ تجاوز نکردن به اموال یتیمان و رعایت عدالت در مبادلات از تکالیفی است که انسانها بر انجام آن توانا هستند. *

و لاتقربوا مال الیتیم . .. و أوفوا الکیل و المیزان بالقسط لانکلف نفسا إلا وسعها

برخی بر آنند که هدف از جمله <لاتکلف . ..> تذکر این معناست که فرمانهای یاد شده در حد توان انسانهاست تا مبادا به گمان اینکه این اوامر مشقتبار و طاقت شکن است، از پذیرش آنها سرباز زنند.

۲۰ ضایع نساختن اموال یتیمان، عدالت در داد و ستد، پرهیز از سخنان نابحق و پایبند بودن به پیمانهای الهی، از توصیه های خداوند به انسانها

و لاتقربوا مال الیتیم . .. ذلکم وصیکم به

۲۱ توصیه های چهارگانه (ضایع نساختن دارایی یتیمان و . ..) تعلیماتی است که باید انسانها فراگیرند و به خاطر بسپارند و رفتار خویش را بر اساس آن پایه ریزی کنند.

ذلکم وصیکم به لعلکم تذکرون

<تذکر> (مصدر تتذکرون) به معنای فراگرفتن و به خاطر سپردن است و مفعول آن همان حقایقی است که در آیه مطرح شده.

۲۲ تکالیف چهارگانه (ضایع نساختن دارایی یتیمان و . ..) دارای ارتباطی تنگاتنگ و به منزله تکلیفی واحد

ذلکم وصیکم به

به کارگیری ضمیر و اسم اشاره مفرد برای تکالیف یاد شده می

تواند حاکی از برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۱

۱ پرهیز از شرک، فرزندکشی، کردارهای شنیع، کشتن بیگناهان، تجاوز به دارایی یتیمان، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

ألا تشرکوا به شیئاً . .. و أن هذا صرطی مستقیماً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر متکلم در <صراطی> خداوند باشد. صراط خداوند یعنی راهی که به سوی اوست.

حقوق دختران یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۲،۱۴،۱۵

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

۱۴ نکوهش خداوند از نادیده گرفتن حق ازدواج دختران یتیم

لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه <رغبت> به معنای اعراض باشد، جمله <و ترغبون . ..> در حقیقت بیان مصداقی است از جمله < لا تؤتونهن ما کتب لهن>.

۱۵ لزوم حمایت از دختران یتیم و حقوق آنان

فی یتمی النساء . .. و إن تقوموا للیتمی بالقسط

با توجه به اینکه <و ان تقوموا . ..>، عطف به <فیهن> است; یعنی <للّه یفتیکم ان تقوموا ...> بنابراین قیام برای قسط

درباره یتیمان، فتوا و حکم الهی است و از جمله آنان، زنان یتیم هستند.

حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۲

۲ رعایت حقوق ایتام ، از مصادیق تقواست .

و اتّقوا

اللّه . .. و اتوا الیتامی اموالهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶ – ۱۸

۱۸ هشدار خداوند به اولیای یتیمان ، نسبت به عدم رعایت حقوق آنان

فان انستم منهم رشداً . .. و کفی باللّه حسیبا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹ – ۱،۳،۷،۸،۱۲

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکانِ یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم فلیتّقوا اللّه

جمله <فلیتّقوا اللّه>، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً) چنین معنا می شود: فلیتّقوا اللّه فی امر الذریّه الضعاف; یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

۳ عواطف انسانی ، از زمینه های ایجاد انگیزه برای رعایت حقوق یتیمان جامعه

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم

۷ بی تقوایی آدمی نسبت به حقوق ایتام دیگران ، زمینه ساز پایمال شدن حقوق یتیمان وی از سوی جامعه

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم فلیتّقوا اللّه

برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: یعنی لیخش ان اخلفه فی ذریّته کما صنع بهؤلاء الیتامی.

---

کافی، ج ۵، ص ۱۲۸، ح ۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۳۸.

۸ هشدار خداوند نسبت به کسانی که یتیمان را از ارثشان محروم می کنند .

نصیب ... ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً

به مقتضای ارتباط این آیه با آیه قبل، مصداق مورد نظر از ترس و وحشت درباره یتیمان، محروم کردن آنان از ارث است.

۱۲ عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورتِ رعایت حقوق یتیمان

ولیخش الّذین . .. ذریّه ضعافاً ... ولیقولوا قولا سدیداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۷ – ۱۵،۲۱،۲۳،۲۴

۱۵ لزوم حمایت از دختران یتیم و حقوق آنان

فی یتمی النساء . .. و إن تقوموا للیتمی بالقسط

با توجه به اینکه <و ان تقوموا . ..>، عطف به <فیهن> است; یعنی <للّه یفتیکم ان تقوموا ...> بنابراین قیام برای قسط درباره یتیمان، فتوا و حکم الهی است و از جمله آنان، زنان یتیم هستند.

۲۱ خداوند ، خواستار احیای حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

قل اللّه یفتیکم فیهنّ . .. و إن تقوموا للیتمی بالقسط

۲۳ رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

<من خیر> می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

۲۴ اعتقاد انسان به علم الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

و المستضعفین من الولدن . .. و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

حمایت از یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۲ – ۱۳

۱۳- حمایت خداوند از فرزندانِ یتیم پدری صالح و حفظ مال آنها ، جلوه ای از رحمت و ربوبیّت او بوده است .

فأراد

ربّک . .. رحمه من ربّک

<رحمه> مفعولٌ له برای فعل <أراد> است ; یعنی، اراده پروردگار به باقی ماندن گنج یتیمان، به خاطر رحمت او بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۹ – ۳

۳ – یتیمان ، در معرض مجبور شدن به اجرای دستور های دیگران و نیازمند امداد و حمایت در برابر تجاوز گران

فأمّا الیتیم فلاتقهر

خدمت به یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶ – ۱۰،۱۲،۱۹

۱۰ برداشت از اموال یتیم در قبال خدمت به وی ، بر ولیّ ثروتمند حرام است .

و من کان غنیّاً فلیستعفف

برخی برآنند که مراد از تصرف و بهره گیری از اموال یتیم، بهره هایی است که ولیّ و سرپرست یتیمان به عنوان کارمزد از اموال یتیم می گیرد.

۱۲ جواز بهره گیری متعارف ولیّ از مال یتیم ، در قبال خدمت به او ، در صورت فقر

و من کان فقیراً فلیاکل بالمعروف

۱۹ جواز بهره گیری متعارف ولیّ یتیم از مال وی ، مشروط به صرف وقت خود در جهت مصلحت آن و کم نبودن ( کافی بودن ) آن مال

و من کان فقیراً فلیاکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلک رجل یحبس نفسه عن المعیشه فلابأس ان یأکل بالمعروف اذا کان یصلح لهم اموالهم فان کان المال قلیلا فلایاکل منه شیئاً . .. .

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۶۹.

خطر تصرف در مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء -

۲ - ۳۴ - ۱۷

۲- مال یتیم وسوسه انگیز و زمینه ساز لغزش انسان با تصرف به ناحق در آن است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

به کار رفتن واژه <لاتقربوا> (نزدیک نشوید) به جای <لاتأکلوا و لاتصرفوا> (نخورید و تصرف نکنید) ممکن است به این دلیل باشد که: اموال یتیمان به دلیل حامی جدّی نداشتن، در معرض دخل و تصرفهای عدوانی و حیف و میلهای به ناحق است.

خیانت به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۱۰

۱۰ خیانت در اموال یتیمان ، گناهی بزرگ

انّه کان حوباً کبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۲،۳

۲ ممنوعیّت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از خیانت در اموال آنان

و اتوا الیتامی اموالهم . .. و ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا

از جمله <ان خفتم . .. >، استفاده می شود که ازدواج با دختران یتیم در صورت ترس از بی عدالتی ممنوع است و به قرینه آیه قبل مراد از بی عدالتی (الّا تقسطوا) رعایت نشدن قسط در اموال آنان است.

۳ ازدواج با یتیمان ، لغزشگاهی برای خیانت در اموال آنان و انحراف از عدالت

و ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی

دختران یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۶،۱۰،۱۱،۱۳

۶ وعده خداوند به بیان و تلاوت آیاتی از قرآن ، درباره احکام زنان یتیم

قل اللّه یفتیکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتب فی یتمی النساء

در برداشت

فوق، <مایتلی>، بر ضمیر <فیهن> عطف شده است و اضافه <یتمی> به <النساء>، اضافه صفت به موصوف است، یعنی زنانی که یتیم هستند.

۱۰ تجاوز به حقوق زنان یتیم ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن

۱۱ رغبت به ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال کردن حقوق آنان ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه بعد از <ترغبون>، حرف <فی> در تقدیر باشد که در این صورت <رغبت> به معنای تمایل است.

۱۳ بیزاری از ازدواج با دختران یتیم ، از اخلاق و رسوم جاهلی

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه پس از <ترغبون> کلمه <عن> مقدر باشد که در این صورت، <رغبت> به معنای اعراض کردن خواهد بود.

رشد اقتصادی یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۵

۵ رشد یتیمان (به دست آوردن تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان) پایان جواز تصرف دیگران در اموال آنان

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشده

<أشد> به معنای تجربه و شناخت است. (لسان العرب). بر اساس این معنا و به مناسبت مورد، مقصود از <أشد> تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۲

۱۲- عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران ، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

و لاتقربوا . .. حتی یبلغ أشدّه

با توجه

به اینکه پیام آیه، در راستای حقظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و <حتی یبلغ أشدّه> غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتام است; بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

رشد یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱،۲،۳

۱ لزوم آزمایش یتیمان تا هنگام بلوغ و توان ازدواج ، برای تشخیص رشد اقتصادی آنان

و ابتلوا الیتامی حتّی اذا بلغوا النّکاح . .. رشداً

۲ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی ، دو شرط برای تحویل اموال یتیمان به آنان

حتّی اذا بلغوا النّکاح فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم

۳ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی ، دو شرط برای جواز تصرف یتیمان در اموال خود

و ابتلوا التیامی . .. فادفعوا الیهم اموالهم

رعایت مصالح یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۴،۱۱

۴ به هنگام تصرف در اموال یتیمان باید سودمندترین روش به حال آنان انتخاب شود.

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق با توجه به کلمه <أحسن> (بهتر و نیکوتر) استفاده شده است.

۱۱ مراعات کردن عدالت در مبادلات و انتخاب سودمندترین روش برای تصرف در اموال آنها بیش از توان متعارف

واجب نیست.

إلا بالتی هی أحسن . .. و أوفوا الکیل ... لانکلف نفسا إلا وسعها

بیـان این حقیقت که <خداونـد انسـان را بیش از توانش تکلیف نمی کنـد> پس از فرمانهـای یاد شـده، اشاره به این دارد که مکلفان برای رعایت آن فرمانها لازم نیست خود را به مشـقت اندازند. چرا که انجام تکلیف تا حد قدرت متعارف فرض اسـت و نه بیش از آن.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۷،۸

۷- تصرف در اموال و دارایی های یتیمان با رعایت مصالح آنان ، مجاز و مشروع است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

۸- جواز تصرف در مال یتیم ، مشروط به رعایت بالاترین سطح مصالح وی است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

زمینه اجتناب از احترام به یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۰ – ۷

۷ – غفلت از امتحان های الهی ، مایه ترک یتیم نوازی و بی اعتنایی به مسکینان و تصاحب میراث دیگران و دلبستگی به ثروت است .

ابتلیه . .. کلّا بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضّون ... و تأکلون التراث ... و تحبّ

زمینه تحقیر یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۰ – ۸

۸ – دنیاطلبی و ثروت خواهی ، زمینه ساز بی ارزش انگاشتن یتیمان و دست اندازی به ارث آنان

بل لاتكرمون اليتيم . .. و تأكلون التراث ... و تحبّون المال حبًّا جمًّا

زمينه طرد يتيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰

- ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۱

۱ - پرخاش به یتیمان و راندن آنان از نزد خود ، از کسی سرمی زند که جزای آخرت را دروغ می پندارد .

فذلک الذی یدعّ الیتیم

<ذلک>، اشاره به کسی است که آیه قبل او را تکذیب کننده روز جزا معرفی کرد. <دَعٌّ> (مصدر <یَدُعُّ>)، به معنای دور ساختن با خشونت است (قاموس). تعبیر <ذلک الذی...> که مبتدای معرفه در کنار خبر معرفه ای قرار گرفته که بر جنس دلالت دارد بیانگر حصر است.

زمینه ظلم به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۳

۳ - یتیمان ، در معرض مجبور شدن به اجرای دستور های دیگران و نیازمند امداد و حمایت در برابر تجاوز گران

فأمّا الیتیم فلاتقهر

زمینه غصب ارث یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۷،۸

۷ - غفلت از امتحان های الهی ، مایه ترک یتیم نوازی و بی اعتنایی به مسکینان و تصاحب میراث دیگران و دلبستگی به ثروت است .

ابتلیه . .. کلاّ بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضّون ... و تأکلون التراث ... و تحبّ

۸ - دنیاطلبی و ثروت خواهی ، زمینه ساز بی ارزش انگاشتن یتیمان و دست اندازی به ارث آنان

بل لاتکرمون الیتیم . .. و تأکلون التراث ... و تحبّون المال حبًّا جمًّا

زمینه یتیم نوازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – ماعون – ۱۰۷ – ۵ – ۶

۶ – مراقبت از نماز ، زمینه ساز یتیم نوازی و رسیدگی به درماندگان

یدعّ الیتیم .

و لایحضّ ... فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون

حرف <فاء> در <فویل>، نکوهش غافلان از نماز را بر نکوهش دو دسته قبل (آزار دهندگان یتیمان و بی تفاوتان در برابر فقر دیگران)، تفریع کرده است; یعنی، چون آن دو حالت نکوهیده است، پس وای به حال این نمازگزاران! کنایه از این که اگر آنان نمازگزار حقیقی بودند، چنین رفتاری نمی داشتند.

زندگی دختران یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۶

۱۶ اهتمام اسلام ، به ازدواج زنان و سامان بخشیدن به زندگی دختران یتیم

التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

<ما کتب لهن>، شامل حق ازدواج هم می شود. در عین حال، به نکاح نیز مستقلا اشاره شده که بیانگر اهمیت ویژه آن است.

سرزنش اذیت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۸

۸ - ریاکاری شخص نمازگزار ، نکوهیده تر از یتیم آزاری و رسیدگی نکردن به مستمندان است .

الذی یدعّ الیتیم . و لایحضّ ... فویل للمصلّین ... الذین هم یراءون

آوردن حرف <فاء> در خصلت سومی که برای مکذبان جزا شمرده شده است، بیانگر آن است که آن خصلت، با تمام ویژگی هایش، نکوهیده تر از دو خصلت نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۶

۶ - مضایقه کردن نمازگزاران غافل و ریاکار ، از عاریه دادن لوازم زندگی خود به نیازمندان ، نکوهیده تر از یتیم آزاری و بی توجّهی به فقیران است .

الذی یدعّ الیتیم

. .. و لایحضّ ... فویل للمصلّین . الذین ... و یمنعون الماعون

بـا آن که تعبیر <فویـل للمصـلّین>، ادامه بیان اوصاف کسانی است که جزای الهی را تکـذیب کردنـد; ولی حرف <فاء> و تغییر سـیاق، نشانگر تفاوت درجه آن با دو وصف قبل است. بنابراین وصـفی که در این آیه، از ویژگی های همان <مصلّین> شمرده شده است، نارواتر از اوصافی است که در آیه دوم و سوم آمده بود.

سرزنش بی اعتنایی به یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۷ – ۷

۷ – بی اعتنایی رفاه مندان به یتیمان ، به دور از انتظار و نکوهیده تر از بی توجهی های دیگران است .

فأکرمه و نعّمه . .. کلاّ بل لاتکرمون الیتیم

سرزنش تحقیر یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۹ – ۴

۴ – تحقیر یتیمان و تحمیل ذلّت بر آنان ، کاری نکوهیده و مورد نهی خداوند

فأمّا الیتیم فلاتقهر

<قَهْر>; یعنی، بر کسی فائق آمدن و او را به طریقی ذلّت آفرین، گرفتار ساختن. (تاج العروس)

سرزنش تحمیل ذلت بر یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۹ – ۴

۴ – تحقیر یتیمان و تحمیل ذلّت بر آنان ، کاری نکوهیده و مورد نهی خداوند

فأمّا الیتیم فلاتقهر

<قَهْر>; یعنی، بر کسی فائق آمدن و او را به طریقی ذلّت آفرین، گرفتار ساختن. (تاج العروس)

شخصیت یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۰ – ۱۱

۱۱ لزوم حفظ شخصیّت ایتام ،

با رفتار و برخورد برادرانه با آنان

و ان تخالطوهم فاخوانکم

از اینکه خداوند به جای هر معیار دیگری در برخورد با ایتام، از برادری سخن گفته است، احتمالا کنایه از پرهیز از رفتارهای ترحم و یا تحقیرآمیز باشد که موجب از بین رفتن شخصیّت آنان می شود.

شرایط تصرف در مال یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۷،۸

۷- تصرف در اموال و دارایی های یتیمان با رعایت مصالح آنان ، مجاز و مشروع است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

۸- جواز تصرف در مال یتیم ، مشروط به رعایت بالاترین سطح مصالح وی است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

عدالت در حقوق یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۷ – ۱۹،۲۸

۱۹ لزوم رعایت قسط ، درباره یتیمان

و إن تقوموا للیتمی بالقسط

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

عوامل محافظت از مال یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۶

۱۶- خضر ( ع ) با توجّه دادن موسی ( ع ) به تدبیر فراگیر الهی ، حفاظت اموال یتیمان را ، برخاسته از گستردگی ربوبیّت خداوند دانست .

فأراد ربّک

خضر(ع) با اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب (ربّک) به موسی(ع) این نکته را بیان داشته است که گرچه ترمیم دیوار، به تغذیه و تربیت جسم تو کمکی نکرد، ولی مالک و

مدّبر تو، مالك و مدّبر یتیمان نیز هست.

غصب مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۱،۲،۹

۱ حرمت تصرف ظالمانه و ناروا در اموال یتیمان

انّ الّذین یاكلون اموال الیتامی ظلماً

۲ خوردن ظالمانه مال یتیم در واقع ، خوردن آتش است .

انّ الّذین یاكلون اموال الیتامی ظلماً انّما یاكلون فی بطونهم ناراً

۹ تصرف سرپرست یتیم در مال وی ، به انگیزه شخصی و با قصد عدم پرداخت آن ، ظلم است .

انّ الّذین یاكلون اموال الیتامی ظلماً

امام كاظم (ع) در پاسخ سؤال از تصرف در مال یتیم فرمود: . .. لا ینبغی له ان یأكل الّا القصد ... فان كان من نیّته ان لا یردّه علیهم فهو بالمنزل الذی قال اللّه عزّ و جل: <انّ الّذین یاكلون اموال الیتامی ظلماً>.

---

كافی، ج ۵، ص ۱۲۸، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۹۰.

غصب مال یتیم در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۹

۹- تصرف بی جا در اموال یتیمان و حیف و میل آنها ، امری رایج و شایع در میان اعراب جاهلی

و لاتقربوا مال الیتیم

غضب بر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۵

۵ - توجّه به سقوط اخلاقی منکران معاد ، تا حد خشونت با یتیمان ، مایه پرهیز از تکذیب آخرت است .

فذلک الذی یدعّ الیتیم

غفلت از خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵

۵ - بی اعتنایی ثروتمندان به نیاز های خویشاوندان یتیم خود ، دور از انتظار و نکوهیده تر از بی توجّهی آنان به دیگر نیازمندان است .

یقول أهلکت مالاً لبدًا . .. یتیمًا ذا مقربه

فرجام اخروی معرضان از یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۱

۱ - منکران آیات الهی که به بردگان ، یتیمان و مسکینان خدمتی نکرده و صبر و ترحّم ، را رواج ندهند ، در آخرت گرفتار فرجامی شوم و نکبت بار خواهند شد .

و الذین کفروا بایتنا هم أصحب المشئمه

<مشأمه> از <شُؤم>، نقطه مقابل یُمْن (صحاح) گرفته شده است. (العین)

فضایل اخروی حامیان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۳

۳ - گروه سمت راست در آخرت ، مجموعه ای سامان یافته از مؤمنانی که حامی بردگان و یتیمان و مسکینان بوده و مردم را به صبر و ترّحم ترغیب کرده اند .

و ما أدریک ما العقبه . .. أُولئک أصحب المیمنه

<أیْمَن> و <میمنه>، نقطه مقابل <أیْسَر> و <مَیْسَره> (سمت چپ) است (صحاح اللغه). تقابل این دسته با <أصحاب المشأمه> با توجه به این که <مشأمه> در یک احتمال به معنای <مَیْسَره> است (صحاح) بیانگر آن است که قرار گرفتن در سمت راست یا چپ در آخرت، نشانگر فرجام افراد است.

فضیلت تأمین خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۶ - ۴

۴ - فضیلتِ تغذیه خویشاوندان یتیم خود ، برتر از رساندن غذا به دیگر اقشار

محروم جامعه است .

یتیمًا ذا مقربه . أو مسکینًا ذا متربه

کفالت یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶ – ۷،۲۰،۲۱

۷ صحت تصرف کودکان یتیم در اموال ، با اذن و نظارت ولیّ

و ابتلوا الیتامی حتّی اذا بلغوا النّکاح

چون بدون تصرف یتیم در اموال و بدون نظارت ولیّ بر آن تصرفات، آزمایش تحقق نمی یابد.

۲۰ جواز بهره گیری سرپرست یتیم از دارایی وی ، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: المعروف هو القوت و انما عنی الوصّی او القیّم فی اموالهم و ما یصلحهم.

---

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۴۶، ح ۶۷.

۲۱ جواز برداشت سرپرست یتیم از دارایی وی به عنوان قرض ، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: معناه من کان فقیراً فلیأخذ من مال الیتیم قدر الحاجه و الکفایه علی جهه القرض ثم یردّ علیه ما أخذ اذا وجد.

---

مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۷ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

کیفر اخروی اعراض از تأمین یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انکـار آیات الهی ، آزادنکردن بردگان و غـذا نـدادن به گرسـنگان یتیم و مسـکین و توصـیه نکردن به صبر و ترحّم ، مایه گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا ... علیهم نار مؤصده

کیفر تجاوز به حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۹

۹ عقوبت دنیوی و اخروی در کمین پایمال کنندگان حقوق یتیمان

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم . .. فلیتّقوا اللّه

جمله <ولیخش . .. >، اشاره به کیفر دنیوی است و جمله <فلیتّقوا اللّه> (از خدا بترسید)، دلالت بر استحقاق عقوبت اخروی دارد.

کیفر غصب مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ مبعوث شدن خورندگان مال یتیمان به ناروا در قیامت در حالی که آتش از دهانشان شعله می کشد .

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی

رسول اللّه (ص): یبعث اناس من قبورهم یوم القیامه تأجّج افواههم ناراً. از آن حضرت سؤال شد اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً ... .

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۷۶.

مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۱،۵،۹،۱۰

۱ وجوب پرداخت اموال یتیم به وی

و اتوا الیتامی اموالهم

۵ حرمت تصرف غاصبانه در اموال یتیمان

و اتوا اليتامى اموالهم . .. و لا تاكلوا اموالهم الى اموالكم

۹ تصرف غاصبانه در اموال يتيمان و تأخير در واگذارى آن به ايشان ، گناهى بزرگ

و اتوا اليتامى اموالهم و لا تاكلوا . .. انّه كان حوباً كبيراً

تأخير در پرداخت، از <و اتوا اليتامى> به دست مى آيد ; چون علاوه بر لزوم پرداخت اموال يتيم، دلالت بر پرداخت به موقع آن نيز دارد.

۱۰ خيانت در اموال يتيمان ، گناهى بزرگ

انّه كان حوباً كبيراً

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳ – ۲

۲ ممنوعیّت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از خیانت در اموال آنان

و اتوا الیتامی اموالهم . .. و ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا

از جمله <ان خفتم . .. >، استفاده می شود که ازدواج با دختران یتیم در صورت ترس از بی عدالتی ممنوع است و به قرینه آیه قبل مراد از بی عدالتی (الّا تقسطوا) رعایت نشدن قسط در اموال آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵ – ۱۸

۱۸ ضرورت پرهیز از سپردن اموال یتیمان به آنها ، قبل از رسیدن آنان به مرحله رشد

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: هم الیتامی لا تعطوهم اموالهم حتّی تعرفوا منهم الرُشد . .. .

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۲۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۲، ح ۵۰.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶ – ۲،۷،۹،۱۴

۲ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی ، دو شرط برای تحویل اموال یتیمان به آنان

حتّی اذا بلغوا النّکاح فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم

۷ صحت تصرف کودکان یتیم در اموال ، با اذن و نظارت ولیّ

و ابتلوا الیتامی حتّی اذا بلغوا النّکاح

چون بدون تصرف یتیم در اموال و بدون نظارت ولیّ بر آن تصرفات، آزمایش تحقق نمی یابد.

۹ حرمت اسراف و سوء استفاده اولیا از اموال یتیمان

اموالهم و لا تاكلوها اسرافاً و بداراً

ان یکبروا

۱۴ لزوم گرفتن شاهد ، به هنگام پرداخت اموال یتیمان به آنان

فاذا دفعتم الیهم اموالهم فاشهدوا علیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۲ – ۲

۲ اموال یتیمان، وسوسه انگیز و دست اندرکاران آن اموال در خطر تجاوزگری و تصرفهای عدوانی

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف با فعل <لاتقربوا> می تواند اشاره به این جهت نیز داشته باشد که داراییهای یتیمان به سبب نبود مدافع لغزشگاهی است وسوسه انگیز که آدمی با کمترین بی احتیاطی به گناه تصرف آلوده می شود.

محافظت از مال یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۱۰

۱۰– عهده داران مال یتیم ، موظف به انتخاب ثمربخش ترین شیوه حفظ و به کاراندازی آن

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب <لاتقربوا. ..> متصدیان امور یتیمان باشند که خداوند، به آنها دستور می دهد: <جز با رعایت مصالح آنها، نباید در آن اموال دخل و تصرف کنند>. بنابراین مراد از <التی هی أحسن> تصرف ثمربخش و مفید است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۲ – ۱۳،۱۴

۱۳– حمایت خداوند از فرزندانِ یتیم پدری صالح و حفظ مال آنها ، جلوه ای از رحمت و ربوبیّت او بوده است .

فأراد ربّک . .. رحمه من ربّک

<رحمه> مفعولٌ له برای فعل <أراد> است ; یعنی، اراده پروردگار به باقی ماندن گنج یتیمان، به خاطر رحمت او بوده است.

۱۴- امدادرسانی به ایتام و بازماندگانِ انسان های صالح و

حفاظت از اموال ایشان ، کاری است مورد پسند خدا .

فأراد ربّک . .. رحمه من ربّک

محبت به یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ماعون – ۱۰۷ – ۲ – ۳

۳ – پذیرش و نوازش ، بالاترین نیاز یتیمان است .

فذلک الذی یدعّ الیتیم

محدوده تصرف در مال یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۱۲

۱۲– عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران ، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

و لاتقربوا . .. حتی یبلغ أشدّه

با توجه به اینکه پیام آیه، در راستای حقظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و <حتی یبلغ أشدّه> غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتام است; بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

مراد از یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۸ – ۹

۹ – < عن النبیّ ( ص ) فی قول اللّه < مسکیناً > قال : فقیراً ، و < یتیماً > قال : لا أب له ، و < أسیراً > قال : المملوک و المسجون ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <مسکیناً> روایت شده که فرمود: [مراد ]فقیر و تهیدست است و درباره <یتیماً>

فرمود: [مقصود] کسی است که پدر ندارد و درباره <أسيراً> فرمود: مراد برده و زندانی است>.

مردم مقارن بعثت و یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۳

۳ - محروم ساختن یتیمان از اکرام و احترام و بها ندادن به شخصیت آنان ، فرهنگی حاکم بر مردم عصر بعثت

لاتکرمون الیتیم

مسؤولیت اولیای یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- عهده داران مال یتیم ، موظف به انتخاب ثمربخش ترین شیوه حفظ و به کاراندازی آن

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب <لاتقربوا. ..> متصدیان امور یتیمان باشند که خداوند، به آنها دستور می دهد: <جز با رعایت مصالح آنها، نباید در آن اموال دخل و تصرف کنند>. بنابراین مراد از <التی هی أحسن> تصرف ثمربخش و مفید است.

مصالح یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۳

۳ تصرف در داراییهای یتیمان برای مصالح آنان، مجاز و مشروع است.

و لاتقربوا . .. إلا بالتی هی أحسن

<التی> صفت برای کلمه ای مانند <الخصله> (طریقه و روش) است. بنابراین <لاـتقربوا ... إلا ...> یعنی تصرف نکنید مگر به بهترین روش تصرف. بدیهی است که مراد تصرفی است که برای یتیم نیکو باشد.

مصلحت یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶ – ۱۹

۱۹ جواز بهره گیری متعارف ولیّ یتیم از مال وی ، مشروط به صرف وقت خود در

جهت مصلحت آن و کم نبودن ( کافی بودن ) آن مال

و من کان فقیراً فلیاکل بالمعروف

امـام صـادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلک رجل یحبس نفسه عن المعیشه فلابأس ان یأکل بالمعروف اذا کان یصـلح لهم اموالهم فان کان المال قلیلا فلایاکل منه شیئاً . .. .

---

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۶۹.

معاشرت با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۴،۷،۸،۹،۱۱،۲۲

۴ ایتام و کیفیّت معاشرت با آنان ، از مسائل مورد ابتلا در صدر اسلام

و یسئلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر

فعل مضارع <یسئلونک> دلالت بر استمرار و تکرار سؤال دارد و تکرار سؤال، نشانگر ابتلای جامعه به مورد سؤال است.

۷ جواز هرگونه معاشرت با ایتام بر اساس برادری و اصلاح امور آنان

الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخوانکم

۸ معاشرت با ایتام ، باید بر اساس برادری دینی باشد .

و ان تخالطوهم فاخوانکم

یعنی بـدون اینکه خود را مثلا برتر از آنان بدانید و یا آنان را به استضـعاف بکشـید; بلکه همانند رفتار با دیگران، باید برادری بین شما حاکم باشد.

۹ معاشرت و اصلاح امور ایتام ، بهتر از پرهیز از معاشرت با آنان است .

و یسئلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخوانکم

بنابراینکه <خیر>، افعل التفضـیل باشـد. گویا مسـلمانان به خاطر آیات شدیداللّحنی که درباره چگونگی رفتار با ایتام و اموال

آنان نازل شده بود از معاشرت با آنان پرهیز داشتند که آیه مزبور، پرهیز را رد کرده و معاشرت برادرانه و

دخالت اصلاح طلبانه در امور آنان را تجویز کرده است.

۱۱ لزوم حفظ شخصیّت ایتام ، با رفتار و برخورد برادرانه با آنان

و ان تخالطوهم فاخوانکم

از اینکه خداوند به جای هر معیار دیگری در برخورد با ایتام، از برادری سخن گفته است، احتمالا کنایه از پرهیز از رفتارهای ترحم و یا تحقیرآمیز باشد که موجب از بین رفتن شخصیّت آنان می شود.

۲۲ تحمیل نشدن رنج و مشقّت به مردم ، فلسفه تجویز معاشرت با ایتام از سوی خداوند

و ان تخالطوهم فاخوانکم . .. و لو شاء الله لاعنتکم

معرضان از یتیم در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۹ – ۲

۲ – سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا بایتنا هم أصحب المشئمه

چنانچه <مشأمه> به معنای <سمت چپ> باشد که در <صحاح> از جمله معانی آن شمرده شده است برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه <أصحاب>، بیانگر حضور طولانی <اصحاب المشأمه> در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

منشأ بینش ذلت یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۷ – ۱۱

۱۱ – پندار ذلّت برای یتیمان ، مایه توهّم معیار بودن ثروت برای عزّت مندی است .

نعّمه فیقول ربّی أکرمن . .. کلاّ بل لاتکرمون الیتیم

کلمه

کلاّ به قرینه تقابل <اکرمن> و <لاتکرمون> این نکته را گوشزد می کند که گوینده <ربّی اکرمن>، اگر یتیمان را محترم و گرامی می دانست، ثروت را مایه احترام نزد خداوند، قرار نمی داد; زیرا در آن صورت معترف بود که یتیم با وجود محرومیت از ثروت نیز گرامی است; ولی حال که یتیمان را گرامی نمی شمارد، این گمان برای او پدیدار شده است که فقط ثروتمندان نزد خداوند محترم اند.

موانع بی اعتنایی به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۱

۱ - خداوند ، بازدارنده انسان از عشقورزی به ثروت و تصاحب حق دیگران و بی توجّهی به نیازمندان و یتیمان

بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضّون ... و تأکلون ... و تحبّون ... کلاّ

حرف <کلاّ>، برای ردع و بازداشتن مخاطب از اموری است که پیش از آن مطرح بوده است.

مهربانی با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۴

۴ - ایمان به آیات الهی ، سفارش یکدیگر به استقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان ، یتیمان و تنگدستان ، قدردانی از نعمت های بینایی ، گویایی و هدایت است .

ألم نجعل له عینین . و لسانًا و شفتین . و هدینه النجدین ... ثمّ کان من الذین ءام

<الذین آمنوا> گرچه مطلق است; ولی مصداق بارز آنها به قرینه <و الذین کفروا بآیاتنا> در آیات بعد مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشین که بعضی از تکالیف را <عقبه> نامیده بود قرینه بر

مراد از <صبر> است و سیاق آیات نشان می دهد که مراد از <مرحمه>، ترّحم بر <رقبه>، <یتیم> و <مسکین> است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین که نعمت های الهی را برشمرده گویای برداشت یاد شده است; زیرا <بینایی و بصیرت>، زمینه ساز <ایمان> و <داشتن زبان و لب>، زمینه ساز توصیه است.

ناپسندی اذیت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۴

۴ - بی توجّهی نمازگزاران به نماز خویش ، نکوهیده تر از آزار یتیمان و فراموش کردن بینوایان است .

فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون

این آیه، مانند آیات دیگر این سوره، بیانگر خصلت های تکذیب گران کیفر الهی است. آوردن حرف <فاء> در خصلت سوم به بعد و تغییر سیاق کلام، بیانگر ترتیب رتبی و نکوهیده تر بودن آنها است.

ناپسندی خوردن مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۲

۲- شرک به خدا ، پرخاش به والدین ، تبذیر ، فرزندکشی ، زنا ، قتل ناحق ، خوردن مال یتیم ، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن ، اعمال ناپسند و منفور خداوند

کلّ ذلک کان سیّئه عند ربّک مکروهًا

ناپسندی طرد یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۲

۲ - پرخاش به یتیمان و از خود راندن آنان ، رفتاری نکوهیده است .

فذلک الذی یدعّ الیتیم

ناپسندی غضب بر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون

- ۱۰۷ - ۲ - ۲

۲ - پرخاش به یتیمان و از خود راندن آنان ، رفتاری نکوهیده است .

فذلک الذی یدعّ الیتیم

ناظر بی اعتنایی به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۹

۹ - خداوند در کمین مردم بی توجّه به یتیمان و مسکینان ، غاصب ارث دیگران و دل بسته به ثروت

إنّ ربّک لبالمرصاد . .. بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضّون ... و تأکلون ... و تحبّ

نشانه های رشد یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۵

۵ رشد یتیمان (به دست آوردن تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان) پایان جواز تصرف دیگران در اموال آنان

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشده

<أشد> به معنای تجربه و شناخت است. (لسان العرب). بر اساس این معنا و به مناسبت مورد، مقصود از <أشد> تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان است.

نقش مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۲

۲- مال یتیم وسوسه انگیز و زمینه ساز لغزش انسان با تصرف به ناحق در آن است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

به کار رفتن واژه <لاتقربوا> (نزدیک نشوید) به جای <لاتأکلوا و لاتصرفوا> (نخورید و تصرف نکنید) ممکن است به این دلیل باشد که: اموال یتیمان به دلیل حامی جدّی نداشتن، در معرض دخل و تصرفهای عدوانی و حیف و میلهای به ناحق است.

نهی از تحقیر یتیم

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۹ – ۴

۴ – تحقیر یتیمان و تحمیل ذلّت بر آنان ، کاری نکوهیده و مورد نهی خداوند

فأمّا الیتیم فلاتقهر

<قَهْر>; یعنی، بر کسی فائق آمدن و او را به طریقی ذلّت آفرین، گرفتار ساختن. (تاج العروس)

نهی از ذلت یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۹ – ۴

۴ – تحقیر یتیمان و تحمیل ذلّت بر آنان ، کاری نکوهیده و مورد نهی خداوند

فأمّا الیتیم فلاتقهر

<قَهْر>; یعنی، بر کسی فائق آمدن و او را به طریقی ذلّت آفرین، گرفتار ساختن. (تاج العروس)

نهی از غصب مال یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۴ – ۱۹

۱۹– < عن أبی جعفر ( ع ) قال : . . . بعث الله محمداً و . . . أنزل علیه فی سوره بنی اسرائیل بمکه . . . و أنزل نهیاً عن أشیاء حذّر علیها و لم یغلّظ فیها ولم یتواعد علیها و قال : . . . < و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشدّه و أوفوا بالعهد إن العهد کان مسئولاً > . . . ;

امام باقر(ع) فرمود:. .. خداوند حضرت محمد(ص) را برانگیخت و ... بر او آیاتی از سوره بنی اسرائیل را در مکه نازل فرمود ... که در آن آیات از چیزهایی نهی کرده که پرهیز از آنها لازم است; ولی در آن نهیها غلظت و شدت نشان نداده و بر مرتکبین آن موارد وعید عذاب نداده است و فرمود: ... و لاتقربوا

مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشده و أوفوا بالعهد إن العهد کان مسئولاً>....

نیازهای معنوی یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۳

۳ - پذیرش و نوازش ، بالاترین نیاز یتیمان است .

فذلک الذی یدعّ الیتیم

نیازهای یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۳

۳ - یتیمان ، در معرض مجبور شدن به اجرای دستور های دیگران و نیازمند امداد و حمایت در برابر تجاوزگران

فأمّا الیتیم فلاتقهر

نیکی به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۸

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

وجوب محافظت از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۳

۳- پرهیز از هرگونه امری که موجب حیف و میل مال یتیم و تصرف به ناحق در آن شود ، واجب و لازم است .

و لاتقربوا مال اليتيم إلّا بالتی هی أحسن

هشدار به متولیان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲

۲ اموال یتیمان، وسوسه انگیز و دست اندرکاران آن اموال در خطر تجاوزگری و تصرفهای عدوانی

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف با فعل <لاتقربوا> می تواند اشاره به این جهت نیز داشته باشد که داراییهای یتیمان به سبب نبود مدافع لغزشگاهی است وسوسه

انگیز که آدمی با کمترین بی احتیاطی به گناه تصرف آلوده می شود.

یتیم در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ رغبت به ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال کردن حقوق آنان ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه بعد از <ترغبون>، حرف <فی> در تقدیر باشد که در این صورت <رغبت> به معنای تمایل است.

یتیم هنگام قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - یتیمانِ نیازمند ، سزاوارترین قشر جامعه به دریافت کمک های غذایی در سال های قحطی اند .

أو إطعم . .. یتیمًا

۳ - رساندن غذا به یتیمان در سال های قحطی ، تکلیفی سنگین و نیازمند همتی والا است .

ما العقبه . .. أو إطعم فی یوم ذی مسغبه . یتیمًا

یتیم نوازی

آثار یتیم نوازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۶

۶ - یتیم نوازی ، لازمه پذیرش روز جزا و نشانه کام یابی در آن است .

یکذّب بالدین . فذلک الذی یدعّ الیتیم

زمينه يتيم نوازى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – ماعون – ۱۰۷ – ۵ – ۶

۶ – مراقبت از نماز ، زمينه ساز يتيم نوازى و رسيدگى به درماندگان

يدعّ اليتيم . و لايحضّ ... فويل للمصلّين . الذين هم عن صلاتهم ساهون

حرف <فاء> در <فويل>، نكوهش غافلان از نماز را بر نكوهش دو دسته قبل

(آزار دهندگان یتیمان و بی تفاوتان در برابر فقر دیگران)، تفریع کرده است; یعنی، چون آن دو حالت نکوهیده است، پس وای به حال این نمازگزاران! کنایه از این که اگر آنان نمازگزار حقیقی بودند، چنین رفتاری نمی داشتند.

یتیمان

فیء به یتیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۵

۵ - یتیمان ، بینوایان و در راه ماندگان ( ابن السبیل ) از جمله سهم بران < فیء >

ما أفاء اللّه علی رسوله . .. فللّه ... و الیتمی و المسکین وابن السبیل

## یحیی(ع) از دیدگاه قرآن در تفسیرراهنما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۴،۵

۴ بشارت اعطای یحیی به زکریا ، در اجابت درخواست ذرّیه پاک از خداوند

فنادته الملئکه . .. انّ اللّه یبشرک بیحیی

۵ زکریا به هنگام نماز در محراب ، بشارت اعطای یحیی را دریافت .

و هو قائم یصلّی فی المحراب انّ اللّه یبشرک بیحیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۱ - ۱۶

۱۶ زکریّا ، با توجه به امکان غیر الهی بودن بشارت اعطای یحیی به وی ، از خداوند درخواست نشانه کرد .

انّ اللّه یبشّرک بیحیی . .. قال ربّ اجعل لی ایه

امام صادق (ع): ان زکریّا لمّا دعا ربّه ان یهب له ذکراً فنادته الملائکه بما نادته به احبّ ان یعلم ان ذلک الصوت من اللّه . .. و ذلک قول اللّه: <ربّ اجعل لی آیه ...>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص

۲۸۳، ح ۱۱.

آثار تقوای یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- تقوا و پرهیزکاری یحیی ( ع ) ، زمینه ساز برخورداری وی از حکمت ، محبت الهی و تکامل معنوی بود .

و حنانًا من لدنّا و زکوه و کان تقیًّا

با توجه به تفاوت سیاق <و کان تقیّاً> با تعابیر قبلی آیه (و آتیناه الحکم. ..) که در این جا تقوا را به خود یحیی نسبت داده و در آن موارد حکم، حنان و زکات را به خدا، روشن می شود که تقوا به عنوان عمل نفسی یحیی، زمینه ساز برخورداری وی از عطایای الهی بوده است.

آیات خدا در ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۵

۵- ناتوانی زکریا ( ع ) از سخن گفتن با مردم به مدت سه شبانه روز کامل ، نشانه ای الهی بر زمان تحقق یافتن بشارت فرزند بود .

قال ءایتک ألاّ تکلّم الناس ثلث لیال سویًّا

<سویّاً> یا صفت برای <ثلاث لیال> است و یا حال برای فاعل <ألاّ تکلّم> و در هر دو صورت مراد از <سه شب> سه شبانه روز است. آیه چهل و یکم سوره آل عمران شاهد این معنا است. فعل <ألاّ تکلّم> فعل نفی است و مراد از آن، تکلیف زکریا به سکوت نیست، بلکه از صادر نشدن سخنی از زکریاخبر می دهد.

اخلاق یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱- حضرت یحیی ( ع ) ، فرزند دلخواه زکریا

( ع ) و دارای اخلاق و رفتاری رضایت بخش

و كان تقيًّا . و برًّا بولديه و لم يكن جبّارًا عصيًّا

برشمردن ویژگی های یحیی پس از بیان دعاهای زکریا که در آن آمده بود: <واجعله ربّ رضیّاً>، می تواند گویای مطابقت اوصاف یحیی، با خواسته زکریا باشد.

استعداد یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۱

۱۱- یحیی برخوردار از استعدادی فوق العاده در کودکی

و ءاتينه الحكم صبيًّا

اعلام بشارت ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۸

۸- زکریا ( ع ) پس از خروج از عبادتگاه ، فرا رسیدن زمان تحقق بشارت فرزند را به قوم خویش فهماند .

أن سبّحوا

ظاهر این است که آنچه زکریا(ع) از قوم خود خواسته است، با حادثه پیش آمده در ارتباط باشد; یعنی، زکریا(ع)، قضیه را به آنان تفهیم کرده و ضرورت تسبیح و تنزیه خداوند را در چنین مواردی یادآور شده است.

امنیت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۲،۳

۲- حضرت یحیی ( ع ) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

<سلام> دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد; لذا <سلام علیه>; یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند

جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

۳- یحیی ( ع ) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز ، مصون از هر گونه رنج و عذاب

و سلم علیه . .. یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

<ولد> فعل ماضی و <یموت> مضارع است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

امیدواری یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۶

۱۶- زکریا ( ع ) و همسر و فرزند او ( یحیی ) ، خدا را با رغبت و امید می خواندند .

و یدعوننا رغبًا و رهبًا

بشارت ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱

۱- خداوند ، زکریا ( ع ) را بر فراهم آوردن زمینه تولد یحیی ( ع ) به رغم سال خوردگی وی و نازایی همسرش مطمئن ساخت .

قال کذلک

جمله <قال کذلک>; یعنی، <قال اللّه الأمر کما وعدتک> یا <قال اللّه الأمر کما قلت>; در صورت اول، خداوند بر وعده سابقش تأکید میورزد که <ای زکریا همان گونه که گفته ام تو به هر کیفیت دارای پسر خواهی شد و در صورت دوم، خداوند موانع تولد یحیی را تصدیق کرده است; یعنی، <واقعیت همان است که تو گفتی و اسباب عادی برای تولد یحیی فراهم نیست، ولی خدای تو گفته است: این کار بر

من آسان است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۲

۲- زکریا ( ع ) ، خواهان علامت و نشانه ای بر الهی بودن بشارت تولد یحیی به وی *

قال ربّ اجعل لی ءایه

علامت خواهی زکریا ممکن است از آن جهت باشد که وی اطمینان یابد آنچه او دریافت داشته، وحی الهی بوده است و نه القاآت شیطانی; امکان تردید در این امور برای پیامبران با توجه به این نکته است که آنان تنها با امدادهای خداوند از آزار شیاطین و القاآت آنها مصون می ماندند و خداوند گاه با ارائه نشانه و گاه با وسیله دیگر آنان را مطمئن می ساخت.

پیشگامی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۲،۱۴

۱۲- زکریا ( ع ) و همسر و فرزند او ( یحیی ) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی ( علیهم السلام ) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله

<إنّهم كانوا يسارعون. ..> به پيامبرانى بازگردد كه در سلسله آيات پيشين (۴۸ ۹۰) از آنان ياد شده است.

تاريخ ولادت يحيى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۷ - ۱۲

۱۲- < عن أبى جعفر ( ع ) قال : إنّما ولد يحيى بعد البشاره له من اللّه بخمس سنين ;

از امام باقر(ع) روايت شده كه فرمود: همانا يحيى، پنج سال بعد از آن كه خداوند به ولادت او بشارت داد، متولد شد>.

تداوم تقواى يحيى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۱۳ - ۹

۹- حضرت يحيى ( ع ) ، تقوايى مستمر و هميشگى داشت .

و كان تقيًّا

<تقيّاً> صفت مشبهه از <وقى> و دال بر رسوخ و ثبوت است. <كان> نيز در موارد بسيارى بر حالتى ثابت در <اسم> خود دلالت مى كند. بنابراين <و كان تقيّاً>، يعنى يحيى پيوسته و مداوم، پرهيزكار بود.

تقرب يحيى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۱۳ - ۴

۴- يحيى ( ع ) از مقربان درگاه خداوند و محبوب او بود .

و حنانًا من لدنّا

در باره مهر اعطايى به حضرت يحيى(ع) چهار تصور وجود دارد كه وصف <حناناًمن لدنّا> با تمام آنها سازگار است: مهر خداوند يا مردم به يحيى(ع) و مهر آن حضرت به خداوند يا مردم، دربرداشت ياد شده، مهرورزى خداوند به آن حضرت مورد نظر است.

تکامل یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۳ – ۸

۸- حضرت یحیی ( ع )

در پرتو عنایات خاص خداوند ، از شایستگی و رشد و تکاملی ویژه ، برخوردار بود .

ءاتینه . .. و زکوه

<زکاه> در معانی <شایستگی> و <پاکی> و <رشد کردن> و <خجستگی> و <تمجید> استعمال شده است (لسان العرب). در هر مورد، معنا یا معانی مناسب آن، مورد نظر خواهد بود.

تکلیف یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۳

۳- خداوند ، فهم کامل و همه جانبه کتاب آسمانی ( تورات ) و عمل قاطعانه بر طبق آن را ، به یحیی ( ع ) فرمان داد .

ییحیی خذ الکتب بقوّه

<ال> در <الکتاب> عهد است و ممکن است مراد همان تورات باشد; زیرا کتاب دیگری که بر یحیی(ع) نازل شده باشد شناخته شده نیست. فرمان <خذ> کنایه از فهم و تدبر کامل است و <بقوّه> که حال برای فاعل <خذ> می باشد، به معنای نیرومندی هم در مقام علم و فراگیری و هم در مقام عمل است.

تنزیه یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۵،۷

۵- حضرت یحیی ( ع ) ، شخصیتی مبرّا از گردن فرازی ، بزرگ نمایی ، سلطه جویی ناحق و اعراض از حاجات مردم

و لم یکن جبّارًا عصیًّا

<جبّار> صیغه مبالغه و به معنای گردن فرازی است که برای دیگران برخود حقی قائل نیست (لسان العرب) و به معنای <سلطه جو> و <کسی که به دروغ مدعی درجه ای از کمال باشد> نیز آمده است (مفردات راغب). <عصیّ> صیغه مبالغه است و به قرینه <برّاً> و <جبّاراً> که در رابطه با مردم

است، مراد از <عصیّ> نیز سرپیچی از برآوردن حاجات مردم و تواضع نداشتن در برابر آنها است. به کاربردن صیغه مبالغه در کلامِ منفی، برای مبالغه در نفی است.

۷- حضرت یحیی ( ع ) ، مبرّا از گناه در برابر خدا *

و لم یکن . .. عصیًّا

می توان گفت جمله <و لم یکن . .. عصیّاً> بر نفی مطلق سرپیچی و عصیان (رد حاجت های مردم، معصیت پروردگار) دلالت دارد.

تورات در دوران یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۷

۷- تورات موجود در عصر یحیی ، کتابی تحریف نشده و مورد تأیید خداوند بود . *

ییحیی خذ الکتب

ممکن است مراد از <الکتاب> تورات باشد. دراین صورت فرمان خداوند به دریافت آن، به معنای صحّه گذاشتن بر مطالب آن است.

خشوع یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۷

۱۷- زکریا ( ع ) و همسر و فرزند او ( یحیی ) ، از خاشعان درگاه الهی بودند .

و کانوا لنا خشعین

دعای یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۳

۱۳- < عن أبی عبـداللّه ( ع ) فی قوله تعالی : < حناناً من لدنّا > قال : إنّه کان یحیی إذا دعا قال فی دعائه : < یاربّ یااللّه > ناداه اللّه من السماء لبیک یا یحیی سل حاجتک ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده که در بـاره سـخن خـدا: <و حنانـاً من لـدنّا> فرمود: همانـا یحیی زمـانی که دعا می کرد، در دعایش می

گفت: ای پروردگار ای خدا! خدا از آسمان به او ندا می داد لبیک ای یحیی! حاجت خود را بخواه>.

رسالت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ یحیی ، تصدیق کننده و مبلغ رسالت و نبوت عیسی بن مریم ( س )

مصدقاً بکلمه من اللّه

<کلمه اللّه>، عیسی بن مریم است; به دلیل آیه چهل و پنجم از سوره آل عمران.

رضایت از یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱- حضرت یحیی ( ع ) ، فرزند دلخواه زکریا ( ع ) و دارای اخلاق و رفتاری رضایت بخش

و کان تقیًّا . و برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا

برشمردن ویژگی های یحیی پس از بیان دعاهای زکریا که در آن آمده بود: <واجعله ربّ رضیّاً>، می تواند گویای مطابقت اوصاف یحیی، با خواسته زکریا باشد.

زکریا(ع) هنگام بشارت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۸

۸- زکریا ( ع ) در زمان دریافت بشارت تولد یحیی ( ع ) ، در نهایت پیری و از کف دادن قوای جنسی و شهوانی قرار داشت .

و قد بلغت من الکبر عتیًّا

زکریا(ع) هنگام ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱،۲،۸

۱- زکریا ( ع ) ، در زمان فرا رسیدن نشانه وعده داده شده برای پیدایش فرزندش یحیی ، در عبادت گاه بود .

فخرج علی قومه من المحراب

محراب های بنی اسرائیل

همان مسجدهای آنها بود که برای نماز در آن اجتماع می کردند(کتاب <العین>). فاء در <فخرج> فصیحه است ; یعنی از جملاتی محذوف حکایت می کند. به قرینه آیه قبل، آن محذوف، سخن نگفتن زکریا به مدت سه روز است که چه به اعجاز و چه با اراده خود و به فرمان خداوند در آن سه روز سخن نگفت. تعبیر <فخرج ...; آنگاه از عبادتگاه خود بیرون آمد>، حاکی از این است که در آن سه روز در عبادتگاه بود.

۲- زکریا ( ع ) پس از سکوت سه روزه و ناتوانی از سخن گفتن با مردم ، از عبادتگاه بیرون آمد و نزد مردم حاضر شد .

فخرج علی قومه من المحراب

۸- زکریا ( ع ) پس از خروج از عبادتگاه ، فرا رسیدن زمان تحقق بشارت فرزند را به قوم خویش فهماند .

أن سبّحوا

ظاهر این است که آنچه زکریا(ع) از قوم خود خواسته است، با حادثه پیش آمده در ارتباط باشد; یعنی، زکریا(ع)، قضیه را به آنان تفهیم کرده و ضرورت تسبیح و تنزیه خداوند را در چنین مواردی یادآور شده است.

زمینه تکامل یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- تقوا و پرهیزکاری یحیی ( ع ) ، زمینه ساز برخورداری وی از حکمت ، محبت الهی و تکامل معنوی بود .

و حنانًا من لدنّا و زکوه و کان تقیًّا

با توجه به تفاوت سیاق <و کان تقیّاً> با تعابیر قبلی آیه (و آتیناه الحکم. ..) که در این جا تقوا را به خود یحیی نسبت داده و در آن موارد حکم، حنان و

زکات را به خدا، روشن می شود که تقوا به عنوان عمل نفسی یحیی، زمینه ساز برخورداری وی از عطایای الهی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۲

۲- حضرت یحیی ( ع ) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

<سلام> دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد; لذا <سلام علیه>; یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

زمینه حکمت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- تقوا و پرهیزکاری یحیی ( ع ) ، زمینه ساز برخورداری وی از حکمت ، محبت الهی و تکامل معنوی بود .

و حنانًا من لدنّا و زکوه و کان تقیًّا

با توجه به تفاوت سیاق <و کان تقیّاً> با تعابیر قبلی آیه (و آتیناه الحکم. ..) که در این جا تقوا را به خود یحیی نسبت داده و در آن موارد حکم، حنان و زکات را به خدا، روشن می شود که تقوا به عنوان عمل نفسی یحیی، زمینه ساز برخورداری وی از عطایای الهی بوده است.

زمینه محبوبیت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- تقوا و پرهیزکاری یحیی (

ع ) ، زمینه ساز برخورداری وی از حکمت ، محبت الهی و تکامل معنوی بود .

و حنانًا من لدنّا و زکوه و کان تقیًّا

با توجه به تفاوت سیاق <و کان تقیّاً> با تعابیر قبلی آیه (و آتیناه الحکم. ..) که در این جا تقوا را به خود یحیی نسبت داده و در آن موارد حکم، حنان و زکات را به خدا، روشن می شود که تقوا به عنوان عمل نفسی یحیی، زمینه ساز برخورداری وی از عطایای الهی بوده است.

زهد یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ حضرت یحیی ، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان ، به جهت پاکدامنی و عفت ، و پیامبری از تبار صالحان

انّ اللّه یبشرک بیحیی . .. و سیداً و حصورا و نبیاً من الصالحین

<حصور> به کسی گفته می شود که از زنان دوری گزینند، یا بجهت ناتوانی جنسی و یا بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام ستایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: <وسیداً و حصوراً> و الحصور الذی یأبی النساء ... .

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۶

۱۶- < قال رسول اللّه ( ص ) : . . . قال اللّه تعالی : < و آتیناه الحکم صبیّاً

> یعنی الزهد فی الدنیا . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: . .. خدای تعالی فرموده است: <و آتیناه الحکم صبیّاً>; یعنی زهد در دنیا را (به او دادیم)...>.

سجده یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس ( ع ) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

سلام بر یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱،۱۰

۱- حضرت یحیی ( ع ) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

۱۰- < عن أبی الحسن الرضا ( ع ) : إنّ أوحش ما یکون هذا الخلق فی ثلاثه مواطن یوم یولد . . . و یوم یموت . . . و یوم یبعث . . . و قد سلّم اللّه عزّوجلّ علی یحیی ( ع ) فی هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : < و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً . . . > ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. .. و روزی که می میرد...

و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً>...>.

سلامتی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱،۲،۳

۱- حضرت یحیی ( ع ) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

۲- حضرت یحیی ( ع ) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

<سلام> دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد; لذا <سلام علیه>; یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

۳- یحیی ( ع ) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز ، مصون از هرگونه رنج و عذاب

و سلم علیه . .. یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

<ولد> فعل ماضی و <یموت> مضارع است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

شخصیت معنوی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷ – ۷

۷- شخصیت معنوی یحیی ، شخصیتی بی مانند بود و پیش از او ، کسی به آن مقام نرسیده بود .

لم نجعل له من قبل سميًّا

از جمله معانی ذکر شده برای <سمیّ> نظیر و شبیه است (مفردات راغب). دراین صورت مراد این است که کسی در گذشته ویژگی های یحیی را نداشته است.

شخصیت یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷ – ۹

۹- حضرت یحیی ( ع ) ، شخصیتی الهی و مورد عنایت خاص خدا بود .

لم نجعل له من قبل سميًّا

شرافت یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۳۹ – ۱۳

۱۳ حضرت یحیی ، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان ، به جهت پاکدامنی و عفت ، و پیامبری از تبار صالحان

انّ اللّه يبشرك بيحيى . .. و سيداً و حصورا و نبياً من الصالحين

<حصور> به کسی گفته می شود که از زنان دوری گزینند، یا بجهت ناتوانی جنسی و یا بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام ستایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: <وسيداً و حصوراً> و الحصور الذى يأبى النساء ... .

---

تفسير عياشي، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵ ; مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۴۲.

عبادات یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ -

۱۵ - ۱۲

۱۵- < عن النبی ( ص ) فی قوله < و آتیناه الحکم صبیّاً > قال : أعطی الفهم و العباده و هو ابن سبع سنین ;

۱ . الدرالمنثور، ج ۵، ص ۴۸۴.

عصمت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۷

۷- حضرت یحیی ( ع ) ، مبرّا از گناه در برابر خدا *

و لم یکن . .. عصیًّا

می توان گفت جمله <و لم یکن . .. عصیّاً> بر نفی مطلق سرپیچی و عصیان (رد حاجت های مردم، معصیت پروردگار) دلالت دارد.

عفت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ حضرت یحیی ، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان ، به جهت پاکدامنی و عفت ، و پیامبری از تبار صالحان

انّ اللّه یبشرک بیحیی . .. و سیداً و حصورا و نبیاً من الصالحین

<حصور> به کسی گفته می شود که از زنان دوری گزیند، یا بجهت ناتوانی جنسی و یا بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام ستایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: <وسیداً و حصوراً> و الحصور الذی یأبی النساء ... .

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۲.

عمل به تکلیف یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۱

۱۱- حضرت یحیی

( ع ) ، در عمل به کتاب آسمانی خود و انجام مسؤولیت اجرای احکام الهی ، کمترین کوتاهی روا نداشت .

و کان تقیًّا

متعلق <تقیّاً> به قرینه آیه قبل، مسؤولیت هایی است که متوجه یحیی شده بود. او آن تکالیف را به گونه ای عمل کرد که برای خود <وقایه> و <حفاظی> از عذاب الهی قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۸

۸- یحیی ( ع ) ، فردی وظیفه شناس و مسؤولیت پذیر در قبال خدا ، والدین و جامعه

و کان تقیًّا . و برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا

<تقیّاً> نشانِ رابطه یحیی(ع) با خدا و <برّاً بوالدیه>، با پدر و مادر و <لم یکن جبّاراً عصیّاً>، با مردم و جامعه است.

عمل خیر یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۲،۱۳،۱۵

۱۲- زکریا ( ع ) و همسر و فرزند او ( یحیی ) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

۱۳- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر زکریا ( ع ) و همسر و فرزند او ( یحیی ) بود .

و زکریّا . .. و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

فعل مضارع <یسارعون> و فعل <کانوا> پیش از آن بیانگر استمرار و تداوم است

و متعدی شدن فعل <یسارعون> به <فی> حکایت از جدّیت و علاقه به کار دارد.

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عواطف یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱

۱- خداوند ، روحیه رحمت و عطوفتی ژرف به یحیی عطا نمود .

ءاتینه . .. و حنانًا من لدنّا

<حنان> مصدر و به معنای شفقت و مهربانی است (مصباح). تنوین آن برای تفخیم است. این کلمه عطف بر <الحکم> در آیه قبل است.

فضایل یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۴

۴ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، پیامبرانی برتری یافته بر همه مردم عصر خویش

و زکریا و یحیی . .. و کلا فضلنا علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۸

۸- اعطای قدرت درست اندیشی و شناخت حق از سوی خدا ، به یحیی ( ع ) در کودکی او بود .

و ءاتینه الحکم صبیًّا

برای <حکم> معانی مختلفی ذکر شده است ; یکی از آن معانی که مبنای برداشت یاد شده است <علم و فهم> می باشد

(لسان

العرب ).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۳ – ۵،۸،۹

۵- یحیی ( ع ) ، در پرتو اراده خداوند ، از محبت عمیق مردم نسبت به خویش برخوردار بود .

و حنانًا من لدنّا

در این برداشت، مراد از <حناناً> محبت مردم نسبت به یحیی(ع)، دانسته شده است.

۸- حضرت یحیی ( ع ) در پرتو عنایات خاص خداوند ، از شایستگی و رشد و تکاملی ویژه ، برخوردار بود .

ءاتینه . .. و زکوه

<زکاه> در معانی <شایستگی> و <پاکی> و <رشد کردن> و <خجستگی> و <تمجید> استعمال شده است (لسان العرب). در هر مورد، معنا یا معانی مناسب آن، مورد نظر خواهد بود.

۹- حضرت یحیی ( ع ) ، تقوایی مستمر و همیشگی داشت .

و کان تقیًّا

<تقیّاً> صفت مشبهه از <وقی> و دال بر رسوخ و ثبوت است. <کان> نیز در موارد بسیاری بر حالتی ثابت در <اسم> خود دلالت می کند. بنابراین <و کان تقیّاً>، یعنی یحیی پیوسته و مداوم، پرهیزکار بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۴ – ۱،۵،۶،۸،۱۱

۱- یحیی ( ع ) نسبت به پدر و مادرش بسیار نیکوکار بود .

و برًّا بولدیه

<برّاً> عطف بر <تقیّاً> در آیه قبل است و با کلمه <بارّ> به یک معنا است جز این که <بَرّ> مبالغه دارد و <برّالوالدین> احسان و نیکی گسترده به آنها است (مفردات راغب).

۵- حضرت یحیی ( ع ) ، شخصیتی مبرّا از گردن فرازی ، بزرگ نمایی ، سلطه جویی ناحق و اعراض از حاجات مردم

و لم یکن جبّارًا عصیًّا

<جبّار> صیغه مبالغه و به

معنـای گردن فرازی است که برای دیگران برخود حقی قائـل نیست (لسان العرب) و به معنای <سـلطه جو> و <کسـی که به دروغ مـدعی درجه ای از کمـال باشـد> نیز آمـده است (مفردات راغب). <عصـیّ> صـیغه مبـالغه است و به قرینه <برّاً> و <جبّاراً> که در رابطه با مردم است، مراد از <عصـیّ> نیز سـرپیچی از برآوردن حاجات مردم و تواضع نداشتن در برابر آنها است. به کاربردن صیغه مبالغه در کلامِ منفی، برای مبالغه در نفی است.

۶- حضرت یحیی ( ع ) علاوه بر نیکی به پدر و مادر هیچ گاه چیزی بر آنان تحمیل نکرد و از فرمان آنها ، سربرنتافت .

و برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا

چون جملات پیشن در باره حضـرت یحیی(ع)، مهر و شفقت را مطرح کرد و از بین صفات بارز او به نیکی در حق پدر و مادر اشـاره نمـود; محتمـل است نفی جبـاریت و عصـیان نیز متعلق به <والـدیه> باشـد. بنـابراین می توان گفت حضـرت یحیی در نهایت خضوع در برابر پدر و مادر و اطاعت از فرمان آنها بود.

۸- یحیی ( ع ) ، فردی وظیفه شناس و مسؤولیت پذیر در قبال خدا ، والدین و جامعه

و کان تقیًّا . و برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا

<تقیّاً> نشانِ رابطه یحیی(ع) با خدا و <برّاً بوالدیه>، با پدر و مادر و <لم یکن جبّاراً عصیّاً>، با مردم و جامعه است.

۱۱- حضرت یحیی ( ع ) ، فرزند دلخواه زکریا ( ع ) و دارای اخلاق و رفتاری رضایت بخش

و کان تقیًّا . و برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا

برشمردن ویژگی های یحیی پس از

بیـان دعاهـای زکریا که در آن آمـده بود: <واجعله ربّ رضیّاً>، می توانـد گویای مطابقت اوصاف یحیی، با خواسـته زکریا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۲،۳،۹

۲- حضـرت یحیی ( ع ) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

<سـلام> دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهـد; لذا <سـلام علیه>; یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسـمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

۳- یحیی ( ع ) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز ، مصون از هرگونه رنج و عذاب

و سلم علیه . .. یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

<ولد> فعل ماضـی و <یموت> مضارع است. این تغییر سـیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

۹- حضرت یحیی ( ع ) در آخرت ، دارای حیاتی ویژه است .

و یوم یبعث حیًّا

فعل <یبعث> بر زنـده شدن نیز دلالت دارد. تصـریح به <حیّاً> ممکن است به خاطر ویژگی حیات یحیی در مقایسه با دیگر انسان ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱

۱- زکریا

، یحیی ، مریم ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل و ادریس ( ع ) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أُولئک الذین أنعم اللّه علیهم

<ؤُولئک> اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله <أنعم اللّه . ..> نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

فهم یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- < عن النبی ( ص ) فی قوله < و آتیناه الحکم صبیّاً > قال : أعطی الفهم و العباده و هو ابن سبع سنین ;

۱ . الدرالمنثور، ج ۵، ص ۴۸۴.

قاطعیت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۳

۳- خداوند ، فهم کامل و همه جانبه کتاب آسمانی ( تورات ) و عمل قاطعانه بر طبق آن را ، به یحیی ( ع ) فرمان داد .

ییحیی خذ الکتب بقوّه

<ال> در <الکتاب> عهد است و ممکن است مراد همان تورات باشد; زیرا کتاب دیگری که بر یحیی(ع) نازل شده باشد شناخته شده نیست. فرمان <خذ> کنایه از فهم و تدبر کامل است و <بقوّه> که حال برای فاعل <خذ> می باشد، به معنای نیرومندی هم در مقام علم و فراگیری و هم در مقام عمل است.

قدرت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۹

۹- خداوند ، یحیی ( ع ) را در کودکی به اجرای احکام الهی توان مند ساخت .

و ءاتینه الحکم صبیًّا

در برداشت یاد شده <حکم> به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا درآورد.

قصه یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۱،۳،۷

۱ سرگذشت حضرت زکریا ، مریم ، یحیی و عیسی ( ع ) و پیروان آن حضرت ، آیات الهی و پند های حکیمانه

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

<ذلک>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

۳ بیان سرگذشت حضرت مریم ، زکریا ، یحیی و عیسی ( ع ) ، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم ( ص )

ذلک نتلوه علیک من الایات

بنابراینکه منظور از <الایات>، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (ص) باشد.

۷ داستان حضرت عیسی ، زکریّا ، مریم و یحیی ، سراسر حکمت و مایه تذکّر است .

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۱

۱ سرگذشت زکریا ، عیسی ، مریم ، یحیی و بیان خلقت آدم در قرآن ، حق و از جانب پروردگار است .

الحق من ربّك

کلمه <الحق>، خبر است برای مبتدای محذوف که <هو> است و مراد از آن، سرگذشت مریم

و پیامبرانی است که در آیات سابق بیان شد.

قضاوت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحکم صبیًّا

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

کودکی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۸،۹،۱۰،۱۱،۱۵،۱۶

۸- اعطای قدرت درست اندیشی و شناخت حق از سوی خدا ، به یحیی ( ع ) در کودکی او بود .

و ءاتینه الحکم صبیًّا

برای <حکم> معانی مختلفی ذکر شده است ; یکی از آن معانی که مبنای برداشت یاد شده است <علم و فهم> می باشد (لسان العرب ).

۹- خداوند ، یحیی ( ع ) را در کودکی به اجرای احکام الهی توان مند ساخت .

و ءاتینه الحکم صبیًّا

در برداشت یاد شده <حکم> به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا درآورد.

۱۰- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحکم صبیًّا

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و

به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

۱۱- یحیی برخوردار از استعدادی فوق العاده در کودکی

و ءاتینه الحکم صبیًّا

۱۵- < عن النبی ( ص ) فی قوله < و آتیناه الحکم صبیّاً > قال : أعطی الفهم و العباده و هو ابن سبع سنین ;

۱ . الدرالمنثور، ج ۵، ص ۴۸۴.

۱۶- < قال رسول اللّه ( ص ) : . . . قال اللّه تعالی : < و آتیناه الحکم صبیّاً > یعنی الزهد فی الدنیا . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: . .. خدای تعالی فرموده است: <و آتیناه الحکم صبیّاً>; یعنی زهد در دنیا را (به او دادیم)...>.

کیفر قتل یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۳

۲۳ وعده عذاب دردناك به قاتلان زکریّا و یحیای پیامبر ( ع )

و یقتلون النّبیّن بغیر حق . .. فبشّرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. انّ نبی اللّه زکریّا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی اللّه.

---

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

گریه یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس ( ع ) ، هنگام

شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

مالکیت یحیی(ع)

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶ – ۶

۶- وجود مالکیت خصوصی در زندگانی یحیی و زکریای پیغمبر

فهب لی من لدنک ولیًّا . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

محبت یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۳ – ۷

۷- یحیی ( ع ) درپرتو عنایت های خداوند ، دوست دار او و سرشار از اشتیاق به وی بود .

حنانًا من لدنّا

دراین برداشت، وصف <حناناً> بیانگر مهر و محبتی است که خداوند آن رانسبت به خود، به یحیی(ع) عطا فرموده است.

محبوبیت یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۳ – ۴

۴- یحیی ( ع ) از مقربان درگاه خداوند و محبوب او بود .

و حنانًا من لدنّا

در باره مهر اعطایی به حضرت یحیی(ع) چهار تصور وجود دارد که وصف <حناناًمن لـدنّا> با تمام آنها سازگار است: مهر خداوند یا مردم به یحیی(ع) و مهر آن حضرت به خداوند یا مردم، دربرداشت یاد شده، مهرورزی خداوند به آن حضرت مورد نظر است.

مرگ یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۵ – ۱،۳،۱۰

۱- حضرت یحیی ( ع ) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

۳- یحیی ( ع ) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز ، مصون از هرگونه رنج و عذاب

و سلم علیه . .. یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

<ولد> فعل ماضی و <یموت> مضارع

است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

۱۰- < عن أبی الحسن الرضا ( ع ) : إنّ أوحش ما یکون هذا الخلق فی ثلاثه مواطن یوم یولد . . . و یوم یموت . . . و یوم یبعث . . . و قد سلّم اللّه عزّوجلّ علی یحیی ( ع ) فی هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : < و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً . . . > ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. .. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً>...>.

مسؤولیت پذیری یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۴ – ۸

۸- یحیی ( ع ) ، فردی وظیفه شناس و مسؤولیت پذیر در قبال خدا ، والدین و جامعه

و کان تقیًّا . و برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا

<تقیّاً> نشانِ رابطه یحیی(ع) با خدا و <برّاً بوالدیه>، با پدر و مادر و <لم یکن جبّاراً عصیّاً>، با مردم و جامعه است.

معجزه ولادت

یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۶

۶- تولد یحیی ، امری اعجاز آمیز و غیر عادی بودو

قال کذلکَ قال ربّکَ هو علیَّ هیّن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱

۱- بشارت و وعده خداوند به زکریا ، با تولد اعجاز گونه یحیی تحقق یافت .

نبشّرک بغلم اسمه یحیی . .. ییحیی خذ الکتب

معجزه یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ آفرینش حضرت یحیی ( ع ) ، همراه با اعجاز

انّ اللّه یبشرکَ بیحیی . .. کذلکَ اللّه یفعل ما یشاء

مقام یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۸،۱۲،۱۳،۱۴

۸ مزلت متعالی یحیی و زکریا ، در پیشگاه خداوند

فنادته الملئکه . .. یبشّرکَ بیحیی

نزول ملائکه بر زکریا (ع)، دلالت بر عظمت مقام او دارد. و بشارت خداوند به اعطای یحیی به وی حاکی از ارجمندی مقام

یحیی است.

۱۲ حیات جاودانه حضرت یحیی ( ع ) *

یبشرک بیحیی

با توجّه به معنای لغوی کلمه <یحیی> (زنده می ماند)، با صیغه مضارع که حاکی از استمرار آن معناست.

۱۳ حضرت یحیی ، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان ، به جهت پاکدامنی و عفت ، و پیامبری از تبار صالحان

انّ اللّه یبشرک بیحیی . .. و سیداً و حصورا و نبیاً من الصالحین

<حصور> به کسی گفته می شود که از زنان دوری گزیند، یا بجهت ناتوانی جنسی و یا

بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام ستایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: <وسیداً و حصوراً> و الحصور الذی یأبی النساء ... .

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۲.

۱۴ اعتقاد به نبوّت عیسی ( ع ) ، ارزشی برای یحیی

مصدقاً بکلمه من اللّه

مقامات یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۹

۹- حضرت یحیی ( ع ) ، شخصیتی الهی و مورد عنایت خاص خدا بود .

لم نجعل له من قبل سمیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۵،۱۰،۹،۲

۲- یحیی ( ع ) دریافت کننده وحی و دارای شخصیتی ممتاز در پیشگاه خداوند بود .

ییحیی خذ الکتب بقوّه

در بـاره این که نـدای <یـا یحیی> گفته چه کسـی بود، دو احتمال وجود دارد: ۱ از جانب خداونـد و توسط فرشـته وحی; ۲ توصیه زکریا به فرزندش یحیی. ظاهر آیه مؤید احتمال اول است. برداشت یاد شده نیز بر همین اساس است.

۹- خداوند ، یحیی ( ع ) را در کودکی به اجرای

احکام الهی توان مند ساخت .

و ءاتینه الحکم صبیًّا

در برداشت یاد شده <حکم> به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا درآورد.

۱۰- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحکم صبیًّا

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

۱۵- < عن النبی ( ص ) فی قوله < و آتیناه الحکم صبیّاً > قال : أعطی الفهم و العباده و هو ابن سبع سنین ;

۱ . الدرالمنثور، ج ۵، ص ۴۸۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۷

۷- حضرت یحیی ( ع ) ، مبرّا از گناه در برابر خدا *

و لم یکن . .. عصیًّا

می توان گفت جمله <و لم یکن . .. عصیّاً> بر نفی مطلق سرپیچی و عصیان (رد حاجت های مردم، معصیت پروردگار) دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۴

۴- حضرت یحیی ( ع ) دارای کرامت و ارجمندی ویژه در پیشگاه خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

منشأ علم یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۸

۸- اعطای قدرت درست اندیشی و شناخت حق از سوی خدا ، به یحیی ( ع ) در کودکی او بود .

و ءاتینه الحکم صبیًّا

برای <حکم> معانی مختلفی ذکر شده است ; یکی

از آن معانی که مبنای برداشت یاد شده است <علم و فهم> می باشد (لسان العرب ).

منشأ فهم یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۸

۸- اعطای قدرت درست اندیشی و شناخت حق از سوی خدا ، به یحیی ( ع ) در کودکی او بود .

و ءاتینه الحکم صبیًّا

برای <حکم> معانی مختلفی ذکر شده است ; یکی از آن معانی که مبنای برداشت یاد شده است <علم و فهم> می باشد (لسان العرب ).

منشأ محبت به یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۵

۵- یحیی ( ع ) ، در پرتو اراده خداوند ، از محبت عمیق مردم نسبت به خویش برخوردار بود .

و حنانًا من لدنّا

در این برداشت، مراد از <حناناً> محبت مردم نسبت به یحیی(ع)، دانسته شده است.

منشأ نامگذاری یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۴

۴ - < یحیی > ، نامی تعیین شده از سوی خدا برای فرزند زکریا

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیًّا

مهربانی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱

۱- خداوند ، روحیه رحمت و عطوفتی ژرف به یحیی عطا نمود .

ءاتینه . .. و حنانًا من لدنّا

<حنان> مصدر و به معنای شفقت و مهربانی است (مصباح). تنوین آن برای تفخیم است. این کلمه عطف بر <الحکم> در آیه قبل است.

نامگذاری یحیی(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۹

۹ نامگذاری یحیی ( ع ) ، از جانب خداوند

انّ اللّه یبشّرک بیحیی

نبوت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۲

۲- یحیی ( ع ) دریافت کننده وحی و دارای شخصیتی ممتاز در پیشگاه خداوند بود .

ییحیی خذ الکتب بقوّه

در باره این که ندای <یا یحیی> گفته چه کسی بود، دو احتمال وجود دارد: ۱ از جانب خداوند و توسط فرشته وحی; ۲ توصیه زکریا به فرزندش یحیی. ظاهر آیه مؤید احتمال اول است. برداشت یاد شده نیز بر همین اساس است.

نسب یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۵

۵- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم ( زکریا ، یحیی ، عیسی ، موسی و هارون ( ع ) ) از نسل اسرائیل ( یعقوب ) بودند .

من النبيّن . .. من ذرّيّه إبرهيم و إسرءيل

نعمتهای یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۸ – ۱

۱– زکریا ، یحیی ، مریم ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل و ادریس ( ع

) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أُولئک الذین أنعم اللّه علیهم

<ؤُولئک> اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله <أنعم اللّه . ..> نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

نقش یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۲،۳

۲- یحیی ( ع ) موهبتی بی چشمداشت از جانب خداوند به زکریا ( ع ) ، پس از دعا و روی آوردن او به درگاه الهی

إذ نادی ربّه . .. فاستجبنا له و وهبنا له یحیی

<هبه> به معنای عطیه و بخششی بدون عوض و خالی از اغراض (چشمداشت) است (لسان العرب).

۳- یحیی ( ع ) ، نخستین فرزند زکریا ( ع ) پس از استجابت دعای او برای فرزنددار شدن

ربّ لاتذرنی فردًا . .. فاستجبنا له و وهبنا له یحیی

نیاکان یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۱،۲

۱ زکریا، یحیی و الیاس، نوادگانی از ذریه ابراهیم(ع) بودند.

و من ذریته . .. و زکریا و یحیی و عیسی و إلیاس

۲ زکریا، یحیی و الیاس از نوادگان نوح(ع) بودند.

و من ذریته . .. و زکریا و یحیی و عیسی و إلیاس

نیکی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱،۶

۱- یحیی ( ع ) نسبت به

پدر و مادرش بسیار نیکوکار بود .

و برًّا بولدیه

<برّاً> عطف بر <تقیّاً> در آیه قبل است و با کلمه <بارّ> به یک معنا است جز این که <بَرّ> مبالغه دارد و <برّالوالدین> احسان و نیکی گسترده به آنها است (مفردات راغب).

۶- حضرت یحیی ( ع ) علاوه بر نیکی به پدر و مادر هیچ گاه چیزی بر آنان تحمیل نکرد و از فرمان آنها ، سربرنتافت .

و برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا

چون جملات پیشن در باره حضرت یحیی(ع)، مهر و شفقت را مطرح کرد و از بین صفات بارز او به نیکی در حق پدر و مادر اشاره نمود; محتمل است نفی جباریت و عصیان نیز متعلق به <والدیه> باشد. بنابراین می توان گفت حضرت یحیی در نهایت خضوع در برابر پدر و مادر و اطاعت از فرمان آنها بود.

وحی به یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۲

۲- یحیی ( ع ) دریافت کننده وحی و دارای شخصیتی ممتاز در پیشگاه خداوند بود .

ییحیی خذ الکتب بقوّه

در باره این که ندای <یا یحیی> گفته چه کسی بود، دو احتمال وجود دارد: ۱ از جانب خداوند و توسط فرشته وحی; ۲ توصیه زکریا به فرزندش یحیی. ظاهر آیه مؤید احتمال اول است. برداشت یاد شده نیز بر همین اساس است.

وراثت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۸

۸- یحیی ( ع ) ، وارث حضرت زکریا ( ع ) و خاندان یعقوب بود .

یرثنی و یرث من ءال یعقوب . ..

یزکریا إنّا نبشّرک بغلم اسمه یحیی

ولادت یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۵ – ۱،۲،۱۰

۱– حضرت یحیی ( ع ) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

۲– حضرت یحیی ( ع ) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

<سلام> دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد; لذا <سلام علیه>; یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

۱۰– < عن أبی الحسن الرضا ( ع ) : إنّ أوحش ما یکون هذا الخلق فی ثلاثه مواطن یوم یولد . . . و یوم یموت . . . و یوم یبعث . . . و قد سلّم اللّه عزّوجلّ علی یحیی ( ع ) فی هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : < و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً . . . > ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. .. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع

و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً>...>.

ویژگیهای حیات اخروی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۹

۹- حضرت یحیی ( ع ) در آخرت ، دارای حیاتی ویژه است .

و یوم یبعث حیًّا

فعل <یبعث> بر زنـده شدن نیز دلالت دارد. تصـریح به <حیّاً> ممکن است به خاطر ویژگی حیات یحیی در مقایسه با دیگر انسان ها باشد.

ویژگیهای دعای یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۶

۱۶- زکریا ( ع ) و همسر و فرزند او ( یحیی ) ، خدا را با رغبت و امید می خواندند .

و یدعوننا رغبًا و رهبًا

ویژگیهاییحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۱

۱۱- یحیی برخوردار از استعدادی فوق العاده در کودکی

و ءاتینه الحکم صبیًّا

هدایت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۵ – ۴

۴ زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از هدایت خاص خداوند بهره مند بودند.

و کلا هدینا . .. و من ذریته ... و زکریا و یحیی و عیسی و إلیاس

یحیی(ع) از صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۵ – ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

یحیی(ع) در

قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۵ – ۱،۳،۱۰

۱- حضرت یحیی ( ع ) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

۳- یحیی ( ع ) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز ، مصون از هرگونه رنج و عذاب

و سلم علیه . .. یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

<ولد> فعل ماضی و <یموت> مضارع است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

۱۰- < عن أبی الحسن الرضا ( ع ) : إنّ أوحش ما یکون هذا الخلق فی ثلاثه مواطن یوم یولد . . . و یوم یموت . . . و یوم یبعث . . . و قد سلّم اللّه عزّوجلّ علی یحیی ( ع ) فی هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : < و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً . . . > ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. .. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد

و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً>...<.

یحیی(ع) و اجرای احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۹

۹- خداوند ، یحیی ( ع ) را در کودکی به اجرای احکام الهی توان مند ساخت .

و ءاتینه الحکم صبیًّا

در برداشت یاد شده <حکم> به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا درآورد.

یحیی(ع) و تحمیل بر والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۶

۶- حضرت یحیی ( ع ) علاوه بر نیکی به پدر و مادر هیچ گاه چیزی بر آنان تحمیل نکرد و از فرمان آنها ، سربرنتافت .

و برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا

چون جملات پیشن در باره حضرت یحیی(ع)، مهر و شفقت را مطرح کرد و از بین صفات بارز او به نیکی در حق پدر و مادر اشاره نمود؛ محتمل است نفی جباریت و عصیان نیز متعلق به <والدیه> باشد. بنابراین می توان گفت حضرت یحیی در نهایت خضوع در برابر پدر و مادر و اطاعت از فرمان آنها بود.

یحیی(ع) و سلطه طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۵

۵- حضرت یحیی ( ع ) ، شخصیتی مبرّا از گردن فرازی ، بزرگ نمایی ، سلطه جویی ناحق و اعراض از حاجات مردم

و لم یکن جبّارًا عصیًّا

<جبّار> صیغه مبالغه و به معنای گردن فرازی است که برای دیگران برخود حقی قائل نیست (لسان

العرب) و به معنای <سلطه جو> و <کسی که به دروغ مدعی درجه ای از کمال باشد> نیز آمده است (مفردات راغب). <عصیّ> صیغه مبالغه است و به قرینه <برّاً> و <جبّاراً> که در رابطه با مردم است، مراد از <عصیّ> نیز سرپیچی از برآوردن حاجات مردم و تواضع نداشتن در برابر آنها است. به کاربردن صیغه مبالغه در کلامِ منفی، برای مبالغه در نفی است.

یحیی(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۷

۷- حضرت یحیی ( ع ) ، مبرّا از گناه در برابر خدا *

و لم یکن . .. عصیًّا

می توان گفت جمله <و لم یکن . .. عصیّاً> بر نفی مطلق سرپیچی و عصیان (رد حاجت های مردم، معصیت پروردگار) دلالت دارد.

یحیی(ع) هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس ( ع ) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

## یعقوب (ع) از دیدگاه قرآن در تفسیرراهنما

یعقوب(ع)

آثار اندوه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۵

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وابیضت عیناه من الحزن

<ابیضاض> مصدر باب افعلال

از ماده <بیض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

آثار توصیه های یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۸

۸ توصیه یعقوب ( ع ) به فرزندانش ( لزوم اختیار کردن دروازه های متعدد برای ورود به مصر ) جز تلاش برای سلامتی فرزندانش ، اثر دیگری نداشت .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

استثنا در عبارت <إلّا حاجه . ..> استثنای منقطع است. ظاهر آن است که ضمیر فاعلی در <قضاها> به یعقوب(ع) باز گردد. بر این اساس معنای <ما کان یغنی ... إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضاها> چنین می شود: تدبیر یعقوب(ع) هرگز بازدارنده آنچه از ناحیه خداوند مقدر شده بود نشد ; لکن یعقوب(ع) خواسته ای داشت که با دستور خویش (ادخلوا من أبواب متفرقه) عملی ساخت. بر اساس این معنا مراد از خواسته او (حاجه) انجام وظیفه است و آن راهنمایی فرزندان به اسباب رهایی از خطرات احتمالی است.

آثار خداشناسی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۴

۱۴ معرفت ویژه یعقوب ( ع ) نسبت به خداوند و صفات او ، دلیل تضرعش به درگاه او و شکایت نبردنش به غیر او .

إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله و أعلم من الله ما لاتعلمون

جمله <أعلم من الله> به منزله تعلیل برای <إنما أشکوا . ..> است ; یعنی ، دلیل اینکه من فقط به خدا شکایت می برم [و شما این گونه

نیستید] آن است که من از صفات و ویژگیهای خدا ، چیزهایی را می دانم که شما نمی دانید.

آثار محبت یعقوب(ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۷

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب ( ع ) به دو فرزندش یوسف ( ع ) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف ( ع )

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

آثار محبت یعقوب(ع) به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۷

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب ( ع ) به دو فرزندش یوسف ( ع ) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف ( ع )

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

آخرت طلبی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۱

۱ - آخرت اندیشی و یاد مستمر قیامت ، از اوصاف ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام )

إنّا أخلصنهم

بخالصه ذكرى الدار

<خالصه> موصوف براى صفت مقدر (چون خصله) و يا صفت است. <باء> آن براى سببيت و عبارت <ذكرى الدار> نيز بيان براى <خالصه> مى باشد. بر اين اساس پيام آيه چنين خواهد بود: ما با خصلت و صفت خالص و بى شائبه كه عبارت است از آخرت انديشى آنان را خالص ساختيم.

آگاهى يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵ - ۷

۷ يعقوب ( ع ) از روحيات فرزندان خويش مطلع بود .

لاتقصص . .. فيكيدوا لك كيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۶

۶ آگاهى يعقوب به اينكه بازداشت بنيامين بر اساس كيد و نقشه اى از طرف فرزندانش ( يوسف ، بنيامين يا برادران ديگر ) بوده است . *

قال بل سوّلت لكم أنفسكم أمرًا

در اينكه چرا يعقوب(ع) گزارش فرزندانش را باور نكرد و آنان را على رغم داشتن شهود عينى كه جاى شك باقى نمى گذاشت به تسويل كردن متهم ساخت، پاسخهايى ذكر كرده اند. آنچه به نظر روشن تر مى رسد اين است كه: ۱ يعقوب(ع) به فراست خاص خويش و اطمينانش به درست كارى بنيامين دريافته بود كه گزارش ياد شده واقعيت ندارد. ۲ كيد و نقشه اى براى گرفتار شدن بنيامين در كار بوده و به اصطلاح كاسه اى زير نيم كاسه بوده است. ۳ اين كيد و نقشه از ناحيه فرزندانش اجرا شده است. اينها واقعيتهايى بود كه يعقوب(ع) به فراست دريافت ; ولى نكته اى كه براى او پس از آنكه

فهمیـده بود نقشه گرفتـاری بنیـامین از ناحیه فرزنـدانش است مجهول و مبهم مانـده بود، این بود که متوجه نشـد خود بنیامین و یوسف طرّاح و مجری آن نقشه بودند.

آل یعقوب و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۹،۱۰

۹ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب در برخورد با او

لولا أن تفنّدون

۱۰ ترور شخصیت یعقوب ( ع ) از ناحیه بستگان و اطرافیانش

لولا أن تفنّدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱،۲،۴،۵

۱ بسـتگان یعقوب باور به زنـده بودن یوسف ( ع ) را خطای دیرینه یعقوب ( ع ) و اصـرار بر آن را برخاسـته از کژاندیشـی می شمردند .

إنک لفی ضللک القدیم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالک القدیم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

۲ بسـتگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانسـتن یوسف ( ع ) و محبّت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنک لفی ضللک القدیم

۴ بستگان یعقوب او را در خبر استشمام بوی یوسف ( ع ) تکذیب کرده و این احساس را ناشی از کژاندیشی دانستند .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

۵ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب به ساحت والای آن حضرت

إنک لفی ضللک القدیم

ابراهیم(ع) و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق ( ع ) ، پدران یعقوب و یوسف ( ع ) بودند .

علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۴

۴- تولد یعقوب ( ع ) ، در زمان حیات ابراهیم ( ع ) بود .

و وهبنا له إسحق و یعقوب

یعقوب(ع) فرزنـد اسـحاق و نوه ابراهیم(ع) است; ولی از آن جا که خداوند نام یعقوب را همراه با اسـحاق ذکر فرمود و هر دو را به عنوان موهبت خود به ابراهیم یادآور شد، می رساند که یعقوب(ع) در زمان حیات ابراهیم(ع) تولد یافته بود.

ابراهیم(ع) هنگام ولادت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۶

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم ( ع ) بوده است .

وهبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صـدق هبه زمانی است که دریافت کننـده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

اجابت دعای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ خداوند خواسته یعقوب ( ع ) ( ورود فرزندانش از درب های متعدد ) را برآورده ساخت . *

إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

برداشت فوق ، بر اساس این احتمال است که ضمیر فاعلی در <قضاها> به <الله> باز گردد. بر این اساس مفاد <و

لما دخلوا> تا <قضاها> چنین می شود: هر چند توصیه یعقوب(ع) اثری نداشت ; لکن خداوند خواسته او را عملی ساخت.

احترام بنیامین به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۹

۹ بنیامین بدون رخصت پدرش یعقوب ( ع ) به مسافرت اقدام نمی کرد .

ا$ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواست

ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواستند که وی را به همراه ایشان بفرستد (فأرسل معنا أخانا) معلوم می شود که بنیامین بدون اجازه پدرش به مسافرت نمی رفت.

احترام به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۴

۴ احترام ویژه یوسف ( ع ) به پدر و مادر خویش

و رفع أبویه علی العرش

احتضار یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۶

۶ - یعقوب ( ع ) در آستانه مرگ ، فرزندانش را به ملازمت توحید دعوت نمود و به یکتا پرستی وصیت کرد .

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

احساس خطر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۳

۳ فرزنـدان یعقوب با یادآور شـدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او ( احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف ) را نابه جا شمردند .

أخاف . .. قالوا لئن أكله الذئب و نحن عصبه

اخلاص یعقوب(ع)

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۳ – ۱۵

۱۵– عبادت و بندگی مداوم و مخلصانه ، از اوصاف حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع )

و کانوا لنا عبدین

فعل <کون> که مفید استقرار وصف است بیانگر دائمی بودن عبادت ابراهیم(ع) است و تقدم جار و مجرور (لنا)، نشانگر انحصار عبادت آنان، برای خداوند متعال است که از آن به خالصانه بودن یاد می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۶ – ۲

۲ – ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) از هرگونه آلودگی های مادی و متضاد با آخرت اندیشی پاک و منزه بود .

إنّا أخلصنهم بخالصه ذکری الدار

اسباط یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۶ – ۱۸

۱۸ – < حنان بن سدیر عن أبیه عن أبی جعفر ( ع ) قال : قلت له ، کان ولد یعقوب أنبیاء ؟ قال لا و لکنهم کانوا أسباطاً أولاد الأنبیاء . . . ؛

حنان بن سدیر از پدرش روایت کرده که از امام باقر(ع) سؤال نمودم: آیا فرزندان یعقوب، پیامبر بودند؟ فرمود: نه، و لکن آنان اسباط و فرزندان پیامبران بودند . .. >.

استغفار یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۸ – ۲

۲ یعقوب ( ع ) به فرزندانش نوید داد که به زودی آمرزش گناهانشان را از درگاه خداوند خواهد خواست و برای آنان

شفاعت خواهد کرد .

قال سوف أستغفر لکم ربی

استقبال از یعقوب(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۲

۲ یوسف ( ع ) برای استقبال از پدر و مادر ، برادران و سایر بستگانش ، از شهر مصر بیرون رفت .

فلما دخلوا علی یوسف . .. قال ادخلوا مصر

جمله <ادخلوا مصر> (به مصر وارد شوید) گویای این است که یوسف(ع) در خارج شهر با خاندان خویش ملاقات کرد و در بیرون مصر به استقبال آنان رفت.

استمداد یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ یعقوب ( ع ) برای کشف حقیقت آنچه فرزندانش درباره یوسف ( ع ) ابراز می کردند ، از خداوند کمک خواست .

والله المستعان علی ما تصفون

<وصف> (مصدر تصفون) به معنای بیان کردن است و مراد از <ما> سخنان دروغین برادران یوسف می باشد. کمک گرفتن از خدا بر سخنان و گزارشهای غیر واقعی ، به معنای کمک گرفتن از او در کشف حقیقت است.

اسحاق(ع) و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق ( ع ) ، پدران یعقوب و یوسف ( ع ) بودند .

علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

اسکان یعقوب(ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) در حکومت مصر برای جای دادن به یعقوب ( ع ) و خاندان او در آن دیار ، محدودیت و مشکلی نداشت .

وأتونی بأهلکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۹ – ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) پس از انجام مراسم استقبال ، از پدر و مادر و خویشانش خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی که <آمنین> بدان اشاره دارد با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از <ادخلوا . ..> سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

اسماعیل(ع) عموی یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۳ – ۲۰

۲۰ – از امام باقر ( ع ) روایت شده که : < . . . قال تعالی فی قصه یعقوب < قالوا نعبد إلهک و إله أبائك ابراهیم و اسماعیل و اسحاق > و اسماعیل کان عمّ یعقوب ( ع ) و قد سماه أباً فی هذه الایه ;

. .. خداوند در قصه یعقوب فرموده: ]فرزندان یعقوب در جواب پدر [ گفتند: ما خدای تو و پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می پرستیم. و اسماعیل عموی یعقوب بود، در حالی که خداوند او را در این آیه، پدر خوانده است>.

اطاعت از یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۸ – ۲،۳،۱۳

۲ فرزندان یعقوب براساس فرمان آن حضرت ، در آستانه ورود به مصر متفرق شدند و از دروازه های متعدد به آن دیار وارد گشتند .

وادخلوا من أبوب متفرقه . .. و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

<حیث> اسم مکان و به معنای جا

و محل است.

۳ اطاعت فرزندان یعقوب از پدر خویش

و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

۱۳ اطاعت فرزندان یعقوب از او در مورد ورودشان از دروازه های متعدد ، به توفیق الهی بود .

و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم . .. إلاّ حاجه فی نفس یعقوب قضیها

از یک سو برآورده شدن خواسته یعقوب(ع) (ورود فرزندان از دربهای متعدد) به خود آنان نسبت داده شده (و لما دخلوا من حیث أمرهم) و از سویی بیان شده که خداوند خواسته او را برآورده ساخته است. از این دو بیان معلوم می شود که توفیق خدا و اراده او موجب شد که فرزندان یعقوب به آنچه پدرشان توصیه کرده بود، موفق شوند.

اطمینان یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵ – ۴

۴ یعقوب ( ع ) مطمئن به مکر و کید فرزندانش علیه یوسف ( ع ) در صورت آگاه شدنشان از رؤیای او

لاتقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیدًا

چنان چه یعقوب(ع) اطمینان و یقین به کید و مکر فرزندانش علیه یوسف(ع) نداشت ، پس از نقل رؤیا می فرمود: <فإنی أخاف أن یکیدوا . ..> (می ترسم نقشه ای برای تو بکشند) و جمله خویش را با مفعول مطلق (کیداً) تأکید نمی کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۸ – ۷۸

۷ یعقوب ( ع ) گزارش فرزندانش را نپذیرفت و به دروغ بودن آن اطمینان پیدا کرد .

فأکله الذئب . .. قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

<تسویل> (مصدر سوّلت) به معنای آسان کردن و نیز زینت دادن امری ناپسند

به صورت امری نیکوست و مراد از <أمراً> مکر و نیرنگ علیه یوسف است. بنابراین <بل سوّلت ...> چنین معنا می شود: آنچه گفتید صحت ندارد ; بلکه نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت.

۸ اطمینان یعقوب ( ع ) به اجرای توطئه ای از سوی فرزندانش علیه یوسف ( ع )

بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> می رساند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت و جمله <سوّلت لکم . ..> بیانگر این نکته است که او به توطئه آنان علیه یوسف(ع) اطمینان پیدا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۹

۹ یعقوب ( ع ) در پی تعهد فرزندانش بر محافظت از یوسف ( ع ) به آنان اطمینان کرد و به حفاظت آنان دل بست .

کما أمنتکم علی أخیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب ( ع ) به زنده بودن یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۹،۱۰

۹ یعقوب ( ع ) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف ( ع ) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر

اساس معنای اول مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۰ یعقوب ( ع ) به دیدار یوسف ( ع ) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۶

۶ یعقوب ( ع ) مطمئن به یاری و رحمت خداوند در یافتن یوسف و بنیامین

فتحسسوا من یوسف و أخیه و لاتأیئسوا من روح الله

جلوه و نمود رحمت خداوند در آیه شریفه ، یاری و کمک او در یافتن یوسف و دستیابی به بنیامین است.

اعراض یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱

۱ یعقوب ( ع ) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندانش ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولی عنهم

<تولی> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزندانش به قرینه <فهو کظیم> از سر خشم و غضب بر آنان بوده است.

اعطای یعقوب(ع) به ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۳

۳- اعطای اسحاق و یعقوب به حضرت ابراهیم ( ع ) ، موهبتی الهی و پاداش هجرت او بود .

فلمّا أعتزلهم و مایعبدون من دون اللّه وهبنا له إسحق و یعقوب

حرف <لمّا> بیانگر ترتب جزا(وهبنا . ..) بر شرط (اعتزلهم ...) می باشد و دلالت می کند که وجود جزا، به خاطر وجود شرط بوده است.

الگوگیری از یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۷ – ۷

۷ – ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، اسوه و الگوی انسان ها

و اذکر عبدنا إبرهیم . .. إنّهم عندنا لمن المصطفین الأخیار

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، درصدد بیان سرگذشت شخصیت هایی است که برای پیامبراسلام(ص) و مؤمنان، درس آموز و سازنده است.

امامت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۳ – ۱

۱– حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، برخوردار از منصب پیشوایی و رهبری در جامعه

و جعلنهم أئمه

امیدواری یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۱۲،۱۳،۱۴،۲۰

۱۲ یعقوب ( ع ) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

۱۳ یعقوب ( ع ) برای مراجعت فرزندانش به یاری خداوند دل بسته بود و به کمک او امید داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

۱۴ یعقوب ( ع ) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

۲۰ اعتقاد و باور یعقوب ( ع ) به علم و حکمت الهی ، موجب اتکا و امید آن حضرت به یاری خداوند بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو . ..> تعلیل برای <عسی الله ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۷ – ۳

۳ یعقوب ( ع ) گرفتار شدن به فراق بنیامین را نشانه پایان یافتن اندوه های خویش دانست و به یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین امیدوار شد .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه و لاتأْیئسوا من روح الله

از آن جا که یعقوب(ع) پس از داستان بنیامین، جستوجو از یوسف را مطرح می سازد و فرزندانش را مأمور تفحص از وی می کند، چنین برمی آید که وی قضیه بنیامین را نشانه ای به نزول فرج الهی دانسته و به یافتن یوسف(ع) امیدوار شده بود. اقدام نکردن وی برای یافتن یوسف پیش از داستان بنیامین، دلیل این حقیقت است و این معنا توجیه کننده برنامه یوسف(ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

انتظارات یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۵

۵ یعقوب ( ع ) از فرزندانش انتظار نداشت با به خطر انداختن خویش در حفظ بنیامین و باز$ گرداندن او تلاش کنند .

إلاّ أن یحاط بکم

احاطه که ظاهراً مصدر <یحاط> است به معنای گرفتن پیرامون چیزی از همه جوانب آن است و در آیه شریفه کنایه از مغلوب شدن و بسته شدن همه راهها و چاره هاست.

اندوه یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸ – ۱۵

۱۵ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فلما رأی یوسف الرؤیا و أصبح یقصّها علی أبیه یعقوب ، فاغتم یعقوب لما سمع من یوسف مع ما أوحی الله عزوجل إلیه أن استعد للبلاء

. . . و خاف أن یکون ما أوحی الله عزوجل إلیه من الإستعداد للبلاء هو فی یوسف خاصّه فاشتدت رقته علیه من بین ولده فلما رأی إخوه یوسف ما یصنع یعقوب بیوسف و تکرمته إیّاه و إیثاره إیّاه علیهم إشتد ذلک علیهم . . . و قالوا : إن یوسف و أخاه < أحب إلی أبینا منّا > . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که یوسف(ع) آن خواب را دید و بامداد برای یعقوب بازگو کرد، یعقوب به خاطر آنچه از یوسف شنید با آنچه خدای عزوجل به او وحی کرد که آماده بلاـ باش غمگین شد ... و ترسید که آن بلا بالخصوص در مورد یوسف باشد. از این رو مهربانی او از میان برادران به یوسف زیادتر شد ; چون برادران رفتار یعقوب را نسبت به یوسف دیدند که او را گرامی می دارد و بر آنان ترجیح می دهد، بر آنان گران آمد ... و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب ترند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۲،۳

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف ( ع ) ، از اعتذار های یعقوب ( ع ) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لک لاتأمنّا . .. قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۳ یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف ( ع ) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۶

۱۶ < عن أبی عبدالله ( ع ) : قیل له : کیف یحزن یعقوب علی یوسف و قد أخبره جبرئیل أنه لم یمت و أنه سیرجع إلیه فقال : إنه نسی ذلک ;

از امام صادق(ع) روایت شده که به ایشان گفته شد: چگونه یعقوب برای یوسف محزون می شود و حال آنکه جبرئیل او را خبر داده بود که یوسف نمرده و به زودی به سوی او برمی گردد؟ امام(ع) فرمود: یعقوب خبر جبرئیل را فراموش کرده بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۴

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف ( ع ) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله . ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۶

۶ یعقوب ( ع ) با بیان اینکه از غم و اندوهش به اطرافیان و فرزندانش شکایت نمی کند ، خویشتن را سزاوار ملامت آنان نمی دید .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف . .. قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

انقیاد یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱

۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندان آنان ، امتی پرستشگر خدا و تسلیم در برابر او

تلک أمه قد خلت

مشارالیه <تلک> پیامبران یاد شده در آیه قبل و فرزندانشان است. به کارگیری

<تلک> برای اشاره به مذکر به لحاظ خبر (أمه) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱

۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، امتی پرستشگر خدا و تسلیم در برابر او

تلک أمه قد خلت

مشار الیه <تلک> پیامبران یاد شده در آیه قبل است. به کارگیری <تلک> برای اشاره به مذکر و لحاظ خبر (أمه) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۲

۳۲ < از امام هادی ( ع ) درباره سخن خداوند < وخرّوا سجّداً > سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند : < أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف و إنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف ;

سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود ; بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود>.

اوامر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۲

۲ یعقوب ( ع ) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها بپردازند .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

اولاد یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۲

۲ ابرهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندانش ، از انبیا و دریافت کنندگان

وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم . .. و الاسباط

چون <الاسباط> به معنای نوه ها پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

اهانت به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۹

۹ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب در برخورد با او

لولا أن تفنّدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۵

۵ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب به ساحت والای آن حضرت

إنک لفی ضللک القدیم

اهتمام یعقوب(ع) بر توکل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۸

۱۸ توصیه های یعقوب ( ع ) به فرزندان خویش ( لزوم توکل بر خدا و به کارگیری اسباب و علل ) جلوه ای از علم ویژه او بود
.

ادخلوا من أبوب متفرقه . .. و علیه فلیتوکل المتوکلون ... إنه لذو علم لما علّمنه

اهتمام یعقوب(ع) به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۵

۱۵ یعقوب ( ع ) پیشه ساختن صبر و بردباری را زمینه ساز یاری خداوند در رفع مشکلات می دانست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

ایمان به تعالیم یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱

۱ - ضرورت ایمان داشتن به خدا ، قرآن و احکام و معارف نازل شده بر ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (

( ع

قولوا ءامنا باللّه و ما أنزل إلينا و ما أنزل إلى إبرهيم . .. و يعقوب

ايمان يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۰،۲۴

۲۰ اعتقاد و باور يعقوب ( ع ) به علم و حكمت الهى ، موجب اتكا و اميد آن حضرت به يارى خداوند بود .

عسى الله أن يأتينى بهم جميعًا إنه هو العليم الحكيم

جمله <إنه هو . ..> تعليل براى <عسى الله ...> مى باشد.

۲۴ باور يعقوب ( ع ) به علم و حكمت خداوند ، موجب بهره مندى وى از صبر و شكيبايى بود .

فصبر جميل . .. إنه هو العليم الحكيم

جمله <إنه هو. ..> علاوه بر اينكه تعليل براى <عسى الله ...> است مى تواند بيان علت براى <فصبر جميل> نيز باشد. برداشت فوق ، ناظر به اين احتمال است.

برادران يوسف و بيمارى يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۳

۳ فرزندان يعقوب ، نگران وضعيت رو به وخامت پدر خويش و ناراحت از قرار گرفتنش در معرض بيمارى و هلاكت

قالوا تالله تفتؤا تذكر يوسف حتى تكون حرضًا أو تكون من الهلكين

برادران يوسف و رضايت يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۵،۶

۵ زمینه سازی برادران یوسف جهت جلب رضایت پدر در بردن یوسف ( ع )

یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

۶ فرزندان یعقوب ، با دروغ و نیرنگ درصدد برآمدند تا اعتماد وی را جلب کرده و رضایت او را در سپردن یوسف ( ع

) به ایشان فراهم سازند .

و إنا له لنصحون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۱ – ۴،۶،۷

۴ فرزندان یعقوب برای آوردن بنیامین به مصر ، راهی جز جلب رضایت یعقوب ( ع ) نداشتند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

۶ برادران یوسف ، با او عهد کردند که پدرشان یعقوب ( ع ) را برای روانه ساختن بنیامین متقاعد کنند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

<مراوده> (مصدرنراود) به معنای درخواست با لطف و مداراست و <عنه> دلالت به مورد درخواست دارد. و مفاد <سنرود ...> چنین است، همانا با ملاطفت و مدارا از پدرش (پدر بنیامین) خواهیم خواست که وی را در سفر آینده با ما همراه سازد.

۷ تأکید برادران یوسف بر توانایی خویش برای جلب رضایت پدر و آوردن بنیامین به نزد یوسف ( ع )

إنا لفعلون

جمله <سنرود عنه أباه> این احتمال را برای یوسف(ع) ایجاد می کند که شاید پدرتان راضی نشد. برادران وی با جمله <إنا لفاعلون> به وی اطمینان می دهند که بدون هیچ تردید ، رضایت پدر را جلب خواهند کرد و بنیامین را خواهند آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۵ – ۱۰،۱۲

۱۰ ضرورت تهیه طعام ، دغدغه خاطر نداشتن برای بهای آذوقه و لطف و عنایت خاص دربار مصر به فرزندان یعقوب ، دلیل های آنان برای لزوم سفر به مصر و اصرارشان بر جلب موافقت پدر با مسافرت بنیامین

ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلنا

سخنان فرزندان یعقوب (یا أبانا هذه . ..) در راستای جلب

رضایت وی برای سفر بنیامین است و هر جمله آن اشاره به دلیلی بر لزوم این مسافرت دارد. فرزندان یعقوب با جمله <ما نبغی ...> بیان می دارند که مورد توجه خاص عزیز مصر قرار گرفته اند و سزاوار نیست درخواست او (آوردن بنیامین) را برآورده نسازند. آنان با عطف جمله <نمیر أهلنا> بر جمله ای مقدر نظیر <نستظهر بها> (از این بضاعت باز گردانده شده برای تهیه آذوقه کمک می گیریم) بیان می کنند که مشکل نداشتن بهای آذوقه را ندارند و با جمله <نحفظ أخانا> می رسانند که به خاطر پاسخ مثبت به عزیز مصر و دریافت آذوقه، ملزم به حفظ برادرشان هستند و با جمله <ذلک کیل یسیر> بیان می کنند که سخت نیازمند تهیه طعام هستند.

۱۲ لغو تحریم آذوقه و اضافه شدن یک بار شتر غلّه با آمدن بنیامین به مصر ، از دلیل های ارائه شده به یعقوب ( ع ) برای جلب موافقت آن حضرت به روانه ساختن بنیامین

و نزداد کیل بعیر ذلک کیل یسیر

<ازدیاد> (مصدر <نزداد> از باب افتعال) به معنای درخواست زیاده و اضافه است. <کیل بعیر> ; یعنی، بار و محموله ای که معمولاً ـ بر یک شتر حمل می کنند. گفتنی است جمله های <فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم ...> و <منع منا الکیل> دلالت می کند بر اینکه یوسف(ع) اعطای سهمیه به فرزندان یعقوب را بدون همراهی بنیامین ممنوع و تحریم کرد. بنابراین مراد از <نزداد کیل بعیر> این است که اگر بنیامین را به همراه ببریم علاوه بر لغو تحریم، یک بار اضافه نیز مطالبه می کنیم.

برادران یوسف و یعقوب(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۹،۸،۷

۷ برادران یوسف با حضور در پیشگاه یعقوب ( ع ) لب به شکایت گشوده و از بی اعتمادی او نسبت به آنان درباره یوسف ( ع ) انتقاد کردند .

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، بر خیرخواهی خویش نسبت به یوسف ( ع ) تأکید کردند .

ما لک لاتأمنّا علی یوسف و إنا له لنصحون

۹ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به او ، و تحریک احساسات وی درصدد فریب دادن او بودند .

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

برداشت فوق ، از خطاب <یأبانا> (ای پدر جانمان) و نیز لحن کلام <ما لک لاتأمنّا . ..> (چه شده است که به ما درباره یوسف بی اعتماد هستی) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۸

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، با تأکیدی فراوان مراقبت از یوسف ( ع ) را برعهده گرفتند .

و إنا له لحفظون

تأکید فراوان ، از آوردن جمله اسمیه به همراه <إنّ> و <لام> تأکید استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۵،۳

۳ فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او ( احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف ) را نابه جا شمردند .

أخاف . .. قالوا لئن أکله الذئب و نحن عصبه

۵ برادران یوسف در حضور پدر نابودی یوسف ( ع ) را برای خود ، امری خسارت بار و

تباه کننده قلمداد کردند .

إنا إذًا لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱

۱ فرزندان یعقوب با دروغ ها و نیرنگ های خویش ، موافقت او را برای فرستادن یوسف ( ع ) به همراه خود جلب کردند .

إنا له لحفظون . .. فلما ذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب ، پس از ر ها ساختن یوسف ( ع ) در چاه ، گریان نزد پدر آمدند .

و جاءو أباهم عشاءً یبکون

---

علل الشرایع، ص۴۷، ح۱، ب ۴۱; نورالثقلین، ج۲، ص۴۱۳، ح۱۷.

۲ برادران یوسف برای حق جلوه دادن صحنه های دروغین ، حضور خویش در نزد پدر را تا شامگاهان به تأخیر انداختند .

و جاءو أباهم عشاءً

<عشاء> به اول تاریکی شب گفته می شود و برخی از اهل لغت گفته انـد: <عشاء> از اول مغرب است تا سپری شـدن ثلث شب. تصریح قرآن به زمان گزارش دروغین (شامگاهان) اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۳

۳ برادران یوسف با ارائه پیراهن خونین او به یعقوب ( ع ) ، درصدد اثبات ادعای ساختگی خویش برآمدند .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۳

۳ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد

کردن از او به عنوان <أخانا> (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۵ – ۵،۶،۷

۵ فرزندان یعقوب به وی خاطرنشان کردند که عزیز مصر ( یوسف ) بدون آگاهی ایشان و بدون کمترین امتنانی ، بضاعت آنان را بازگردانده است .

هذه بضعتنا ردّت إلینا

آوردن فعل <رُدّت> به صورت مجهول و یاد نکردن از فاعل آن برای رساندن این معناست که باز گرداننده به گونه ای عمل کرده که ما متوجّه او نشویم و احساس کوچکی و شرمندگی نکنیم.

۶ فرزندان یعقوب در کنار پدر و پیرامون او زندگی می کردند .

و لما فتحوا متعهم . .. قالوا یأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا

۷ فرزندان یعقوب با مشاهده سرمایه بازگردانده شده ، تلاش مجددی را برای جلب توافق پدر با مسافرت کردن بنیامین آغاز کردند .

قال هل ءامنکم . .. یأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلنا و نحفظ أ

سخنان فرزندان یعقوب (ما نبغی هذه بضاعتنا. ..) به قرینه مخاطب قرار دادن یعقوب (یا أبانا)، در راستای جلب موافقت وی برای سفر بنیامین بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۸ – ۲،۳،۱۳

۲ فرزندان یعقوب براساس فرمان آن حضرت ، در آستانه ورود به مصر متفرق شدند و از دروازه های متعدد به آن دیار وارد گشتند .

وادخلوا من أبوب متفرقه . .. و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

<حیث> اسم مکان و به معنای جا و محل است.

۳ اطاعت فرزندان یعقوب از پدر خویش

و لما دخلوا من حيث أمرهم أبوهم

١٣ اطاعت

فرزندان یعقوب از او در مورد ورودشان از دروازه های متعدد ، به توفیق الهی بود .

و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم . .. إلاّ حاجه فی نفس یعقوب قضیها

از یک سو برآورده شدن خواسته یعقوب(ع) (ورود فرزندان از دربهای متعدد) به خود آنان نسبت داده شده (و لما دخلوا من حیث أمرهم) و از سویی بیان شده که خداوند خواسته او را برآورده ساخته است. از این دو بیان معلوم می شود که توفیق خدا و اراده او موجب شد که فرزندان یعقوب به آنچه پدرشان توصیه کرده بود، موفق شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۰ – ۳

۳ فرزندان یعقوب بر باز گرداندن بنیامین از سفر مصر ، با پدرشان یعقوب پیمان بسته و سوگند یاد کرده بودند .

أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۱ – ۸،۱۰

۸ دزدی مخفیانه بنیامین و ناتوانی برادران از مراقبت وی در نهان ، اعتذار آنان نزد یعقوب ( ع ) از باز نگرداندن او

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا . .. و ما کنا للغیب حفظین

جمله <و ما کنا . ..> در حقیقت پاسخ به پرسشی است که لاوی انتظار آن را از یعقوب(ع) داشت و آن اینکه: گیرم بنیامین دزدی کرد ، چرا او را از دزدی کردن باز نداشتید تا کار به آنچه می گویید بینجامد.

۱۰ بی اطلاعی برادران از امور نهانی ، اعتذار آنان در نزد یعقوب برای بیان کیفر سارق

ما شهدنا إلاّ بما علمنا و ما کنا للغیب حفظین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۳،۴

۳ فرزندان یعقوب ، بر این گمان بودند که پدرشان داستان سرقت بنیامین را تصدیق نخواهد کرد .

وسئل القریه . .. والعیر التی أقبلنا فیها

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جویا شود .

فقولوا یأبانا . .. وسئل القریه ... والعیر التی أقبلنا فیها

<اقبال> (مصدر أقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن <إلیک> و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و <فیها> حال برای ضمیر <أقبلنا> می باشد. بنابراین <وسئل ... العیر التی ...> ; یعنی، از کاروانی بپرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۴،۵،۶

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف ( ع ) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله . ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

۵ فرزندان یعقوب از وی تقاضا کردند یوسف ( ع ) را فراموش کرده و یاد او را از خاطر بزداید .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

۶ فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من

الهلكين

حرف <تاء> برای قسم است و جمله <تفتؤا تذكر يوسف> به اعتبار غايتی كه برای آن ذكر شده (حتی تكون حرضاً . ..) جواب قسم است ; يعنی ، در حقيقت جواب قسم <تكون حرضاً ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۷

۷ < نشيط . . . قال : قلت لأبی عبدالله ( ع ) : أكان إخوه يوسف صلوات الله عليه أنبياء قال : لا و لابرره أتقياء و كيف و هم يقولون لأبيهم يعقوب : < تالله إنك لفی ضلالك القديم > ;

نشيط گفت: به امام صادق(ع) گفتم: آيا برادران يوسف پيامبر بودند؟ حضرت فرمود: نه، از نيكان و پرهيزكاران نيز نبودند و چگونه پيامبر بودند در حالی كه به پدرشان يعقوب می گفتند: تالله إنك لفی ضلالك القديم>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۲،۳،۴،۵

۲ فرزندان يعقوب علی رغم گناه دانستن رفتارشان با يوسف ( ع ) و بنيامين و يعقوب ( ع ) ، آن را مرتكب می شدند .

قالوا يأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنّا خطئين

مراد از <ذنوبنا> به قرينه مقام رفتار فرزندان يعقوب با وی و يوسف و بنيامين می باشد.

۳ فرزندان يعقوب از رفتار های ناروايشان با يوسف ( ع ) ، بنيامين و يعقوب ( ع ) ، پشيمان شدند و اظهار ندامت كردند .

يأبانا استغفر لنا ذنوبنا

۴ فرزندان يعقوب با لحنی ملتمسانه از وی خواستند برای آمرزش گناهانشان از خداوند ، طلب آمرزش كند .

يأبانا استغفر لنا ذنوبنا

تصريح فرزندان يعقوب به <يا أبانا>

(ای پدر ما) برای جلب مهر و محبت و برانگیختن عواطف اوست که از آن به <لحنی ملتمسانه> تعبیر شد.

۵ فرزندان یعقوب به تقرّب وی در نزد خداوند باور داشته و بدان معترف بودند .

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

بردگی در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۲

۲ < استرقاق > کیفر سارقان در شریعت یعقوب

فهو جزؤه کذلک نجزی الظلمین

جمله <کذلک نجزی الظلمین> اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم ، مقتضای آیین ماست.

برده داری در دوران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۸

۸ رواج برده داری و خرید و فروش انسان در عصر حضرت یعقوب ( ع )

و أسرّوه بضعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۷

۷ برده داری و خرید و فروش انسان ، امری رایج در عصر یعقوب ( ع )

و شروه بثمن بخس

برکت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۵

۵ اسحاق و یعقوب ، رحمت و برکتی از ناحیه خداوند برای ابراهیم ( ع ) و خانواده او

فبشّرنها بإسحق . .. رحمت الله و برکته علیکم أهل البیت

برگزیدگی فرزندان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۵

۵ خداوند ، گروهی از فرزندان یعقوب را به پیامبری برانگیخت و به آنان وحی کرد .

أوحینا إلی . .. و الاسباط

<اسباط> جمع <سبط>

در لغت بـه فرزنـدزادگان گفته می شـود، و مراد از آن در آیه فرزنـدزادگان حضـرت یعقـوب(ع) هسـتند و برخی از مفسـران مقصود از <الاسباط> را فرزندان اسحاق دانسته اند. گفتنی است که آمدن کلمه <الاسباط> پس از <یعقوب> نظر اول را تأیید می کند.

برگزیدگی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۲،۶

۲- امامت و رهبری حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، به انتخاب و انتصاب خداوند بود .

و جعلنهم أئمه

۶- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، از سوی خداوند به عنوان هادی و راهنمای مردم برگزیده شدند .

و جعلنهم أئمه یهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۱

۱ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، از برگزیدگان خداوند از میان انسان ها

و إنّهم عندنا لمن المصطفین

<مصطفی> (مفرد <مصطفین>) به معنای شخص برگزیده و انتخاب شده است.

بشارت به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱،۲،۳

۱ حامل پیراهن یوسف ( ع ) به عنوان پیکی مژده رسان پیش از دیگر افراد کاروان به حضور یعقوب ( ع ) رسید .

فلما أن جاء البشیر

<بشیر> به معنای اسم فاعل (مبشّر) به کسـی گفته می شود که پیامی مسرّت بخش را ابلاغ می کنـد. گفتنی است چنان چه

<بشير> همراه دیگر فرزندان به حضور یعقوب(ع) رسیده بود، مناسب تر آن بود که جمله به این صورت بیان می شد: <فلما أن جاءوا ألقاه البشير على وجهه>.

بنابراین جمله <فلما أن جاء البشیر> ظهور در این دارد که مژده رسان پیش از دیگران آمده بود.

۲ پیک فرزندان یعقوب زنده بودن یوسف ( ع ) و همراه داشتن پیراهن وی را به یعقوب ( ع ) بشارت داد .

فلما أن جاء البشیر

مصداق مورد نظر برای بشارت و خبرت مسرّت بخش به مناسبت مورد خبر از حیات یوسف(ع)، سلطنت او و نیز به همراه داشتن پیراهن معجزه آسای وی است. قابل ذکر است که جمله <اذهبوا بقمیصی> در آیه ۹۳ می رساند که <بشیر> یکی از همان برادران یوسف بوده نه شخصی دیگر.

۳ افکندن پیراهن یوسف ( ع ) بر چهره یعقوب ( ع ) نخستین اقدام مژده رسان در برخورد با یعقوب ( ع )

فلما أن جاء البشیر ألقیه علی وجهه

جمله <ألقاه . ..> جواب برای <فلما أن جاء البشیر> است و لذا دلالت می کند به اینکه افکندن پیراهن به مجرد آمدن و بشارت دادن تحقق یافته بود. حرف <أن> زایده است و فاصله نبودن میان آمدن و افکندن را تأکید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۱

۱۱ یوسف ( ع ) به پدر و مادر و بستگانش نوید داد که به خواست خدا در مصر ، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی دراماان خواهند بود .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

<اَمن> (مصدر آمنین) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) مصداق بارز از امنیت ، دغدغه

معاش نداشتن و دراماں بودن از ناحیه حکومت است.

بشارتهای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲،۷،۱۰

۲ برگزیده شدن یوسف ( ع ) از جانب خداوند ، بشارت یعقوب ( ع ) به یوسف

و کذلک یجتبیک ربک

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف

و کذلک . .. یعلمک من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا> ; یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار> ; یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

۱۰ کامل شدن نعمت الهی بر یوسف و خاندان یعقوب ، از بشارت های یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف ( ع ) .

و یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۲

۲ یعقوب ( ع ) به فرزندانش نوید داد که به زودی آمرزش گناهانشان را از درگاه خداوند خواهد خواست و برای آنان شفاعت خواهد کرد .

قال سوف أستغفر لکم ربی

بصیرت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - ۴۵

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، انسان های برخوردار از < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

<أُولی الأیدی> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

بنیامین و رضایت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۹

۹ بنیامین بدون رخصت پدرش یعقوب ( ع ) به مسافرت اقدام نمی کرد .

ا$ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواست

ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواستند که وی را به همراه ایشان بفرستد (فأرسل معنا أخانا) معلوم می شود که بنیامین بدون اجازه پدرش به مسافرت نمی رفت.

بی اعتمادی یعقوب(ع) به برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۴

۴ یعقوب ( ع ) علی رغم اعتماد نداشتن به فرزندانش درباره یوسف ( ع ) ، از ابراز آن خودداری کرد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به و أخاف أن یأکله الذئب

بیان قصه یوسف(ع) برای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۸

۸ یوسف ( ع ) پس از ورود خاندانش به مصر ، خلاصه ای از سرگذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب ( ع ) بازگو کرد .

يأبت . .. قد أحسن بى إذ أخرجنى من السجن

و جاء بکم من البدو

بینایی یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۳ – ۲،۷

۲ یوسف ( ع ) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب ( ع ) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

<یأت> در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که <یأت> به معنای <می آید> است و <بصیراً> حال می باشد; یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

۷ بینا شدن یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهن یوسف ( ع ) ، کرامتی از یوسف

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

فعل <یأت> جواب امر <فألقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه علی وجه أبی یأت بصیراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف(ع) در بینا شدن چشم یعقوب(ع) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۶ – ۴،۵،۸

۴ چشمان یعقوب ( ع ) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف ( ع ) بر آن ، فروغ گرفت و بیناییش بازگشت .

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد ...> حاکی از دو معناست:$۱ ترتّب و سببیّت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۵ پیشگویی یوسف ( ع ) مبنی

بر بینا شدن یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهنش ، تحقق یافت .

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا . .. ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقی> دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف ( ع ) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهن او

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

بینش یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۹

۹ یعقوب ( ع ) فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی را ، وادار کننده فرزندانش بر توطئه علیه یوسف ( ع ) دانست .

بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۵،۱۵،۲۵

۵ یعقوب ( ع ) ، ماجرای گرفتاری بنیامین را نتیجه توطئه ای برخاسته از جلوه پرداز های نفس فرزندان خویش دانست .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

جمله <سوّلت لکم . ..> ; یعنی ، نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت. این جمله حاکی از اطمینان یعقوب به توطئه فرزندانش است.

۱۵ یعقوب ( ع ) پیشه ساختن صبر و بردباری را زمینه ساز یاری خداوند در رفع مشکلات می دانست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی

بهم جميعًا

۲۵ يعقوب ( ع ) گرفتار شدن به فراق فرزندانش ( يوسف ( ع ) ، بنيامين و لاوى ) را حاوى حكمت و مصلحتى الهى مى ديد .

فصبر جميل . .. إنه هو العليم الحكيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۸۶ – ۴،۶

۴ يعقوب ( ع ) تنها خداوند را بر زايل ساختن غم و اندوهش توانا مى دانست .

قال إنما أشكوا بثّى و حزنى إلى الله

هدف يعقوب(ع) از شكايت كردن از حزن و اندوهش به خدا ، درخواست زايل كردن آنها از او بود.

۶ يعقوب ( ع ) با بيان اينكه از غم و اندوهش به اطرافيان و فرزندانش شكايت نمى كند ، خويشتن را سزاوار ملامت آنان نمى ديد .

قالوا تالله تفتؤا تذكر يوسف . .. قال إنما أشكوا بثّى و حزنى إلى الله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۸۷ – ۱

۱ يعقوب ( ع ) بر اين باور بود كه يوسف ( ع ) و بنيامين زنده اند و با جست و جو كردن ، پيدا خواهند شد .

يبنىّ اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخيه

پاداش اخروى يعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۴ – ۳

۳ – پاداش اخروى اعمال نيک ابراهيم ، اسماعيل ، اسحاق و يعقوب ( ع ) اختصاص به خود ايشان دارد و ديگران از آن بهره اى نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما كسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی،

دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آنِ ایشان و به سود خودشان است.

پایان اندوه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) گرفتار شدن به فراق بنیامین را نشانه پایان یافتن اندوه های خویش دانست و به یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین امیدوار شد .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه و لاتأْیئسوا من روح الله

از آن جا که یعقوب(ع) پس از داستان بنیامین، جستوجو از یوسف را مطرح می سازد و فرزندانش را مأمور تفحص از وی می کند، چنین برمی آید که وی قضیه بنیامین را نشانه ای به نزول فرج الهی دانسته و به یافتن یوسف(ع) امیدوار شده بود. اقدام نکردن وی برای یافتن یوسف پیش از داستان بنیامین، دلیل این حقیقت است و این معنا توجیه کننده برنامه یوسف(ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

پسران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱،۳

۱ - ابراهیم و یعقوب ( ع ) هر یک دارای پسرانی چند بودند .

و وصى بها إبرهيم بنيه و

یعقوب یبنی

۳ - یعقوب ( ع ) ، پسرانش را به پیروی از آیین ابراهیم ( تسلیم شدن در برابر خدا ) سفارش کرد .

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب

<یعقوب> عطف بر <إبراهیم> است; یعنی: <وصی بها یعقوب بنیه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۲

۲ - یعقوب ، دارای پسرانی چند

إذ قال لبنیه

برداشت فوق، از جمع آوردن کلمه <بنیه> استفاده شده است.

پول رایج دوران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۸

۸ درهم ( سکه نقره ای ) پولی رایج در عصر یعقوب ( ع )

درهم معدوده

پیروان دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۴

۲ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) را فاش ساخت .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

۴ یوسف ( ع ) ، پیرو شریعت پدرانش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

پیری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۴

۴ یعقوب ( ع ) در زمان وزارت یوسف و داستان اتهام سرقت بنیامین ، سالخورده و بسیار کهنسال بود .

إن له أبًا شیخًا کبیرًا

<شیخ> به معنای پیرمرد و <کبیر> به معنای بزرگ است و مراد از آن ظاهراً بزرگی در سن و سال

می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۶

۶ افول بینایی یعقوب ( ع ) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. وابیضت عیناه من الحزن

پیشگامی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی ( علیهم السلام ) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگویی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۶

۶ یعقوب ( ع ) پیش بینی می کرد که همه فرزندانش علیه یوسف ( ع ) متحد می شوند و هیچ کدام از او حمایت نخواهند کرد .

فیکیدوا لک کیدًا

ضمیر در <یکیدوا> به <إخوه> باز می گردد و این گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۴ – ۳

۳ یعقوب ( ع ) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش ( شنیدن بوی یوسف )

را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) در طول فراق یوسف ( ع ) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

تأثیر بازداشت بنیامین در یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۲

۲ ماجرای بنیامین ، خاطره یوسف ( ع ) را برای یعقوب ( ع ) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف ( ع ) شد .

و قال یأسفی علی یوسف

حرف <الف> در آخر <اسفی> منقلب از یای متکلم است. بنابراین <یأسفی> ، یعنی ای دریغ من.

تأثیر فراق یوسف(ع) در یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۵

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وابیضت عیناه من الحزن

<ابیضاض> مصدر باب افعلال از ماده <بیض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

تاریخ ولادت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۶

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم ( ع ) بوده است .

وهبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی

است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۲ – ۱،۴

۱- تولد اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پس از هجرت ابراهیم ( ع ) بود .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض . .. و وهبنا له إسحق و یعقوب

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

۴- تولد یعقوب ( ع ) ، در زمان حیات ابراهیم ( ع ) بود .

و وهبنا له إسحق و یعقوب

یعقوب(ع) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) است; ولی از آن جا که خداوند نام یعقوب را همراه با اسحاق ذکر فرمود و هر دو را به عنوان موهبت خود به ابراهیم یادآور شد، می رساند که یعقوب(ع) در زمان حیات ابراهیم(ع) تولد یافته بود.

تبلیغ یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۷ – ۱

۱ یعقوب ( ع ) در آستانه سفر فرزندانش به مصر ، آنان را با معارفی الهی آشنا ساخت و حقایقی از توحید را به آنان تذکر و تعلیم داد .

قال یبنیّ لاتدخلوا . .. و علیه فلیتوکل المتوکلون

تداوم عبودیت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۵

۱۵- عبادت و بندگی مداوم و مخلصانه ، از اوصاف حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع )

و کانوا لنا عبدین

فعل <کون> که مفید استقرار وصف است بیانگر دائمی بودن عبادت ابراهیم(ع) است و تقدم جار و مجرور (لنا)، نشانگر انحصار عبادت آنان، برای خداوند متعال است که از آن به خالصانه بودن یاد می شود.

تدبیر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۶،۱۰

۶ تدبیر یعقوب ( ع ) ( ورود فرزندانش به مصر از دروازه های متعدد ) مانع پیشامدی که خداوند برای آنان مقدر کرده بود ، نشد .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء

ضمیر در <یغنی> به یعقوب(ع) و یا تدبیر او که از <ادخلوا من أبواب متفرقه> استفاده می شود برمی گردد. مآل هر دو احتمال یک معناست.

۱۰ یعقوب ( ع ) آنچه وظیفه او برای تأمین سلامت فرزندانش بوده ، به کار بست .

إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

تذکرهای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۶

۱۶ یعقوب ( ع ) با توجه دادن فرزندانش به آمرزگاری و مهربانی خداوند ، آنان را به آمرزش گناهانشان امیدوار ساخت .

سوف أستغفر لکم ربی إنه هو الغفور الرحیم

ترس یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۵

۵ ترسیدن بر جان یوسف ( ع ) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب ( ع ) با

فرستادن یوسف به همراه فرزندانش

قال إنی . .. أخاف أن یأكله الذئب

تصمیم یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ تصمیم یعقوب ( ع ) بر مسكوت گذاشتن پرونده خیانت فرزندانش درباره یوسف ( ع ) و پی گیری نكردن آن

بل سوّلت لكم . .. والله المستعان علی ما تصفون

۱۲ یعقوب ( ع ) مصمم بر شكیبا بودن در فراق یوسف ( ع ) و بردباری كردن بر رفتار ناهنجار فرزندانش

فصبر جمیل

متعلق صبر ، به قرینه جمله های قبل ، فراق یوسف(ع) و نیز عملكرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزندانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸

۸ یعقوب ( ع ) بر آن بود كه در فراق فرزندانش ( یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ) صبری نیكو و بدور از هر گونه جزع و شكایت پیشه كند .

فصبر جمیل

صبر جمیل ، صبری است كه در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شكایت نشود(مجمع البیان).

تعالیم در شریعت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۴

۱۴- انجام كار های نیك ، اقامه نماز و پرداخت زكات ، از تكالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع )

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

تعالیم شریعت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۳ – ۱۴

۱۴– انجام کار های نیک ، اقامه نماز

و پرداخت زکات ، از تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع )

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

تعالیم یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱،۱۲

۱ یعقوب ( ع ) در آستانه سفر فرزندانش به مصر ، آنان را با معارفی الهی آشنا ساخت و حقایقی از توحید را به آنان تذکر و تعلیم داد .

قال یبنیّ لاتدخلوا . .. و علیه فلیتوکل المتوکلون

۱۲ حاکمیت خدا بر هستی ، لزوم اتکا به خداوند و تنافی نداشتن توکل با تدارک اسباب و علتها ، از تعالیم یعقوب ( ع ) به فرزندان خویش

وادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء

تفضل به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۲

۱۲ آگاهی یعقوب ( ع ) به حیات یوسف ( ع ) و وصال او ، دانشی بود که از ناحیه خداوند به آن حضرت افاضه شده بود .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

تقرب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۵

۵ فرزندان یعقوب به تقرّب وی در نزد خداوند باور داشته و بدان معترف بودند .

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۲

۲ - عظمت مقام و قرب ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) در پیشگاه خداوند

و إنّهم عندنا لمن المصطفین

بر گزید گی ابراهیم(ع) و. ..

از سوی خداوند با آمدن قید <عندنا> (پیشگاه ما)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

تقوای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل ( علیهم السلام ) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

تکلیف یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

تلاش یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۰

۱۰ تلاش یعقوب ( ع ) برای پیشگیری از برخورد های نامناسب فرزندانش با یکدیگر

لاتقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیدًا

تنزیه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۹

۹ یوسف ( ع ) و پدرانش ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ( ع ) ، موحدانی مبرّا از کمترین شرکورزی به خدا

ما کان لنا

أن نشرک بالله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۲

۲ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) از هرگونه آلودگی های مادی و متضاد با آخرت اندیشی پاک و منزه بود .

إنّا أخلصنهم بخالصه ذکری الدار

توحید افعالی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۶

۱۶ یعقوب ( ع ) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

توحید پسران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۳،۷

۳ - پسران یعقوب ( ع ) در زمان حیات او ، انسانهایی موحد و پرستشگر خدای یکتا بودند .

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

برداشت فوق از قید <من بعدی> استفاده شده است.

۷ - فرزندان یعقوب ، او را بر ملازمت به پرستش خدای بی همتا و تسلیم بودن در برابرش مطمئن ساختند .

قالوا نعبد . .. إلهاً وحداً

توحید در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ توحید ، روح و رکن اصیل آیین ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف ( ع )

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم . .. ما کان لنا أن نشرک بالله من شیء

جمله <ما کان لنا . ..> توصیف <ملّه آباءی ...> می باشد. تفسیر و تبیین یک آیین به یکی از حقایق آن ، می رساند که حقیقت یاد شده رکن و پایه

اصلی آن آیین است.

توحید یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱۰

۱۰ - یعقوب ، ابراهیم ، اسماعیل و اسحق ( ع ) موحدانی پرستشگر خدای یکتا

نعبد إلهک و إله ءابائک إبرهیم و إسمعیل و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۲

۲ ابراهیم، اسحاق(ع) و یعقوب(ع) دارای مقامی رفیع و بهره مند از هدایتی ویژه به توحید و برهانهای آن، از جانب خداوند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب کلًا هدینا

بهره مندی از هدایت ویژه الهی حاکی از مرتبه والای آن پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۹،۱۶

۹ یوسف ( ع ) و پدرانش ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ( ع ) ، موحدانی مبرّا از کمترین شرکورزی به خدا

ما کان لنا أن نشرک بالله من شیء

۱۶ اعتقاد ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف ( ع ) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هرگونه شرکورزی ، تفضّلی از ناحیه خدا بر آنان بود .

ما کان لنا أن نشرک بالله من شیء ذلک من فضل الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ توحید یعقوب ( ع ) در توکل کردن بر خداوند

علیه توکلت

تقدیم <علیه> بر <توکلت> گویای حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۴،۵

۴ یعقوب ( ع ) تنها خداوند را بر زایل ساختن غم

و اندوهش توانا می دانست .

قال إنما أشكوا بثّی و حزنی إلی الله

هدف یعقوب(ع) از شکایت کردن از حزن و اندوهش به خدا ، درخواست زایل کردن آنها از او بود.

۵ یعقوب ( ع ) بهره مند از روحیه توحیدی

قال إنما أشكوا بثّی و حزنی إلی الله

توصیه های یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۳

۳ - یعقوب ( ع ) ، پسرانش را به پیروی از آیین ابراهیم ( تسلیم شدن در برابر خدا ) سفارش کرد .

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب

<یعقوب> عطف بر <إبراهیم> است; یعنی: <وصی بها یعقوب بنیه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱،۶

۱ - توصیه یعقوب ( ع ) بر ملازمت فرزندانش بر آیین یهودیت ، از ادعا های دروغین یهود

أم كنتم شهداء إذ حضر یعقوب الموت

<أم> منقطعه و متضمن معنای استفهام انکاری است. <شهداء> جمع شهید و به معنای حاضران می باشد و خطاب متوجه یهودیان است. بنابراین <أم كنتم شهداء ...>; یعنی، شما یهودیان به هنگام مرگ یعقوب حضور نداشتید. (پس چگونه ادعا می کنید که او فرزندانش را به پایداری در آئین یهود سفارش کرد؟)

۶ - یعقوب ( ع ) در آستانه مرگ ، فرزندانش را به ملازمت توحید دعوت نمود و به یکتا پرستی وصیت کرد .

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - يوسف - ١٢ - ٥ - ٢٣

٢٣ < عن على بن الحسين ( ع ) : . . .

فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّ‍ها على أبيه يعقوب . . . فقال يعقوب ليوسف : لاتقصص رؤياك هـذه على إخوتك . . . فلم يكتم يوسف رؤياه فقصّها على إخوته . . . ;

از امام سجاد(ع) روايت شده . .. هنگامى كه يوسف آن خواب را ديد و بامداد براى پدرش يعقوب بازگو كرد ... يعقوب به يوسف گفت: اين خواب خود را براى برادرانت بازگو نكن ... يوسف خواب خود را پوشيده نداشت و براى برادرانش بازگو كرد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۳

۳ يعقوب در توصيه بر حفاظت از بنيامين به فرزندانش تأكيد كرد كه هيچ عذرى جز مغلوب شدن و ناتوان گشتن را از آنان نخواهد پذيرفت .

حتى تؤتون موثقًا من الله لتأتنّنى به إلاّ أن يحاط بكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۷

۷ يعقوب ( ع ) در آستانه سفر دوم فرزندانش به مصر ، به آنان توصيه كرد براى ورود به آن ديار ، دروازه هاى متعددى را برگزينند و از يك دروازه وارد نشوند .

يبنىّ لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبوب متفرقه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۸

۱۸ توصيه هاى يعقوب ( ع ) به فرزندان خويش ( لزوم توكل بر خدا و به كارگيرى اسباب و علل ) جلوه اى از علم ويژه او بود .

ادخلوا من أبوب متفرقه . .. و عليه فليتوكل المتوكلون ... إنه لذو علم لما علّمنه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۵

۵ مأیوس نشدن از رحمت خدا و امید داشتن به یاری او ، توصیه یعقوب ( ع ) به فرزندان خویش

و لاتاْیئسوا من روح الله

<روح> به معنای سرور ، فرح ، استراحت و رحمت می باشد. اضافه آن کلمه به <الله> و متعلق قرار گرفتن <من روح الله> برای <لاتاْیئسوا> گویای این است که مراد از آن <رحمت> می باشد.

توکل یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ توحید یعقوب ( ع ) در توکل کردن بر خداوند

علیه توکلت

تقدیم <علیه> بر <توکلت> گویای حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۰

۲۰ اعتقاد و باور یعقوب ( ع ) به علم و حکمت الهی ، موجب اتکا و امید آن حضرت به یاری خداوند بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو . ..> تعلیل برای <عسی الله ...> می باشد.

تهمت به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۷

۷ فرزندان یعقوب ، او را درباره گزارشهایشان ، متهم به ناباوری کردند .

و ما أنت بمؤمن لنا و لو کنا صدقین

معنای جمله <و لو کنا صادقین> به ضمیمه <و ما أنت بمؤمن لنا> چنین می شود: درباره یوسف حقیقت را بگوییم نمی پذیری، دروغ هم بگوییم نمی پذیری ; این دو برای تو تفاوتی ندارد. این سخن فرزندان یعقوب، متهم ساختن او

به ناباوری نسبت به ایشان است.

تهمت بی عقلی به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۸

۸ سست شدن عقل و خرد بر اثر پیری و کهنسالی ، اتهام خانواده یعقوب به آن حضرت

لولا أن تفنّدون

<فَنَد> به معنای فساد عقل بر اثر پیری است و <تفنید> (مصدر تفنّدون) ; یعنی ، کسی را به خاطر پیری و فرتوتی سست اندیشه شمردن (کشاف).

تهمت خطا به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱،۲

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف ( ع ) را خطای دیرینه یعقوب ( ع ) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنک لفی ضللک القدیم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالک القدیم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

۲ بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف ( ع ) و محبّت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنک لفی ضللک القدیم

تهمت کج فکری به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱،۴

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف ( ع ) را خطای دیرینه یعقوب ( ع ) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنک لفی ضللک القدیم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه

وی (ضـلالک القـدیم) می توانـد اعتقاد او به زنـده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانسـتن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

۴ بستگان یعقوب او را در خبر استشمام بوی یوسف ( ع ) تکذیب کرده و این احساس را ناشی از کژاندیشی دانستند .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

جبرئیل و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۷

۱۷ "عن أبی عبـدالله(ع): ... هبـط علیه جبرئیـل فقـال له: یـا یعقوب ربـک یقرؤک السـلام و یقول لک: شـکوتنی إلی الناس ... فلاتعود تشکونی إلی خلقی... فقال: "إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله... ;

از امام صادق(ع) روایت شـده است: ... جبرئیل بر یعقوب فرود آمد و گفت: پروردگارت سـلام می رساند و می گوید: از من به مردم شکوا کردی ... دیگر چنین کاری نکن ... پس گفت: "إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله ..."...".

حجتهای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۲

۲ ابراهیم، اسحاق(ع) و یعقوب(ع) دارای مقامی رفیع و بهره مند از هدایتی ویژه به توحید و برهانهای آن، از جانب خداوند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب کلاًّ هدینا

بهره مندی از هدایت ویژه الهی حاکی از مرتبه والای آن پیامبران است.

حسن فرجام یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب

، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل ( علیهم السلام ) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

خداشناسی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۲

۱۲ یعقوب ( ع ) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق ، بر این اساس است که <من الله> به معنای درباره خدا باشد. بر این اساس مراد از <ما لاتعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ یعقوب ( ع ) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد. بر این اساس مقصود از <ما لاـتعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

خطر گرگها در دوران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۶

۶ حمله گرگ ها به آدمیان در اطراف کنعان و مراتع آن ، خطری شایع

و متوقع در عصر یعقوب ( ع )

أخاف أن یأکله الذئب و أنتم عنه غفلون

خطر مرگ یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۶

۶ فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

حرف <تاء> برای قسم است و جمله <تفتؤا تذکر یوسف> به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شده (حتی تکون حرضاً . ..) جواب قسم است ; یعنی ، در حقیقت جواب قسم <تکون حرضاً ...> می باشد.

خواسته های یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱۰

۱۰ - ابراهیم و یعقوب ( ع ) ، از پسرانشان خواستند تا همواره تسلیم خدا بوده و مطیع فرمان او باشند .

فلاتموتن إلا و أنتم مسلمون

جمله <فلاتموتن . ..> کنایه از لزوم تسلیم همیشگی در برابر خدا و همواره مطیع او بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۶

۶ یعقوب ( ع ) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را ، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استثنا کنند .

لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم

ظاهر این است که عبارت <إلاّ أن یحاط بکم> استثنا از قسم که مفاد <لتأتنّنی به> است می باشد. بر این اساس یعقوب(ع)

به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استثنا کنند و

چنین بگویند: <والله لنأتینک به إلاّ أن یحاط بنا> (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها بر ما بسته شود).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۴

۴ یعقوب ( ع ) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لاتاْیئسوا من روح الله

خویشاوندان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۱

۱ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و . .. ) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم و اجتبینهم و هدینهم إلی صرط مستقیم

دانش تحلیل حوادث یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۴

۴ یعقوب ( ع ) برخوردار از نگرشی عمیق و بهره مند از فراستی خاص در تحلیل حوادث و به دور از زودباوری

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

دانش تعبیر رؤیای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۸

۸ یعقوب ( ع ) و فرزندانش به تعبیر خواب آگاهی داشتند .

لاتقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۴

۴ یعقوب ( ع ) بهره مند از دانش تعبیر و تأویل رؤیاها

إنی رأیت

أحد عشر كوكبًا . .. كذلك يجتبيك

درهم در دوران يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۸

۸ درهم ( سكه نقره اى ) پولى رايج در عصر يعقوب ( ع )

درهم معدوده

دلايل بى اعتمادى يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۳

۳ بى تعهدى برادران يوسف در حفاظت از او ، دليل يعقوب ( ع ) براى اطمينان نكردن بر تعهد آنان به حفاظت از بنيامين

هل ءامنكم عليه إلّا كما أمنتكم على أخيه من قبل

يعقوب(ع) اعتماد و اطمينان به فرزندانش درباره بنيامين را، به اعتماد و اطمينانش به آنان درباره يوسف(ع) تشبيه كرد. وجه شبه در اين تشبيه بى ثمرى و نتيجه بخش نبودن است. بنابراين مفاد <هل ءامنكم عليه إلّا ...> چنين مى شود: اعتماد من به شما [اگراعتماد كنم ]در بى نتيجه ماندن و ثمر نداشتن نيست مگر همانند اعتمادم به شما درباره يوسف(ع).

دلايل تضرع يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۴

۱۴ معرفت ويژه يعقوب ( ع ) نسبت به خداوند و صفات او ، دليل تضرعش به درگاه او و شكايت نبردنش به غير او .

إنما أشكوا بثّى و حزنى إلى الله و أعلم من الله ما لاتعلمون

جمله <أعلم من الله> به منزله تعليل براى <إنما أشكوا . ..> است ; يعنى ، دليل اينكه من فقط به خدا شكايت مى برم [و شما اين گونه نيستيد] آن است كه من از صفات و ويژگيهاى خدا ، چيزهايى

را می دانم که شما نمی دانید.

دلایل توصیه های یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۷

۷ - منزه بودن آیین ابراهیم از هرگونه باطلی و گزینش آن از سوی خدا دلیل توصیه ابراهیم و یعقوب به پذیرش آن

و وصی بها إبرهیم . ... یبنی إن اللّه اصطفی لکم الدین فلاتموتن

تفریع جمله <لاتموتن . ..> بر <إن اللّه ...> به وسیله حرف <فاء> گویای برداشت فوق است.

دلایل مخالفت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۵

۵ ترسیدن بر جان یوسف ( ع ) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب ( ع ) با فرستادن یوسف به همراه فرزندانش

قال إنی . .. أخاف أن یأکله الذئب

دوراندیشی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۴،۵،۶،۸

۴ یعقوب ( ع ) در سفر دوم فرزندانش به مصر ، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

۵ یعقوب ( ع ) منشأ خطر برای فرزندانش را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

۶ یعقوب ( ع ) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول و نه

در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

۸ یعقوب ( ع ) ، ورود فرزندانش را به مصر از دروازه های متعدد ، راهی محتمل برای جلوگیری از خطر احساس شده می دید * .

وادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۹

۱۹ پیش بینی و احساس خطر یعقوب ( ع ) برای فرزندانش در دومین سفرشان به مصر ، جلوه ای از علم ویژه آن حضرت

لاتدخلوا من باب وحد . .. إنه لذو علم لما علّمنه

دین پسران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۴

۴ - یعقوب ( ع ) ، نگران باور های دینی فرزندانش پس از مرگ خویش و نبودنش در میان آنان

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۴

۴ - یعقوب ، پیرو آیین ابراهیم و مبلغ آن

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۵

۵ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ( ع ) و نوادگان او ، نه یهودی بودند و نه نصرانی

أم تقولون . .. کانوا

هوداً أو نصری

جمله <أم تقولون . ..> در بردارنـده اسـتفهام انکاری توبیخی است; یعنی، چنین پنـداری هست ولی پنـداری باطل و ناصواب می باشد و معتقدان به آن سزاوار ملامت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۵

۵ اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم ( ع )

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

ذکر آخرت طلبی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۷

۷ - صفت آخرت اندیشی و دنیاگریزی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) شایان یاد و یادآوری است .

و اذکر عبدنا . .. إنّا أخلصنهم بخالصه ذکری الدار

برداشت یـاد شـده بر این اسـاس مبتنی است که جمله <إنّا أخلصـناهم. ..> تعلیل برای <اُذکر...> باشـد; یعنی، سرگذشـت ابراهیم(ع) و... را یاد کن; چون آنان را به آخرت اندیشی خالص گردانیدیم.

ذکر زهد یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۷

۷ - صفت آخرت اندیشی و دنیاگریزی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) شایان یاد و یادآوری است .

و اذکر عبدنا . .. إنّا أخلصنهم بخالصه ذکری الدار

برداشت یـاد شـده بر این اسـاس مبتنی است که جمله <إنّا أخلصـناهم. ..> تعلیل برای <اُذکر...> باشـد; یعنی، سرگذشـت ابراهیم(ع) و... را یاد کن; چون آنان را به آخرت اندیشی خالص گردانیدیم.

ذکر قصه یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۵ – ۱

۱ – یادآوری

سر گذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، توصیه خداوند به پیامبر ( ص )

و اذکر عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

رحمت بر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۱

۱- حضرت ابراهیم و فرزندانش ، اسحاق و یعقوب ، برخوردار از رحمت هایی ویژه از جانب خداوند

و وهبنا لهم من رحمتنا

<من> برای تبعیض است; یعنی <وهبنا لهم بعض رحمتنا> عنوان <هبه> و بخشش الهی، حاکی از ویژگی و مرتبه والای آن است.

رحمت بودن یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۵

۵ اسحاق و یعقوب ، رحمت و برکتی از ناحیه خداوند برای ابراهیم ( ع ) و خانواده او

فبشّرنها بإسحق . .. رحمت الله و برکته علیکم أهل البیت

رضایت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱

۱ فرزندان یعقوب با دروغ ها و نیرنگ های خویش ، موافقت او را برای فرستادن یوسف ( ع ) به همراه خود جلب کردند .

إنا له لحفظون . .. فلما ذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱

۱ یعقوب ( ع ) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندانش ، موافقت نمود .

قال لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا

روحیات یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۵

۵ یعقوب ( ع ) بهره مند از روحیه توحیدی

قال إنما

أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

روش برخورد یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸ – ۲

۲ یعقوب ( ع ) همه فرزندان خویش را گرامی می داشت و به همه آنان محبت می کرد .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منّا

افعل تفضیل (أحبّ) گویای برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۱۷

۱۷ یعقوب ( ع ) برای واداشتن فرزندانش به پایبندی به سوگند و پیمانشان ، آنان را متوجه نظارت و شهادت خدا کرد .

الله علی ما نقول وکیل

از جمله <الله . ..> در صورتی که آن را جمله ای خبری بدانیم ، برداشت فوق استفاده می شود.

زکات در شریعت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۳ – ۱۴

۱۴– انجام کار های نیک ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، از تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع )

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

زکات یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۳ – ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

زمان بشارت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۱ – ۱۲

۱۲ زمان آگاهی ابراهیم ( ع ) به دارا شدن فرزند و

نوه ( اسحاق و یعقوب ) اندکی پیش از به هلاکت رسیدن قوم لوط بود .

إنا أُرسلنا إلی قوم لوط. وامرأته قائمه فضحکت فبشّرنها بإسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۱

۱ ابراهیم ( ع ) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا

زمان کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۶

۶ افول بینایی یعقوب ( ع ) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. وابیضت عیناه من الحزن

زمینه آگاهی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۸

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب ( ع ) به برگزیده شدن یوسف ( ع ) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

إنی رأیت أحد عشر . .. کذلک یجتبیک ربک و یعلمک من تأویل الأحادیث

زمینه بیماری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۲

۲ یعقوب ( ع ) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف ( ع ) ، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

<حرض> به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده

و مشرف بر هلاکت باشد.

زمینه سازی رضایت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۷

۷ فرزندان یعقوب با مشاهده سرمایه بازگردانده شده ، تلاش مجددی را برای جلب توافق پدر با مسافرت کردن بنیامین آغاز کردند .

قال هل ءامنکم . .. یأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلنا و نحفظ أ

سخنان فرزندان یعقوب (ما نبغی هذه بضاعتنا. ..) به قرینه مخاطب قرار دادن یعقوب (یا أبانا)، در راستای جلب موافقت وی برای سفر بنیامین بود.

زمینه مرگ یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۲

۲ یعقوب ( ع ) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف ( ع ) ، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

<حرض> به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده و مشرف بر هلاکت باشد.

ساره هنگام تولد یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ ساره همسر ابراهیم ( ع ) ، تا به دنیا آمدن نوه اش یعقوب ، زنده بود .

فبشّرنها بإسحق و من ورآء إسحق یعقوب

بشارت دادن به همسر ابراهیم که از پسرت اسحاق فرزندی به نام یعقوب به دنیا خواهد آمد، این سؤال را به ذهن می آورد که

چرا به او بشارت داده نشد که مثلاً از یعقوب نیز فرزندی به نام یوسف به دنیا خواهد آمد؟ در پاسخ این پرسش

می توان گفت: یاد کردن از خصوص یعقوب اشاره به این معنا دارد که ساره او را درک می کند و جمال او را خواهد دید; یعنی، تا آن زمان زنده است.

سجده آل یعقوب(ع) بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۷،۹

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۹ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی ( سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او ) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقًا

تأویل رؤیا ; یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

سجده یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس ( ع ) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا

سجّدًا و بكيًا

سجده یعقوب(ع) بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۹،۷

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۹ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی ( سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او ) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقًا

تأویل رؤیا ; یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

سرزنش یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۴

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف ( ع ) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله . ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

سوگند در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ سوگند به نام خدا و پیمان بستن با او ، دارای جایگاهی ویژه در آیین یعقوب ( ع ) و در نزد خاندان او

حتی

تؤتون موثقًا من الله . .. إلاّ أن يحاط بكم

شخصیت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۰ – ۱۱

۱۱ – ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهیم . .. کانوا هوداً أو نصری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۸ – ۱۶

۱۶ یعقوب ( ع ) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۸ – ۱۵

۱۵ یعقوب ( ع ) ، شخصیتی بزرگوار ، کریم و با گذشت بود .

یأبانا استغفر لنا . ..قال سوف أستغفر لکم ربی إنه هو الغفور الرحیم

شدت اندوه یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۱۷

۱۷ < سئل أبوعبدالله ( ع ) ما بلغ من حزن یعقوب علی یوسف ؟ قال : حزن سبعین ثکلی بأولادها . . . ;

از امام صادق(ع) سؤال شد: حزن یعقوب بر یوسف چقدر بود؟ فرمود: به مقداری که هفتاد زن فرزند مرده به خاطر فرزندانشان اندوهگین باشند . ..>.

شرایط رضایت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۲

**۲** یعقوب ( ع ) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را ، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند ( با

خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند ) .

لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا من الله

<موثق> به معنای عهد و پیمان است که به دلیل <لام> قسم در <لتأتنّنی> عهد و پیمانی است همراه با سوگند. <من الله> بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقًا) ; یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

شفاعت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۸

۸ فرزندان یعقوب از او خواستند تا از آنان نزد یوسف ( ع ) شفاعت کند و گذشت از خطاهایشان را از وی بخواهد . *

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

نبودن <ربنا> در سخن فرزندان یعقوب (استغفر لنا ذنوبنا) در مقابل تصریح یعقوب(ع) به <ربی> در پاسخ آنان (سوف أستغفر لکم ربی) مبنای برداشت فوق است. تصریح یعقوب(ع) به اینکه تنها خداوند آمرزنده و مهربان است، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۲

۲ یعقوب ( ع ) به فرزندانش نوید داد که به زودی آمرزش گناهانشان را از درگاه خداوند خواهد خواست و برای آنان شفاعت خواهد کرد .

قال سوف أستغفر لکم ربی

شفای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۲،۷

۲ یوسف ( ع ) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب ( ع ) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه على وجه أبی یأت بصیرًا

<یأت> در آیه شریفه

به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که <یأت> به معنای <می آید> است و <بصیراً> حال می باشد; یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

۷ بینا شدن یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهن یوسف ( ع ) ، کرامتی از یوسف

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

فعل <یأت> جواب امر <فألقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه علی وجه أبی یأت بصیراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف(ع) در بینا شدن چشم یعقوب(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۴،۵،۸

۴ چشمان یعقوب ( ع ) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف ( ع ) بر آن ، فروغ گرفت و بیناییش بازگشت .

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد ...> حاکی از دو معناست:$۱ ترتّب و سببیّت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۵ پیشگویی یوسف ( ع ) مبنی بر بینا شدن یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهنش ، تحقق یافت .

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا . .. ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقی>

دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف ( ع ) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهن او

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

شک یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۲

۲ یعقوب ( ع ) به تعهد و تأکید فرزندانش درباره حفاظت از بنیامین ، اطمینان نکرد .

قال هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

استفهام در <هل ءامنکم . ..> استفهام انکاری و به منزله نفی است. <أمن> (مصدر ءامن) به معنای اطمینان کردن و امین شمردن است. بنابراین <هل ءامنکم ...> ; یعنی ، من شما را درباره بنیامین امین نمی دانم و به قول و قرار شما اطمینانی ندارم.

شکوه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۲،۳،۶،۱۴،۱۷

۲ یعقوب ( ع ) از غم و اندوه جانکاهش در فراق یوسف ( ع ) ، تنها به خداوند شکایت می کرد .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

شکایت چیزی را نزد شخصی بردن ; یعنی، خبر دادن و گلایه کردن به آن شخص از بدرفتاری آن چیز. بنابراین <إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله> ; یعنی، فقط به خداوند خبر می دهم که حزن و اندوه با من چه کرده و از آنها فقط به خداوند گلایه می کنم و از او دادخواهی می نمایم.

۳ یعقوب ( ع ) هرگز از غم و

اندوهش به غير خدا ( فرزندان و اطرافيانش ) شكايت و گلايه نكرد .

قال إنما أشكوا بثّى و حزنى إلى الله

۶ يعقوب ( ع ) با بيان اينكه از غم و اندوهش به اطرافيان و فرزندانش شكايت نمى كند ، خويشتن را سزاوار ملامت آنان نمى ديد .

قالوا تالله تفتؤا تذكر يوسف . .. قال إنما أشكوا بثّى و حزنى إلى الله

۱۴ معرفت ويژه يعقوب ( ع ) نسبت به خداوند و صفات او ، دليل تضرعش به درگاه او و شكايت نبردنش به غير او .

إنما أشكوا بثّى و حزنى إلى الله و أعلم من الله ما لاتعلمون

جمله <أعلم من الله> به منزله تعليل براى <إنما أشكوا . ..> است ; يعنى ، دليل اينكه من فقط به خدا شكايت مى برم [و شما اين گونه نيستيد] آن است كه من از صفات و ويژگيهاى خدا ، چيزهايى را مى دانم كه شما نمى دانيد.

۱۷ "عن أبى عبدالله(ع): ... هبط عليه جبرئيل فقال له: يا يعقوب ربك يقرؤك السلام و يقول لك: شكوتنى إلى الناس ... فلاتعود تشكونى إلى خلقى... فقال: "إنما أشكوا بثّى و حزنى إلى الله... ;

از امام صادق(ع) روايت شده است: ... جبرئيل بر يعقوب فرود آمد و گفت: پروردگارت سلام مى رساند و مى گويد: از من به مردم شكوا كردى ... ديگر چنين كارى نكن ... پس گفت: "إنما أشكوا بثّى و حزنى إلى الله ..."...".

صبر يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۲،۱۶،۲۲

۱۲ يعقوب ( ع ) مصمم بر شكيبا بودن در فراق يوسف ( ع )

و بردباری کردن بر رفتار ناهنجار فرزندانش

فصبر جمیل

متعلق صبر ، به قرینه جمله های قبل ، فراق یوسف(ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزندانش می باشد.

۱۶ یعقوب ( ع ) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

۲۲ < عن الصادق ( ع ) فی قوله عزوجل فی قول یعقوب < فصبر جمیل > قال : بلاشکوی ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که از قول یعقوب(ع) فرموده: <فصبر جمیل> روایت شده که فرمود: مراد ، صبر بدون گِله است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸،۹،۱۴،۲۴

۸ یعقوب ( ع ) بر آن بود که در فراق فرزندانش ( یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جمیل

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

۹ یعقوب ( ع ) ، پیامبری صبور و بردبار بود .

فصبر جمیل

۱۴ یعقوب ( ع ) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

۲۴ باور یعقوب ( ع ) به علم و حکمت خداوند ، موجب بهره مندی وی از صبر و شکیبایی بود .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو. ..> علاوه بر اینکه تعلیل برای <عسی الله ...> است می تواند بیان علت برای <فصبر جمیل> نیز

باشد. برداشت فوق ، ناظر به این احتمال است.

عبادت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۱ – ۱

۱ – ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، امتی پرستشگر خدا و تسلیم در برابر او

تلک أمه قد خلت

مشار الیه <تلک> پیامبران یاد شده در آیه قبل است. به کارگیری <تلک> برای اشاره به مذکر و لحاظ خبر (أمه) می باشد.

عبرت از قصه یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۵ – ۲

۲ – سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، درس آموز و سازنده برای پیامبر ( ص ) و مؤمنان

و اذکر عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

توصیه خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر یادآوری سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و. .. می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

عبودیت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۵ – ۳

۳ – ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، از بندگان حقیقی و بلندمرتبه خداوند

عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

تصریح به عبد بودن ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) با آن که همه انسان ها عبد هستند و نیز اضافه آن به ضمیر جلاله (نا)، می

تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

عذرآوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۲،۵

۱ یعقوب ( ع ) با فرستادن یوسف ( ع ) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از

آن اعتذار می جست .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف ( ع ) ، از اعتذار های یعقوب ( ع ) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لک لاتأمنّا . .. قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۵ ترسیدن بر جان یوسف ( ع ) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب ( ع ) با فرستادن یوسف به همراه فرزندانش

قال إنی . .. أخاف أن یأکله الذئب

عصمت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ اعتقاد ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف ( ع ) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هرگونه شرکورزی ، تفضّلی از ناحیه خدا بر آنان بود .

ما کان لنا أن نشرک بالله من شیء ذلک من فضل الله علینا

عفو یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱،۱۵

۱ یعقوب ( ع ) از ستم فرزندانش در حق خویش درگذشت و آنان را بخشود .

قال سوف أستغفر لکم ربی

۱۵ یعقوب ( ع ) ، شخصیتی بزرگوار ، کریم و با گذشت بود .

یأبانا استغفر لنا . ..قال سوف أستغفر لکم ربی إنه هو الغفور الرحیم

عقیده یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۶

۱۶ یعقوب ( ع ) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

علاقه یعقوب(ع) به برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۴

۴ تعلق قلبی یعقوب ( ع ) به یوسف ( ع ) ، بسی افزون تر از تمایل او به بنیامین و دیگر برادرانش بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. و قال یأسفی علی یوسف

علاقه یعقوب(ع) به بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۴

۴ تعلق قلبی یعقوب ( ع ) به یوسف ( ع ) ، بسی افزون تر از تمایل او به بنیامین و دیگر برادرانش بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. و قال یأسفی علی یوسف

علاقه یعقوب(ع) به یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۳،۴

۳ علاقه یعقوب ( ع ) به یوسف ( ع ) علاقه ای بسیار شدید و زایل نشدنی بود .

قال یأسفی علی یوسف وابیضت عیناه من الحزن

۴ تعلق قلبی یعقوب ( ع ) به یوسف ( ع ) ، بسی افزون تر از تمایل او به بنیامین و دیگر برادرانش بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. و قال یأسفی علی یوسف

علایق یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۲ – ۱۲

۱۲ – علاقه به ایجاد گرایش های صحیح دینی در فرزندان ، از خصلت های پیامبرانی ، چون ابراهیم و یعقوب ( ع )

و وصى بها إبرهيم بنيه و يعقوب يبنى

علم غيب يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲

- ۸۶ - ۱۲

۱۲ یعقوب ( ع ) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق ، بر این اساس است که <من الله> به معنای درباره خدا باشد. بر این اساس مراد از <ما لاتعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) در طول فراق یوسف ( ع ) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۹،۱۰،۱۲،۱۳

۹ یعقوب ( ع ) پیش از دریافت بشارت به حیات یوسف ( ع ) ، به زنده بودن او اطمینان داشت .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می تواند به معنای <ازناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. براساس معنای اول، مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد زنده بودن یوسف(ع) ، دیدار او و ... می باشد.

۱۰ یعقوب ( ع ) برخلاف فرزندانش ، به سپری شدن دوران فراقش از یوسف ( ع ) اطمینان داشت .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۲ آگاهی یعقوب ( ع ) به حیات یوسف ( ع ) و وصال او ، دانشی بود که از ناحیه خداوند به آن حضرت افاضه شده بود .

ألم

أقل لكم إنى أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۳ یعقوب ( ع ) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

ألم أقل لكم إنى أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد. بر این اساس مقصود از <ما لا تعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

علم لدنی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۵،۱۷

۱۵ خداوند ، آموزنده و اهدا کننده دانش ویژه به یعقوب ( ع )

و إنه لذو علم لما علّمنه

حرف <لام> در <لما علّمناه> برای تعلیل است و <ما> در آن مصدریه می باشد.

۱۷ ناسازگار ندیدن تدبیر و برنامه ریزی در امور زندگی با حاکمیت اراده خداوند ، از دانش های اعطا شده به یعقوب ( ع )

وادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنى عنكم من الله من شىء . .. إنه لذو علم لما علّمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ آگاهی یعقوب ( ع ) به حیات یوسف ( ع ) ، دانشی بود که از ناحیه خدا به او افاضه شده بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

علم یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۴،۱۸،۱۹

۱۴ یعقوب ( ع ) از دانشی ویژه برخوردار بود .

و إنه لذو علم لما علّمنه

نکره آوردن <علم> حاکی از ویژگی آن است.

۱۸ توصیه های یعقوب ( ع ) به فرزندان خویش ( لزوم توکل

بر خدا و به کارگیری اسباب و علل ) جلوه ای از علم ویژه او بود .

ادخلوا من أبوب متفرقه . .. و علیه فلیتوکل المتوکلون ... إنه لذو علم لما علّمنه

۱۹ پیش بینی و احساس خطر یعقوب ( ع ) برای فرزندانش در دومین سفرشان به مصر ، جلوه ای از علم ویژه آن حضرت

لاتدخلوا من باب وحد . .. إنه لذو علم لما علّمنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۶

۱۶ < عن أبی عبدالله ( ع ) قال : قدم أعرابیّ علی یوسف . . . قال له یوسف : . . . فإذا مررت بوادی کذا و کذا فقف فناد : یا یعقوب ! یا یعقوب ! فإنه سیخرج إلیک رجل . . . فقل له : لقیت رجلاً بمصر و هو یقرئک السلام و یقول لک : إن ودیعتک عند الله عزوجل لن تضیع ، قال : فمضی الأعرابیّ . . . فأبلغه ما قال له یوسف . . . فکان یعقوب ( ع ) یعلم أن یوسف ( ع ) حیّ لم یمت و أن الله تعالی ذکره سیظهره له بعد غیبته و کان یقول لبنیه : < إنی أعلم من الله ما لاتعلمون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: بادیه نشینی بر یوسف وارد شد . .. یوسف به او گفت: ... آن گاه که بر فلان وادی گذر کردی بایست و صدا بزن: ای یعقوب، ای یعقوب! پس مردی به سوی تو بیرون خواهد آمد ... به او بگو مردی را در

مصر ملاقات کردم که تو را سلام رساند و گفت: امانت تو نزد خدا هرگز از بین نمی رود. امام فرمود: آن بادیه نشین رفت ... و گفتار یوسف را به یعقوب ابلاغ کرد ... پس یعقوب می دانست یوسف زنده است و نمرده و خدای تعالی به زودی او را پس از غیبت، آشکارش خواهد کرد و همواره به پسران خویش می گفت: <إنی أعلم من الله ما لاتعلمون>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۷

۷ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، مردان علم و عمل

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <الأبصار> کنایه از علم و <الأیدی> کنایه از عمل باشد.

عمل به تکلیف یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۹

۹ یعقوب ( ع ) در فرمان خویش مبنی بر ورود فرزندانش از درب های متعدد ، خواسته ای جز انجام وظیفه ( پیشنهاد و راه گریز از خطر ) نداشت .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

یعقوب(ع) با اعتقاد به حاکمیت اراده خداوند، می دانست که تأمین سلامتی فرزندانش به دست خداست و از اختیار او بیرون است ; ولی توجه او به کارآیی اسباب و علّتها در محدوده مشیّت الهی، او را به چاره اندیشی واداشت ; اما نتیجه را منوط به خواست خداوند می دید. از این رو حاجت و خواسته آن حضرت چیزی جز انجام وظیفه

راهنمایی فرزندان نبود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۵ – ۷

۷ – ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، مردان علم و عمل

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <الأبصار> کنایه از علم و <الأیدی> کنایه از عمل باشد.

عمل خیر یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۳ – ۱۱،۱۲

۱۱– ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

۱۲– خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. براین اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علّمنا> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۵

۱۵– انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ،

داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۷ – ۴

۴ – ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، از افراد خیّر و نیکوکار بودند .

و إنّهم . .. الأخیار

اخیار به دو معنا است: ۱ جمع <خیّر> با تشدید یاء به معنای نیکوکار است. ۲ جمع <خیْر> به سکون یاء در مقابل <شرّ> است. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

عوامل اندوه یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۲،۱۲

۲ ماجرای بنیامین ، خاطره یوسف ( ع ) را برای یعقوب ( ع ) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف ( ع ) شد .

و قال یأسفی علی یوسف

حرف <الف> در آخر <اسفی> منقلب از یای متکلم است. بنابراین <یأسفی> ، یعنی ای دریغ من.

۱۲ یعقوب ( ع ) بر اثر فراق یوسف ( ع ) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم

(کظیم) به معنای اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۶ – ۱

۱ یعقوب ( ع

) در فراق یوسف ( ع ) گرفتار غم و اندوهی فراوان و طاقت فرسا بود .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

<بثّ> در لغت به معنای حزن شدید است. گویا شدّت آن باعث می شود که دارنده اش نتواند آن را تحمل کند. از این رو برای دیگران بازگو کرده و منتشرش می سازد.

عوامل رنج یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۴

۴ یعقوب ( ع ) ، علاقه ای وافر به بنیامین و سلامتی او داشت و جدایی و فراق او برایش رنج آور بود .

لتأتنّنی به

جمله های <إنا له لحافظون> و <فالله خیر حافظاً> در آیات پیشین دلالت بر آن داشت که یعقوب(ع) خواهان نرسیدن گزند و آسیب به بنیامین بود و جمله <لتأتنّنی به> (او را نزد من آورید) حاکی است که دوری او نیز بر آن حضرت مشکل بود و خواهان حضور وی نزد خویش بود.

عوامل غضب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۳

۱۳ یعقوب ( ع ) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف ( ع ) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

<کظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد ; یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

عوامل کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۵

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وابیضت عیناه من الحزن

<ابیضاض> مصدر باب افعلال از ماده <بیض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) نابینا شده بود .

یأت بصیرًا

عوامل نگرانی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۴

۴ احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف ( ع ) ، مایه نگرانی یعقوب ( ع ) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) با نام نبردن از یوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوّت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

غضب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱

۱ یعقوب ( ع ) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندانش ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولی عنهم

<تولی> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزنـدانش به قرینه <فهو کظیم> از سـر خشم و غضب بر آنان بوده است.

فرزندان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶

- اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳

۳ انتساب بنی اسرائیلیان به هر یک از فرزندان یعقوب ، اساس گروه بندی آنان

و قطّعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما

<اسباط> در لغت به معنای نوادگان است. به کارگیری این واژه برای تیره های دوازده گانه بنی اسرائیل اشاره به این دارد که اساس این قبایل که همگان نواده های یعقوب (اسرائیل) هستند دوازده فرزند او می باشند.

فضایل یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۱

۱ اسحاق و یعقوب(ع)، موهبت خداوند به ابراهیم(ع) بودند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) پیامبرانی بودند که بر همه مردم عصر خویش برتری یافته بودند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب . .. و کلا فضلنا علی العلمین

برتری یافتن هر یک از پیامبران بر همه مردم که در اولین نظر از کلمه <العالمین> به ذهن می آید مستلزم برتری یافتن هر یک از پیامبران بر دیگری است. لذا نمی توان عموم <العالمین> را حقیقی دانست، بلکه دارای عموم عرفی بوده و ناظر به همه جوامع عصر خود آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۴

۴ یعقوب ( ع ) بهره مند از دانش تعبیر و تأویل رؤیاها

إنى رأيت أحد عشر كوكبًا . .. كذلك يجتبيك

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

٨ – يوسف – ١٢ –

۱۶ یعقوب ( ع ) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۴،۱۹

۱۴ یعقوب ( ع ) از دانشی ویژه برخوردار بود .

و إنه لذو علم لما علّمنه

نکره آوردن <علم> حاکی از ویژگی آن است.

۱۹ پیش بینی و احساس خطر یعقوب ( ع ) برای فرزندانش در دومین سفرشان به مصر ، جلوه ای از علم ویژه آن حضرت

لاتدخلوا من باب وحد . .. إنه لذو علم لما علّمنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۴،۹

۴ یعقوب ( ع ) برخوردار از نگرشی عمیق و بهره مند از فراستی خاص در تحلیل حوادث و به دور از زودباوری

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

۹ یعقوب ( ع ) ، پیامبری صبور و بردبار بود .

فصبر جمیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۵،۱۲

۵ یعقوب ( ع ) بهره مند از روحیه توحیدی

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

۱۲ یعقوب ( ع ) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق ، بر این اساس است که <من الله> به معنای درباره خدا باشد. بر این اساس مراد از <ما لاتعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶

۱۳ یعقوب ( ع ) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

ألم أقل لكم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد. بر این اساس مقصود از <ما لا ـتعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۵

۱۵ یعقوب ( ع ) ، شخصیتی بزرگوار ، کریم و با گذشت بود .

یأبانا استغفر لنا . ..قال سوف أستغفر لكم ربی إنه هو الغفور الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۳

۳- خداوند ، برای ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ستایشی راستین و بلندآوازه در تاریخ قرار داده است .

و جعلنا لهم لسان صدق عليًا

از جمله معانی و کاربردهای کلمه <لسان> ثنا و تمجید است; بنابراین <جعلنا . ..>، یعنی برای آنها ثنا و تمجیدی راستین و رفیع قرار دادیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱

۱- زکریا ، یحیی ، مریم ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل و ادریس ( ع ) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أُولئک الذین أنعم اللّه علیهم

<ؤُولئک> اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله

<أنعم اللّه . ..> نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر

نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۶

۶- ابراهیم ، یعقوب و اسحاق ( ع ) ، از زمره صالحان اند .

و کلًّا جعلنا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۵

۱۵- عبادت و بندگی مداوم و مخلصانه ، از اوصاف حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع )

و کانوا لنا عبدین

فعل <کون> که مفید استقرار وصف است بیانگر دائمی بودن عبادت ابراهیم(ع) است و تقدم جار و مجرور (لنا)، نشانگر انحصار عبادت آنان، برای خداوند متعال است که از آن به خالصانه بودن یاد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۷

۷ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، مردان علم و عمل

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <الأبصار> کنایه از علم و <الأیدی> کنایه از عمل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - آخرت اندیشی و یاد مستمر قیامت ، از اوصاف ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام )

إنّا أخلصنهم بخالصه ذکری الدار

<خالصه> موصوف برای صـفت مقدر (چون خصله) و یا صفت است. <باء> آن برای سببیت و عبارت <ذکری الدار> نیز بیان برای <خالصه> می باشد. بر این اساس

پیام آیه چنین خواهد بود: ما با خصلت و صفت خالص و بی شائبه که عبارت است از آخرت اندیشی آنان را خالص ساختیم.

۲ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) از هرگونه آلودگی های مادی و متضاد با آخرت اندیشی پاک و منزه بود .

إنّا أخلصنهم بخالصه ذکری الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۵،۷

۵ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) از خوبان و نیکان بودند .

إنّهم . .. الأخیار

۷ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، اسوه و الگوی انسان ها

و اذکر عبدنا إبرهیم . .. إنّهم عندنا لمن المصطفین الأخیار

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، درصدد بیان سرگذشت شخصیت هایی است که برای پیامبراسلام(ص) و مؤمنان، درس آموز و سازنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل ( علیهم السلام ) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

فقر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ یعقوب ( ع ) و فرزندانش از مال و منال کافی برخوردار نبودند و از جهت امکانات مالی در محدودیت بودند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم . .. لعلهم یرجعون

از جمله احتمالاتی که می توان آن را دلیل یوسف در باز گرداندن سرمایه برادرانش دانست ، محدودیت مالی خاندان یعقوب است. جمله <ما نبغی هذه بضعتنا ... نمیر أهلنا> در آیه ۶۵ مؤید این احتمال است.

فلسفه اندوهیعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۹

۹ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . قال یعقوب ( ع ) < إنی لیحزننی أن تذهبوا به و أخاف أن یأکله الذئب > فانتزعه حذراً علیه من أن تکون البلوی من الله عزوجل علی یعقوب فی یوسف خاصّه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. یعقوب [به فرزندان] گفت: <بردن شما یوسف را مرا غمگین می کند و می ترسم که او را گرگ بخورد> ; پس یوسف را از دست آنان گرفت، چون می ترسید آن بلایی که قرار بود از طرف خدا بر او وارد شود، در مورد یوسف بالخصوص باشد>.

فلسفه توصیه های یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۹

۹ یعقوب ( ع ) در فرمان خویش مبنی بر ورود فرزندانش از درب های متعدد ، خواسته ای جز انجام وظیفه ( پیشنهاد و راه گریز از خطر ) نداشت .

ما کان یغنی عنهم من

الله من شیء إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

یعقوب(ع) با اعتقاد به حاکمیت اراده خداوند، می دانست که تأمین سلامتی فرزندانش به دست خداست و از اختیار او بیرون است ; ولی توجه او به کارآیی اسباب و علّتها در محدوده مشیّت الهی، او را به چاره اندیشی واداشت ; اما نتیجه را منوط به خواست خداوند می دید. از این رو حاجت و خواسته آن حضرت چیزی جز انجام وظیفه راهنمایی فرزندان نبود.

فلسفه سجده یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۲

۳۲ < از امام هادی ( ع ) درباره سخن خداوند < وخرّوا سجّداً > سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند : < أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف و إنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف ;

سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود ; بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود>.

فلسفه نگرانی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۹

۹ یعقوب ( ع ) نگران از چشم زخم و حسادت بر فرزندان خویش در صورت ورود جملگی آنان به مصر از یک دروازه آن

لاتدخلوا من باب وحد . .. و ما أُغنی عنکم من الله من شیء

آیه شریفه در این باره که یعقوب(ع) چه خطری را برای فرزندان خویش و یا برای بنیامین احساس می کرده، بیانی ندارد. بسیاری از مفسران گفته اند از اینکه یعقوب(ع) از آنان خواسته متفرق شوند و از دربهای متعدد

وارد گردند، می توان حدس زد که وی از خطر چشم زخم و مانند آن هراسان بوده است.

فواید قصه یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۹ – ۴

۴ – سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل ( علیهم السلام ) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود . .. سلیمن ... أیّوب ... إبرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هذا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

قدرت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۵ – ۴

۴ – ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، انسان های برخوردار از < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

<أُولی الأیدی> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

قصه یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۲ – ۱،۳

۱ – ابراهیم و یعقوب ( ع ) هر یک دارای پسرانی چند بودند .

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب یبنی

۳ – یعقوب ( ع ) ، پسرانش را به پیروی از آیین ابراهیم ( تسلیم شدن در برابر خدا ) سفارش کرد .

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب

<یعقوب> عطف بر <إبراهیم> است; یعنی: <وصی بها یعقوب بنیه>.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۲،۳،۴،۶،۷

۲ - یعقوب ، دارای پسرانی چند

إذ قال لبنیه

برداشت فوق، از جمع آوردن کلمه <بنیه> استفاده شده است.

۳ - پسران یعقوب ( ع ) در زمان حیات او ، انسانهایی موحد و پرستشگر خدای یکتا بودند .

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

برداشت فوق از قید <من بعدی> استفاده شده است.

۴ - یعقوب ( ع ) ، نگران باور های دینی فرزندانش پس از مرگ خویش و نبودنش در میان آنان

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

۶ - یعقوب ( ع ) در آستانه مرگ ، فرزندانش را به ملازمت توحید دعوت نمود و به یکتا پرستی وصیت کرد .

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

۷ - فرزندان یعقوب ، او را بر ملازمت به پرستش خدای بی همتا و تسلیم بودن در برابرش مطمئن ساختند .

قالوا نعبد . .. إلهاً وحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ یعقوب ( ع ) با فرستادن یوسف ( ع ) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از آن اعتذار می جست .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف ( ع ) ، از اعتذار های یعقوب ( ع ) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لک لاتأمنّا . .. قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۳ یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف ( ع ) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۴ یعقوب (

ع ) علی رغم اعتماد نداشتن به فرزندانش درباره یوسف ( ع ) ، از ابراز آن خودداری کرد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به و أخاف أن یأکله الذئب

۵ ترسیدن بر جان یوسف ( ع ) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب ( ع ) با فرستادن یوسف به همراه فرزندانش

قال إنی . .. أخاف أن یأکله الذئب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۸ – ۱۱،۱۲

۱۱ تصمیم یعقوب ( ع ) بر مسکوت گذاشتن پرونده خیانت فرزندانش درباره یوسف ( ع ) و پی گیری نکردن آن

بل سوّلت لکم . .. والله المستعان علی ما تصفون

۱۲ یعقوب ( ع ) مصمم بر شکیبا بودن در فراق یوسف ( ع ) و بردباری کردن بر رفتار ناهنجار فرزندانش

فصبر جمیل

متعلق صبر ، به قرینه جمله های قبل ، فراق یوسف(ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزندانش می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۱ – ۵

۵ برادران یوسف ، با او عهد کردند که بنیامین را در نوبت بعد به حضور وی بیاورند .

سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۱،۲،۳،۵،۶،۱۴

۱ یعقوب ( ع ) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندانش ، موافقت نمود .

قال لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا

۲ یعقوب ( ع ) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را ، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند ( با

خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند ) .

لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا من الله

<موثق> به معنای عهد و پیمان است که به دلیل <لام> قسم در <لتأتنّنی> عهد و پیمانی است همراه با سوگند. <من الله> بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقًا) ; یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

۳ یعقوب در توصیه بر حفاظت از بنیامین به فرزندانش تأکید کرد که هیچ عذری جز مغلوب شدن و ناتوان گشتن را از آنان نخواهد پذیرفت .

حتی تؤتون موثقًا من الله لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم

۵ یعقوب ( ع ) از فرزندانش انتظار نداشت با به خطر انداختن خویش در حفظ بنیامین و باز$ گرداندن او تلاش کنند .

إلاّ أن یحاط بکم

احاطه که ظاهراً مصدر <یحاط> است به معنای گرفتن پیرامون چیزی از همه جوانب آن است و در آیه شریفه کنایه از مغلوب شدن و بسته شدن همه راهها و چاره هاست.

۶ یعقوب ( ع ) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را ، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استثنا کنند .

لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم

ظاهر این است که عبارت <إلاّ أن یحاط بکم> استثنا از قسم که مفاد <لتأتنّنی به> است می باشد. بر این اساس یعقوب(ع) به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استثنا کنند و چنین بگویند: <والله لنأتینک به إلاّ أن یحاط بنا> (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می

گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها بر ما بسته شود).

۱۴ یعقوب ( ع ) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱،۴،۵،۶،۷

۱ یعقوب ( ع ) در آستانه سفر فرزندانش به مصر ، آنان را با معارفی الهی آشنا ساخت و حقایقی از توحید را به آنان تذکر و تعلیم داد .

قال یبنیّ لاتدخلوا . .. و علیه فلیتوکل المتوکلون

۴ یعقوب ( ع ) در سفر دوم فرزندانش به مصر ، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

۵ یعقوب ( ع ) منشأ خطر برای فرزندانش را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

۶ یعقوب ( ع ) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

۷ یعقوب ( ع ) در آستانه سفر دوم فرزندانش به مصر ، به آنان

توصیه کرد برای ورود به آن دیار ، دروازه های متعددی را برگزینند و از یک دروازه وارد نشوند .

ینبیّ لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبوب متفرقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ یعقوب ( ع ) آنچه وظیفه او برای تأمین سلامت فرزندانش بوده ، به کار بست .

إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱،۱۲،۱۴

۱۱ یعقوب ( ع ) به زنده بودن یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

۱۲ یعقوب ( ع ) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

۱۴ یعقوب ( ع ) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱،۲،۵،۶،۷،۱۲،۱۳

۱ یعقوب ( ع ) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندانش ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولی عنهم

<تولی> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزنـدانش به قرینه <فهو کظیم> از سر خشم و غضب بر

آنان بوده است.

**۲** ماجرای بنیامین ، خاطره یوسف ( ع ) را برای

یعقوب ( ع ) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف ( ع ) شد .

و قال یأسفی علی یوسف

حرف <الف> در آخر <اسفی> منقلب از یای متکلم است. بنابراین <یأسفی> ، یعنی ای دریغ من.

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وابیضت عیناه من الحزن

<ابیضاض> مصدر باب افعلال از ماده <بیض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

۶ افول بینایی یعقوب ( ع ) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. وابیضت عیناه من الحزن

۷ گریه فراوان یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) *

وابیضت عیناه من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعلیلیه است و حاکی از این است که حزن عامل نابینایی یعقوب(ع) بود ; ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان یعقوب(ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه یعقوب(ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

۱۲ یعقوب ( ع ) بر اثر فراق یوسف ( ع ) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم

(کظیم) به معنای اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

۱۳ یعقوب ( ع ) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف ( ع )

و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

<کظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد ; یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱،۳،۴

۱ یعقوب ( ع ) ، همواره به یاد فرزندش یوسف ( ع ) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافیه است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف> ; یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

۳ فرزندان یعقوب ، نگران وضعیت رو به وخامت پدر خویش و ناراحت از قرار گرفتنش در معرض بیماری و هلاکت

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف ( ع ) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله . ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱،۲،۳،۹،۱۰

۱ یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) گرفتار غم و اندوهی فراوان و طاقت فرسا بود .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

<بثّ> در لغت به معنای حزن شدید است. گویا شدّت آن باعث می شود که دارنده اش نتواند آن را تحمل کند.

از این رو برای دیگران بازگو کرده و منتشرش می سازد.

۲ یعقوب ( ع ) از غم و اندوه جانکاهش در فراق یوسف ( ع ) ، تنها به خداوند شکایت می کرد .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

شکایت چیزی را نزد شخصی بردن ; یعنی، خبر دادن و گلایه کردن به آن شخص از بدرفتاری آن چیز. بنابراین <إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله> ; یعنی، فقط به خداوند خبر می دهم که حزن و اندوه با من چه کرده و از آنها فقط به خداوند گلایه می کنم و از او دادخواهی می نمایم.

۳ یعقوب ( ع ) هرگز از غم و اندوهش به غیر خدا ( فرزندان و اطرافیانش ) شکایت و گلایه نکرد .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

۹ یعقوب ( ع ) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف ( ع ) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می توانـد به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر اساس معنای اول مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۰ یعقوب ( ع ) به دیدار یوسف ( ع ) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۲،۳،۴

۲ یعقوب ( ع ) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها بپردازند .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا

من یوسف و أخیه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

۳ یعقوب ( ع ) گرفتار شدن به فراق بنیامین را نشانه پایان یافتن اندوه های خویش دانست و به یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین امیدوار شد .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه و لاتاْیئسوا من روح الله

از آن جا که یعقوب(ع) پس از داستان بنیامین، جستوجو از یوسف را مطرح می سازد و فرزندانش را مأمور تفحص از وی می کند، چنین برمی آید که وی قضیه بنیامین را نشانه ای به نزول فرج الهی دانسته و به یافتن یوسف(ع) امیدوار شده بود. اقدام نکردن وی برای یافتن یوسف پیش از داستان بنیامین، دلیل این حقیقت است و این معنا توجیه کننده برنامه یوسف(ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

۴ یعقوب ( ع ) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لاتاْیئسوا من روح الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۲،۳،۴،۸،۹،۱۰

۲ یعقوب ( ع ) از فاصله ای دور ( از کنعان تا مصر ) بوی یوسف ( ع ) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

جمله <قال أبوهم . ..> جواب شرط <لما فصلت ...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع)

از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب ( ع ) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش ( شنیدن بوی یوسف ) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۴ شامّه معجزه آسای یعقوب ( ع ) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف ( ع ) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۸ سست شدن عقل و خرد بر اثر پیری و کهنسالی ، اتهام خانواده یعقوب به آن حضرت

لولا أن تفنّدون

<فَنَد> به معنای فساد عقل بر اثر پیری است و <تفنید> (مصدر تفنّدون) ; یعنی ، کسی را به خاطر پیری و فرتوتی سست اندیشه شمردن (کشاف).

۹ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب در برخورد با او

لولا أن تفنّدون

۱۰ ترور شخصیت یعقوب ( ع ) از ناحیه بستگان و اطرافیانش

لولا أن تفنّدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف ( ع ) را خطای دیرینه یعقوب ( ع ) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنک لفی ضللک القدیم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالک القدیم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

۲ بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف ( ع ) و محبّت بیش از

حد به وی متهم کردند .

إنک لفی ضللک القدیم

۳ یعقوب ( ع ) در طول فراق یوسف ( ع ) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

۴ بستگان یعقوب او را در خبر استشمام بوی یوسف ( ع ) تکذیب کرده و این احساس را ناشی از کژاندیشی دانستند .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

۵ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب به ساحت والای آن حضرت

إنک لفی ضللک القدیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۴،۱۱

۴ چشمان یعقوب ( ع ) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف ( ع ) بر آن ، فروغ گرفت و بیناییش بازگشت .

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد ...> حاکی از دو معناست:$۱ ترتّب و سببیّت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۱۱ یعقوب ( ع ) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف ( ع ) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بستگان خویش بازگو می کرد .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱

۱ یعقوب ( ع ) از ستم فرزندانش در حق خویش درگذشت و آنان را

بخشود .

قال سوف أستغفر لكم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱

۱ خاندان یعقوب ، تقاضای یوسف ( ع ) را پذیرفتند و همگی از کنعان به سوی مصر کوچ کردند .

وأتونی بأهلكم أجمعین . .. فلما دخلوا علی یوسف

مراد از ضمیر <دخلوا> به قرینه <و أتونی بأهلكم أجمعین> در آیه ۹۳ و كلمه <أبویه> برادران یوسف، خانواده های ایشان و پدر و مادر اوست. جمله <فلما دخلوا علی یوسف> عطف بر جمله هایی مقدر است که به قرینه <وأتونی بأهلكم أجمعین> عبارتند از: آنان تقاضای یوسف را پذیرفتند و همگی به سوی مصر كوچ كردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱،۷

۱ یعقوب ( ع ) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف ( ع ) درآمدند .

قال ادخلوا مصر . .. و رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذكری میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش . ..> گویای این نكته است كه حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و كلمه <العرش> می رساند كه آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط كردن و بر زمین افتادن است و <سجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی

یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۹ – ۶

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم ( ع ) بوده است .

وهبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۲ – ۱

۱- تولد اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پس از هجرت ابراهیم ( ع ) بود .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض . .. و وهبنا له إسحق و یعقوب

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

قضاوت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

کتاب آسمانی یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت –

۳ - ۲۷ - ۲۹

۳ - اسحاق و یعقوب ( ع ) از مقام نبوت و کتاب آسمانی ، برخوردار بودند .

و وهبنا له إسحق و یعقوب و جعلنا فی ذرّیّته النبوّه

از مصداق های اتمّ و اکمل ذریه ابراهیم، اسحاق و یعقوب اند که خداوند به آنها، نبوت و کتاب عطا کرده است.

کرامات یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۳،۴

۳ یعقوب ( ع ) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش ( شنیدن بوی یوسف ) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۴ شامّه معجزه آسای یعقوب ( ع ) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف ( ع ) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

کظم غضب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۳

۱۳ یعقوب ( ع ) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف ( ع ) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

<کظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد ; یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

کیفر دزد در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۵ – ۲

۲ < استرقاق > کیفر سارقان در شریعت

یعقوب

فهو جزؤه کذلک نجزی الظلمین

جمله <کذلک نجزی الظلمین> اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم ، مقتضای آیین ماست.

گریه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۷

۷ گریه فراوان یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) *

وابیضت عیناه من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعلیلیه است و حاکی از این است که حزن عامل نابینایی یعقوب(ع) بود ; ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان یعقوب(ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه یعقوب(ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس ( ع ) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

گزارش برادران یوسف به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب از مصر بازگشتند و گزارش سفرشان را برای او شرح دادند .

فلما رجعوا إلی أبیهم قالوا

۲ ممنوع شـدن فرزنـدان یعقوب از دریافت سـهمیه خوار و بار بـدون همراهی بنیامین ، از گزارش های آنان به پدرشان یعقوب بود .

فإن لم تأتونی به فلا کیل

لکم . .. فلما رجعوا إلی أبیهم قالوا یأبانا منع منا الکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۱،۴،۵،۶،۷،۸

۱ لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان ، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد .

قال کبیرهم . .. ارجعوا إلی أبیکم فقولوا یأبانا إن ابنک سرق

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا . .. ما شهدنا إلّا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله <یأبانا> مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگویید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنک سرق

لحن جمله <إن ابنک سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما کنا للغیب حفظین

در معنای جمله <و ما کنا . ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنک سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب

و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم ; یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

۸ دزدی مخفیانه بنیامین و ناتوانی برادران از مراقبت وی در نهان ، اعتذار آنان نزد یعقوب ( ع ) از باز نگرداندن او

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا . .. و ما کنا للغیب حفظین

جمله <و ما کنا . ..> در حقیقت پاسخ به پرسشی است که لاوی انتظار آن را از یعقوب(ع) داشت و آن اینکه: گیرم بنیامین دزدی کرد ، چرا او را از دزدی کردن باز نداشتید تا کار به آنچه می گویید بینجامد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱

۱ فرزندان یعقوب به کنعان بازگشتند و گزارش سفرشان را همان گونه که لاوی سفارش کرده بود ، برای پدرشان بیان کردند .

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا یأبانا . .. قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

از آن جا که مطالب آیه ۸۱ و ۸۲ سخنان لاوی در مصر است و جمله <بل سوّلت . ..> پاسخ یعقوب در برابر آن گفته هاست، معلوم می شود که اولاً: بخشی از داستان به خاطر اختصار آورده نشده است و آن اینکه: <فرجعوا إلی أبیهم و قالوا کذا و کذا>. ثانیاً: فرزندان یعقوب همان سخنان لاوی را به همان گونه که وی سفارش کرده بود برای پدرشان گزارش کردند.

لاوی و اذن یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۱،۱۴

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه

یعقوب ( ع ) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی أو یحکم الله لی

گویا مقصود لاوی از <حتی یأذن لی أبی> این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلاّ أن یحاط بکم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از <یحکم الله> شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

۱۴ < عن أبی الحسن الهادی ( ع ) : . . . قال [ لاوی ] : < لن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی . . . > . . . ;

از امام هادی(ع) روایت شده است: . .. (لاوی) گفت: هرگز از این سرزمین دور نمی شوم تا اینکه پدرم به من اجازه دهد ...>...>.

مجازات دزد در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۲

۲ < استرقاق > کیفر سارقان در شریعت یعقوب

فهو جزؤه کذلک نجزی الظلمین

جمله <کذلک نجزی الظلمین> اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم ، مقتضای آیین ماست.

محبت یعقوب(ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۳،۴،۶،۹،۱۳

۳ یوسف ( ع ) و بنیامین محبوب تر از دیگر فرزندان یعقوب در

نزد آن حضرت

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا

مراد از <أخوه> چنانچه مفسران گفته اند بنيامين است.

۴ يوسف ( ع ) محبوب تر از بنيامين در نزد يعقوب ( ع )

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا

برداشت فوق ، از تقديم <يوسف> بر برادرش <بنيامين> استفاده شده است.

۶ همه فرزندان يعقوب محبت افزون تر او به يوسف ( ع ) و بنيامين را احساس مى كردند و بر آن رشك مى بردند .

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا منا

ضمير در <قالوا> به <إخوته> در آيه قبل برمى گردد ; يعنى ، همه آنان چنين گفتند و بر اين نظر اتفاق داشتند.

۹ لطف و محبت افزون تر يعقوب ( ع ) به يوسف ( ع ) و بنيامين و شايسته نبودن آن دو براى آن لطف و محبت ، از سخنان و پيش درآمد هاى جلسه مشورتى برادران يوسف عليه وى

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا منا و نحن عصبه إن أبانا لفى ضلل مبين

۱۳ محبت فراوان يعقوب ( ع ) به يوسف ( ع ) و بنيامين ، خطا و لغزشى روشن از ديدگاه ديگر فرزندان او

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب . .. إن أبانا لفى ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۱،۲،۳

۱ يعقوب ( ع ) به فرزندش بنيامين علاقه اى ويژه داشت .

قالوا سنرود عنه أباه

۲ يعقوب ( ع ) ، همواره از مسافرت كردن بنيامين به همراه برادرانش ، جلوگيرى مى كرد .

قالوا سنرود عنه أباه

۳ علاقه شدید یعقوب ( ع ) به

بنیامین ، دلیل برادران یوسف برای همراه نبودن بنیامین با آنان

قالوا سنرود عنه أباه

<با پدرمان گفت و گو می کنیم و تلاش می نماییم که رضایت او را برای سفر بنیامین جلب کنیم> که مفاد <سنرود عنه أباه> می باشد اشاره ای است از سوی برادران یوسف به او که علت همراه نبودن بنیامین ، ممانعت پدرشان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۴

۴ یعقوب ( ع ) ، علاقه ای وافر به بنیامین و سلامتی او داشت و جدایی و فراق او برایش رنج آور بود .

لتأتنّنی به

جمله های <إنا له لحافظون> و <فالله خیر حافظاً> در آیات پیشین دلالت بر آن داشت که یعقوب(ع) خواهان نرسیدن گزند و آسیب به بنیامین بود و جمله <لتأتنّنی به> (او را نزد من آورید) حاکی است که دوری او نیز بر آن حضرت مشکل بود و خواهان حضور وی نزد خویش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۸

۸ برادران بنیامین می دانستند که وی در نزد پدرشان یعقوب ، از محبوبیت افزون تری برخوردار است .

فخذ أحدنا مکانه

محبت یعقوب(ع) به فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۲،۳،۱۲

۲ یعقوب ( ع ) همه فرزندان خویش را گرامی می داشت و به همه آنان محبت می کرد .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منّا

افعل تفضیل (أحبّ) گویای برداشت فوق است.

۳ یوسف ( ع ) و بنیامین محبوب تر از

دیگر فرزندان یعقوب در نزد آن حضرت

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا

مراد از <أخوه> چنانچه مفسران گفته اند بنیامین است.

۱۲ برادران یوسف به دلیل نیرومندی و کارآمد بودنشان ، خویش را به محبت پدرشان یعقوب سزاوارتر می دیدند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا و نحن عصبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۴،۵

۴ برادران یوسف ، نبود وی در میان خانواده را ، مایه توجه کامل یعقوب ( ع ) به آنان می پنداشتند .

اقتلوا یوسف . .. یخل لکم وجه أبیکم

<یخل لکم وجه أبیکم> (خالی شود صورت پدرتان برای شما) کنایه از آن است که توجه و اقبال او از یوسف(ع) منقطع می شود و تنها برای شما خواهد بود. فعل <یخل> جواب امر (اقتلوا) و (اطرحوه) است و با <إن> شرطیه مقدر مجزوم شده است ; یعنی: <إن تقتلوه أو تطرحوه یخل لکم ...>.

۵ برادران یوسف در صورت نبود او ، بنیامین را رقیب خویش در جلب محبت یعقوب ( ع ) نمی دیدند .

لیوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا یوسف ... یخل لکم وجه أبیکم

برادران یوسف از محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) و نیز بنیامین در رنج بودند ; ولی با از میان بردن یوسف(ع) مشکل را حل شده می دانستند. بنابراین چنین می پنداشتند که بنیامین ، نمی تواند مانع توجه کامل یعقوب(ع) به آنان باشد.

محبت یعقوب(ع) به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۶

۶ رابطه یوسف ( ع ) و

پدرش یعقوب ( ع ) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

إذ قال یوسف لأبیه یأبت . .. یبنیّ

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنیّ> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) ، حاکی از اظهار علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۴

۱۴ رابطه یوسف ( ع ) و پدرش یعقوب ( ع ) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

یأبت . .. قال یبنیّ لاتقصص رءیاک

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنیّ> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) حاکی از علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۳،۴،۵،۶،۹،۱۳،۱۵

۳ یوسف ( ع ) و بنیامین محبوب تر از دیگر فرزندان یعقوب در نزد آن حضرت

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا

مراد از <أخوه> چنانچه مفسران گفته اند بنیامین است.

۴ یوسف ( ع ) محبوب تر از بنیامین در نزد یعقوب ( ع )

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا

برداشت فوق ، از تقدیم <یوسف> بر برادرش <بنیامین> استفاده شده است.

۵ شایستگی های معنوی یوسف ( ع ) و فضیلت های خدادادی وی ، عامل محبت فراوان یعقوب ( ع ) به او بود .

کذلک یجتبیک ربک . .. لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

بیان مسأله محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) ، پس از بیان ویژگیهای یوسف (وکذلک یجتبیک . ..) ، اشاره به ریشه

محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) دارد.

همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف ( ع ) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

ضمیر در <قالوا> به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد ; یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۹ لطف و محبت افزون تر یعقوب ( ع ) به یوسف ( ع ) و بنیامین و شایسته نبودن آن دو برای آن لطف و محبت ، از سخنان و پیش درآمد های جلسه مشورتی برادران یوسف علیه وی

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا و نحن عصبه إن أبانا لفی ضلل مبین

۱۳ محبت فراوان یعقوب ( ع ) به یوسف ( ع ) و بنیامین ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب . .. إن أبانا لفی ضلل مبین

۱۵ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فلما رأی یوسف الرؤیا و أصبح یقصّها علی أبیه یعقوب ، فاغتم یعقوب لما سمع من یوسف مع ما أوحی الله عزوجل إلیه أن استعد للبلاء . . . و خاف أن یکون ما أوحی الله عزوجل إلیه من الإستعداد للبلاء هو فی یوسف خاصّه فاشتدت رقته علیه من بین ولده فلما رأی إخوه یوسف ما یصنع یعقوب بیوسف و تکرمته إیّاه و إیثاره إیّاه علیهم إشتد ذلک علیهم . . . و قالوا : إن یوسف و أخاه < أحب إلی أبینا منّا > . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که

یوسف(ع) آن خواب را دید و بامداد برای یعقوب بازگو کرد، یعقوب به خاطر آنچه از یوسف شنید با آنچه خدای عزوجل به او وحی کرد که آماده بلا باش غمگین شد ... و ترسید که آن بلا بالخصوص در مورد یوسف باشد. از این رو مهربانی او از میان برادران به یوسف زیادتر شد ; چون برادران رفتار یعقوب را نسبت به یوسف دیدند که او را گرامی می دارد و بر آنان ترجیح می دهد، بر آنان گران آمد ... و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب ترند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف ( ع ) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۲

۲ بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف ( ع ) و محبّت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنک لفی ضللک القدیم

محبت یوسف(ع) به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۶

۶ رابطه یوسف ( ع ) و پدرش یعقوب ( ع ) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

إذ قال یوسف لأبیه یأبت . .. یبنیّ

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنیّ> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) ، حاکی

از اظهار علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۴

۱۴ رابطه یوسف ( ع ) و پدرش یعقوب ( ع ) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

یأبت . .. قال یبنیّ لاتقصص رءیاک

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنیّ> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) حاکی از علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۷

۷ یوسف ( ع ) با اظهار محبتی ویژه به پدر و مادر خویش ، آنان را در کنار خود جای داد .

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

محدوده مسؤولیت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، موظف بودند که درچارچوب فرمان های الهی به هدایت مردم بپردازند ; و نه بر اساس سلیقه شخصی و نه دستور گیری از دیگران .

و جعلنهم أئمه یهدون بأمرنا

<بأمرنا> متعلق به <یهدون> و در حقیقت به منزله قید و شرط برای هدایت کردن است; یعنی، هدایت کردن مردم باید به فرمان ما باشد

محرمات یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۲،۱۱،۱۴

۲ یعقوب ( ع ) ، برخی خوردنی ها را بر خود حرام کرده بود .

الّا ما حرّم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزّل التوریه

۱۱ آنچه از خوردنی ها که یعقوب (

ع ) بر خویش حرام کرده بود ، بر بنی اسرائیل نیز حرام بود .

کل الطعام کان حلا لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه

بنابراینکه استثنای در <الا ما حرم . .. > استثنای متصل باشد.

۱۴ حلیت همه خوردنی ها بر بنی اسرائیل ، جز گوشت شتر که اسرائیل ( ع ) ( یعقوب ) قبل از نزول تورات بر خود حرام کرده بود .

کل الطعام کان حلا لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه

امام صادق (ع): . .. ان اسرائیل کان اذا اکل من لحم الابل هیّج علیه وجع الخاصره فحرّم علی نفسه لحم الابل و ذلک قبل ان تنزّل التوراه.

---

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹ ; بحارالانوار، ج ۹، ص ۱۹۱، ح ۳۱.

مخالفت یعقوب(ع) با برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱

۱ یعقوب ( ع ) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم علیه إلّا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

مدح صبر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ شکیبایی یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) ، ستودنی و درخور تحسین بود .

فصبر جمیل

چنان چه <جمیل> صفت برای <صبر> باشد ، در تقدیر گرفتن مبتدا (صبری صبر جمیل) و یا خبر (صبر جمیل أحسن)

ضروری است. برداشت فوق ناظر به این احتمال است.

مدح یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰

۳- خداوند ، برای ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ستایشی راستین و بلندآوازه در تاریخ قرار داده است .

و جعلنا لهم لسان صدق عليًا

از جمله معانی و کاربردهای کلمه <لسان> ثنا و تمجید است; بنابراین <جعلنا . ..>، یعنی برای آنها ثنا و تمجیدی راستین و رفیع قرار دادیم.

مدیریت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۰

۱۰ تلاش یعقوب ( ع ) برای پیشگیری از برخورد های نامناسب فرزندانش با یکدیگر

لاتقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ تسلّط و مدیریت یعقوب ( ع ) بر خانواده و فرزندان خویش

یأبانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا نکتل

مسابقه در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۴

۴ مسابقه ، امری مشروع در آیین یعقوب ( ع ) و مرسوم در زمان آن حضرت

قالوا یأبانا إنا ذهبنا نستبق

مسؤولیت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۹

۹- هدایت مردم به سوی خدا و صفات ، افعال و سخنان او ، وظیفه ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) بود .

و جعلنهم أئمه یهدون بأمرنا

برداشت یاد شده براساس دو نکته است: ۱ <أمر> در اصل به معنای شأن و لفظی است عام که شامل تمامی افعال و اقوال می شود (مفردات راغب). ۲ <باء> در <بأمرنا> ممکن است برای غایت و به معنای <إلی>

باشد.

مسیحیان و دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۲

۲ - نصارا آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین نصرانیت و ایشان را نصرانی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهیم و إسمعیل . .. کانوا هوداً أو نصری

مسیحیان و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۱

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهیم . .. کانوا هوداً أو نصری

مصریان باستان و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۶

۶ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

معامله لقیط در دوران یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۹ – ۱۲

۱۲ خرید و فروش لقیط ( انسان یافت شده ) امری ناروا و غیرقانونی در عصر یعقوب

و أسرّوه بضعه

معلم یعقوب(ع)

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۸ – ۱۵،۱۶

۱۵ خداوند ، آموزنده و اهدا کننده دانش ویژه به یعقوب ( ع )

و إنه لذو علم لما علّمنه

حرف <لام> در <لما علّمناه> برای تعلیل است و <ما> در آن مصدریه می باشد.

۱۶ حاکمیت اراده خداوند بر اسباب و علل ، از تعالیم خداوند به یعقوب ( ع )

ادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء . .. و إنه لذو علم لما علّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۳ – ۱۲

۱۲– خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. براین اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علّمنا> است.

مقامات یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۴ – ۲

۲ ابراهیم، اسحاق(ع) و یعقوب(ع) دارای مقامی رفیع و بهره مند از هدایتی ویژه به توحید و برهانهای آن، از جانب خداوند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب کلاً هدینا

بهره مندی از هدایت ویژه الهی حاکی از

مرتبه والای آن پیامبران است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۹ – ۵

۵- اسحاق و یعقوب ( ع ) ، فرزندان ابراهیم و از پیامبران الهی بودند .

وهبنا له إسحق و یعقوب و کلاًّ جعلنا نبیًّا

اسحاق(ع)، فرزند ابراهیم(ع) بود، ولی یعقوب(ع) به دلیل آیه بیست و هفتم سوره هود (و من وراء إسحاق یعقوب) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۳ – ۱،۲،۱۰

۱- حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، برخوردار از منصب پیشوایی و رهبری در جامعه

و جعلنهم أئمه

۲- امامت و رهبری حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، به انتخاب و انتصاب خداوند بود .

و جعلنهم أئمه

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحینا إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۳

۳ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، از بندگان حقیقی و بلندمرتبه خداوند

عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

تصریح به عبد بودن ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)

با آن که همه انسان ها عبد هستند و نیز اضافه آن به ضمیر جلاله (نا)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۱،۲

۱ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) ، از برگزیدگان خداوند از میان انسان ها

و إنّهم عندنا لمن المصطفین

<مصطفی> (مفرد <مصطفین>) به معنای شخص برگزیده و انتخاب شده است.

۲ - عظمت مقام و قرب ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( علیهم السلام ) در پیشگاه خداوند

و إنّهم عندنا لمن المصطفین

برگزیدگی ابراهیم(ع) و. .. از سوی خداوند با آمدن قید <عندنا> (پیشگاه ما)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

مکان بشارت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ نوید تولد اسحاق و یعقوب به ابراهیم ( ع ) و همسرش ساره ، در جلسه پذیرایی ابراهیم از فرشتگان بیان شد .

فبشّرنها بإسحق و من ورآء إسحق یعقوب

ملاقات یعقوب(ع) با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۶

۶ یعقوب ( ع ) و خاندانش در بیرون شهر مصر بر یوسف ( ع ) وارد شدند و فراق چندین ساله آنان با یوسف ( ع ) پایان یافت .

فلما دخلوا علی یوسف

منشأ امامت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۳ – ۲

۲- امامت و رهبری حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، به انتخاب و انتصاب خداوند بود

.

و جعلنهم أئمه

منشأ صداقت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، به عنایت خداوند ، دارای گفتارهایی راستین و پرطنین در جهان و تاریخ

و جعلنا لهم لسان صدق علیًّا

<لسان> در معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله به معنای <کلام>، لذا ممکن است <لسان صدق> به معنای کلام صادق و راست باشد; یعنی آنچه که ابراهیم(ع) و فرزندان او ابراز داشته اند، عین حقیقت است. وصف <علیّاً> برای <لسان>، نشان بازتاب وسیع آن بین مردم است.

منشأ صلاحیت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۷

۷- دستیابی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) به صلاح و شایستگی ، در پرتو اراده و عنایت خداوند بود .

و کلاًّ جعلنا صلحین

منشأ علم یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ آگاهی یعقوب ( ع ) به حیات یوسف ( ع ) ، دانشی بود که از ناحیه خدا به او افاضه شده بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

نامگذاری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ خداوند ، پیش از تولد یعقوب ، نام یعقوب را برای او برگزید و آن را به ابراهیم ( ع ) و همسرش اعلام کرد .

فبشّرنها بإسحق و من ورآء إسحق یعقوب

نبوّت فرزندان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴

- نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۵

۵ خداوند ، گروهی از فرزندان یعقوب را به پیامبری برانگیخت و به آنان وحی کرد .

أوحینا إلی . .. و الاسباط

<اسباط> جمع <سبط> در لغت به فرزندزادگان گفته می شود، و مراد از آن در آیه فرزندزادگان حضرت یعقوب(ع) هستند و برخی از مفسران مقصود از <الاسباط> را فرزندان اسحاق دانسته اند. گفتنی است که آمدن کلمه <الاسباط> پس از <یعقوب> نظر اول را تأیید می کند.

نبوت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۲

۲ ابرهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندانش ، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم . .. و الاسباط

چون <الاسباط> به معنای نوه ها پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۴

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح ( ع ) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . .. و سلیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در

آیات قبل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۸ – ۵،۶

۵ اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم ( ع )

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

۶ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۹ – ۵

۵- اسحاق و یعقوب ( ع ) ، فرزندان ابراهیم و از پیامبران الهی بودند .

وهبنا له إسحق و یعقوب و کلاًّ جعلنا نبیًّا

اسحاق(ع)، فرزند ابراهیم(ع) بود، ولی یعقوب(ع) به دلیل آیه بیست و هفتم سوره هود (و من وراء إسحاق یعقوب) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۳ – ۱۰

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحینا إلیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۷ – ۳

۳ – اسحاق و یعقوب ( ع ) از مقام نبوت و کتاب آسمانی ، برخوردار بودند .

و وهبنا له إسحق و یعقوب و جعلنا فی ذرّیّته النبوّه

از مصداق های اتمّ و اکمل ذریه ابراهیم، اسحاق و یعقوب اند که خداوند به آنها، نبوت و کتاب عطا کرده است.

نسب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۴

۴- برخی از پیامبران

یاد شده در سوره مریم ( اسحاق ، یعقوب و اسماعیل ) از نسل ابراهیم ( ع ) بودند .

من النبیّن . .. من ذرّیّه إبرهیم

نسل یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۲

۲ - نوادگان یعقوب ( طایفه های دوازده گانه بنی اسرائیل ) برخوردار از پیامبران و احکام و معارف آسمانی

قولوا ءامنا باللّه و ما أنزل إلی . .. و الأسباط

اسباط (جمع سبط) به معنای نوادگان است و مراد از آن، در آیه شریفه، طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل است که هر کدام به یکی از دوازده فرزند یعقوب (اسرائیل) منتهی می شدند. جمله <و ما أنزل الی ... الأسباط> حکایت از آن دارد که: از میان نوادگان یعقوب، کسانی به پیامبری مبعوث شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۵،۱۱

۵- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم ( زکریا ، یحیی ، عیسی ، موسی و هارون ( ع ) ) از نسل اسرائیل ( یعقوب ) بودند .

من النبیّن . .. من ذرّیّه إبرهیم و إسرءیل

۱۱- حضرت ابراهیم ( ع ) ، علاوه بر حضرت یعقوب و ذرّیّه او ، نسلی مشتمل بر پیامبران الهی ، داشت .

و من ذرّیّه إبرهیم و إسرءیل

<اسرائیل> لقب یعقوب است. آن حضرت، نوه حضرت ابراهیم(ع) و فرزند اسحاق بوده است. اگر نسل پیامبران، تنهااز طریق یعقوب استمرار می یافت، دیگر ذکر ابراهیم و اسرائیل به طور مستقل ضرورتی نداشت، زیرا یکی از دیگری کفایت می کرد، ولی ذکر مستقل نشان از آن دارد

که تیره دیگری نیز از نسل ابراهیم، مشتمل بر پیامبران است که همان فرزندان اسماعیل(ع) می باشند.

نشانه های قدرت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۱۴

۱۴ بسنده کردن یعقوب ( ع ) به اعراض از فرزندان ، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف ( ع ) و بنیامین ، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء> بر <تولّی عنهم> است.

نشانه های کظم غضب یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۱۴

۱۴ بسنده کردن یعقوب ( ع ) به اعراض از فرزندان ، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف ( ع ) و بنیامین ، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء> بر <تولّی عنهم> است.

نعمت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۲ – ۲

۲– اسحاق و یعقوب ( ع ) موهبت خداوند به ابراهیم ( ع ) بود .

و وهبنا له إسحق و یعقوب

نعمتهای یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۸ – ۱

۱- زکریا ، یحیی ، مریم ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی

، هارون ، اسماعیل و ادریس ( ع ) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أُولئک الذین أنعم اللّه علیهم

<ؤُولئک> اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله <أنعم اللّه . ..> نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

نقش یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۱،۶

۱ - اسحاق و یعقوب ( ع ) ، موهبت الهی برای ابراهیم ( ع ) بود .

و إبرهیم . .. و وهبنا له إسحق و یعقوب

۶ - اعطای اسحاق و یعقوب ( ع ) به ابراهیم ( ع ) و نیز قرار دادن مقام نبوت در نسل آن حضرت ، پاداش دنیوی ابراهیم ( ع ) از سوی خداوند بود .

و وهبنا له إسحق . .. و جعلنا فی ذرّیّته النبوّه... و ءاتینه أجره فی الدنیا

نگرانی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۴

۴ - یعقوب ( ع ) ، نگران باور های دینی فرزندانش پس از مرگ خویش و نبودنش در میان آنان

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۵

۵ یعقوب ( ع ) ، نگران آسیب دیدن یوسف ( ع ) از ناحیه برادرانش

فیکیدوا لک کیدًا

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۱ – ۲

۲ یعقوب ( ع ) همواره از کید فرزندانش علیه یوسف ( ع ) نگران بود .

یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۴ – ۳

۳ فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او ( احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف ) را نابه جا شمردند .

أخاف . .. قالوا لئن أکله الذئب و نحن عصبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۷ – ۴،۵،۶،۸

۴ یعقوب ( ع ) در سفر دوم فرزندانش به مصر ، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

۵ یعقوب ( ع ) منشأ خطر برای فرزندانش را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

۶ یعقوب ( ع ) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

یعقوب ( ع ) ، ورود فرزندانش را به مصر از دروازه های متعدد ، راهی محتمل برای جلو گیری از خطر احساس شده می دید .

*

وادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء

نماز در شریعت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۴

۱۴- انجام کار های نیک ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، از تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع )

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

نماز یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

نواهی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱،۲۱

۱ یعقوب ( ع ) ، فرزندش یوسف ( ع ) را از نقل خواب خویش برای برادرانش برحذر داشت .

یبنیّ لاتقصص رءیاک علی إخوتک

۲۱ یعقوب ( ع ) افشا شدن رؤیای یوسف ( ع ) را به تحریک شیطان می دانست و یوسف ( ع ) را از آن برحذر داشت .

لاتقصص رءیاک علی إخوتک . .. إن الشیطن للإنسن عدو مبین

جمله <إن الشیطان . ..> هم ناظر به <فیکیدوا ...> است و هم ناظر به <لاتقصص رؤیاك>. بنابر وجه دوم، مفاد جمله <لاتقصص ...> به ضمیمه <إن الشیطان> چنین می شود: شیطان درصدد است که

تو را به افشای رؤیایت وا دارد، پس برحذر باش!

نیاکان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق ( ع ) ، پدران یعقوب و یوسف ( ع ) بودند .

علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

و توطئه برادران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۲

۲ یعقوب ( ع ) همواره از کید فرزندانش علیه یوسف ( ع ) نگران بود .

یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

و دین ابراهیم(ع) یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۴

۴ - یعقوب ، پیرو آیین ابراهیم و مبلغ آن

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب

وحی به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۷

۱۷ "عن أبی عبدالله(ع): ... هبط علیه جبرئیل فقال له: یا یعقوب ربک یقرؤک السلام و یقول لک: شکوتنی إلی الناس ...

فلاتعود تشکونی إلی خلقی... فقال: "إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: ... جبرئیل بر یعقوب فرود آمد و گفت: پروردگارت سلام می رساند و می گوید: از من به مردم شکوا کردی ... دیگر چنین کاری نکن ... پس گفت: "إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله ..."...".

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۰،۱۲

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پیامبرانی که از سوی

خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحينا إليهم

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحينا إليهم فعل الخيرت

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. براین اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علّمنا> است.

ورود یعقوب(ع) به مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۸

۱۸ < عن الحسن بن اسباط قال : سألت أباالحسن فی کم دخل یعقوب من ولده علی یوسف ؟ قال : فی أحد عشر إبناً له . . . ;

حسن بن اسباط گوید: از امام رضا(ع) سؤال کردم: یعقوب در میان چند نفر از فرزندانش وارد بر یوسف شد؟ حضرت فرمود: در میان یازده پسر خود . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱

۱ یعقوب ( ع ) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف ( ع ) درآمدند .

قال ادخلوا مصر . .. و رفع أبويه على العرش

ترتیب ذکری میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش . ..> گویای این نکته است

که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

وقت استغفار یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۸

۱۸ < عن أبی عبدالله ( ع ) : فی قول یعقوب لبنیه < سوف أستغفر لکم ربی > قال : أخّرها إلی السحر لیله الجمعه ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا از قول یعقوب که گفت: <سوف أستغفر لکم ربی> روایت شده است که فرمود: یعقوب استغفار را تا سحر شب جمعه به تأخیر انداخت>.

وکیل یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ یعقوب ( ع ) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

هتک شخصیت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ ترور شخصیت یعقوب ( ع ) از ناحیه بستگان و اطرافیانش

لولا أن تفنّدون

هدایت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۲

۲ ابراهیم، اسحاق(ع) و یعقوب(ع) دارای مقامی رفیع و بهره مند از هدایتی ویژه به توحید و برهانهای آن، از جانب خداوند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب کلًا هدینا

بهره مندی از هدایت ویژه الهی حاکی از مرتبه والای آن پیامبران است.

هدایتگری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ -

۶،۷،۹

۶- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، از سوی خداوند به عنوان هادی و راهنمای مردم برگزیده شدند .

و جعلنهم أئمه یهدون

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، موظف بودند که درچارچوب فرمان های الهی به هدایت مردم بپردازند ; و نه بر اساس سلیقه شخصی و نه دستور گیری از دیگران .

و جعلنهم أئمه یهدون بأمرنا

<بأمرنا> متعلق به <یهدون> و در حقیقت به منزله قید و شرط برای هدایت کردن است; یعنی، هدایت کردن مردم باید به فرمان ما باشد

۹- هدایت مردم به سوی خدا و صفات ، افعال و سخنان او ، وظیفه ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) بود .

و جعلنهم أئمه یهدون بأمرنا

برداشت یاد شده براساس دو نکته است: ۱ <أمر> در اصل به معنای شأن و لفظی است عام که شامل تمامی افعال و اقوال می شود (مفردات راغب). ۲ <باء> در <بأمرنا> ممکن است برای غایت و به معنای <إلی> باشد.

هشدار به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۶

۶ فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

حرف <تاء> برای قسم است و جمله <تفتؤا تذکر یوسف> به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شده (حتی تکون حرضاً . ..) جواب قسم است ; یعنی ، در حقیقت جواب قسم <تکون حرضاً ...> می باشد.

هشدارهای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۵

۱۵ یعقوب ( ع ) فرزندانش را به مجازات های الهی در صورت شکستن سوگند و پیمانشان ، هشدار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

سیاق آیه دلالت دارد که غرض یعقوب(ع) از وکیل قرار دادن خداوند و توجه دادن فرزندانش به وکالت او ، هشدار دادن آنان به مجازات الهی است.

هوشیاری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۴

۴ یعقوب ( ع ) برخوردار از نگرشی عمیق و بهره مند از فراستی خاص در تحلیل حوادث و به دور از زودباوری

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

یعقوب(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۶

۶- ابراهیم ، یعقوب و اسحاق ( ع ) ، از زمره صالحان اند .

و کلاًّ جعلنا صلحین

یعقوب(ع) از محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۸

۸ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) از نیکوکاران هستند.

و من ذریته . .. و کذلک نجزی المحسنین

مشارالیه <کذلک> هم می تواند هدایت باشد، که از <هدینا> استفاده می شود، و هم می تواند کثرت ذریه صالح باشد، که از <وهبنا> و <من ذریته> به دست

می آید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

یعقوب(ع) در دربار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱،۳

۱ یعقوب ( ع ) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف ( ع ) درآمدند .

قال ادخلوا مصر . .. و رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکری میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش . ..> گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

۳ یوسف ( ع ) پدر و مادرش را بر تخت فرمانروایی خویش نشاند .

و رفع أبویه علی العرش

یعقوب(ع) در فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸

۸ یعقوب ( ع ) بر آن بود که در فراق فرزندانش ( یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جمیل

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۶

۶ افول بینایی یعقوب ( ع ) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. وابیضت عیناه من الحزن

یعقوب(ع) در فراق لاوی

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۸

۸ یعقوب ( ع ) بر آن بود که در فراق فرزندانش ( یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جمیل

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

یعقوب(ع) در فراق یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۳ – ۲

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف ( ع ) ، از اعتذار های یعقوب ( ع ) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لک لاتأمنّا . .. قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۸

۸ یعقوب ( ع ) بر آن بود که در فراق فرزندانش ( یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جمیل

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۲،۶،۷،۱۲،۱۶،۱۷

۲ ماجرای بنیامین ، خاطره یوسف ( ع ) را برای یعقوب ( ع ) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف ( ع ) شد .

و قال یأسفی علی یوسف

حرف <الف> در آخر <اسفی> منقلب از یای

متکلم است. بنابراین <یأسفی> ، یعنی ای دریغ من.

۶ افول بینایی یعقوب ( ع ) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. وابیضت عیناه من الحزن

۷ گریه فراوان یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) *

وابیضت عیناه من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعلیلیه است و حاکی از این است که حزن عامل نابینایی یعقوب(ع) بود ; ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان یعقوب(ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه یعقوب(ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

۱۲ یعقوب ( ع ) بر اثر فراق یوسف ( ع ) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم

(کظیم) به معنای اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

۱۶ < عن أبی عبدالله ( ع ) : قیل له : کیف یحزن یعقوب علی یوسف و قد أخبره جبرئیل أنه لم یمت و أنه سیرجع إلیه فقال : إنه نسی ذلک ;

از امام صادق(ع) روایت شده که به ایشان گفته شد: چگونه یعقوب برای یوسف محزون می شود و حال آنکه جبرئیل او را خبر داده بود که یوسف نمرده و به زودی به سوی او برمی گردد؟ امام(ع) فرمود: یعقوب خبر جبرئیل را فراموش کرده بود>.

۱۷ < سئل أبوعبدالله ( ع ) ما بلغ من حزن یعقوب علی

یوسف ؟ قال : حزن سبعین ثکلی بأولادها . . . ;

از امام صادق(ع) سؤال شد: حزن یعقوب بر یوسف چقدر بود؟ فرمود: به مقداری که هفتاد زن فرزند مرده به خاطر فرزندانشان اندوهگین باشند . ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۵ – ۱،۲،۴

۱ یعقوب ( ع ) ، همواره به یاد فرزندش یوسف ( ع ) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافیه است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف> ; یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

۲ یعقوب ( ع ) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف ( ع ) ، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

<حرض> به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده و مشرف بر هلاکت باشد.

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف ( ع ) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله . ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۶ – ۱،۲

۱ یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) گرفتار غم و اندوهی فراوان و طاقت فرسا بود .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

<بثّ> در لغت به معنای حزن شدید است. گویا شدّت آن باعث می شود که دارنده اش نتواند آن را

تحمل کند. از این رو برای دیگران بازگو کرده و منتشرش می سازد.

۲ یعقوب ( ع ) از غم و اندوه جانکاهش در فراق یوسف ( ع ) ، تنها به خداوند شکایت می کرد .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

شکایت چیزی را نزد شخصی بردن ; یعنی، خبر دادن و گلایه کردن به آن شخص از بدرفتاری آن چیز. بنابراین <إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله> ; یعنی، فقط به خداوند خبر می دهم که حزن و اندوه با من چه کرده و از آنها فقط به خداوند گلایه می کنم و از او دادخواهی می نمایم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۳

۱۳ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . .انه [ یعقوب ] دعا ربّه فی السحر أن یهبط علیه ملک الموت فهبط علیه . . . قال یعقوب : . . . هل عرض علیک فی الأرواح روح یوسف ؟ فقال : لا فعند ذلک علم أنه حیّ فقال لولده : < اذهبوا فتحسّسوا من یوسف . . . > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: یعقوب در سحر از خدا خواست تا ملک الموت بر او فرود آید . .. پس او فرود آمد ... یعقوب گفت: ... آیا در میان ارواح، روح یوسف بر تو عرضه شده؟ گفت: نه. پس در این هنگام دانست که یوسف زنده است، پس به فرزندان خود گفت: <اذهبوا فتحسّسوا من یوسف ...>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۲ - ۹۳ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) نابینا شده بود .

یأت بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) در طول فراق یوسف ( ع ) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللك القدیم

یعقوب(ع) و آل یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۱

۱۱ یعقوب ( ع ) باور خویش را مبنی بر زنـده بودن یوسف ( ع ) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بسـتگان خویش باز گو می کرد .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

یعقوب(ع) و اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲،۱۴

۲ یعقوب ( ع ) داستان سرقت بنیامین را داستانی ساختگی یافت و گفته های فرزندانش را باور نکرد .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> دلالت می کند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت.

۱۴ یعقوب ( ع ) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جميل عسى الله أن يأتينى بهم جميعًا

یعقوب(ع) و احترام فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۲

۲ یعقوب ( ع ) همه فرزندان خویش را گرامی می داشت و به

همه آنان محبت می کرد .

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا منّا

افعل تفضيل (أحبّ) گويای برداشت فوق است.

يعقوب(ع) و بازداشت بنيامين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۳،۶

۳ يعقوب ( ع ) ، فرزندانش را در گرفتاری بنيامين و باز نگشتن وی مقصر دانست .

قال بل سوّلت لكم أنفسكم أمرًا

۶ آگاهی يعقوب به اينكه بازداشت بنيامين بر اساس كيد و نقشه ای از طرف فرزندانش ( يوسف ، بنيامين يا برادران ديگر ) بوده است . *

قال بل سوّلت لكم أنفسكم أمرًا

در اينكه چرا يعقوب(ع) گزارش فرزندانش را باور نكرد و آنان را علی رغم داشتن شهود عينی كه جای شک باقی نمی گذاشت به تسويل كردن متهم ساخت، پاسخهايی ذكر كرده اند. آنچه به نظر روشن تر می رسد اين است كه: ۱ يعقوب(ع) به فراست خاص خويش و اطمينانش به درست كاری بنيامين دريافته بود كه گزارش ياد شده واقعيت ندارد. ۲ كيد و نقشه ای برای گرفتار شدن بنيامين در كار بوده و به اصطلاح كاسه ای زير نيم كاسه بوده است. ۳ اين كيد و نقشه از ناحيه فرزندانش اجرا شده است. اينها واقعيتهايی بود كه يعقوب(ع) به فراست دريافت ; ولی نكته ای كه برای او پس از آنكه فهميده بود نقشه گرفتاری بنيامين از ناحيه فرزندانش است مجهول و مبهم مانده بود، اين بود كه متوجه نشد خود بنيامين و يوسف طرّاح و مجری آن نقشه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۴

۱ یعقوب ( ع ) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندانش ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولی عنهم

<تولی> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزندانش به قرینه <فهو کظیم> از سر خشم و غضب بر آنان بوده است.

یعقوب(ع) و بازگشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب ( ع ) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

یعقوب(ع) و بازگشت لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب ( ع ) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

یعقوب(ع) و بازگشت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب ( ع ) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

یعقوب(ع) و برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۷،۱۰

۷ یعقوب ( ع ) از روحیات فرزندان خویش مطلع بود .

لاتقصص . .. فیکیدوا لک کیدًا

۱۰ تلاش یعقوب ( ع ) برای پیشگیری از برخورد های نامناسب فرزندانش با یکدیگر

لاتقصص رءیاک علی

إخوتک فیکیدوا لک کیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) از سپردن یوسف ( ع ) به برادرانش ، همواره اجتناب می کرد .

ما لک لاتأمنّا علی یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۴،۹

۴ یعقوب ( ع ) علی رغم اعتماد نداشتن به فرزندانش درباره یوسف ( ع ) ، از ابراز آن خودداری کرد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به و أخاف أن یأکله الذئب

۹ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . قال یعقوب ( ع ) < إنی لیحزننی أن تذهبوا به و أخاف أن یأکله الذئب > فانتزعه حذراً علیه من أن تکون البلوی من الله عزوجل علی یعقوب فی یوسف خاصّه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. یعقوب [به فرزندان] گفت: <بردن شما یوسف را مرا غمگین می کند و می ترسم که او را گرگ بخورد> ; پس یوسف را از دست آنان گرفت، چون می ترسید آن بلاـیی که قرار بود از طرف خدا بر او وارد شود، در مورد یوسف بالخصوص باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۶

۶ یعقوب ( ع ) ادعای فرزندانش درباره یوسف ( ع ) ( طعمه گرگ شدن او ) را باور نکرد و آن را نپذیرفت .

و ما أنت بمؤمن لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۷ یعقوب ( ع ) گزارش فرزندانش را نپذیرفت و به دروغ بودن آن اطمینان پیدا کرد .

فأکله الذئب . .. قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

<تسویل> (مصدر سوّلت) به معنای آسان کردن و نیز زینت دادن امری ناپسند به صورت امری نیکوست و مراد از <أمراً> مکر و نیرنگ علیه یوسف است. بنابراین <بل سوّلت ...> چنین معنا می شود: آنچه گفتید صحت ندارد ; بلکه نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۳،۶،۱۷

۳ یعقوب در توصیه بر حفاظت از بنیامین به فرزندانش تأکید کرد که هیچ عذری جز مغلوب شدن و ناتوان گشتن را از آنان نخواهد پذیرفت .

حتی تؤتون موثقًا من الله لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم

۶ یعقوب ( ع ) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را ، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استثنا کنند .

لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم

ظاهر این است که عبارت <إلاّ أن یحاط بکم> استثنا از قسم که مفاد <لتأتنّنی به> است می باشد. بر این اساس یعقوب(ع) به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استثنا کنند و چنین بگویند: <والله لنأتینک به إلاّ أن یحاط بنا> (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها بر ما بسته شود).

۱۷ یعقوب ( ع ) برای واداشتن فرزندانش به پایبندی به سوگند

و پیمانشان ، آنان را متوجه نظارت و شهادت خدا کرد .

الله علی ما نقول وکیل

از جمله <الله . ..> در صورتی که آن را جمله ای خبری بدانیم ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱،۱۲

۱ یعقوب ( ع ) در آستانه سفر فرزندانش به مصر ، آنان را با معارفی الهی آشنا ساخت و حقایقی از توحید را به آنان تذکر و تعلیم داد .

قال یبنیّ لاتدخلوا . .. و علیه فلیتوکل المتوکلون

۱۲ حاکمیت خدا بر هستی ، لزوم اتکا به خداوند و تنافی نداشتن توکل با تدارک اسباب و علتها ، از تعالیم یعقوب ( ع ) به فرزندان خویش

وادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲،۳،۵

۲ یعقوب ( ع ) داستان سرقت بنیامین را داستانی ساختگی یافت و گفته های فرزندانش را باور نکرد .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> دلالت می کند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت.

۳ یعقوب ( ع ) ، فرزندانش را در گرفتاری بنیامین و باز نگشتن وی مقصر دانست .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

۵ یعقوب ( ع ) ، ماجرای گرفتاری بنیامین را نتیجه توطئه ای برخاسته از جلوه پرداز های نفس فرزندان خویش دانست .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

جمله <سوّلت لکم . ..> ; یعنی ، نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت.

این

جمله حاکی از اطمینان یعقوب به توطئه فرزندانش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱،۱۳،۱۴

۱ یعقوب ( ع ) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندانش ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولی عنهم

<تولی> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزندانش به قرینه <فهو کظیم> از سر خشم و غضب بر آنان بوده است.

۱۳ یعقوب ( ع ) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف ( ع ) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

<کظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد ; یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

۱۴ بسنده کردن یعقوب ( ع ) به اعراض از فرزندان ، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف ( ع ) و بنیامین ، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء> بر <تولّی عنهم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱،۲،۱۶

۱ یعقوب ( ع ) از ستم فرزندانش در حق خویش درگذشت و آنان را بخشود .

قال سوف أستغفر لکم ربی

۲ یعقوب ( ع ) به فرزندانش نوید داد که به زودی

آمرزش گناهانشان را از درگاه خداوند خواهد خواست و برای آنان شفاعت خواهد کرد .

قال سوف أستغفر لکم ربی

۱۶ یعقوب ( ع ) با توجه دادن فرزندانش به آمرزگاری و مهربانی خداوند ، آنان را به آمرزش گناهانشان امیدوار ساخت .

سوف أستغفر لکم ربی إنه هو الغفور الرحیم

یعقوب(ع) و برادران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۲،۴،۵

۲ یعقوب ( ع ) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها بپردازند .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

۴ یعقوب ( ع ) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لاتأْیئسوا من روح الله

۵ مأیوس نشدن از رحمت خدا و امید داشتن به یاری او ، توصیه یعقوب ( ع ) به فرزندان خویش

و لاتأْیئسوا من روح الله

<روح> به معنای سرور ، فرح ، استراحت و رحمت می باشد. اضافه آن کلمه به <الله> و متعلق قرار گرفتن <من روح الله> برای <لاتأْیئسوا> گویای این است که مراد از آن <رحمت> می باشد.

یعقوب(ع) و برگزیدگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۸

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب ( ع ) به برگزیده شدن یوسف ( ع ) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل

صحيح حوادث شد .

إنی رأیت أحد

عشر . .. کذلک یجتبیک ربک و یعلمک من تأویل الأحادیث

یعقوب(ع) و بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۴ – ۴

۴ احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف ( ع ) ، مایه نگرانی یعقوب ( ع ) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) با نام نبردن از یوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوّت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

یعقوب(ع) و بوی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۴ – ۲،۳،۴،۱۳

۲ یعقوب ( ع ) از فاصله ای دور ( از کنعان تا مصر ) بوی یوسف ( ع ) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

جمله <قال أبوهم . ..> جواب شرط <لما فصلت ...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب ( ع ) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش ( شنیدن بوی یوسف ) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۴ شامّه معجزه آسای یعقوب ( ع ) و کرامت او

در شنیدن بوی یوسف ( ع ) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۱۳ < عن أبی عبدالله ( ع ) قال : . . . ان ابراهیم لما أُوقدت له النار أتاه جبرئیل ( ع ) بثوب من ثیاب الجنه . . . فلما حضر ابراهیم الموت جعله فی تمیمه و علّقه إسحاق علی یعقوب ، فلما ولد یوسف ( ع ) علّقه علیه فکان فی عضده . . . فلما أخرجه یوسف بمصر من التمیمه وجد یعقوب ریحه و هو قوله : < إنی لأجد ریح یوسف . . . > فهو ذلک القمیص الذی أنزله الله من الجنه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. چون برای سوزاندن ابراهیم(ع) آتش افروخته شد، جبرئیل پیراهنی از پیراهنهای بهشتی برای او آورد ... آن گاه که مرگ ابراهیم(ع) فرا رسید ابراهیم(ع) آن را در جلدی قرار داد و به عنوان حِرز بر اسحاق و اسحاق هم بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب [آن را] بر یوسف آویخت و آن بر بازوی یوسف بود ... پس چون یوسف آن پیراهن را در مصر از جلد بیرون آورد، بوی آن به مشام یعقوب رسید و این است سخن یعقوب: <إنی لأجد ریح یوسف ...>. پس پیراهن یوسف همان پیراهنی است که خداوند از بهشت فرو فرستاد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۴

۴ بستگان یعقوب او را در خبر استشمام بوی یوسف ( ع ) تکذیب کرده و این احساس را

ناشی از کژاندیشی دانستند .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللك القدیم

یعقوب(ع) و بی رحمی برادران یوسف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۴ – ۱۶

۱۶ تعریض یعقوب ( ع ) به فرزندانش مبنی بر دلسوز نبودن آنان و ترحم نداشتنشان بر یوسف ( ع ) و بنیامین

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل فالله خیر حفظًا و هو أرحم الرحمی

یعقوب(ع) و پیراهن یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۴ – ۲

۲ یعقوب ( ع ) از فاصله ای دور ( از کنعان تا مصر ) بوی یوسف ( ع ) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

جمله <قال أبوهم . ..> جواب شرط <لما فصلت ...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

یعقوب(ع) و توطئه برادران یوسف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۸ – ۸،۱۱

۸ اطمینان یعقوب ( ع ) به اجرای توطئه ای از سوی فرزندانش علیه یوسف ( ع )

بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> می رساند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت و جمله <سوّلت لکم . ..> بیانگر این نکته است که او

به توطئه آنان علیه یوسف(ع) اطمینان پیدا کرد.

۱۱ تصمیم یعقوب ( ع ) بر مسکوت گذاشتن پرونده خیانت فرزندانش درباره یوسف ( ع ) و پی گیری نکردن آن

بل سوّلت لکم . .. والله المستعان علی ما تصفون

یعقوب(ع) و حیات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب ( ع ) به زنده بودن یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱

۱ یعقوب ( ع ) بر این باور بود که یوسف ( ع ) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

یعقوب(ع) و حیات لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب ( ع ) به زنده بودن یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

یعقوب(ع) و حیات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب ( ع ) به زنده بودن یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و

لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۹،۱۱،۱۳،۱۶

۹ یعقوب ( ع ) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف ( ع ) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر اساس معنای اول مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۱ آگاهی یعقوب ( ع ) به حیات یوسف ( ع ) ، دانشی بود که از ناحیه خدا به او افاضه شده بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۳ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایقی درباره خداوند

و أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۶ < عن أبی عبدالله ( ع ) قال : قدم أعرابیّ علی یوسف . . . قال له یوسف : . . . فإذا مررت بوادی کذا و کذا فقف فناد : یا یعقوب ! یا یعقوب ! فإنه سیخرج إلیک رجل . . . فقل له : لقیت رجلاً بمصر و هو یقرئک السلام و یقول لک : إن ودیعتک عند الله عزوجل لن تضیع ، قال : فمضی الأعرابیّ . . . فأبلغه ما قال له یوسف . . . فکان یعقوب ( ع ) یعلم أن یوسف ( ع ) حیّ لم یمت و أن الله تعالی ذکره سیظهره له بعد غیبته و کان یقول لبنیه : < إنی أعلم من الله ما لاتعلمون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: بادیه نشینی بر یوسف

وارد شـد . .. یوسـف به او گفت: ... آن گـاه که بر فلاـن وادی گـذر کردی بـایست و صـدا بزن: ای یعقوب، ای یعقوب! پس مردی به سوی تو بیرون خواهـد آمد ... به او بگو مردی را در مصـر ملاقات کردم که تو را سـلام رساند و گفت: امانت تو نزد خـدا هرگز از بین نمی رود. امـام فرمـود: آن بـادیه نشـین رفت ... و گفتـار یوسف را به یعقوب ابلاـغ کرد ... پس یعقوب می دانسـت یوسـف زنـده است و نمرده و خـدای تعـالی به زودی او را پس از غیبت، آشـکارش خواهـد کرد و همـواره به پسـران خویش می گفت: <إنی أعلم من الله ما لاتعلمون>...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۷ – ۱

۱ یعقوب ( ع ) بر این باور بود که یوسف ( ع ) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۵ – ۳

۳ یعقوب ( ع ) در طول فراق یوسف ( ع ) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۶ – ۹،۱۰،۱۱،۱۲

۹ یعقوب ( ع ) پیش از دریافت بشارت به حیات یوسف ( ع ) ، به زنده بودن او اطمینان

داشت .

ألم أقل لكم إنى أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می توانـد به معنای <ازناحیه خـدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. براساس معنای اول، مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد زنده بودن یوسف(ع) ، دیدار او و ... می باشد.

۱۰ یعقوب ( ع ) برخلاف فرزندانش ، به سپری شدن دوران فراقش از یوسف ( ع ) اطمینان داشت .

ألم أقل لكم إنى أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۱ یعقوب ( ع ) باور خویش را مبنی بر زنـده بودن یوسف ( ع ) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بسـتگان خویش بازگو می کرد .

ألم أقل لكم إنى أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۲ آگاهی یعقوب ( ع ) به حیات یوسف ( ع ) و وصال او ، دانشی بود که از ناحیه خداوند به آن حضرت افاضه شده بود .

ألم أقل لكم إنى أعلم من الله ما لاتعلمون

یعقوب(ع) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۳

۱۳ محبت فراوان یعقوب ( ع ) به یوسف ( ع ) و بنیامین ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب . .. إن أبانا لفى ضلل مبين

یعقوب(ع) و خواسته های برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۵

۱ یعقوب ( ع ) با فرستادن یوسف ( ع ) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از آن اعتذار می جست .

قال إنى ليحزننى أن تذهبوا به

ترسیدن بر جان یوسف ( ع ) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب ( ع ) با فرستادن یوسف به همراه فرزندانش

قال إنی . .. أخاف أن یأکله الذئب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۱

۱ یعقوب ( ع ) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندانش ، موافقت نمود .

قال لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا

یعقوب(ع) و دین ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۸ – ۵

۵ اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم ( ع )

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

یعقوب(ع) و رؤیای یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵ – ۲۱

۲۱ یعقوب ( ع ) افشا شدن رؤیای یوسف ( ع ) را به تحریک شیطان می دانست و یوسف ( ع ) را از آن برحذر داشت .

لاتقصص رءیاک علی إخوتک . .. إن الشیطن للإنسن عدو مبین

جمله <إن الشیطان . ..> هم ناظر به <فیکیدوا ...> است و هم ناظر به <لاتقصص رؤیاک>. بنابر وجه دوم، مفاد جمله <لاتقصص ...> به ضمیمه <إن الشیطان> چنین می شود: شیطان درصدد است که تو را به افشای رؤیایت وا دارد، پس برحذر باش!

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶ – ۱۱

۱۱ یعقوب ( ع ) از رؤیای یوسف دریافت که خداوند نعمت کامل خویش را بر یوسف ( ع ) و خاندان

یعقوب ، ارزانی خواهد داشت .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. یتم نعمته علیك و علی ءال یعقوب

یعقوب(ع) و سرزنشهای برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۶

۶ یعقوب ( ع ) با بیان اینکه از غم و اندوهش به اطرافیان و فرزندانش شکایت نمی کند ، خویشتن را سزاوار ملامت آنان نمی دید .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف . .. قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

یعقوب(ع) و سلامتی فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ یعقوب ( ع ) آنچه وظیفه او برای تأمین سلامت فرزندانش بوده ، به کار بست .

إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

یعقوب(ع) و عهد برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۲

۲ یعقوب ( ع ) به تعهد و تأکید فرزندانش درباره حفاظت از بنیامین ، اطمینان نکرد .

قال هل ءامنکم علیه إلّا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

استفهام در <هل ءامنکم . ..> استفهام انکاری و به منزله نفی است. <أمن> (مصدر ءامن) به معنای اطمینان کردن و امین شمردن است. بنابراین <هل ءامنکم ...> ; یعنی ، من شما را درباره بنیامین امین نمی دانم و به قول و قرار شما اطمینانی ندارم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۱۴

۱۴ یعقوب ( ع ) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله علی

ما نقول وكيل

يعقوب(ع) و فراق بنيامين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۴

۴ يعقوب ( ع ) ، علاقه ای وافر به بنيامين و سلامتی او داشت و جدايی و فراق او برايش رنج آور بود .

لتأتنّنی به

جمله های <إنا له لحافظون> و <فالله خير حافظاً> در آيات پيشين دلالت بر آن داشت كه يعقوب(ع) خواهان نرسيدن گزند و آسيب به بنيامين بود و جمله <لتأتنّنی به> (او را نزد من آوريد) حاكی است كه دوری او نيز بر آن حضرت مشكل بود و خواهان حضور وی نزد خويش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ بسنده كردن يعقوب ( ع ) به اعراض از فرزندان ، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق يوسف ( ع ) و بنيامين ، بيانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشيده داشتن خشم و غضب خويش است .

و تولّی عنهم . .. فهو كظيم

برداشت فوق ، مقتضای تفريع <هو كظيم> به وسيله حرف <فاء> بر <تولّی عنهم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۳

۳ يعقوب ( ع ) گرفتار شدن به فراق بنيامين را نشانه پايان يافتن اندوه های خويش دانست و به يافتن يوسف ( ع ) و بنيامين اميدوار شد .

يبنیّ اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخيه و لاتأيئسوا من روح الله

از آن جا كه يعقوب(ع) پس از داستان بنيامين، جستوجو از يوسف را مطرح می سازد و فرزندانش را مأمور

تفحص از وی می کنـد، چنیـن برمی آیـد کـه وی قضـیه بنیـامین را نشـانه ای به نزول فرج الهی دانسـته و به یـافتن یوسـف(ع) امیـدوار شـده بود. اقـدام نکردن وی برای یافتن یوسف پیش از داسـتان بنیامین، دلیل این حقیقت است و این معنا توجیه کننده برنامه یوسف(ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

یعقوب(ع) و فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف ( ع ) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ بسـنده کردن یعقوب ( ع ) به اعراض از فرزنـدان ، علی رغم مقصـر شـناختن آنـان در فراق یوسف ( ع ) و بنیـامین ، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء> بر <تولّی عنهم> است.

یعقوب(ع) و فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۹

۱۹ پیش بینی و احساس خطر یعقوب ( ع ) برای فرزندانش در دومین سفرشان به مصر ، جلوه ای از علم ویژه آن حضرت

لاتدخلوا من باب وحد . .. إنه لذو علم لما علّمنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۱

١١ يعقوب (

ع ) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف ( ع ) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بستگان خویش بازگو می کرد .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

یعقوب(ع) و قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۴

۴ یعقوب ( ع ) تنها خداوند را بر زایل ساختن غم و اندوهش توانا می دانست .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

هدف یعقوب(ع) از شکایت کردن از حزن و اندوهش به خدا ، درخواست زایل کردن آنها از او بود.

یعقوب(ع) و کشف حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ یعقوب ( ع ) برای کشف حقیقت آنچه فرزندانش درباره یوسف ( ع ) ابراز می کردند ، از خداوند کمک خواست .

والله المستعان علی ما تصفون

<وصف> (مصدر تصفون) به معنای بیان کردن است و مراد از <ما> سخنان دروغین برادران یوسف می باشد. کمک گرفتن از خدا بر سخنان و گزارشهای غیر واقعی ، به معنای کمک گرفتن از او در کشف حقیقت است.

یعقوب(ع) و مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۲

۲ یعقوب ( ع ) ، همواره از مسافرت کردن بنیامین به همراه برادرانش ، جلوگیری می کرد .

قالوا سنرود عنه أباه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۸

۸احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب ( ع ) بر عدم موافقتش

با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله <إنا له لحافظون> می رساند که از دلایل این امر ، احساس خطر ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱

۱ یعقوب ( ع ) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم علیه إلّا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱،۲

۱ یعقوب ( ع ) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندانش ، موافقت نمود .

قال لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا

۲ یعقوب ( ع ) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را ، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند ( با خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند ) .

لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا من الله

<موثق> به معنای عهد و پیمان است که به دلیل <لام> قسم در <لتأتنّنی> عهد و پیمانی است همراه با سوگند. <من الله> بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقًا) ; یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۶

۶ یعقوب ( ع ) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول

و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

یعقوب(ع) و ملاقات با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب ( ع ) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

یعقوب(ع) و ملاقات با لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب ( ع ) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

یعقوب(ع) و ملاقات با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب ( ع ) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ یعقوب ( ع ) به دیدار یوسف ( ع ) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

یعقوب(ع) و نقش شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۲۱ یعقوب ( ع ) افشا شدن رؤیای یوسف ( ع ) را به تحریک شیطان می دانست و یوسف ( ع ) را از آن برحذر داشت .

لاتقصص رءیاک علی إخوتک . .. إن الشیطن للإنسن عدو مبین

جمله <إن الشیطان . ..> هم ناظر به <فیکیدوا ...> است و هم ناظر به <لاتقصص رؤیاک>. بنابر وجه دوم، مفاد جمله <لاتقصص ...> به ضمیمه <إن الشیطان> چنین می شود: شیطان درصدد است که تو را به افشای رؤیایت وا دارد، پس برحذر باش!

یعقوب(ع) و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) از سپردن یوسف ( ع ) به برادرانش ، همواره اجتناب می کرد .

ما لک لاتأمنّا علی یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۵

۵ ترسیدن بر جان یوسف ( ع ) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب ( ع ) با فرستادن یوسف به همراه فرزندانش

قال إنی . .. أخاف أن یأکله الذئب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پدران و اجداد یوسف ( ع ) بودند .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

یعقوب(ع) و یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱

۱ - توصیه یعقوب ( ع ) بر ملازمت فرزندانش بر آیین یهودیت ، از ادعا های دروغین یهود

أم

کنتم شهداء إذ حضر یعقوب الموت

<أم> منقطعه و متضمن معنای استفهام انکاری است. <شهداء> جمع شهید و به معنای حاضران می باشد و خطاب متوجه یهودیان است. بنابراین <أم کنتم شهداء ...>; یعنی، شما یهودیان به هنگام مرگ یعقوب حضور نداشتید. (پس چگونه ادعا می کنید که او فرزندانش را به پایداری در آئین یهود سفارش کرد؟)

یعقوب(ع) هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادریس ( ع ) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولئک . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

یعقوب(ع) هنگام حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۴

۴ یعقوب ( ع ) در زمان وزارت یوسف و داستان اتهام سرقت بنیامین ، سالخورده و بسیار کهنسال بود .

إن له أبًا شیخًا کبیرًا

<شیخ> به معنای پیرمرد و <کبیر> به معنای بزرگ است و مراد از آن ظاهراً بزرگی در سن و سال می باشد.

یوسف(ع) و دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۴،۷

۴ یوسف ( ع ) ، پیرو شریعت پدرانش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

یوسف ( ع ) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت . .. واتبعت ملّه ءاباءِی

جمله <اتبعت . ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

یوسف(ع) و کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۵

۵ یوسف ( ع ) از نابینا شدن پدرش آگاه شده بود .

یأت بصیرًا

یوسف(ع) و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۵

۵ یوسف ( ع ) رؤیای شگفت خویش را برای پدرش ( یعقوب ( ع ) ) بیان کرد .

إذ قال یوسف لأبیه یأبت إنی رأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۴۸

۴ احترام ویژه یوسف ( ع ) به پدر و مادر خویش

و رفع أبویه علی العرش

۸ یوسف ( ع ) پس از ورود خاندانش به مصر ، خلاصه ای از سرگذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب ( ع ) بازگو کرد .

یأبت . .. قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۱ – ۱

۱ یوسف ( ع ) ، پس از

برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب ( ع ) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتیتنی . .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

یهود و دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهیم و إسمعیل . .. کانوا هوداً

جمله <أم تقولون . ..> دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۱

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهیم . .. کانوا هوداً أو نصری

## یقین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

یقین

آثار یقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۷

جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۱۳

۱۳ - ایمان ، یقین و تعقّل ، عناصری مرتبط و متکامل در مواجهه مثبت با آیات الهی

لأیت للمؤمنین . .. ءایت لقوم یوقنون ... ءایت لقوم یعقلون

با توجه به این که در راستای شناخت پدیده های گوناگون هستی، تعابیر متفاوتی (مؤمنین، یوقنون، یعقلون) به کار رفته است; می توان استفاده کرد که هر یک از آنها، در بخش های خاصی از جهان هستی کاربرد دارد.

آثار یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۲

۲ - پایبندی به نماز و زکات و باور به آخرت ، شرط بهرهوری از هدایت و بشارت قرآن

هدًی و بشری للمؤمنین . الذین یقیمون الصلوه... و هم بالأخره هم یوقنون

فعل های <یقیمون> و <یؤتون> مضارع و مفید استمرار است; یعنی، <هدًی و بشری للذین یستمرون علی اقامه الصلاه و إیتاء الزکاه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۹

۹ - برپایی کامل نماز و پرداخت مدام زکات و یقین به عالَم آخرت ، زمینه دستیابی به هدایت ویژه قرآن است .

هدًی . .. للمحسنین . الذین یقیمون الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۳،۱۰

۳ - یقین به آخرت و برپایی نماز و پرداخت زکات ، زمینه ساز بهره مندی از هدایت های افزون الهی است .

الذین یقیمون . .. و هم بالأخره هم یوقنون . أُولئک علی هدًی من ربّهم

۱۰ - رستگاری ، تنها در پرتوِ اقامه نماز و پرداخت زکات و

یقین به آخرت است .

الذین یقیمون الصلوه و . .. و أُولئک هم المفلحون

آثار یقین به آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۶

۶ - صبر و یقین برخی از پیروان موسی ( ع ) به آیات الهی ، زمینه ساز گزینش آنان از سوی خدا برای پیشوایی بنی اسراییل بود .

و جعلنا منهم أئمّه . .. لمّا صبروا و کانوا بأیتنا یوقنون

بنابراین احتمال که در <لمّا> معنای جزا باشد; یعنی، آنان به رهبری انتخاب شدند، به پاداش صبری که پیشه کردند و یقینی که به آیات الهی پیدا کردند.

آثار یقین به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۵

۵- اعتقاد به قیامت و آگاهی از آتش دوزخ ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ستیزی

متی هذا الوعد . .. لو یعلم الذین

از این که خداوند فرمود: اگر کافران می دانستند که آتش دوزخ و. .. با آنان چه می کند، در نزول عذاب و برپایی قیامت عجله نمی کردند، به دست می آید که ایمان به قیامت و آگاهی از احوال آن، آدمی را از کفر و حق ستیزی و هرگونه گناه بازمی دارد.

آثار یقین به حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۵ - ۳

۳ – شناخت حقایق در حد یقین ، مانع سرگرمی به تفاخر و برتری جویی

کلّا لو تعلمون علم الیقین

به قرینه آغاز سوره، می توان گفت: جواب <لو> محذوف است. در نتیجه مفاد آیه این می شود که

اگر به حد <علم الیقین> عالم می شدید، آن دانش، مانع فخرفروشی و مباهات شما می شد; بلکه اگر جمله <لترونّ الجحیم> (در آیه بعد) را جواب <لو> بدانیم، بازهم می توانیم این نکته را از آیه شریفه به دست آوریم.

آثار یقین به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - اطاعت کامل از دستورات وحی ، تنها در پرتو باور و یقین به قیامت میسّر خواهد بود .

و إنّه لعلم للساعه فلاتمترنّ بها و اتّبعون

ارتباط دو قسمت آیه شریفه (و إنّه لعلم للساعه فلاتمترنّ بها) و (اتّبعون) نشانگر آن است که اعتقاد به قیامت، زمینه ساز پیروی کامل از دستورات خداوند است.

اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۴

۴ ورود ابراهیم(ع) در زمره اهل یقین، برجسته ترین هدف نمایاندن ملکوت (سلطنت و مالکیت خداوند) آسمانها و زمین به او بوده است.

و کذلک نری إبرهیم ملکوت السموت و الأرض و لیکون من الموقنین

جمله <و لیکون . ..> عطف بر محذوف است. یعنی ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) برای مقاصدی بوده و از آن جمله اینکه وی از اهل یقین باشد. بیان این هدف از میان اهداف دیگر، نشانه برجسته بودن و اهمیت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۱

۱ - اقامه نماز ، پرداخت زکات و یقین به آخرت از نشانه های مؤمنان راستین

هدًی و بشری للمؤمنین . الذین یقیمون الصلوه... و هم بالأخره هم یوقنون

<الذین> در برداشت یاد

شده، وصف احترازی است; یعنی، آیات قرآن برای آن دسته از مؤمنان، هدایتگر و بشارت بخش است که پایبند به اقامه نماز و پرداخت زکات باشند و به جهان آخرت نیز باور قطعی داشته باشند.

اهل یقین و آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۶

۶ - دوزخ و آتش سوزان آن در دنیا برای اهل یقین ، مشهود و غفلت ناپذیر است .

لو تعلمون علم الیقین . .. لترونّ الجحیم

جمله <لترونّ الجحیم>، می تواند جواب <لو> باشد; در این صورت آیه شریفه درباره مشاهده دوزخ در دنیا خواهد بود. از آن جا که حرف <لو> (در آیه قبل) برای امتناع بود; این مشاهده بر مخاطبان <لو تعلمون> که اهل تکاثرانند محال و برای صاحبان یقین به دلیل نون تأکید در <لترونّ> قطعی است. فعل مضارع <لترونّ> با دلالت بر استمرار بیانگر آن است که دوزخ، همواره مد نظر اهل یقین است.

اهل یقین و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - وجود نشانه های فراوان و مهم الهی در زمین برای اهل یقین

و فی الأرض ءایت للموقنین

جمع و نکره آمدن <آیات>، دلالت بر فراوانی و عظمت آن دارد.

۲ - حق باوران اهل یقین ، توانا به درک پیام های بایسته آیات الهی در زمین

و فی الأرض ءایت للموقنین

اهل یقین و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۶

۶ - دوزخ و آتش سوزان

آن در دنیا برای اهل یقین ، مشهود و غفلت ناپذیر است .

لو تعلمون علم الیقین . .. لترونّ الجحیم

جمله <لترونّ الجحیم>، می توانـد جواب <لو> باشـد; در این صورت آیه شـریفه درباره مشاهده دوزخ در دنیا خواهد بود. از آن جـا که حرف <لو> (در آیه قبـل) برای امتنـاع بود; این مشاهـده بر مخاطبـان <لو تعلمون> که اهل تکاثرانـد محال و برای صاحبان یقین به دلیل نون تأکیـد در <لترونّ> قطعی است. فعل مضارع <لترونّ> با دلالت بر اسـتمرار بیانگر آن اسـت که دوزخ، همواره مد نظر اهل یقین است.

اهمیت تحصیل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۵ - ۴

۴ - لزوم تحصیل علم به آخرت و تلاش برای رساندن آن به مرحله یقین

کلاّ لو تعلمون علم الیقین

اهمیت یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۴

۴ - اسناد هر چیز ( فعل ، سخن ، وصف و . . . ) به خداوند ، باید از روی علم و یقین باشد .

و أن تقولوا علی اللّه ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۷

۷ سوگند، امری اطمینان بخش و زداینده شک و تردید برای آدم و حوا

و قاسمهما . .. فدلیهما بغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۹ – ۶،۷

۶- یقین ، نشان دهنده عالی ترین مراتب ایمان و معرفت

و اعبد ربّک حتی یأتیک الیقین

از اینکه

به پیامبر(ص) که مظهر ایمان است توصیه شد که برای نیل به یقین، عبادت نماید، برداشت فوق به دست می آید.

۷- نیل به مرتبه والای یقین ، هدف و فلسفه عبادت است .

و اعبد ربّک حتی یأتیک الیقین

<حتی> برای انتهای غایت و به معنای <إلی> است و در این آیه <یقین> غایت و هدف برای <عبادت> (و اعبد . ..) قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۴ - ۷

۷ - اهمیت یقین و باور جزمی ، در حوزه معارف الهی ( توحیدی )

لقوم یوقنون

اهمیت یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۵

۵ - یقین به عالَم آخرت ، در میان عقاید دینی ، دارای اهمیتی ویژه است .

و هم بالأخره هم یوقنون

ذکر آخرت، از میان مجموعه اعتقادات، حاکی از اهمیت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۶

۶ - ضرورت باور به جهان آخرت و تحصیل یقین به آن

و بالأخره هم یوقنون

اهمیت یقین به آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۷

۷ - برخورداری از روحیه صبر و بردباری و نیز یقین به آیات الهی ، از شرایط رهبری و امامت دینی است .

و جعلنا منهم أئمّه . .. لمّا صبروا و کانوا بأیتنا یوقنون

<لمّا> زمانی است و دلالت می کند بر این که برگزیدگان بنی اسراییل، زمانی که به مقام صبر و یقین رسیدند، به

پیشوایی انتخاب شدند و این، نشان می دهد که رهبران دینی باید چنین مقامی را برای خود تحصیل کنند و یا واجد آن دو باشند.

اهمیت یقین در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۴

۴ - لزوم مبتنی ساختن مبانی عقیدتی ، بر بنیان علم و یقین و پرهیز از اتکا به گمان

قتل الخرّصون

معنای لغوی <خَرْص> اتکا به گمان است. از این که تکیه بر گمان مورد نکوهش واقع شده استفاده می شود که ضد آن (اتکا بر علم) ضروری و بایسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۸ - ۶

۶ - لزوم اتکای معارف و عقاید ، بر شالوده یقین و برهان ; و نه حدس و گمان

و إنّ الظن لایغنی من الحقّ شیئًا

ایمان اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۱،۱۴

۱۱ قوانین الهی ، بهترین و برترین قانون در دیدگاه اهل یقین

و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

۱۴ تنها اهل یقین ، قادر بر تشخیص برتری احکام قرآن بر دیگر قوانین هستند .

و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

حکم خدا، برترین حکم است، چه اهل یقینی وجود داشته باشند و یا وجود نداشته باشند ; بنابراین قید <لقوم یوقنون> به

سؤال در <و من احسن> بـاز می گردد ; یعنی جواب این سؤال، تنها از اهل یقین بر می آیـد ; چون تنها آنان به این حقیقت واقفند.

توحید ربوبی اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره

– آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۷ – ۵

۵- اهل یقین ، قادر به درک و شناخت ربوبیت یگانه خداوند بر نظام هستی

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

خداشناسی اهل یقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۷ – ۵

۵- اهل یقین ، قادر به درک و شناخت ربوبیت یگانه خداوند بر نظام هستی

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۴ – ۱

۱ – آفرینش انسان و سایر جانداران ، دربردارنده نشانه هایی از خداوند برای جویندگان یقین

و فی خلقکم و ما یبثّ من دابّه ءایت

رستگاری اهل یقین به آخرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۵ – ۷

۷ – تنها برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و اهل یقین به آخرت ، رستگارند .

الذین یقیمون الصلوه . .. و أُولئک هم المفلحون

زمینه یقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۷ – ۷

۷– مطالعه نظام و کیفیت اداره هستی ، زمینه ساز راهیابی انسان به مرحله یقین

ربِّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

از مطرح شدن مسأله یقین، پس از ذکر ربوبیت خداوند بر جهان هستی، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۹ – ۴

۴ – توجه به خدادادی بودن نعمت بیان و ابزار آن ، مایه یقین به

آگاهی خداوند از نیت ها ، افکار و دانسته های انسان است .

أیحسب أن لم یره أحد . ألم نجعل له ... و لسانًا و شفتین

زمینه یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۴

۴ - اقامه نماز و پرداخت زکات ، دارای پیوندی عمیق با یقین به آخرت

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم بالأخره هم یوقنون

جمله <و هم بالأخره. ..> حال معلله است; یعنی، یقین داشتن آنان به آخرت و کیفر و پاداش الهی، آنها را پایبند به اقامه نماز و پرداخت زکات می کند.

زمینه یقین به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - امکان شناخت و یقین به یگانگی خدا از طریق مطالعه در مظاهر هستی

قال ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

<إن کنتم موقنین>; یعنی، اگر شما طالب یقین هستید و بنای رسیدن به شناخت و حق را دارید، کافی است که به حاکمیت تدبیر و ربوبیت واحد بر نظام آسمان ها و زمین و موجودات میان آنها توجه کنید.

صفات اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۵

۱۵ - تنها اهل یقین ( کسانی که از عنادورزی و لجاجت پیراسته اند ) ، از آیات الهی بهره مند شده و در پرتو آن ، حقایق و معارف دینی را در می یابند .

قد بيّنا الأيت لقوم يوقنون

چون آيات و نشانه های صداقت پیامبر به همگان ارائه شده است، لام در

<لقوم> لام انتفاع می باشد و جمله فوق چنین معنا می شود: ما آیات و نشانه ها را برای همگان بیان داشته ایم، ولی اهل یقین از آنها بهره می برند.

عوامل رحمت بر اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۶

۶ - روشنگری های قرآن ، مایه هدایت و رحمت برای جویندگان یقین

بصائر . .. و هدًى و رحمه لقوم یوقنون

عوامل وصول به یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۶

۶ وصول به یقین در پرتو امدادها و توفیقات الهی امکان پذیر است.

و کذلك نری إبرهیم . .. و لیکون من الموقنین

عوامل هدایت اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۶

۶ - روشنگری های قرآن ، مایه هدایت و رحمت برای جویندگان یقین

بصائر . .. و هدًى و رحمه لقوم یوقنون

عوامل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۱

۱ خداوند ، هدايت كننده مؤمنان ، از ظلمت شبهاتِ معاد به نورِ علم و يقين

اللّه ولىّ الّذين امنوا يخرجهم من الظّلمات الى النّور . .. او كالذى مرّ ... فلمّ

داستان مورد بحث در آيه، مثال و ارائه نمونه اى براى ولايت الهى و نتيجه آن است ; يعنى هدايت مؤمنان به نور پس از خارج ساختن آنان از ظلمت و تاريكى.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۴

– توجّه به خدادادی بودن نعمت بینایی ، مایه یقین به پنهان نبودن چیزی از خداوند است .

أیحسب أن لم یره أحد . ألم نجعل له عینین

مطرح کردن نعمت بینایی در پی سرزنش کسانی که به آگاهی خداوند توجه ندارند نوعی استدلال بر علم خداوند است. به این بیان که انسان باید خداوند را آگاه تر از خود بداند; زیرا او ابزار این آگاهی را در اختیار وی قرار داده است.

عوامل یقین به معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲ – ۲۱

۲۱ شناخت خداوند و صفات او ، موجب یقین آدمی به معاد است .

الله الذی . .. لعلکم بلقاء ربکم توقنون

فضایل اهل یقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۷ – ۵

۵– اهل یقین ، قادر به درک و شناخت ربوبیت یگانه خداوند بر نظام هستی

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۰ – ۲

۲ – حق باوران اهل یقین ، توانا به درک پیام های بایسته آیات الهی در زمین

و فی الأرض ءایت للموقنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۰ – ۱۴

۱۴ تنها اهل یقین ، قادر بر تشخیص برتری احکام قرآن بر دیگر قوانین هستند .

و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

حکم خدا، برترین حکم است، چه اهل یقینی وجود داشته باشند و یا وجود نداشته باشند ; بنابراین قید <لقوم یوقنون> به

سؤال در <و من احسن> بـاز می گردد ; یعنی جواب این سؤال، تنها از اهل یقین بر می آیـد ; چون تنها آنان به این حقیقت واقفند.

فضایل اهل یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۶

۶ - محسنان ، برپادارنده نماز و پرداخت کننده زکات و اهل یقین به عالم آخرت و برخوردار از عنایت خاص خداوندند .

للمحسنین . .. أُولئک علی هدًی من ربّهم

اضافه <ربّ> به ضمیر <هم> که مرجع آن، محسنان است اشاره به نکته یاد شده می کند.

مراتب یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۳

۳ - تعدد مراحل یقین و تفاوت علمی بودن و عینی بودن آن

لو تعلمون علم الیقین . .. ثمّ لترونّها عین الیقین

مقام یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۵

۵ رسیدن به یقین، مرتبه ای بلند برای انسان و قله ای برای معرفت و شناخت

و کذلک نری . .. و لیکون من الموقنین

مطرح ساختن <یقین>، به عنوان اصـلیترین هدف <ارائه ملکوت>، گویای عظمت یقین و اهل آن و همچنین نقطه نهایی در مقوله شناخت است.

موجبات یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۴ - ۶

۶ - مطالعه و تحقیق در نظام حیات ، راهی برای دستیابی انسان به یقین در خداشناسی

و فی خلقکم . .. لقوم یوقنون

از آیه شریفه استفاده می شود که از متن نظام طبیعت می توان

به یقین دست یافت.

ویژگی اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ بهره مندی از احکام برتر ( قوانین الهی ) مخصوص اهل یقین است .

و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

بدان احتمال که لام در <لقوم> برای منفعت باشد، یعنی بهره مندی از قوانین الهی از آن اهل یقین است.

ویژگیهای اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۵

۱۵ - تنها اهل یقین ( کسانی که از عنادورزی و لجاجت پیراسته اند ) ، از آیات الهی بهره مند شده و در پرتو آن ، حقایق و معارف دینی را در می یابند .

قد بیّنّا الأیت لقوم یوقنون

چون آیات و نشانه های صداقت پیامبر به همگان ارائه شده است، لام در <لقوم> لام انتفاع می باشد و جمله فوق چنین معنا می شود: ما آیات و نشانه ها را برای همگان بیان داشته ایم، ولی اهل یقین از آنها بهره می برند.

هدایت اهل یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۱

۱ - تنها برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و اهل یقین به آخرت ، مشمول هدایت ویژه پروردگارِ خویش اند .

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم بالأخره هم یوقنون . أُولئک علی هدًی من

یقین اخروی مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۸ – ۶

۶ – یقین مشرکان در قیامت ، به نبودن هیچ

راه فراری از عذاب الهی

و ظنّوا ما لهم من محیص

<ظنّ> در لغت هم به معنای گمان آمده و هم به معنای یقین. طبق گفته برخی از مفسران این کلمه در آیه شریفه به معنای یقین است.

یقین اهل بیت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ - < عن أبی عبدالله ( ع ) فی قول الله عزّوجلّ < إنّما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهّرکم تطهیراً > قال : الرجس هو الشک ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خداوند عزّوجلّ: <إنّما یرید الله. ..> روایت شده که فرمود: <رجس> در این آیه، همان شک است>. گفتنی است که مفهوم رجس، هر نوع پلیدی را شامل می شود و برحسب این روایت، یکی از مصادیق آن شک است.

یقین به آثار گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۸

۸ - یقین به نتیجه ذلت بار گناه ، مایه پرهیز انسان از آن است .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم ربّنا أبصرنا . .. إنّا موقنون

اعتراف مجرمان به معرفت و یقین پیدا کردن در قیامت، پس از مشاهده وضع خود در آن روز و درخواست مؤکّد آنان از خدا برای بازگشت به دنیا، جهت انجام دادن کار خوب، نشان می دهد که اگر کسی به نتیجه بد گناه یقین پیدا کند، از آن پرهیز خواهد کرد.

یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳ – ۱

۱ – اقامه نماز ،

پرداخت زکات و یقین به آخرت از نشانه های مؤمنان راستین

هدًی و بشری للمؤمنین . الذین یقیمون الصلوه... و هم بالأخره هم یوقنون

<الذین> در برداشت یاد شده، وصف احترازی است; یعنی، آیات قرآن برای آن دسته از مؤمنان، هدایتگر و بشارت بخش است که پایبند به اقامه نماز و پرداخت زکات باشند و به جهان آخرت نیز باور قطعی داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۱،۷

۱ - اقامه همواره نماز ، و پرداخت مداوم زکات و یقین به آخرت ، از صفات محسنان است .

هدًی و رحمه للمحسنین . الذین یقیمون ... و هم بالأخره هم یوقنون

فعل های مضارع <یقیمون> و <یؤتون> دلالت بر استمرار دارند. لازم به ذکر است که <زکات> در این آیه، به قرینه مکی بودن سوره، زکات اصطلاحی نیست، بلکه اِعانه های مالی است. گفتنی است در صورتی که جمله <الذین یقیمون...> جمله وصفی و یا بدلی باشد، مفید معنای یاد شده است.

۷ - تنها محسنان ، به عالَم آخرت یقین دارند .

للمحسنین . .. و هم بالأخره هم یوقنون

تقدیم فاعل فعل <یوقنون> و تکرار ضمیر <هم> بر اختصاص و انحصار، دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۵

۵ - یقین به جهان آخرت از صفات اهل تقواست .

و بالأخره هم یوقنون

یقین به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۷

۷ – حسابرسی از نعمت ها ، مرحله ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به

آن است .

ثمّ لترونّها .. ثمّ لتسئلنّ

یقین به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- یقین به حقانیّت وعده های خداوند و باور به معاد ، تکلیفی الهی و معرفتی ارجمند است .

أعثرنا علیهم لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ و أنّ الساعه لا ریب فیها

یقین به حقایق پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۹ - ۳

۳- انسان ، پس از مرگ به حقایق آشنا شده و به آنها یقین پیدا می کند .

و اعبد ربّک حتی یأتیک الیقین

برداشت فوق، از وجه تسمیه مرگ به <یقین> استفاده می شود; یعنی، از این رو به مرگ <یقین> گفته می شود که حقایق برای انسان آشکار شده و او به آنها یقین پیدا می کند.

یقین به رؤیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۲

۲ - سوگند مکرّر خداوند ، بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت و پیدایش یقین برای ناظران آن

ثمّ لترونّها عین الیقین

یقین به طلوع فجر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۷ – ۴۱

۴۱ – ابی بصیر گوید : < سألت ابا عبداللّه ( ع ) عن رجلین قاما فی شهر رمضان فقال احدهما : هذا الفجر و قال الآخر : ما أری شیئاً قال : لیأکل الذی لم یستیقن الفجر و قد حرم الأکل علی الذی زعم قد رأی ، ان اللّه یقول : و

كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر ثم أتموا الصيام إلى الليل ;

از امام صادق(ع) سؤال كردم از دو نفر كه در ماه رمضان درباره ]طلوع[ فجر اختلاف نموده اند، و يكى از آن دو مى گويد اين فجر است و ديگرى مى گويد من چيزى ]از سفيدى صبح[ نمى بينم. امام فرمودند: آن كس كه يقين به طلوع فجر ندارد مى تواند بخورد; ولى آن كس كه معتقد است فجر را ديده بر او حرام است كه بخورد. خداوند مى فرمايد: و كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر ثم أتموا الصيام إلى الليل>.

يقين به علم غيب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۴

۴ - توجه به خدادادى بودن نعمت بيان و ابزار آن ، مايه يقين به آگاهى خداوند از نيت ها ، افكار و دانسته هاى انسان است .

أيحسب أن لم يره أحد . ألم نجعل له ... و لسانًا و شفتين

يقين به قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۷

۱۷ برپايى قيامت ، اصلى كه بايد به آن يقين و اطمينان داشت .

لعلكم بلقاء ربكم توقنون

<لقاى پروردگار> كنايه از برپايى قيامت است ; زيرا در آن صحنه است كه ربوبيت خدا براى انسانها ملموس و محسوس مى شود و آن را به عين اليقين درمى يابند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قيامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱

۱ - علم و

باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن یفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

یقین به نظارت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۴

۴ - توجّه به خدادادی بودن نعمت بینایی ، مایه یقین به پنهان نبودن چیزی از خداوند است .

أیحسب أن لم یره أحد . ألم نجعل له عینین

مطرح کردن نعمت بینایی در پی سرزنش کسانی که به آگاهی خداوند توجه ندارند نوعی استدلال بر علم خداوند است. به این بیان که انسان باید خداوند را آگاه تر از خود بداند; زیرا او ابزار این آگاهی را در اختیار وی قرار داده است.

یقین به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۶

۶ - ایمان و عمل صالح ، از لوازم و مظاهر یقین به وحی و هدایت آسمانی است .

لقوم یوقنون . .. أن نجعلهم کالذین ءامنوا و عملواالصلحت

یقین به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - یقین پیدا کردن مادر موسی به درستی و تخلف ناپذیر بودن وعده های خداوند ، یکی دیگر از اهداف بازگرداندن موسی (ع ) به آغوش وی

فرددنه إلى أَمّه .

.. و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

یقین در عقیده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۹ – ۸

۸ – باور ها و اعتقادات ، باید از علم و یقین سرچشمه گرفته و متکی بر دلیل وبرهان باشد .

و جعلوا الملئکه . .. أشهدوا خلقهم

عبارت <أشهدوا خلقهم> نشانگر آن است که هرگونه باور و اعتقادی، بایستی برخاسته از علم و یقین باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۲۳ – ۷

۷ – یقین و برهان ، تنها شالوده مطمئن برای دستیابی به عقاید و باورها

ما أنزل اللّه بها من سلطن إن یتّبعون إلاّ الظنّ

از تخطئه مشرکان در مبتنی ساختن عقاید و باورهایشان بر حدس و گمان و نه یقین و برهان مطلب بالا استفاده می شود.

یقین در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲ – ۱۳

۱۳ قیامت، روز ظهور حقایق و از بین رفتن هر گونه تردید

لیجمعنکم إلی یوم القیمه لا ریب فیه

مرجع ضمیر <فیه> می تواند <یوم القیامه> باشد، یعنی قیامت ظرف تردید نیست و در آن روز تردید از آدمی رخت بر می بندد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۶

۶ قیامت، روز تجلی حقایق و از میان رفتن پرده های اوهام است.

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۴

۴- قیامت ، روز فرو افتادن همه حجاب ها

و یقین آدمیان به خداوند یکتا است .

أعینهم فی غطاء . .. کفروا بأیت ربّهم و لقائه

مقصود از لقـای پروردگـار، مسلّماً برخورد حسـی نیست (لاتـدرکه الأبصـار) بلکه مقصود، آن است که آدمی، در قیـامت، به حقّانیّت یکتایی خداوند پی خواهد برد، گرچه کافران، چنین ملاقاتی را منکر باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۲ – ۱۷،۱۹

۱۷ – مجرمان در قیامت ، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

ربّنا أبصرنا و سمعنا . .. إنّا موقنون

۱۹ – به یقین رسیدن مجرمان درباره معاد ، در قیامت دلیل درخواست شان از خدا جهت بازگشت به دنیا است .

فارجعنا نعمل صلحًا إنّا موقنون

<إنّا موقنون> به منزله تعلیل برای درخواست است.

یقین رهبران دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۴ – ۷

۷ – برخورداری از روحیه صبر و بردباری و نیز یقین به آیات الهی ، از شرایط رهبری و امامت دینی است .

و جعلنا منهم أئمّه . .. لمّا صبروا و کانوا بأیتنا یوقنون

<لمّا> زمانی است و دلالت می کنـد بر این که برگزیدگان بنی اسـراییل، زمانی که به مقام صبر و یقین رسـیدند، به پیشوایی انتخاب شدند و این، نشان می دهد که رهبران دینی باید چنین مقامی را برای خود تحصیل کنند و یا واجد آن دو باشند.

یقین فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۴ – ۱

۱ - انکار معجزات الهی ، از سوی فرعونیان با وجود یقین درونی به حقانیت آن

و جحدوا

بها و استیقنتها أنفسهم

<جَحْد> (مصدر <جحدوا>) به معنای نفی و انکار کردن است. <استیقان> (مصدر <إستیقنت>) معادل <إیقان> و جمله <استیقنتها أنفسهم> حال برای ضمیر فاعل در <جحدوا> است; یعنی، در حالی که جان های آنان به الهی بودن آیات یقین داشت باز آنها را انکار کردند.

یقین کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱

۱ - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن یفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

یقین لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - < عن إبن عمر قال : سمعت رسول اللّه ( ص ) یقول : حقّاً أقول : لم یکن لقمان نبیّاً و لکن کان عبداً کثیر التفکر حسن الیقین أحبّ اللّه فأحبّه و مَنّ علیه بالحکمه . کان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء یا لقمان ! هل لک أن یجعلک اللّه خلیفه فی الأرض تحکم بین الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خیّرنی ربّی قبلت العافیه و لم أقبل البلاء و إن عزم علیّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطی الحکمه ;

عبداللّه بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود

اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیّر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام>... در این جا به او حکمت داده شد>.

یقین مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - یقین پیدا کردن مادر موسی به درستی و تخلف ناپذیر بودن وعده های خداوند ، یکی دیگر از اهداف بازگرداندن موسی ( ع ) به آغوش وی

فرددنه إلی أُمّه . .. و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

یقین محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۷

۷ - تنها محسنان ، به عالَم آخرت یقین دارند .

للمحسنین . .. و هم بالأخره هم یوقنون

تقدیم فاعل فعل <یوقنون> و تکرار ضمیر <هم> بر اختصاص و انحصار، دلالت می کند.

یقین مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۳

۳- حضرت مریم ( س ) به قدرت نوزادش عیسی ( ع ) در سخن گفتن و رفع اتهامات یقین داشت .

فأشارت إلیه

آمدن مریم به میان قوم

خویش، آوردن علنی و آشکار فرزند و اشاره کردن به سوی نوزاد به جای پاسخ گویی به اتهامات، بیانگر یقین او است.

یقین مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۵

۵ - جهان بینی و اعتقادات مؤمن آل فرعون ، بر علم و شناخت اطمینان بخش استوار بود .

تدعوننی لأكفر باللّه و أشرك به ما ليس لی به علم

یقین مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۱

۱ - اقامه نماز ، پرداخت زکات و یقین به آخرت از نشانه های مؤمنان راستین

هدًى و بشرى للمؤمنين . الذين يقيمون الصلوه... و هم بالأخره هم يوقنون

<الذین> در برداشت یاد شده، وصف احترازی است; یعنی، آیات قرآن برای آن دسته از مؤمنان، هدایتگر و بشارت بخش است که پایبند به اقامه نماز و پرداخت زکات باشند و به جهان آخرت نیز باور قطعی داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۶

۶ - اهل ایمان ، آگاه به حقانیت رستاخیز و وقوع حتمی آن

و يعلمون أنّها الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۵ - ۱

۱ - مؤمنان واقعی ، دارای ایمان به خدا و رسول او و بدور از هرگونه شک و تردید

إنّما المؤمنون الذين ءامنوا باللّه و رسوله ثمّ لم يرتابوا

يقين يوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۴ – ۳

۳ يوسف ( ع ) هيچ

ابهام و تردیدی در رؤیای خویش و خصوصیات آن نداشت .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

تکرار فعل <رأیت> برای تأکید است و هدف از تأکید رساندن این معناست که یوسف در خواب خویش و خصوصیات آن ، ابهام و تردیدی نداشت.

یقین یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۱

۲۱- < قال المأمون للرضا ( ع ) فأخبرنی عن قول اللّه عزّوجلّ : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه > فقال الرضا ( ع ) : ذاك یونس بن متی ( ع ) ذهب مغاضباً لقومه < فظنّ > بمعنی إستیقن < أن لن نقدر علیه > أی لن نضیق علیه رزقه . . . < فنادی فی الظلمات > أی ظلمه اللیل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : < أن لا إله إلاّ أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین > بترکی مثل هذه العباده التی قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که] مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزّوجلّ <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه> امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناك بود، از میان آنان برفت. <ظنّ> در کلام خدا به معنای <إستیقن> و <لن نقدر علیه> به معنای <لن نضیق علیه رزقه> ... می باشد. <فنادی فی الظلمات>; یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إنّی کنت من الظالمین>; یعنی،

... من از ستم کارانم; زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم>.

## یوسف (ع) از دیدگاه قرآن در تفسیرراهنما

یوسف(ع)

آثار احسان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ نیکوکاری یوسف ( ع ) ، مایه رسیدن او به مقام نبوت بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ مشاهده نیکوکار بودن یوسف ، مایه تشجیع فرزندان یعقوب به تقاضای آزادی بنیامین و بازداشت یکی از آنان به جای وی

فخذ أحدنا مکانه إنا نریک من المحسنین

آثار اطاعت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۷

۷ پیروی یوسف ( ع ) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت . .. واتبعت ملّه ءاباءِی

جمله <اتبعت . ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

آثار بی گناهی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۴ – ۱

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف ( ع ) ، به دیدار او دل بست و با

فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه . .. و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

آثار حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ توحید ناب و خالص یوسف ( ع ) ، اطاعتش از خدا و تقوا و پرهیزگاری او ، جلوه هایی از علم و حکمتی که خداوند به او عطا کرده بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

آثار دعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف ( ع ) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهنّ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهنّ> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مراوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

آثار دوراندیشی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۵

۵ سرزمین مصر بر اثر پیش بینی یوسف ( ع ) و تدبیر عالمانه او ، از عواقب فاجعه آمیز قحطی مصون ماند .

و جاء إخوه يوسف

آثار

رشد یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۲ – ۵

۵ رسیدن یوسف ( ع ) به سن رشد ، زمینه ساز برخورداری او از علم و حکمت

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

آثار رؤیای یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶ – ۸

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب ( ع ) به برگزیده شدن یوسف ( ع ) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

إنی رأیت أحد عشر . .. کذلک یجتبیک ربک و یعلمک من تأویل الأحادیث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸ – ۱۵

۱۵ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فلما رأی یوسف الرؤیا و أصبح یقصّها علی أبیه یعقوب ، فاغتم یعقوب لما سمع من یوسف مع ما أوحی الله عزوجل إلیه أن استعد للبلاء . . . و خاف أن یکون ما أوحی الله عزوجل إلیه من الإستعداد للبلاء هو فی یوسف خاصّه فاشتدت رقته علیه من بین ولده فلما رأی إخوه یوسف ما یصنع یعقوب بیوسف و تکرمته إیّاه و إیثاره إیّاه علیهم إشتد ذلک علیهم . . . و قالوا : إن یوسف و أخاه < أحب إلی أبینا منّا > . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که یوسف(ع) آن خواب را دید و بامداد برای یعقوب باز گو کرد، یعقوب به خاطر آنچه از یوسف شنید با آنچه خدای عزوجل به

او وحی کرد که آماده بلا باش غمگین شد ... و ترسید که آن بلا بالخصوص در مورد یوسف باشد. از این رو مهربانی او از میان برادران به یوسف زیادتر شد ; چون برادران رفتار یعقوب را نسبت به یوسف دیدند که او را گرامی می دارد و بر آنان ترجیح می دهد، بر آنان گران آمد ... و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب ترند>.

آثار عفت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف ( ع ) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه . .. و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

آثار عقیده به خاتمیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ - اعتقاد مردم مصر به ختم نبوت و نیامدن هیچ پیامبری پس از یوسف ( ع ) ، منشأ مخالفت آنان با دعوت موسی ( ع )

حتّی إذا هلک قلتم لن یبعث اللّه من بعده رسولاً

اعلام ختم نبوت پس از یوسف(ع) از سوی مردم مصر، می تواند دلیل و یا بهانه آنان در مخالفت با دعوت موسی(ع) باشد.

آثار علم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ توحید ناب و خالص یوسف ( ع ) ، اطاعتش از خدا و تقوا و پرهیزگاری او

، جلوه هایی از علم و حکمتی که خداوند به او عطا کرده بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۸

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف ( ع ) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <أمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت بپرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستوراتت نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

آثار فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۲

۱۲ یعقوب ( ع ) بر اثر فراق یوسف ( ع ) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم

(کظیم) به معنای اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) نابینا شده بود .

یأت بصیرًا

آثار فضایل یوسف(ع)

سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۵

۵ شایستگی های معنوی یوسف ( ع ) و فضیلت های خدادادی وی ، عامل محبت فراوان یعقوب ( ع ) به او بود .

کذلک یجتبیک ربک . .. لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

بیان مسأله محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) ، پس از بیان ویژگیهای یوسف (وکذلک یجتبیک . ..) ، اشاره به ریشه محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) دارد.

آثار محبت یعقوب(ع) به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۷

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب ( ع ) به دو فرزندش یوسف ( ع ) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف ( ع )

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

آثار مطالعه قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۱

۳۱ مطالعه سرگذشت یوسف ( ع ) ، زمینه باور و توجه به ربوبیّت خدا و علم و حکمت اوست .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم

آثار ملاقات یوسف(ع) با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ توفیق ملاقات یوسف ( ع ) در مقام عزیزی مصر

با برادرش بنیامین ، از میان برنده تلخ کامی ها و زایل کننده ناراحتی آن دو از بد رفتاری های گذشته برادران

إنی أنا أخوک فلاتبتئس بما کانوا یعملون

تفریع <فلاتبتئس . ..> به وسیله حرف <فاء> بر <إنی أنا أخوک> بیانگر دلیل یوسف(ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند برادرانش است ; یعنی، یوسف(ع) با این تفریع بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشکلاتی را متحمل شدم ; ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

آرامش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۶

۶ طمأنینه و آرامش یوسف ( ع ) به هنگام دفاع از خویش

قال هی رودتنی عن نفسی

یوسف(ع) در بیان رفع اتهام از خویش ، در سخن خود (هی رودتنی عن نفسی) نه از ادات تأکید استفاده کرد و نه جمله خویش را با قسم و مانند آن بیان داشت. این کار نشان دهنده آرامش و اطمینان یوسف(ع) در آن عرصه سخت است.

آل یعقوب در دربار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱

۱ یعقوب ( ع ) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف ( ع ) درآمدند .

قال ادخلوا مصر . .. و رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکری میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش . ..> گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد

بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

آل یعقوب و حیات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۷

۷ خانواده یعقوب ، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف ( ع ) ، انکار می کردند .

قال أبوهم . .. لولا أن تفنّدون

روشن است که جمله <إنی لأجد . ..> نمی تواند بیانگر جواب <لولا ...> باشد ; زیرا یعقوب(ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف(ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این احتمال باشد که جواب شرط جمله ای است نظیر <لما کذبتمونی و ...> (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف(ع) را باور می کردید).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف ( ع ) را خطای دیرینه یعقوب ( ع ) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنک لفی ضللک القدیم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالک القدیم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

آیات خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران

وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

ابراهیم(ع) و دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۹

۱۹ ابراهیم و اسحاق ( ع ) ، به هنگام شروع داستان یوسف ( خواب دیدن ستارگان ، خورشید و ماه ) در حال حیات نبودند .

کما أتمّها علی أبویک من قبل

برداشت فوق ، از قید <من قبل> استفاده می شود. البته این در صورتی است که <من قبل> قید برای <أبویک> باشد ، نه متعلق به <أتمّها>.

ابراهیم(ع) و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق ( ع ) ، پدران یعقوب و یوسف ( ع ) بودند .

علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پدران و اجداد یوسف ( ع ) بودند .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

اتمام نعمت بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۰،۱۱

۱۰ کامل شدن نعمت الهی

بر یوسف و خاندان یعقوب ، از بشارت های یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف ( ع ) .

و یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

۱۱ یعقوب ( ع ) از رؤیای یوسف دریافت که خداوند نعمت کامل خویش را بر یوسف ( ع ) و خاندان یعقوب ، ارزانی خواهد داشت .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف ( ع ) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا ، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است .

یجتبیک ربک و یعلمک . .. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

برداشت فوق ، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات>، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و. ..> باشد که از جمله های <کذلک یجتبیک ربک و ...> به دست می آید.

اتهام دزدی به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۳،۴،۹،۱۴

۳ برادران یوسف در حضور او ، از گذشته برادر بنیامین ( یوسف ) سخن گفتند و سابقه دزدی را برای او نیز امری ثابت شده قلمداد کردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

۴ یوسف ( ع ) در دوران کودکی اش به ناحق متهم به دزدی شده بود .

فقد سرق أخ له من قبل . .. قال ... الله أعلم بما تصفون

۹ یوسف ( ع ) در برابر سخن ناحق برادرانش (

مطرح کردن سرقت دروغین او ) از خود دفاع نکرد .

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرّها> و <لم یبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرایی که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرّها ...> ; یعنی، یوسف(ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۴ یوسف ( ع ) به فرزندان یعقوب گوشزد کرد که سخن آنان ( دزدی کردن برادر ابوینی بنیامین ) را باور ندارد .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل . .. و الله أعلم بما تصفون

جمله <و الله أعلم . ..> عطف بر <أنتم ...> است و هر دو مقول <قال> می باشند. و از آن جا که <قال> در مقابل <أسرّ> و <لم یبد> قرار گرفته، می توان گفت: مراد از <قول> ابراز کردن آن و آشکارا گفتن آن سخن است، نه آن که در دل خویش و زیر لب گفته باشد.

اجابت دعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱

۱ خداوند ، دعای یوسف ( ع ) ( درخواست رهایی از کید زلیخا و همپالگی های وی ) را اجابت کرد و او را از مکر آنان مصون داشت .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

<استجابه> (مصدر استجاب) به معنای پذیرفتن درخواست است.

اجابت دعوتهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱

۱ خاندان یعقوب ، تقاضای یوسف ( ع ) را پذیرفتند و همگی از کنعان

به سوی مصر کوچ کردند .

وأتونی بأهلکم أجمعین . .. فلما دخلوا علی یوسف

مراد از ضمیر <دخلوا> به قرینه <و أتونی بأهلکم أجمعین> در آیه ۹۳ و کلمه <أبویه> برادران یوسف، خانواده های ایشان و پدر و مادر اوست. جمله <فلما دخلوا علی یوسف> عطف بر جمله هایی مقدر است که به قرینه <وأتونی بأهلکم أجمعین> عبارتند از: آنان تقاضای یوسف را پذیرفتند و همگی به سوی مصر کوچ کردند.

احتجاج یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۳

۳ یوسف ( ع ) ، برای هم بندان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش ، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد .

ما تعبدون من دونه إلّا أسماءً . .. ذلک الدین القیم

احترام به مادر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۴،۳۲

۴ احترام ویژه یوسف ( ع ) به پدر و مادر خویش

و رفع أبویه علی العرش

۳۲ < از امام هادی ( ع ) درباره سخن خداوند < وخرّوا سجّداً > سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند : < أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف و إنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف ;

سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود ; بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود>.

احترام یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۸

۸عزیز مصر ، اداره امور یوسف ( ع )

را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست تا یوسف ( ع ) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد .

لامرأته أکرمی مثویه

<مثوی> اسم مکـان و به معنـای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أکرمی مثواه> ; یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه ، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۲

۲ تکریم و بزرگداشت یوسف ( ع ) از جانب عزیز ، پس از کشف حقیقت ماجرا

یوسف أعرض عن هذا

<یوسف> مناداست و حرف نـدا (یا) از آن حـذف شـده است عزیز مصـر با حذف کردن حرف ندا ، تقرب او را نزد خویش بیان می دارد و با نام بردن از او ، لطف و مرحمت خویش را به وی اظهار می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۲

۳۲ < از امام هادی ( ع ) درباره سـخن خداوند < وخرّوا سجّداً > سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند : < أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف و إنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف ;

سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود ; بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود>.

احترام یوسف(ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۶

۶ یوسف ( ع ) در دربار عزیز مصر

، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و لیکونًا من الصغرین

احسان به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۸،۱۵،۱۶

۸ یوسف ( ع ) پس از ورود خانـدانش به مصـر ، خلاصه ای از سـر گذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب ( ع ) باز گو کرد .

یأبت . .. قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

۱۵ خداوند ، یوسف ( ع ) را از احسان های خویش برخوردار ساخت و به او نعمت ها بخشید .

قد أحسن بی

۱۶ آزاد سـاختن یوسف ( ع ) از زنـدان و کوچ دادن خانـدان یعقوب از کنعان به مصـر ، از جمله احسان های خداونـد در حق یوسف ( ع ) .

و قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱

۱ یوسف ( ع ) ، پس از برشـمردن احسان ها و نعمت های خـدادادیش برای یعقوب ( ع ) ، به سـتایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتیتنی . .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

احسان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۷

۱۷ دستیابی یوسف ( ع ) به قدرت در سرزمین مصر و بهره مندی او از رحمت خاص الهی ، پاداش کار های نیک او بود .

کذلک مکّنّا . .. نصیب برحمتنا ... و لانضیع

أجر المحسنين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۷۸ – ۳

۳ اقتدار يوسف ( ع ) بر انجام خواسته هاى خويش ، نيكوكار بودن وى و سزاوارى يعقوب ( ع ) براى ترحم ، دليل هاى ارائه شده از سوى فرزندان يعقوب به يوسف ( ع ) براى آزادسازى بنيامين

قالوا يأيها العزيز إن له أبًا شيخًا كبيرًا . .. إنا نريك من المحسنين

هدف برادران يوسف از مخاطب ساختن يوسف(ع) با عنوان <عزيز> بيان اقتدار او بر انجام خواسته هايش است، و توصيف يعقوب به <پيرمردى سالخورده> بيان سزاوارى او براى ترحم است و مدح يوسف(ع) به نيكوكارى به منظور ترغيب او به احسان و گذشت مى باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۸

۸ نيل يوسف ( ع ) به عزيزى و اقتدار و حاكميت وى در ديار مصر ، پاداشى بر تقواپيشگى ، صبر و نيكوكارى او بود .

قد منّ الله علينا إنه من يتّق و يصبر فإن الله لايضيع أجر المحسنين

اختفاى يوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۱۹ – ۶

۶ كاروانِ يابنده يوسف ( ع ) به منظور كالاى تجارتى قرار دادن او ، سعى در مخفى ساختن وى داشتند .

و أسرّوه بضعه

در فعل <أسرّوا> (پنهان ساختند) معناى جعل و قرار دادن اشراب شده است ; از اين رو <بضاعه> را به عنوان مفعول دوم نصب داده است. معناى جمله نيز چنين مى شود: يوسف(ع) را كالاى تجارتى قرار دادند و او را پنهان ساختند.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۱ – ۱۳

۱۳ زلیخا تا قبل از برملا شدن عشقش به یوسف ( ع ) ، او را از دید زنان اشراف مصر مخفی می کرد .

امرأت العزیز ترود فتیها . .. فلما رأینه أکبرنه

اختیارات یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۲ – ۱۱

۱۱ یوسف ( ع ) دارای اختیارات ویژه در توزیع غلات و آذوقه های ذخیره شده *

قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

از اینکه یوسف(ع) پرداخت سهمیه فرزندان یعقوب در نوبتهای بعد را در صورت همراه نداشتن بنیامین ، ممنوع کرد ، برداشت فوق استفاده می شود. باز گرداندن بضاعت برادرانش به خودشان نیز می تواند تأیید کننده اختیارات ویژه او باشد.

اخلاص یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۴ – ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) از بندگان مطیع خدا و از خالص شدگان برای او بود .

إنه من عبادنا المخلصین

مراد از <مخلصین> (خالص شدگان) این است که غیر خدا در آنان نصیبی ندارد و کاملاً در اختیار خداوند و اوامر او هستند. نه شیطان بر ایشان فرمان روایی می کند و نه اسیر هواهای نفسانی اند.

ادعای مالکیت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۰ – ۲

۲ همه اهل کاروان ، خود را نسبت به یوسف ( ع ) ذی نفع می پنداشتند و خویشتن را مالك او می شمردند .

أسرّوه بضعه . .. و شروه بثمن

از آن جایی که

کالا قرار دادن و نیز فروختن یوسف(ع) به کاروان نسبت داده شده است ، برداشت فوق استفاده می شود.

ادعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۵

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهدی بر صدق دعوای خویش ( من یوسفم ) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخی

جمله <هذا أخی> می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای <قد منّ الله> باشد به عنوان شاهدی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوّت ما را درخواهید یافت.

اذیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ یوسف ( ع ) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون . .. إلّا قلیلاً مما تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۲

۲ بنیامین ، برادر پدری و مادری یوسف ( ع ) ، همچون یوسف ( ع ) ، مورد آزار و اذیت برادرانش بود .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

استخدام همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۶

۶ تعبیر یوسف ( ع ) از رؤیای هم بند خویش ، تحقق یافت و او با رهایی از زندان ، به استخدام پادشاه درآمد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

با توجه به اینکه ضمیر

در <فأنساه> به <الذی> که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأنساه الشیطان ذکر ربه> دلالت می کند که وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

استشمام بوی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۲،۳،۴

۲ یعقوب ( ع ) از فاصله ای دور ( از کنعان تا مصر ) بوی یوسف ( ع ) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

جمله <قال أبوهم . ..> جواب شرط <لما فصلت ...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب ( ع ) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش ( شنیدن بوی یوسف ) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۴ شامّه معجزه آسای یعقوب ( ع ) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف ( ع ) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

استعاذه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) در برابر صحنه های پر جاذبه شهوانی ( تمنّای زلیخا ، ابراز اشتیاق او ، خلوت بودن قصر و بسته بودن

درب ها ) به خدا پناه برد .

قال معاذ الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۹ – ۸

۸ استعاذه یوسف ( ع ) به خداوند از روا داشتن ظلم و ستم

قال معاذ الله . .. إنا إذًا لظلمون

استعدادهای معنوی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸ – ۵

۵ شایستگی های معنوی یوسف ( ع ) و فضیلت های خدادادی وی ، عامل محبت فراوان یعقوب ( ع ) به او بود .

کذلک یجتبیک ربک . .. لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

بیان مسأله محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) ، پس از بیان ویژگیهای یوسف (وکذلک یجتبیک . ..) ، اشاره به ریشه محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) دارد.

استفاده از کارد در دوران یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۱ – ۹

۹ استفاده از کارد برای تناول خوردنی ها در مصر باستان و عصر یوسف ( ع )

و ءاتت کل وحده منهنّ سکّینًا

استقبال یوسف(ع) از مادر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۲

**۲** یوسف ( ع ) برای استقبال از پدر و مادر ، برادران و سایر بستگانش ، از شهر مصر بیرون رفت .

فلما دخلوا علی یوسف . .. قال ادخلوا مصر

جمله <ادخلوا مصر> (به مصـر وارد شویـد) گویای این است که یوسف(ع) در خارج شـهر با خاندان خویش ملاقات کرد و در بیرون مصر به استقبال آنان رفت.

استمداد یوسف(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ یوسف ( ع ) ، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

<صبو> (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إلاّ تصرف ...> (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

اسحاق(ع) و دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۹

۱۹ ابراهیم و اسحاق ( ع ) ، به هنگام شروع داستان یوسف ( خواب دیدن ستارگان ، خورشید و ماه ) در حال حیات نبودند .

کما أتمّها علی أبویک من قبل

برداشت فوق ، از قید <من قبل> استفاده می شود. البته این در صورتی است که <من قبل> قید برای <أبویک> باشد ، نه متعلق به <أتمّها>.

اسحاق(ع) و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق ( ع ) ، پدران یعقوب و یوسف ( ع ) بودند .

علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پدران و اجداد یوسف ( ع ) بودند .

واتبعت ملّه ءاباءِى

إبرهيم و إسحق و يعقوب

اضطرار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ < عن علی بن موسی الرضا ( ع ) : . . . ان یوسف ( ع ) . . . لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>.

اطمینان قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ داور ماجرای یوسف و زلیخا ، به درستی داوری خویش و دلالت نحوه پارگی پیراهن بر کشف ماجرا ، اطمینان کامل داشت .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ من قُبل

مراد از شهادت در <شهد شاهد> اظهار نظر کردن، قضاوت کردن و . .. است. تعبیر کردن از اینها به شهادت دادن که دیدن و مشاهده کردن را می طلبد - برای رساندن این معناست که آن شخص، آن چنان به صحت داوری و نظر خویش اطمینان داشت که گویا شاهد ماجرا بوده است.

اطمینان همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر ، به شخصیت والای یوسف ( ع ) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إنا نریک من المحسنین

اطمینان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف

- ۱۲ - ۶۹ - ۸

۸ یوسف ( ع ) به رازداری بنیامین ، اطمینان داشت .

إنی أنا أخوک

اعتراض یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۹

۹ یوسف ( ع ) ضمن اعتراض به عملکرد ناصواب برادرانش ، عذر تقصیرشان ( جهل و نادانی ) را به آنان القا کرد .

إذ أنتم جهلون

یوسف(ع) با مقید کردن عملکرد ناصواب برادرانش به زمان جهل آنان (إذ أنتم جاهلون) اشاره به این معنا دارد که: من شما را معذور می شمرم چرا که در زمانی مرتکب خلاف شدید که نادان بودید.

اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۵

۵ گفت و گوی یوسف ( ع ) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلّمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت وگوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم ...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

اعدام همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱

۱ یکی از دو هم بند زندانی یوسف ( ع ) ، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

و

قال الذی نجا منهما

افشاگری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۲،۵

۲ یوسف ( ع ) در نزد عزیز مصر ، تمنای نامشروع زلیخا و استنکاف خویش را فاش ساخت ، و خود را از هر گونه اراده سوئی مبرّا دانست .

قال هی رودتنی عن نفسی

ترکیبهایی نظیر <هی رودتنی> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. و از آن جا که یوسف(ع) در مقام رفع اتهام از خویش بود، معلوم می شود او از جمله <هی رودتنی> معنای حصر را اراده کرده است. بنابراین <هی راودتنی> ; یعنی، او (زلیخا) از من درخواست کام جویی داشت و من چنین درخواستی نداشتم و استنکاف ورزیدم.

۵ یوسف ( ع ) مراوده زلیخا و وصال خواهی او را تا زمان دفاع از خویش ، پنهان کرده و فاش نساخته بود .

قالت . .. قال هی رودتنی عن نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فلما سمع الملک کلام الصبی . . . قال لیوسف : < أعرض عن هذا . . . > و اکتمه قال : فلم یکتمه یوسف و أذاعه فی المدینه حتی قلن نسوه منهنّ إمرأه العزیز تراود فتاها عن نفسه . . . ;

از امام سجاد(ع) نقل شده است: . .. همین که پادشاه سخن کودک را شنید ...

به یوسف گفت: از این ماجرا درگذر ... و آن را پوشیده بدار. [امام فرمود:] یوسف ماجرا را پوشیده نداشت و آن را در شهر منتشر کرد تا اینکه عده ای اززنان شهر گفتند: همسر عزیز غلام خود را به خویش دعوت کرده است ...>.

اقتدار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۷

۷ یوسف ( ع ) انسانی مقتدر و امین و شایسته اعتماد بود .

إنک الیوم لدینا مکین أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۲،۳،۱۰

۲ یوسف ( ع ) در سرزمین مصر به منزلتی والا و قدرتی بلامنازع دست یافت .

مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

<تمکین> (مصدر مکّنّا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت بخشیدن است. مناسبت حکم و موضوع و نیز قید <فی الأرض> می رساند که معنای دوم اراده شده است. بنابراین <مکّنّا لیوسف فی الأرض> ; یعنی، به یوسف در سراسر سرزمین مصر قدرت و سلطنت بخشیدیم. و <حیث یشاء> حاکی از نبود قدرتی در برابر اوست.

۳ یوسف ( ع ) آزاد و متمکن برای استقرار و تصرف در هر نقطه از سرزمین مصر

مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

<یتبوّأ> به معنای منزل گرفتن و اقامت کردن است. جمله <یتبوّأ منها حیث یشاء> (در هر جای مصر که می خواست منزل می گرفت و اقامت می کرد) به منزله تفسیر برای <مکّنّا...> است و لذا کنایه از اقتدار او برای دخل و تصرف در سراسر سرزمین مصر می باشد.

۱۰ اقتدار کامل و بدون

منازع یوسف ( ع ) در مصر ، پرتوی از رحمت خاص خداوند بر او بود .

کذلک مکّنّا لیوسف . .. نصیب برحمتنا من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۳،۹،۱۰

۳ اقتدار یوسف ( ع ) بر انجام خواسته های خویش ، نیکوکار بودن وی و سزاواری یعقوب ( ع ) برای ترحم ، دلیل های ارائه شده از سوی فرزندان یعقوب به یوسف ( ع ) برای آزادسازی بنیامین

قالوا یأیها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا . .. إنا نریک من المحسنین

هدف برادران یوسف از مخاطب ساختن یوسف(ع) با عنوان <عزیز> بیان اقتدار او بر انجام خواسته هایش است، و توصیف یعقوب به <پیرمردی سالخورده> بیان سزاواری او برای ترحم است و مدح یوسف(ع) به نیکوکاری به منظور ترغیب او به احسان و گذشت می باشد.

۹ یوسف ( ع ) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

إنا نریک من المحسنین

۱۰ نیکوکاری یوسف در زمان اقتدارش ، در رفتار و منش او جلوه گر بود .

إنا نریک من المحسنین

<نری> در آیه شریفه، به معنای <اطمینان داریم> است. رساندن این معنا با کلمه <می بینیم> گویای آن است که اطمینان برادران یوسف به شخصیت وی از طریق مشاهده رفتار و منش او حاصل شده بود.

اقدامات امنیتی در حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۴

۴ دستگاه حکومتی یوسف ( ع ) ، درباره کاروانهایی که به مصر وارد می شدند ، تفحص می کرد تا به فسادگر و سارق نبودن

ایشان اطمینان پیدا کند .

لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

جمله <لقد علمتم> (یقیناً دانستید و دریافتید که ما چنین و چنان نیستیم) حاکی است که کاروانهای وارد شده به مصر، مورد تفحص قرار می گرفتند تا هدف آنان از ورود به مصر مشخص شود که مبادا برای جاسوسی ، خرابکاری ، سرقت و . .. به مصر وارد شده باشند.

اقرار به فضایل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۳

۳ برادران یوسف با سوگند به خداوند به منزلت برتر او اذعان و اعتراف کردند .

تالله لقد ءاثرک الله علینا

حرف <تاء> در <تالله> حرف قسم است.

اقرار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ یوسف ( ع ) بدون امداد الهی ، خویشتن را از مقاومت در برابر خواست نامشروع زلیخا و همپالگی های او ناتوان می دید .

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

۱۲ احساس ناتوانی یوسف ( ع ) از ترک گناه بدون امداد های الهی ، جلوه ای از اعتقاد او به ربوبیت خدا

رب . .. و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ تصریح یوسف ( ع ) به سیرت و منزلت نکوهیده برادران خویش

قال أنتم شرّ مكانًا

القاب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۲

۲ ساقی دربار ، یوسف ( ع ) را انسانی بسیار راستگو نامید

و با لقب < صدّيق > او را مخاطب قرار داد .

يوسف أيّها الصديق

الهام به يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۵

۵ گذاشتن جام شاهى در اثاثيه بنيامين ، جويا$ شدن از مجازات سارق در آيين فرزندان يعقوب و تفتيش بار بنيامين پس از ساير برادران ، از الهامات خدا به يوسف ( ع ) براى نگه داشتن بنيامين نزد خود بود .

كذلك كدنا ليوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه اى دارد كه آيات ۷۰ تا ۷۵ بيانگر آن بود.

امانتدارى يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۷

۷ يوسف ( ع ) انسانى مقتدر و امين و شايسته اعتماد بود .

إنك اليوم لدينا مكين أمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۹

۱۹ < عن الرضا ( ع ) : . . . فى قوله تعالى : < . . .إنى حفيظ عليم > قال : حافظ لما فى يدىّ عالم بكل لسان ;

از امام رضا(ع) . .. درباره سخن خدا <...إنى حفيظ عليم> روايت شده است كه فرموده: مراد اين است كه نگه دارنده چيزى هستم كه در تصرف من است و آگاه به همه زبانها مى باشم>.

امداد به يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱

۱ یوسف ( ع ) مصون ماندن خویش از گناهان و ارتکاب بدی ها را ، به امداد خدا می دانست نه برخاسته از

اراده خود بدون توفیق الهی .

أنی لم أخنه . .. و ما أُبرّءُ نفسی إن النفس لأمّاره بالسوء إلاّ ما رحم ربی

از ارتباط <ما أُبرّءُ نفسی> (من نفس خویش را از ارتکاب بدیها تبرئه نمی کنم)با جمله <لم أخنه بالغیب> و نیز شهادت زنان بر پاکدامنی یوسف(ع) (حاش لله ما علمنا علیه من سوء) این نکته معلوم می شود که: یوسف(ع) با جمله <ما أُبرّءُ نفسی> درصدد نیست که بگوید من گناه کرده ام; بلکه با توجه به عبارت <إلاّـ ما رحم ربی> در مقام بیان این حقیقت است که اگر من مرتکب گناه نشده ام، نه به خاطر توان شخصی است ; زیرا نفس هر کس و نیز نفس من ترغیب کننده به گناه و بدی است. پس آلوده نشدن من به گناه به توفیق الهی و رحمت او بوده است.

امیدواری همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۵

۵ ساقی پادشاه به درستی تعبیر یوسف ( ع ) از رؤیای خویش اعتماد کرد و به نجات خویش امیدوار گردید .

و قال للذی ظنّ أنه ناج منهما

ضمیر در <ظن> محتمل است به <الذی> باز گردد و محتمل است به یوسف(ع) ارجاع شود. برداشت فوق، بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا مفاد جمله <قال للذی ...> چنین می شود: یوسف(ع) به ساقی پادشاه - همان که به نجات خویش دل بسته بود و بدان امیدوار بود - گفت: مرا نزد مالکت یاد کن. قابل ذکر است که چون یوسف(ع) به نجات وی یقین داشت نه گمان، این احتمال قوی تر به نظر

می رسد.

امیدواری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف ( ع ) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۸

۸ یوسف ( ع ) به آمدن برادرش بنیامین به مصر علاقه ای وافر داشت و بدان امید بسته بود .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم . .. لعلهم یرجعون

انقیاد یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۵،۱۶،۲۱

۱۵ یوسف ( ع ) در عنفوان جوانی ، انسانی موحد ، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۱۶ توحید ناب و خالص یوسف ( ع ) ، اطاعتش از خدا و تقوا و پرهیزگاری او ، جلوه هایی از علم و حکمتی که خداوند به او عطا کرده بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۲۱ یوسف ( ع ) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا ، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت ، قدرشناسی و سپاس دانست .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ یوسف (

ع ) از بندگان مطیع خدا و از خالص شدگان برای او بود .

إنه من عبادنا المخلصین

مراد از <مخلصین> (خالص شدگان) این است که غیر خدا در آنان نصیبی ندارد و کاملاًـ در اختیار خداوند و اوامر او هستند. نه شیطان بر ایشان فرمان روایی می کند و نه اسیر هواهای نفسانی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۹

۱۹ تسلیم خدا بودن در تمامی عمر و در حال مردن ، از دعا ها و درخواست های یوسف ( ع ) به درگاه خداوند

توفنی مسلمًا

اوامر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۲

۲ یوسف ( ع ) از کارگزارانش خواست بهای دریافت شده از فرزندان یعقوب را در بار ها و اثاثیه آنان جاسازی کنند .

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

اهتمام یوسف(ع) به خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۳

۳ یوسف ( ع ) با اشاره به خدادادی بودن دانش های ویژه اش ، هم بندان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلکما مما علمنی ربی

از اهداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که <این دانش را پروردگارم به من آموخته است> آن است که: هم بندان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذلکما> مؤید این هدف است.

اهتمام یوسف(ع) به عفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳

۳ رنـج و محنت در راسـتای اطـاعت خـداو حفـظ حريـم عفت ، امری محبوب و ارزشـمند برای يوسف ( ع ) و بنـدگان خالص خداوند

رب السجن أحب إلىّ مما يدعوننى إليه

اهتمام يوسف(ع) به مشيت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۴

۱۴ يوسف ( ع ) تحقق امور را به مشيت خداوند می دانست و در عين قدرت و مكنت ، به او اتكا داشت .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنين

اهداف يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۶

۶ يوسف ( ع ) با باز گردانـدن مال التجاره فرزندان يعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسـی و سـپاس گزاری ايجاد كند و انگيزه مراجعت ايشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم يعرفونها . .. لعلهم يرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومين احتمالی است كه در توضيح برداشت قبل آمده است.

اهميت قصه يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲

۲ سرگذشت يوسف ( ع ) ، سرگذشتی مهم در تاريخ بشريّت و مخفی مانده بر مردمان تا پيش از بعثت پيامبر ( ص )

ذلك من أنباء الغيب

<ذلک> اشاره به داستان یوسف(ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است ; یعنی: <ذلک النبأ من أنباء الغیب>.

ایمان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۴،۱۵

۱۴ پیروی نکردن یوسف ( ع ) از آیین مصریان و ایمانش به

خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون

جمله <إنی ترکت . ..> تعلیل برای <علمنی ربی> می باشد ; یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

۱۵ یوسف ( ع ) ، با بیان نقش ایمان به خدا و آخرت در دستیابی او به دانش های ویژه ، درصدد گرایش دادن هم بندان خویش به آیین الهی بود .

مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم . .. هم کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۳ – ۸

۸ یوسف ( ع ) به دلیل باور به ربوبیت و تدبیر الهی ، رحمت او را مایه ترک گناهان و بدی ها دانست و خود را ستایش نکرد .

و ما أُبرّءُ نفسی إن النفس لأمّاره بالسوء إلاّ ما رحم ربی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۷ – ۹،۱۱

۹ یوسف ( ع ) نمونه ای بارز از مؤمنان تقواپیشه و باورداران به سرای آخرت

و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

از مصداقهای مورد نظر برای <الذین آمنوا . ..> به قرینه آیات قبل ، یوسف(ع) است.

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف ( ع ) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف . .. و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ –

یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۷

۷ یوسف ( ع ) و برادرانش به نقش بسزای خداوند در امور بشر و روند تاریخ ، معتقد بودند و بدان باور داشتند .

قد منّ الله علینا . .. لقد ءاثرک الله علینا

بازرسی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱،۲،۳

۱ یوسف ( ع ) خود به بازرسی بار ها و اثاثیه کاروان فرزندان یعقوب اقدام کرد .

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه

ضمیر در <بدأ> و <استخرج> به قرینه <أخیه> به یوسف باز می گردد. اِسناد آن دو فعل به یوسف، ظاهراً حقیقی است نه مجازی (به این معنا که او دستور داده باشد که چگونه بازرسی کنند در حالی که خود مباشرت نداشته باشد). تغییر سیاق ; یعنی، تبدیل فعل جمع (قالوا فما جزاؤه) به فعل مفرد (بدأ) قرینه بر معنای یاد شده است. <وعاء> به معنای ظرف و <أوعیه> جمع آن می باشد.

۲ یوسف ( ع ) پیش از بازرسی اثاثیه بنیامین ، به تفتیش دقیق بار و اثاثیه دیگر فرزندان یعقوب پرداخت .

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه ثم استخرجها من وعاء أخیه

کلمه <ثم> دلالت می کند که مدتی طول کشید تا نوبت بازرسی بار بنیامین فرا رسید. و این حکایت از آن دارد که بازرسی اثاثیه دیگر برادران به دقت انجام می گرفته که کار به درازا کشیده شده بود.

۳ یوسف ( ع ) در بازرسی بار بنیامین ، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخیه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز می گردد. قابل ذکر

است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

بازی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . .فقالوا کما حکی الله عزوجل < . . . أرسله معنا غداً یرتع و یلعب > أی یرعی الغنم و یلعب ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: <...أرسله معنا غداً یرتع و یلعب> ; یعنی، او را با ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند>.

برادر ابوینی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱

۱ از میان برادران یوسف ، بنیامین برادر پدری و مادری یوسف ( ع ) و سایرین ، برادران پدری او بودند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه

فرزندان یعقوب، بنیامین را برادر یوسف می خواندند، با اینکه وی نیز فرزند یعقوب(ع) و با آنان برادر بود (لیوسف و أخوه). این تعبیر می رساند که ارتباط اخوّت میان یوسف(ع) و بنیامین قوی تر از ارتباط اخوّت وی با دیگر فرزندان یعقوب می باشد ; یعنی، بنیامین برادر پدر و مادری یوسف(ع) و با سایر برادران، برادر پدری بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۶

۶ بنیامین و یوسف ( ع ) دو فرزند یعقوب ( ع ) از یک مادر

إن یسرق فقد سرق أخ له من

قبل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۹ – ۲

۲ بنیامین ، برادر پدری و مادری یوسف ( ع ) ، همچون یوسف ( ع ) ، مورد آزار و اذیت برادرانش بود .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

برادران پدری یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸ – ۱

۱ از میان برادران یوسف ، بنیامین برادر پدری و مادری یوسف ( ع ) و سایرین ، برادران پدری او بودند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه

فرزندان یعقوب، بنیامین را برادر یوسف می خواندند، با اینکه وی نیز فرزند یعقوب(ع) و با آنان برادر بود (لیوسف و أخوه). این تعبیر می رساند که ارتباط اخوّت میان یوسف(ع) و بنیامین قوی تر از ارتباط اخوّت وی با دیگر فرزندان یعقوب می باشد ; یعنی، بنیامین برادر پدر و مادری یوسف(ع) و با سایر برادران، برادر پدری بودند.

برادران یوسف و پیراهن یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۸ – ۱،۳

۱ برادران یوسف قبل از قرار دادن او در چاه ، پیراهن او را از بدنش خارج کردند .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

۳ برادران یوسف با ارائه پیراهن خونین او به یعقوب ( ع ) ، درصدد اثبات ادعای ساختگی خویش برآمدند .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

برادران یوسف و تبعید یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹ – ۱۰

۱۰ برادران یوسف ، کشتن یا تبعید او را گناه

می شمردند و به ناروا بودن آن معترف بودند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

برادران یوسف و رضایت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱

۱ فرزندان یعقوب به جلب رضایت یوسف موفق نشدند و از آزاد شدن بنیامین کاملاً ناامید گشتند .

فلما استیئسوا منه

<یأس> <و <استیئاس> به معنای ناامید شدن است، با این تفاوت که <استیئاس> حاکی از مبالغه و شدت ناامیدی می باشد. مراد از ضمیر در <منه> یوسف و یا بنیامین است. بنابراین <فلما استیئسوا منه ...> ; یعنی، پس آن گاه که فرزندان یعقوب از [جلب رضایت ]یوسف و یا [آزادی] بنیامین کاملاً ناامید شدند ... .

برادران یوسف و رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۰،۲۳

۲۰ برادران یوسف ، در خطر گرفتاری به دام دشمنی های شیطان در صورت شنیدن رؤیای یوسف ( ع )

فیکیدوا لک کیدًا إن الشیطن للإنسن عدو مبین

۲۳ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فلما رأی یوسف الرؤیا و أصبح یقصّها علی أبیه یعقوب . . . فقال یعقوب لیوسف : لاتقصص رؤیاک هذه علی إخوتک . . . فلم یکتم یوسف رؤیاه فقصّها علی إخوته . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده . .. هنگامی که یوسف آن خواب را دید و بامداد برای پدرش یعقوب بازگو کرد ... یعقوب به یوسف گفت: این خواب خود را برای برادرانت بازگو نکن ... یوسف خواب خود را پوشیده نداشت

و برای برادرانش بازگو کرد ...>.

برادران یوسف و سرنوشت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۴

۴ برادران یوسف تا قبل از بردن او به صحرا ، نسبت به سرنوشت او به نظر قطعی نرسیده بودند . *

فلما ذهبوا به و أجمعوا

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای اتفاق نظر و عقیده و نیز به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای انجام کاری شدن است. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

برادران یوسف و سلامتی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱

۱ کاروان فرزندان یعقوب با سوغاتی ارزشمند و دلیلی روشن بر سلامت یوسف ( ع ) ، از مصر به سوی کنعان حرکت کردند .

اذهبوا بقمیصی هذا . .. و لما فصلت العیر

<فصلت> از مصدر <فصول> گرفته شده است و <فصول> به معنای خارج شدن و جدا گشتن می باشد.

---

تفسیرعیاشی، ج۲، ص۱۹۶، ح۷۹; نورالثقلین، ج۲، ص۴۶۲، ح۱۸۵.

برادران یوسف و قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ برادران یوسف ، کشتن یا تبعید او را گناه می شمردند و به ناروا بودن آن معترف بودند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۵

۵ برادران یوسف در توطئه علیه او ، از کشتنش احتراز می کردند و سعی در زنده ماندن وی داشتند .

و ألقوه فی غیبت الجب . ..

و أجمعوا أن يجعلوه فى غيبت الجب

از اینکه برادران یوسف بر آن شدند که وی را در چاه قرار دهند نه اینکه او را در چاه بیفکنند ، معلوم می شود سعی در زنده ماندن او داشتند.

برادران یوسف و کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱

۱ فرزندان یعقوب در حضور یوسف ( ع ) و کارگزارانش ، بر منزه بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فى الأرض و ما كنا سرقين

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه <لقد علمتم> است ; ولی در حقیقت <ما جئنا . ..> مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

برادران یوسف و نیازهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۴

۴ برادران یوسف با اظهار علاقه به رفع نیاز های طبیعی یوسف ( ع ) ( حضور در مرتع و گردش و بازی ) درصدد اثبات خیرخواهی خویش نسبت به او بودند .

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غدًا يرتع و يلعب

<رتع> (مصدر یرتع) استفاده فراوان از خوراکیها و نوشیدنیهای باغستانها ، مزارع و مراتع است.

برادران یوسف و هلاکت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ -

۵ برادران یوسف در حضور پدر نابودی یوسف ( ع ) را برای خود ، امری خسارت بار و تباه کننده قلمداد کردند .

إنا إذًا لخسرون

برادران یوسف و یافتن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ دریافت آذوقه در نزد فرزندان یعقوب ، دارای اهمیت بیشتر از یافتن و جست و جو کردن یوسف ( ع ) و استرداد بنیامین *

یأیها العزیز مسّنا و أهلنا الضر . .. فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

فرزندان یعقوب به فرمان وی به مصر آمدند تا از یوسف(ع) خبر بگیرند و بنیامین را باز ستانند ، ولی پیش از آن سخن از فقر و تنگدستی و مطالبه آذوقه دارند. این معنا می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

برادران یوسف و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۴،۶

۴ یعقوب ( ع ) مطمئن به مکر و کید فرزندانش علیه یوسف ( ع ) در صورت آگاه شدنشان از رؤیای او

لاتقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیدًا

چنان چه یعقوب(ع) اطمینان و یقین به کید و مکر فرزندانش علیه یوسف(ع) نداشت ، پس از نقل رؤیا می فرمود: <فإنی أخاف أن یکیدوا . ..> (می ترسم نقشه ای برای تو بکشند) و جمله خویش را با مفعول مطلق (کیداً) تأکید نمی کرد.

۶ یعقوب ( ع ) پیش بینی می کرد که همه فرزندانش علیه یوسف ( ع ) متحد می شوند و هیچ کدام از او حمایت نخواهند کرد .

فیکیدوا لک کیدًا

ضمیر در <یکیدوا> به <إخوه> باز

می گردد و این گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۶،۷

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف ( ع ) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

ضمیر در <قالوا> به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد ; یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب ( ع ) به دو فرزندش یوسف ( ع ) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف ( ع )

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱،۴،۷

۱ کشتن یا تبعید یوسف ( ع ) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا

جمله <اقتلوا یوسف. ..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۲اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کنتم فاعلین> در آیه

بعد، می رساند که یکی از آنان با هر دو نظر مخالف بود ولذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

۴ برادران یوسف ، نبود وی در میان خانواده را ، مایه توجه کامل یعقوب ( ع ) به آنان می پنداشتند .

اقتلوا یوسف . .. یخل لکم وجه أبیکم

<یخل لکم وجه أبیکم> (خالی شود صورت پدرتان برای شما) کنایه از آن است که توجه و اقبال او از یوسف(ع) منقطع می شود و تنها برای شما خواهد بود. فعل <یخل> جواب امر (اقتلوا) و (اطرحوه) است و با <إن> شرطیه مقدر مجزوم شده است ; یعنی: <إن تقتلوه أو تطرحوه یخل لکم ...>.

۷ برادران یوسف حضور او در نزد یعقوب را ، مایه تلخ کامی و نابسامانی خویش می دانستند .

اقتلوا یوسف . .. تکونوا من بعده قومًا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۷

۷ برادران یوسف با حضور در پیشگاه یعقوب ( ع ) لب به شکایت گشوده و از بی اعتمادی او نسبت به آنان درباره یوسف ( ع ) انتقاد کردند .

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۵،۸

۵ نیاز یوسف ( ع ) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع ، بهانه برادرانش برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب ( ع )

أرسله معنا غدًا یرتع و یلعب

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، با تأکیدی فراوان مراقبت از یوسف ( ع ) را برعهده گرفتند .

و إنا له لحفظون

تأکید

فراوان ، از آوردن جمله اسمیه به همراه <إنّ> و <لام> تأکید استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۷

۷ غفلت برادران از حراست یوسف ( ع ) در صحرا ، دور از انتظار یعقوب ( ع ) نبود .

أخاف أن یأکله الذئب و أنتم عنه غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۹،۲۰

۱۹ < عن أبی جعفر ( ع ) فی قوله < لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون > یقول : لایشعرون أنک أنت یوسف . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <لتنبئنّهم. .. و هم لایشعرون> روایت شده که می فرمود: [یعنی ]نمی دانند تو همان یوسفی...>.

۲۰ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فانطلقوا به مسرعین مخافه أن یأخذه منهم و لایدفعه إلیهم . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. یوسف را با سرعت بردند ، مبادا یعقوب او را از دست آنان بگیرد و به آنان ندهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۵،۶

۵ برادران یوسف ، او را به درهمهایی اندک و بهایی ناچیز ، به کاروانیان فروختند . *

و شروه بثمن بخس

برداشت فوق، براساس این احتمال است که مراد از ضمیر فاعلی در <شروه>، برادران یوسف باشد. بر این مبنا برادران یوسف فروشنده، و طبعاً کاروانیان خریدار او بودند. عبارت <الذی اشتراه من مصر> در آیه بعد، می تواند مؤید این احتمال باشد ; زیرا

این عبارت می رساند که پیش از فروش یوسف(ع) در مصر، یک بار دیگر نیز خرید و فروش در مورد او انجام گرفته بود.

۶ یوسف ( ع ) در نزد برادرانش ، شخصی بی مقدار و کم ارزش بود . *

و کانوا فیه من الزهدین

در برداشت فوق ، ضمیر در <کانوا> به برادران یوسف باز گردانده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۹،۱۶

۹ برادران یوسف بجز بنیامین ، از کنعان برای دریافت آذوقه به مصر آمدند و به حضور یوسف ( ع ) رسیدند .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

جمله <ائتونی بأخ لکم. ..> (برادر پدری خود را به نزد من آوردید) در آیه بعد می رساند که مراد از <إخوه> برادران یوسف بجز بنیامین است. جمله <و لما جهزهم ...> در آیه بعد بیانگر هدف آنان از آمدن به مصر است.

۱۶ < عن أبی جعفر ( ع ) : < . . . فعرفهم یوسف و لم یعرفه إخوته لهیبه الملک و عزّته . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . .. یوسف برادران خود را شناخت و آنان یوسف را به علت هیبت و شکوه پادشاهی نشناختند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۳

۳ فرزندان یعقوب ، ضمن معرفی خویش و بیان تعداد نفرات ، به یوسف ( ع ) یادآور شدند که یک برادر پدری نیز دارند .

قال ائتونی بأخ لکم من أبیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲

۳ بی تعهدی برادران یوسف در حفاظت از او ، دلیل یعقوب ( ع ) برای اطمینان نکردن بر تعهد آنان به حفاظت از بنیامین

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) اعتماد و اطمینان به فرزندانش درباره بنیامین را، به اعتماد و اطمینانش به آنان درباره یوسف(ع) تشبیه کرد. وجه شبه در این تشبیه بی ثمری و نتیجه بخش نبودن است. بنابراین مفاد <هل ءامنکم علیه إلاّ ...> چنین می شود: اعتماد من به شما [اگراعتماد کنم ]در بی نتیجه ماندن و ثمر نداشتن نیست مگر همانند اعتمادم به شما درباره یوسف(ع).

۹ یعقوب ( ع ) در پی تعهد فرزندانش بر محافظت از یوسف ( ع ) به آنان اطمینان کرد و به حفاظت آنان دل بست .

کما أمنتکم علی أخیه من قبل

۱۶ تعریض یعقوب ( ع ) به فرزندانش مبنی بر دلسوز نبودن آنان و ترحم نداشتنشان بر یوسف ( ع ) و بنیامین

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل فالله خیر حفظًا و هو أرحم الرحمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۹

۹ < عن أبی عبدالله علیه السلام . . . قال : إنهم سرقوا یوسف من أبیه ألا ترى أنه قال لهم حین قالوا : ماذا تفقدون ؟ قالوا : نفقد صواع الملک ، و لم یقولوا : سرقتم صواع الملک ، إنما عنی أنکم سرقتم یوسف من أبیه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <إنکم لسارقون> پرسیده بود ]فرمود: آنان یوسف را از پدرش

سرقت کرده بودنـد. آیا توجه نمی کنی که هنگامی که برادران یوسف گفتنـد: چه چیزی گم کرده ایـد؟ او و کارگزارانش به آنـان گفتنـد: <پیمانه پادشاه را گم کرده ایم> و نگفتنـد: پیمانه پادشاه را دزدیدیـد. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۱ - ۱

۱ فرزندان یعقوب با شنیدن اتهام سرقت به سوی یوسف ( ع ) و کارگزاران وی بازگشتند .

قالوا و أقبلوا علیهم

ضمیر در <قـالوا> و <أقبلـوا> به کلمه <العیر> در آیه قبـل بـاز می گردد و جمله <و أقبلوا علیهم> حـال برای ضـمیر در <قالوا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱

۱ فرزنـدان یعقوب در حضور یوسف ( ع ) و کارگزارانش ، بر منزه بودنشان از سـرقت و نداشـتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجـام آن سوگنـد یـاد می شود) در آیه شـریفه <لقـد علمتم> است ; ولی در حقیقت <مـا جئنا . ..> مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۲،۳،۵

۲ برادران یوسف در حضور او ، بنیامین را به

داشتن روحیه سرقت متهم کردند .

قالوا إن یسرق

چون از نظر ظاهر بنیامین سارق شناخته شد، اقتضای مقام آن بود که برادران یوسف از فعل ماضی (سرق) استفاده می کردند. آنان با آوردن فعل مضارع (یسرق) که دلالت بر استمرار و تجدد دارد به جای فعل ماضی درصدد بیان این معنا بودند که بنیامین دارای روحیه سرقت است.

۳ برادران یوسف در حضور او ، از گذشته برادر بنیامین ( یوسف ) سخن گفتند و سابقه دزدی را برای او نیز امری ثابت شده قلمداد کردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

۵ برادران یوسف بر$ این باور بودند که یوسف ( ع ) از میان رفته و نابود شده است .

فقد سرق أخ له من قبل

<من قبل> می تواند متعلق به <سرق> باشد. بر این اساس جمله <فقد سرق ...> چنین معنا می شود: او برادری داشت که پیش از این دزدی کرده بود. همچنین می تواند متعلق به مضمون <أخ له> باشد. بر این مبنا جمله چنین معنا می شود: او پیشتر برادری داشت که دزدی کرده بود. بر این فرض قید <من قبل> حاکی است که برادران یوسف می پنداشتند که یوسف(ع) از میان رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۳

۳ اقتدار یوسف ( ع ) بر انجام خواسته های خویش ، نیکوکار بودن وی و سزاواری یعقوب ( ع ) برای ترحم ، دلیل های ارائه شده از سوی فرزندان یعقوب به یوسف ( ع ) برای آزادسازی بنیامین

قالوا یأیها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا . ..

إنا نریک من المحسنین

هدف برادران یوسف از مخاطب ساختن یوسف(ع) با عنوان <عزیز> بیان اقتدار او بر انجام خواسته هایش است، و توصیف یعقوب به <پیرمردی سالخورده> بیان سزاواری او برای ترحم است و مدح یوسف(ع) به نیکوکاری به منظور ترغیب او به احسان و گذشت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۹،۱۸،۱۴،۱۲،۸،۳

۳ فرزندان یعقوب سختی معیشت و نابسامان بودن وضع مادی خاندان یعقوب را به یوسف گزارش کردند .

قالوا یأیها العزیز مسّنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه

۸ فرزندان یعقوب با بیان تنگدستی و نداشتن بهای لازم برای خرید سهمیه خویش ، از یوسف ( ع ) خواستند جیره آنان را به طور کامل پرداخت کند .

مسّنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

۱۲ فرزندان یعقوب از یوسف ( ع ) تقاضا کردند برادرشان بنیامین را به آنان باز گرداند .

و تصدق علینا

در اینکه مقصود فرزندان یعقوب از عطیه درخواستی چیست سه نظر ایراد شده است: ۱منظور بنیامین است که به ظاهر ملک یوسف(ع) می باشد. ۲ مقصود آنان مقداری بیش از سهمیه و جیره ایشان است. ۳مراد همان سهمیه است بدون دریافت همه بهای آن. برداشت فوق، ناظر به اولین احتمال است.

۱۴ برادران یوسف به دلیل سخت شدن معیشت بر خاندان یعقوب ( ع ) از او تقاضا کردند بیش از سهمیه سرانه ، آذوقه و غلات به آنان ببخشد .

مسّنا و أهلنا الضر . .. فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

۱۸ عزیز مصر ( یوسف ) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل

جود و کرم بود .

فأوف لنا الكيل و تصدق علينا إن الله يجزى المتصدقين

۱۹ اظهار مسکنت و ذلت برادران یوسف به پیشگاه او و شکایت آنان از فقر و تنگدستی ، در سومین سفر آنان به مصر

مسّنا و أهلنا الضر . .. و تصدق علينا إن الله يجزى المتصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۲

۲ بنیامین ، برادر پدری و مادری یوسف ( ع ) ، همچون یوسف ( ع ) ، مورد آزار و اذیت برادرانش بود .

قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱،۲،۳

۱ فرزندان یعقوب در پی سخنان عزیز مصر ( آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید ) دریافتند که او برادرشان یوسف ( ع ) است .

هل علمتم ما فعلتم بيوسف . .. قالوا أءنک لأنت يوسف

جمله <أءنک . ..> حاوی چهار تأکید است: اسمی بودن جمله ، حرف تأکید <إنّ> ، لام تأکید و ضمیر فصل <أنت>. و اینها حاکی از این است که برادران یوسف بر اینکه مخاطبشان همان یوسف(ع) است ، اطمینان کردند.

۲ استبعاد و شگفتی ، فرزندان یعقوب از اینکه عزیز مصر برادرشان یوسف باشد .

قالوا أءنک لأنت يوسف

برادران یوسف علی رغم اطمینانشان بر اینکه عزیز مصر همان یوسف است ، جمله خویش را با استفهام تقریری بیان کردند و از او خواستند که به یافته آنان اقرار کند و این بیانگر استبعاد و شگفتی ایشان است ; یعنی ، در عین اطمینان ناباور بودند.

۳ یوسف (

ع ) در پی پرسش برخاسته از شگفت زدگی و ناباوری برادرانش ، تصریح کرد که او همان یوسف است .

أءنک لأنت یوسف قال أنا یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۳،۶،۸،۹

۳ برادران یوسف با سوگند به خداوند به منزلت برتر او اذعان و اعتراف کردند .

تالله لقد ءاثرک الله علینا

حرف <تاء> در <تالله> حرف قسم است.

۶ اعتقاد و باور برادران یوسف به خدادادی بودن مقام و منزلت برتر او

لقد ءاثرک الله علینا

۸ تأکید و اقرار برادران یوسف به ارتکاب خطا در حق برادرشان یوسف ( ع )

و إن کنّا لخطئین

<إن> در جمله فوق به اصطلاح مخفّفه از مثقّله (إنّ) است. دلیل آن حرف <لام> در <لخاطئین> می باشد.

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن کنّا لخطئین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۷

۷ رفتار برادران یوسف علیه وی ، گناه بود و بدون آمرزش خداوند عقوبت او را در پی داشت .

یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۲،۳

۲ فرزندان یعقوب علی رغم گناه دانستن رفتارشان با یوسف ( ع ) و بنیامین و یعقوب ( ع ) ، آن را مرتکب می شدند .

قالوا یأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا کنّا خطئین

مراد از <ذنوبنا> به قرینه مقام رفتار فرزندان یعقوب با وی و یوسف و بنیامین می باشد.

۳ فرزندان یعقوب از رفتار های ناروایشان با

یوسف ( ع ) ، بنیامین و یعقوب ( ع ) ، پشیمان شدند و اظهار ندامت کردند .

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

بردگی همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۷

۷ هم بند نجات یافته یوسف ( ع ) از زندان ، غلام و برده پادشاه مصر بود .

اذکرنی عند ربک فأنسیه الشیطن ذکر ربه

<رب> در <عند ربک> به معنای مالک است و مراد از آن ، به دلیل آیات بعد (آیه ۴۳ و ۴۵) ، پادشاه مصر می باشد.

بردگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۷،۱۰

۷ نجات یوسف ( ع ) از چاه سرآغاز بردگی او

و أسرّوه بضعه

بضاعت و کالای تجارتی قرار دادن انسان ، مستلزم برده بودن و یا برده شمردن اوست.

۱۰ کاروانیان بردن یوسف ( ع ) را به بردگی ، کاری نامشروع و غیرقانونی می دانستند .

و أسرّوه بضعه والله علیم بما یعملون

چنان چه برده قرار دادن و فروش کودکی که پیدا شده امری مجاز و قانونی بود ، مخفی ساختن یوسف(ع) (أسرّوه بضاعه) وجهی نداشت.

برگزیدگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱،۲،۵

۱ رؤیای یوسف ( ع ) حاکی از برگزیده شدنش از ناحیه خدا و خالص شدن او برای خداوند بود .

و کذلک یجتبیک ربک

<اجتباء> به معنای گزینش کردن و برای خود خالص ساختن است. بنابراین <یجتبیک ربک> ; یعنی ، پروردگارت تو را برمی گزیند و برای خویش خالص می گرداند ، به طوری

که نصیبی در تو برای غیر او نخواهد بود.

۲ برگزیده شدن یوسف ( ع ) از جانب خداوند ، بشارت یعقوب ( ع ) به یوسف

و کذلک یجتبیک ربک

۵ آینده یوسف ( ع ) و برگزیده شدنش ، بر آن منوالی بود که در خواب دیده بود .

کذلک یجتبیک ربک

برنامه ریزی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۱

۱ یوسف ( ع ) در سال های قحطی ، سهمیه و جیره افراد را طبق برنامه ای زمانبندی شده در دفعات متعدد تحویل می داد .

و لما جهزهم بجهازهم . .. فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم

<کیل> به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن طعام و غلات است. نامیدن غله به <کیل> بدان جهت است که برای تحویل، آنها را پیمانه می کردند و این بر سهمیه بندی دلالت دارد. از جمله <فإن لم تأتونی به ...> (اگر در سفر آینده و نوبت بعد بنیامین را نزد من نیاورید ...) معلوم می شود غله در دفعات متعدد و طبعاً زمان بندی شده پرداخت می گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۹

۹ طرح و نقشه یوسف ( ع ) برای مسافرت بنیامین از کنعان به مصر

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم . .. اجعلوا بضعتهم فی رحالهم ... لعلهم یرجعون

بشارت به مادر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۱

۱۱ یوسف ( ع ) به پدر و مادر و بستگانش

نوید داد که به خواست خدا در مصر ، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی درامان خواهند بود .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

<اَمن> (مصدر آمنین) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) مصداق بارز از امنیت ، دغدغه معاش نداشتن و درامان بودن از ناحیه حکومت است.

بشارت به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲،۷،۱۰

۲ برگزیده شدن یوسف ( ع ) از جانب خداوند ، بشارت یعقوب ( ع ) به یوسف

و کذلک یجتبیک ربک

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف

و کذلک . .. یعلمک من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا> ; یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار> ; یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

۱۰ کامل شدن نعمت الهی بر یوسف و خاندان یعقوب ، از بشارت های یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف ( ع ) .

و یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

بشارت دهنده

قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۶

۱۶ < عن أبی عبدالله ( ع ) قال : . . . < فلما أن جاء البشیر > و هو یهودا إبنه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. <فلما أن جاء البشیر> و آن بشیر ، یهودا فرزند یعقوب بود ...>.

بشارت دهنده یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱،۲،۳

۱ حامل پیراهن یوسف ( ع ) به عنوان پیکی مژده رسان پیش از دیگر افراد کاروان به حضور یعقوب ( ع ) رسید .

فلما أن جاء البشیر

<بشیر> به معنای اسم فاعل (مبشّر) به کسی گفته می شود که پیامی مسرّت بخش را ابلاغ می کند. گفتنی است چنان چه <بشیر> همراه دیگر فرزندان به حضور یعقوب(ع) رسیده بود، مناسب تر آن بود که جمله به این صورت بیان می شد: <فلما أن جاءوا ألقاه البشیر علی وجهه>. بنابراین جمله <فلما أن جاء البشیر> ظهور در این دارد که مژده رسان پیش از دیگران آمده بود.

۲ پیک فرزندان یعقوب زنده بودن یوسف ( ع ) و همراه داشتن پیراهن وی را به یعقوب ( ع ) بشارت داد .

فلما أن جاء البشیر

مصداق مورد نظر برای بشارت و خبرت مسرّت بخش به مناسبت مورد خبر از حیات یوسف(ع)، سلطنت او و نیز به همراه داشتن پیراهن معجزه آسای وی است. قابل ذکر است که جمله <اذهبوا بقمیصی> در آیه ۹۳ می رساند که <بشیر> یکی از همان برادران

یوسف بوده نه شخصی دیگر.

۳ افکندن پیراهن یوسف ( ع ) بر چهره یعقوب ( ع ) نخستین اقدام مژده رسان در برخورد با یعقوب ( ع )

فلما أن جاء البشير ألقيه على وجهه

جمله <ألقاه . ..> جواب برای <فلما أن جاء البشير> است و لذا دلالت می کند به اینکه افکندن پیراهن به مجرد آمدن و بشارت دادن تحقق یافته بود. حرف <أن> زایده است و فاصله نبودن میان آمدن و افکندن را تأکید می کند.

بشارت نجات به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۸

۸ خداوند یوسف ( ع ) را از طریق وحی به نجات یافتن از چاه کنعان و دیداری مجدد با برادرانش ، نوید داد .

و أوحينا إليه لتنبئّنهم بأمرهم هذا

جمله <لتنبئّنهم> (همانا این واقعه را در آینده به برادرانت یادآوری خواهی کرد) دلالت بر نجات یوسف از چاه دارد و نیز حاکی از این است که او برادرانش را در آینده ملاقات خواهد کرد.

بشارتهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱

۱ یوسف ( ع ) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثم يأتى من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

فعل <يغاث> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <يغاث الناس> ; یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم ; یعنی،

مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱۳

۱۳ یوسف ( ع ) برادرانش را به آمرزش خدا و شمول رحمتش بر آنان نوید داد .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

برداشت فوق بر این اساس است که <یغفر الله . ..> جمله ای خبری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۱

۱۱ یوسف ( ع ) به پدر و مادر و بستگانش نوید داد که به خواست خدا در مصر ، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی دراماًن خواهند بود .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

<اَمن> (مصدر آمنین) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) مصداق بارز از امنیت ، دغدغه معاش نداشتن و دراماًن بودن از ناحیه حکومت است.

بلوغ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳۲

۳۲ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فلما راهق یوسف راودته إمرأه الملک عن نفسه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. چون حضرت یوسف در آستانه بلوغ جنسی قرار گرفت ، همسر پادشاه از او درخواست کرد که تا با او درآمیزد ...>.

بنیامین در فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - يوسف - ١٢ -

۴ فراق یوسف ( ع ) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر ، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

بنیامین و قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۹ – ۶

۶ تأسّف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف ( ع )

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

بنیامین و یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸ – ۱

۱ از میان برادران یوسف ، بنیامین برادر پدری و مادری یوسف ( ع ) و سایرین ، برادران پدری او بودند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه

فرزندان یعقوب، بنیامین را برادر یوسف می خواندند، با اینکه وی نیز فرزند یعقوب(ع) و با آنان برادر بود (لیوسف و أخوه). این تعبیر می رساند که ارتباط اخوّت میان یوسف(ع) و بنیامین قوی تر از ارتباط اخوّت وی با دیگر فرزندان یعقوب می باشد ; یعنی، بنیامین برادر پدر و مادری یوسف(ع) و با سایر برادران، برادر پدری بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۹ – ۴

۴ بنیامین به اینکه عزیز مصر ، برادر ناپدید شده وی ( یوسف ( ع ) ) باشد ، ناباور بود .

إنی أنا أخوک

تأکید حکم در جمله <إنی أنا أخوك> با اسمیه آوردن جمله به همراه حرف تأکید <إنّ> و ضمیر فصل (أنا)

گویای تردید و شک بنیامین در برادری عزیز مصر با اوست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۷ – ۶

۶ بنیامین و یوسف ( ع ) دو فرزند یعقوب ( ع ) از یک مادر

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۹ – ۳

۳ بنیامین برخورد های نامناسب و آزار های برادرانش را برای یوسف ( ع ) شرح داده بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> گویای این است که فرزندان یعقوب بنیامین را نیز آزار داده بودند و یوسف(ع) از آن مطلع بود و ظاهر این است که او از طریق بنیامین با خبر شده بود.

بی رغبتی به یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۰ – ۳،۴،۹

۳ کاروانیان یابنده یوسف ( ع ) ، به نگه داشتن او در نزد خویش ، رغبتی نداشتند .

شروه . .. و کانوا فیه من الزهدین

<زهد> رغبت نداشتن به چیزی به خاطر بی مقدار دانستن آن است. به نظر می رسد کاروانیان ، بیم آن داشتند که کار ناروایشان یعنی برده ساختن انسان یافت شده فاش شود. ازاین رو قیمتی ارزان برای او تعیین کردند ، تا هرچه زودتر به فروش رسد.

۴ تعجیل کاروانیان در فروش یوسف ( ع ) و بی رغبتی آنان در نگه داشتن وی ، دلیل فروختن او به بهایی ناچیز

و شروه بثمن بخس . .. و کانوا فیه

من الزهدین

جمله <و کانوا . ..> به منزله تعلیل برای <شروه بثمن بخس> است ; یعنی ، چون رغبتی به [نگه داری ]یوسف(ع) نداشتند ، او را به بهایی ناچیز فروختند.

۹ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فلما أخرجوه أقبل إلیهم إخوه یوسف فقالوا هـذا عبـدنا . . . أمنکم من یشتری هذا العبد ؟ فاشتراه رجل منهم بعشرین درهماً و کان إخوته فیه من الزاهدین . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که کاروانیان یوسف را از چاه درآوردند، برادران او به نزد آنان رفتند و گفتند: این برده ماست ... آیا از شما کسی هست که این برده را بخرد؟ پس مردی از آنان او را به بیست درهم خرید و برادران وی به او بی رغبت بودند>.

بی گناهی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۰ – ۸،۱۴

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی ، هدف یوسف ( ع ) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف ( ع ) بریدند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۱۴ یوسف ( ع ) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۱ – ۴

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان ( درخواست

کام روایی ) از یوسف ( ع ) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبکنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرایی است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکنّ ...> ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراوده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۳

۳ یوسف ( ع ) پس از آشکار شدن بی گناهیش بر پادشاه و درباریان ، دعوت او را پذیرفت و بی درنگ از زندان به دربار رفت .

قال الملک ائتونی به . .. فلما کلّمه

اتصال جمله <فلما کلّمه> به <ائتونی به> و نیاوردن مطالبی نظیر رساندن فرمان پادشاه به یوسف(ع) ، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و. .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و گو با یوسف(ع) فاصله ای نبود.

بی نظیری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۷

۷ یوسف ( ع ) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

بیان قصه یوسف(ع) برای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۸

۸ یوسف ( ع ) پس از ورود خاندانش به مصر ، خلاصه

ای از سرگذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب ( ع ) بازگو کرد .

یأبت . .. قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

بینات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۳،۵،۱۹

۳ - یوسف ( ع ) ارائه دهنده دلایل روشن و بی ابهام ، بر رسالت خویش برای مردم مصر

و لقد جاءکم یوسف من قبل بالبیّنت

۵ - شک و تردید مستمر مردم مصر در رسالت یوسف ( ع ) تاپایان عمر ایشان ( علی رغم مشاهده دلایل روشن بر صدق رسالت آن حضرت ) .

لقد جاءکم یوسف من قبل بالبیّنت فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

۱۹ - < عن محمّدبن مسلم قال : قلت لأبی جعفر ( ع ) . . .کان یوسف رسولاً نبیّاً ؟ قال : نعم أما تسمع قول اللّه تعالی : < و لقد جاءکم یوسف من قبل بالبیّنات > ;

از محمدبن مسلم نقل شده که گفت : به امام باقر(ع) عرض کردم : . ..آیا یوسف(ع) دارای رسالت و نبوت بود؟ حضرت فرمود: آری آیا نشنیده ای سخن خدای تعالی را [که فرمود]: و لقد جاءکم یوسف من قبل بالبیّنات>.

بینش همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر ، به شخصیت والای یوسف ( ع ) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إنا نریک من المحسنین

بینش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

یوسف - ۱۲ - ۴ - ۲

۲ یوسف ( ع ) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۸

۲۸ یوسف ( ع ) ، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را ، مصداقی از ستم کاری می دانست .

إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲،۳،۱۰،۱۸،۱۹

۲ زندانی شدن و خوار گشتن ، محبوب تر از گناه و معصیت ، در پیش حضرت یوسف ( ع ) و بندگان مخلص خدا

قال رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

۳ رنج و محنت در راستای اطاعت خداو حفظ حریم عفت ، امری محبوب و ارزشمند برای یوسف ( ع ) و بندگان خالص خداوند

رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

۱۰ یوسف ( ع ) بدون امداد الهی ، خویشتن را از مقاومت در برابر خواست نامشروع زلیخا و همپالگی های او ناتوان می دید .

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

۱۸ یوسف ( ع ) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را ، سقوط به ورطه

سفاهت و بی خردی می دانست .

و إلاّ تصرف . .. أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

۱۹ یوسف ( ع ) ، ارتکاب گناه و پذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش می دانست .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنا می توان گفت: مقصود یوسف(ع) از جاهل شدن ، سلب گشتن علم و حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتیناه حکماً و علماً) <آیه ۲۲>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ ارزش اعاده حیثیت و شرف بیش از ارزش رهایی از زندان و نجات از دشواری ها و مشکلات ، در بینش یوسف ( ع )

فلما جاءه الرسول قال ارجع إلى ربک فسئله ما بال النسوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۲

۲ یوسف ( ع ) از این اندیشه که امور خویش را خود بدون عنایت الهی تدبیر کند ، مبرّا و منزه بود .

و ما أُبرّءُ نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۵

۵ یوسف ( ع ) جهل و نادانی برادرانش را منشأ ستم آنان به وی

و بنیامین دانست .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۴

۱۴ یوسف ( ع ) تحقق امور را به مشیت خداوند می دانست و در عین قدرت و مکنت ، به او اتکا داشت .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

پاداش احسان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۹

۹ بهره مندی یوسف ( ع ) از حکمت و علم ، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

<جزاء>(مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

پاداش اخروی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ یوسف ( ع ) در آخرت از پاداشی برتر و بهتر از آنچه در دنیا بدان دست یافت ، بهره مند خواهد شد .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض . .. و لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر ... و

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف ( ع ) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف . .. و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

پاداش دنیوی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ یوسف ( ع ) در آخرت از پاداشی برتر و بهتر از آنچه در دنیا بدان دست یافت ، بهره مند خواهد شد .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی

الأرض . .. و لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر ... و

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف ( ع ) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف . .. و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

پاداش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۷

۱۷ دستیابی یوسف ( ع ) به قدرت در سرزمین مصر و بهره مندی او از رحمت خاص الهی ، پاداش کار های نیک او بود .

کذلک مکّنّا . .. نصیب برحمتنا ... و لانضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف ( ع ) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقواپیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

پادشاه مصر و بردگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ الغای حکم بردگی یوسف ( ع ) به دست پادشاه مصر *

ائتونی به أستخلصه . .. قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

جمله <أستخلصه لنفسی> و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف(ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

پادشاه مصر و بی گناهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (

ع ) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع جمله <لبث ...> بر جمله قبل معلوم می شود ; یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف ( ع ) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض . .. و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

پادشاه مصر و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرایی بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف ( ع ) در نزد خویش شد .

و قال الملک ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۳،۴

۳ بازجویی پادشاه

از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف ( ع ) بود .

فسئله ما بال النسوه . .. قال ما خطبکنّ

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان ( درخواست کام روایی ) از یوسف ( ع ) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبکنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرایی است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکنّ ...> ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراوده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف ( ع ) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه . .. و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف ( ع ) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسی> ; یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره

امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

پارگی پیراهن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۷

۷ زلیخا بر اثر چنگ زدن به پیراهن یوسف ( ع ) ، پیراهن او را چاک زد و سرتاسر آن را پاره کرد .

و قدت قمیصه من دبر

<قدّ> (مصدر قدّت) به معنای شکافتن و پاره کردن طولی و سراسری است (لسان العرب) ; یعنی ، آن گاه گفته می شود <قدّ القمیص> که پیراهن از طول پاره شود و سراسر آن شکافته گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۲،۱۱،۱۰

۱۰ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، پیش از اظهار نظر خویش ، به پاره شدن پیراهن یوسف ( ع ) آگاه شد .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ

۱۱ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف ( ع ) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف ( ع ) از پیشِ رو دانست .

إن کان قمیصه قُدّ من قُبل فصدقت و هو من الکذبین

۱۲ داور ماجرای یوسف و زلیخا ، به درستی داوری خویش و دلالت نحوه پارگی پیراهن بر کشف ماجرا ، اطمینان کامل داشت .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ من قُبل

مراد از شهادت در <شهد شاهد> اظهار نظر کردن، قضاوت کردن و . .. است. تعبیر کردن از اینها به شهادت دادن که دیدن و مشاهده کردن را می

طلبـد - برای رسانـدن این معنـاست که آن شـخص، آن چنـان به صـحت داوری و نظر خویش اطمینـان داشت که گویـا شاهد ماجرا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱،۲

۱ داور مـاجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، کـذب ادعای زلیخا و صـداقت یوسف ( ع ) را منوط به پاره شـدن پیراهن از پشتِ سـر دانست .

و إن کان . .. و هو من الصدقین

۲ پاره شدن پیراهن یوسف ( ع ) محور و تکیه گاه کشف حقیقت ، در نظر داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۱،۲،۴

۱ عزیز مصر برای کشف حقیقت ماجرای یوسف و زلیخا ، شخصاً به بررسی و مشاهده پیراهن و نحوه پارگی آن پرداخت .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر

ظاهر این است که ضمیر در <رأی> به عزیزمصر برگردد.

۲ عزیز مصر با دیدن پارگی پشت پیراهن یوسف ( ع ) ، به صداقت او پی برد .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

۴ عزیز مصـر شواهـد ارائه شـده از سوی داورِ ماجرای یوسف و زلیخا را ، برای رفع اتهام از یوسف ( ع ) و اثبات بی گناهی او کافی دانست .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

پایان فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۶

۶ يعقوب ( ع ) و

خاندانش در بیرون شهر مصر بر یوسف ( ع ) وارد شدند و فراق چندین ساله آنان با یوسف ( ع ) پایان یافت .

فلما دخلوا علی یوسف

پدر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پدران و اجداد یوسف ( ع ) بودند .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

پرسش از فضایل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ پیدایش سؤالهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف ( ع ) ، باعث طرح داستان یوسف ( ع ) در قرآن

إن ربک علیم حکیم. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

پرسش از قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۳

۳ پرسش مردم از پیامبر ( ص ) درباره سرگذشت یوسف ( ع )

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

پرسش از کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۱ - ۲

۲ فرزندان یعقوب از کارگزاران یوسف پرسیدند : کالای مفقود شده تان چیست ؟

قالوا . .. ماذا تفقدون

پیراهن یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه –فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۸ – ۶

۶ برادران یوسف با ارائه پیراهن او بدون آنکه پاره پاره و چاک چاک شده باشد دروغ بودن ادعای خویش ( طعمه گرگ شدن یوسف ) را آشکار کردند

* .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

معمولاً کسی که طعمه درندگان می شود، لباس او سالم نمی ماند و به خاطر پارگیهای بسیار از صورت لباس بودن خارج می شود. بنابراین اطلاق <قمیص> (پیراهن) بر آنچه برادران یوسف به یعقوب(ع) ارائه کردند، می رساند که پیراهن او سالم و یا نسبتاً سالم بود و این نشانه دیگری شد بر حقیقت نداشتن ادعای برادران یوسف.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۶،۲۰

۶ زلیخا برای جلوگیری از خروج یوسف ( ع ) ، از پشتْ پیراهنش را چنگ زد و او را به شدت به سوی خود کشید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۲۰ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فغلقت الأبواب علیها و علیه و قالت : لاتخف و ألقت نفس ها علیه فأفلت منها هارباً إلی الباب ففتحه فلحقته فجذبت قمیصه من خلفه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. [همسر عزیز ]درها را به روی خود و یوسف بست و گفت: نترس و خود را به روی او انداخت. یوسف از چنگ او نجات یافت و به طرف در فرار کرد و در را باز کرد ; پس آن زن به او رسید و پیراهن او را از پشت او کشید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . قال یوسف و إله یعقوب ما أردت بأهلك سوء بل هی راودتنی عن

نفسی فسل هذا الصبی . . . و کان عندها من أهلها صبی زائر ل ها فانطق الله الصبی لفصل القضاء فقال : . . . انظر إلی قمیص یوسف . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. یوسف گفت: به خدای یعقوب قسم! من قصد بد درباره همسر تو نداشتم. او مرا به خودش دعوت کرد، پس تو از این کودك بپرس کودکی از بستگان آن زن نزد او بود که به دیدنش آمده بود پس خدا آن کودك را برای قطع داوری به سخن درآورد و گفت: ... به پیراهن یوسف نگاه کن ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱،۲،۴،۱۲

۱ یوسف ( ع ) ، برادرانش را با پیراهنی خاص از خویش روانه کنعان کرد .

اذهبوا بقمیصی هذا

کلمه <هذا> گویای آن است که یوسف(ع) پیراهن خاصی را به برادرانش سپرد تا به کنعان ببرند.

۲ یوسف ( ع ) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب ( ع ) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

<یأت> در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که <یأت> به معنای <می آید> است و <بصیراً> حال می باشد; یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

۴ یوسف ( ع ) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب ( ع ) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند .

اذهبوا . ..

فألقوه علی وجه أبی

برداشت فوق از حرف <فاء> در <فألقوه> استفاده شده است. <فألقوه> ; یعنی ، به مجرد رسیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

۱۲ < عن أبی جعفر ( ع ) [ فی قوله تعالی ] : < قال . . . إذهبوا بقمیصی هذا > الذی بلّته دموع عینی . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای تعالی: <قال . .. إذهبوا بقمیصی هذا> روایت شده: پیراهنی که اشک های چشمم آن را تر کرده است ، [با خود ببرید]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۳

۱۳ < عن أبی عبدالله ( ع ) قال : . . . ان ابراهیم لما اُوقدت له النار أتاه جبرئیل ( ع ) بثوب من ثیاب الجنه . . . فلما حضر ابراهیم الموت جعله فی تمیمه و علّقه إسحاق علی یعقوب ، فلما ولد یوسف ( ع ) علّقه علیه فکان فی عضده . . . فلما أخرجه یوسف بمصر من التمیمه وجد یعقوب ریحه و هو قوله : < إنی لأجد ریح یوسف . . . > فهو ذلک القمیص الذی أنزله الله من الجنه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. چون برای سوزاندن ابراهیم(ع) آتش افروخته شد، جبرئیل پیراهنی از پیراهنهای بهشتی برای او آورد ... آن گاه که مرگ ابراهیم(ع) فرا رسید ابراهیم(ع) آن را در جلدی قرار داد و به عنوان حِرز بر اسحاق و اسحاق هم بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب [آن را]

بر یوسف آویخت و آن بر بازوی یوسف بود ... پس چون یوسف آن پیراهن را در مصر از جلد بیرون آورد، بوی آن به مشام یعقوب رسید و این است سخن یعقوب: <إنی لأجد ریح یوسف ...>. پس پیراهن یوسف همان پیراهنی است که خداوند از بهشت فرو فرستاد...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۶ – ۳،۴،۵،۸

۳ افکندن پیراهن یوسف ( ع ) بر چهره یعقوب ( ع ) نخستین اقدام مژده رسان در برخورد با یعقوب ( ع )

فلما أن جاء البشیر ألقیه علی وجهه

جمله <ألقاه . ..> جواب برای <فلما أن جاء البشیر> است و لذا دلالت می کند به اینکه افکندن پیراهن به مجرد آمدن و بشارت دادن تحقق یافته بود. حرف <أن> زایده است و فاصله نبودن میان آمدن و افکندن را تأکید می کند.

۴ چشمان یعقوب ( ع ) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف ( ع ) بر آن ، فروغ گرفت و بیناییش بازگشت .

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد ...> حاکی از دو معناست:$۱ ترتّب و سببیّت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۵ پیشگویی یوسف ( ع ) مبنی بر بینا شدن یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهنش ، تحقق یافت .

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا . .. ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و

مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقی> دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف ( ع ) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهن او

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

پیشگویی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۹

۹ اطلاع یوسف ( ع ) از آینده و آگاهی او به غیب

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

مفاد <قضی الأمر . ..> تأویل و تفسیر رؤیای هم بندان یوسف نیست ; بلکه بیان حقیقتی است که آن حضرت در حاشیه تأویل رؤیا بیان داشت و این نشان دهنده آن است که آن حضرت علاوه بر تعبیر رؤیا ، به اموری از آینده نیز آگاه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف ( ع ) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن ( کنعانو . . . ) را فرا گرفت .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

تأثیر فراق یوسف(ع) در یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۵

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وابیضت عیناه من الحزن

<ابیضاض> مصدر باب افعلال از ماده <بیض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

تأخیر در قبول خواسته یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ < عن رسول الله ( ص ) : رحم الله أخی یوسف لو لم یقل : اجعلنی علی خزائن الأرض لولاّه من ساعته و لکنّه أخّر ذلک سنه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است: خدا رحمت کند برادرم یوسف را اگر نمی گفت: مرا سرپرست خزاین زمین قرار بده، همان وقت این مقام را به او می داد ; ولی [این تقاضا سبب شد] که سرپرستی او بر خزاین زمین یک سال به تأخیر افتد>.

تبری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۲

۲ یوسف ( ع ) در نزد عزیز مصر ، تمنای نامشروع زلیخا و استنکاف خویش را فاش ساخت ، و خود را از هر گونه اراده سوئی مبرّا دانست .

قال هی رودتنی عن نفسی

ترکیبهایی نظیر <هی رودتنی> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. و از آن جا که یوسف(ع) در مقام رفع اتهام از خویش بود، معلوم می

شـود او از جملـه <هی رودتنی> معنـای حصـر را اراده کرده اسـت. بنـابراین <هی راودتنی> ; یعنی، او (زلیخـا) از من درخواست کام جویی داشت و من چنین درخواستی نداشتم و استنکاف ورزیدم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۳

۱۳ یوسف ( ع ) در زنـدان مصر ، پیروی نکردن خویش از آیین و شـریعت مصـریان کـافر به خـدا و نابـاور به قیامت را ، ابراز داشت .

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۸

۱۸ یوسـف ( ع ) در پیـامش به پادشـاه ، به او گوشـزد کرد که وی را رب و مالـك خـویش نخواهـد دانست و خود را بنـده او نخواهد شمرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

تبعید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۸،۹

۸ برادران یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

مراد از صـلاح در <قومـاً صـالحین> صـلاح امـور دنیـوی است ; زیرا ظـاهر آن است که فعـل مضـارع <تکونـوا> عطف بر <یخل> و جواب امر <اقتلوا> و <اطرحوه> می باشد. بر این اساس جمله <تکونوا ...> چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

۹ برادران یوسف ، بر آن بودند که

پس از کشتن یا تبعید او ، توبه کرده و درستکار شوند . *

اقتلوا یوسف . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

در برداشت فوق، صلاح در <قوماً صالحین> صلاح دینی و اخلاقی گرفته شده است. این احتمال مبتنی بر این است که <واو> در <و تکونوا> به معنای مع و <تکونوا> منصوب به <أن> مقدر باشد. بر این اساس <اقتلوا یوسف ... و تکونوا من بعده قوماً صالحین> چنین معنا می شود: یوسف را بکشید، ولی با این قید و شرط که پس از آن با توبه به درگاه خدا، مردمی صالح و درستکار باشید.

تبلیغ یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۷ – ۲،۱۵

۲ یوسف ( ع ) اقبال هم بندانش را به او غنیمت شمرد و به ارشاد و هدایت آنان پرداخت .

إنا نریک من المحسنین . .. ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله

۱۵ یوسف ( ع ) ، با بیان نقش ایمان به خدا و آخرت در دستیابی او به دانش های ویژه ، درصدد گرایش دادن هم بندان خویش به آیین الهی بود .

مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم . .. هم کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۹ – ۱

۱ یوسف ( ع ) با اظهار مهربانی و ملاطفت به هم بندان خویش ، به ارشاد آنان پرداخت .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۱ – ۱

۱ یوسف ( ع

) ، پس از ارشاد هم بندان خویش به توحید و یکتاپرستی ، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت .

یصحبی السجن أما أحدکما فیسقی ربه خمرًا

تحریک عواطف یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۲

۲ فرزندان یعقوب با تحریک عواطف یوسف ( ع ) درصدد جلب رضایت او برای آزادسازی بنیامین برآمدند .

قالوا یأیها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا

تحقق پیشگویی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۵

۵ پیشگویی یوسف ( ع ) مبنی بر بینا شدن یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهنش ، تحقق یافت .

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا . .. ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقی> دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

تحقق تعبیر رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۵،۶

۵ ساقی پادشاه به درستی تعبیر یوسف ( ع ) از رؤیای خویش اعتماد کرد و به نجات خویش امیدوار گردید .

و قال للذی ظنّ أنه ناج منهما

ضمیر در <ظن> محتمل است به <الذی> باز گردد و محتمل است به یوسف(ع) ارجاع شود. برداشت فوق، بر اساس

احتمال اول است. بر این مبنا مفاد جمله <قال للذی ...> چنین می شود: یوسف(ع) به

ساقی پادشاه – همان که به نجات خویش دل بسته بود و بدان امیدوار بود – گفت: مرا نزد مالکت یاد کن. قابل ذکر است که چون یوسف(ع) به نجات وی یقین داشت نه گمان، این احتمال قوی تر به نظر می رسد.

۶ تعبیر یوسف ( ع ) از رؤیای هم بند خویش ، تحقق یافت و او با رهایی از زندان ، به استخدام پادشاه درآمد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

با توجه به اینکه ضمیر در <فأنساه> به <الذی> که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأنساه الشیطان ذکر ربه> دلالت می کند که وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

تحقق دوراندیشی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۵ – ۸

۸ حدس و پیش بینی یوسف ( ع ) ( تقویت عزم برادرانش برای آمدن به مصر با مشاهده بهای باز گردانده شده ) حدسی صائب و نظری بجا بود .

لعلهم یعرفونها . .. لعلهم یرجعون ... ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلن

تحقق رؤیای همبند یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۲ – ۶

۶ تعبیر یوسف ( ع ) از رؤیای هم بند خویش ، تحقق یافت و او با رهایی از زندان ، به استخدام پادشاه درآمد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

با توجه به اینکه ضمیر در <فأنساه> به <الذی> که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأنساه الشیطان ذکر ربه> دلالت می کند که

وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

تحقق رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، رؤیای یوسف را عینیت بخشید و حقیقت آن را در صحنه وجود ظاهر ساخت .

هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقًا

رؤیا اگر صادق باشد و با آنچه تحقق می یابد موافق و مطابق باشد ، رؤیای حق نامیده می شود. بنابراین مفاد جمله <قد جعلها ربی حقاً> این است که خداوند چنان کرد که رؤیای گذشته من با آنچه واقع شد ، مطابق باشد.

تخت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲

۲ یوسف ( ع ) در دیار مصر دارای تخت و بارگاه فرمانروایی بود .

و رفع أبویه علی العرش

تدبیر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱،۳

۱ طرح و نقشه یوسف ( ع ) برای نگاهداشتن بنیامین نزد خویش

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

۳ یوسف ( ع ) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

<سقایه> به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. <ال> تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۴،۲۱

۴ طرح و نقشه یوسف ( ع ) برای نگه داشتن بنیامین ،

کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلک کدنا لیوسف

۲۱ موفقیت یوسف ( ع ) در طرح و اجرای نقشه برای نگه داشتن بنیامین ، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از دانش افزون تر وی

کذلک کدنا لیوسف . .. نرفع درجت من نشاء و فوق کل ذی علم علیم

مصداق مورد نظر برای <من نشاء> یوسف(ع) است.

تذکر به چاه انداختن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱

۱ عزیز مصر در پی مشاهده ذلت فرزندان یعقوب ، داستان ر ها کردن یوسف ( ع ) در چاه کنعان را به آنان یادآوری کرد .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

مراد از <ما فعلتم بیوسف> و یا مصداق مورد نظر از آن، داستان رهاسازی یوسف(ع) در چاه کنعان است. گویا این یادآوری همان است که خداوند در آیه ۱۵ از همین سوره بیان داشت، بدین مضمون که همانا این واقعه (داستان چاه) را در آینده به آنان گزارش خواهی کرد، در حالی که متوجه نیستند (تو را نمی شناسند).

ترس از طعمه گرگ شدن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۹

۹ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . قال یعقوب ( ع ) < إنی لیحزننی أن تذهبوا به و أخاف أن یأکله الذئب > فانتزعه حذراً علیه من أن تکون البلوی من الله عزوجل علی یعقوب فی یوسف خاصّه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: .

.. یعقوب [به فرزندان] گفت: <بردن شما یوسف را مرا غمگین می کند و می ترسم که او را گرگ بخورد> ; پس یوسف را از دست آنان گرفت، چون می ترسید آن بلایی که قرار بود از طرف خدا بر او وارد شود، در مورد یوسف بالخصوص باشد>.

تشویق به تدبر در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۲

۲ خداوند ، انسان ها را به تأمل در سرگذشت یوسف ( ع ) و برادرانش ترغیب کرده است .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

حرف لام در <لقد> نشانه قسم مقدر و <قد> نیز برای تأکید است. هدف از تأکید و سوگند خداوند بر اینکه در داستان یوسف و برادرانش آیاتی برای پرسش کنندگان است ، ترغیب انسانها به تأمل در آن داستان می باشد.

تشویقهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۹

۹ یوسف ( ع ) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

ائتونی بأخ لکم من أبیکم ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

جمله <ألا ترون . ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <ائتونی بأخ لکم> بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۴

۴ استفاده یوسف ( ع ) از روش ترغیب

به همراه تهدید برای رسیدن به مقصود خویش

ألا ترون أنی أُوفی الکیل . .. فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۷

۷ یوسف ( ع ) علی رغم ترغیب و تهدید برادران و نیز آماده سازی همه زمینه های مراجعت آنان ، اطمینان به بازگشت آنان نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم یرجعون

تصلیب همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۵

۵ یوسف ( ع ) ، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را ، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضی الأمر ...> ; یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

تصمیم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۳

۱۳ < عن الرضا ( ع ) : . . . و أما قوله عزوجل فی یوسف : < و لقد همّت به و همّ بها > فإن ها همّت بالمعصیه و همّ یوسف بقتل ها إن أجبرته . . . فصرف الله عنه قتلها و

الفاحشه و هو قوله عزوجل : < کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء > یعنی القتل والزنا . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: . .. قول خدای عزوجل درباره یوسف که فرموده: <و لقد همّت به و همّ بها> مقصود این است که آن زن قصد معصیت کرد و یوسف قصد کرد که اگر بانو وی را مجبور به گناه کند، او را بکشد ... پس خداوند، قتل و عمل خلاف عفت را از او بگردانید و این است سخن خدای عزوجل: <کذلک لنصرف عنه السوء والفحشاء> ; یعنی، قتل و زنا ...>.

تعالیم قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱۱،۱۲

۱۱ < عن أبی عبدالله ( ع ) : التقیه من دین الله . . . لقد قال یوسف < أیّتها العیر إنکم لسارقون > والله ما کانوا سرقوا شیئاً . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: تقیه از دین خداست . .. به تحقیق یوسف گفت:

<أيّتها العير إنكم لسارقون> [ولی] به خدا سوگند چیزی را ندزدیده بودند ...>.

۱۲ < عن أبی عبدالله ( ع ) : قال رسول الله ( ص ) : لا كذب علی مصلح ثم تلا : < أيّتها العير إنكم لسارقون > ثم قال : والله ما سرقوا و ما كذب . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: رسول خدا(ص) فرمود: دروغ برای کسی که قصد اصلاح دارد نیست. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: <أيّتها العير إنكم لسارقون> ; سپس فرمود: به خدا سوگند کاروانیان دزدی نکرده بودند و [اعلام کننده نیز ]دروغ نگفت...>.

تعالیم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۳

۳ یوسف ( ع ) با اشاره به خدادادی بودن دانش های ویژه اش ، هم بندان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلکما مما علمنی ربی

از اهداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که <این دانش را پروردگارم به من آموخته است> آن است که: هم بندان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذلکما> مؤید این هدف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ تلاش یوسف ( ع ) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱۴

۱۴ یوسف

( ع ) با توجه دادن برادرانش به رحمت گسترده الهی ، آنان را به آمرزش گناهانشان امیدوار ساخت .

يغفر الله لكم و هو أرحم الرحمين

جمله <و هو . ..> حاليه است و به منزله تعليل براى <يغفر الله> مى باشد ; يعنى، چون <ارحم الراحمين> است، گناه شما را مى بخشايد. قابل ذكر است كه يوسف با يادآورى اين صفت خداوند، پس از گذشت از گناه برادرانش، به اين نكته اشاره مى كند كه: من از شما درگذشتم پس او كه از همه از من و غير من مهربان تر است، بى هيچ ترديد از شما خواهد گذشت.

تعبير رؤياى همبندان يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۷

۷ هم بندان يوسف ( ع ) ، از او خواستند رؤيايشان را تعبير كرده و تأويل آن را بيان كند .

نبّئنا بتأويله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۱،۷

۱ يوسف ( ع ) ، پس از ارشاد هم بندان خويش به توحيد و يكتاپرستى ، به تعبير رؤيا هاى آنان پرداخت .

يصحبى السجن أما أحدكما فيسقى ربه خمرًا

۷ هم بندان زندانى يوسف ( ع ) ، با اصرار و تقاضاى مكرر از او خواستند رؤياهايشان را تعبير كند و تأويل آنها را بيان دارد .

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

آوردن فعل مضارع <تستفتيان> (پرسش مى كنيد) به جاى فعل ماضى <استفتيا> (پرسش كرديد) دلالت بر استمرار دارد و گوياى اصرار و تقاضاى مكرر هم بندان يوسف(ع) است.

تعبير رؤياى يوسف(ع)

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴ – ۹

۹ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . . تأویل هذه الرؤیا أنه سیملک مصر و یدخل علیه أبواه و إخوته أما الشمس فأُمّ یوسف راحیل و القمر یعقوب و أما أحد عشر کوکباً فإخوته فلما دخلوا علیه سجدوا شکراً لله وحده حین نظروا إلیه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده: تأویل این خواب یوسف این است که او به زودی بر مصر پادشاهی خواهد کرد و پدر و مادر و برادرانش بر او وارد می شوند ; اما خورشید مادر یوسف <راحیل> و ماه <یعقوب> و یازده ستاره <برادران او> هستند. پس هنگامی که بر او وارد شدند و به او نظر افکندند برای خدا سجده شکر کردند ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵ – ۲

۲ رؤیای یوسف گویای آن بود که به مقامی رفیع نایل خواهد شد و بر برادرانش سیادت خواهد یافت .

یبنیّ لاتقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا

از اینکه برادران یوسف در صورت شنیدن رؤیایش درصدد ضربه زدن به او برمی آمدند ، دو نکته روشن می شود: ۱ رتبه و منزلت والای یوسف(ع) ;$۲- آشنایی برادران او به تعبیر و تأویل رؤیا.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶ – ۱،۵

۱ رؤیای یوسف ( ع ) حاکی از برگزیده شدنش از ناحیه خدا و خالص شدن او برای خداوند بود .

و کذلک یجتبیک ربک

<اجتباء> به معنای گزینش کردن و برای خود خالص ساختن است. بنابراین <یجتبیک

ربـک> ; یعنی ، پروردگـارت تو را برمی گزینـد و برای خویش خالص می گردانـد ، به طوری که نصـیبی در تو برای غیر او نخواهد بود.

۵ آینده یوسف ( ع ) و برگزیده شدنش ، بر آن منوالی بود که در خواب دیده بود .

کذلک یجتبیک ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۹

۹ سـجده پدر و مادر و بسـتگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی ( سـجده یازده سـتاره و ماه و خورشـید بر او ) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقًا

تأویل رؤیا ; یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

تعدد بینات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۴

۴ - دعوت یوسف پیامبر ، متکی بر دلایل متعدد و روشن بود .

و لقد جاءکم یوسف من قبل بالبیّنت

تعدد درهای کاخ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۳

۳ دربار یوسف ( ع ) ، دارای دربهایی متعدد برای ورود و خروج مراجعه کنندگان *

لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبوب متفرقه

در اینکه مراد از مفعول <ادخلوا> چیست ، آیـا مصـر است و یا بارگاه یوسف؟ دو نظر ابراز شـده است. برداشت فوق ناظر به

احتمال دوم است. قابل ذکر است که تکرار <لما دخلوا> در آیه ۶۹ مؤید احتمال اول می باشد.

تعلم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶ – ۲۲

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف ( ع ) ، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

یجتبیک ربک . .. إن ربک علیم حکیم

تعلیم تعبیر رؤیا به یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۸ – ۷

۷ پیروی یوسف ( ع ) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت . .. واتبعت ملّه ءاباءِی

جمله <اتبعت . ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

تعلیم علم غیب به یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۸ – ۷

۷ پیروی یوسف ( ع ) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت . .. واتبعت ملّه ءاباءِی

جمله <اتبعت . ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

تعهد یوسف(ع)

- فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۷

۷ یوسف ( ع ) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعیم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

تفضل به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۹

۹ عنایت خاص خداوند به یوسف ( ع ) با وحی کردن به او در چاه کنعان

أن یجعلوه فی غیبت الجب و أوحینا إلیه

تقصیر در محافظت از یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۵

۵ برادران یوسف در داستان ساختگی خویش ( طعمه گرگ شدن یوسف ) ناخواسته به کوتاهی در حراست از یوسف ( ع ) اعتراف کردند .

إنا له لحفظون . .. ذهبنا نستبق ... فأكله الذئب

تقوای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۵،۱۶

۱۵ یوسف ( ع ) در عنفوان جوانی ، انسانی موحد ، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۱۶ توحید ناب و خالص یوسف ( ع ) ، اطاعتش از خدا و تقوا و پرهیزگاری او ، جلوه هایی از علم و حکمتی که خداوند به او عطا کرده بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۷ – ۹،۱۱

۹ یوسف ( ع ) نمونه ای بارز از مؤمنان تقواپیشه و باورداران به سرای آخرت

و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

از مصداقهای مورد نظر برای <الذین آمنوا . ..> به قرینه آیات قبل ، یوسف(ع) است.

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف ( ع ) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف . .. و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۸

۸ نیل یوسف ( ع ) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقواپیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

تقیّه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۰ – ۱۱

۱۱ < عن أبی عبدالله ( ع ) : التقیه من دین الله . . . لقد قال یوسف < أیّتها العیر إنکم لسارقون > والله ما کانوا سرقوا شیئاً . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: تقیه از دین خداست . .. به تحقیق یوسف گفت: <أیّتها العیر إنکم لسارقون> [ولی] به خدا سوگند چیزی را ندزدیده بودند ...>.

تکذیب توطئه علیه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۱ – ۵

۵ زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف ( ع ) را انکار نکردند

.

ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

تلاش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ تلاش یوسف ( ع ) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

تنزیه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۲

۲ یوسف ( ع ) از این اندیشه که امور خویش را خود بدون عنایت الهی تدبیر کند ، مبرّا و منزه بود .

و ما أُبرّءُ نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزه بودن از کینه توزی و حسّ انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف ( ع )

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

تواضع یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۸

۸ یوسف ( ع ) به دلیل باور به ربوبیت و تدبیر الهی ، رحمت او را مایه ترک گناهان و بدی ها دانست و خود را ستایش نکرد .

و ما أُبرّءُ نفسی إن النفس لأمّاره بالسوء إلاّ ما رحم ربی

توحید افعالی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱،۲

۱ یوسف ( ع ) مصون ماندن خویش از گناهان و ارتکاب بدی ها را ، به امداد خدا می

دانست نه برخاسته از اراده خود بدون توفيق الهى .

أنى لم أخنه . .. و ما أُبرّءُ نفسى إن النفس لأمّاره بالسوء إلاّ ما رحم ربى

از ارتباط <ما أُبرّءُ نفسى> (من نفس خويش را از ارتكاب بديها تبرئه نمى كنم)با جمله <لم أخنه بالغيب> و نيز شهادت زنان بر پاكدامنى يوسف(ع) (حاش لله ما علمنا عليه من سوء) اين نكته معلوم مى شود كه: يوسف(ع) با جمله <ما أُبرّءُ نفسى> درصدد نيست كه بگويد من گناه كرده ام; بلكه با توجه به عبارت <إلاّـ ما رحم ربى> در مقام بيان اين حقيقت است كه اگر من مرتكب گناه نشده ام، نه به خاطر توان شخصى است ; زيرا نفس هر كس و نيز نفس من ترغيب كننده به گناه و بدى است. پس آلوده نشدن من به گناه به توفيق الهى و رحمت او بوده است.

۲ يوسف ( ع ) از اين انديشه كه امور خويش را خود بدون عنايت الهى تدبير كند ، مبرّا و منزه بود .

و ما أُبرّءُ نفسى

توحيد در دين يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ توحيد ، روح و ركن اصيل آيين ابراهيم ، اسحاق ، يعقوب و يوسف ( ع )

واتبعت ملّه ءاباءِى إبرهيم . .. ما كان لنا أن نشرك بالله من شىء

جمله <ما كان لنا . ..> توصيف <ملّه آباءى ...> مى باشد. تفسير و تبيين يك آيين به يكى از حقايق آن ، مى رساند كه حقيقت ياد شده ركن و پايه اصلى آن آيين است.

توحيد يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۵،۱۶

۱۵ یوسف ( ع ) در عنفوان جوانی ، انسانی موحد ، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۱۶ توحید ناب و خالص یوسف ( ع ) ، اطاعتش از خدا و تقوا و پرهیزگاری او ، جلوه هایی از علم و حکمتی که خداوند به او عطا کرده بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۹،۱۶

۹ یوسف ( ع ) و پدرانش ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ( ع ) ، موحدانی مبرّا از کمترین شرکورزی به خدا

ما کان لنا أن نشرک بالله من شیء

۱۶ اعتقاد ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف ( ع ) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هرگونه شرکورزی ، تفضّلی از ناحیه خدا بر آنان بود .

ما کان لنا أن نشرک بالله من شیء ذلک من فضل الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۸

۱۸ یوسف ( ع ) ، معتقد به توحید افعالی ، و انسانی قدرشناس و سپاسگزار در برابر نعمت های الهی

قد جعلها ربی حقًا و قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

توصیه به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۳

٢٣ < عن على بن الحسين ( ع ) : .

. . فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّها على أبيه يعقوب . . . فقال يعقوب ليوسف : لاتقصص رؤياك هذه على إخوتك . . . فلم يكتم يوسف رؤياه فقصّها على إخوته . . . ;

از امام سجاد(ع) روايت شده . .. هنگامى كه يوسف آن خواب را ديد و بامداد براى پدرش يعقوب بازگو كرد ... يعقوب به يوسف گفت: اين خواب خود را براى برادرانت بازگو نكن ... يوسف خواب خود را پوشيده نداشت و براى برادرانش بازگو كرد ...>.

توصيه هاى يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۸

۸ هفت سال تلاش براى توليد غله ، ذخيره سازى غله ها با خوشه هاى آن ، صرفه جويى در مصرف ، توصيه هاى يوسف ( ع ) به مردم مصر براى مصون ماندن از مشكلات دوران هفت ساله قحطى و خشكسالى

قال تزرعون سبع سنين دأبًا

برخى برآنند كه رؤياى پادشاه اشاره اى به دستورالعملها و چاره انديشيها ندارد و تدبيرهايى كه يوسف(ع) بيان داشته و دستوراتى كه صادر كرده از دانشى خدادادى او بوده و ارتباطى به رؤياى پادشاه ندارد. برداشت فوق بر اساس اين نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۴

۴ باقى گذاشتن مقدارى از ذخيره هاى هفت ساله و مصرف نكردن همه آنها در دوران قحطى ، توصيه يوسف ( ع ) به عهده داران حكومت مصر

يأكلن ما قدمتم لهنّ إلاّ قليلاً مما تحصنون

<احصان> (مصدر تحصنون) به معناى قرار دادن چيزى در محلى امن است. بنابراين حاصل معناى

<إلّا قليلاً مما تحصنون> چنین است: مقداری از آنچه را در انبارها ذخیره می کنید در دوران قحطی نخورید. حکمت این امر احتمالاً دارا بودن بذر است برای کشت در سال پانزدهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۳

۳ یوسف ( ع ) به کارگزارانش توصیه کرد سرمایه فرزندان یعقوب را به گونه ای در اثاثیه آنان جاسازی کنند که تا رسیدن به وطنشان متوجه آن نشوند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها إذا انقلبوا إلی أهلهم

توطئه به چاه انداختن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۶،۷

۶ برادران یوسف پس از همراه بردن او ، همگی خود را برای نهادن وی در نهانخانه چاه ، مهیّا ساختند .

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن یجعلوه فی غیبت الجب

در برداشت فوق <اجماع> به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای انجام کار شدن گرفته شده است. قابل ذکر است که آیات پیشین (۹ ، ۱۰ و ۱۱) مؤید این معنا می باشد.

۷ صحنه نهادن یوسف در چاه به دست برادرانش ، صحنه ای بس فجیع و اندوه بار بود .

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن یجعلوه فی غیبت الجب

<لما> حرف شرط است و جواب آن در آیه شریفه ذکر نشده است. هدف از نیاوردن جواب، تفهیم فجیع بودن و اندوه بار بودن اموری است که هنگام قرار دادن یوسف در چاه پیش آمد ; یعنی، آن گاه که برادران یوسف مصمم شدند او را در چاه قرار دهند، اموری واقع شد که طاقت شنیدنش را ندارید.

توطئه

تبعید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱،۲

۱ کشتن یا تبعید یوسف ( ع ) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا

جمله <اقتلوا یوسف. ..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۲اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کنتم فاعلین> در آیه بعد، می رساند که یکی از آنان با هر دو نظر مخالف بود ولذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

۲ حسادت برادران یوسف به وی ، منشأ تصمیم آنان بر کشتن و یا تبعید او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا یوسف

توطئه علیه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱

۱ کشتن یا تبعید یوسف ( ع ) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا

جمله <اقتلوا یوسف. ..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۲اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کنتم فاعلین> در آیه بعد، می رساند که یکی از آنان با

هر دو نظر مخالف بود ولذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰ – ۱،۲،۳

۱ یکی از برادران یوسف ( لاوی ) در جلسه توطئه ، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۲ لاوی برخلاف دیگر برادرانش ، با توطئه علیه یوسف ( ع ) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب ( ع ) موافق نبود .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. إن کنتم فعلین

جمله شرطی <إن کنتم فاعلین> (اگر بر توطئه علیه یوسف(ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن کنتم...) معنایی است که از <ألقوه...> استفاده می شود ; یعنی، <إن کنتم فاعلین فألقوه فی غیبت الجب>.

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می

شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۲،۴

۲ یعقوب ( ع ) همواره از کید فرزندانش علیه یوسف ( ع ) نگران بود .

یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

۴ بردن یوسف ( ع ) از نزد یعقوب ( ع ) ، مشکل اساسی برادران یوسف در اجرای توطئه علیه او

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱،۲،۳،۶

۱ فرزندان یعقوب ، پس از طرح توطئه علیه یوسف ( ع ) از او خواستند تا یوسف ( ع ) را همراه آنان به مرتع بفرستد .

أرسله معنا غدًا

۲ برادران یوسف ، زمان اجرای توطئه علیه او را ، فردای همان روزِ مشورت با یکدیگر و گفت و گو با پدرشان تعیین کردند .

إذ قالوا . .. قالوا یأبانا ... أرسله معنا غدًا

۳ برادران یوسف در اجرای نقشه شوم خویش علیه او ، تعجیل داشتند و درنگ را روا نمی دانستند .

أرسله معنا غدًا

برداشت فوق، از تصریح برادران او به اینکه <فردا یوسف(ع) را به همراه ما بفرست> استفاده می شود.

۶ یوسف ( ع ) به هنگام اجرای توطئه برادرانش علیه او ، در سنین کودکی یا نوجوانی بوده است .

أرسله معنا غدًا یرتع و یلعب

برداشت فوق ، از فعل <یلعب> (بازی کند) به دست می آید ; زیرا معمولاً بازی کردن را در مورد کودکان و نوجوانان به کار می برند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۵ – ۵،۶

۵ برادران یوسف در

توطئه علیه او ، از کشتنش احتراز می کردند و سعی در زنده ماندن وی داشتند .

و ألقوه فی غیبت الجب . .. و أجمعوا أن یجعلوه فی غیبت الجب

از اینکه برادران یوسف بر آن شدند که وی را در چاه قرار دهند نه اینکه او را در چاه بیفکنند ، معلوم می شود سعی در زنده ماندن او داشتند.

۶ برادران یوسف پس از همراه بردن او ، همگی خود را برای نهادن وی در نهانخانه چاه ، مهیّا ساختند .

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن یجعلوه فی غیبت الجب

در برداشت فوق <اجماع> به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای انجام کار شدن گرفته شده است. قابل ذکر است که آیات پیشین (۹ ، ۱۰ و ۱۱) مؤید این معنا می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۸ – ۸،۹

۸ اطمینان یعقوب ( ع ) به اجرای توطئه ای از سوی فرزندانش علیه یوسف ( ع )

بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> می رساند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت و جمله <سوّلت لکم . ..> بیانگر این نکته است که او به توطئه آنان علیه یوسف(ع) اطمینان پیدا کرد.

۹ یعقوب ( ع ) فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی را ، وادار کننده فرزندانش بر توطئه علیه یوسف ( ع ) دانست .

بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۵ – ۱،۴،۵،۱۴

۱ زلیخا برای کام جویی از یوسف ( ع ) و واداشتن او به آمیزش ، درصدد برآمد تا با

وی درآویزد .

واستبقا الباب

۴ زلیخـا برای دستیـابی به یوسف ( ع ) و جلوگیری از خروج وی ، به تعقیب او پرداخت و بـا سـرعت به سـمت درب خروجی دوید .

واستبقا الباب

۵ یوسف ( ع ) در تعقیب و گریزش با زلیخا ، زودتر از وی به درب خروجی رسید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۱۴ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف ( ع )

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

برداشت فوق ، از تصـریح زلیخا به <أهلك> (همسـر تو) استفاده می شود ; یعنی ، او با آوردن <أهلك> درصدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف(ع) بود.

توطئه قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱،۲

۱ کشتن یا تبعید یوسف ( ع ) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا

جمله <اقتلوا یوسف. ..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشـتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعیـد او رأی می دادند. ۲اکثریت به توطئه علیه او نظر داشـتند، ولی در اینکه او را بکشـند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کنتم فـاعلین> در آیه بعـد، می رسانـد که یکی از آنـان با هر دو نظر مخالف بود ولـذا در برداشـت کلمه <اکثریت> آورده شد.

۲ حسادت برادران یوسف به وی ، منشأ تصمیم آنان بر کشتن و یا تبعید او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا یوسف

توفیق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱

۱ یوسف ( ع ) مصون ماندن خویش از گناهان و ارتکاب بدی ها را ، به امداد خدا می دانست نه برخاسته از اراده خود بدون توفیق الهی .

أنی لم أخنه . .. و ما أُبرّءُ نفسی إن النفس لأمّاره بالسوء إلاّ ما رحم ربی

از ارتباط <ما أُبرّءُ نفسی> (من نفس خویش را از ارتکاب بدیها تبرئه نمی کنم)با جمله <لم أخنه بالغیب> و نیز شهادت زنان بر پاکدامنی یوسف(ع) (حاش لله ما علمنا علیه من سوء) این نکته معلوم می شود که: یوسف(ع) با جمله <ما أُبرّءُ نفسی> درصدد نیست که بگوید من گناه کرده ام; بلکه با توجه به عبارت <إلاّ ـ ما رحم ربی> در مقام بیان این حقیقت است که اگر من مرتکب گناه نشده ام، نه به خاطر توان شخصی است ; زیرا نفس هر کس و نیز نفس من ترغیب کننده به گناه و بدی است. پس آلوده نشدن من به گناه به توفیق الهی و رحمت او بوده است.

توقعات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۵

۵ یوسف ( ع ) امید داشت برادرانش بضاعت های برگردانده شده به آنان را به هنگام رسیدن به وطنشان باز شناسند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها

روشن است که فرزندان یعقوب با گشودن محموله های خویش بضاعتهای خود را در آن می یافتند. بنابراین جای <لعل> (شاید و باشد) نبود. از این رو در تفسیر کلمه <لعل> چند وجه ذکر شده است:

۱ اشفاق و ترجی مربوط به قید <إذا انقلبوا> است ; یعنی، امید است که پس از رسیدن به اهلشان دریابند نه قبل از آن. ۲ مقصود از شناخت بضاعت شناختن حق آن است ; یعنی، شاید حق آن را بشناسند و قدردانی کنند. ۳ لعل به معنای <کی> (تا اینکه) است و معنای ترجی و امید ندارد.

توکل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۴

۱۴ یوسف ( ع ) تحقق امور را به مشیت خداوند می دانست و در عین قدرت و مکنت ، به او اتکا داشت .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

تهدید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۸

۸ زندانی که یوسف ( ع ) به محبوس شدن در آن تهدید شد ، موجب خوار گشتن و حقیر پنداشتن او می شد .

لیسجنن و لیکونًا من الصغرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغرین) به منزله نتیجه ای برای عبارت <زندانی خواهد شد> (لیسجنن) است ; زیرا یوسف(ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان در آیه بعد سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

تهدیدهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۴

۴ استفاده یوسف ( ع ) از روش ترغیب به همراه تهدید برای رسیدن به مقصود خویش

ألا ترون أنی أُوفی الکیل . .. فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - يوسف - ١٢ - ٦٢

۷ یوسف ( ع ) علی رغم ترغیب و تهدیـد برادران و نیز آمـاده سـازی همه زمینه های مراجعت آنان ، اطمینان به بازگشت آنان نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم یرجعون

تهمت به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۱،۱۲،۱۵

۱۱ زلیخا به هنگام برخورد با شوهرش ، عزیز مصر ، یوسف ( ع ) را به قصد تجاوز به خویش متهم کرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا

<جزاء> به معنـای سـزا و کیفر و <ما> در جمله فوق نافیه است. بنابراین <ما جزاء ...> ; یعنی: نیست کیفر و سـزای کسـی که خواسته باشد به همسرت تجاوز کند ، مگر زندان یا عذابی دردناک.

۱۲ پیشدستی زلیخا در طرح اتهام علیه یوسف ( ع )

و ألفیا سیدها لدا الباب قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا

۱۵ زلیخا در نزد عزیز مصر ، یوسف ( ع ) را به تحقق تجاوز ، متهم نکرد .

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا

برداشت فوق ، از فعل <أراد> (قصد کرد) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۴،۸

۴ عزیز مصـر شواهـد ارائه شـده از سوی داورِ ماجرای یوسف و زلیخا را ، برای رفع اتهام از یوسف ( ع ) و اثبات بی گناهی او کافی دانست .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

۸ عزیز مصر ، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف ( ع ) و تعیین کیفر برای او را ، از

مکر های زلیخا شمرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا . .. إنه من كیدكنّ

برداشت فوق، نـاظر به این احتمـال است که ضـمیر در <إنه . ..> به معنایی که از <قالت ما جزاء ...> در آیه ۲۵ استفاده می شود ، برگردد و آن معنا ، پیشدستی کردن زلیخا برای محقّ جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۵ – ۳

۳ گناهکار وانمود کردن یوسف ( ع ) ، از اهداف زندانی ساختن او *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۱ – ۱۷،۱۹

۱۷ زلیخـا پیش از جلسه بـازجویی و محکمه دادرسـی ، یوسف ( ع ) را مجرم معرفی می کرد و به کـام جویی از وی متهم می ساخت .

قالت امرأت العزیز الئن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

برداشت فوق از قید <الآن> استفاده می شود.

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف ( ع ) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

تهمتهای کارگزاران یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۰ – ۵،۶

۵ کارگزاران یوسف ( ع ) بر اثر نیافتن آبخوری مخصوص ، فرزندان یعقوب را به دزدیدن آن متهم کردند .

جعل السقایه فی رحل أخیه ثم أذّن مؤذّن أیّتها العیر إنكم لسرقون

۶ یکی از کارگزاران یوسف با مخاطب قرار دادن قافله فرزندان یعقوب ، اتهام

سرقت را به آنان اعلام کرد .

ثم أذّن مؤذّن أيّتها العير إنكم لسرقون

<عیر> به مجموعه افراد قـافله و شترانی که بـار و بنه آنان را حمل می کننـد، گفته می شود. این کلمه مرادف کاروان و قافله در فارسـی است. <اذان> به معنـای اعلام کردن است و <تأذین> مصـدر <أذّن> به معنای کثرت اعلام می باشـد. بنابراین <أذّن مؤذّن ...> ; یعنی، اعلام کننده ای چندین بار اعلام کرد.

جستجوی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۳،۶،۴،۳،۲

۲ یعقوب ( ع ) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها بپردازند .

یبنىّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

۳ یعقوب ( ع ) گرفتـار شـدن به فراق بنیـامین را نشـانه پایان یافتن انـدوه های خویش دانست و به یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین امیدوار شد .

یبنىّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه و لاتا۟یئسوا من روح الله

از آن جا که یعقوب(ع) پس از داسـتان بنیامین، جستوجو از یوسف را مطرح می سازد و فرزندانش را مأمور تفحص از وی می کنـد، چنین برمی آیـد که وی قضـیه بنیامین را نشانه ای به نزول فرج الهی دانسـته و به یافتن یوسف(ع) امیدوار شده بود. اقدام نکردن وی برای یـافتن یوسف پیش از داسـتان بنیـامین، دلیـل این حقیقت است و این معنـا توجیه کننـده برنـامه یوسف(ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

۴ یعقوب ( ع ) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (

ع ) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لاتأْیئسوا من روح الله

۶ یعقوب ( ع ) مطمئن به یاری و رحمت خداوند در یافتن یوسف و بنیامین

فتحسسوا من یوسف و أخیه و لاتأْیئسوا من روح الله

جلوه و نمود رحمت خداوند در آیه شریفه ، یاری و کمک او در یافتن یوسف و دستیابی به بنیامین است.

۱۳ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . .انه [ یعقوب ] دعا ربّه فی السحر أن یهبط علیه ملک الموت فهبط علیه . . . قال یعقوب : . . . هل عرض علیک فی الأرواح روح یوسف ؟ فقال : لا فعند ذلک علم أنه حیّ فقال لولده : < اذهبوا فتحسّسوا من یوسف . . . > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: یعقوب در سحر از خدا خواست تا ملک الموت بر او فرود آید . .. پس او فرود آمد ... یعقوب گفت: ... آیا در میان ارواح، روح یوسف بر تو عرضه شده؟ گفت: نه. پس در این هنگام دانست که یوسف زنده است، پس به فرزندان خود گفت: <اذهبوا فتحسّسوا من یوسف ...>...>.

جعاله یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۷

۷ یوسف ( ع ) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعیم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال

نخست است.

جوانمردی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ یوسف ( ع ) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون . .. إلاّ قليلاً مما تأكلون

۱۲ یوسف ( ع ) ، شخصیتی با گذشت ، جوانمرد و بزرگوار

أفتنا . .. قال تزرعون

یوسف(ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف(ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ یوسف ( ع ) شخصیتی با عظمت ، بزرگوار و در اوج کرامت و آزادگی

قال الملك ائتونى به . .. فسئله ما بال النسوه الّتى قطعن أيديهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزه بودن از کینه توزی و حسّ انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف ( ع )

فلاتبتئس بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) ، انسانی با گذشت ، جوانمرد و به دور از انتقام جویی بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۲،۳

۲ یوسف ( ع ) انسانی با گذشت و بدور از خصلت انتقام جویی

قال لاتثریب علیکم

۳ یوسف ( ع ) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد ، بلکه از سرزنش آنان نیز پرهیز نمود .

لاتثریب علیکم

<تثریب> به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (برگرفته شده از لسان العرب).

جوانی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۲،۴،۶

۲ یوسف ( ع ) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود ; زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۴ یوسف ( ع ) در سن جوانی ، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

برخی از مفسران ، <حکم> را به دانش معارف الهی ، احکام شریعت ، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیاها ، تحلیل حوادث

و درك مصالح و مفاسد دانسته اند.

۶ یوسف ( ع ) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد ، به مقام نبوّت نایل گردید .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

برداشت فوق ، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت ، تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ یوسف ( ع ) در عنفوان جوانی ، انسانی موحد ، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۶

۶ یوسف ( ع ) ، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچك و بزرگی ، مصون و معصوم بود .

کذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۶

۶ شیفتگی زلیخا به یوسف ( ع ) و داستان مراوده او ، در عنفوان جوانی یوسف ( ع ) بود .

ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًّا

جهل به قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲،۵

۲ سرگذشت یوسف ( ع ) ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریّت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر ( ص )

ذلک من أنباء الغیب

<ذلک> اشاره به داستان یوسف(ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است

; یعنی: <ذلک النبأ من أنباء الغیب>.

۵ پیامبر ( ص ) پیش از نزول قرآن ، از خصوصیات و حقایق داستان یوسف ( ع ) اطلاعی نداشت .

و ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم

جمله <ما کنت لدیهم> (نزد آنان نبودی) کنایه از بی خبر بودن پیامبر(ص) از داستان یوسف(ع) است.

چاه قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۵

۵ چاه پیشنهاد شده از طرف لاوی جهت افکندن یوسف ( ع ) ، چاهی مشخص و مورد نظر بوده است .

ألقوه فی غیبت الجب

ظاهر آن است که <ال> در <الجب> عهد ذهنی و اشاره به چاهی معهود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱

۱ کاروانی در اطراف چاهی که یوسف ( ع ) در آن بود ، منزل گزیدند و مأمور تهیه آب را به سوی آن چاه روانه کردند .

و جاءت سیّاره فأرسلوا واردهم

<وارد> به کسی که برای تهیه آب بر سر چاه ، نهر و مانند آن می رود ، گفته می شود.

چوپانی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . .فقالوا کما حکی الله عزوجل < . . . أرسله معنا غداً یرتع و یلعب > أی یرعی الغنم و یلعب ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: <...أرسله معنا غداً یرتع

و یلعب> **;** یعنی، او را با

ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند>.

حاکمان مصرباستان و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۶،۷

۶ آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف ( ع ) ، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

۷ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف ( ع ) ، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱

۱ رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف ( ع ) را به زندان افکندند .

بدا لهم . .. لیسجننه حتی حین. و دخل معه السجن فتیان

حاکمیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ سلطه داشتن یوسف ( ع ) بر برادرانش در دیدار مجدد ، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف ( ع ) در چاه کنعان

و أوحینا إلیه لتنبئّنهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لایشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - يوسف

- ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف ( ع ) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقواپیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

حجتهای خدا بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۲،۴،۵،۱۴،۱۵،۱۶

۲ مشاهده حجت و برهان الهی ، تنها مانع یوسف ( ع ) در تسلیم شدن به خواسته زلیخا و پرهیز از آمیزش با وی

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

جمله <همّ بها> به منزله جواب برای <لولا أن . ..> است ; یعنی، اگر برهان ربوبی را ندیده بود، به سوی زلیخا تمایل پیدا می کرد. <برهان> به معنای حجت و دلیل است و از مصداقهای روشن و بارز آن، همان دلیلهایی است که در آیه قبل مطرح شد ; یعنی، رؤیت برهان عبارت بود از: الف) یوسف ربوبیت خداوند و نعمتهای او را مشاهده می کرد (إنه ربی أحسن مثوای). ب) یوسف(ع) با تمام وجود دریافته بود که گنه کاران و ستمگران، رستگار نمی شوند (إنه لایفلح الظالمون).ج) او تردیدی نداشت که آمیزش با زلیخا، ظلم و معصیت خداوند است (معاذالله ...).

۴ بهره مندی یوسف ( ع ) از برهان و حجت الهی ( مشاهده ربوبیت خدا و . . . ) عامل عصمت او از ارتکاب گناهان

لولا أن رءا برهن ربه کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء

۵ خداوند ، با ارائه برهان به یوسف ( ع ) ، او را از آمیزش با زلیخا ( زنا

) و نگاه های شهوانی به وی ، حفظ کرد و مصون داشت .

كذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچک است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش، و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

۱۴ < عن علی بن الحسین ( ع ) انه قال : . . . قامت إمرأه العزیز إلی الصنم فألقت علیه ثوباً ، فقال لها یوسف : ما هذا ؟ قالت : استحیی من الصنم أن یرانا فقال لها یوسف : أتستحیین ممّن لایسمع و لایبصر . . . و لاأستحیی أنا ممّن خلق الإنسان و علّمه فذلک قوله عزوجل : < لولا أن رأی برهان ربّه > ;

از امام سجاد(ع) روایت شده که فرمود: همسر عزیز [در خلوتگاهی که برای یوسف ترتیب داده بود ]برخاست و پارچه ای بر روی بت افکند. یوسف به او گفت: این کار چیست؟ گفت: من از بت شرم دارم که ما را ببیند. یوسف گفت: آیا تو از کسی که نه می شنود و نه می بیند شرم داری ; ولی من از کسی که انسان را خلق کرده و به او علم داده، شرم نکنم؟ این

است سخن خدای عزوجل که فرموده: لولا أن رأی ...>.

۱۵ < عن الصادق ( ع ) [ فی البرهان الذی رأی یوسف ] : انه النبوه المانعه من إرتکاب الفواحش والحکمه الصارفه عن القبایح ;

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده ]روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد>.

۱۶ < عن الرضا ( ع ) : لقد همّت به و لولا أن رأی برهان ربّه لهمّ بها کما همّت به ، لکنّه کان معصوماً ، والمعصوم لایهمّ بذنب . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: آن زن قصد یوسف کرد و اگر یوسف برهان پروردگارش را ندیده بود، قصد آن زن می کرد همان گونه که زن او را قصد کرد ; ولی یوسف معصوم بود و معصوم قصد گناه نمی کند>.

حسب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۳

۳ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، حسب و نسب خویش را برای زندانیان بیان کرد .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

حق طلبان و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین

حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

حکمت خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جوینـدگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خـدا و علم و حکمت او در داسـتان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۰

۳۰ سرگذشت یوسف ( ع ) ( خروج او از زنـدان ، پایان فراق او با بستگان و . . . ) بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند رقم می خورد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم

حکمت در فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۵

۲۵ یعقوب ( ع ) گرفتار شدن به فراق فرزندانش ( یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

حکمت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۲ – ۲،۹

۲ یوسف ( ع ) در

سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود ; زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۹ بهره مندی یوسف ( ع ) از حکمت و علم ، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

<جزاء>(مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ < عن الصادق ( ع ) [ فی البرهان الذی رأی یوسف ] : انه النبوه المانعه من إرتکاب الفواحش والحکمه الصارفه عن القبایح ;

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده ]روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد>.

حکومت مصرباستان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ نظام حکومتی مصر در زمان عزیز ، نظامی استبدادی و فاقد دستگاه

قضايی مستقل بود .

و لئن لم يفعل . .. ليكونًا من الصغرين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۱۱

۱۱ مصر در زمان وزارت يوسف ( ع ) دارای حكومت پادشاهی بود .

ما كان ليأخذ أخاه فی دين الملك

حكومت يوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۱۰۱ – ۱۷

۱۷ برخورداری يوسف ( ع ) از قدرت و مكنت و بهره مندی او از دانش تعبير رؤيا ها و تحليل حوادث ، پرتوی از ولايت خداوند بر او بود .

قد ءاتيتنی من الملك و علمتنی . .. أنت ولیّ فی الدنيا و الأخره

حلم يوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۷۷ – ۹،۱۰

۹ يوسف ( ع ) در برابر سخن ناحق برادرانش ( مطرح كردن سرقت دروغين او ) از خود دفاع نكرد .

فأسرّها يوسف فی نفسه و لم يبدها لهم

ضمير <ها> در <أسرّها> و <لم يبدها> به حقيقت و واقعيت ماجرايی كه برادران يوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراين <فأسرّها ...> ; يعنی، يوسف(ع) حقيقت و واقعيت آن ماجرا را در نفس خويش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری كرد.

۱۰ يوسف ( ع ) بهره مند از سيطره بر خويشتن و برخوردار از حلم و بردباری

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

خائنان به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (

ع ) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لايهدی کيد الخائنين

مصـداق مورد نظر برای <الخـائنين> زليخا و زنان اشـراف و نيز درباريانی می باشـند که تصـميم به زنـدانی کردن يوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيات ليسجننه) آيه ۳۵.

خدا و رؤيای يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، رؤيای يوسف را عينيت بخشيد و حقيقت آن را در صحنه وجود ظاهر ساخت .

هذا تأويل رءيی من قبل قد جعلها ربی حقًا

رؤيا اگر صادق باشد و با آنچه تحقق می يابد موافق و مطابق باشد ، رؤيای حق ناميده می شود. بنابراين مفاد جمله <قد جعلها ربی حقاً> اين است که خداوند چنان کرد که رؤيای گذشته من با آنچه واقع شد ، مطابق باشد.

خداشناسی يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۷

۷ يوسف ( ع ) و برادرانش به نقش بسزای خداوند در امور بشر و روند تاريخ ، معتقد بودند و بدان باور داشتند .

قد منّ الله علينا . .. لقد ءاثرک الله علينا

خريدار يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲

۲ عزيز مصر ، يوسف ( ع ) را در مصر از کاروانيان خريداری کرد .

و قال الذی اشتريه من مصر

<من مصـر> محتمل است متعلق به <اشتراه> باشـد ، و احتمال دارد حال براى <الذى اشتراه> باشد. برداشت فوق ، ناظر به احتمال اول است. آيات بعد ، بيانگر آن است

که مراد از <الذی اشتراه>، عزیز مصر است.

خزانه داری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱،۴،۵،۶

۱ یوسف ( ع ) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیّت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار ; یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غلّه در اختیار من باشد.

۴ یوسف ( ع ) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبار های غذایی از حیف و میل شدن ، توانا بود .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

۵ یوسف ( ع ) بر نحوه کشت و برداشت و ذخیره سازی آذوقه ها و چگونگی تقسیم و توزیع آنها ، آگاهی کامل داشت .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی . .. علیم

۶ یوسف ( ع ) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امرکشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان

متعهد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف ( ع ) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض . .. و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

خواسته های کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۲

۲ کارگزاران یوسف از متهمان ( فرزندان یعقوب ) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

خواسته های همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۷

۷ هم بندان یوسف ( ع ) ، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند .

نبّئنا بتأویله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱

۱ یوسف ( ع ) ، تقاضای هم بندان خویش را پذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسیدن غذای آنان مطمئن ساخت .

نبّئنا بتأويله . .. قال لايأتيكما طعام ترزقانه إلاّ نبّأتكما بتأويله

برداشت فوق بر این اساس است كه مراد از ضمیر در <تأويله> رؤیای هر یك از هم بندان یوسف باشد. بر این مبنا جمله <قال لايأتيكما...> چنین معنا می شود: غذایی كه به شما اعطا می شود، برایتان

حاضر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۷

۷ هم بندان زندانی یوسف ( ع ) ، با اصرار و تقاضای مکرر از او خواستند رؤیاهایشان را تعبیر کند و تأویل آنها را بیان دارد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

آوردن فعل مضارع <تستفتیان> (پرسش می کنید) به جای فعل ماضی <استفتیا> (پرسش کردید) دلالت بر استمرار دارد و گویای اصرار و تقاضای مکرر هم بندان یوسف(ع) است.

خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۷

۷ یوسف ( ع ) از هم بندان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد ، عقیده درست را بر گزینند .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱،۸

۱ یوسف ( ع ) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف ( ع ) ( یادآوری وضعیت او ) را فراموش کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

<انساء> (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <أنساه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنساه ...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی

زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۰ – ۶،۷،۸

۶ یوسف ( ع ) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف ( ع ) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی ، هدف یوسف ( ع ) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف ( ع ) بریدند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۱ – ۳

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف ( ع ) بود .

فسئله ما بال النسوه . .. قال ما خطبکنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۵ – ۱،۱۶،۱۸

۱ یوسف ( ع ) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیّت

به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار ; یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غلّه در اختیار من باشد.

۱۶ < عن علی بن موسی الرضا ( ع ) : . . . ان یوسف ( ع ) . . . لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>.

۱۸ < عن أبی عبدالله ( ع ) أنه قال لقوم ممّن یظهرون الزّهد و یدعون الناس أن یکونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التقشّف . . . أخبرونی أین أنتم عن . . .یوسف النبی ( ع ) حیث قال لملک مصر : < اجعلنی علی خزائن الأرض . . . > فکان من أمره الذی کان أن اختار مملکه الملک و ما حول ها إلی الیمن . . . فلم نجد أحداً عاب ذلک علیه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند . .. فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه

کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۷

۷ یوسف ( ع ) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۲،۴،۹

۲ یوسف ( ع ) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب ( ع ) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

<یأت> در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که <یأت> به معنای <می آید> است و <بصیراً> حال می باشد; یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

۴ یوسف ( ع ) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب ( ع ) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند .

اذهبوا . .. فألقوه علی وجه أبی

برداشت فوق از حرف <فاء> در <فألقوه> استفاده شده است. <فألقوه> ; یعنی ، به مجرد رسیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

۹ یوسف ( ع ) از برادران خویش خواست تمام اهل و عیالشان ( خاندان یعقوب ) را به مصر کوچ دهند .

وأتونی بأهلکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸

- یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) پس از انجام مراسم استقبال ، از پدر و مادر و خویشانش خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی که <آمنین> بدان اشاره دارد با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از <ادخلوا . ..> سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

خودستایی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۷

۱۷ < قال سفیان : قلت لأبی عبدالله ( ع ) یجوز أن یزکّی الرجل نفسه ؟ قال : نعم إذا اضطّر إلیه ، أما سمعت قول یوسف : < . . .إنی حفیظ علیم > . . . ;

سفیان گوید: به امام صادق(ع) گفتم: آیا جایز است انسان از خود ستایش کند؟ فرمود: آری اگر ناچار شود. آیا نشنیده ای سخن یوسف را که گفت: <...إنی حفیظ علیم>...>.

خون پیراهن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۲،۴،۵،۱۹،۲۰

۲ برادران یوسف ، پیراهن وی را به خونی دروغین ( خونی غیر از خون او ) آغشته کردند .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

۴ خونین بودن روی پیراهن یوسف ، نشانه ای آشکار بر طعمه گرگ نشدن او بود .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

<بدم> مفعول برای <جاءو> است و <علی قمیصه> حال برای <دم> می باشد. بنابراین <جاءو ...> ; یعنی، خون دروغینی را آوردند در حالی که آن

خون بر روی پیراهن بود و از آن جا که معمولاً قسمت زیرین و آستر لباس مصدوم آغشته به خون می شود، ولی روی لباس یوسف خونین بود، یعقوب(ع) دریافت که فرزندش طعمه گرگ نشده است.

۵ خونی که برادران یوسف پیراهن او را با آن آغشته کردند ، به خوبی نشان می داد که خون یوسف نیست .

جاءو علی قمیصه بدم کذب

<کذب> مصدر است و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل <کاذب> می باشد به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل حاکی از مبالغه است بنابراین <دم کذب> یعنی خون دروغین که دروغ بودنش خیلی روشن و واضح بود.

۱۹ < عن أبی عبدالله ( ع ) قال لما أوتی بقمیص یوسف إلی یعقوب . . . کان به نضح من دم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که پیراهن یوسف برای یعقوب آورده شد . .. روی آن قطراتی از خون پاشیده شده بود>.

۲۰ < عن أبی جعفر ( ع ) فی قوله < و جاؤوا علی قمیصه بدم کذب > قال : إنهم ذبحوا جدیاً علی قمیصه ;

از امام باقر(ع) روایت شده درباره سخن خدا که فرموده: <و جاؤوا . ..> فرمود: آنان بزغاله ای بر روی پیراهن او ذبح کرده بودند>.

خیرخواهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۸

۱۸ عزیز مصر ( یوسف ) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الکیل و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۲ - ۹۲ - ۶

۶ یوسف ( ع ) از خداوند خواستار آمرزش خطا ها و گناهان برادرانش شد .

یغفر الله لکم

جمله <یغفر. ..> می تواند دعایی باشد و می تواند خبری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

دادخواهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلی ربک . .. ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم . ..> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله ...> عطف بر <أنی لم أخنه ...> باشد ; یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی ...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است برنمی آید.

دانش اقتصاد یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۵

۵ یوسف ( ع ) بر نحوه کشت و برداشت و ذخیره سازی آذوقه ها و چگونگی تقسیم و توزیع آنها ، آگاهی کامل داشت .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی . .. علیم

دانش تحلیل حوادث یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

یوسف - ۱۲ - ۶ - ۷،۸،۲۲

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف

و کذلک . .. یعلمک من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا> ; یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار> ; یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب ( ع ) به برگزیده شدن یوسف ( ع ) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

إنی رأیت أحد عشر . .. کذلک یجتبیک ربک و یعلمک من تأویل الأحادیث

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف ( ع ) ، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

یجتبیک ربک . .. إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف ( ع ) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا ، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است .

یجتبیک ربک و یعلمک .

.. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

برداشت فوق ، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات>، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و. ..> باشد که از جمله های <کذلک یجتبیک ربک و ...> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۵،۱۶،۱۹

۱۵ خداوند ، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیاها

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

۱۶ آموزش تحلیل رخداد ها و تأویل رؤیاها ، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

<لام> در <لنعلّمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

۱۹ دانش یوسف ( ع ) به تعبیر و تأویل رؤیا ها و تحلیل رخدادها ، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

برداشت فوق، با توجه به <من> که برای تبعیض است استفاده می شود. بنابراین <ولنعلّمه ...> ; یعنی: تا تحلیل بخشی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیاها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۸،۹،۱۰،۱۷

۸ یوسف ( ع ) برخوردار از علم به تأویل رؤیا ها و تحلیل حوادث

علمتنی من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: <هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود>. بنابراین مراد از احادیث هم می تواند

رؤیاها باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

۹ دانش یوسف ( ع ) به تعبیر و تأویل رؤیا ها و تحلیل حوادث و رخدادها ، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

علمتنی من تأویل الأحادیث

برداشت فوق با توجه به <من> که برای تبعیض است ، استفاده می شود.

۱۰ خداوند ، آموزگار یوسف ( ع ) در تأویل و تحلیل رؤیا ها و حوادث

رب قد . .. علمتنی من تأویل الأحادیث

۱۷ برخورداری یوسف ( ع ) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتنی من الملک و علمتنی . .. أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

دانش تعبیر رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۷،۸،۲۲

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف

و کذلک . .. یعلمک من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا> ; یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار> ; یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب (

ع ) به برگزیده شدن یوسف ( ع ) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

إنی رأیت أحد عشر . .. کذلک یجتبیک ربک و یعلمک من تأویل الأحادیث

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف ( ع ) ، موجب شد تا او را برگزینند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

یجتبیک ربک . .. إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف ( ع ) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا ، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است .

یجتبیک ربک و یعلمک . .. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

برداشت فوق ، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات>، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و. ..> باشد که از جمله های <کذلک یجتبیک ربک و ...> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۵،۱۶،۱۹

۱۵ خداوند ، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیاها

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

۱۶ آموزش تحلیل رخداد ها و تأویل رؤیاها ، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

<لام> در <لنعلّمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

۱۹ دانش یوسف ( ع ) به تعبیر و تأویل رؤیا ها و تحلیل رخدادها

، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

برداشت فوق، بـا توجه به <من> که برای تبعیض است اسـتفاده می شود. بنـابراین <ولنعلّمه ...> ; یعنی: تا تحلیل بخشـی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیاها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۷،۱۴

۷ هم بندان یوسف ( ع ) ، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند .

نبّئنا بتأویله

۱۴ محسن بودن یوسف ( ع ) ، دلیل مراجعه هم بندانش به او برای تعبیر رؤیا

نبّئنا بتأویله إنا نریک من المحسنین

جمله <إنا نراک> تعلیل برای <نبّئنا بتأویله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱،۱۰،۲۳

۱ یوسف ( ع ) ، تقاضای هم بنـدان خویش را پـذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسـیدن غـذای آنان مطمئن ساخت .

نبّئنا بتأویله . .. قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلاّ نبّأتکما بتأویله

برداشت فوق بر این اسـاس است که مراد از ضـمیر در <تـأویله> رؤیـای هر یک از هم بنـدان یوسف باشـد. بر این مبنا جمله <قال لایأتیکما...> چنین معنا می شود: غـذایی که به شـما اعطا می شود، برایتان حاضـر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

۱۰ آگاهی یوسف ( ع ) به غیب و توان او بر تعبیر رؤیاها ، تنها بخشی از دانش موهبتی خداوند به یوسف ( ع ) بود .

ذلکما مما علمنی ربی

<من> در <مما> می تواند برای تبعیض باشد

و محتمل است بیانگر نوع و جنس باشد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال نخست است.

۲۳ < عن أبی عبدالله ( ع ) قال : لما أمر الملک بحبس یوسف فی السجن ألهمه الله علم تأویل الرؤیا . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که شاه فرمان زندانی شدن یوسف را صادر کرد ، خدا علم تعبیر خواب را به او الهام کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۱،۲،۳،۵

۱ یوسف ( ع ) ، پس از ارشاد هم بندان خویش به توحید و یکتاپرستی ، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت .

یصحبی السجن أما أحدکما فیسقی ربه خمرًا

۲ یوسف ( ع ) ، رؤیای < آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب > را به رهایی صاحب رؤیا و ساقی ارباب خویش شدن تعبیر کرد .

أما أحدکما فیسقی ربه خمرًا

<سَـقْی> (مصدر یسقی) به معنای نوشانیدن و یا اعطای نوشیدنی است. بنابراین <أما أحدکما فیسقی ...> ; یعنی: یکی از شما به مالک و ارباب خود شراب خواهد نوشاند و ساقی او خواهد شد.

۳ یوسف ( ع ) ، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را ، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد .

و أما الأخر فیصلب فتأکل الطیر من رأسه

<صلب> (مصدر یصلب) یعنی ، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

۵ یوسف ( ع ) ، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را ، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن

را به ایشان گوشزد کرد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضی الأمر ...> ; یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۳،۴،۵،۶

۳ ساقی پادشاه ( هم بند یوسف در زندان ) با مشاهده درماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف ( ع ) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّکر> شده است. <اُمّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار ، یوسف ( ع ) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

۵ ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف ( ع ) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

ترکیب <أنا أُنبّئکم> دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

۶ ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف ( ع ) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أُنبّئکم

بتأویله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۱

۱ وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی ، تعبیر یوسف ( ع ) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

<شداد> (جمع شدید) از مصدر <شده> (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از <سبع شداد> هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه <ذلک> هفت سال آبادانی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف ( ع ) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملک ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۸،۹،۱۰،۱۷

۸ یوسف ( ع ) برخوردار از علم به تأویل رؤیا ها و تحلیل حوادث

علمتنی من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: <هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود>. بنابراین مراد از احادیث هم می تواند رؤیاها باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

۹ دانش یوسف ( ع ) به تعبیر و تأویل رؤیا ها و تحلیل حوادث و رخدادها ، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

علمتنی من

تأویل الأحادیث

برداشت فوق با توجه به <من> که برای تبعیض است ، استفاده می شود.

۱۰ خداوند ، آموزگار یوسف ( ع ) در تأویل و تحلیل رؤیا ها و حوادث

رب قد . .. علمتنی من تأویل الأحادیث

۱۷ برخورداری یوسف ( ع ) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتنی من الملک و علمتنی . .. أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

دانش کشاورزی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۵ – ۵،۶

۵ یوسف ( ع ) بر نحوه کشت و برداشت و ذخیره سازی آذوقه ها و چگونگی تقسیم و توزیع آنها ، آگاهی کامل داشت .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی . .. علیم

۶ یوسف ( ع ) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امرکشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

دربار یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۰ – ۲

۲ یوسف ( ع ) در دیار مصر دارای تخت و بارگاه فرمانروایی بود .

و رفع أبویه علی العرش

درخواست از یوسف(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲

۲ زلیخا با اظهار عشق و شیفتگی به یوسف ( ع ) ، او را به وصال خویش فرامی خواند .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

<مراوده> (مصدر راودثْ) به معنای درخواست کردن با رفق و مداراست، و <عن نفسه> بیانگر مورد درخواست می باشد. بنابراین <راودته ...> ; یعنی، زلیخا با ملاطفت و اظهار عشق و علاقه از یوسف(ع) درخواست کرد که خودش را در اختیار او بگذارد و این کنایه از تقاضای وصال و آمیزش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۱

۱ عزیز مصر از یوسف ( ع ) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا که مفاد عبارت <أعرض عن هذا> است در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است ، نه لب به شکایت نگشودن ; زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف(ع) - که برده ای زرخرید بوده ناسازگار است.

درخواست زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ < عن أبی جعفر ( ع ) فی قوله : < ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیات لیسجننه حتی حین > فالأیات شهاده الصبی و القمیص المخرّق من دبر و استباقهما الباب حتی سمع مجاذبت ها إیّاه علی الباب فلما عصاها فلم تزل ملحّه بزوجها حتی حبسه . .. ;

از امام باقر(ع) درباره

سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم . ..> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد ; پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد>.

درخواست فراموشی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۵

۵ فرزندان یعقوب از وی تقاضا کردند یوسف ( ع ) را فراموش کرده و یاد او را از خاطر بزداید .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

دشمنان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۶

۶ یعقوب ( ع ) پیش بینی می کرد که همه فرزندانش علیه یوسف ( ع ) متحد می شوند و هیچ کدام از او حمایت نخواهند کرد .

فیکیدوا لک کیدًا

ضمیر در <یکیدوا> به <إخوه> باز می گردد و این گویای برداشت فوق است.

دعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۱،۲۳

۱۱ یوسف ( ع ) ، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

<صبو> (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إلاّ تصرف ...> (اگر مکر آن زنان را از

من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

۲۳ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . و خرجن النسوه من عندها ( إمرأه العزیز ) فأرسلت کل واحده منهنّ إلی یوسف سرّاً من صاحبتها تسأله الزیاره فأبی علیهنّ و قال : < إلاّ تصرف عنّی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجاهلین ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. و بانوان از نزد همسر عزیز بیرون رفته و هر کدام پنهان از رفیق خویش (=زلیخا) به نزد یوسف [پیام] فرستاد و از او درخواست دیدار کرد و یوسف نپذیرفت و گفت: [پروردگار] اگر نیرنگ زنان را از من نگردانی به آنان تمایل پیدا می کنم و از جاهلان خواهم بود...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۶

۶ یوسف ( ع ) از خداوند خواستار آمرزش خطا ها و گناهان برادرانش شد .

یغفر الله لکم

جمله <یغفر. ..> می تواند دعایی باشد و می تواند خبری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱،۱۹،۲۳،۲۸

۱ یوسف ( ع ) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب ( ع ) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتیتنی . .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

۱۹ تسلیم خدا بودن در تمامی عمر و در حال مردن ، از دعا

ها و درخواست های یوسف ( ع ) به درگاه خداوند

توفنی مسلمًا

۲۳ ملحق شدن به صالحان در سرای آخرت ، از تقاضا های یوسف ( ع ) در نیایشش به درگاه خداوند

و ألحقنی بالصلحین

۲۸ < عن أبی عبدالله ( ع ) یقول : بینا رسول الله ( ص ) جالس فی أهل بیته إذ قال : أحبّ یوسف أن یستوثق لنفسه . . . لما عزل له عزیز مصر عن مصر . . . خرج إلی فلاه من الأرض فصلی رکعات فلما فرغ رفع یده إلی السماء فقال : < رب قد آتیتنی من الملک و علّمتنی من تأویل الأحادیث فاطر السماوات و الأرض أنت ولیی فی الدنیا و الأخره > قال : فهبط إلیه جبرئیل فقال له : یا یوسف ما حاجتک ؟ فقال : رب < توفنی مسلماً و ألحقنی بالصالحین > فقال أبوعبدالله ( ع ) خشی الفتن ;

از امام صادق(ع) روایت شده که می فرمود: رسول خدا(ص) زمانی در جمع خانواده خود نشسته بود که بی مقدمه فرمود: یوسف دوست داشت کار خود را محکم کند . .. هنگامی که عزیز مصر به نفع او از ریاست مصر برکنار شد ... یوسف به بیانانی رفت و چند رکعت نماز خواند و چون فارغ شد، دست به سوی آسمان برداشت و گفت: <رب قد آتیتنی ...>. [پیامبر(ص) ]فرمود: پس جبرئیل بر یوسف فرود آمد و به او گفت: ای یوسف! حاجت تو چیست؟ یوسف گفت: پروردگارا! <توفنی مسلماً و ألحقنی بالصالحین> سپس امام صادق(ع) فرمود: یوسف از فتنه ها ترسید>.

دعوت از همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۳

۳ یوسف ( ع ) ، هم بندان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد

دعوت از یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۶

۶ زنان اشراف مصر ( میهمانان زلیخا ) ، جملگی یوسف ( ع ) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما یدعوننی إلیه

<یدعون> در جمله فوق ، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند آنان نیز به قرینه <أصب إلیهنّ> یوسف(ع) را به خویش دعوت می کردند و به دلیل مضارع بودن <یدعون> بر آن اصرار میورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف ( ع ) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه . .. و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف ( ع ) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسی> ; یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او

را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

۴ یوسف ( ع ) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف ( ع ) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ; ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و. .. بوده است.

دعوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۲

۲ یوسف ( ع ) در پی ملاقات با برادرانش ، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد .

و لما دخلوا . .. ءاوی إلیه أخاه

دعوتهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۳

۳ یوسف ( ع ) ، هم بندان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ یوسف ( ع ) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

دفاع یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۶ – ۱،۶

۱ دفاع

یوسف ( ع ) از خویش ، در برابر اتهام زلیخا

قال هی رودتنی عن نفسی

۶ طمأنینه و آرامش یوسف ( ع ) به هنگام دفاع از خویش

قال هی رودتنی عن نفسی

یوسف(ع) در بیان رفع اتهام از خویش ، در سخن خود (هی رودتنی عن نفسی) نه از ادات تأکید استفاده کرد و نه جمله خویش را با قسم و مانند آن بیان داشت. این کار نشان دهنده آرامش و اطمینان یوسف(ع) در آن عرصه سخت است.

دلایل دروغگویی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف ( ع ) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف ( ع ) از پیشِ رو دانست .

إن کان قمیصه قُدّ من قُبل فصدقت و هو من الکذبین

دلایل صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف ( ع ) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشتِ سر دانست .

و إن کان . .. و هو من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۲،۴

۲ عزیز مصر با دیدن پارگی پشت پیراهن یوسف ( ع ) ، به صداقت او پی برد .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

۴ عزیز مصر شواهد ارائه شده از سوی داورِ ماجرای یوسف و زلیخا را ، برای

رفع اتهام از یوسف ( ع ) و اثبات بی گناهی او کافی دانست .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

دلایل عفت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۱

۱۱ ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را ، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و پاکدامنی یوسف ( ع )

فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

یوسف(ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت <الّتی قطعن أیدیهنّ> داستان میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف(ع) درصدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف(ع) بهترین شاهد بوده است.

دلایل علم غیب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۶

۶ خبر دادن از نوع غذا و خصوصیات آن ، دلیل یوسف ( ع ) فراروی زندانیان برای بهره مندیش از علم غیب

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلّا نبّأتکما بتأویله . .. ذلکما مما علمنی ربی

دلایل نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۳،۱۹

۳ - یوسف ( ع ) ارائه دهنده دلایل روشن و بی ابهام ، بر رسالت خویش برای مردم مصر

و لقد جاءکم یوسف من قبل بالبیّنت

۱۹ - < عن محمّدبن مسلم قال : قلت لأبى جعفر ( ع ) . . .كان يوسف

رسولاً نبيّاً ؟ قال : نعم أما تسمع قول اللّه تعالى : < و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبيّنات > ;

از محمدبن مسلم نقل شده که گفت : به امام باقر(ع) عرض کردم : . ..آیا یوسف(ع) دارای رسالت و نبوت بود؟ حضرت فرمود: آری آیا نشنیده ای سخن خدای تعالی را [که فرمود]: و لقد جاءکم یوسف من قبل بالبیّنات>.

دوراندیشی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۲

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی ، از هدف های یوسف ( ع ) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

دین یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۴

۲ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) را فاش ساخت .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

۴ یوسف ( ع ) ، پیرو شریعت پدرانش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

ذکر قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱

۱ - مؤمن آل فرعون برای بیدار کردن مردم و انصراف آنان از قتل موسی ( ع ) ، سرگذشت یوسف پیامبر رایادآور شد .

أتقتلون رجلًا . .. إنّی أخاف علیکم ... و لقد جاءکم یوسف

ربوبیت خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

رحمت بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۷

۷ یوسف ( ع ) مصونیت خویش از گناه و خیانت را پرتوی از رحمت الهی بر خویش می دانست .

ما أُبرّءُ نفسی . .. إلاّ ما رحم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۷

۱۷ دستیابی یوسف ( ع ) به قدرت در سرزمین مصر و بهره مندی او از رحمت خاص الهی ، پاداش کار های نیک او بود .

کذلك مکّنّا . .. نصیب برحمتنا ... و لانضیع أجر المحسنین

رشد یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱،۲،۶

۱ یوسف ( ع ) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أکرمی مثویه . .. و لما بلغ أشدّه

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شدّه (توان و قدرت) است.

بنابراین <أشدّ> ; یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

۲ یوسف ( ع ) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود ; زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۶ یوسف ( ع ) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد ، به مقام نبوّت نایل گردید .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

برداشت فوق ، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت ، تفسیر کرده اند.

رفاه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ آسودگی و رفاه یوسف ( ع ) در خانه عزیز مصر

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

رفع تهمت از یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۸

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی

، هدف یوسف ( ع ) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف ( ع ) بریدند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

رنجهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۴

۴ فراق یوسف ( ع ) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر ، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

روش اثبات حق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف ( ع ) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

روش برخورد یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۶

۶ طمأنینه و آرامش یوسف ( ع ) به هنگام دفاع از خویش

قال هی رودتنی عن نفسی

یوسف(ع) در بیان رفع اتهام از خویش ، در سخن خود (هی رودتنی عن نفسی) نه از ادات تأکید استفاده کرد و نه جمله خویش را با قسم و مانند آن بیان داشت. این کار نشان دهنده آرامش و اطمینان

یوسف(ع) در آن عرصه سخت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۰ – ۴

۴ استفاده یوسف ( ع ) از روش ترغیب به همراه تهدید برای رسیدن به مقصود خویش

ألا ترون أنی أُوفی الکیل . .. فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۲ – ۶

۶ یوسف ( ع ) با باز گرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گزاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها . .. لعلهم یرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

روش تبلیغ یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۹ – ۴

۴ یوسف ( ع ) ، با طرح سؤال و برانگیختن وجدان هم بندان خویش ، حقانیّت توحید و یکتاپرستی را برای آنان مطرح ساخت .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد القهار

رؤیای همبندان یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۶ – ۳،۴،۵،۶

۳ هم بندان یوسف ( ع ) در زندان ، هر کدام رؤیایی دیده و برای او بازگو کردند .

قال أحدهما إنی أرینی أعصر خمرًا

۴ آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب ، رؤیای یکی از دو زندانی هم بند یوسف ( ع )

قال أحدهما إنی أرینی أعصر خمرًا

<عصر> (مصدر أعصر) به معنای گرفتن آب از چیزی (میوه، لباس تر و. ..)

است. <خمر> به شراب مست کننده ای که از انگور به دست می آید، گفته می شود و مراد از <خمر> در آیه شریفه به قرینه أعصر (آب می گرفتم) انگور است. تعبیر کردن از انگور به شراب، به این لحاظ بوده که آن زندانی از انگور، برای تهیه شراب آب می گرفته است.

۵ حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن ، رؤیای یکی دیگر از هم بندان یوسف ( ع )

و قال الأخر إنی أرینی أحمل فوق رأسی خبزًا تأکل الطیر منه

<طیر> جمع طائر و به معنای پرندگان است.

۶ هر کدام از هم بندان یوسف ( ع ) ، رؤیای خویش را به طور مکرر دیده بودند .

إنی أرینی أعصر . .. إنی أرینی أحمل

به کارگیری فعل مضارع <أری> (در خواب می بینم) به جای فعل ماضی <رأیت> (در خواب دیدم ) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد ; یعنی، چندین شب پی در پی چنین دیده ام، به گونه ای که اگر باز هم بخوابم، مطمئنم که آن رؤیا را خواهم دید.

رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ یوسف ( ع ) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا والشمس والقمر رأیتهم لی سجدین

۲ یوسف ( ع ) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم

نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۳ یوسف ( ع ) هیچ ابهام و تردیدی در رؤیای خویش و خصوصیات آن نداشت .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

تکرار فعل <رأیت> برای تأکید است و هدف از تأکید رساندن این معناست که یوسف در خواب خویش و خصوصیات آن ، ابهام و تردیدی نداشت.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

۵ یوسف ( ع ) رؤیای شگفت خویش را برای پدرش ( یعقوب ( ع ) ) بیان کرد .

إذ قال یوسف لأبیه یأبت إنی رأیت

زلیخا و امتناع یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۵

۵ زلیخا ، سوگند یاد کرد که در صورت استنکاف یوسف ( ع ) از آمیزش با او ، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی مقدارش خواهد ساخت .

و لئن لم یفعل ما ءامره لیسجنن و لیکونًا من الصغرین

<لام> در <لئن> گویای قسم است. <یکوناً= یکونن> فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

زلیخا و حقانیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۱ – ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف ( ع ) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الئن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

زلیخا و دعای یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۴ – ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف ( ع ) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهنّ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهنّ> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مراوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

زلیخا و عفت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۱ – ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف ( ع ) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الئن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و

استقرار است.

زلیخا و کفران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ زلیخا ، تسلیم نشدن یوسف ( ع ) در برابر خواسته اش را ، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد .

رودته التی هو فی بیتها . .. إنه ربی أحسن مثوای

در برداشت فوق، <إنه ربی . ..> ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت <التی هو فی بیتها> استفاده می شود ; یعنی، زلیخا با اظهار اینکه مربی یوسف(ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف(ع) در برابر تقاضایش تسلیم شود ; ولی یوسف(ع) با جمله <إنه ربی ...> بیان می دارد که خداوند، مربی و مدبر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

زلیخا و مجازات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف ( ع )

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

برداشت فوق ، از تصریح زلیخا به <أهلك> (همسر تو) استفاده می شود ; یعنی ، او با آوردن <أهلك> درصدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف(ع) بود.

زلیخا و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۷،۸

۷ عزیز مصر ، یاوری یوسف ( ع ) و گزینش او به فرزندی را ، در گرو علاقه مندی یوسف ( ع ) به وی و همسرش زلیخا می

دانست .

أكرمی مثویه عسی أن ینفعنا أو نتخذه ولدًا

جمله <عسی. ..> تعلیل برای <أكرمی مثواه> است، و مفاد جمله چنین می شود: از آن رو از تو می خواهم او را گرامی بداری، تا علاقه او را به خودمان جلب کنی و در نتیجه بتوانیم به یاری او، دل ببندیم و یا به قبول فرزند خواندگیش، امیدوار باشیم.

۸ عزیز مصر ، اداره امور یوسف ( ع ) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست تا یوسف ( ع ) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد .

لامرأته أكرمی مثویه

<مثوی> اسم مكان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أكرمی مثواه> ; یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اكرام منزل و اقامتگاه ، تأكید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳،۵،۶،۸،۱۹،۳۲

۳ زلیخا برای هموار ساختن نظر یوسف ( ع ) به منظور کام جویی ، اهتمامی مداوم و پی گیر داشت .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در <راد یرود> که مراوده از آن است ، سعی و تلاش پی گیری برای رسیدن به مطلوب را قید کرده اند. برداشت فوق بر این اساس است.

۵ زلیخا با سلطه ظاهریش بر یوسف ( ع ) ، برخوردار از زمینه ای مساعد و کارآمد برای واداشتن یوسف ( ع ) به خواسته های خویش

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

قرآن، زلیخا را با عبارت <التی هو فی بیتها> (آن زن که یوسف در

خانه اش به سر می برد) توصیف می کند تا تسلّط زلیخا بر یوسف(ع) را برساند.

۶ زلیخا برای کام جویی از یوسف ( ع ) و رسیدن به وصال او ، درب های قصرش را قفل کرد و او را به سوی خویش فرا خواند .

رودته . .. و غلّقت الأبوب و قالت هیت لک

<تغلیق> (مصدر غلّقت) به معنای قفل کردن است. <هیت لک> اسم فعل امر و به معنای <بیا> می باشد.

۸ زلیخا ، همه شرایط و امکانات را برای کام جویی از یوسف ( ع ) فراهم کرده بود .

رودته . .. و غلّقت الأبوب و قالت هیت لک

۱۹ زلیخا به دلیل اکرام یوسف ( ع ) و خدمت به او ، توقع داشت که یوسف ( ع ) در برابر تقاضای نامشروعش ، تسلیم وی باشد .

رودته التی هو فی بیتها . .. قال ... إنه ربی

۳۲ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فلما راهق یوسف راودته إمرأه الملک عن نفسه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. چون حضرت یوسف در آستانه بلوغ جنسی قرار گرفت ، همسر پادشاه از او درخواست کرد که تا با او درآمیزد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱

۱ زلیخا ، پس از استنکاف یوسف ( ع ) از وصال او ، بر آن شد تا با قهر و غلبه از وی کام بگیرد .

و لقد همّت به

کلمه <همّه> و مشتقات آن، اگر به وسیله حرف <باء> متعدی شود، به معنای قصد کردن است.

بنابراین <و لقـد همّت به> ; یعنی، همانا زلیخا قصد یوسف(ع) کرد تا از او کام گیرد، و چون زلیخا از پیش نیز چنین قصدی داشت (رودته التی ...)، معلوم می شود مراد از این قصد، عزمی دیگر است و آن به قرینه <استبقا...> در آیه بعد آهنگ انجام آن با قهر و غلبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱،۴،۶،۷،۱۱،۱۲،۱۵

۱ زلیخا برای کام جویی از یوسف ( ع ) و واداشتن او به آمیزش ، درصدد برآمد تا با وی درآویزد .

واستبقا الباب

۴ زلیخـا برای دستیـابی به یوسف ( ع ) و جلوگیری از خروج وی ، به تعقیب او پرداخت و بـا سـرعت به سـمت درب خروجی دوید .

واستبقا الباب

۶ زلیخا برای جلوگیری از خروج یوسف ( ع ) ، از پشتْ پیراهنش را چنگ زد و او را به شدت به سوی خود کشید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۷ زلیخا بر اثر چنگ زدن به پیراهن یوسف ( ع ) ، پیراهن او را چاک زد و سرتاسر آن را پاره کرد .

و قدت قمیصه من دبر

<قـدّ> (مصـدر قـدّت) به معنـای شـکافتن و پاره کردن طولی و سراسـری است (لسان العرب) ; یعنی ، آن گاه گفته می شود <قدّ القمیص> که پیراهن از طول پاره شود و سراسر آن شکافته گردد.

۱۱ زلیخا به هنگام برخورد با شوهرش ، عزیز مصر ، یوسف ( ع ) را به قصد تجاوز به خویش متهم کرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا

<جزاء> به معنای سزا و کیفر و

<ما> در جمله فوق نافیه است. بنابراین <ما جزاء ...> ; یعنی: نیست کیفر و سزای کسی که خواسته باشد به همسرت تجاوز کند ، مگر زندان یا عذابی دردناک.

۱۲ پیشدستی زلیخا در طرح اتهام علیه یوسف ( ع )

و ألفیا سیدها لدا الباب قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا

۱۵ زلیخا در نزد عزیز مصر ، یوسف ( ع ) را به تحقق تجاوز ، متهم نکرد .

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا

برداشت فوق ، از فعل <أراد> (قصد کرد) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱

۱ عشق زلیخا به یوسف ( ع ) و تقاضای کام جویی وی از او ، در شهر شایع شد .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۰،۱۳

۱۰ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف ( ع ) ، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند .

و قالت اخرج علیهنّ

کلمه <خروج> به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین <اخرج علیهنّ> می رساند که یوسف(ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد ; یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

۱۳ زلیخا تا قبل از برملا شدن عشقش به یوسف ( ع ) ، او را از دید زنان اشراف مصر مخفی می کرد .

امرأت العزیز ترود فتیها

. .. فلما رأينه أكبرنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۲ – ۲

۲ زلیخا ، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف ( ع ) ، اقرار و اعتراف کرد .

لقد رودته عن نفسه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۵ – ۴،۱۱

۴ زندانی شدن یوسف ( ع ) ، به تحریک و درخواست زلیخا نبود . *

لئن لم یفعل ما ءامره لیسجنن . .. ثم بدا لهم ... لیسجننه

تعبیر <ثم بـدا لهم> (پس از مدتی این رأی برای آنان هویدا شد و به ذهنشان خطور کرد که زندانیش کنند) حاکی است که این رأی و نظر به پیشنهاد زلیخا نبوده است علاوه بر این آیه قبل گویای آن است که خداوند، زلیخا و دیگر زنان را از یوسف منصرف کرد و داستان مراوده متروک شد لذا زلیخا دیگر درصدد نبود که با زندانی کردن یوسف وی را رام سازد.

۱۱ < عـن أبی جعفر ( ع ) فی قـوله : < ثم بـدا لهم من بعـد مـا رأوا الأیـات لیسـجننه حـتی حین > فالأیـات شـهاده الصـبی و القمیص المخرّق من دبر و اسـتباقهما الباب حتی سمع مجاذبت ها إیّاه علی الباب فلما عصاها فلم تزل ملحّه بزوجها حتی حبسه . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سـخن خـدا که فرمود: <ثم بـدا لهم . ..> روایت شـده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت

در، یوسف را به طرف خود می کشد ; پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۶

۱۶ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف ( ع ) اعتراف کرد و به استنکاف یوسف ( ع ) از پذیرش تقاضایش شهادت داد .

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جمله <أنا رودته عن نفسه> به بیانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شماره ۲ گذشت دلالت بر حصر دارد ; یعنی ، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

زلیخا وذلت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۵

۵ زلیخا ، سوگند یاد کرد که در صورت استنکاف یوسف ( ع ) از آمیزش با او ، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی مقدارش خواهد ساخت .

و لئن لم یفعل ما ءامره لیسجنن و لیکونًا من الصغرین

<لام> در <لئن> گویای قسم است. <یکوناً= یکونن> فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

زمان رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۸،۱۱

۸ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . . رأی یوسف هذه الرؤیا و له تسع سنین فقصّها علی أبیه . . . و کان یوسف من أحسن الناس وجهاً و کان یعقوب یحبّه . . . ;

از امام

باقر(ع) روایت شـده:. .. یوسف این خواب را در سن نه سالگی دیـد و آن را برای پدرش نقل کرد ... یوسف از تمام مردم زیبا صورت تر بود و یعقوب او را دوست می داشت>.

۱۱ > قال أبوحمزه : فقلت لعلی بن الحسین ( ع ) : متی رأی یوسف الرؤیا ؟ فقال : فی تلک اللیله التی بات فیها یعقوب و ولده شباعاً و بات فیها ذمیال جائعاً رائهاً . . . ;

ابوحمزه گویـد: به امام سـجاد(ع) گفتم چه وقت یوسف(ع) این خواب را دیـد؟، فرمود: همان شبی که یعقوب و فرزنـدانش با شکم سیر خوابیدند و ذمیال با شکم گرسنه و در حال ناراحتی خوابید . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۳

۱۳ رؤیای شگفت یوسف ( ع ) ( سجده ستارگان ، ماه و خورشید ) در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است .

قال یبنیّ

کلمه <بنیّ> تصغیر کلمه <ابن> می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است. <یبنیّ> ; یعنی، ای پسر کوچک من.

زمینه اقتدار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ خداوند ، با وارد ساختن یوسف ( ع ) به خانواده عزیز مصر ، راه قدرتمند شدن یوسف ( ع ) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

مراد از <الأرض> سرزمین مصر است. <تمکین> (مصـدر مکّنّا) به معنـای مکـان دادن و نیز به معنـای قـدرت و سـلطنت بخشیدن است. قید <فی الأرض> حکایت از آن دارد

که: مراد از <مکّنّا> در آیه شریفه ، معنای دوم است.

زمینه برگزیدگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ ورود یوسف به خانه عزیز مصر ، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

عبارت <لنعلّمه> عطف بر عبارتی مقدر است ; یعنی: مکّنّا لیوسف لنفعل کذا و لنعلّمه . .. ; مراد از لنفعل کذا ، اموری است که خداوند در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند <رأیتهم لی ساجدین> و <کذلک یجتبیک ربک ...>.

زمینه تقرب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۳

۳ یوسف ( ع ) با یادآوری نعمت های الهی و توجه به ربوبیّت و علم و حکمت فراگیر خداوند ، خویشتن را در محضر او احساس کرد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم. رب قد ءاتیتنی

تغییر سیاق ; یعنی، التفات از غیبت (إن ربی . .. إنه هو العلیم) به خطاب (رب قد ءاتیتنی) حاوی نکاتی است از جمله اینکه یوسف(ع) با یاد کردن از نعمتهای خدادادی و توجه به ربوبیّت و علم و حکمت مطلق الهی، به این حقیقت توجه پیدا کرد که خداوند حاضر و ناظر است. از این رو خود را در محضر او احساس کرد و او را مخاطب قرار داد.

زمینه توطئه علیه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۸

۸ حسادت برادران یوسف به وی ،

آنان را به جلسه ای برای تصمیم گیری علیه او واداشت .

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا منا

زمینه حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۵

۵ رسیدن یوسف ( ع ) به سن رشد ، زمینه ساز برخورداری او از علم و حکمت

و لما بلغ أشدّه ءاتينه حكمًا و علمًا

زمینه حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ خداوند ، با وارد ساختن یوسف ( ع ) به خانواده عزیز مصر ، راه قدرتمند شدن یوسف ( ع ) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد .

و كذلك مكّنّا ليوسف فى الأرض

مراد از <الأرض> سرزمین مصر است. <تمکین> (مصدر مکّنّا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت و سلطنت بخشیدن است. قید <فی الأرض> حکایت از آن دارد که: مراد از <مکّنّا> در آیه شریفه ، معنای دوم است.

زمینه علم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۵

۵ رسیدن یوسف ( ع ) به سن رشد ، زمینه ساز برخورداری او از علم و حکمت

و لما بلغ أشدّه ءاتينه حكمًا و علمًا

زنان اشراف مصر و دعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف ( ع ) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف

شدند .

فصرف عنه کیدهنّ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهنّ> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مراوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

زنان اشراف مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۹،۲۲،۲۳،۲۴

۱۴ زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا ، برای اولین بار یوسف ( ع ) را مشاهده کردند .

فلما رأینه أکبرنه . .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۱۵ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف ( ع ) ، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأینه أکبرنه و قطّعن أیدیهنّ

<إکبار> (مصدر أکبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

۱۶ زنان اشراف با دیدن یوسف ( ع ) ، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأینه أکبرنه و قطّعن أیدیهنّ

۱۷ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف ( ع ) ، به جای خوردنیها ، کارد بر دست های خویش نهاده ، آن را چاک چاک کردند .

فلما رأینه أکبرنه و قطّعن أیدیهنّ

استفاده از ماده <قطع> که به معنای بریدن و جدا ساختن است در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطّعن) برای رساندن این

نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند ; زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

۱۹ اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف ( ع ) و عظمت جمال او

فلما رأینه . .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۲۲ جمال بی مانند یوسف ( ع ) ، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد .

حش لله ما هذا بشرًا

۲۳ زنان اشراف ، یوسف ( ع ) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

إن هذا إلاّ ملک کریم

۲۴ زنان ملامت کننده زلیخا ، با مشاهده یوسف ( ع ) ، زلیخا را در عشقش محق دانستند .

فلما رأینه أکبرنه . .. إن هذا إلاّ ملک کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۶

۶ زنان اشراف مصر ( میهمانان زلیخا ) ، جملگی یوسف ( ع ) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما یدعوننی إلیه

<یدعون> در جمله فوق ، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند آنان نیز به قرینه <أصب إلیهنّ> یوسف(ع) را به خویش دعوت می کردند و به دلیل مضارع بودن <یدعون> بر آن اصرار میورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۵،۶،۷

۵ زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف ( ع ) را انکار نکردند .

ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

۶ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ،

بر پاکدامنی یوسف ( ع ) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بـدی و آلودگی) پس از نفی واقع شـده است و از این رو شامـل هرگونه سوء و بـدی می شود و <من> زایـده نیز این معنا را تأکید می کند.

۷ یوسف ( ع ) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

زندان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۷

۱۷ وجود زندان در مصر باستان و در عصر حضرت یوسف ( ع )

إلا أن یسجن

زندانی در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۸

۱۸ زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف ( ع ) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

زندانی کردن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ زندانی کردن یوسف ( ع ) و یا شکنجه او ، مجازات پیشنهادی زلیخا به عزیز مصر

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۵ – ۴،۷

۴ زندانی شدن یوسف ( ع ) ، به تحریک و درخواست زلیخا نبود . *

لئن لم یفعل ما ءامره لیسجنن . .. ثم بدا لهم ... لیسجننه

تعبیر <ثم بدا

لهم> (پس از مدتی این رأی برای آنان هویدا شد و به ذهنشان خطور کرد که زندانیش کنند) حاکی است که این رأی و نظر به پیشنهاد زلیخا نبوده است علاوه بر این آیه قبل گویای آن است که خداوند، زلیخا و دیگر زنان را از یوسف منصرف کرد و داستان مراوده متروک شد لذا زلیخا دیگر درصدد نبود که با زندانی کردن یوسف وی را رام سازد.

۷ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف ( ع ) ، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱

۱ رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف ( ع ) را به زندان افکندند .

بدا لهم . .. لیسجننه حتی حین. و دخل معه السجن فتیان

زیبایی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۴،۵

۴ داستان یوسف ( ع ) بهترین و زیباترین داستان

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

۵ خداوند ، داستان یوسف را با بهترین و زیباترین بیان نقل کرده و گزارش داده است .

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

زیبایی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۲،۲۰،۱۹،۱۷،۱۶،۱۵

۱۵ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف ( ع ) ، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأینه أکبرنه و قطّعن أیدیهنّ

<إكبار> (مصدر أكبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

۱۶ زنان اشراف با دیدن یوسف ( ع ) ، از خود

بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأینه أکبرنه و قطّعن أیدیهنّ

۱۷ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف ( ع ) ، به جای خوردنیها ، کارد بر دست های خویش نهاده ، آن را چاک چاک کردند .

فلما رأینه أکبرنه و قطّعن أیدیهنّ

استفاده از ماده <قطع> که به معنای بریدن و جدا ساختن است در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند ; زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

۱۹ اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف ( ع ) و عظمت جمال او

فلما رأینه . .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۲۰ جمال یوسف ( ع ) ، جمالی بی نظیر ، دلربا و در اوج زیبایی و ملاحت بود .

فلما رأینه أکبرنه و قطّعن أیدیهنّ و قلن حش لله ما هذا بشرًا

نقل این قسمت از داستان یوسف (فلما رأینه . ..) برای بیان اوج زیبایی و دلربایی یوسف(ع) است. علاوه بر این، محتمل است اشاره به معذور بودن زلیخا در عشقش به یوسف(ع) باشد. مؤید این احتمال، این است که قرآن از او مذمت نکرده و یوسف(ع) نیز او را در مراحل مراوده، به عذابهای الهی هشدار نداده است.

۲۲ جمال بی مانند یوسف ( ع ) ، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد .

حش لله ما هذا بشرًا

ساقی پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۲،۳،۴،۶،۷

۲ ساقی پادشاه ( هم بند یوسف در زندان ) ، مدتی مدید یوسف ( ع ) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

نکره آوردن <اُمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست.

۳ ساقی پادشاه ( هم بند یوسف در زندان ) با مشاهده درماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف ( ع ) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّکر> شده است. <اُمّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار ، یوسف ( ع ) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

۶ ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف ( ع ) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أُنبّئکم بتأویله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف ( ع ) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه

و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> ; یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف ( ع ) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیّها الصدیق أفتنا

۲ ساقی دربار ، یوسف ( ع ) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب < صدّیق > او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیّها الصدیق

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف ( ع ) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أیّها الصدیق

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف ( ع ) بازگو کرد .

إنی أری سبع بقرت . .. أفتنا فی سبع بقرت ... و أُخر یابست

۵ ساقی دربار ، از یوسف ( ع ) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یأکلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و أُخر یابست

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف ( ع ) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . .. لعلّی أرجع إلی الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف ( ع )

به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف ( ع ) جهت تعبیر خواب

لعلّی أرجع إلی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۵

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف ( ع ) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاءه الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف(ع) فرستاده شده بود.

سجده آل یعقوب(ع) بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۷،۹

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۹ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی ( سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او ) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقًا

تأویل رؤیا ; یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

سجده خورشید بر یوسف(ع)

– سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴ – ۱،۲،۴

۱ یوسف ( ع ) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا والشمس والقمر رأیتهم لی سجدین

۲ یوسف ( ع ) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده ستارگان بر یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴ – ۱،۲،۴

۱ یوسف ( ع ) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا والشمس والقمر رأیتهم لی سجدین

۲ یوسف ( ع ) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز

جمعهای مـذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شـعور است. به کارگیری آن ضـمیر و آن گونه جمع در بیان سجده سـتارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده مادر یوسف بر یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۰ – ۷،۹

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصـدر خرّوا) به معنای سـقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سـجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضـمیر در <خرّوا> هماننـد <دخلـوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبـل برادران یوسف و خـانواده هـای ایشـان و نیز پـدر و مـادر اوست.

۹ سـجده پدر و مادر و بسـتگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی ( سـجده یازده سـتاره و ماه و خورشـید بر او ) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقًا

تأویل رؤیا ; یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

سجده ماه بر یوسف(ع)

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴ – ۱،۲،۴

۱ یوسف ( ع ) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا والشمس والقمر رأیتهم لی سجدین

۲ یوسف ( ع ) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده یعقوب(ع) بر یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۰ – ۷،۹

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های

ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۹ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی ( سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او ) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقًا

تأویل رؤیا ; یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

سخاوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۱،۱۸

۱۱ یوسف ( ع ) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

۱۸ عزیز مصر ( یوسف ) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الکیل و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

سختی فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۲

۲ یعقوب ( ع ) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف ( ع ) ، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

<حرض> به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده و مشرف بر هلاکت باشد.

سرزمین کنعان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۳

۳ سرزمین کنعان ، خارج از قلمرو حکومتی مصر در زمان یوسف ( ع ) *

و

جاء إخوه يوسف

بعید به نظر می رسد که یوسف(ع) همه غلات را از تمامی مناطق مصر به مرکز حکومت منتقل کرده باشد ; زیرا طبیعی آن بود که غلات هر منطقه - به ویژه در آن زمان که حمل و نقل امری مشکل بود - در همان جا ذخیره شود. بنابراین اگر کنعان در قلمرو حکومت یوسف(ع) بود، در آن جا نیز انباری تهیه می شد و غلات در آن ذخیره می گردید و نیازی به آمدن کنعانیان به مرکز مصر نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۶

۶ نایاب بودن آذوقه و غلّه در کنعان طی هفت سال قحطی و خشکسالی عصر یوسف

قالوا یأبانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا نکتل

سرزمین مصر در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ سرزمین مصر در زمان یوسف ( ع ) زمینه دار تولید غلات و محصولاتی بیش از مصرف سرانه آن سامان

قال تزرعون سبع سنین دأبًا فما حصدتم فذروه فی سنبله

سرزنش شک در نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۸

۸ - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر ، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف ( ع ) در گذشته ( علی رغم مشاهده دلایل روشن او )

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

سرزنش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۶

۱۶ < عن النبی ( ص ) فی

قوله : < إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل > قال : سرق يوسف ( ع ) صنماً لجدّه أبى اُمّه من ذهب و فضّه ، فكسره و ألقاه فى الطريق ، فعيّره بذلك إخوته ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا [كه به نقل از برادران يوسف] فرموده: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل>: روايت شده است: يوسف، بتى از طلاـ و نقره را كه از جدّ مادريش بود، دزديد و آن را شكست و در راه انداخت، پس برادران يوسف او را براى اين كار سرزنش كردند>.

سن يوسف(ع) در چاه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۷

۱۷ < قال أبوحمزه : فقلت لعلى بن الحسين ( ع ) : إبن كم كان يوسف يوم ألقوه فى الجبّ ؟ فقال : إبن تسع سنين . . . ;

أبوحمزه گويد: به امام سجاد(ع) گفتم: زمانى كه يوسف را در چاه انداختند چند ساله بود؟ فرمود: نُه ساله. ..>.

سنّ يوسف(ع) در زندان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ < عن الصادق ( ع ) : انه قال : دخل يوسف السجن و هو إبن إثنتى عشر سنه و مكث فيه ثمان عشر سنه . . . ;

از امام صادق(ع) روايت شده: كه فرمود: يوسف در سن دوازده سالگى وارد زندان شد و هيجده سال در زندان ماند . ..>.

سهميه بندى غلات در دوران يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۵

- ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ جیره بندی سرانه ، برنامه یوسف ( ع ) برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چون با آمدن بنیامین به مصر ، فرزندان یعقوب یک بار شتر علاوه بر بارهای خویش می گرفتند چند نکته استفاده می شود: ۱ جیره بندی سرانه بوده است. ۲ سهمیه و جیره بیش از یک بار شتر نبوده است.

۱۴ یوسف ( ع ) به هر فرد در هر نوبت ، تنها یک بار شتر غلّه می فروخت .

نزداد کیل بعیر

۱۵ تحویل سهمیه هر فرد به شخص متقاضی ، از جمله مقررات وضع شده از ناحیه یوسف برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چنان چه کسی می توانست سهمیه دیگری را دریافت کند <نزداد کیل بعیر> (با آمدن بنیامین یک بار شتر اضافه دریافت می کنیم) به عنوان یک دلیل مستقل برای لزوم مسافرت بنیامین به مصر مطرح نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۹

۹ تداوم سیاست یوسف ( ع ) در جیره بندی غلات و فروش و دریافت بهای آنها ، در دوران قحطی مصر

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

چنان چه گذشت آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۲ از همین سوره دلالت بر آن داشت که یوسف آذوقه های ذخیره شده را جیره بندی کرده بود و سهمیه افراد را در برابر دریافت بها به آنان می پرداخت. آیه مورد بحث نیز به دلیل کلمه <کیل> و جمله <جئنا ببضاعه مزجاه> حاکی از آن است که سیاست سهمیه بندی و گرفتن بهای سهمیه همچنان پس از گذشت مدتها ادامه

داشت.

سهولت ملاقات با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۱

۱۱ ملاقات مردم حتی غیر مصریان ، با یوسف ( ع ) امری سهل و آسان بود .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

<فاء> در عبارت <فدخلوا علیه> می رساند که فاصله ای میان آمدن برادران و ملاقات با او نبوده است. جمله <عرفهم> نیز دلالت می کند که دربان و حاجبی که از حسب و نسب مراجعه کنندگان پرسش کند و به یوسف(ع) گزارش دهد و اجازه ملاقات بخواهد در میان نبوده است. اینها حکایت از آسانی ملاقات مردم حتی غیر مصریان با یوسف(ع) می کند.

سیاستهای اقتصادی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۴

۴ یوسف ( ع ) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبار های غذایی از حیف و میل شدن ، توانا بود .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۱

۱ یوسف ( ع ) در سال های قحطی ، سهمیه و جیره افراد را طبق برنامه ای زمانبندی شده در دفعات متعدد تحویل می داد .

و لما جهزهم بجهازهم . .. فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم

<کیل> به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن طعام و غلات است. نامیدن غله به <کیل> بدان جهت است که برای تحویل، آنها را پیمانه می کردند و این بر سهمیه بندی دلالت دارد. از جمله <فإن لم تأتونی به ...> (اگر در

سفر آینده و نوبت بعد بنیامین را نزد من نیاورید ...) معلوم می شود غله در دفعات متعدد و طبعاً زمان بندی شده پرداخت می گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱

۱ یوسف ( ع ) سهمیه افراد را به آنان می فروخت و بهای آن را دریافت می کرد .

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

<بضاعه> به مالی که برای تجارت و خرید و فروش است گفته می شود. بنابراین مراد از <بضاعتهم> مالی است که برادران یوسف در مقابل دریافت سهمیه به او پرداخته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ جیره بندی سرانه ، برنامه یوسف ( ع ) برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چون با آمدن بنیامین به مصر ، فرزندان یعقوب یک بار شتر علاوه بر بارهای خویش می گرفتند چند نکته استفاده می شود: ۱ جیره بندی سرانه بوده است. ۲ سهمیه و جیره بیش از یک بار شتر نبوده است.

۱۴ یوسف ( ع ) به هر فرد در هر نوبت ، تنها یک بار شتر غلّه می فروخت .

نزداد کیل بعیر

۱۵ تحویل سهمیه هر فرد به شخص متقاضی ، از جمله مقررات وضع شده از ناحیه یوسف برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چنان چه کسی می توانست سهمیه دیگری را دریافت کند <نزداد کیل بعیر> (با آمدن بنیامین یک بار شتر اضافه دریافت می کنیم) به عنوان یک دلیل مستقل برای لزوم مسافرت بنیامین به مصر مطرح نمی

شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۹،۱۰

۹ تداوم سیاست یوسف ( ع ) در جیره بندی غلات و فروش و دریافت بهای آنها ، در دوران قحطی مصر

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

چنان چه گذشت آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۲ از همین سوره دلالت بر آن داشت که یوسف آذوقه های ذخیره شده را جیره بندی کرده بود و سهمیه افراد را در برابر دریافت بها به آنان می پرداخت. آیه مورد بحث نیز به دلیل کلمه <کیل> و جمله <جئنا ببضاعه مزجاه> حاکی از آن است که سیاست سهمیه بندی و گرفتن بهای سهمیه همچنان پس از گذشت مدتها ادامه داشت.

۱۰ یوسف ( ع ) از فقیران و تهیدستان برای پرداخت سهمیه شان ، بهایی دریافت نمی کرد .

مسّنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <أوف لنا الکیل> به وسیله <فاء> بر <مسنا و أهلنا الضر . ..> است.

سیمای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۵

۲۵ سیمای یوسف ( ع ) ، نمایانگر بزرگواری و کرامت والای او بود .

إن هذا إلّا ملک کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۳

۱۳ سیمای یوسف ( ع ) و عملکرد او ، نشان دهنده شخصیت بلند مرتبه و بیانگر نیکوکاری او بود .

إنا نریک من المحسنین

<نری> در آیه شریفه، به معنای <یقین داریم> است. رساندن این معنا با کلمه <نری> (می بینیم) گویای این

مطلب است که: علم و یقین آن دو نفر به شخصیت یوسف(ع) ، از طریق مشاهده رفتار و منش او حاصل شده بود.

شخصیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ یوسف ( ع ) ، شخصیتی با گذشت ، جوانمرد و بزرگوار

أفتنا . .. قال تزرعون

یوسف(ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف(ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ یوسف ( ع ) شخصیتی با عظمت ، بزرگوار و در اوج کرامت و آزادگی

قال الملک ائتونی به . .. فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۸

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف ( ع ) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <أمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت بپرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستوراتت نافذ

است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

شخصیت یوسف(ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۶

۶ یوسف ( ع ) در دربار عزیز مصر ، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و لیکونًا من الصغرین

شرایط ملاقات با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۲،۳

۲ یوسف ( ع ) به برادرانش خاطر نشان ساخت که تنها در صورتی غله نوبت بعد را دریافت خواهند کرد که بنیامین را همراه خود بیاورند .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی

۳ یوسف ( ع ) به برادرانش اعلام کرد در صورتی که بنیامین را در نوبت بعد همراه نیاورند ، نباید به بارگاه او حاضر شوند .

فإن لم تأتونی به . .. و لاتقربون

نون مکسور در <لاتقربون> نون وقایه و حاکی از یای متکلم محذوف است. بنابراین <لاتقربون> ; یعنی، نزد من نیایید.

شرک همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۲

۲ دو زندانی هم بند یوسف ( ع ) ، از مشرکان بودند .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر

شفاعت نزد یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۸

۸ فرزندان یعقوب از او خواستند تا از آنان نزد یوسف ( ع ) شفاعت کند و گذشت از خطاهایشان را از وی بخواهد . *

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

نبودن <ربنا> در سخن فرزندان یعقوب (استغفر لنا ذنوبنا) در مقابل تصریح یعقوب(ع) به

<ربی> در پاسخ آنان (سوف أستغفر لکم ربی) مبنای برداشت فوق است. تصریح یعقوب(ع) به اینکه تنها خداوند آمرزنده و مهربان است، می تواند مؤید این احتمال باشد.

شک در بشر بودن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۲

۲۲ جمال بی مانند یوسف ( ع ) ، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد .

حش لله ما هذا بشرًا

شک در نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۵

۵ - شک و تردید مستمر مردم مصر در رسالت یوسف ( ع ) تاپایان عمر ایشان ( علی رغم مشاهده دلایل روشن بر صدق رسالت آن حضرت ) .

لقد جاءکم یوسف من قبل بالبیّنت فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

شکرگزاری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۸

۱۸ یوسف ( ع ) ، معتقد به توحید افعالی ، و انسانی قدرشناس و سپاسگزار در برابر نعمت های الهی

قد جعلها ربی حقًا و قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱

۱ یوسف ( ع ) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب ( ع ) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه

او پرداخت .

رب قد ءاتيتنى . .. فاطر السموت و الأرض ... توفنى مسلمًا و ألحقنى بالصلحين

شكنجه در دوران يوسف(ع)

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۵ – ۱۸

۱۸ زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف ( ع ) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

شکنجه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۵ – ۱۶

۱۶ زندانی کردن یوسف ( ع ) و یا شکنجه او ، مجازات پیشنهادی زلیخا به عزیز مصر

ما جزاء من أراد بأهلک سوءًا إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

شناسایی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۸ – ۱۶

۱۶ < عن أبی جعفر ( ع ) : < . . . فعرفهم یوسف و لم یعرفه إخوته لهیبه الملک و عزّته . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . .. یوسف برادران خود را شناخت و آنان یوسف را به علت هیبت و شکوه پادشاهی نشناختند ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۱،۳،۲۰

۱ فرزندان یعقوب در پی سخنان عزیز مصر ( آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید ) دریافتند که او برادرشان یوسف ( ع ) است .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف . .. قالوا أءنک لأنت یوسف

جمله <أءنک . ..> حاوی چهار تأکید است: اسمی بودن جمله ، حرف تأکید <إنّ> ، لام تأکید و ضمیر فصل <أنت>. و

اینها حاکی از این است که برادران یوسف بر اینکه مخاطبشان همان یوسف(ع) است ، اطمینان کردند.

۳

یوسف ( ع ) در پی پرسش برخاسته از شگفت زدگی و ناباوری برادرانش ، تصریح کرد که او همان یوسف است .

أءنک لأنت یوسف قال أنا یوسف

۲۰ < عن سدیر قال : سمعت أبا عبدالله ( ع ) یقول : إن فی القائم سنّه من یوسف . . . فما تنکر هذه الأمه أن یکون الله أن یفعل بحجته ما فعل بیوسف . . . هم لا یعرفونه حتی یأذن الله عزوجل أن یعرّفهم نفسه کما أذن لیوسف حین قال : . . . أنا یوسف و هذا أخی ;

سدیر گوید: شنیدم از امام صادق(ع) که می فرمود: به تحقیق در حضرت قائم سنتی از یوسف است . .. چه چیزی را انکار می کند این امت؟ [آیا] این را که خداوند نسبت به حجّت خود کاری را انجام دهد که درباره یوسف انجام داد؟ ... آنان قائم را نمی شناسند تا اینکه خدای عزوجل اذن دهد که خود را معرفی کند، همان گونه که به یوسف اذن [معرفی خود را] داد آن گاه که او گفت: ... أنا یوسف و هذا أخی>.

شیطان و تبرئه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ خروج یوسف ( ع ) از زندان و رفع اتهام از او ، ناسازگار با اهداف شیطان

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

شیطان و نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ خروج یوسف ( ع ) از زندان و رفع اتهام از او ، ناسازگار با

اهداف شیطان

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

صبر در فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۲،۱۴

۱۲ یعقوب ( ع ) مصمم بر شکیبا بودن در فراق یوسف ( ع ) و بردباری کردن بر رفتار ناهنجار فرزندانش

فصبر جمیل

متعلق صبر ، به قرینه جمله های قبل ، فراق یوسف(ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزندانش می باشد.

۱۴ شکیبایی یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) ، ستودنی و درخور تحسین بود .

فصبر جمیل

چنان چه <جمیل> صفت برای <صبر> باشد ، در تقدیر گرفتن مبتدا (صبری صبر جمیل) و یا خبر (صبر جمیل أحسن) ضروری است. برداشت فوق ناظر به این احتمال است.

صبر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۹،۱۰

۹ یوسف ( ع ) در برابر سخن ناحق برادرانش ( مطرح کردن سرقت دروغین او ) از خود دفاع نکرد .

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرّها> و <لم یبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرایی که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرّها ...> ; یعنی، یوسف(ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۰ یوسف ( ع ) بهره مند از سیطره بر خویشتن و برخوردار از حلم و بردباری

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ -

۷ یوسف ( ع ) و بنیامین از تقواپیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

۸ نیل یوسف ( ع ) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقواپیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

صحت تعبیر رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۳

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف ( ع ) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أیّها الصدیق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۲

۲ پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف ( ع ) ار رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

و قال الملك ائتونی به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف(ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف(ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف ( ع ) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن ( کنعانو . . . ) را فرا گرفت .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر

آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۳،۵

۳ عزیز مصر با پی بردن به صداقت یوسف ( ع ) ، زلیخا را محکوم کرد و به نفع یوسف ( ع ) رأی داد .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

۵ عزیز مصر پس از پی بردن به حقانیت یوسف ( ع ) ، زنان را انسانهایی پر مکر و حیله خواند .

إنه من کیدکنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۲

۲ ساقی دربار ، یوسف ( ع ) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب < صدّیق > او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیّها الصدیق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف ( ع ) تأکید کرد .

و إنه لمن الصدقین

صفات زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۸

۸ زندانی که یوسف ( ع ) به محبوس شدن در آن تهدید شد ، موجب خوار گشتن و حقیر پنداشتن او می شد .

لیسجنن و لیکونًا من الصغرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغرین) به منزله نتیجه ای برای عبارت <زندانی خواهد

شد> (لیسجنن) است ; زیرا یوسف(ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان در آیه بعد سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

ضمان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۹

۱۹ جعاله ، ضمان و کفالت ، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف ( ع )

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

طعمه گرگ شدن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۳،۵،۶

۳ غفلت از یوسف ( ع ) به خاطر سرگرمی به دویدن و مسابقه دادن ، اعتذار دروغین برادران او در توجیه طعمه گرگ شدن یوسف ( ع )

یأبانا إنا ذهبنا نستبق و ترکنا یوسف عند متعنا

<استباق> به معنای مسابقه دادن و پیشی گرفتن است و جمله <نستبق> حال برای فاعل <ذهبنا> است. بنابراین <ذهبنا نستبق> ; یعنی، می رفتیم در حالی که با یکدیگر مسابقه می دادیم. رفتن و مسابقه دادن با مسابقه تیراندازی یا اسب دوانی مطابقتی ندارد ; بلکه با مسابقه دویدن منطبق است.

۵ برادران یوسف در داستان ساختگی خویش ( طعمه گرگ شدن یوسف ) ناخواسته به کوتاهی در حراست از یوسف ( ع ) اعتراف کردند .

إنا له لحفظون . .. ذهبنا نستبق ... فأکله الذئب

۶ یعقوب ( ع ) ادعای فرزندانش درباره یوسف ( ع ) ( طعمه گرگ شدن او ) را باور نکرد و آن را نپذیرفت .

و ما أنت بمؤمن لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - يوسف - ١٢ - ١٨ - ۴،۶

۴ خونین

بودن روی پیراهن یوسف ، نشانه ای آشکار بر طعمه گرگ نشدن او بود .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

<بدم> مفعول برای <جاءو> است و <علی قمیصه> حال برای <دم> می باشد. بنابراین <جاءو ...> ; یعنی، خون دروغینی را آوردند در حالی که آن خون بر روی پیراهن بود و از آن جا که معمولاً ـ قسمت زیرین و آستر لباس مصدوم آغشته به خون می شود، ولی روی لباس یوسف خونین بود، یعقوب(ع) دریافت که فرزندش طعمه گرگ نشده است.

۶ برادران یوسف با ارائه پیراهن او بدون آنکه پاره پاره و چاک چاک شده باشد دروغ بودن ادعای خویش ( طعمه گرگ شدن یوسف ) را آشکار کردند . *

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

معمولاً کسی که طعمه درندگان می شود، لباس او سالم نمی ماند و به خاطر پارگیهای بسیار از صورت لباس بودن خارج می شود. بنابراین اطلاق <قمیص> (پیراهن) بر آنچه برادران یوسف به یعقوب(ع) ارائه کردند، می رساند که پیراهن او سالم و یا نسبتاً سالم بود و این نشانه دیگری شد بر حقیقت نداشتن ادعای برادران یوسف.

ظلم به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۵،۱۱

۵ یوسف ( ع ) جهل و نادانی برادرانش را منشأ ستم آنان به وی و بنیامین دانست .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

۱۱ ذلت و مسکنت برادران یوسف در برابر وی ، نتیجه و پیامد ستم های آنان به او بود .

تصدق علینا . .. هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

از اینکه یوسف(ع) در پاسخ

اظهارات ذلت آمیز برادرانش یادآور ستمهای آنان به وی می شود ، می توان دریافت که یوسف(ع) درصدد است به این نکته اشاره کند که ذلت امروز برادرانش در مقابل وی ، نتیجه ستم دیروز آنان در حق اوست.

عبرت از قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۳

۳ سرگذشت یوسف ( ع ) و برادرانش سرگذشتی آموزنده و مایه عبرت است .

لقد کان فی قصصهم عبره

می توان گفت ضمیر در <قصصهم> به یوسف(ع) و برادران او و تمام کسانی که در داستان یوسف(ع) نظیر زلیخا نقش داشته اند باز می گردد. بر این اساس دلالت جمله <لقد کان...> بر برداشت فوق صریح تر و روشن تر است.

عجز یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ یوسف ( ع ) بدون امداد الهی ، خویشتن را از مقاومت در برابر خواست نامشروع زلیخا و همپالگی های او ناتوان می دید .

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

۱۲ احساس ناتوانی یوسف ( ع ) از ترک گناه بدون امداد های الهی ، جلوه ای از اعتقاد او به ربوبیت خدا

رب . .. و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

عدالت قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، شخصی فرزانه ، کاردان و عادل بود .

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن ،

دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد ، و از آن جایی که حق را ، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد ، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

عدالت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۹ – ۶،۸،۹

۶ یوسف ( ع ) سهمیه و جیره افراد را همواره عادلانه و بدون کمترین نقصی به آنان پرداخت می کرد .

ألا ترون أنی أُوفی الکیل

کیل (پیمانه کردن) مصدر است و در آیه شریفه، به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن آذوقه و غلات است. <ایفاء> (مصدر اوفی) به معنای پرداختن به طور کامل و بدون نقص و کاستی است. آوردن فعل مضارع (اوفی) به جای فعل ماضی <وفیت> اشاره به روش مستمر یوسف(ع) در ایفای کیل دارد.

۸ یوسف ( ع ) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

۹ یوسف ( ع ) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

ائتونی بأخ لکم من أبیکم ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

جمله <ألاـ ترون . ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <ائتونی بأخ لکم> بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

عزت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ –

۱۰ اقتدار و عزت یوسف ( ع ) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقواپیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

عزیز مصر و صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۲

۲ عزیز مصر با دیدن پارگی پشت پیراهن یوسف ( ع ) ، به صداقت او پی برد .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

عزیز مصر و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۷

۷ عزیز مصر در ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، پیشداوری نکرد و از تصمیم گیری عجولانه خودداری نمود .

قالت . .. قال هی رودتنی عن نفسی و شهد شاهد من أهلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۱،۷،۸،۱۳

۱ عزیز مصر برای کشف حقیقت ماجرای یوسف و زلیخا ، شخصاً به بررسی و مشاهده پیراهن و نحوه پارگی آن پرداخت .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر

ظاهر این است که ضمیر در <رأی> به عزیزمصر برگردد.

۷ عزیز مصر ، به دام انداختن یوسف ( ع ) را برای کام جویی ، از مکر های زنانه زلیخا شمرد .

إنه من کیدکنّ

محتمل است ضمير در <إنه> به حقيقتى كه از جمله <غلّقت الأبواب . ..> استفاده مى شود ، ارجاع داده شود. برداشت فوق ، بر اساس اين احتمال است.

۸ عزيز مصر ، پيشدستى زليخا در متهم ساختن يوسف (

ع ) و تعیین کیفر برای او را ، از مکر های زلیخا شمرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا . .. إنه من کیدکنّ

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در <إنه . ..> به معنایی که از <قالت ما جزاء ...> در آیه ۲۵ استفاده می شود ، برگردد و آن معنا ، پیشدستی کردن زلیخا برای محقّ جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

۱۳ عدالت و انصاف عزیز مصر ، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا

فلما رءا قمیصه . .. قال إنه من کیدکنّ إن کیدکنّ عظیم

عزیز مصر و مجازات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ تحریك عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف ( ع )

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

برداشت فوق ، از تصریح زلیخا به <أهلك> (همسر تو) استفاده می شود ; یعنی ، او با آوردن <أهلك> درصدد تحریك عزیز مصر برای مجازات یوسف(ع) بود.

عزیز مصر و مقامات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۵

۵ عزیز مصر در پی خرید یوسف ( ع ) ، به شخصیت والا و منزلت بلند او اطمینان پیدا کرد .

لامرأته أکرمی مثویه عسی أن ینفعنا

عزیز مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲،۶،۸

۲ عزیز مصر ، یوسف ( ع )

را در مصر از کاروانیان خریداری کرد .

و قال الذی اشتریه من مصر

<من مصر> محتمل است متعلق به <اشتراه> باشد ، و احتمال دارد حال برای <الذی اشتراه> باشد. برداشت فوق ، ناظر به احتمال اول است. آیات بعد ، بیانگر آن است که مراد از <الذی اشتراه>، عزیز مصر است.

۶ عزیز مصر در نظر داشت از یوسف ( ع ) در امور خویش بهره گیرد ، و یا او را به فرزندی خود و همسرش برگزیند .

قال الذی . .. أکرمی مثویه عسی أن ینفعنا أو نتخذه ولدًا

۸ عزیز مصر ، اداره امور یوسف ( ع ) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست تا یوسف ( ع ) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد .

لامرأته أکرمی مثویه

<مثوی> اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أکرمی مثواه> ; یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه ، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۳،۴،۵

۳ عزیز مصر با پی بردن به صداقت یوسف ( ع ) ، زلیخا را محکوم کرد و به نفع یوسف ( ع ) رأی داد .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

۴ عزیز مصر شواهد ارائه شده از سوی داورِ ماجرای یوسف و زلیخا را ، برای رفع اتهام از یوسف ( ع ) و اثبات بی گناهی او کافی دانست .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

۵ عزیز مصر

پس از پی بردن به حقانیت یوسف ( ع ) ، زنان را انسانهایی پر مکر و حیله خواند .

إنه من کیدکنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۱،۲

۱ عزیز مصر از یوسف ( ع ) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا که مفاد عبارت <أعرض عن هذا> است در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است ، نه لب به شکایت نگشودن ; زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف(ع) - که برده ای زرخرید بوده ناسازگار است.

۲ تکریم و بزرگداشت یوسف ( ع ) از جانب عزیز ، پس از کشف حقیقت ماجرا

یوسف أعرض عن هذا

<یوسف> مناداست و حرف ندا (یا) از آن حذف شده است عزیز مصر با حذف کردن حرف ندا ، تقرب او را نزد خویش بیان می دارد و با نام بردن از او ، لطف و مرحمت خویش را به وی اظهار می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۶

۶ یوسف ( ع ) در دربار عزیز مصر ، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و لیکونًا من الصغرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۶

۶ آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف ( ع ) ، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

- سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۲

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف ( ع ) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف ( ع ) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

چنان چه <ذلک لیعلم . ..> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلک> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملک> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلک لیعلم ...> ; یعنی، بیرون نرفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

عزیز مصر هنگام خرید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۴

۴ همسر زلیخا در زمان خرید یوسف ( ع ) ، سمت < عزیزی > را نداشت . *

و قال الذی اشتریه من مصر

یاد نکردن از عنوان عزیز مصر برای خریدار یوسف(ع) ، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

عزیزی در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۵

۵ عزیزی از سمت های حکومتی در زمان یوسف ( ع )

قالوا یأیها العزیز

عزیزی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ توفیق ملاقات یوسف ( ع ) در مقام عزیزی مصر با برادرش بنیامین ،

از میان برنده تلخ کامی ها و زایل کننده ناراحتی آن دو از بد رفتاری های گذشته برادران

إنی أنا أخوک فلاتبتئس بما کانوا یعملون

تفریع <فلاتبتئس . ..> به وسیله حرف <فاء> بر <إنی أنا أخوک> بیانگر دلیل یوسف(ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند برادرانش است ; یعنی، یوسف(ع) با این تفریع بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشکلاتی را متحمل شدم ; ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۵

۵ یوسف ( ع ) ، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یأیها العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۴،۲۰

۴ یوسف ( ع ) در دوران قحطی مصر ، سمت عزیزی آن دیار را بر عهده داشت .

قالوا یأیها العزیز

۲۰ < عن أبی الحسن الهادی ( ع ) : . . . لما مات العزیز . . . إفتقرت إمرأه العزیز و احتاجت حتی سألت الناس فقالوا : ما یضرّک لو قعدت للعزیز و کان یوسف یسمی العزیز [ خ .ل .و کلّ ملک کان لهم سمی بهذا الإسم ] . . . فقامت إلیه و قالت : سبحان . . . من جعل العبید بالطاعه ملوکاً . . . ;

از امام هادی(ع) روایت شده است: . .. پس از مرگ عزیز مصر ... همسر وی [زلیخا] فقیر و نیازمند شد تا آن جا

که از مردم درخواست کمک می کرد. پس مردم به او گفتند: چه ضرر دارد که بر سر راه عزیز بنشینی [واز او کمک بخواهی] و یوسف در آن زمان عزیز نامیده می شد [و هر پادشاهی که بر مصریان حکومت می کرد به این اسم نامیده می شد]... پس همسر عزیز بر سر راه یوسف ایستاد و گفت: ... منزه است خدایی که بردگان را در سایه اطاعت، به پادشاهی می رساند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف ( ع ) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقواپیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

عشق زلیخا به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱،۲

۱ زلیخا ، شیفته و شیدای یوسف ( ع ) شد .

و رودته التی هو فی بیتها . .. و غلّقت الأبوب

۲ زلیخا با اظهار عشق و شیفتگی به یوسف ( ع ) ، او را به وصال خویش فرامی خواند .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

<مراوده> (مصدر راودتْ) به معنای درخواست کردن با رفق و مداراست، و <عن نفسه> بیانگر مورد درخواست می باشد. بنابراین <راودته ...> ; یعنی، زلیخا با ملاطفت و اظهار عشق و علاقه از یوسف(ع) درخواست کرد که خودش را در اختیار او بگذارد و این کنایه از تقاضای وصال و آمیزش است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۵،۶،۹،۱۱

۵ عشق یوسف ( ع ) تا درون قلب و دل زلیخا نفوذ کرده و آن را به تسخیر خویش درآورده بود .

قد شغفها حبًّا

<شغاف> به جداره و یا هسته مرکزی قلب گفته می شود. <شغف> ; یعنی، جداره قلب شد و یا به مرکز آن رسید. ضمیر فاعلی در <شغفها> به <فتیها> برمی گردد و <حبّاً> تمییزی است مبدل از فاعل. بنابراین <شغفها حبّاً> در اصل چنین بوده است: <شغف حبّ یوسف إیاها> ; یعنی، محبت یوسف جداره قلب زلیخا شد و آن رااحاطه کرد، و یا عشق یوسف(ع) جداره قلب زلیخا را شکافت و به درون آن نفوذ کرد.

۶ شیفتگی زلیخا به یوسف ( ع ) و داستان مراوده او ، در عنفوان جوانی یوسف ( ع ) بود .

ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًّا

۹ عشق زلیخا به یوسف ( ع ) ، علی رغم همسری او برای عزیز مصر ، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان <همسر عزیز مصر>، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست ; یعنی، مراوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

۱۱ < عن أبی جعفر ( ع ) فی قوله < قد شغفها حبّاً > یقول : قد حجبها حبّه عن الناس فلاتعقل غیره ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <قد شغفها حباً> روایت شده که می فرمود: عشق یوسف پرده ای بر قلب همسر عزیز کشیده بود به گونه

ای که او را از مردم جدا کرده بود و به هیچ کس غیر از یوسف نمی اندیشید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲،۱۳

۲ عشق زلیخا به یوسف ( ع ) حربه زنان اشراف مصر ، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه . .. فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از <مکر> نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق <مکر> به نقل آن ماجرا ، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه ، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

۱۳ زلیخا تا قبل از برملا شدن عشقش به یوسف ( ع ) ، او را از دید زنان اشراف مصر مخفی می کرد .

امرأت العزیز ترود فتیها . .. فلما رأینه أکبرنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱،۱۱

۱ زلیخا ، با ارائه یوسف ( ع ) به زنان اشراف ، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف ( ع ) ملامت کنند .

قالت فذلکنّ الذی لمتننی فیه

۱۱ < عن علی بن الحسین : . . . فقالت لهنّ < فذلکنّ الذی لمتننی فیه > یعنی فی حبّه ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. همسر عزیز [بااشاره به یوسف] خطاب به بانوان گفت: این است کسی که مرا درباره او سرزنش می کردید ; یعنی، مرا در مورد عشق به او سرزنش می کردید>.

عشق زنان اشراف مصر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸

- یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱

۱ داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف ( ع ) ، موجب بروز بحران در حکومت و خانه های اشراف شد .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيت

عصمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۶،۱۶

۶ یوسف ( ع ) ، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچک و بزرگی ، مصون و معصوم بود .

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصين

۱۶ < عن الرضا ( ع ) : لقد همّت به و لولا أن رأى برهان ربّه لهمّ بها كما همّت به ، لكنّه كان معصوماً ، والمعصوم لايهمّ بذنب . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: آن زن قصد یوسف کرد و اگر یوسف برهان پروردگارش را ندیده بود، قصد آن زن می کرد همان گونه که زن او را قصد کرد ; ولی یوسف معصوم بود و معصوم قصد گناه نمی کند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ اعتقاد ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف ( ع ) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هرگونه شرکورزی ، تفضّلی از ناحیه خدا بر آنان بود .

ما كان لنا أن نشرك بالله من شيء ذلك من فضل الله علينا

عظمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۹،۲۳،۲۵

۱۹ اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف ( ع ) و عظمت جمال او

فلما

رأينه . .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۲۳ زنان اشراف ، يوسف ( ع ) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه يافتند .

إن هذا إلاّ ملك كريم

۲۵ سيمای يوسف ( ع ) ، نمايانگر بزرگواری و كرامت والای او بود .

إن هذا إلاّ ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ هم بندان يوسف در زندان مصر ، به شخصيت والای يوسف ( ع ) پی بردند و به نيكوكار بودنش مطمئن شدند .

إنا نريك من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۶

۱۶ < عن أبی جعفر ( ع ) : < . . . فعرفهم يوسف و لم يعرفه إخوته لهيبه الملك و عزّته . . . ;

از امام باقر(ع) روايت شده كه فرمود: . .. يوسف برادران خود را شناخت و آنان يوسف را به علت هيبت و شكوه پادشاهی نشناختند ...>.

عفت يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۴،۹،۱۴

۴ يوسف ( ع ) ، همواره از پذيرش تقاضای زليخا ( درخواست وصال و آميزش ) امتناع ميورزيد .

و رودته التی هو فی بيتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در معنای مراوده ، كشمكش و نزاع ميانِ طرفين را قيد كرده و گفته اند: <مراوده> اين است كه يک طرف خواهان چيزی و ديگری غير آن را خواهان است. برداشت فوق ، براساس اين معناست.

۹ یوسف ( ع ) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و

سلطه ظاهری زلیخا بر او ، تمنّای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد .

رودته . .. و قالت هیت لک قال معاذ الله

<معاذ> مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر <أعوذ> است ; یعنی ، <أعوذ بالله معاذاً>.

۱۴ پاک دامنی اعجاب انگیز ، و عفاف شگفت آور یوسف ( ع )

و رودته التی . .. و غلّقت الأبوب و قالت هیت لک قال معاذ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۵

۵ خداوند ، با ارائه برهان به یوسف ( ع ) ، او را از آمیزش با زلیخا ( زنا ) و نگاه های شهوانی به وی ، حفظ کرد و مصون داشت .

کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچک است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش، و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱

۱ یوسف ( ع ) حافظ عفت خویش وبی اعتنا به تهدید های زلیخا

قال رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۶،۷

۶ آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف ( ع ) ، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

۷ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف ( ع ) ، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۶،۷،۸،۱۶

۶ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف ( ع ) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و <من> زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

۷ یوسف ( ع ) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

۸ یوسف ( ع ) ، برخوردار از عفتی اعجاب برانگیز و درخور برترین ستایش

قلن حش لله

<حاش لله> سخنی است که از شدت شگفت زدگی حکایت دارد.

۱۶ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف ( ع ) اعتراف کرد و به استنکاف یوسف ( ع ) از پذیرش تقاضایش شهادت داد .

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جمله <أنا رودته عن نفسه> به بیانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شماره ۲ گذشت دلالت بر حصر دارد ; یعنی ، من از

او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۲،۳

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف ( ع ) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف ( ع ) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

چنان چه <ذلک لیعلم . ..> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلک> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملک> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلک لیعلم ...> ; یعنی، بیرون نرفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

۳ یوسف ( ع ) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

عفو یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ یوسف ( ع ) ، شخصیتی با گذشت ، جوانمرد و بزرگوار

أفتنا . .. قال تزرعون

یوسف(ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار

آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف(ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) ، انسانی با گذشت ، جوانمرد و به دور از انتقام جویی بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱،۲،۳

۱ یوسف ( ع ) ستم های برادرانش را در حق خویش نادیده گرفت و آنان را بخشود .

قال لاتثریب علیکم

روا نداشتن سرزنش برادران که جمله <لاتثریب . ..> گویای آن است ، می رساند که یوسف(ع) آنان را مورد عفو خویش قرار داد.

۲ یوسف ( ع ) انسانی با گذشت و بدور از خصلت انتقام جویی

قال لاتثریب علیکم

۳ یوسف ( ع ) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد ، بلکه از سرزنش آنان نیز پرهیز نمود .

لاتثریب علیکم

<تثریب> به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (برگرفته شده از لسان العرب).

عقود در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۹

۱۹ جعاله ، ضمان و کفالت ، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف ( ع )

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

عقيده به خاتميت يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۹

۹ - پندار باطل مردم مصر به پايان يافتن نبوت و نيامدن هيچ پيامبرى از

جانب خدا ، برای انسان های بعد از یوسف ( ع )

حتّى إذا هلك قلتم لن يبعث اللّه من بعده رسولاً

عقیده یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۰،۲۱،۲۲

۲۰ یوسف ( ع ) در برابر زلیخا تصریح کرد که تنظیم جریان زندگی او ، به عنایت و تدبیر خداوند بوده است .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

ضمیر در <إنه> به <الله> باز می گردد و در برداشت فوق، جمله <إنه ربی> تعلیل برای <معاذ الله> گرفته شده است. بر این اساس مفاد جمله فوق، چنین می شود: من [از این امر فریبنده] به خدا پناه می برم و او مرا یاری خواهد کرد ; زیرا او مدبر امور من و تربیت کننده من است.

۲۱ یوسف ( ع ) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا ، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت ، قدرشناسی و سپاس دانست .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۲۲ یوسف ( ع ) ، پذیرفتن تمنای زلیخا ( درخواست وصال و آمیزش ) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ احساس ناتوانی یوسف ( ع ) از ترک گناه بدون امداد های الهی ، جلوه ای از اعتقاد او به ربوبیت خدا

رب . .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱،۷،۸

۱ یوسف ( ع ) مصون ماندن خویش از گناهان

و ارتكاب بدى ها را ، به امداد خدا مى دانست نه برخاسته از اراده خود بدون توفيق الهى .

أنى لم أخنه . .. و ما أُبرّئُ نفسى إن النفس لأمّاره بالسوء إلاّ ما رحم ربى

از ارتباط <ما أُبرّئُ نفسى> (من نفس خويش را از ارتكاب بديها تبرئه نمى كنم)با جمله <لم أخنه بالغيب> و نيز شهادت زنان بر پاكدامنى يوسف(ع) (حاش لله ما علمنا عليه من سوء) اين نكته معلوم مى شود كه: يوسف(ع) با جمله <ما أُبرّئُ نفسى> درصدد نيست كه بگويد من گناه كرده ام; بلكه با توجه به عبارت <إلاّـ ما رحم ربى> در مقام بيان اين حقيقت است كه اگر من مرتكب گناه نشده ام، نه به خاطر توان شخصى است ; زيرا نفس هر كس و نيز نفس من ترغيب كننده به گناه و بدى است. پس آلوده نشدن من به گناه به توفيق الهى و رحمت او بوده است.

۷ يوسف ( ع ) مصونيت خويش از گناه و خيانت را پرتوى از رحمت الهى بر خويش مى دانست .

ما أُبرّئُ نفسى . .. إلاّ ما رحم ربى

۸ يوسف ( ع ) به دليل باور به ربوبيت و تدبير الهى ، رحمت او را مايه ترك گناهان و بدى ها دانست و خود را ستايش نكرد .

و ما أُبرّئُ نفسى إن النفس لأمّاره بالسوء إلاّ ما رحم ربى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۸

۱۸ يوسف ( ع ) ، معتقد به توحيد افعالى ، و انسانى قدرشناس و سپاسگزار در برابر نعمت هاى الهى

قد جعلها ربى حقًّا و

قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

علاقه به یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۴ – ۱

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف ( ع ) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه . .. و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

علاقه یعقوب(ع) به یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۳،۴

۳ علاقه یعقوب ( ع ) به یوسف ( ع ) علاقه ای بسیار شدید و زایل نشدنی بود .

قال یأسفی علی یوسف وابیضت عیناه من الحزن

۴ تعلق قلبی یعقوب ( ع ) به یوسف ( ع ) ، بسی افزون تر از تمایل او به بنیامین و دیگر برادرانش بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. و قال یأسفی علی یوسف

علاقه یوسف(ع) به بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۰ – ۸

۸ اشتیاق وافر یوسف ( ع ) به بنیامین و دیدار او

ائتونی بأخ لکم . .. فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی و لاتقربون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۸

۸ یوسف ( ع ) به آمدن برادرش بنیامین به مصر علاقه ای وافر داشت و بدان امید بسته بود .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم . .. لعلهم یرجعون

علم خدا در

قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

علم غیب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۰،۹،۷،۵،۴

۴ یوسف ( ع ) ، از علم غیب برخوردار بود .

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلّا نبّأتکما بتأویله

ضمیر در <بتأویله> محتمل است به <طعام> باز گردد ، و ممکن است مراد از آن رؤیای هر یک از هم بندان یوسف(ع) باشد. بر اساس احتمال نخست ، جمله <قال لایأتیکما ...> حاکی از این است که یوسف(ع) ، از غیب مطلع بوده است.

۵ یوسف ( ع ) ، بهره مندی خویش از علم غیب را برای هم بندان زندانیش فاش ساخت .

ذلکما مما علمنی ربی

۷ یوسف ( ع ) ، پیش از آوردن غذا برای زندانیان ، نوع و خصوصیات آن را برای ایشان بیان کرد .

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلّا نبّأتکما بتأویله قبل أن یأتیکما

بر این اساس که ضمیر در <تأویله> به <طعام> باز گردد، جمله <قال لایأتیکما. ..> چنین معنا می شود: یوسف(ع) گفت: <پیش از آنکه غذایی که به شما اعطا می

شود، برایتان حاضر گردد، تأویل آن غذا را برای شما بیان کرده ام <مراد از تأویل طعام، ماهیت نوع خصوصیات و نتیجه آن می باشد.

۹ خداوند ، آموزنده علم غیب به یوسف ( ع )

ذلکما مما علمنی ربی

۱۰ آگاهی یوسف ( ع ) به غیب و توان او بر تعبیر رؤیاها ، تنها بخشی از دانش موهبتی خداوند به یوسف ( ع ) بود .

ذلکما مما علمنی ربی

<من> در <مما> می تواند برای تبعیض باشد و محتمل است بیانگر نوع و جنس باشد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۹

۹ اطلاع یوسف ( ع ) از آینده و آگاهی او به غیب

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

مفاد <قضی الأمر . ..> تأویل و تفسیر رؤیای هم بندان یوسف نیست ; بلکه بیان حقیقتی است که آن حضرت در حاشیه تأویل رؤیا بیان داشت و این نشان دهنده آن است که آن حضرت علاوه بر تعبیر رؤیا ، به اموری از آینده نیز آگاه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۶

۶ آگاهی یوسف ( ع ) از غیب و اطلاع او بر حوادثی از آینده

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

تأثیر پیراهن یوسف(ع) بر چشمان یعقوب(ع) و بینا شدن آنها ، از امور غیبی است و یوسف(ع) از آن آگاه بود.

علم لدنی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۷ – ۳،۱۰

۳ یوسف ( ع ) با اشاره به خدادادی

بودن دانش های ویژه اش ، هم بندان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلکما مما علمنی ربی

از اهداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که <این دانش را پروردگارم به من آموخته است> آن است که: هم بندان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذلکما> مؤید این هدف است.

۱۰ آگاهی یوسف ( ع ) به غیب و توان او بر تعبیر رؤیاها ، تنها بخشی از دانش موهبتی خداوند به یوسف ( ع ) بود .

ذلکما مما علمنی ربی

<من> در <مما> می تواند برای تبعیض باشد و محتمل است بیانگر نوع و جنس باشد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال نخست است.

علم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۵

۱۵ یوسف ( ع ) آگاه به بهره مندی ابراهیم و اسحاق ( ع ) از نعمت های کامل الهی

کما أتمّها علی أبویک من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۲،۹

۲ یوسف ( ع ) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و

حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود ; زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۹ بهره مندی یوسف ( ع ) از حکمت و علم ، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

<جزاء>(مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۹

۱۹ < عن الرضا ( ع ) : . . . فی قوله تعالی : < . . .إنی حفیظ علیم > قال : حافظ لما فی یدیّ عالم بکل لسان ;

از امام رضا(ع) . .. درباره سخن خدا <...إنی حفیظ علیم> روایت شده است که فرموده: مراد این است که نگه دارنده چیزی هستم که در تصرف من است و آگاه به همه زبانها می باشم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۲۱،۲۶

۲۱ موفقیت یوسف ( ع ) در طرح و اجرای نقشه برای نگه داشتن بنیامین ، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از دانش افزون تر وی

کذلک کدنا لیوسف . .. نرفع درجت من نشاء و فوق کل ذی علم علیم

مصداق مورد نظر برای <من نشاء> یوسف(ع) است.

۲۶ برادران یوسف برخوردار از علم و دانش و یوسف ( ع ) عالم تر و آگاه تر از همه آنان

و فوق کل ذی علم علیم

بر اساس اولین

معنایی که برای جمله فوق در برداشت قبل آمد ، مصداق مورد نظر برای <علیم> یوسف است و مصداق <کل ذی علم> برادران او هستند.

عوامل برگزیدگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف ( ع ) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا ، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است .

یجتبیک ربک و یعلمک . .. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

برداشت فوق ، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات>، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و. ..> باشد که از جمله های <کذلک یجتبیک ربک و ...> به دست می آید.

عوامل خشوع برای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف ( ع ) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قد جعلها ربی حقًا

عوامل خضوع برای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف ( ع ) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قد جعلها ربی حقًا

عوامل رفع اندوه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۹ – ۱۰

۱۰ توفیق ملاقات یوسف ( ع ) در مقام عزیزی مصر با برادرش بنیامین ، از میان برنده تلخ کامی

ها و زایل کننده ناراحتی آن دو از بد رفتاری های گذشته برادران

إنی أنا أخوک فلاتبتئس بما کانوا یعملون

تفریع <فلاتبتئس . ..> به وسیله حرف <فاء> بر <إنی أنا أخوک> بیانگر دلیل یوسف(ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند برادرانش است ; یعنی، یوسف(ع) با این تفریع بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشکلاتی را متحمل شدم ; ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

عوامل عصمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۲،۴

۲ مشاهده حجت و برهان الهی ، تنها مانع یوسف ( ع ) در تسلیم شدن به خواسته زلیخا و پرهیز از آمیزش با وی

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

جمله <همّ بها> به منزله جواب برای <لولا أن . ..> است ; یعنی، اگر برهان ربوبی را ندیده بود، به سوی زلیخا تمایل پیدا می کرد. <برهان> به معنای حجت و دلیل است و از مصداقهای روشن و بارز آن، همان دلیلهایی است که در آیه قبل مطرح شد ; یعنی، رؤیت برهان عبارت بود از: الف) یوسف ربوبیت خداوند و نعمتهای او را مشاهده می کرد (إنه ربی أحسن مثوای). ب) یوسف(ع) با تمام وجود دریافته بود که گنه کاران و ستمگران، رستگار نمی شوند (إنه لایفلح الظالمون).ج) او تردیدی نداشت که آمیزش با زلیخا، ظلم و معصیت خداوند است (معاذالله ...).

۴ بهره مندی یوسف ( ع ) از برهان و حجت الهی ( مشاهده ربوبیت

خدا و . . . ) عامل عصمت او از ارتکاب گناهان

لولا أن رءا برهن ربه کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء

عوامل نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۲

۲ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف ( ع ) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

عهد با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۵،۶

۵ برادران یوسف ، با او عهد کردند که بنیامین را در نوبت بعد به حضور وی بیاورند .

سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

۶ برادران یوسف ، با او عهد کردند که پدرشان یعقوب ( ع ) را برای روانه ساختن بنیامین متقاعد کنند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

<مراوده> (مصدرنراود) به معنای درخواست با لطف و مداراست و <عنه> دلالت به مورد درخواست دارد. و مفاد <سنرود ...> چنین است، همانا با ملاطفت و مدارا از پدرش (پدر بنیامین) خواهیم خواست که وی را در سفر آینده با ما همراه سازد.

غذای همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۶،۷

۶ خبر دادن از نوع غذا و خصوصیات آن ، دلیل یوسف ( ع ) فراروی زندانیان برای بهره مندیش از علم غیب

قال لايأتيكما طعام ترزقانه إلّا نبّأتكما بتأويله . .. ذلكما مما علمنى ربى

۷ یوسف ( ع ) ، پیش از آوردن غذا برای زندانیان ، نوع و خصوصیات آن را برای ایشان بیان کرد

.

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلاّ نبّأتکما بتأویله قبل أن یأتیکما

بر این اساس که ضمیر در <تأویله> به <طعام> باز گردد، جمله <قال لایأتیکما. ..> چنین معنا می شود: یوسف(ع) گفت: <پیش از آنکه غذایی که به شـما اعطا می شود، برایتان حاضر گردد، تأویل آن غذا را برای شما بیان کرده ام <مراد از تأویل طعام، ماهیت نوع خصوصیات و نتیجه آن می باشد.

غریزه جنسی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۸

۸ یوسف ( ع ) ، برخوردار از تمایل جنسی و توانا بر کام یابی از زنان

و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

فرار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۲،۵،۸

۲ یوسف ( ع ) برای نجات خویش از درآویختن زلیخا با او ، به طرف درب خروجی فرار کرد .

و لقد همّت به . .. واستبقا الباب

معرفه آوردن <الباب>، اشاره به دربی خاص دارد که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن درب خروجی است.

۵ یوسف ( ع ) در تعقیب و گریزش با زلیخا ، زودتر از وی به درب خروجی رسید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۸ یوسف ( ع ) ، به گشودن درب و فرار از چنگ زلیخا موفق شد .

و ألفیا سیدها لدا الباب

فرجام همبندان یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۱ – ۵

۵ یوسف ( ع ) ، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری

را ، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضی الأمر ...> ; یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

فرزندخواندگی در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ انتخاب فردی به عنوان فرزند ( فرزندخواندگی ) ، امری متعارف در زمان یوسف ( ع ) ، و دارای اعتبار قانونی در دیار مصر باستان

أو نتخذه ولدًا

فرزندخواندگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۶،۷

۶ عزیز مصر در نظر داشت از یوسف ( ع ) در امور خویش بهره گیرد ، و یا او را به فرزندی خود و همسرش برگزیند .

قال الذی . .. أکرمی مثویه عسی أن ینفعنا أو نتخذه ولدًا

۷ عزیز مصر ، یاوری یوسف ( ع ) و گزینش او به فرزندی را ، در گرو علاقه مندی یوسف ( ع ) به وی و همسرش زلیخا می دانست .

أکرمی مثویه عسی أن ینفعنا أو نتخذه ولدًا

جمله <عسی. ..> تعلیل برای <أکرمی مثواه> است، و مفاد جمله چنین می شود: از آن رو از تو می خواهم او را گرامی بداری، تا علاقه او را به خودمان جلب کنی و

در نتیجه بتوانیم به یاری او، دل ببندیم و یا به قبول فرزند خواندگیش، امیدوار باشیم.

فروش غلات در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۹

۹ تداوم سیاست یوسف ( ع ) در جیره بندی غلات و فروش و دریافت بهای آنها ، در دوران قحطی مصر

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

چنان چه گذشت آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۲ از همین سوره دلالت بر آن داشت که یوسف آذوقه های ذخیره شده را جیره بندی کرده بود و سهمیه افراد را در برابر دریافت بها به آنان می پرداخت. آیه مورد بحث نیز به دلیل کلمه <کیل> و جمله <جئنا ببضاعه مزجاه> حاکی از آن است که سیاست سهمیه بندی و گرفتن بهای سهمیه همچنان پس از گذشت مدتها ادامه داشت.

فروش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۱،۴،۵،۹

۱ کاروانیان ، یوسف ( ع ) را به درهمهایی اندك و بهایی ناچیز فروختند .

و شروه بثمن بخس درهم معدوده

<شراء> (مصدر شروا) به معنای فروختن است و ضمیر فاعلی در <شروه> به <سیّاره> باز می گردد. <بخس> مصدر به معنای اسم مفعول (مبخوس =ناقص و کم ارزش) می باشد. <ثمن بخس> ; یعنی، بهایی که نسبت به چیز خریداری شده کم ارزش تر باشد. <معدوده> به معنای شمرده شده و کنایه از اندك بودن است.

۴ تعجیل کاروانیان در فروش یوسف ( ع ) و بی رغبتی آنان در نگه داشتن وی ، دلیل فروختن او به بهایی ناچیز

و شروه بثمن بخس .

.. و کانوا فیه من الزهدین

جمله <و کانوا . ..> به منزله تعلیل برای <شروه بثمن بخس> است ; یعنی ، چون رغبتی به [نگه داری ]یوسف(ع) نداشتند ، او را به بهایی ناچیز فروختند.

۵ برادران یوسف ، او را به درهمهایی اندک و بهایی ناچیز ، به کاروانیان فروختند . *

و شروه بثمن بخس

برداشت فوق، براساس این احتمال است که مراد از ضمیر فاعلی در <شروه>، برادران یوسف باشد. بر این مبنا برادران یوسف فروشنده، و طبعاً کاروانیان خریدار او بودند. عبارت <الذی اشتراه من مصر> در آیه بعد، می تواند مؤید این احتمال باشد ; زیرا این عبارت می رساند که پیش از فروش یوسف(ع) در مصر، یک بار دیگر نیز خرید و فروش در مورد او انجام گرفته بود.

۹ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فلما أخرجوه أقبل إلیهم إخوه یوسف فقالوا هذا عبدنا . . . أمنکم من یشتری هذا العبد ؟ فاشتراه رجل منهم بعشرین درهماً و کان إخوته فیه من الزاهدین . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که کاروانیان یوسف را از چاه درآوردند، برادران او به نزد آنان رفتند و گفتند: این برده ماست ... آیا از شما کسی هست که این برده را بخرد؟ پس مردی از آنان او را به بیست درهم خرید و برادران وی به او بی رغبت بودند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱

۱ کاروان یابنده یوسف ( ع ) ، به مصر وارد شد و او را در آن

دیار به فروش رساند .

و شروه بثمن . .. و قال الذی اشتریه من مصر

فضایل قاضی قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۷ – ۳

۳ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، شخصی فرزانه ، کاردان و عادل بود .

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن ، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد ، و از آن جایی که حق را ، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد ، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

فضایل یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۶ – ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) پیامبرانی بودند که بر همه مردم عصر خویش برتری یافته بودند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب . .. و کلا فضلنا علی العلمین

برتری یافتن هر یک از پیامبران بر همه مردم که در اولین نظر از کلمه <العالمین> به ذهن می آید مستلزم برتری یافتن هر یک از پیامبران بر دیگری است. لذا نمی توان عموم <العالمین> را حقیقی دانست، بلکه دارای عموم عرفی بوده و ناظر به همه جوامع عصر خود آنهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶ – ۲۱

۲۱ فضیلت های یوسف ( ع ) و نعمت های عطا شده به او و حضرت ابراهیم و اسحاق ( ع ) و خاندان یعقوب ، جلوه هایی از

ربوبيت خداوند

يجتبيك ربك . .. و يتم نعمته عليك و على ءال يعقوب ... إن ربك عليم حكيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۲۲ – ۲،۴

۲ يوسف ( ع ) در سن جوانى و رسيدن به رشد عقلى و جسمى ، به حكمتى والا و علمى گسترده دست يافت .

و لما بلغ أشدّه ءاتينه حكمًا و علمًا

نكره آوردن <حكماً> و <علماً> حكايت از عظمت حكمت و علمى دارد كه خداوند به يوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتى> به ضمير متكلم <نا> مؤيد اين حقيقت است. و از آن رو كه خداوند داستان مراوده زليخا را پس از بيان بهره مندى يوسف(ع) از علم و حكمت مطرح مى كند، معلوم مى شود كه او در عنفوان جوانى به حكمت و علم دست يافته بود ; زيرا محتمل نيست كه زليخا پس از گذشت جوانى يوسف(ع) - مثلاً در سنين سى و يا چهل سالگى - خواهان وصال او بوده باشد.

۴ يوسف ( ع ) در سن جوانى ، به قضاوت و داورى ميان مردم توانا بود .

و لما بلغ أشدّه ءاتينه حكمًا و علمًا

برخى از مفسران ، <حكم> را به دانش معارف الهى ، احكام شريعت ، حكمت و قضاوت ميان مردم تفسير كرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبير رؤياها ، تحليل حوادث و درك مصالح و مفاسد دانسته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۲۳ – ۱۴،۱۵

۱۴ پاك دامنى اعجاب انگيز ، و عفاف شگفت آور يوسف ( ع )

و رودته التى . ..

و غلّقت الأبوب و قالت هيت لک قال معاذ الله

۱۵ یوسف ( ع ) در عنفوان جوانی ، انسانی موحد ، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) از بندگان مطیع خدا و از خالص شدگان برای او بود .

إنه من عبادنا المخلصین

مراد از <مخلصین> (خالص شدگان) این است که غیر خدا در آنان نصیبی ندارد و کاملاً در اختیار خداوند و اوامر او هستند. نه شیطان بر ایشان فرمان روایی می کند و نه اسیر هواهای نفسانی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ یوسف ( ع ) از زمره نیکوکاران بود .

إنا نریک من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۴،۱۰

۴ یوسف ( ع ) ، از علم غیب برخوردار بود .

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلّا نبّأتکما بتأویله

ضمیر در <بتأویله> محتمل است به <طعام> باز گردد ، و ممکن است مراد از آن رؤیای هر یک از هم بندان یوسف(ع) باشد. بر اساس احتمال نخست ، جمله <قال لایأتیکما ...> حاکی از این است که یوسف(ع) ، از غیب مطلع بوده است.

۱۰ آگاهی یوسف ( ع ) به غیب و توان او بر تعبیر رؤیاها ، تنها بخشی از دانش موهبتی خداوند به یوسف ( ع ) بود .

ذلکما مما علمنی ربی

<من> در <مما> می تواند برای تبعیض باشد و

محتمل است بیانگر نوع و جنس باشد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۹

۹ اطلاع یوسف ( ع ) از آینده و آگاهی او به غیب

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

مفاد <قضی الأمر . ..> تأویل و تفسیر رؤیای هم بندان یوسف نیست ; بلکه بیان حقیقتی است که آن حضرت در حاشیه تأویل رؤیا بیان داشت و این نشان دهنده آن است که آن حضرت علاوه بر تعبیر رؤیا ، به اموری از آینده نیز آگاه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ یوسف ( ع ) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون . .. إلّا قلیلاً مما تأكلون

۱۲ یوسف ( ع ) ، شخصیتی با گذشت ، جوانمرد و بزرگوار

أفتنا . .. قال تزرعون

یوسف(ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف(ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ یوسف ( ع ) شخصیتی با عظمت ، بزرگوار و در اوج کرامت و آزادگی

قال الملك ائتونی به . .. فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۸

۸ یوسف ( ع ) ، برخوردار از عفتی اعجاب برانگیز و درخور برترین ستایش

قلن حش لله

<حاش لله> سخنی است که از شدت شگفت زدگی حکایت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۷

۷ یوسف ( ع ) انسانی مقتدر و امین و شایسته اعتماد بود .

إنک الیوم لدینا مکین أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ اقتدار کامل و بدون منازع یوسف ( ع ) در مصر ، پرتوی از رحمت خاص خداوند بر او بود .

کذلك مکّنّا لیوسف . .. نصیب برحمتنا من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۹

۹ یوسف ( ع ) نمونه ای بارز از مؤمنان تقواپیشه و باورداران به سرای آخرت

و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

از مصداقهای مورد نظر برای <الذین آمنوا . ..> به قرینه آیات قبل ، یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۶،۷،۸

۶ یوسف ( ع ) سهمیه و جیره افراد را همواره عادلانه و بدون کمترین نقصی به آنان پرداخت می کرد .

ألا ترون أنی أَوفی الکیل

کیـل (پیمـانه کردن) مصـدر است و در آیه شـریفه، به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشـد و مراد از آن آذوقه و غلات است. <ایفاء> (مصدر اوفی) به معنای پرداختن به طور کامل و بدون نقص و کاستی است. آوردن فعل مضارع (اوفی) به جای

فعل ماضی <وفیت> اشاره به روش مستمر یوسف(ع) در ایفای کیل دارد.

۷ یوسف ( ع ) از میهمانان و کسانی که برای تهیه آذوقه و دریافت سهمیه به او مراجعه می کردند ، به خوبی پذیرایی می کرد .

ألا ترون . .. أنا خیر المنزلین

<نزول> به طعام و مانند آن که برای میهمان تهیه شده گفته می شود و <نزیل> به معنای میهمان است. <منزلین> در آیه شریفه از همین ماده گرفته شده و به معنای میزبانها و مهمان نوازان می باشد.

۸ یوسف ( ع ) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۹ – ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزه بودن از کینه توزی و حسّ انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف ( ع )

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۲۱،۲۶

۲۱ موفقیت یوسف ( ع ) در طرح و اجرای نقشه برای نگه داشتن بنیامین ، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از دانش افزون تر وی

کذلک کدنا لیوسف . .. نرفع درجت من نشاء و فوق کل ذی علم علیم

مصداق مورد نظر برای <من نشاء> یوسف(ع) است.

۲۶ برادران یوسف برخوردار از علم و دانش و یوسف ( ع ) عالم تر و آگاه تر از همه آنان

و فوق کل ذی علم علیم

بر اساس اولین

معنایی که برای جمله فوق در برداشت قبل آمـد ، مصـداق مورد نظر برای <علیم> یوسف است و مصـداق <کل ذی علم> برادران او هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) بهره مند از سیطره بر خویشتن و برخوردار از حلم و بردباری

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۹

۹ یوسف ( ع ) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

إنا نریک من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) ، انسانی با گذشت ، جوانمرد و به دور از انتقام جویی بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۷

۷ یوسف ( ع ) و بنیامین از تقواپیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۱

۱ یوسف ( ع ) ، برتر و با فضیلت تر از سایر برادرانش بود .

لقد ءاثرک الله علینا

<ایثار> (مصدر آثر) به معنای برتری دادن و اختیار کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۲

۲ یوسف ( ع ) انسانی

با گذشت و بدور از خصلت انتقام جویی

قال لاتثریب علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۶،۷

۶ آگاهی یوسف ( ع ) از غیب و اطلاع او بر حوادثی از آینده

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

تأثیر پیراهن یوسف(ع) بر چشمان یعقوب(ع) و بینا شدن آنها ، از امور غیبی است و یوسف(ع) از آن آگاه بود.

۷ بینا شدن یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهن یوسف ( ع ) ، کرامتی از یوسف

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

فعل <یأت> جواب امر <فألقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه علی وجه أبی یأت بصیراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف(ع) در بینا شدن چشم یعقوب(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۵،۸

۵ خداوند ، اعطا کننده حکومت و فرمانروایی به یوسف ( ع )

رب قد ءاتیتنی من الملک

۸ یوسف ( ع ) برخوردار از علم به تأویل رؤیا ها و تحلیل حوادث

علمتنی من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: <هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود>. بنابراین مراد از احادیث هم می تواند رؤیاها باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

فضایلیوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۴

۴ احترام ویژه یوسف (ع

) به پدر و مادر خویش

و رفع أبویه علی العرش

فلسفه استمرار زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ < عن أبی عبدالله ( ع ) : . . . [ فی قول الله ] < قال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک > قال : و لم یفزع یوسف فی حاله إلی الله فیدعوه فلذالک قال الله < فأنساه الشیطان ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین > . . . ;

از امام صادق(ع): . .. [درباره سخن خدا ]<قال للذی ...اذکرنی عند ربک> روایت شده است که فرمود: یوسف در آن حال به خداوند پناه نبرد که او را بخواند. برای همین است که خدا فرمود: فأنساه الشیطان ذکر ربه ...>.

فلسفه بیان قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۴

۴ خداوند با بیان مکر برادران یوسف علیه وی ، تسلّی دهنده پیامبر ( ص ) بر مخالفت مردمان با وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون. و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان <ما أکثر الناس . ..> با خصوص مکر برادران یوسف علیه وی (و هم یمکرون) است و به این نکته اشاره دارد که: ای پیامبر! آنان که فرزندان یعقوب پیامبر بودند با پدر و برادرشان آن گونه رفتار کردند، پس مبادا از ایمان نیاوردن مردم اندوهگین باشی و خود را مقصر پنداری چرا که عموم مردم حق ناپذیرند.

فلسفه تدبیر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸

- یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۵

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف ( ع ) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

کذلک کدنا لیوسف

<کذلک> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

فلسفه خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۲

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی ، از هدف های یوسف ( ع ) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

فلسفه دادخواهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۲،۳،۱۲

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف ( ع ) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف ( ع ) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

چنان چه <ذلک لیعلم . ..> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلک> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملک> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلک لیعلم ...> ; یعنی، بیرون نرفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

۳ یوسف ( ع ) با تقاضای دادرسی

و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

۱۲ یوسف ( ع ) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لایهدی . ..> عطف بر <أنی ...> است ; یعنی: <ذلک لیعلم أن الله ...>. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

فلسفه ذکر قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ پیدایش سؤالهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف ( ع ) ، باعث طرح داستان یوسف ( ع ) در قرآن

إن ربک علیم حکیم. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

فلسفه زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ یوسف ( ع ) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

فلسفه زندانی کردن یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۵ – ۲،۳

**۲ تصمیم قاطع دولت مردان**

مصر بر زندانی ساختن یوسف ( ع ) ، جهت رهایی از بحران و حفظ حیثیت دربار

ثم بدا لهم . .. لیسجننه

۳ گناهکار وانمود کردن یوسف ( ع ) ، از اهداف زندانی ساختن او *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه

قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۹،۱۰،۱۱

۹ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، علی رغم خویشی او با زلیخا ، بی طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ من قُبل

۱۰ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، پیش از اظهار نظر خویش ، به پاره شدن پیراهن یوسف ( ع ) آگاه شد .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ

۱۱ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف ( ع ) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف ( ع ) از پیشِ رو دانست .

إن کان قمیصه قُدّ من قُبل فصدقت و هو من الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف ( ع ) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشتِ سر دانست .

و إن کان . .. و هو من الصدقین

قتل یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹ – ۸،۹

۸ برادران

یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

مراد از صلاح در <قوماً صالحین> صلاح امور دنیوی است ; زیرا ظاهر آن است که فعل مضارع <تکونوا> عطف بر <یخل> و جواب امر <اقتلوا> و <اطرحوه> می باشد. بر این اساس جمله <تکونوا ...> چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

۹ برادران یوسف ، بر آن بودند که پس از کشتن یا تبعید او ، توبه کرده و درستکار شوند . *

اقتلوا یوسف . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

در برداشت فوق، صلاح در <قوماً صالحین> صلاح دینی و اخلاقی گرفته شده است. این احتمال مبتنی بر این است که <واو> در <و تکونوا> به معنای مع و <تکونوا> منصوب به <أن> مقدر باشد. بر این اساس <اقتلوا یوسف ... و تکونوا من بعده قوماً صالحین> چنین معنا می شود: یوسف را بکشید، ولی با این قید و شرط که پس از آن با توبه به درگاه خدا، مردمی صالح و درستکار باشید.

قدرت جنسی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۳

۳ توانایی جسمی و جنسی یوسف ( ع ) ، برای کام جویی از زلیخا

و لقد همّت به و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

قرآن، پس از بیان این که زلیخا تمام شرایط کام جویی را برای یوسف فراهم ساخته بود و

موانع را برطرف کرده بود، با جمله <همّ بها لولا . ..> تنها مانع یوسف(ع) را، مشاهـده برهان الهی معرفی کرد تا گمان نشود که او گرایشی به امور جنسی نداشت و از آمیزش با زنان ناتوان بود.

قدرت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۱۰

۱۰ اقتدار و عزت یوسف ( ع ) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقواپیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

قرآن و قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۲ – ۸،۹

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او ، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف ( ع ) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

یاد کردن از این قسـمت داسـتان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داسـتان یوسف از اخبار غیبی است ، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمتهای آن می باشد.

۹ بیان قرآن درباره مکر ها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصـر علیه او ، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

جمله <و ما کنت لدیهم. ..> به منزله تعلیل برای <ذلک من أنباء الغیب...> است.

قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴ – ۱،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۱۱

۱ يوسف (ع

) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا والشمس والقمر رأیتهم لی سجدین

۳ یوسف ( ع ) هیچ ابهام و تردیدی در رؤیای خویش و خصوصیات آن نداشت .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

تکرار فعل <رأیت> برای تأکید است و هدف از تأکید رساندن این معناست که یوسف در خواب خویش و خصوصیات آن ، ابهام و تردیدی نداشت.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

۵ یوسف ( ع ) رؤیای شگفت خویش را برای پدرش ( یعقوب ( ع ) ) بیان کرد .

إذ قال یوسف لأبیه یأبت إنی رأیت

۶ رابطه یوسف ( ع ) و پدرش یعقوب ( ع ) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

إذ قال یوسف لأبیه یأبت . .. یبنیّ

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنیّ> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) ، حاکی از اظهار علاقه آن دو به یکدیگر است.

۸ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . . رأی یوسف هذه الرؤیا و له تسع سنین فقصّها علی أبیه . . . و کان یوسف من أحسن الناس وجهاً و کان یعقوب یحبّه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده:. .. یوسف این خواب را در سن نه سالگی دید و

آن را برای پدرش نقل کرد ... یوسف از تمام مردم زیبا صورت تر بود و یعقوب او را دوست می داشت>.

۹ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . . تأویل هذه الرؤیا أنه سیملک مصر و یدخل علیه أبواه و إخوته أما الشمس فأُمّ یوسف راحیل و القمر یعقوب و أما أحد عشر کوکباً فإخوته فلما دخلوا علیه سجدوا شکراً لله وحده حین نظروا إلیه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده: تأویل این خواب یوسف این است که او به زودی بر مصر پادشاهی خواهد کرد و پدر و مادر و برادرانش بر او وارد می شوند ; اما خورشید مادر یوسف <راحیل> و ماه <یعقوب> و یازده ستاره <برادران او> هستند. پس هنگامی که بر او وارد شدند و به او نظر افکندند برای خدا سجده شکر کردند ...>.

۱۱ < قال أبوحمزه : فقلت لعلی بن الحسین ( ع ) : متی رأی یوسف الرؤیا ؟ فقال : فی تلک اللیله التی بات فیها یعقوب و ولده شباعاً و بات فیها ذمیال جائعاً رائهاً . . . ;

ابوحمزه گوید: به امام سجاد(ع) گفتم چه وقت یوسف(ع) این خواب را دید؟، فرمود: همان شبی که یعقوب و فرزندانش با شکم سیر خوابیدند و ذمیال با شکم گرسنه و در حال ناراحتی خوابید . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۳، ۲۰، ۱۴، ۱۳، ۶، ۵، ۴، ۱

۱ یعقوب ( ع ) ، فرزندش یوسف ( ع ) را از نقل خواب خویش برای برادرانش برحذر داشت .

یبنیّ لاتقصص رءیاک علی إخوتک

۴ یعقوب ( ع )

مطمئن به مکر و کید فرزندانش علیه یوسف ( ع ) در صورت آگاه شدنشان از رؤیای او

لاتقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیدًا

چنان چه یعقوب(ع) اطمینان و یقین به کید و مکر فرزندانش علیه یوسف(ع) نداشت ، پس از نقل رؤیا می فرمود: <فإنی أخاف أن یکیدوا . ..> (می ترسم نقشه ای برای تو بکشند) و جمله خویش را با مفعول مطلق (کیداً) تأکید نمی کرد.

۵ یعقوب ( ع ) ، نگران آسیب دیدن یوسف ( ع ) از ناحیه برادرانش

فیکیدوا لک کیدًا

۶ یعقوب ( ع ) پیش بینی می کرد که همه فرزندانش علیه یوسف ( ع ) متحد می شوند و هیچ کدام از او حمایت نخواهند کرد .

فیکیدوا لک کیدًا

ضمیر در <یکیدوا> به <إخوه> باز می گردد و این گویای برداشت فوق است.

۱۳ رؤیای شگفت یوسف ( ع ) ( سجده ستارگان ، ماه و خورشید ) در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است .

قال یبنیّ

کلمه <بنیّ> تصغیر کلمه <ابن> می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است. <یبنیّ> ; یعنی، ای پسر کوچک من.

۱۴ رابطه یوسف ( ع ) و پدرش یعقوب ( ع ) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

یأبت . .. قال یبنیّ لاتقصص رءیاک

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنیّ> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) حاکی از علاقه آن دو به یکدیگر است.

۲۰ برادران یوسف ، در خطر گرفتاری به دام دشمنی های شیطان در صورت شنیدن رؤیای یوسف ( ع )

فیکیدوا لک کیدًا إن الشیطن للإنسن عدو مبین

۲۳ < عن علی بن الحسین ( ع )

: . . . فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّها على أبيه يعقوب . . . فقال يعقوب ليوسف : لاتقصص رؤياك هذه على إخوتك . . . فلم يكتم يوسف رؤياه فقصّها على إخوته . . . ;

از امام سجاد(ع) روايت شده . .. هنگامى كه يوسف آن خواب را ديد و بامداد براى پدرش يعقوب بازگو كرد ... يعقوب به يوسف گفت: اين خواب خود را براى برادرانت بازگو نكن ... يوسف خواب خود را پوشيده نداشت و براى برادرانش بازگو كرد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶ - ۱

۱ رؤياى يوسف ( ع ) حاكى از برگزيده شدنش از ناحيه خدا و خالص شدن او براى خداوند بود .

و كذلك يجتبيك ربك

<اجتباء> به معناى گزينش كردن و براى خود خالص ساختن است. بنابراين <يجتبيك ربك> ; يعنى ، پروردگارت تو را برمى گزيند و براى خويش خالص مى گرداند ، به طورى كه نصيبى در تو براى غير او نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت يوسف ( ع ) بيانگر دليل و علت برگزيده شدنش از ناحيه خدا ، ياد دادن تعبير رؤيا و تحليل حوادث به او و اعطاى نعمت كامل به وى است .

يجتبيك ربك و يعلمك . .. لقد كان فى يوسف و إخوته ءايت للسائلين

برداشت فوق ، ناظر به اين مطلب است كه متعلق كلمه <آيات>، <اجتبا و گزينش يوسف(ع) و. ..> باشد كه از جمله هاى <كذلك يجتبيك ربك و ...> به

دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۸،۱۵

۸ حسادت برادران یوسف به وی ، آنان را به جلسه ای برای تصمیم گیری علیه او واداشت .

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا منا

۱۵ < عن على بن الحسين ( ع ) : . . . فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّها على أبيه يعقوب ، فاغتم يعقوب لما سمع من يوسف مع ما أوحى الله عزوجل إليه أن استعد للبلاء . . . و خاف أن يكون ما أوحى الله عزوجل إليه من الإستعداد للبلاء هو فى يوسف خاصّه فاشتدت رقته عليه من بين ولده فلما رأى إخوه يوسف ما يصنع يعقوب بيوسف و تكرمته إيّاه و إيثاره إيّاه عليهم إشتد ذلك عليهم . . . و قالوا : إن يوسف و أخاه < أحب إلى أبينا منّا > . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که یوسف(ع) آن خواب را دید و بامداد برای یعقوب بازگو کرد، یعقوب به خاطر آنچه از یوسف شنید با آنچه خدای عزوجل به او وحی کرد که آماده بلاـ باش غمگین شد ... و ترسید که آن بلا بالخصوص در مورد یوسف باشد. از این رو مهربانی او از میان برادران به یوسف زیادتر شد ; چون برادران رفتار یعقوب را نسبت به یوسف دیدند که او را گرامی می دارد و بر آنان ترجیح می دهد، بر آنان گران آمد ... و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب ترند>.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱،۵،۷،۸،۹،۱۱

۱ کشتن یا تبعید یوسف ( ع ) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا

جمله <اقتلوا یوسف. ..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۲اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کنتم فاعلین> در آیه بعد، می رساند که یکی از آنان با هر دو نظر مخالف بود ولذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

۵ برادران یوسف در صورت نبود او ، بنیامین را رقیب خویش در جلب محبت یعقوب ( ع ) نمی دیدند .

لیوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا یوسف ... یخل لکم وجه أبیکم

برادران یوسف از محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) و نیز بنیامین در رنج بودند ; ولی با از میان بردن یوسف(ع) مشکل را حل شده می دانستند. بنابراین چنین می پنداشتند که بنیامین ، نمی تواند مانع توجه کامل یعقوب(ع) به آنان باشد.

۷ برادران یوسف حضور او در نزد یعقوب را ، مایه تلخ کامی و نابسامانی خویش می دانستند .

اقتلوا یوسف . .. تکونوا من بعده قومًا صلحین

۸ برادران یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

مراد از صلاح در <قوماً صالحین> صلاح امور

دنیوی است ; زیرا ظاهر آن است که فعل مضارع <تکونوا> عطف بر <یخل> و جواب امر <اقتلوا> و <اطرحوه> می باشد. بر این اساس جمله <تکونوا ...> چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

۹ برادران یوسف ، بر آن بودند که پس از کشتن یا تبعید او ، توبه کرده و درستکار شوند . *

اقتلوا یوسف . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

در برداشت فوق، صلاح در <قوماً صالحین> صلاح دینی و اخلاقی گرفته شده است. این احتمال مبتنی بر این است که <واو> در <و تکونوا> به معنای مع و <تکونوا> منصوب به <أن> مقدر باشد. بر این اساس <اقتلوا یوسف ... و تکونوا من بعده قوماً صالحین> چنین معنا می شود: یوسف را بکشید، ولی با این قید و شرط که پس از آن با توبه به درگاه خدا، مردمی صالح و درستکار باشید.

۱۱ < عن علی بن الحسین ( ع ) فی قوله تعالی : < وتکونوا من بعده قوماً صالحین > أی تتوبون ;

از امام سجاد(ع) روایت شده که درباره سخن خدا که می فرماید: [برادران یوسف گفتند:] <وتکونوا من بعده قوماً صالحین> فرمود: یعنی بعد از آن توبه می کنید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸

۱ یکی از برادران یوسف ( لاوی ) در جلسه توطئه ، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از

برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۲ لاوی برخلاف دیگر برادرانش ، با توطئه علیه یوسف ( ع ) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب ( ع ) موافق نبود .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. إن کنتم فعلین

جمله شرطی <إن کنتم فاعلین> (اگر بر توطئه علیه یوسف(ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن کنتم...) معنایی است که از <ألقوه...> استفاده می شود ; یعنی، <إن کنتم فاعلین فألقوه فی غیبت الجب>.

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

۴ لاوی با پیشنهاد خود ( انداختن یوسف به چاه ) درصدد حفظ جان یوسف ( ع ) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لاتقتلوا یوسف . .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه

أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف ( ع ) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف ( ع ) و مایه نجات او از مرگ می دید .

یلتقطه بعض السیّاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

۷ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . قال کبیرهم < ولاتقتلوا یوسف > و لکن < ألقوه فی غیابت الجبّ > ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. که برادر بزرگ تر آنان گفت: یوسف را نکشید ، ولی او را در مخفی گاه چاه قرار دهید>.

۸ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . . فقال لاوی لایجوز قتله و نغیبه عن أبینا ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. پس لاوی گفت: کشتنش روا نیست و [لیکن] او را از پدرمان دور می سازیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹

۱ پیشنهاد لاوی ( نکشتن یوسف ( ع ) و افکندن او در چاه ) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. قالوا یأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان

طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

۳ یعقوب ( ع ) از سپردن یوسف ( ع ) به برادرانش ، همواره اجتناب می کرد .

ما لک لاتأمنّا علی یوسف

۴ بردن یوسف ( ع ) از نزد یعقوب ( ع ) ، مشکل اساسی برادران یوسف در اجرای توطئه علیه او

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

۵ زمینه سازی برادران یوسف جهت جلب رضایت پدر در بردن یوسف ( ع )

یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

۶ فرزندان یعقوب ، با دروغ و نیرنگ درصدد برآمدند تا اعتماد وی را جلب کرده و رضایت او را در سپردن یوسف ( ع ) به ایشان فراهم سازند .

و إنا له لنصحون

۷ برادران یوسف با حضور در پیشگاه یعقوب ( ع ) لب به شکایت گشوده و از بی اعتمادی او نسبت به آنان درباره یوسف ( ع ) انتقاد کردند .

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، بر خیرخواهی خویش نسبت به یوسف ( ع ) تأکید کردند .

ما لک لاتأمنّا علی یوسف و إنا له لنصحون

۹ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به او ، و تحریک احساسات وی درصدد فریب دادن او بودند .

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

برداشت فوق ، از خطاب <یأبانا> (ای پدر جانمان) و نیز لحن کلام <ما لک لاتأمنّا . ..> (چه شده است که به ما درباره یوسف بی اعتماد هستی) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۱۱

۱ فرزندان یعقوب ، پس از طرح توطئه علیه یوسف ( ع ) از

او خواستند تا یوسف ( ع ) را همراه آنان به مرتع بفرستد .

أرسله معنا غدًا

۲ برادران یوسف ، زمان اجرای توطئه علیه او را ، فردای همان روزِ مشورت با یکدیگر و گفت و گو با پدرشان تعیین کردند .

إذ قالوا . .. قالوا یأبانا ... أرسله معنا غدًا

۳ برادران یوسف در اجرای نقشه شوم خویش علیه او ، تعجیل داشتند و درنگ را روا نمی دانستند .

أرسله معنا غدًا

برداشت فوق، از تصریح برادران او به اینکه <فردا یوسف(ع) را به همراه ما بفرست> استفاده می شود.

۴ برادران یوسف با اظهار علاقه به رفع نیاز های طبیعی یوسف ( ع ) ( حضور در مرتع و گردش و بازی ) درصدد اثبات خیرخواهی خویش نسبت به او بودند .

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غدًا یرتع و یلعب

<رتع> (مصدر یرتع) استفاده فراوان از خوراکیها و نوشیدنیهای باغستانها ، مزارع و مراتع است.

۵ نیاز یوسف ( ع ) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع ، بهانه برادرانش برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب ( ع )

أرسله معنا غدًا یرتع و یلعب

۶ یوسف ( ع ) به هنگام اجرای توطئه برادرانش علیه او ، در سنین کودکی یا نوجوانی بوده است .

أرسله معنا غدًا یرتع و یلعب

برداشت فوق ، از فعل <یلعب> (بازی کند) به دست می آید ; زیرا معمولاً بازی کردن را در مورد کودکان و نوجوانان به کار می برند.

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، با تأکیدی فراوان مراقبت از یوسف ( ع ) را برعهده گرفتند .

و إنا له لحفظون

تأکید فراوان ، از

آوردن جمله اسمیه به همراه <إنّ> و <لام> تأکید استفاده می شود.

۱۱ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . .فقالوا کما حکی الله عزوجل < . . . أرسله معنا غداً یرتع و یلعب > أی یرعی الغنم و یلعب ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: <...أرسله معنا غداً یرتع و یلعب> ; یعنی، او را با ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۹

۱ یعقوب ( ع ) با فرستادن یوسف ( ع ) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از آن اعتذار می جست .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف ( ع ) ، از اعتذار های یعقوب ( ع ) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لک لاتأمنّا . .. قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۳ یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف ( ع ) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۴ یعقوب ( ع ) علی رغم اعتماد نداشتن به فرزندانش درباره یوسف ( ع ) ، از ابراز آن خودداری کرد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به و أخاف أن یأکله الذئب

۷ غفلت برادران از حراست یوسف ( ع ) در صحرا ، دور از انتظار یعقوب ( ع ) نبود .

أخاف أن یأکله الذئب و أنتم عنه غفلون

۸ < عن أبی عبدالله ( ع

) قـال : إن بنی یعقوب لما سألوا أباهم یعقوب أن یأذن لیوسف فی الخروج معهم قال لهم < إنی أخاف أن یأکله الـذئب و أنتم عنه غافلون > . . . قرّب یعقوب لهم العلّه اعتلّوا بها فی یوسف ( ع ) ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است که فرمود: فرزنـدان یعقوب هنگـامی که از پـدر خواسـتند تا اذن دهـد که یوسف با آنان بیرون رود، پـدرشان گفت: من می ترسم که او را گرگ بخورد و شـما از او غافـل باشـید . .. پس یعقوب عـذری را که آنـان برای نیاوردن یوسف اظهار کردند به [ذهن آنان ]نزدیک کرد>.

۹ < عن علی بن الحسـین ( ع ) : . . . قال یعقوب ( ع ) < إنی لیحزننی أن تـذهبوا به و أخاف أن یأکله الذئب > فانتزعه حذراً علیه من أن تکون البلوی من الله عزوجل علی یعقوب فی یوسف خاصّه . . . ;

از امام سـجاد(ع) روایت شده است: . .. یعقوب [به فرزندان] گفت: <بردن شـما یوسف را مرا غمگین می کند و می ترسم که او را گرگ بخـورد> ; پس یوسف را از دست آنـان گرفت، چون می ترسـید آن بلاـیی که قرار بود از طرف خـدا بر او وارد شود، در مورد یوسف بالخصوص باشد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۴ – ۳،۴،۵

۳ فرزنـدان یعقوب با یادآور شـدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او ( احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف ) را نابه جا شمردند .

أخاف . .. قالوا لئن أکله الذئب و

نحن عصبه

۴ تأکید برادران یوسف بر بی لیاقتی خویش در صورت ناتوانی از حراست یوسف ( ع )

لئن أکله الذئب و نحن عصبه إنا إذًا لخسرون

۵ برادران یوسف در حضور پدر نابودی یوسف ( ع ) را برای خود ، امری خسارت بار و تباه کننده قلمداد کردند .

إنا إذًا لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۳،۱۴،۱۵،۱۷،۱۸،۱۹،۲۰

۱ فرزندان یعقوب با دروغ ها و نیرنگ های خویش ، موافقت او را برای فرستادن یوسف ( ع ) به همراه خود جلب کردند .

إنا له لحفظون . .. فلما ذهبوا به

۴ برادران یوسف تا قبل از بردن او به صحرا ، نسبت به سرنوشت او به نظر قطعی نرسیده بودند . *

فلما ذهبوا به و أجمعوا

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای اتفاق نظر و عقیده و نیز به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای انجام کاری شدن است. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

۵ برادران یوسف در توطئه علیه او ، از کشتنش احتراز می کردند و سعی در زنده ماندن وی داشتند .

و ألقوه فی غیبت الجب . .. و أجمعوا أن یجعلوه فی غیبت الجب

از اینکه برادران یوسف بر آن شدند که وی را در چاه قرار دهند نه اینکه او را در چاه بیفکنند ، معلوم می شود سعی در زنده ماندن او داشتند.

۶ برادران یوسف پس از همراه بردن او ، همگی خود را برای نهادن وی در نهانخانه چاه ، مهیّا ساختند .

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن یجعلوه فی غیبت الجب

در برداشت فوق <اجماع> به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای

انجام کار شدن گرفته شده است. قابل ذکر است که آیات پیشین (۹ ، ۱۰ و ۱۱) مؤید این معنا می باشد.

۷ صحنه نهادن یوسف در چاه به دست برادرانش ، صحنه ای بس فجیع و اندوه بار بود .

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن یجعلوه فی غیبت الجب

<لما> حرف شرط است و جواب آن در آیه شریفه ذکر نشده است. هدف از نیاوردن جواب، تفهیم فجیع بودن و اندوه بار بودن اموری است که هنگام قرار دادن یوسف در چاه پیش آمد ; یعنی، آن گاه که برادران یوسف مصمم شدند او را در چاه قرار دهند، اموری واقع شد که طاقت شنیدنش را ندارید.

۸ خداوند یوسف ( ع ) را از طریق وحی به نجات یافتن از چاه کنعان و دیداری مجدد با برادرانش ، نوید داد .

و أوحینا إلیه لتنبئنّهم بأمرهم هذا

جمله <لتنبئنّهم> (همانا این واقعه را در آینده به برادرانت یادآوری خواهی کرد) دلالت بر نجات یوسف از چاه دارد و نیز حاکی از این است که او برادرانش را در آینده ملاقات خواهد کرد.

۹ عنایت خاص خداوند به یوسف ( ع ) با وحی کردن به او در چاه کنعان

أن یجعلوه فی غیبت الجب و أوحینا إلیه

۱۳ یادآوری داستان چاه کنعان از سوی یوسف ( ع ) به برادرانش ، محتوای وحی خداوند به یوسف ( ع )

و أوحینا إلیه لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

۱۴ خداوند به یوسف ( ع ) خبر داد که ملاقات او با برادرانش ، پس از داستان چاه کنعان ، در آینده ای دور تحقق خواهد یافت .

لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

جمله حالیه

<و هم لایشعرون> متعلق به <لتنبئنّ> است ; یعنی، به آنان خبر می دهی در حالی که متوجه نیستند [و تو را نمی شناسند]. از اینکه هیچ یک از برادران یوسف به هنگام ملاقات با وی، او را نخواهند شناخت، معلوم می شود ملاقات مذکور با فاصله زمانی بسیار اتفاق خواهد افتاد.

۱۵ سلطه داشتن یوسف ( ع ) بر برادرانش در دیدار مجدد ، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف ( ع ) در چاه کنعان

و أوحینا إلیه لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لایشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان هستی.

۱۷ < قال أبوحمزه : فقلت لعلی بن الحسین ( ع ) : إبن کم کان یوسف یوم ألقوه فی الجبّ ؟ فقال : إبن تسع سنین . . . ;

أبوحمزه گوید: به امام سجاد(ع) گفتم: زمانی که یوسف را در چاه انداختند چند ساله بود؟ فرمود: نُه ساله. ..>.

۱۸ < قال رسول الله ( ص ) لما اُلقی یوسف فی الجبّ أتاه جبرئیل علیه السلام فقال له : یا غلام ، من ألقاک فی هذا الجبّ ؟ قال : إخوتی . قال : و لِمَ ؟ قال : لمودّه أبی إیّای حسدونی . . . ;

رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که یوسف(ع) در چاه افکنده شد، جبرئیل

نزد او آمد و گفت: ای پسر! چه کسی تو را در این چاه افکند؟ گفت: برادرانم. جبرئیل گفت: چرا؟ گفت : چون پدرم مرا دوست می داشت، آنان بر من حسد ورزیدند...>.

۱۹ < عن أبی جعفر ( ع ) فی قوله < لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون > یقول : لایشعرون أنک أنت یوسف . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <لتنبئنّهم. .. و هم لایشعرون> روایت شده که می فرمود: [یعنی ]نمی دانند تو همان یوسفی...>.

۲۰ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فانطلقوا به مسرعین مخافه أن یأخذه منهم و لایدفعه إلیهم . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. یوسف را با سرعت بردند ، مبادا یعقوب او را از دست آنان بگیرد و به آنان ندهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب ، پس از ر ها ساختن یوسف ( ع ) در چاه ، گریان نزد پدر آمدند .

و جاءو أباهم عشاءً یبکون

---

علل الشرایع، ص۴۷، ح۱، ب ۴۱; نورالثقلین، ج۲، ص۴۱۳، ح۱۷.

۲ برادران یوسف برای حق جلوه دادن صحنه های دروغین ، حضور خویش در نزد پدر را تا شامگاهان به تأخیر انداختند .

و جاءو أباهم عشاءً

<عشاء> به اول تاریکی شب گفته می شود و برخی از اهل لغت گفته اند: <عشاء> از اول مغرب است تا سپری شدن ثلث شب. تصریح قرآن به زمان گزارش دروغین (شامگاهان) اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۲ - ۱۷ - ۱،۲،۳،۵،۶،۸

۱ برادران یوسف ، پیش از حضور در نزد یعقوب ( ع ) با هماهنگی کامل ، دروغهایی را برای ارائه به او ، ساخته و پرداخته کردند .

قالوا یأبانا إنا ذهبنا . .. فأکله الذئب

روشن است که همه فرزندان یعقوب در حضور او لب به سخن نگشودند و گزارش ندادند ; بلکه یکی از آنان سخن می گفت. بنابراین نسبت دادن آن سخنان دروغین به همه ایشان (قالوا) گویای این است که آنان از پیش دروغها را بافته و تبادل نظر کرده بودند و همگی بر آن اتفاق نظر داشتند.

۲ طعمه گرگ شدن یوسف ( ع ) ، گزارشی دروغین برادران او به پدرشان یعقوب

قالوا . .. فأکله الذئب

۳ غفلت از یوسف ( ع ) به خاطر سرگرمی به دویدن و مسابقه دادن ، اعتذار دروغین برادران او در توجیه طعمه گرگ شدن یوسف ( ع )

یأبانا إنا ذهبنا نستبق و ترکنا یوسف عند متعنا

<استباق> به معنای مسابقه دادن و پیشی گرفتن است و جمله <نستبق> حال برای فاعل <ذهبنا> است. بنابراین <ذهبنا نستبق> ; یعنی، می رفتیم در حالی که با یکدیگر مسابقه می دادیم. رفتن و مسابقه دادن با مسابقه تیراندازی یا اسب دوانی مطابقتی ندارد ; بلکه با مسابقه دویدن منطبق است.

۵ برادران یوسف در داستان ساختگی خویش ( طعمه گرگ شدن یوسف ) ناخواسته به کوتاهی در حراست از یوسف ( ع ) اعتراف کردند .

إنا له لحفظون . .. ذهبنا نستبق ... فأکله الذئب

۶ یعقوب ( ع ) ادعای فرزندانش درباره یوسف ( ع ) ( طعمه گرگ شدن او ) را باور نکرد و

آن را نپذیرفت .

و ما أنت بمؤمن لنا

۸ اطمینان برادران یوسف به ناموفق بودن صحنه سازیهایشان در باوراندن دروغ های خود به یعقوب ( ع )

و ما أنت بمؤمن لنا و لو كنا صدقين

<ایمان> به معنای تصدیق کردن شخص و باور کردن مدعای اوست. آوردن جمله اسمیه به همراه <باء> زایده که برای تأکید است حکایت از اطمینان برادران یوسف به مضمون جمله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۲۱، ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۱،۱۹،۲۰

۱ برادران یوسف قبل از قرار دادن او در چاه ، پیراهن او را از بدنش خارج کردند .

و جاءو على قميصه بدم كذب

۲ برادران یوسف ، پیراهن وی را به خونی دروغین ( خونی غیر از خون او ) آغشته کردند .

و جاءو على قميصه بدم كذب

۳ برادران یوسف با ارائه پیراهن خونین او به یعقوب ( ع ) ، درصدد اثبات ادعای ساختگی خویش برآمدند .

و جاءو على قميصه بدم كذب

۴ خونین بودن روی پیراهن یوسف ، نشانه ای آشکار بر طعمه گرگ نشدن او بود .

و جاءو على قميصه بدم كذب

<بدم> مفعول برای <جاءو> است و <علی قمیصه> حال برای <دم> می باشد. بنابراین <جاءو ...> ; یعنی، خون دروغینی را آوردند در حالی که آن خون بر روی پیراهن بود و از آن جا که معمولاً ـ قسمت زیرین و آستر لباس مصدوم آغشته به خون می شود، ولی روی لباس یوسف خونین بود، یعقوب(ع) دریافت که فرزندش طعمه گرگ نشده است.

۵ خونی که برادران یوسف پیراهن او را با آن آغشته کردند ، به خوبی نشان می داد که

خون یوسف نیست .

جاءو علی قمیصه بدم کذب

<کذب> مصدر است و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل <کاذب> می باشد به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل حاکی از مبالغه است بنابراین <دم کذب> یعنی خون دروغین که دروغ بودنش خیلی روشن و واضح بود.

۶ برادران یوسف با ارائه پیراهن او بدون آنکه پاره پاره و چاک چاک شده باشد دروغ بودن ادعای خویش ( طعمه گرگ شدن یوسف ) را آشکار کردند . *

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

معمولاً کسی که طعمه درندگان می شود، لباس او سالم نمی ماند و به خاطر پارگیهای بسیار از صورت لباس بودن خارج می شود. بنابراین اطلاق <قمیص> (پیراهن) بر آنچه برادران یوسف به یعقوب(ع) ارائه کردند، می رساند که پیراهن او سالم و یا نسبتاً سالم بود و این نشانه دیگری شد بر حقیقت نداشتن ادعای برادران یوسف.

۷ یعقوب ( ع ) گزارش فرزندانش را نپذیرفت و به دروغ بودن آن اطمینان پیدا کرد .

فأکله الذئب . .. قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

<تسویل> (مصدر سوّلت) به معنای آسان کردن و نیز زینت دادن امری ناپسند به صورت امری نیکوست و مراد از <أمراً> مکر و نیرنگ علیه یوسف است. بنابراین <بل سوّلت ...> چنین معنا می شود: آنچه گفتید صحت ندارد ; بلکه نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت.

۸ اطمینان یعقوب ( ع ) به اجرای توطئه ای از سوی فرزندانش علیه یوسف ( ع )

بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> می رساند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت و

جمله <سوّلت لکم . ..> بیانگر این نکته است که او به توطئه آنان علیه یوسف(ع) اطمینان پیدا کرد.

۹ یعقوب ( ع ) فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی را ، وادار کننده فرزندانش بر توطئه علیه یوسف ( ع ) دانست .

بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

۱۱ تصمیم یعقوب ( ع ) بر مسکوت گذاشتن پرونده خیانت فرزندانش درباره یوسف ( ع ) و پی گیری نکردن آن

بل سوّلت لکم . .. والله المستعان علی ما تصفون

۱۹ < عن أبی عبدالله ( ع ) قال لما أوتی بقمیص یوسف إلی یعقوب . . . کان به نضح من دم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که پیراهن یوسف برای یعقوب آورده شد . .. روی آن قطراتی از خون پاشیده شده بود>.

۲۰ < عن أبی جعفر ( ع ) فی قوله < و جاؤوا علی قمیصه بدم کذب > قال : إنهم ذبحوا جدیاً علی قمیصه ;

از امام باقر(ع) روایت شده درباره سخن خدا که فرموده: <و جاؤوا . ..> فرمود: آنان بزغاله ای بر روی پیراهن او ذبح کرده بودند>.

۲۱ < عن علی بن الحسین ( ع ) . . . قال [ یعقوب لهم ] بل سوّلت لکم أنفسکم أمراً و ما کان الله لیطعم لحم یوسف الذئب من قبل أن أری تأویل رؤیاه الصادقه ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. یعقوب به برادران یوسف گفت: <بل سوّلت لکم أنفسکم أمراً> و چنین نیست که خدا گوشت یوسف را به خورد گرگ بدهد، قبل از آنکه تأویل خواب راستین او را ببینم>.

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۳

۱ کاروانی در اطراف چاهی که یوسف ( ع ) در آن بود ، منزل گزیدند و مأمور تهیه آب را به سوی آن چاه روانه کردند .

و جاءت سیّاره فأرسلوا واردهم

<وارد> به کسی که برای تهیه آب بر سر چاه ، نهر و مانند آن می رود ، گفته می شود.

۲ آب آور کاروان به منظور آب کشیدن ، دلو خویش را در چاه کنعان افکند و برخلاف انتظار ، کودکی را از آن بیرون آورد .

فأدلی دلوه قال یبشری هذا غلم

<أدلاء> (مصدر أدلی) به معنای فرستادن <دلو> است. <غلام> به پسر کوچک گفته می شود (مصباح المنیر).

۳ یوسف ( ع ) با چنگ زدن به طناب و دلو آب آورِ کاروان ، خود را از چاه نجات داد .

فأرسلوا واردهم فأدلی دلوه قال یبشری هذا غلم

۴ آب آور کاروان ، از یافتن یوسف ( ع ) شادمان و شگفت زده شد و آن را به همسفران خویش بشارت داد .

قال یبشری هذا غلم

۵ کاروانِ یابنده یوسف ( ع ) ، او را به عنوان کالای تجاری به همراه خود بردند .

و أسرّوه بضعه

<بضاعه> به مال و کالایی اطلاق می شود که برای تجارت قرار داده شده است.

۶ کاروانِ یابنده یوسف ( ع ) به منظور کالای تجارتی قرار دادن او ، سعی در مخفی ساختن وی داشتند .

و أسرّوه بضعه

در فعل <أسرّوا> (پنهان ساختند) معنای جعل و قرار دادن اشراب شده است ; از این رو <بضاعه> را به عنوان مفعول دوم نصب داده است. معنای جمله نیز چنین می شود: یوسف(ع)

را کالای تجارتی قرار دادند و او را پنهان ساختند.

۷ نجات یوسف ( ع ) از چاه سرآغاز بردگی او

و أسرّوه بضعه

بضاعت و کالای تجارتی قرار دادن انسان ، مستلزم برده بودن و یا برده شمردن اوست.

۱۳ اتراق کاروانیان در اطراف چاه کنعان ، نجات دادن یوسف ( ع ) از آن چاه و به همراه خویش بردن او ، به تقدیر خداوند و تحت نظارت دقیق او انجام می گرفت .

و جاءت سیّاره . .. والله علیم بما یعملون

مراد از <ما> در <ما یعملون> می تواند کالا قرار دادن یوسف(ع) باشد (أسرّوه بضاعه). و نیز محتمل است همه داستان کاروان، در رابطه با یوسف(ع) باشد. بنابر فرض نخست، علم خدا به رفتار آنان (کالا قرار دادن) کنایه از کیفردهی است و بنابر فرض دوم، علم خدا کنایه از تقدیر و تدبیر اوست ; یعنی، تمام مقدماتی که مایه نجات یوسف(ع) از چاه شد (گذر کردن کاروان در اطراف کنعان، منزل کردن در اطراف چاه و ...) همه به نظارت خدا و تدبیر او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹

۱ کاروانیان ، یوسف ( ع ) را به درهمهایی اندك و بهایی ناچیز فروختند .

و شروه بثمن بخس درهم معدوده

<شراء> (مصدر شروا) به معنای فروختن است و ضمیر فاعلی در <شروه> به <سیّاره> باز می گردد. <بخس> مصدر به معنای اسم مفعول (مبخوس =ناقص و کم ارزش) می باشد. <ثمن بخس> ; یعنی، بهایی که نسبت به چیز خریداری شده کم ارزش تر باشد. <معدوده> به معنای شمرده شده و کنایه از اندك

بودن است.

۲ همه اهل کاروان ، خود را نسبت به یوسف ( ع ) ذی نفع می پنداشتند و خویشتن را مالک او می شمردند .

أسرّوه بضعه . .. و شروه بثمن

از آن جایی که کالا قرار دادن و نیز فروختن یوسف(ع) به کاروان نسبت داده شده است ، برداشت فوق استفاده می شود.

۳ کاروانیان یابنده یوسف ( ع ) ، به نگه داشتن او در نزد خویش ، رغبتی نداشتند .

شروه . .. و کانوا فیه من الزهدین

<زهد> رغبت نداشتن به چیزی به خاطر بی مقدار دانستن آن است. به نظر می رسد کاروانیان ، بیم آن داشتند که کار ناروایشان یعنی برده ساختن انسان یافت شده فاش شود. ازاین رو قیمتی ارزان برای او تعیین کردند ، تا هرچه زودتر به فروش رسد.

۴ تعجیل کاروانیان در فروش یوسف ( ع ) و بی رغبتی آنان در نگه داشتن وی ، دلیل فروختن او به بهایی ناچیز

و شروه بثمن بخس . .. و کانوا فیه من الزهدین

جمله <و کانوا . ..> به منزله تعلیل برای <شروه بثمن بخس> است ; یعنی ، چون رغبتی به [نگه داری ]یوسف(ع) نداشتند ، او را به بهایی ناچیز فروختند.

۵ برادران یوسف ، او را به درهمهایی اندک و بهایی ناچیز ، به کاروانیان فروختند . *

و شروه بثمن بخس

برداشت فوق، براساس این احتمال است که مراد از ضمیر فاعلی در <شروه>، برادران یوسف باشد. بر این مبنا برادران یوسف فروشنده، و طبعاً کاروانیان خریدار او بودند. عبارت <الذی اشتراه من مصر> در آیه بعد، می تواند مؤید این احتمال باشد ; زیرا این عبارت می

رساند که پیش از فروش یوسف(ع) در مصر، یک بار دیگر نیز خرید و فروش در مورد او انجام گرفته بود.

۶ یوسف ( ع ) در نزد برادرانش ، شخصی بی مقدار و کم ارزش بود . *

و کانوا فیه من الزهدین

در برداشت فوق ، ضمیر در <کانوا> به برادران یوسف باز گردانده شده است.

۹ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فلما أخرجوه أقبل إلیهم إخوه یوسف فقالوا هـذا عبـدنا . . . أمنکم من یشتری هذا العبد ؟ فاشتراه رجل منهم بعشرین درهماً و کان إخوته فیه من الزاهدین . . . ;

از امـام سـجاد(ع) روایت شـده است: . .. هنگـامی که کاروانیـان یوسف را از چـاه درآوردنـد، برادران او به نزد آنـان رفتنـد و گفتنـد: ایـن برده مـاست ... آیـا از شـما کسـی هسـت کـه این برده را بخرد؟ پس مردی از آنـان او را به بیست درهم خریـد و برادران وی به او بی رغبت بودند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۱ – ۱،۲،۳،۶،۷،۸،۱۱،۱۲،۱۴

۱ کاروان یابنده یوسف ( ع ) ، به مصر وارد شد و او را در آن دیار به فروش رساند .

و شروه بثمن . .. و قال الذی اشتریه من مصر

۲ عزیز مصر ، یوسف ( ع ) را در مصر از کاروانیان خریداری کرد .

و قال الذی اشتریه من مصر

<من مصـر> محتمل است متعلق به <اشتراه> باشـد ، و احتمال دارد حال برای <الذی اشتراه> باشد. برداشت فوق ، ناظر به احتمال اول است. آیات بعد ، بیانگر آن است که مراد

از <الذی اشتراه>، عزیز مصر است.

۳ خریدار یوسف ( ع ) ( همسر زلیخا ) از شهروندان مصری بود .

و قال الذی اشتریه من مصر

برداشت فوق ، مبتنی بر این احتمال است که <من مصر> متعلق به محذوف و توصیفی برای <الذی اشتراه> باشد ; یعنی: قال الذی اشتراه و هو من اهل مصر.

۶ عزیز مصر در نظر داشت از یوسف ( ع ) در امور خویش بهره گیرد ، و یا او را به فرزندی خود و همسرش برگزیند .

قال الذی . .. أکرمی مثویه عسی أن ینفعنا أو نتخذه ولدًا

۷ عزیز مصر ، یاوری یوسف ( ع ) و گزینش او به فرزندی را ، در گرو علاقه مندی یوسف ( ع ) به وی و همسرش زلیخا می دانست .

أکرمی مثویه عسی أن ینفعنا أو نتخذه ولدًا

جمله <عسی. ..> تعلیل برای <أکرمی مثواه> است، و مفاد جمله چنین می شود: از آن رو از تو می خواهم او را گرامی بداری، تا علاقه او را به خودمان جلب کنی و در نتیجه بتوانیم به یاری او، دل ببندیم و یا به قبول فرزند خواندگیش، امیدوار باشیم.

۸ عزیز مصر ، اداره امور یوسف ( ع ) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست تا یوسف ( ع ) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد .

لامرأته أکرمی مثویه

<مثوی> اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أکرمی مثواه> ; یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه ، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

۱۱ خداوند ، با

وارد ساختن یوسف ( ع ) به خانواده عزیز مصر ، راه قدرتمند شدن یوسف ( ع ) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

مراد از <الأرض> سرزمین مصر است. <تمکین> (مصدر مکّنّا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت و سلطنت بخشیدن است. قید <فی الأرض> حکایت از آن دارد که: مراد از <مکّنّا> در آیه شریفه ، معنای دوم است.

۱۲ آسودگی و رفاه یوسف ( ع ) در خانه عزیز مصر

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

۱۴ ورود یوسف به خانه عزیز مصر ، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

عبارت <لنعلّمه> عطف بر عبارتی مقدر است ; یعنی: مکّنّا لیوسف لنفعل کذا و لنعلّمه . .. ; مراد از لنفعل کذا ، اموری است که خداوند در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند <رأیتهم لی ساجدین> و <کذلک یجتبیک ربک ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱،۲،۴

۱ یوسف ( ع ) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أکرمی مثویه . .. و لما بلغ أشدّه

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> ; یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

۲ یوسف ( ع ) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی

و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود ; زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۴ یوسف ( ع ) در سن جوانی ، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

برخی از مفسران ، <حکم> را به دانش معارف الهی ، احکام شریعت ، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیاها ، تحلیل حوادث و درک مصالح و مفاسد دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۱۰،۱۵،۱۸،۱۹،۲۰،۲۱،۲۲،۲۸

۱ زلیخا ، شیفته و شیدای یوسف ( ع ) شد .

و رودته التی هو فی بیتها . .. و غلّقت الأبوب

۲ زلیخا با اظهار عشق و شیفتگی به یوسف ( ع ) ، او را به وصال خویش فرامی خواند .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

<مراوده> (مصدر راودتْ) به معنای درخواست کردن با رفق و مداراست، و <عن نفسه> بیانگر مورد درخواست

می باشد. بنابراین <راودته ...> ; یعنی، زلیخا با ملاطفت و اظهار عشق و علاقه از یوسف(ع) درخواست کرد که خودش را در اختیار او بگذارد و این کنایه از تقاضای وصال و آمیزش است.

۳ زلیخا برای هموار ساختن نظر یوسف ( ع ) به منظور کام جویی ، اهتمامی مداوم و پی گیر داشت .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در <راد یرود> که مراوده از آن است ، سعی و تلاش پی گیری برای رسیدن به مطلوب را قید کرده اند. برداشت فوق بر این اساس است.

۴ یوسف ( ع ) ، همواره از پذیرش تقاضای زلیخا ( درخواست وصال و آمیزش ) امتناع میورزید .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در معنای مراوده ، کشمکش و نزاع میانِ طرفین را قید کرده و گفته اند: <مراوده> این است که یک طرف خواهان چیزی و دیگری غیر آن را خواهان است. برداشت فوق ، براساس این معناست.

۵ زلیخا با سلطه ظاهریش بر یوسف ( ع ) ، برخوردار از زمینه ای مساعد و کارآمد برای واداشتن یوسف ( ع ) به خواسته های خویش

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

قرآن، زلیخا را با عبارت <التی هو فی بیتها> (آن زن که یوسف در خانه اش به سر می برد) توصیف می کند تا تسلّط زلیخا بر یوسف(ع) را برساند.

۶ زلیخا برای کام جویی از یوسف ( ع ) و رسیدن به وصال او ، درب های قصرش را قفل کرد و او را به سوی خویش فرا خواند .

رودته . ..

و غلّقت الأبوب و قالت هیت لک

<تغلیق> (مصدر غلّقت) به معنای قفل کردن است. <هیت لک> اسم فعل امر و به معنای <بیا> می باشد.

۸ زلیخا ، همه شرایط و امکانات را برای کام جویی از یوسف ( ع ) فراهم کرده بود .

رودته . .. و غلّقت الأبوب و قالت هیت لک

۹ یوسف ( ع ) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و سلطه ظاهری زلیخا بر او ، تمنّای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد .

رودته . .. و قالت هیت لک قال معاذ الله

<معاذ> مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر <أعوذ> است ; یعنی ، <أعوذ بالله معاذاً>.

۱۰ یوسف ( ع ) در برابر صحنه های پر جاذبه شهوانی ( تمنّای زلیخا ، ابراز اشتیاق او ، خلوت بودن قصر و بسته بودن درب ها ) به خدا پناه برد .

قال معاذ الله

۱۵ یوسف ( ع ) در عنفوان جوانی ، انسانی موحد ، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۱۸ زلیخا ، تسلیم نشدن یوسف ( ع ) در برابر خواسته اش را ، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد .

رودته التی هو فی بیتها . .. إنه ربی أحسن مثوای

در برداشت فوق، <إنه ربی . ..> ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت <التی هو فی بیتها> استفاده می شود ; یعنی، زلیخا با اظهار اینکه مربی یوسف(ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف(ع) در برابر تقاضایش تسلیم شود ; ولی یوسف(ع) با جمله <إنه

ربی ...> بیان می دارد که خداوند، مربی و مدبر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

۱۹ زلیخا به دلیل اکرام یوسف ( ع ) و خدمت به او ، توقع داشت که یوسف ( ع ) در برابر تقاضای نامشروعش ، تسلیم وی باشد .

رودته التی هو فی بیتها . .. قال ... إنه ربی

۲۰ یوسف ( ع ) در برابر زلیخا تصریح کرد که تنظیم جریان زندگی او ، به عنایت و تدبیر خداوند بوده است .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

ضمیر در <إنه> به <الله> باز می گردد و در برداشت فوق، جمله <إنه ربی> تعلیل برای <معاذ الله> گرفته شده است. بر این اساس مفاد جمله فوق، چنین می شود: من [از این امر فریبنده] به خدا پناه می برم و او مرا یاری خواهد کرد ; زیرا او مدبر امور من و تربیت کننده من است.

۲۱ یوسف ( ع ) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا ، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت ، قدرشناسی و سپاس دانست .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۲۲ یوسف ( ع ) ، پذیرفتن تمنای زلیخا ( درخواست وصال و آمیزش ) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربی أحسن مثوای

۲۸ یوسف ( ع ) ، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را ، مصداقی از ستم کاری می دانست .

إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱،۲،۳،۵،۶،۱۳،۱۵،۱۶

۱ زلیخا ، پس از استنکاف یوسف ( ع ) از وصال

او ، بر آن شد تا با قهر و غلبه از وی کام بگیرد .

و لقد همّت به

کلمه <همّه> و مشتقات آن، اگر به وسیله حرف <باء> متعدی شود، به معنای قصد کردن است. بنابراین <و لقد همّت به> ; یعنی، همانا زلیخا قصد یوسف(ع) کرد تا از او کام گیرد، و چون زلیخا از پیش نیز چنین قصدی داشت (رودته التی ...)، معلوم می شود مراد از این قصد، عزمی دیگر است و آن به قرینه <استبقا...> در آیه بعد آهنگ انجام آن با قهر و غلبه است.

۲ مشاهده حجت و برهان الهی ، تنها مانع یوسف ( ع ) در تسلیم شدن به خواسته زلیخا و پرهیز از آمیزش با وی

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

جمله <همّ بها> به منزله جواب برای <لولا أن . ..> است ; یعنی، اگر برهان ربوبی را ندیده بود، به سوی زلیخا تمایل پیدا می کرد. <برهان> به معنای حجت و دلیل است و از مصداقهای روشن و بارز آن، همان دلیلهایی است که در آیه قبل مطرح شد ; یعنی، رؤیت برهان عبارت بود از: الف) یوسف ربوبیت خداوند و نعمتهای او را مشاهده می کرد (إنه ربی أحسن مثوای). ب) یوسف(ع) با تمام وجود دریافته بود که گنه کاران و ستمگران، رستگار نمی شوند (إنه لایفلح الظالمون).ج) او تردیدی نداشت که آمیزش با زلیخا، ظلم و معصیت خداوند است (معاذالله ...).

۳ توانایی جسمی و جنسی یوسف ( ع ) ، برای کام جویی از زلیخا

و لقد همّت به و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

قرآن، پس از بیان این که

زلیخا تمام شرایط کام جویی را برای یوسف فراهم ساخته بود و موانع را برطرف کرده بود، با جمله <همّ بها لولا . ..> تنها مانع یوسف(ع) را، مشاهده برهان الهی معرفی کرد تا گمان نشود که او گرایشی به امور جنسی نداشت و از آمیزش با زنان ناتوان بود.

۵ خداوند ، با ارائه برهان به یوسف ( ع ) ، او را از آمیزش با زلیخا ( زنا ) و نگاه های شهوانی به وی ، حفظ کرد و مصون داشت .

کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچک است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش، و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

۶ یوسف ( ع ) ، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچک و بزرگی ، مصون و معصوم بود .

کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصین

۱۳ < عن الرضا ( ع ) : . . . و أما قوله عزوجل فی یوسف : < و لقد همّت به و همّ بها > فإن ها همّت بالمعصیه و همّ یوسف بقتل ها إن أجبرته . . . فصرف الله عنه قتلها و

الفاحشه و هو قوله عزوجل : < كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء > يعنى القتل والزنا . . . ;

از امام رضا(ع) روايت شده كه فرمود: . .. قول خداى عزوجل درباره يوسف كه فرموده: <و لقد همّت به و همّ بها> مقصود اين است كه آن زن قصد معصيت كرد و يوسف قصد كرد كه اگر بانو وى را مجبور به گناه كند، او را بكشد ... پس خداوند، قتل و عمل خلاف عفت را از او بگردانيد و اين است سخن خداى عزوجل: <كذلك لنصرف عنه السوء والفحشاء> ; يعنى، قتل و زنا ...>.

۱۵ < عن الصادق ( ع ) [ فى البرهان الذى رأى يوسف ] : انه النبوه المانعه من إرتكاب الفواحش والحكمه الصارفه عن القبايح ;

از امام صادق(ع) [درباره برهانى كه يوسف(ع) ديده ]روايت شده: آن برهان نبوت بود كه مانع از ارتكاب گناهان مى شود و حكمتى كه از كارهاى زشت باز مى دارد>.

۱۶ < عن الرضا ( ع ) : لقد همّت به و لولا أن رأى برهان ربّه لهمّ بها كما همّت به ، لكنّه كان معصوماً ، والمعصوم لا يهمّ بذنب . . . ;

از امام رضا(ع) روايت شده است: آن زن قصد يوسف كرد و اگر يوسف برهان پروردگارش را نديده بود، قصد آن زن مى كرد همان گونه كه زن او را قصد كرد ; ولى يوسف معصوم بود و معصوم قصد گناه نمى كند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۲۰

۱ زليخا براى كام جويى از يوسف ( ع ) و واداشتن او

به آمیزش ، درصدد برآمد تا با وی درآویزد .

واستبقا الباب

۲ یوسف ( ع ) برای نجات خویش از درآویختن زلیخا با او ، به طرف درب خروجی فرار کرد .

و لقد همّت به . .. واستبقا الباب

معرفه آوردن <الباب>، اشاره به دربی خاص دارد که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن درب خروجی است.

۴ زلیخا برای دستیابی به یوسف ( ع ) و جلوگیری از خروج وی ، به تعقیب او پرداخت و با سرعت به سمت درب خروجی دوید .

واستبقا الباب

۵ یوسف ( ع ) در تعقیب و گریزش با زلیخا ، زودتر از وی به درب خروجی رسید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۶ زلیخا برای جلوگیری از خروج یوسف ( ع ) ، از پشتْ پیراهنش را چنگ زد و او را به شدت به سوی خود کشید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۷ زلیخا بر اثر چنگ زدن به پیراهن یوسف ( ع ) ، پیراهن او را چاک زد و سرتاسر آن را پاره کرد .

و قدت قمیصه من دبر

<قدّ> (مصدر قدّت) به معنای شکافتن و پاره کردن طولی و سراسری است (لسان العرب) ; یعنی ، آن گاه گفته می شود <قدّ القمیص> که پیراهن از طول پاره شود و سراسر آن شکافته گردد.

۸ یوسف ( ع ) ، به گشودن درب و فرار از چنگ زلیخا موفق شد .

و ألفیا سیدها لدا الباب

۹ یوسف ( ع ) و زلیخا ، پس از تعقیب و گریز و باز شدن درب ، با عزیز مصر در آستانه آن درب برخورد کردند .

و ألفیا سیدها

لدا الباب

<إلفاء> (مصدر ألفيا) به معنای یافتن و مواجه شدن است. <سیّد> به معنای شریف و دارای مجد است ، و مراد از آن در این جا ، شوهر است.

۱۱ زلیخا به هنگام برخورد با شوهرش ، عزیز مصر ، یوسف ( ع ) را به قصد تجاوز به خویش متهم کرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا

<جزاء> به معنای سزا و کیفر و <ما> در جمله فوق نافیه است. بنابراین <ما جزاء ...> ; یعنی: نیست کیفر و سزای کسی که خواسته باشد به همسرت تجاوز کند ، مگر زندان یا عذابی دردناک.

۱۲ پیشدستی زلیخا در طرح اتهام علیه یوسف ( ع )

و ألفیا سیدها لدا الباب قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا

۱۳ تلاش زلیخا برای تبرئه خویش نزد عزیز مصر

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا

۱۴ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف ( ع )

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

برداشت فوق ، از تصریح زلیخا به <أهلك> (همسر تو) استفاده می شود ; یعنی ، او با آوردن <أهلك> درصدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف(ع) بود.

۱۵ زلیخا در نزد عزیز مصر ، یوسف ( ع ) را به تحقق تجاوز ، متهم نکرد .

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا

برداشت فوق ، از فعل <أراد> (قصد کرد) استفاده می شود.

۱۶ زندانی کردن یوسف ( ع ) و یا شکنجه او ، مجازات پیشنهادی زلیخا به عزیز مصر

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

۲۰ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . .

فغلقت الأبواب عليها و عليه و قالت : لاتخف و ألقت نفس ها عليه فأفلت منها هارباً إلى الباب ففتحه فلحقته فجذبت قميصه من خلفه . . . ;

از امام سجاد(ع) روايت شده است: . .. [همسر عزيز ]درها را به روى خود و يوسف بست و گفت: نترس و خود را به روى او انداخت. يوسف از چنگ او نجات يافت و به طرف در فرار كرد و در را باز كرد ; پس آن زن به او رسيد و پيراهن او را از پشت او كشيد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱،۲،۵،۷،۸،۹،۱۰،۱۲،۱۳

۱ دفاع يوسف ( ع ) از خويش ، در برابر اتهام زليخا

قال هى رودتنى عن نفسى

۲ يوسف ( ع ) در نزد عزيز مصر ، تمناى نامشروع زليخا و استنكاف خويش را فاش ساخت ، و خود را از هر گونه اراده سوئى مبرّا دانست .

قال هى رودتنى عن نفسى

تركيبهايى نظير <هى رودتنى> و <أنا قمت> كه مبتدا در معنا فاعل است و خبر آن فعل مى باشد گاهى حاكى از تأكيد است و گاهى دلالت بر حصر دارد. و از آن جا كه يوسف(ع) در مقام رفع اتهام از خويش بود، معلوم مى شود او از جمله <هى رودتنى> معناى حصر را اراده كرده است. بنابراين <هى راودتنى> ; يعنى، او (زليخا) از من درخواست كام جويى داشت و من چنين درخواستى نداشتم و استنكاف ورزيدم.

۵ يوسف ( ع ) مراوده زليخا و وصال خواهى او را تا زمان دفاع از خويش ، پنهان كرده و فاش

نساخته بود .

قالت . .. قال هی رودتنی عن نفسی

۷ عزیز مصر در ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، پیشداوری نکرد و از تصمیم گیری عجولانه خودداری نمود .

قالت . .. قال هی رودتنی عن نفسی و شهد شاهد من أهلها

۸ مردی از خویشان زلیخا ، در ماجرای وی و یوسف ( ع ) دخالت کرد و میان آنان به داوری پرداخت .

و شهد شاهد من أهلها

۹ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، علی رغم خویشی او با زلیخا ، بی طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ من قُبل

۱۰ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، پیش از اظهار نظر خویش ، به پاره شدن پیراهن یوسف ( ع ) آگاه شد .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ

۱۲ داور ماجرای یوسف و زلیخا ، به درستی داوری خویش و دلالت نحوه پارگی پیراهن بر کشف ماجرا ، اطمینان کامل داشت .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ من قُبل

مراد از شهادت در <شهد شاهد> اظهار نظر کردن، قضاوت کردن و . .. است. تعبیر کردن از اینها به شهادت دادن که دیدن و مشاهده کردن را می طلبد - برای رساندن این معناست که آن شخص، آن چنان به صحت داوری و نظر خویش اطمینان داشت که گویا شاهد ماجرا بوده است.

۱۳ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . قال یوسف و إله یعقوب ما أردت بأهلك سوء بل هی راودتنی عن

نفسی فسل هذا الصبی . . . و کان عندها من أهلها صبی زائر ل ها فانطق الله الصبی لفصل القضاء فقال : . . . انظر إلی قمیص یوسف . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. یوسف گفت: به خدای یعقوب قسم! من قصد بد درباره همسر تو نداشتم. او مرا به خودش دعوت کرد، پس تو از این کودک بپرس کودکی از بستگان آن زن نزد او بود که به دیدنش آمده بود پس خدا آن کودک را برای قطع داوری به سخن درآورد و گفت: ... به پیراهن یوسف نگاه کن ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۱،۲،۳

۱ عزیز مصر از یوسف ( ع ) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا که مفاد عبارت <أعرض عن هذا> است در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است ، نه لب به شکایت نگشودن ; زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف(ع) - که برده ای زرخرید بوده ناسازگار است.

۲ تکریم و بزرگداشت یوسف ( ع ) از جانب عزیز ، پس از کشف حقیقت ماجرا

یوسف أعرض عن هذا

<یوسف> مناداست و حرف ندا (یا) از آن حذف شده است عزیز مصر با حذف کردن حرف ندا ، تقرب او را نزد خویش بیان می دارد و با نام بردن از او ، لطف و مرحمت خویش را به وی اظهار می دارد.

۳ عزیز مصر ، پس

از روشن شدن خطای زلیخا ، از وی خواست استغفار کند و از گناه خویش پوزش بطلبد .

واستغفری لذنبک إنک کنت من الخاطئین

در جمله <استغفری لذنبك> (برای گناهت طلب آمرزش کن) بیان نشده که زلیخا باید از چه کسی آمرزش بخواهد. برخی از مفسران گفته اند: مراد ، استغفار به درگاه خداوند است و برخی برآنند که مقصود ، پوزش خواستن از عزیز مصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱

۱ عشق زلیخا به یوسف ( ع ) و تقاضای کام جویی وی از او ، در شهر شایع شد .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها

۲ زنان اشراف ، عامل شیوع خبر ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا در پایتخت مصر

و قال نسوه فی المدینه

برداشت فوق، بر این اساس است که <فی المدینه> متعلق به <قال> باشد. بر این مبنا <قال نسوه فی المدینه ...> ; یعنی: زنان مراوده زلیخا با یوسف(ع) را در آن شهر (پایتخت مصر) نشر دادند.

۳ عشق زلیخا به یوسف ( ع ) و تقاضای مکرر او برای کام روایی از وی ، زبانزد زنان اشراف شده بود .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه

<فی المدینه> می تواند متعلق به <قال> باشد و نیز محتمل است صفت برای <نسوه> باشد. براساس احتمال دوم، مراد از <قال نسوه فی المدینه...> این است که: زنان شهر ، داستان زلیخا را برای یک دیگر باز گو می کردند.

۵ عشق یوسف ( ع ) تا درون قلب و دل زلیخا نفوذ کرده و آن را به

تسخیر خویش درآورده بود .

قد شغفها حبًّا

<شغاف> به جداره و یا هسته مرکزی قلب گفته می شود. <شغف> ; یعنی، جداره قلب شد و یا به مرکز آن رسید. ضمیر فاعلی در <شغفها> به <فتیها> برمی گردد و <حبّاً> تمییزی است مبدل از فاعل. بنابراین <شغفها حبّاً> در اصل چنین بوده است: <شغف حبّ یوسف إیاها> ; یعنی، محبت یوسف جداره قلب زلیخا شد و آن رااحاطه کرد، و یا عشق یوسف(ع) جداره قلب زلیخا را شکافت و به درون آن نفوذ کرد.

۶ شیفتگی زلیخا به یوسف ( ع ) و داستان مراوده او ، در عنفوان جوانی یوسف ( ع ) بود .

ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًّا

۷ زنان اشراف ، تقاضای کام جویی زلیخا از برده خویش را ، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًّا

<فتا> به معنای برده و عبد ، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسد هر دو معنای <فتا> در <تراود فتاها> لحاظ شده باشد.

۸ شیفته غلام زرخرید شدن و تقاضای کام روایی از او ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قد شغفها حبًّا إنا لنریها فی ضلل مبین

هدف زنان اشراف از یاد کردن یوسف(ع) به عنوان <برده و جوانک زلیخا>، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زرخرید عشق میورزد.

۹ عشق زلیخا به یوسف ( ع ) ، علی رغم همسری او برای عزیز مصر ، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرأت العزیز

ترود فتیها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان <همسر عزیز مصر>، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست ; یعنی، مراوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

۱۰ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فلما سمع الملک کلام الصبی . . . قال لیوسف : < أعرض عن هذا . . . > و اکتمه قال : فلم یکتمه یوسف و أذاعه فی المدینه حتی قلن نسوه منهنّ إمرأه العزیز تراود فتاها عن نفسه . . . ;

از امام سجاد(ع) نقل شده است: . .. همین که پادشاه سخن کودک را شنید ... به یوسف گفت: از این ماجرا درگذر ... و آن را پوشیده بدار. [امام فرمود:] یوسف ماجرا را پوشیده نداشت و آن را در شهر منتشر کرد تا اینکه عده ای اززنان شهر گفتند: همسر عزیز غلام خود را به خویش دعوت کرده است ...>.

۱۱ < عن أبی جعفر ( ع ) فی قوله < قد شغفها حبّاً > یقول : قد حجبها حبّه عن الناس فلاتعقل غیره ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <قد شغفها حباً> روایت شده که می فرمود: عشق یوسف پرده ای بر قلب همسر عزیز کشیده بود به گونه ای که او را از مردم جدا کرده بود و به هیچ کس غیر از یوسف نمی اندیشید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶

۱ زلیخا سرزنش زنان مصر را به خاطر عشقش به یوسف ( ع ) ، شنید و به آن آگاهی

یافت .

فلما سمعت بمکرهنّ

فعل <سمع> متعدی است و نیازی به حرف <باء> برای تعدیه ندارد. بنابراین در <سمعت بمکرهنّ> معنای <علمت> اشراب شده است. ازاین رو مفاد آن چنین می شود: زلیخا به مکر زنان آگاه شد و این آگاهی از طریق خبرهایی بود که برای او نقل می شد.

۲ عشق زلیخا به یوسف ( ع ) حربه زنان اشراف مصر ، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه . .. فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از <مکر> نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق <مکر> به نقل آن ماجرا ، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه ، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

۳ زلیخا ، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان ، آنان را به منزل خویش دعوت کرد .

فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

مراد از <به سوی آنان فرستاد> که مفاد <أرسلت إلیهنّ> است به قرینه جمله <و أعتدت لهنّ متّکئاً و . ..> این است که آنان را به مهمانی دعوت کرد.

۴ زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده ، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست .

أرسلت إلیهنّ و أعتدت لهنّ متّکئًا

۵ زلیخا برای لمیدن زنانی که به مهمانی دعوت کرده بود ، تکیه گاهی ویژه فراهم ساخت .

و أعتدت لهنّ متّکئًا

<اعتاد> (مصدر أعتدت) به معنای مهیّا ساختن و آماده کردن است. <متّکئاً> به چیزی گفته می شود که به آن تکیه می دهند و نکره آوردن آن دلالت بر ویژگی آن دارد. قابل ذکر است که <متّکئاً> به معنای طعام نیز

آمده است. مفرد بودن آن و نیز آوردن جمله <آتت ...> (به هر یک کاردی [برای استفاده از خوراکیها] داد) می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از <متّکئاً> در آیه <طعام> است.

۶ زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده ، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد .

و ءاتت کل وحده منهنّ سکّینًا

۷ زلیخا خود ، آرایش دهنده مجلس ضیافت و پذیرایی کننده از زنان اشراف بود .

و أعتدت لهنّ متّکئًا و ءاتت کل وحده منهنّ سکّینًا

ضمیر در <أعتدت> و <آتت> به <امرأت العزیز> برمی گردد. بنابراین ظاهر این است که او خود به انجام آن کارها پرداخته بود و گرنه فعلهای مذکور به صورت مجهول (اُعتِد) و (اوتیت) آورده می شد.

۸ تعداد زنانی که زلیخا آنان را برای دیدار یوسف ( ع ) دعوت کرد ، بیش از ده نفر نبودند .

و قال نسوه فی المدینه . .. فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

ضمیر در <مکرهنّ . ..> و <إلیهنّ> به <نسوه> در آیه قبل برمی گردد و از آن جا که <نسوه> از صیغه های جمع قلّه است ، معلوم می شود تعداد زنان دعوت شده بیش از ده نفر نبود.

۱۰ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف ( ع ) ، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند .

و قالت اخرج علیهنّ

کلمه <خروج> به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین <اخرج علیهنّ> می رساند که یوسف(ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد ; یعنی، اگر مجلس پذیرایی در

اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

۱۱ زلیخا ، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند ، از یوسف ( ع ) خواست بر آنان گذر کند .

و قالت اخرج علیهنّ

۱۲ یوسف ( ع ) پس از دستور زلیخا بدون درنگ در مجلس زنان اشراف حاضر شد .

قالت اخرج علیهنّ فلما رأینه

<فاء> در <فلما. ..> فصیحه است و گویای جمله هایی مقدر می باشد ; یعنی: <فخرج علیهنّ فرأینه فلما رأینه...>. حذف این جمله ها برای رساندن این نکته است که دستور زلیخا همان و اطاعت یوسف(ع) همان.

۱۳ زلیخا تا قبل از برملا شدن عشقش به یوسف ( ع ) ، او را از دید زنان اشراف مصر مخفی می کرد .

امرأت العزیز ترود فتیها . .. فلما رأینه أکبرنه

۱۴ زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا ، برای اولین بار یوسف ( ع ) را مشاهده کردند .

فلما رأینه أکبرنه . .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۱۵ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف ( ع ) ، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأینه أکبرنه و قطّعن أیدیهنّ

<إکبار> (مصدر أکبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

۱۶ زنان اشراف با دیدن یوسف ( ع ) ، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأینه أکبرنه و قطّعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۱۱

۱ زلیخا ، با ارائه یوسف ( ع ) به زنان اشراف ،

به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف ( ع ) ملامت کنند .

قالت فذلکنّ الذی لمتننی فیه

۲ زلیخا ، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف ( ع ) ، اقرار و اعتراف کرد .

لقد رودته عن نفسه

۳ زلیخا نزد زنان اشراف ، به پاکدامنی و عفت یوسف ( ع ) و نپذیرفتن تقاضای او ( درخواست وصال ) شهادت داد .

لقد رودته عن نفسه فاستعصم

عصمت و استعصام ، هر دو گویای امتناع ورزیدن و نپذیرفتن می باشند ; با این تفاوت که استعصام حاکی از مبالغه است. بنابراین <فاستعصم> ; یعنی، یوسف(ع) بشدت با تقاضای من مخالفت کرد و بر عفت خویش اصرار ورزید.

۴ زلیخا در حضور زنان اشراف ، تأکید کرد که هم چنان بر تقاضای وصال یوسف ( ع ) اصرار خواهد کرد .

و لئن لم یفعل ما ءامره

۵ زلیخا ، سوگند یاد کرد که در صورت استنکاف یوسف ( ع ) از آمیزش با او ، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی مقدارش خواهد ساخت .

و لئن لم یفعل ما ءامره لیسجنن و لیکونًا من الصغرین

<لام> در <لئن> گویای قسم است. <یکوناً= یکونن> فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

۶ یوسف ( ع ) در دربار عزیز مصر ، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و لیکونًا من الصغرین

۸ زندانی که یوسف ( ع ) به محبوس شدن در آن تهدید شد ، موجب خوار گشتن و حقیر پنداشتن او می شد .

لیسجنن و لیکونًا من الصغرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغرین) به منزله نتیجه

ای برای عبارت <زندانی خواهد شد> (لیسجنن) است ; زیرا یوسف(ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان در آیه بعد سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

۱۱ < عن علی بن الحسین : . . . فقالت لهنّ < فذلکنّ الذی لمتننی فیه > یعنی فی حبّه ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. همسر عزیز [بااشاره به یوسف] خطاب به بانوان گفت: این است کسی که مرا درباره او سرزنش می کردید ; یعنی، مرا در مورد عشق به او سرزنش می کردید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱،۶،۷،۱۱،۲۳

۱ یوسف ( ع ) حافظ عفت خویش وبی اعتنا به تهدید های زلیخا

قال رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

۶ زنان اشراف مصر ( میهمانان زلیخا ) ، جملگی یوسف ( ع ) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما یدعوننی إلیه

<یدعون> در جمله فوق ، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند آنان نیز به قرینه <أصب إلیهنّ> یوسف(ع) را به خویش دعوت می کردند و به دلیل مضارع بودن <یدعون> بر آن اصرار میورزیدند.

۷ یوسف ( ع ) نگران تأثیر مکر و حیله زلیخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

۱۱ یوسف ( ع ) ، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

<صبو> (مصدر

أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إلّا تصرف ...> (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

۲۳ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . و خرجن النسوه من عندها ( إمرأه العزیز ) فأرسلت کل واحده منهنّ إلی یوسف سرّاً من صاحبتها تسأله الزیاره فأبی علیهنّ و قال : < إلّا تصرف عنّی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجاهلین ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. و بانوان از نزد همسر عزیز بیرون رفته و هر کدام پنهان از رفیق خویش (=زلیخا) به نزد یوسف [پیام] فرستاد و از او درخواست دیدار کرد و یوسف نپذیرفت و گفت: [پروردگار] اگر نیرنگ زنان را از من نگردانی به آنان تمایل پیدا می کنم و از جاهلان خواهم بود...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱،۲،۳

۱ خداوند ، دعای یوسف ( ع ) ( درخواست رهایی از کید زلیخا و همپالگی های وی ) را اجابت کرد و او را از مکر آنان مصون داشت .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

<استجابه> (مصدر استجاب) به معنای پذیرفتن درخواست است.

۲ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف ( ع ) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف ( ع ) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته

و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهنّ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهنّ> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مراوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۲،۱۱،۱۰،۹،۷،۶،۴،۲،۱

۱ داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف ( ع ) ، موجب بروز بحران در حکومت و خانه های اشراف شد .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيت

۲ تصمیم قاطع دولت مردان مصر بر زندانی ساختن یوسف ( ع ) ، جهت رهایی از بحران و حفظ حیثیت دربار

ثم بدا لهم . .. لیسجننه

۴ زندانی شدن یوسف ( ع ) ، به تحریك و درخواست زلیخا نبود . *

لئن لم یفعل ما ءامره لیسجنن . .. ثم بدا لهم ... لیسجننه

تعبیر <ثم بدا لهم> (پس از مدتی این رأی برای آنان هویدا شد و به ذهنشان خطور کرد که زندانیش کنند) حاکی است که این رأی و نظر به پیشنهاد زلیخا نبوده است علاوه بر این آیه قبل گویای آن است که خداوند، زلیخا و دیگر زنان را از یوسف منصرف کرد و داستان مراوده متروك شد لذا زلیخا دیگر درصدد نبود که با زندانی کردن یوسف وی را رام سازد.

۶ آگاهی کامل عزیز و

حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف ( ع ) ، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

۷ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف ( ع ) ، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه

۹ یوسف ( ع ) ، برای زمانی محدود و نامعلوم محکوم به زندان شد .

لیسجننه حتی حین

۱۰ محکومیت یوسف ( ع ) به زندان تا زمان فرو نشستن غائله زلیخا و دیگر زنان *

لیسجننه حتی حین

۱۱ < عن أبی جعفر ( ع ) فی قوله : < ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیات لیسجننه حتی حین > فالأیات شهاده الصبی و القمیص المخرّق من دبر و استباقهما الباب حتی سمع مجاذبت ها إیّاه علی الباب فلما عصاها فلم تزل ملحّه بزوجها حتی حبسه . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم . ..> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودك و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد ; پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد>.

۱۲ < عن الصادق ( ع ) : انه قال : دخل یوسف السجن و هو إبن إثنتی عشر سنه و مکث فیه ثمان عشر سنه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: که فرمود: یوسف در سن دوازده سالگی وارد زندان شد و هیجده

سال در زندان ماند . ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۶ – ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۲،۱۴،۱۷،۱۸

۱ رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف ( ع ) را به زندان افکندند .

بدا لهم . .. لیسجننه حتی حین. و دخل معه السجن فتیان

۲ دو تن از خادمان دربار مصر ، هم زمان با زندانی شدن یوسف ( ع ) ، به زندان درافتادند .

و دخل معه السجن فتیان

<فتی> (مفرد فتیان) به معنای عبد و نیز به معنای جوان است.

۳ هم بندان یوسف ( ع ) در زندان ، هر کدام رؤیایی دیده و برای او بازگو کردند .

قال أحدهما إنی أرینی أعصر خمرًا

۴ آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب ، رؤیای یکی از دو زندانی هم بند یوسف ( ع )

قال أحدهما إنی أرینی أعصر خمرًا

<عصر> (مصدر أعصر) به معنای گرفتن آب از چیزی (میوه، لباس تر و. ..) است. <خمر> به شراب مست کننده ای که از انگور به دست می آید، گفته می شود و مراد از <خمر> در آیه شریفه به قرینه أعصر (آب می گرفتم) انگور است. تعبیر کردن از انگور به شراب، به این لحاظ بوده که آن زندانی از انگور، برای تهیه شراب آب می گرفته است.

۵ حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن ، رؤیای یکی دیگر از هم بندان یوسف ( ع )

و قال الأخر إنی أرینی أحمل فوق رأسی خبزًا تأکل الطیر منه

<طیر> جمع طائر و به معنای پرندگان است.

۶ هر کدام از هم بندان یوسف ( ع ) ، رؤیای خویش

را به طور مکرر دیده بودند .

إنی أرینی أعصر . .. إنی أرینی أحمل

به کارگیری فعل مضارع <أری> (در خواب می بینم) به جای فعل ماضی <رأیت> (در خواب دیدم ) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد ; یعنی، چندین شب پی در پی چنین دیده ام، به گونه ای که اگر باز هم بخوابم، مطمئنم که آن رؤیا را خواهم دید.

۷ هم بندان یوسف ( ع ) ، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند .

نبّئنا بتأویله

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر ، به شخصیت والای یوسف ( ع ) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إنا نریک من المحسنین

۱۴ محسن بودن یوسف ( ع ) ، دلیل مراجعه هم بندانش به او برای تعبیر رؤیا

نبّئنا بتأویله إنا نریک من المحسنین

جمله <إنا نراک> تعلیل برای <نبّئنا بتأویله> است.

۱۷ < عن أبی عبدالله ( ع ) : < قال الأخر إنی أرانی أحمل فوق رأسی خبزاً > قال : أحمل فوق رأسی جفنه فیها خبز . . . ;

از امام صادق(ع) [درباره سخن خدا] <إنی أرانی أحمل . ..> روایت شده که فرمود: یعنی، روی سرم کاسه بزرگی حمل می کنم که درون آن نان است ...>.

۱۸ < عن أبی عبدالله ( ع ) فی قول الله عزوجل < إنا نراک من المحسنین > قال : کان یوسع المجلس و یستقرض للمحتاج و یعین الضعیف ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل <إنا نراک من المحسنین> روایت شده که فرمود: در مجلس جای نشستن را برای دیگران باز می کرد و برای نیازمند وام

می گرفت و به ناتوان کمک می کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۱۳،۱۵،۲۳

۱ یوسف ( ع ) ، تقاضای هم بندان خویش را پذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسیدن غذای آنان مطمئن ساخت .

نبّئنا بتأويله . .. قال لايأتيكما طعام ترزقانه إلاّ نبّأتكما بتأويله

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر در <تأویله> رؤیای هر یک از هم بندان یوسف باشد. بر این مبنا جمله <قال لایأتیکما...> چنین معنا می شود: غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

۲ یوسف ( ع ) اقبال هم بندانش را به او غنیمت شمرد و به ارشاد و هدایت آنان پرداخت .

إنا نريك من المحسنين . .. ذلكما مما علمنى ربى إنى تركت ملّه قوم لايؤمنون بالله

۳ یوسف ( ع ) با اشاره به خدادادی بودن دانش های ویژه اش ، هم بندان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلكما مما علمنى ربى

از اهداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که <این دانش را پروردگارم به من آموخته است> آن است که: هم بندان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذلکما> مؤید این هدف است.

۵ یوسف ( ع ) ، بهره مندی خویش از علم غیب را برای هم بندان زندانیش فاش ساخت .

ذلكما مما علمنى ربى

۶ خبر دادن از نوع غذا و خصوصیات آن ، دلیل یوسف ( ع ) فراروی

زندانیان برای بهره مندیش از علم غیب

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلّا نبّأتکما بتأویله . .. ذلکما مما علمنی ربی

۷ یوسف ( ع ) ، پیش از آوردن غذا برای زندانیان ، نوع و خصوصیات آن را برای ایشان بیان کرد .

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلّا نبّأتکما بتأویله قبل أن یأتیکما

بر این اساس که ضمیر در <تأویله> به <طعام> باز گردد، جمله <قال لایأتیکما. ..> چنین معنا می شود: یوسف(ع) گفت: <پیش از آنکه غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر گردد، تأویل آن غذا را برای شما بیان کرده ام <مراد از تأویل طعام، ماهیت نوع خصوصیات و نتیجه آن می باشد.

۱۳ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و نباور به قیامت را ، ابراز داشت .

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

۱۵ یوسف ( ع ) ، با بیان نقش ایمان به خدا و آخرت در دستیابی او به دانش های ویژه ، درصدد گرایش دادن هم بندان خویش به آیین الهی بود .

مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم . .. هم کفرون

۲۳ < عن أبی عبدالله ( ع ) قال : لما أمر الملک بحبس یوسف فی السجن ألهمه الله علم تأویل الرؤیا . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که شاه فرمان زندانی شدن یوسف را صادر کرد ، خدا علم تعبیر خواب را به او الهام کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۳

۲ یوسف ( ع

) در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) را فاش ساخت .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

۳ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، حسب و نسب خویش را برای زندانیان بیان کرد .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۱،۳،۴،۷

۱ یوسف ( ع ) با اظهار مهربانی و ملاطفت به هم بندان خویش ، به ارشاد آنان پرداخت .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد

۳ یوسف ( ع ) ، هم بندان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد

۴ یوسف ( ع ) ، با طرح سؤال و برانگیختن وجدان هم بندان خویش ، حقانیّت توحید و یکتاپرستی را برای آنان مطرح ساخت .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد القهار

۷ یوسف ( ع ) از هم بندان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد ، عقیده درست را برگزینند .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۳

۳ یوسف ( ع ) ، برای هم بندان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش ، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد .

ما تعبدون من دونه إلاّ أسماءً . .. ذلک الدین القیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۱ – ۱،۲،۳،۵،۷

۱ یوسف

( ع ) ، پس از ارشاد هم بندان خویش به توحید و یکتاپرستی ، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت .

یصحبی السجن أما أحدکما فیسقی ربه خمرًا

۲ یوسف ( ع ) ، رؤیای < آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب > را به رهایی صاحب رؤیا و ساقی ارباب خویش شدن تعبیر کرد .

أما أحدکما فیسقی ربه خمرًا

<سَقْی> (مصدر یسقی) به معنای نوشانیدن و یا اعطای نوشیدنی است. بنابراین <أما أحدکما فیسقی ...> ; یعنی: یکی از شما به مالک و ارباب خود شراب خواهد نوشاند و ساقی او خواهد شد.

۳ یوسف ( ع ) ، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را ، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد .

و أما الأخر فیصلب فتأکل الطیر من رأسه

<صلب> (مصدر یصلب) یعنی ، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

۵ یوسف ( ع ) ، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را ، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضی الأمر ...> ; یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

۷ هم بندان زندانی یوسف ( ع ) ، با اصرار و تقاضای مکرر از او خواستند رؤیاهایشان را

تعبیر کند و تأویل آنها را بیان دارد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

آوردن فعل مضارع <تستفتیان> (پرسش می کنید) به جای فعل ماضی <استفتیا> (پرسش کردید) دلالت بر استمرار دارد و گویای اصرار و تقاضای مکرر هم بندان یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱،۲،۵،۶،۸،۹،۱۱،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶

۱ یوسف ( ع ) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف ( ع ) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

۵ ساقی پادشاه به درستی تعبیر یوسف ( ع ) از رؤیای خویش اعتماد کرد و به نجات خویش امیدوار گردید .

و قال للذی ظنّ أنه ناج منهما

ضمیر در <ظن> محتمل است به <الذی> باز گردد و محتمل است به یوسف(ع) ارجاع شود. برداشت فوق، بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا مفاد جمله <قال للذی ...> چنین می شود: یوسف(ع) به ساقی پادشاه - همان که به نجات خویش دل بسته بود و بدان امیدوار بود - گفت: مرا نزد مالکت یاد کن. قابل ذکر است که چون یوسف(ع) به نجات وی یقین داشت نه گمان، این احتمال قوی تر به نظر می رسد.

۶ تعبیر یوسف ( ع ) از رؤیای هم

بند خویش ، تحقق یافت و او با رهایی از زندان ، به استخدام پادشاه درآمد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

با توجه به اینکه ضمیر در <فأنساه> به <الذی> که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأنساه الشیطان ذکر ربه> دلالت می کند که وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف ( ع ) ( یادآوری وضعیت او ) را فراموش کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

<انساء> (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <أنساه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنساه ...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف ( ع ) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

۱۱ شیطان ، برای باقی ماندن یوسف ( ع ) در زندان ، به دسیسه و شیطنت پرداخت .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن

۱۳ یوسف ( ع ) پس از آزادی ساقی پادشاه ، سالیانی دیگر ، گرفتار زندان بود .

فلبث فی السجن بضع سنین

<بضع> به معنای <چند> و کنایه از عددی مبهم بین ۳ تا ۱۰ می باشد.

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف ( ع ) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع جمله <لبث ...> بر جمله قبل معلوم

می شود ; یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

۱۵ < عن أبی عبدالله ( ع ) : . . . [ فی قول الله ] < قال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک > قال : و لم یفزع یوسف فی حاله إلی الله فیدعوه فلذالک قال الله < فأنساه الشیطان ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین > . . . ;

از امام صادق(ع): . .. [درباره سخن خدا ]<قال للذی ...اذکرنی عند ربک> روایت شده است که فرمود: یوسف در آن حال به خداوند پناه نبرد که او را بخواند. برای همین است که خدا فرمود: فأنساه الشیطان ذکر ربه ...>.

۱۶ < عن أبی عبدالله ( ع ) فی قول الله تعالی : < فلبث فی السجن بضع سنین > قال : سبع سنین ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <فلبث فی السجن بضع سنین> روایت شده که فرمود: [مراد از بضع سنین] هفت سال است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۱،۲،۷،۸

۱ پادشاه مصر ، پس از گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف ( ع ) ، رؤیایی شگفت دید .

و قال الملک إنی أری سبع بقرت سمان . .. إن کنتم للرءیا تعبرون

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

إنی أری سبع بقرت سمان . .. و أُخر یابست

<سمین> و <سمینه>

(مفرد سِمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ; یعنی: یأکلهنّ سبع بقرات عجاف.

۷ پادشاه مصر درباره توان خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

برداشت فوق ، از <إن> شرطیه در جمله <إن کنتم . ..> استفاده می شود.

۸ پادشاه مصـر ، از رؤیای خویش دریافت که آن رؤیا علاوه بر حکایت از حادثه ای غیر منتظره گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست .

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

<افتاء> (مصدر أفتونی) به معنای بیان کردن حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۱،۲

۱ خواب گزاران دربار ، رؤیای شگفت پادشاه مصر را رؤیایی آشفته و دارای رشته های گوناگون و نامشخص ، قلمداد کردند .

قالوا أضغث أحلم

<ضـغث> (مفرد أضـغاث) به دسـته و بـافه ای از گیـاه گفته می شود. خواب گزاران با تشبیه رؤیای پادشاه به دسـته ها و بافه های متعـدد، به این معنا اشاره دارنـد که: رؤیای وی دارای رشـته ها و اجزایی چنـد است، به گونه ای که کشف ارتباط آنها با یکدیگر و تفسیر مجموعه آن، دشوار و یا ناممکن است.

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضـغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن ...> ; یعنی: تأویل آن گونه از رؤیاها را که همانند بافه

های چند رشته است ، نمی دانیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۵ – ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ یکی از دو هم بند زندانی یوسف ( ع ) ، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

و قال الذی نجا منهما

۲ ساقی پادشاه ( هم بند یوسف در زندان ) ، مدتی مدید یوسف ( ع ) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

نکره آوردن <اُمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست.

۳ ساقی پادشاه ( هم بند یوسف در زندان ) با مشاهده درماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف ( ع ) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّکر> شده است. <اُمّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار ، یوسف ( ع ) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

۵ ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف ( ع ) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

ترکیب <أنا أُنبّئکم> دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

۶ ساقی پادشاه مصر

، با بیان دانش یوسف ( ع ) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أُنبّئکم بتأویله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف ( ع ) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> ; یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف ( ع ) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیّها الصدیق أفتنا

۲ ساقی دربار ، یوسف ( ع ) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب < صدّیق > او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیّها الصدیق

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف ( ع ) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أیّها الصدیق

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف ( ع ) بازگو کرد .

إنی أری سبع بقرت . .. أفتنا فی سبع بقرت ... و أُخر یابست

۵ ساقی دربار

، از یوسف ( ع ) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یأکلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و أُخر یابست

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف ( ع ) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . .. لعلّی أرجع إلی الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف ( ع ) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف ( ع ) جهت تعبیر خواب

لعلّی أرجع إلی الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۸ – ۴،۵،۶

۴ باقی گذاشتن مقداری از ذخیره های هفت ساله و مصرف نکردن همه آنها در دوران قحطی ، توصیه یوسف ( ع ) به عهده داران حکومت مصر

یأکلن ما قدمتم لهنّ إلاّ قلیلاً مما تحصنون

<احصان> (مصدر تحصنون) به معنای قرار دادن چیزی در محلی امن است. بنابراین حاصل معنای <إلاّ قلیلاً مما تحصنون> چنین است: مقداری از آنچه را در انبارها ذخیره می کنید در دوران قحطی نخورید. حکمت این امر احتمالاًـ دارا بودن بذر است برای کشت در سال پانزدهم.

۵ لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

یأکلن ما قدمتم لهنّ إلاّ قلیلاً مما تحصنون

فعل مضارع <یأکلهنّ> در نقل رؤیای پادشاه (آیه ۴۶) گویای این نکته بود که گاوهای لاـغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی

نخوردنـد و گرنه فعـل ماضـی <اَکَلهنّ> به کـار می برد. به نظر می رسـد یوسـف(ع) از نکته یـاد شـده دریـافته بـود که بـاید مقداری از غلات باقی بماند.

۶ گاو های لاغر در رؤیا ، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست .

یأکلهنّ سبع عجاف . .. ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱،۲،۴

۱ یوسف ( ع ) فرا رسـیدن سالی پر باران و سـرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

فعل <یغاث> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <یغـاث النـاس> ; یعنی، بر مردم بـاران نـازل می شود و در صورت دوم ; یعنی، مردم یـاری می شونـد. بر هر مبنـا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

۲ خواب پادشاه ، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أفتنا . .. ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

یوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودنـد ، دریافت که پس از گـذشت هفت سال ، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فرو ریزد ، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

۴ مسؤولیت حاکمان مصر در نظارت بر تولید ، توزیع و مصرف غلات ، محدود به دوران چهارده ساله آبادانی و

خشکسالی بود .

ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس و فیه یعصرون

استفاده نکته فوق از تغییر سیاقی است که در سخنان یوسف(ع) مشاهده می شود. او دستورالعملهای دوران چهارده ساله را با فعلهای مخاطب <تزرعون>و <فذروه> بیان داشت ; ولی در بیان چگونگی سال پانزدهم و پایان بحران فعلهای <یغاث> و <یعصرون> به کار برد. از مقابله این دو سیاق معلوم می شود، مخاطبان <تزرعون> و ... حکومت مصر بود که باید عهده دار تولید و توزیع می شد و در سال پانزدهم خود مردم بدون دخالت و نظارت سیستم حکومت، به کار تولید و مصرف می پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۱،۱۲،۱۴،۱۷،۱۸

۲ پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف ( ع ) ار رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

و قال الملک ائتونی به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف(ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف(ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف ( ع ) در نزد خویش شد .

و قال الملک ائتونی به

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف ( ع ) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد .

و قال الملک ائتونی به . .. قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او

(ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ; بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف ( ع ) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاءه الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف(ع) فرستاده شده بود.

۶ یوسف ( ع ) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف ( ع ) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی ، هدف یوسف ( ع ) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف ( ع ) بریدند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۱۱ ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را ، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و پاکدامنی یوسف ( ع )

فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

یوسف(ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت <الّتی قطعن أیدیهنّ> داستان

میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف(ع) درصدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف(ع) بهترین شاهد بوده است.

۱۲ یوسف ( ع ) به پاس خدمات زلیخا به او ، شکایتی علیه وی به پادشاه نکرد .

فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

با وجود اینکه زلیخا نیز همانند دیگر زنان اشراف در گرفتاریهای یوسف(ع) و متهم ساختن او نقشی بسزا داشت، ولی یوسف(ع) از او نام نمی برد و علیه او سخنی به پادشاه نمی گوید. به نظر می رسد دلیل این امر خدماتی است که زلیخا در عهد کودکی و نوجوانی یوسف(ع) برای وی انجام داده بود.

۱۴ یوسف ( ع ) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۷ یوسف ( ع ) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فسئله ما بال النسوه . .. إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۸ یوسف ( ع ) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالك خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۱ – ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰،۱۱،۱۳،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف ( ع ) آنان را

احضار کرد .

قال ما خطبکنّ

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف ( ع ) بود .

فسئله ما بال النسوه . .. قال ما خطبکنّ

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان ( درخواست کام روایی ) از یوسف ( ع ) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبکنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرایی است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکنّ ...> ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراوده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

۵ زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف ( ع ) را انکار نکردند .

ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

۶ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف ( ع ) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و <من> زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

۷ یوسف ( ع ) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

۱۰ زلیخا نیز در جلسه محاکمه ای که برای کشف حقیقت ماجرای زنان با یوسف (

ع ) تشکیل شده بود ، حضور داشت .

قالت امرأت العزیز الئن حصحص الحق

۱۱ شوهر زلیخا به هنگام محاکمه زنان اشراف زنده بود و هم چنان عهده دار منصب عزیزی در حکومت مصر بود .

قالت امرأت العزیز

توصیف زلیخا با وصف <همسر عزیز> می رساند که شوهرش در هنگام محاکمه زنده بود و به سمت عزیزی اشتغال داشت.

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف ( ع ) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الئن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

۱۶ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف ( ع ) اعتراف کرد و به استنکاف یوسف ( ع ) از پذیرش تقاضایش شهادت داد .

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جمله <أنا رودته عن نفسه> به بیانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شماره ۲ گذشت دلالت بر حصر دارد ; یعنی ، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

۱۷ زلیخا پیش از جلسه بازجویی و محکمه دادرسی ، یوسف ( ع ) را مجرم معرفی می کرد و به کام جویی از وی متهم می ساخت .

قالت امرأت العزیز الئن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

برداشت فوق از قید <الآن> استفاده می شود.

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف ( ع ) تأکید کرد .

و إنه لمن الصدقین

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (

ع ) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳،۱۲،۱۰،۴،۳،۲،۱

۱ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلی ربک . .. ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم . ..> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله ...> عطف بر <أنی لم أخنه ...> باشد ; یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی ...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است برنمی آید.

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف ( ع ) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف ( ع ) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

چنان چه <ذلک لیعلم . ..> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلک> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملک> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلک لیعلم ...> ; یعنی، بیرون نرفتن من از زندان

و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

۳ یوسف ( ع ) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف ( ع ) بود .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

بر این مبنا که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد ، از جمله <ذلک لیعلم . ..> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف ( ع ) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لایهدی کید الخائنین

مصداق مورد نظر برای <الخائنین> زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیات لیسجننه) آیه ۳۵.

۱۲ یوسف ( ع ) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لایهدی . ..> عطف بر <أنی ...> است ; یعنی: <ذلک لیعلم أن الله ...>. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را

به ثمر نمی نشاند.

۱۳ تلاش یوسف ( ع ) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۱۲

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف ( ع ) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه . .. و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف ( ع ) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسی> ; یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

۳ یوسف ( ع ) پس از آشکار شدن بی گناهیش بر پادشاه و درباریان ، دعوت او را پذیرفت و بی درنگ از زندان به دربار رفت .

قال الملک ائتونی به . .. فلما کلّمه

اتصال جمله <فلما کلّمه> به <ائتونی به> و نیاوردن مطالبی نظیر رساندن فرمان پادشاه به یوسف(ع) ، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و. .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و

گو با یوسف(ع) فاصله ای نبود.

۴ یوسف ( ع ) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف ( ع ) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلّمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ; ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و. .. بوده است.

۵ گفت و گوی یوسف ( ع ) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما كلّمه قال إنک اليوم لدينا مكين أمين

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <كلّمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت وگوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک اليوم ...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف ( ع ) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما كلّمه قال إنک اليوم لدينا مكين أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مكين> گفته می شود. <أمين> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت بپرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو

نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستوراتت نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

۱۲ الغای حکم بردگی یوسف ( ع ) به دست پادشاه مصر *

ائتونی به أستخلصه . .. قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

جمله <أستخلصه لنفسی> و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف(ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۹،۱۸،۱۶،۱۵،۶،۴،۳،۲،۱

۱ یوسف ( ع ) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیّت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار ; یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غلّه در اختیار من باشد.

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی ، از هدف های یوسف ( ع ) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

۳ یوسف ( ع ) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم>تعلیل برای <اجعلنی. ..>است.

۴ یوسف ( ع ) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبار های غذایی از حیف و میل شدن ، توانا بود .

اجعلنی علی خزائن

الأرض إنی حفیظ علیم

۶ یوسف ( ع ) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امرکشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

۱۵ < عن رسول الله ( ص ) : رحم الله أخی یوسف لو لم یقل : اجعلنی علی خزائن الأرض لولاّه من ساعته و لکنّه أخّر ذلک سنه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است: خدا رحمت کند برادرم یوسف را اگر نمی گفت: مرا سرپرست خزاین زمین قرار بده، همان وقت این مقام را به او می داد ; ولی [این تقاضا سبب شد] که سرپرستی او بر خزاین زمین یک سال به تأخیر افتد>.

۱۶ < عن علی بن موسی الرضا ( ع ) : . . . ان یوسف ( ع ) . . . لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>.

۱۸ < عن أبی عبدالله ( ع ) أنه قال لقوم ممّن یظهرون الزّهد و یدعون الناس أن یکونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التقشّف . . . أخبرونی أین أنتم عن .

. .یوسف النبی ( ع ) حیث قال لملک مصر : < اجعلنی علی خزائن الأرض . . . > فکان من أمره الذی کان أن اختار مملکه الملک و ما حول ها إلی الیمن . . . فلم نجد أحداً عاب ذلک علیه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند . .. فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...>.

۱۹ < عن الرضا ( ع ) : . . . فی قوله تعالی : < . . .إنی حفیظ علیم > قال : حافظ لما فی یدیّ عالم بکل لسان ;

از امام رضا(ع) . .. درباره سخن خدا <...إنی حفیظ علیم> روایت شده است که فرموده: مراد این است که نگه دارنده چیزی هستم که در تصرف من است و آگاه به همه زبانها می باشم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱،۲،۳،۵،۱۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف ( ع ) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض . .. و کذلک مکّنّا لیوسف فی

الأرض

۲ یوسف ( ع ) در سرزمین مصر به منزلتی والا و قدرتی بلامنازع دست یافت .

مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

<تمکین> (مصدر مکّنّا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت بخشیدن است. مناسبت حکم و موضوع و نیز قید <فی الأرض> می رساند که معنای دوم اراده شده است. بنابراین <مکّنّا لیوسف فی الأرض> ; یعنی، به یوسف در سراسر سرزمین مصر قدرت و سلطنت بخشیدیم. و <حیث یشاء> حاکی از نبود قدرتی در برابر اوست.

۳ یوسف ( ع ) آزاد و متمکن برای استقرار و تصرف در هر نقطه از سرزمین مصر

مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

<یتبوّأ> به معنای منزل گرفتن و اقامت کردن است. جمله <یتبوّأ منها حیث یشاء> (در هر جای مصر که می خواست منزل می گرفت و اقامت می کرد) به منزله تفسیر برای <مکّنّا...> است و لذا کنایه از اقتدار او برای دخل و تصرف در سراسر سرزمین مصر می باشد.

۵ سرگذشت یوسف ( ع ) ( نجات از چاه کنعان تا رسیدن به وزارت و نیل به قدرت ) به اراده خداوند و بر اساس تدبیر او بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

۱۱ به قدرت رسیدن یوسف ( ع ) پس از بردگی و اسارت در زندان ، دلیلی متقن بر حاکمیت مشیّت الهی بر تمامی اسباب و علّتهاست .

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء نصیب برحمتنا من نشاء

جمله <رحمت خویش را بر هر کس که خواهیم شامل می گردانیم و به او قدرت می بخشیم> که مفاد <نصیب برحمتنا...> است به منزله ادعایی

است که با <کـذلک مکّنّا ...> بر آن استدلال شـده است ; یعنی، خداونـد برده ای را که اختیاردار خودش نیز نبود به جایی رسانید که اختیار همگان را دارا شد، و این دلیلی روشن بر حاکمیت مطلق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۶،۱۵،۱۳،۱۱،۱۰،۹،۲

۲ یوسف ( ع ) در طی هفت سال آبادانی ، به کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات برای دوران قحطی کاملاً موفق شد .

و جاء إخوه یوسف

۹ برادران یوسف بجز بنیامین ، از کنعان برای دریافت آذوقه به مصر آمدند و به حضور یوسف ( ع ) رسیدند .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

جمله <ائتونی بأخ لکم. ..> (برادر پـدری خـود را به نزد من آوردیـد) در آیه بعـد می رسانـد که مراد از <إخوه> برادران یوسف بجز بنیامین است. جمله <و لما جهزهم ...> در آیه بعد بیانگر هدف آنان از آمدن به مصر است.

۱۰ یوسف ( ع ) به مجرّد مشاهده برادران خویش ، علی رغم گذشت سالیانی دراز ، آنان را شناخت .

فدخلوا علیه فعرفهم

<فاء> در <فعرفهم> حکایت از آن دارد که یوسف(ع) بدون پرسش و جست و جو بلکه به مجرّد مشاهده برادرانش ، آنان را شناخت.

۱۱ ملاقات مردم حتی غیر مصریان ، با یوسف ( ع ) امری سهل و آسان بود .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

<فاء> در عبارت <فـدخلوا علیه> می رسانـد که فاصـله ای میان آمدن برادران و ملاقات با او نبوده است. جمله <عرفهم> نیز دلالت می کند که دربان و حاجبی که از حسب و نسب مراجعه

کننـدگان پرسـش کنـد و به یوسف(ع) گزارش دهـد و اجـازه ملاقـات بخواهـد در میـان نبوده است. اینهـا حکـایت از آسانی ملاقات مردم حتی غیر مصریان با یوسف(ع) می کند.

۱۳ هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات با او ، وی را نشناختند .

فدخلوا علیه فعرفهم و هم له منکرون

۱۵ کمترین فاصـله زمـانی میـان آخرین برخورد یوسف ( ع ) با برادران خویش تا ملاقات آنان با وی ، حـدود بیست سال بوده است .

یرتع و یلعب . .. و لما بلغ أشدّه ... فلبث فی السجن بضع سنین... تزرعون سبع ... و

محاسـبه مراحلی که یوسف(ع) در مصـر بسـر برد، حدود بیست سال می شود ; زیرا کودکی حداکثر ده ساله بود که به دسـت کاروانیـان افتـاد و جمله <یرتع و یلعب> و نیز <أخاف أن یأکله الـذئب> دلالت بر این معنا دارد. در خانه زلیخا به جوانی و رشد رسـید (لما بلغ أشدّه) که این فاصله حدود هشت تا ده سال می شود. بیش از سه سال نیز (بضع سنین) در زندان بسر برد و هفت سـال دوران پس از زنـدان را به وزارت اشـتغال داشت و طبعـاً یـک سال پس از قحطی برادرانش به وی مراجعه کردنـد. مجموعه اینها حدوداً بیست سال می شود.

۱۶ < عن أبی جعفر ( ع ) : < . . . فعرفهم یوسف و لم یعرفه إخوته لهیبه الملک و عزّته . . . ;

از امـام بـاقر(ع) روایت شـده که فرمود: . .. یوسف برادران خود را شـناخت و آنان یوسف را به علت هیبت و شـکوه پادشاهی نشناختند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۱۲

۱ یوسف ( ع ) بر توزیع ارزاق ذخیره شده در مصر ، نظارت مستقیم داشت .

و جاء إخوه یوسف . .. و لما جهزهم بجهازهم

۲ یوسف ( ع ) بار آذوقه و جیره غذایی برادران را ، خود آماده کرد . *

و لما جهزهم بجهازهم

<تجهیز> (مصدر جهز) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن جهاز (زاد و توشه) است. ضمیر در <جهز> به یوسف(ع) برمی گردد. بنابراین <لما جهزهم ...> ; یعنی، پس آن گاه که یوسف(ع) بار و بنه و زاد و توشه برادرانش را آماده ساخت. البته این احتمال که اسناد <جهز> به یوسف(ع) مجازی باشد، بعید به نظر نمی رسد ; زیرا بسیار متعارف است که فعل کارگزاران به کارفرما اسناد داده می شود.

۳ فرزندان یعقوب ، ضمن معرفی خویش و بیان تعداد نفرات ، به یوسف ( ع ) یادآور شدند که یک برادر پدری نیز دارند .

قال ائتونی بأخ لکم من أبیکم

۴ بنیامین در اولین سفری که برادرانش برای تهیه خوار و بار به حضور یوسف ( ع ) رسیدند ، همراه آنان نبود .

قال ائتونی بأخ لکم من أبیکم

۵ برادران یوسف به دستور وی موظف شدند بنیامین را در سفر آینده به همراه خویش بیاورند .

قال ائتونی بأخ لکم من أبیکم

۶ یوسف ( ع ) سهمیه و جیره افراد را همواره عادلانه و بدون کمترین نقصی به آنان پرداخت می کرد .

ألا ترون أنی أُوفی الکیل

کیل (پیمانه کردن) مصدر است و در آیه شریفه، به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن آذوقه و غلات است. <ایفاء> (مصدر

اوفی) به معنای پرداختن به طور کامل و بدون نقص و کاستی است. آوردن فعل مضارع (اوفی) به جای فعل ماضی <وفیت> اشاره به روش مستمر یوسف(ع) در ایفای کیل دارد.

۸ یوسف ( ع ) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

۹ یوسف ( ع ) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

ائتونی بأخ لکم من أبیکم ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

جمله <ألاـ ترون . ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <ائتونی بأخ لکم> بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

۱۲ یوسف ( ع ) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون . .. أنا خیر المنزلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۲،۳،۶

۲ یوسف ( ع ) به برادرانش خاطر نشان ساخت که تنها در صورتی غله نوبت بعد را دریافت خواهند کرد که بنیامین را همراه خود بیاورند .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی

۳ یوسف ( ع ) به برادرانش اعلام کرد در صورتی که بنیامین را در نوبت بعد همراه نیاورند ، نباید به بارگاه او حاضر شوند .

فإن لم تأتونی به . .. و لاتقربون

نون

مکسور در <لاتقربون> نون وقایه و حاکی از یای متکلم محذوف است. بنابراین <لاتقربون> ; یعنی، نزد من نیایید.

۶ فرزندان یعقوب به بازگشت مجدد به مصر برای دریافت آذوقه ، مصمم بودند .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۳،۴،۶،۷

۳ علاقه شدید یعقوب ( ع ) به بنیامین ، دلیل برادران یوسف برای همراه نبودن بنیامین با آنان

قالوا سنرود عنه أباه

<با پدرمان گفت و گو می کنیم و تلاش می نماییم که رضایت او را برای سفر بنیامین جلب کنیم> که مفاد <سنرود عنه أباه> می باشد اشاره ای است از سوی برادران یوسف به او که علت همراه نبودن بنیامین ، ممانعت پدرشان می باشد.

۴ فرزندان یعقوب برای آوردن بنیامین به مصر ، راهی جز جلب رضایت یعقوب ( ع ) نداشتند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

۶ برادران یوسف ، با او عهد کردند که پدرشان یعقوب ( ع ) را برای روانه ساختن بنیامین متقاعد کنند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

<مراوده> (مصدرنراود) به معنای درخواست با لطف و مداراست و <عنه> دلالت به مورد درخواست دارد. و مفاد <سنرود ...> چنین است، همانا با ملاطفت و مدارا از پدرش (پدر بنیامین) خواهیم خواست که وی را در سفر آینده با ما همراه سازد.

۷ تأکید برادران یوسف بر توانایی خویش برای جلب رضایت پدر و آوردن بنیامین به نزد یوسف ( ع )

إنا لفعلون

جمله <سنرود عنه أباه> این احتمال را برای یوسف(ع) ایجاد می کند که شاید پدرتان راضی نشد. برادران وی

با جمله <إنا لفاعلون> به وی اطمینان می دهند که بدون هیچ تردید ، رضایت پدر را جلب خواهند کرد و بنیامین را خواهند آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۱۱

۱ یوسف ( ع ) سهمیه افراد را به آنان می فروخت و بهای آن را دریافت می کرد .

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

<بضاعه> به مالی که برای تجارت و خرید و فروش است گفته می شود. بنابراین مراد از <بضاعتهم> مالی است که برادران یوسف در مقابل دریافت سهمیه به او پرداخته بودند.

۲ یوسف ( ع ) از کارگزارانش خواست بهای دریافت شده از فرزندان یعقوب را در بار ها و اثاثیه آنان جاسازی کنند .

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

۳ یوسف ( ع ) به کارگزارانش توصیه کرد سرمایه فرزندان یعقوب را به گونه ای در اثاثیه آنان جاسازی کنند که تا رسیدن به وطنشان متوجه آن نشوند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها إذا انقلبوا إلی أهلهم

۵ یوسف ( ع ) امید داشت برادرانش بضاعت های برگردانده شده به آنان را به هنگام رسیدن به وطنشان باز شناسند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها

روشن است که فرزندان یعقوب با گشودن محموله های خویش بضاعتهای خود را در آن می یافتند. بنابراین جای <لعل> (شاید و باشد) نبود. از این رو در تفسیر کلمه <لعل> چند وجه ذکر شده است: ۱ اشفاق و ترجی مربوط به قید <إذا انقلبوا> است ; یعنی، امید است که پس از رسیدن به اهلشان دریابند نه قبل از آن. ۲ مقصود از شناخت

بضاعت شناختن حق آن است ; یعنی، شاید حق آن را بشناسند و قدردانی کنند. ۳ لعل به معنای <کی> (تا اینکه) است و معنای ترجی و امید ندارد.

۶ یوسف ( ع ) با باز گرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گزاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها . .. لعلهم یرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

۷ یوسف ( ع ) علی رغم ترغیب و تهدید برادران و نیز آماده سازی همه زمینه های مراجعت آنان ، اطمینان به بازگشت آنان نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم یرجعون

۱۱ یوسف ( ع ) دارای اختیارات ویژه در توزیع غلات و آذوقه های ذخیره شده *

قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

از اینکه یوسف(ع) پرداخت سهمیه فرزندان یعقوب در نوبتهای بعد را در صورت همراه نداشتن بنیامین ، ممنوع کرد ، برداشت فوق استفاده می شود. باز گرداندن بضاعت برادرانش به خودشان نیز می تواند تأیید کننده اختیارات ویژه او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸

۱ فرزندان یعقوب از مصر بازگشتند و گزارش سفرشان را برای او شرح دادند .

فلما رجعوا إلی أبیهم قالوا

۲ ممنوع شدن فرزندان یعقوب از دریافت سهمیه خوار و بار بدون همراهی بنیامین ، از گزارش های آنان به پدرشان یعقوب بود .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم . .. فلما رجعوا إلی أبیهم قالوا یأبانا منع منا

الکی

۳ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد کردن از او به عنوان <أخانا> (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

۴ فرزندان یعقوب بر حفاظت از بنیامین ، در طول سفرشان به مصر متعهّد شدند و بر آن تأکید کردند .

فأرسل معنا أخانا نکتل و إنا له لحفظون

۵ گزارش تحریم سهمیه آذوقه بدون همراهی بنیامین ، خبر و گزارشی مهم در دیدگاه فرزندان یعقوب

یأبانا منع منا الکیل

فرزندان یعقوب پیش از باز کردن بارها و محموله ها که معمولاً اولین اقدام مسافران و کاروانهاست خبر تحریم سهمیه آذوقه را برای پدرشان بیان کردند. این تعجیل نشان دهنده اهمیت این خبر در نظر آنان است.

۷ فرزندان یعقوب بجز راهیِ مصر شدن و به حضور یوسف ( ع ) رسیدن ، راهی برای تأمین آذوقه در سال های قحطی نداشتند .

یأبانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا

چنان چه جز به مصر رفتن راهی فراروی فرزندان یعقوب بود ، او آن راه را به فرزندانش پیشنهاد می کرد تا مجبور نباشد بنیامین را همراه آنان بفرستد.

۸ احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب ( ع ) بر عدم موافقتش با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله <إنا له لحافظون> می رساند که از دلایل این امر ، احساس خطر ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱،۲،۳،۴،۹،۱۶

۱ یعقوب ( ع ) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم

علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

۲ یعقوب ( ع ) به تعهد و تأکید فرزندانش درباره حفاظت از بنیامین ، اطمینان نکرد .

قال هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

استفهام در <هل ءامنکم . ..> استفهام انکاری و به منزله نفی است. <أمن> (مصدر ءامن) به معنای اطمینان کردن و امین شمردن است. بنابراین <هل ءامنکم ...> ; یعنی ، من شما را درباره بنیامین امین نمی دانم و به قول و قرار شما اطمینانی ندارم.

۳ بی تعهدی برادران یوسف در حفاظت از او ، دلیل یعقوب ( ع ) برای اطمینان نکردن بر تعهد آنان به حفاظت از بنیامین

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) اعتماد و اطمینان به فرزندانش درباره بنیامین را، به اعتماد و اطمینانش به آنان درباره یوسف(ع) تشبیه کرد. وجه شبه در این تشبیه بی ثمری و نتیجه بخش نبودن است. بنابراین مفاد <هل ءامنکم علیه إلاّـ ...> چنین می شود: اعتماد من به شما [اگراعتماد کنم ]در بی نتیجه ماندن و ثمر نداشتن نیست مگر همانند اعتمادم به شما درباره یوسف(ع).

۴ احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف ( ع ) ، مایه نگرانی یعقوب ( ع ) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) با نام نبردن از یوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوّت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

۹ یعقوب ( ع ) در پی تعهد فرزندانش بر محافظت از یوسف

( ع ) به آنان اطمینان کرد و به حفاظت آنان دل بست .

کما أمنتکم علی أخیه من قبل

۱۶ تعریض یعقوب ( ع ) به فرزندانش مبنی بر دلسوز نبودن آنان و ترحم نداشتنشان بر یوسف ( ع ) و بنیامین

هل ءامنکم علیه إلّا کما أمنتکم علی أخیه من قبل فالله خیر حفظًا و هو أرحم الرحمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۱۱،۱۲،۱۳،۱۷

۱ فرزندان یعقوب پس از گزارش سفر ، به گشودن محموله های خریداری شده از مصر پرداختند .

و لما فتحوا متعهم

۲ فرزندان یعقوب با گشودن محموله های خویش ، بهای غلات خریداری شده از مصر را در میان آنها یافتند .

و لما فتحوا متعهم وجدوا بضعتهم ردّت إلیهم

۳ فرزندان یعقوب با مشاهده بهای باز گردانده شده ، شادمان شدند و آن را به یعقوب گزارش کردند .

قالوا یأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا

<ما> در <ما نبغی> استفهامیه و مفعول برای نبغی است. <بغی> به معنای خواستن و طلب کردن می باشد. جمله <ما نبغی> ; یعنی ، [بیش از این] چه می خواهیم؟

۴ اطمینان فرزندان یعقوب به باز گردانده شدن سرمایه خویش نه رخ دادن اشتباه و خطا از ناحیه کارگزاران یوسف

وجدوا بضعتهم ردّت إلیهم . .. هذه بضعتنا ردّت إلینا

جمله <رُدّت إلینا> <دلالت بر آن دارد که فرزندان یعقوب بضاعت خویش را با این وصف که به آنان بازگردانده شده است ، یافتند ; یعنی ، این گمان را نداشتند که اشتباهی رخ داده است تا خویشتن را به ارجاع آن ملزم ببینند.

۷ فرزندان یعقوب با مشاهده سرمایه بازگردانده شده

، تلاش مجددی را برای جلب توافق پدر با مسافرت کردن بنیامین آغاز کردند .

قال هل ءامنکم . .. یأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلنا و نحفظ أ

سخنـان فرزنـدان یعقوب (مـا نبغی هـذه بضاعتنا. ..) به قرینه مخاطب قرار دادن یعقوب (یا أبانا)، در راسـتای جلب موافقت وی برای سفر بنیامین بود.

۸ حـدس و پیش بینی یوسف ( ع ) ( تقویت عزم برادرانش برای آمـدن به مصـر با مشاهـده بهای باز گردانـده شـده ) حدسـی صائب و نظری بجا بود .

لعلهم یعرفونها . .. لعلهم یرجعون ... ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلن

۱۱ تعهد مجدد و محبت آمیز فرزندان یعقوب برای حفاظت از برادرشان بنیامین در سفر به مصر

نمیر أهلنا و نحفظ أخانا

۱۲ لغو تحریم آذوقه و اضـافه شـدن یـک بـار شتر غلّه با آمـدن بنیامین به مصـر ، از دلیل های ارائه شـده به یعقوب ( ع ) برای جلب موافقت آن حضرت به روانه ساختن بنیامین

و نزداد کیل بعیر ذلک کیل یسیر

<ازدیاد> (مصـدر <نزداد> از باب افتعال) به معنای درخواست زیاده و اضافه است. <کیل بعیر> ; یعنی، بار و محموله ای که معمولاًـ بر یـک شتر حمـل می کننـد. گفتنی است جمله هـای <فـإن لم تـأتونی به فلاکیـل لکم ...> و <منع منا الکیل> دلالـت می کنـد بر اینکه یوسف(ع) اعطـای سـهمیه به فرزنـدان یعقوب را بـدون همراهی بنیامین ممنوع و تحریم کرد. بنابراین مراد از <نزداد کیل بعیر> این است که اگر بنیامین را به همراه ببریم علاوه بر لغو تحریم، یک بار اضافه نیز مطالبه می کنیم.

۱۳ جیره بندی سرانه ، برنامه

یوسف ( ع ) برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چون با آمدن بنیامین به مصر ، فرزندان یعقوب یک بار شتر علاوه بر بارهای خویش می گرفتند چند نکته استفاده می شود: ۱ جیره بندی سرانه بوده است. ۲ سهمیه و جیره بیش از یک بار شتر نبوده است.

۱۷ فرزندان یعقوب غلّه دریافتی در سفر اول را برای قحطی پیش آمده کافی نمی دانستند و سفر به مصر را برای دریافت سهمیه ای دیگر ضروری می شمردند .

ذلک کیل یسیر

<ذلک> اشاره به متاع و آذوقه ای است که فرزندان یعقوب در سفر نخست دریافت کرده بودند. <یسیر> به معنای اندک است و روشن است که اندک بودن به لحاظ دوره قحطی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۳

۱۳ فرزندان یعقوب سوگند یاد کردند و با خدا پیمان بستند که در حد استطاعت ، از بنیامین مراقبت کنند و او را به نزد پدر باز گردانند .

حتی تؤتون موثقًا . .. فلما ءاتوه موثقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۴،۵،۶،۷،۸

۴ یعقوب ( ع ) در سفر دوم فرزندانش به مصر ، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

۵ یعقوب ( ع ) منشأ خطر برای فرزندانش را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

یعقوب ( ع ) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

۷ یعقوب ( ع ) در آستانه سفر دوم فرزندانش به مصر ، به آنان توصیه کرد برای ورود به آن دیار ، دروازه های متعددی را برگزینند و از یک دروازه وارد نشوند .

یبنیّ لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبوب متفرقه

۸ یعقوب ( ع ) ، ورود فرزندانش را به مصر از دروازه های متعدد ، راهی محتمل برای جلوگیری از خطر احساس شده می دید . *

وادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱،۲،۶،۸

۱ ورود فرزندان یعقوب به مصر برای دومین بار

و جاء إخوه یوسف . .. و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

۲ فرزندان یعقوب براساس فرمان آن حضرت ، در آستانه ورود به مصر متفرق شدند و از دروازه های متعدد به آن دیار وارد گشتند .

وادخلوا من أبوب متفرقه . .. و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

<حیث> اسم مکان و به معنای جا و محل است.

۶ تدبیر یعقوب ( ع ) ( ورود فرزندانش به مصر

از دروازه های متعدد ) مانع پیشامدی که خداوند برای آنان مقدر کرده بود ، نشد .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء

ضمیر در <یغنی> به یعقوب(ع) و یا تدبیر او که از <ادخلوا من أبواب متفرقه> استفاده می شود برمی گردد. مآل هر دو احتمال یک معناست.

۸ توصیه یعقوب ( ع ) به فرزندانش ( لزوم اختیار کردن دروازه های متعدد برای ورود به مصر ) جز تلاش برای سلامتی فرزندانش ، اثر دیگری نداشت .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

استثنا در عبارت <إلّا حاجه . ..> استثنای منقطع است. ظاهر آن است که ضمیر فاعلی در <قضاها> به یعقوب(ع) باز گردد. بر این اساس معنای <ما کان یغنی ... إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضاها> چنین می شود: تدبیر یعقوب(ع) هرگز بازدارنده آنچه از ناحیه خداوند مقدر شده بود نشد ; لکن یعقوب(ع) خواسته ای داشت که با دستور خویش (ادخلوا من أبواب متفرقه) عملی ساخت. بر اساس این معنا مراد از خواسته او (حاجه) انجام وظیفه است و آن راهنمایی فرزندان به اسباب رهایی از خطرات احتمالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰

۱ فرزندان یعقوب به همراه بنیامین به جایگاه یوسف ( ع ) درآمدند و به حضور وی رسیدند .

و لما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أخاه

۲ یوسف ( ع ) در پی ملاقات با برادرانش ، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد .

و لما دخلوا . .. ءاوی إلیه أخاه

۳ یوسف ( ع

) در نشستی با بنیامین و به دور از حضور دیگر برادرانش ، خود را به وی شناساند .

قال إنی أنا أخوک

از آیات قبل و آیات بعد معلوم می شود که یوسف(ع) از اینکه برادرانش وی را بشناسند، امتناع داشت. بنابراین انجام معرفی خود به بنیامین در خفای از برادران بوده است. فصل جمله <قال ...> از ما قبل می تواند اشاره به این داشته باشد که سخن یوسف(ع) با برادرش در مقامی غیر از مقام ورود برادرانش بر وی انجام گرفته است.

۴ بنیامین به اینکه عزیز مصر ، برادر ناپدید شده وی ( یوسف ( ع ) ) باشد ، ناباور بود .

إنی أنا أخوک

تأکید حکم در جمله <إنی أنا أخوک> با اسمیه آوردن جمله به همراه حرف تأکید <إنّ> و ضمیر فصل (أنا) گویای تردید و شک بنیامین در برادری عزیز مصر با اوست.

۵ یوسف ( ع ) شرح ماجرای خود و برادرانش ( داستان قرار دادن او در چاه کنعان و . . . ) را برای بنیامین باز گفت .

قال إنی أنا أخوک فلاتبتئس بما کانوا یعملون

مراد از ضمیر در <کانوا> و <یعملون> برادران یوسف است. آوردن جمله <لاتبتئس> (اندوهگین نشو و تأسّف نخور) پس از <إنی أنا أخوک> می رساند که یوسف(ع) پس از معرفی خویش، ماجرای چاه کنعان و مسائل پیرامون آن را برای بنیامین باز گفته بود و گرنه مجرد معرفی خودش، زمینه ای برای ناراحتی و اندوه بنیامین نداشت.

۶ تأسّف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف ( ع )

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

۷ یوسف ( ع ) از برادرش بنیامین خواست گذشته

برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

۱۰ توفیق ملاقات یوسف ( ع ) در مقام عزیزی مصر با برادرش بنیامین ، از میان برنـده تلخ کامی ها و زایل کننده ناراحتی آن دو از بد رفتاری های گذشته برادران

إنی أنا أخوک فلاتبتئس بما کانوا یعملون

تفریع <فلاتبتئس . ..> به وسیله حرف <فاء> بر <إنی أنا أخوک> بیانگر دلیل یوسف(ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتـار ناپسـند برادرانش است ; یعنی، یوسف(ع) بـا این تفریع بیان می دارد که هر چنـد بر اثر رفتار آنان مشـکلاتی را متحمل شدم ; ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۰ – ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۹،۱۰

۱ طرح و نقشه یوسف ( ع ) برای نگاهداشتن بنیامین نزد خویش

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

۲ یوسف ( ع ) خود به تجهیز و مهیّا کردن محموله برادران خویش پرداخت .

فلما جهّزهم بجهازهم

۳ یوسف ( ع ) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

<سـقایه> به ظرفی گفته می شـود که برای آب خـوردن از آن اسـتفاده می شود. <ال> تعریف در آن می رسانـد که ظرف ویژه ای بوده است.

۴ بی اطلاـعی کـارگزاران یوسـف ( ع ) از طرح و نقشه وی ( جاسـازی کردن پیمـانه در محمـوله بنیـامین ) برای جلوگیری از بازگشت

بنیامین

جعل السقایه فی رحل أخیه ثم أذّن مؤذّن

چنان چه کارگزاران یوسف(ع) از نقشه وی مطلع بودنـد، به سارق بودن فرزنـدان یعقوب تصـریح و تأکیـد نمی کردنـد (إنکم لسـارقون). همچنین از اینکه یوسف(ع) خود جام را در محموله بنیامین قرار داد، این معنا اسـتفاده می شود که او نمی خواسـت دیگران از نقشه وی مطلع باشند.

۵ کارگزاران یوسف ( ع ) بر اثر نیافتن آبخوری مخصوص ، فرزندان یعقوب را به دزدیدن آن متهم کردند .

جعل السقایه فی رحل أخیه ثم أذّن مؤذّن أیّتها العیر إنکم لسرقون

۶ یکی از کارگزاران یوسف با مخاطب قرار دادن قافله فرزندان یعقوب ، اتهام سرقت را به آنان اعلام کرد .

ثم أذّن مؤذّن أیّتها العیر إنکم لسرقون

<عیر> به مجموعه افراد قـافله و شترانی که بـار و بنه آنان را حمل می کننـد، گفته می شود. این کلمه مرادف کاروان و قافله در فارسـی است. <اذان> به معنـای اعلام کردن است و <تأذین> مصـدر <أذّن> به معنای کثرت اعلام می باشـد. بنابراین <أذّن مؤذّن ...> ; یعنی، اعلام کننده ای چندین بار اعلام کرد.

۷ اتهام سرقت به فرزندان یعقوب پس از حرکت و دور شدنشان از محوطه بارگیری ، به آنان اعلام شد . *

ثم أذّن مؤذّن أیّتها العیر إنکم لسرقون

حرف <ثم> و نیز جمله <أقبلوا علیهم> در آیه بعد می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۹ < عن أبی عبـدالله علیه السـلام . . . قـال : إنهم سـرقوا یوسف من أبیه ألاـ تری أنه قـال لهم حین قالوا : ماذا تفقـدون ؟ قالوا : نفقد صواع الملک ، و لم یقولوا : سرقتم صواع الملک ، إنما عنی

أنكم سرقتم يوسف من أبيه ;

از امام صادق(ع) روایت شـده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <إنكم لسارقون> پرسـیده بود ]فرمود: آنان یوسف را از پـدرش سـرقت کرده بودنـد. آیـا تـوجه نمی کنی کـه هنگـامی کـه برادران یوسـف گفتنـد: چـه چیزی گـم کرده ایـد؟ او و کـارگزارانش به آنـان گفتنـد: <پیمـانه پادشـاه را گم کرده ایم> و نگفتنـد: پیمانه پادشاه را دزدیدیـد. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید>.

۱۰ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . . و ارتحـل القوم ( إخوه یوسف ) مع الرفقه فمضوا ، فلحقهم یوسف و فتیته فنـادوا فیهم قال : < أیّتها العیر إنکم لسارقون > . . . > .

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. برادران یوسف با کاروانیان حرکت کردند و رفتند، سپس یوسف و افرادش به آنان ملحق شدند. آن گاه بین آنان ندا دادند و منادی چنین گفت: <أیّتها العیر إنکم لسارقون>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۱ – ۱،۲،۳

۱ فرزندان یعقوب با شنیدن اتهام سرقت به سوی یوسف ( ع ) و کارگزاران وی بازگشتند .

قالوا و أقبلوا علیهم

ضمیر در <قـالوا> و <أقبلـوا> به کلمه <العیر> در آیه قبـل بـاز می گردد و جمله <و أقبلوا علیهم> حـال برای ضـمیر در <قالوا> است.

۲ فرزندان یعقوب از کارگزاران یوسف پرسیدند : کالای مفقود شده تان چیست ؟

قالوا . .. ماذا تفقدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۱،۵،۷،۲۰

۱ گم

شدن جام آبخوری پادشاه ، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملک

<صواع> به معنای پیمانه است.

۵ یک بار شتر غلّه ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف ( ع ) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعیر

۷ یوسف ( ع ) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعیم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

۲۰ < عن أبی عبدالله ( ع ) فی قوله : < صواع الملک > قال : کان قدحاً من ذهب و قال : کان صواع یوسف إذ کیل به قال : لعن الله الخوّان لاتخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملک> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمانه می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمانه خیانت نکنید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱،۴،۶

۱ فرزندان یعقوب در حضور یوسف ( ع ) و کارگزارانش ، بر منزه بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه <لقد علمتم> است ; ولی در حقیقت

<ما جئنا . ..> مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

۴ دستگاه حکومتی یوسف ( ع ) ، درباره کاروانهایی که به مصر وارد می شدند ، تفحص می کرد تا به فسادگر و سارق نبودن ایشان اطمینان پیدا کند .

لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

جمله <لقد علمتم> (یقیناً دانستید و دریافتید که ما چنین و چنان نیستیم) حاکی است که کاروانهای وارد شده به مصر، مورد تفحص قرار می گرفتند تا هدف آنان از ورود به مصر مشخص شود که مبادا برای جاسوسی ، خرابکاری ، سرقت و . .. به مصر وارد شده باشند.

۶ فرزندان یعقوب با بیان حسن پیشینه خویش و منزه بودنشان از سابقه سرقت ، متهم شدنشان را به سرقت جام شاهی امری نابجا شمردند .

لقد علمتم . .. ما کنا سرقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲،۵

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

۲ کارگزاران یوسف از متهمان ( فرزندان یعقوب ) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

۵ محاکمه خطاکاران و قضاوت درباره آنان ، از اختیارات یوسف در زمان

وزارتش در مصر

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱

۱ فرزندان يعقوب ، برده شدن را كيفر و مجازات سرقت كننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه . .. قالوا جزؤه من وجد فى رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> اين است كه سارق ملك كسى مى شود كه از اموال او دزدى شده است. در <مجمع البيان> آمده است كه: مدت اين استرقاق و ملكيت يك سال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۱۴

۱ يوسف ( ع ) خود به بازرسى بار ها و اثاثيه كاروان فرزندان يعقوب اقدام كرد .

فبدأ بأوعيتهم قبل وعاء أخيه

ضمير در <بدأ> و <استخرج> به قرينه <أخيه> به يوسف باز مى گردد. اِسناد آن دو فعل به يوسف، ظاهراً حقيقى است نه مجازى (به اين معنا كه او دستور داده باشد كه چگونه بازرسى كنند در حالى كه خود مباشرت نداشته باشد). تغيير سياق ; يعنى، تبديل فعل جمع (قالوا فما جزاؤه) به فعل مفرد (بدأ) قرينه بر معناى ياد شده است. <وعاء> به معناى ظرف و <أوعيه> جمع آن مى باشد.

۲ يوسف ( ع ) پيش از بازرسى اثاثيه بنيامين ، به تفتيش دقيق بار و اثاثيه ديگر فرزندان يعقوب پرداخت .

فبدأ بأوعيتهم قبل وعاء أخيه ثم استخرجها من وعاء أخيه

كلمه <ثم> دلالت مى كند كه مدتى طول كشيد تا نوبت بازرسى بار بنيامين فرا رسيد. و اين حكايت از آن دارد كه بازرسى اثاثيه ديگر برادران به دقت انجام مى

گرفته که کار به درازا کشیده شده بود.

۳ یوسف ( ع ) در بازرسی بار بنیامین ، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخيه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

۴ طرح و نقشه یوسف ( ع ) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

كذلك كدنا ليوسف

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف ( ع ) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

كذلك كدنا ليوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف ( ع ) مجاز نبود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به <ملك> قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه <فما جزاؤه ...> در آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

۱۴ مشیّت الهی ، زمینه ساز باقی ماندن بنیامین نزد یوسف ( ع )

ما كان

. .. إلاّ أن يشاء الله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۷۷ – ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۹،۱۴،۱۶

۱ برادران يوسف با مشاهده جام شاهى در اثاثيه بنيامين ، وى را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف كردند .

قالوا إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

۲ برادران يوسف در حضور او ، بنيامين را به داشتن روحيه سرقت متهم كردند .

قالوا إن يسرق

چون از نظر ظاهر بنيامين سارق شناخته شد، اقتضاى مقام آن بود كه برادران يوسف از فعل ماضى (سرق) استفاده مى كردند. آنان با آوردن فعل مضارع (يسرق) كه دلالت بر استمرار و تجدد دارد به جاى فعل ماضى درصدد بيان اين معنا بودند كه بنيامين داراى روحيه سرقت است.

۳ برادران يوسف در حضور او ، از گذشته برادر بنيامين ( يوسف ) سخن گفتند و سابقه دزدى را براى او نيز امرى ثابت شده قلمداد كردند .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

۴ يوسف ( ع ) در دوران كودكى اش به ناحق متهم به دزدى شده بود .

فقد سرق أخ له من قبل . .. قال ... الله أعلم بما تصفون

۵ برادران يوسف بر$ اين باور بودند كه يوسف ( ع ) از ميان رفته و نابود شده است .

فقد سرق أخ له من قبل

<من قبل> مى تواند متعلق به <سرق> باشد. بر اين اساس جمله <فقد سرق ...> چنين معنا مى شود: او برادرى داشت كه پيش از اين دزدى كرده بود. همچنين مى تواند متعلق به مضمون <أخ له> باشد. بر اين مبنا جمله چنين معنا مى شود: او

پیشتر برادری داشت که دزدی کرده بود. بر این فرض قید <من قبل> حاکی است که برادران یوسف می پنداشتند که یوسف(ع) از میان رفته است.

۷ فرزندان یعقوب گرایش بنیامین به دزدی را از ناحیه مادر وی دانسته و او را منشأ پیدایش ناهنجاری فرزندانش شمردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

جواب شرط (إن یسرق) جمله ای محذوف است و جمله <فقد سرق . ..> - از باب آمدن سبب به جای مسبب - جانشین جواب می باشد. بنابراین جمله <إن یسرق ...> چنین معنا می شود: اگر او دزدی کرد خلاف انتظار نیست; زیرا برادر مادری اش نیز دزدی کرده بود پس دزدی آنان ریشه مادری دارد.

۸ فرزندان یعقوب با این تحلیل که دزدی بنیامین ریشه مادری دارد ، درصدد پیراستن خویش از عار و ننگ دزدی او بودند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

برادران یوسف با توصیف بنیامین به دارا بودن روحیه دزدی (إن یسرق) و اثبات آن با مطرح ساختن دزدی برادر مادری اش، درصدد بیان این معنا بودند که مادر آن دو در پیدایش روحیه دزدی نقش داشته ; ولی سایر برادرانش چون از مادرانی دیگرند، از این ناهنجاری پیراسته اند.

۹ یوسف ( ع ) در برابر سخن ناحق برادرانش ( مطرح کردن سرقت دروغین او ) از خود دفاع نکرد .

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرّها> و <لم یبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرایی که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرّها ...> ; یعنی، یوسف(ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس

خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۴ یوسف ( ع ) به فرزندان یعقوب گوشزد کرد که سخن آنان ( دزدی کردن برادر ابوینی بنیامین ) را باور ندارد .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل . .. و الله أعلم بما تصفون

جمله <و الله أعلم . ..> عطف بر <أنتم ...> است و هر دو مقول <قال> می باشند. و از آن جا که <قال> در مقابل <أسرّ> و <لم یبد> قرار گرفته، می توان گفت: مراد از <قول> ابراز کردن آن و آشکارا گفتن آن سخن است، نه آن که در دل خویش و زیر لب گفته باشد.

۱۶ < عن النبی ( ص ) فی قوله : < إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل > قال : سرق یوسف ( ع ) صنماً لجدّه أبی اُمّه من ذهب و فضّه ، فکسره و ألقاه فی الطریق ، فعیّره بذلک إخوته ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: <إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل>: روایت شده است: یوسف، بتی از طلا ـ و نقره را که از جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این کار سرزنش کردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۹،۱۱

۱ یوسف ( ع ) بنیامین را بازداشت کرد و از رفتن او به همراه برادرانش جلوگیری کرد .

فهو جزؤه . .. قالوا یأیها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا

---

الدرالمنثور، ج۴، ص۵۶۴.

۲ فرزندان یعقوب با تحریک عواطف

یوسف ( ع ) درصدد جلب رضایت او برای آزادسازی بنیامین برآمدند .

قالوا يأيها العزيز إن له أبًا شيخًا كبيرًا

۳ اقتدار یوسف ( ع ) بر انجام خواسته های خویش ، نیکوکار بودن وی و سزاواری یعقوب ( ع ) برای ترحم ، دلیل های ارائه شده از سوی فرزندان یعقوب به یوسف ( ع ) برای آزادسازی بنیامین

قالوا يأيها العزيز إن له أبًا شيخًا كبيرًا . .. إنا نريك من المحسنين

هدف برادران یوسف از مخاطب ساختن یوسف(ع) با عنوان <عزیز> بیان اقتدار او بر انجام خواسته هایش است، و توصیف یعقوب به <پیرمردی سالخورده> بیان سزاواری او برای ترحم است و مدح یوسف(ع) به نیکوکاری به منظور ترغیب او به احسان و گذشت می باشد.

۵ یوسف ( ع ) ، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا يأيها العزيز

۶ بازداشت یکی از برادران بنیامین در مقابل آزاد کردن او ، پیشنهاد برادران به یوسف

فخذ أحدنا مكانه

۷ فداکاری و گذشت برادران بنیامین ، برای باز گرداندن او به پدرشان یعقوب

فخذ أحدنا مكانه

۸ برادران بنیامین می دانستند که وی در نزد پدرشان یعقوب ، از محبوبیت افزون تری برخوردار است .

فخذ أحدنا مكانه

۹ یوسف ( ع ) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

إنا نريك من المحسنين

۱۱ مشاهده نیکوکار بودن یوسف ، مایه تشجیع فرزندان یعقوب به تقاضای آزادی بنیامین و بازداشت یکی از آنان به جای وی

فخذ أحدنا مكانه إنا نريك من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱،۵،۱۰

۱ یوسف ( ع ) پیشنهاد فرزندان یعقوب ( بازداشت یکی از

آنان به جای بنیامین ) را نپذیرفت .

فخذ أحدنا مکانه . .. قال معاذ الله أن نأخذ إلاّ من وجدنا

<معاذ> مصدر میمی و مفعول مطلق برای فعل محذوف است (نعوذ بالله معاذاً). عبارت <أن نأخذ> به تقدیر <من> و متعلق به <معاذ الله> می باشد. بنابراین جمله <معاذ الله أن نأخذ ...> ; یعنی، به خدا پناه می بریم پناه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

۵ اجتناب یوسف ( ع ) از نسبت دادن دزدی به بنیامین

أن نأخذ إلاّ من وجدنا متعنا عنده

آوردن عبارت <إلاّ من وجدنا متعنا عنده> (مگر کسی که متاع خویش را نزد او یافتیم) به جای <إلاّ من سرق متعنا> (مگر کسی که متاع ما را سرقت کرده باشد) گویای اجتناب یوسف از نسبت دادن سرقت به بنیامین است.

۱۰ یوسف ( ع ) و کارگزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در مصر ، از هر$ گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان . .. إنا إذًا لظلمون

مقصود یوسف از ضمیرهای متکلم مع الغیر <نا> و <نحن> در حقایقی که مطرح کرد (أن نأخذ . .. إنا إذًا لظالمون) خود او و کارگزارانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۱،۱۰،۹،۷،۶،۵،۴،۳،۲،۱

۱ فرزندان یعقوب به جلب رضایت یوسف موفق نشدند و از آزاد شدن بنیامین کاملاً نا امید گشتند .

فلما استیئسوا منه

<یأس> <و <استیئاس> به معنای ناامید شدن است، با این تفاوت که <استیئاس> حاکی از مبالغه و شدت ناامیدی می باشد. مراد از ضمیر در <منه> یوسف و

یـا بنیـامین است. بنـابراین <فلمـا اسـتیئسوا منه ...> ; یعنی، پس آن گـاه که فرزنـدان یعقـوب از [جلب رضـایت ]یوسف و یا [آزادی] بنیامین کاملاً ناامید شدند ... .

۲ فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین ، در کناری به دور از یوسف و کارگزارانش برای چاره اندیشی درباره مشکل پیش آمده به مشورت و گفت و گوی محرمانه پرداختند .

فلما استیئسوا منه خلصوا نجیًّا

از معـانی <خلوص> اعتزال و کنـاره گیری کردن است. <نجیّ> به فرد و یا افرادی اطلاق می گردد که در نهان با او گفت و گو شود. این کلمه در آیه شـریفه حال برای فاعل <خلصوا> می باشـد. بنابراین <خلصوا نجیّاً> ; یعنی، برادران یوسف از دیگران جدا شدند و با یکدیگر به نجوا و گفت و گوی سرّی پرداختند.

۳ فرزندان یعقوب بر باز گرداندن بنیامین از سفر مصر ، با پدرشان یعقوب پیمان بسته و سوگند یاد کرده بودند .

أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

۴ بازگشت همگان به کنعان ، نظر و رأی اکثریت فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین

قال کبیرهم ألم تعلموا . .. فلن أبرح الأرض

اسـتفهام در <ألم تعلموا . ..> اسـتفهام توبیخی است. از نتیجه ای که <لاوی>، فرزند ارشد یعقوب، در سـخنان خویش بیان می دارد (فلن أبرح الأرض ; از دیار مصـر نمی روم) معلوم می شود منشأ توبیخ و سـرزنش او از برادرانش این بوده که آنان را مصمم بر بازگشت می دیده است.

۵ فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی

<براح>

(مصدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. <ال> در <الأرض> عهد حضوری است و اشاره به شهر و دیاری دارد که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

۶ ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش ( بازگرداندن بنیامین )

قال کبیرهم . .. قد أخذ علیکم موثقًا ... فلن أبرح الأرض

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح . ..> بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا> بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

۹ فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف ، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد .

ألم تعلموا . .. من قبل ما فرّطتم فی یوسف

<ما> در <ما فرّطتم> مصدریه است و عبارت <من قبل ما فرّطتم . ..> عطف بر <أنّ أباکم ...> می باشد ; یعنی: <ألم تعلموا تفریطکم فی یوسف من قبل>. تفریط به معنای کوتاهی کردن و رها کردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

۱۰ فرزند بزرگ یعقوب ، رفتار گذشته برادرانش با یوسف ( ع ) را رفتاری نکوهیده خواند .

قال کبیرهم . .. و من قبل ما فرّطتم فی یوسف

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بدون

بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب ( ع ) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی أو یحکم الله لی

گویا مقصود لاوی از <حتی یأذن لی أبی> این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلاّـ أن یحاط بکم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از <یحکم الله> شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰

۱ لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان ، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد .

قال کبیرهم . .. ارجعوا إلی أبیکم فقولوا یأبانا إن ابنک سرق

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

۳ لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنک سرق و ما شهدنا إلاّ بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله

<ما شهدنا ...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوییم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا . .. ما شهدنا إلّا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله <یأبانا> مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگویید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنک سرق

لحن جمله <إن ابنک سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما کنا للغیب حفظین

در معنای جمله <و ما کنا . ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنک سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم ; یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

۸ دزدی مخفیانه بنیامین و

ناتوانی برادران از مراقبت وی در نهان ، اعتذار آنان نزد یعقوب ( ع ) از باز نگرداندن او

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا . .. و ما کنا للغیب حفظین

جمله <و ما کنا . ..> در حقیقت پاسخ به پرسشی است که لاوی انتظار آن را از یعقوب(ع) داشت و آن اینکه: گیرم بنیامین دزدی کرد ، چرا او را از دزدی کردن باز نداشتید تا کار به آنچه می گویید بینجامد.

۹ فرزندان یعقوب در صورت آگاهی به وجود جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، کیفر سارق در آیین خویش را بیان نمی کردند .

ما شهدنا إلّا بما علمنا و ما کنا للغیب حفظین

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که مراد از شهادت در <ما شهدنا> بیان حکم سارق که آیه ۷۵ (جزاؤه من وجد فی رحله) رسانـنده آن است باشد. بر این اساس مفاد <ما شـهدنا إلّا بما علمنا و ما کنا للغیب حافظین> چنین می شود: ما به آنچه می دانستیم (کیفر سارق بردگی است) شهادت دادیم ; ولی نمی دانستیم که جام شاهی نزد بنیامین است تا از بیان آن حکم خودداری کنیم. قابل ذکر است که بر این مبنا <حافظین> به معنای <عالمین> خواهد بود.

۱۰ بی اطلاعی برادران از امور نهانی ، اعتذار آنان در نزد یعقوب برای بیان کیفر سارق

ما شهدنا إلّا بما علمنا و ما کنا للغیب حفظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ خبر دزدی بنیامین در آبادی محل سکونت یوسف ( مصر ) ، شایع شده بود .

وسئل القریه التی کنا فیها

<قریه> به محل

سکونت و اجتماع انسانها (شهر و روستا) گفته می شود. از این رو در برداشت از آن به <آبادی> تعبیر شد. پرسش از آبادی با اینکه مقصود پرسش از اهل آبادی است، برای رساندن این معناست که: خبر سرقت بنیامین در شهر شایع شده و همگان از آن مطلع بودند.

۲ کاروانیان همراه فرزندان یعقوب به ماجرای دزدی بنیامین آگاه بودند .

وسئل . .. العیر التی أقبلنا فیها

۳ فرزندان یعقوب ، بر این گمان بودند که پدرشان داستان سرقت بنیامین را تصدیق نخواهد کرد .

وسئل القریه . .. والعیر التی أقبلنا فیها

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جویا شود .

فقولوا یأبانا . .. وسئل القریه ... والعیر التی أقبلنا فیها

<اقبال> (مصدر أقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن <إلیك> و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و <فیها> حال برای ضمیر <أقبلنا> می باشد. بنابراین <وسئل ... العیر التی ...> ; یعنی، از کاروانی بپرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

۵ فرزندان یعقوب از مصر به همراه کاروانی از کنعانیان رهسپار دیار خویش شدند .

والعیر التی أقبلنا فیها

۶ لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱،۲،۳،۵،۶

۱ فرزندان یعقوب به کنعان بازگشتند و گزارش سفرشان را

همان گونه که لاوی سفارش کرده بود ، برای پدرشان بیان کردند .

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا یأبانا . .. قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

از آن جا که مطالب آیه ۸۱ و ۸۲ سخنان لاوی در مصر است و جمله <بل سوّلت . ..> پاسخ یعقوب در برابر آن گفته هاست، معلوم می شود که اولاً: بخشی از داستان به خاطر اختصار آورده نشده است و آن اینکه: <فرجعوا إلی أبیهم و قالوا کذا و کذا>. ثانیاً: فرزندان یعقوب همان سخنان لاوی را به همان گونه که وی سفارش کرده بود برای پدرشان گزارش کردند.

۲ یعقوب ( ع ) داستان سرقت بنیامین را داستانی ساختگی یافت و گفته های فرزندانش را باور نکرد .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> دلالت می کند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت.

۳ یعقوب ( ع ) ، فرزندانش را در گرفتاری بنیامین و باز نگشتن وی مقصر دانست .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

۵ یعقوب ( ع ) ، ماجرای گرفتاری بنیامین را نتیجه توطئه ای برخاسته از جلوه پرداز های نفس فرزندان خویش دانست .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

جمله <سوّلت لکم . ..> ; یعنی ، نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت. این جمله حاکی از اطمینان یعقوب به توطئه فرزندانش است.

۶ آگاهی یعقوب به اینکه بازداشت بنیامین بر اساس کید و نقشه ای از طرف فرزندانش ( یوسف ، بنیامین یا برادران دیگر ) بوده است . *

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

در اینکه چرا یعقوب(ع) گزارش فرزندانش را باور نکرد و آنان

را علی رغم داشتن شهود عینی که جای شک باقی نمی گذاشت به تسویل کردن متهم ساخت، پاسخهایی ذکر کرده اند. آنچه به نظر روشن تر می رسد این است که: ۱ یعقوب(ع) به فراست خاص خویش و اطمینانش به درست کاری بنیامین دریافته بود که گزارش یاد شده واقعیت ندارد. ۲ کید و نقشه ای برای گرفتار شدن بنیامین در کار بوده و به اصطلاح کاسه ای زیر نیم کاسه بوده است. ۳ این کید و نقشه از ناحیه فرزندانش اجرا شده است. اینها واقعیتهایی بود که یعقوب(ع) به فراست دریافت ; ولی نکته ای که برای او پس از آنکه فهمیده بود نقشه گرفتاری بنیامین از ناحیه فرزندانش است مجهول و مبهم مانده بود، این بود که متوجه نشد خود بنیامین و یوسف طرّاح و مجری آن نقشه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۷،۱۲،۱۳

۷ گریه فراوان یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) *

وابیضت عیناه من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعلیلیه است و حاکی از این است که حزن عامل نابینایی یعقوب(ع) بود ; ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان یعقوب(ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه یعقوب(ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

۱۲ یعقوب ( ع ) بر اثر فراق یوسف ( ع ) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم

(کظیم) به معنای

اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

۱۳ یعقوب ( ع ) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف ( ع ) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

<کظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد ; یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱،۳،۴،۶

۱ یعقوب ( ع ) ، همواره به یاد فرزندش یوسف ( ع ) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافیه است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف> ; یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

۳ فرزندان یعقوب ، نگران وضعیت رو به وخامت پدر خویش و ناراحت از قرار گرفتنش در معرض بیماری و هلاکت

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف ( ع ) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله . ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

۶ فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

حرف

<تـاء> برای قسم است و جمله <تفتؤا تـذکر یوسف> به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شـده (حتی تکون حرضاً . ..) جواب قسم است ; یعنی ، در حقیقت جواب قسم <تکون حرضاً ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۶، ۱۰، ۹

۹ یعقوب ( ع ) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف ( ع ) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می توانـد به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر اساس معنای اول مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۰ یعقوب ( ع ) به دیدار یوسف ( ع ) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۶ < عن أبی عبـدالله ( ع ) قال : قـدم أعرابیّ علی یوسف . . . قال له یوسف : . . . فإذا مررت بوادی کـذا و کذا فقف فناد : یا یعقوب ! یـا یعقوب ! فإنه سـیخرج إلیک رجل . . . فقل له : لقیت رجلًا بمصـر و هو یقرئک السـلام و یقول لک : إن ودیعتک عند الله عزوجل لن تضـیع ، قال : فمضی الأعرابیّ . . . فأبلغه ما قال له یوسف . . . فکان یعقوب ( ع ) یعلم أن یوسف ( ع ) حیّ لم یمت و أن الله تعالی ذکره سیظهره له بعد غیبته و کان یقول لبنیه : < إنی أعلم من الله ما لاتعلمون > .

از امـام صادق(ع) روایت شـده که فرمود: بادیه نشـینی بر یوسف وارد شـد . .. یوسف به او گفت: ... آن گاه که بر فلان وادی گـذر کردی بـایست و صـدا بزن: ای یعقـوب، ای یعقـوب! پس مردی به سوی تو بیرون خواهـد آمـد ... به او بگو مردی را در مصـر ملاقات کردم که تو را سلام رساند و گفت: امانت تو نزد خدا هرگز از بین نمی رود. امام فرمود: آن بادیه نشین رفت ... و گفتـار یوسـف را به یعقوب ابلاـغ کرد ... پس یعقوب می دانست یوسف زنـده است و نمرده و خـدای تعـالی به زودی او را پس از غیبت، آشکارش خواهد کرد و همواره به پسران خویش می گفت: <إنی أعلم من الله ما لاتعلمون>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۲،۴،۱۳

۲ یعقوب ( ع ) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها بپردازند .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

۴ یعقوب ( ع ) از فرزنـدانش خواست برای یـافتن یوسف ( ع ) و بنیـامین تلاشـی پی گیر داشـته و از یـافتن آنهـا هرگز مأیوس نشوند .

و لاتاْیئسوا من روح الله

۱۳ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . .انه [ یعقوب ] دعـا ربّه فی السـحر أن یهبـط علیه ملـک الموت فهبط علیه . . . قال یعقوب : . . . هل عرض علیک فی الأرواح روح

یوسف ؟ فقال : لا فعند ذلک علم أنه حیّ فقال لولده : < اذهبوا فتحسّسوا من یوسف . . . > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: یعقوب در سحر از خدا خواست تا ملک الموت بر او فرود آید . .. پس او فرود آمد ... یعقوب گفت: ... آیا در میان ارواح، روح یوسف بر تو عرضه شده؟ گفت: نه. پس در این هنگام دانست که یوسف زنده است، پس به فرزندان خود گفت: <اذهبوا فتحسّسوا من یوسف ...>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱،۳،۴،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۸،۱۹،۲۰

۱ فرزندان یعقوب برای مرتبه سوم در دوران قحطی ، به مصر آمدند و به حضور یوسف ( ع ) رسیدند .

فلما دخلوا علیه

۳ فرزندان یعقوب سختی معیشت و نابسامان بودن وضع مادی خاندان یعقوب را به یوسف گزارش کردند .

قالوا یأیها العزیز مسّنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه

۴ یوسف ( ع ) در دوران قحطی مصر ، سمت عزیزی آن دیار را بر عهده داشت .

قالوا یأیها العزیز

۷ فرزندان یعقوب در نوبت سوم سفرشان به مصر ، بهای کامل برای خرید سهمیه خویش را نداشتند .

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

<مزجاه> به معنای ناچیز و حقیر است.

۸ فرزندان یعقوب با بیان تنگدستی و نداشتن بهای لازم برای خرید سهمیه خویش ، از یوسف ( ع ) خواستند جیره آنان را به طور کامل پرداخت کند .

مسّنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

۹ تداوم سیاست یوسف ( ع ) در جیره بندی غلات و فروش و دریافت

بهای آنها ، در دوران قحطی مصر

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

چنان چه گـذشت آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۲ از همین سـوره دلالـت بر آن داشت که یوسف آذوقه هـای ذخیره شـده را جیره بنـدی کرده بود و سـهمیه افراد را در برابر دریافت بها به آنان می پرداخت. آیه مورد بحث نیز به دلیل کلمه <کیل> و جمله <جئنا ببضاعه مزجاه> حاکی از آن است که سیاست سهمیه بندی و گرفتن بهای سهمیه همچنان پس از گذشت مدتها ادامه داشت.

۱۰ یوسف ( ع ) از فقیران و تهیدستان برای پرداخت سهمیه شان ، بهایی دریافت نمی کرد .

مسّنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <أوف لنا الکیل> به وسیله <فاء> بر <مسنا و أهلنا الضر . ..> است.

۱۱ یوسف ( ع ) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

۱۲ فرزندان یعقوب از یوسف ( ع ) تقاضا کردند برادرشان بنیامین را به آنان باز گرداند .

و تصدق علینا

در اینکه مقصود فرزنـدان یعقوب از عطیه درخواسـتی چیست سه نظر ایراد شـده است: ۱منظور بنیـامین است که به ظاهر ملك یوسف(ع) می باشد. ۲ مقصود آنان مقـداری بیش از سـهمیه و جیره ایشان است. ۳مراد همان سـهمیه است بدون دریافت همه بهای آن. برداشت فوق، ناظر به اولین احتمال است.

۱۳ دریافت آذوقه در نزد فرزندان یعقوب ، دارای اهمیت بیشتر از یافتن و جست و جو کردن یوسف ( ع ) و استرداد بنیامین *

یأیها العزیز مسّنا و

أهلنا الضر . .. فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

فرزندان یعقوب به فرمان وی به مصر آمدند تا از یوسف(ع) خبر بگیرند و بنیامین را باز ستانند ، ولی پیش از آن سخن از فقر و تنگدستی و مطالبه آذوقه دارند. این معنا می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

۱۴ برادران یوسف به دلیل سخت شدن معیشت بر خاندان یعقوب ( ع ) از او تقاضا کردند بیش از سهمیه سرانه ، آذوقه و غلات به آنان ببخشد .

مسّنا و أهلنا الضر . .. فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

۱۸ عزیز مصر ( یوسف ) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الکیل و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

۱۹ اظهار مسکنت و ذلت برادران یوسف به پیشگاه او و شکایت آنان از فقر و تنگدستی ، در سومین سفر آنان به مصر

مسّنا و أهلنا الضر . .. و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

۲۰ < عن أبی الحسن الهادی ( ع ) : . . . لما مات العزیز . . . إفتقرت إمرأه العزیز و احتاجت حتی سألت الناس فقالوا : ما یضرّک لو قعدت للعزیز و کان یوسف یسمی العزیز [ خ .ل .و کلّ ملک کان لهم سمی بهذا الإسم ] . . . فقامت إلیه و قالت : سبحان . . . من جعل العبید بالطاعه ملوکاً . . . ;

از امام هادی(ع) روایت شده است: . .. پس از مرگ عزیز مصر ... همسر وی [زلیخا] فقیر و نیازمند شد تا آن جا که از مردم درخواست کمک می

کرد. پس مردم به او گفتند: چه ضرر دارد که بر سر راه عزیز بنشینی [واز او کمک بخواهی] و یوسف در آن زمان عزیز نامیده می شد [و هر پادشاهی که بر مصریان حکومت می کرد به این اسم نامیده می شد]... پس همسر عزیز بر سر راه یوسف ایستاد و گفت: ... منزه است خدایی که بردگان را در سایه اطاعت، به پادشاهی می رساند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱،۲،۳،۴،۶،۸،۹

۱ عزیز مصر در پی مشاهده ذلت فرزندان یعقوب ، داستان ر ها کردن یوسف ( ع ) در چاه کنعان را به آنان یادآوری کرد .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

مراد از <ما فعلتم بیوسف> و یا مصداق مورد نظر از آن، داستان رهاسازی یوسف(ع) در چاه کنعان است. گویا این یادآوری همان است که خداوند در آیه ۱۵ از همین سوره بیان داشت، بدین مضمون که همانا این واقعه (داستان چاه) را در آینده به آنان گزارش خواهی کرد، در حالی که متوجه نیستند (تو را نمی شناسند).

۲ بنیامین ، برادر پدری و مادری یوسف ( ع ) ، همچون یوسف ( ع ) ، مورد آزار و اذیت برادرانش بود .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

۳ بنیامین برخورد های نامناسب و آزار های برادرانش را برای یوسف ( ع ) شرح داده بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> گویای این است که فرزندان یعقوب بنیامین را نیز آزار داده بودند و یوسف(ع) از آن

مطلع بود و ظاهر این است که او از طریق بنیامین با خبر شده بود.

۴ فراق یوسف ( ع ) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر ، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

۶ برادران یوسف هنگام افکندن او در چاه کنعان ، گرفتار جهل و بی خردی بودند .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

۸ برادران یوسف پس از سپری کردن برهه ای از عمرشان از آزار و اذیت بنیامین دست کشیدند . *

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

چون <إذ أنتم جاهلون> ظرف برای <فعلتم> است، زمان آن فعل را مقید به زمان جهل و نادانی برادران یوسف می کند و این مفهوم را القا می کند که پس از آن زمان، برخوردشان با بنیامین برخورد نامناسبی نبوده است. تناسب حکم و موضوع و طبیعت حال، این احتمال را به ذهن می آورد که بگوییم آن زمان، زمان جدایی ایشان بوده است.

۹ یوسف ( ع ) ضمن اعتراض به عملکرد ناصواب برادرانش ، عذر تقصیرشان ( جهل و نادانی ) را به آنان القا کرد .

إذ أنتم جهلون

یوسف(ع) با مقید کردن عملکرد ناصواب برادرانش به زمان جهل آنان (إذ أنتم جاهلون) اشاره به این معنا دارد که: من شما را معذور می شمرم چرا که در زمانی مرتکب خلاف شدید که نادان بودید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰

- ۱۶،۵،۴،۳،۲،۱

۱ فرزندان یعقوب در پی سخنان عزیز مصر ( آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید ) دریافتند که او برادرشان یوسف ( ع ) است .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف . .. قالوا أءنک لأنت یوسف

جمله <أءنک . ..> حاوی چهار تأکید است: اسمی بودن جمله ، حرف تأکید <إنّ> ، لام تأکید و ضمیر فصل <أنت>. و اینها حاکی از این است که برادران یوسف بر اینکه مخاطبشان همان یوسف(ع) است ، اطمینان کردند.

۲ استبعاد و شگفتی ، فرزندان یعقوب از اینکه عزیز مصر برادرشان یوسف باشد .

قالوا أءنک لأنت یوسف

برادران یوسف علی رغم اطمینانشان بر اینکه عزیز مصر همان یوسف است ، جمله خویش را با استفهام تقریری بیان کردند و از او خواستند که به یافته آنان اقرار کند و این بیانگر استبعاد و شگفتی ایشان است ; یعنی ، در عین اطمینان ناباور بودند.

۳ یوسف ( ع ) در پی پرسش برخاسته از شگفت زدگی و ناباوری برادرانش ، تصریح کرد که او همان یوسف است .

أءنک لأنت یوسف قال أنا یوسف

۴ بنیامین در سومین جلسه ملاقات فرزندان یعقوب با عزیز مصر ، حضور داشت .

و هذا أخی

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهدی بر صدق دعوای خویش ( من یوسفم ) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخی

جمله <هذا أخی> می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای <قد منّ الله> باشد به عنوان شاهدی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوّت ما را درخواهید

یافت.

۱۶ یوسف ( ع ) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إنه من يتّق و يصبر فإن الله لايضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۸،۹

۸ تأکید و اقرار برادران یوسف به ارتکاب خطا در حق برادرشان یوسف ( ع )

و إن كنّا لخطئين

<إن> در جمله فوق به اصطلاح مخفّفه از مثقّله (إنّ) است. دلیل آن حرف <لام> در <لخاطئين> می باشد.

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن كنّا لخطئين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱،۳،۴،۶،۱۳،۱۴

۱ یوسف ( ع ) ستم های برادرانش را در حق خویش نادیده گرفت و آنان را بخشود .

قال لاتثريب عليكم

روا نداشتن سرزنش برادران که جمله <لاتثريب . ..> گویای آن است ، می رساند که یوسف(ع) آنان را مورد عفو خویش قرار داد.

۳ یوسف ( ع ) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد ، بلکه از سرزنش آنان نیز پرهیز نمود .

لاتثريب عليكم

<تثريب> به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (بر گرفته شده از لسان العرب).

۴ یوسف ( ع ) پس از اعتراف برادرانش به خطا ، هر گونه سرزنش آنان را از ناحیه خویش و دیگران ، ناروا شمرد .

لاتثریب علیکم الیوم

کلمه <تثریب> نکره است و پس از حرف نفی (لا) قرار گرفته است. از این رو شامل هر گونه ملامت می شود. یاد نکردن از فاعل (سرزنش کننده) دلالت بر

عموم دارد ; یعنی، هیچ کس نه من و نه دیگری. جمله <لاتثریب علیکم الیوم> جمله ای خبری و در مقام انشا و دستور است ; یعنی، نباید شما ملامت شوید و یا نباید هیچ کس شما را ملامت کند.

۶ یوسف ( ع ) از خداوند خواستار آمرزش خطا ها و گناهان برادرانش شد .

یغفر الله لکم

جمله <یغفر. ..> می تواند دعایی باشد و می تواند خبری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

۱۳ یوسف ( ع ) برادرانش را به آمرزش خدا و شمول رحمتش بر آنان نوید داد .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

برداشت فوق بر این اساس است که <یغفر الله . ..> جمله ای خبری باشد.

۱۴ یوسف ( ع ) با توجه دادن برادرانش به رحمت گسترده الهی ، آنان را به آمرزش گناهانشان امیدوار ساخت .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

جمله <و هو . ..> حالیه است و به منزله تعلیل برای <یغفر الله> می باشد ; یعنی، چون <ارحم الراحمین> است، گناه شما را می بخشاید. قابل ذکر است که یوسف با یادآوری این صفت خداوند، پس از گذشت از گناه برادرانش، به این نکته اشاره می کند که: من از شما درگذشتم پس او که از همه از من و غیر من مهربان تر است، بی هیچ تردید از شما خواهد گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۱۲

۱ یوسف ( ع ) ، برادرانش را با پیراهنی خاص از خویش روانه کنعان کرد .

اذهبوا بقمیصی هذا

کلمه <هذا> گویای آن است که یوسف(ع)

پیراهن خاصی را به برادرانش سپرد تا به کنعان ببرند.

۲ یوسف ( ع ) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب ( ع ) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

<یأت> در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که <یأت> به معنای <می آید> است و <بصیراً> حال می باشد; یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

۳ یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) نابینا شده بود .

یأت بصیرًا

۴ یوسف ( ع ) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب ( ع ) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند .

اذهبوا . .. فألقوه علی وجه أبی

برداشت فوق از حرف <فاء> در <فألقوه> استفاده شده است. <فألقوه> ; یعنی ، به مجرد رسیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

۵ یوسف ( ع ) از نابینا شدن پدرش آگاه شده بود .

یأت بصیرًا

۷ بینا شدن یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهن یوسف ( ع ) ، کرامتی از یوسف

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

فعل <یأت> جواب امر <فألقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه علی وجه أبی یأت بصیراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف(ع) در بینا شدن چشم یعقوب(ع) است.

۱۲ < عن أبی جعفر ( ع ) [ فی قوله تعالی ] : < قال . . . إذهبوا بقمیصی هذا > الذی بلّته

دموع عینی . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای تعالی: <قال . .. إذهبوا بقمیصی هذا> روایت شده: پیراهنی که اشک های چشم آن را تر کرده است ، [با خود ببرید]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱،۲،۳،۴،۷،۱۲،۱۳

۱ کاروان فرزندان یعقوب با سوغاتی ارزشمند و دلیلی روشن بر سلامت یوسف ( ع ) ، از مصر به سوی کنعان حرکت کردند .

اذهبوا بقمیصی هذا . .. و لما فصلت العیر

<فصلت> از مصدر <فصول> گرفته شده است و <فصول> به معنای خارج شدن و جدا گشتن می باشد.

---

تفسیرعیاشی، ج۲، ص۱۹۶، ح۷۹; نورالثقلین، ج۲، ص۴۶۲، ح۱۸۵.

۲ یعقوب ( ع ) از فاصله ای دور ( از کنعان تا مصر ) بوی یوسف ( ع ) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

جمله <قال أبوهم . ..> جواب شرط <لما فصلت ...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب ( ع ) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش ( شنیدن بوی یوسف ) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۴ شامّه معجزه آسای یعقوب ( ع ) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف ( ع ) از راه بسیار دور

و لما فصلت

العير قال أبوهم إنی لأجد ريح يوسف

۷ خانواده يعقوب ، اظهارات او را درباره زنده بودن يوسف ( ع ) ، انكار مى كردند .

قال أبوهم . .. لولا أن تفنّدون

روشن است كه جمله <إنی لأجد . ..> نمی تواند بيانگر جواب <لولا ...> باشد ; زيرا يعقوب(ع) را چه به سستی انديشه متهم می كردند يا نمی كردند، بوی يوسف(ع) را شنيده بود. بنابراين جواب شرط محذوف است و قرينه های حالی و مقامی می تواند مؤيد اين احتمال باشد كه جواب شرط جمله ای است نظير <لما كذبتمونی و ...> (مرا تكذيب نمی كرديد و نزديک بودن وصال يوسف(ع) را باور می كرديد).

۱۲ در سفر سوم فرزندان يعقوب به مصر براى جست و جو از يوسف ( ع ) و بنيامين ، تنها برخى از آنان راهى آن سفر شدند .

يبنىّ اذهبوا . .. و لما فصلت العير قال أبوهم ... لولا أن تفنّدون

جمله <قال أبوهم . ..> گويای اين است كه گوينده ; يعنی، يعقوب(ع) پدر مخاطبان است. براين اساس مخاطبان يعقوب(ع) در جمله <لولا أن تفنّدون> فرزندان اويند و اين می رساند كه برخی از فرزندانش برای جست و جوی يوسف(ع) و بنيامين (يبنیّ اذهبوا) به مصر رفتند و برخی از آنان نزد پدر ماندند.

۱۳ < عن أبى عبدالله ( ع ) قال : . . . ان ابراهيم لما اُوقدت له النار أتاه جبرئيل ( ع ) بثوب من ثياب الجنه . . . فلما حضر ابراهيم الموت جعله فى تميمه و علّقه إسحاق على يعقوب ، فلما ولد يوسف ( ع ) علّقه عليه فكان فى عضده . .

. فلما أخرجه یوسف بمصر من التمیمه وجد یعقوب ریحه و هو قوله : < إنی لأجد ریح یوسف . . . > فهو ذلک القمیص الذی أنزله الله من الجنه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. چون برای سوزاندن ابراهیم(ع) آتش افروخته شد، جبرئیل پیراهنی از پیراهنهای بهشتی برای او آورد ... آن گاه که مرگ ابراهیم(ع) فرا رسید ابراهیم(ع) آن را در جلدی قرار داد و به عنوان حِرز بر اسحاق و اسحاق هم بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب [آن را] بر یوسف آویخت و آن بر بازوی یوسف بود ... پس چون یوسف آن پیراهن را در مصر از جلد بیرون آورد، بوی آن به مشام یعقوب رسید و این است سخن یعقوب: <إنی لأجد ریح یوسف ...>. پس پیراهن یوسف همان پیراهنی است که خداوند از بهشت فرو فرستاد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) در طول فراق یوسف ( ع ) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ حامل پیراهن یوسف ( ع ) به عنوان پیکی مژده رسان پیش از دیگر افراد کاروان به حضور یعقوب ( ع ) رسید .

فلما أن جاء البشیر

<بشیر> به معنای اسم فاعل (مبشّر) به کسی گفته می شود

که پیامی مسرّت بخش را ابلاغ می کند. گفتنی است چنان چه <بشیر> همراه دیگر فرزندان به حضور یعقوب(ع) رسیده بود، مناسب تر آن بود که جمله به این صورت بیان می شد: <فلما أن جاءوا ألقاه البشیر علی وجهه>. بنابراین جمله <فلما أن جاء البشیر> ظهور در این دارد که مژده رسان پیش از دیگران آمده بود.

۲ پیک فرزندان یعقوب زنده بودن یوسف ( ع ) و همراه داشتن پیراهن وی را به یعقوب ( ع ) بشارت داد .

فلما أن جاء البشیر

مصداق مورد نظر برای بشارت و خبرت مسرّت بخش به مناسبت مورد خبر از حیات یوسف(ع)، سلطنت او و نیز به همراه داشتن پیراهن معجزه آسای وی است. قابل ذکر است که جمله <اذهبوا بقمیصی> در آیه ۹۳ می رساند که <بشیر> یکی از همان برادران یوسف بوده نه شخصی دیگر.

۳ افکندن پیراهن یوسف ( ع ) بر چهره یعقوب ( ع ) نخستین اقدام مژده رسان در برخورد با یعقوب ( ع )

فلما أن جاء البشیر ألقیه علی وجهه

جمله <ألقاه . ..> جواب برای <فلما أن جاء البشیر> است و لذا دلالت می کند به اینکه افکندن پیراهن به مجرد آمدن و بشارت دادن تحقق یافته بود. حرف <أن> زایده است و فاصله نبودن میان آمدن و افکندن را تأکید می کند.

۴ چشمان یعقوب ( ع ) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف ( ع ) بر آن ، فروغ گرفت و بیناییش بازگشت .

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در

جمله <فارتد ...> حاکی از دو معناست:$۱ ترتّب و سببیّت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۵ پیشگویی یوسف ( ع ) مبنی بر بینا شدن یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهنش ، تحقق یافت .

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا . .. ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقی> دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۱،۲،۳،۴،۸

۱ فرزندان یعقوب در حضور وی خویشتن را گنهکار دانسته و به گناه خویش اقرار و اعتراف کردند .

قالوا یأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا کنّا خطئین

۲ فرزندان یعقوب علی رغم گناه دانستن رفتارشان با یوسف ( ع ) و بنیامین و یعقوب ( ع ) ، آن را مرتکب می شدند .

قالوا یأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا کنّا خطئین

مراد از <ذنوبنا> به قرینه مقام رفتار فرزندان یعقوب با وی و یوسف و بنیامین می باشد.

۳ فرزندان یعقوب از رفتار های ناروایشان با یوسف ( ع ) ، بنیامین و یعقوب ( ع ) ، پشیمان شدند و اظهار ندامت کردند .

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

۴ فرزندان یعقوب با لحنی ملتمسانه از وی خواستند برای آمرزش گناهانشان از خداوند ، طلب آمرزش کند .

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

تصریح فرزندان یعقوب به <یا أبانا> (ای پدر ما)

برای جلب مهر و محبت و برانگیختن عواطف اوست که از آن به <لحنی ملتمسانه> تعبیر شد.

۸ فرزندان یعقوب از او خواستند تا از آنان نزد یوسف ( ع ) شفاعت کند و گذشت از خطاهایشان را از وی بخواهد . *

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

نبودن <ربنا> در سخن فرزندان یعقوب (استغفر لنا ذنوبنا) در مقابل تصریح یعقوب(ع) به <ربی> در پاسخ آنان (سوف أستغفر لکم ربی) مبنای برداشت فوق است. تصریح یعقوب(ع) به اینکه تنها خداوند آمرزنده و مهربان است، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۸،۱۱،۱۰،۸،۷،۶،۵،۴،۲،۱

۱ خاندان یعقوب ، تقاضای یوسف ( ع ) را پذیرفتند و همگی از کنعان به سوی مصر کوچ کردند .

وأتونی بأهلکم أجمعین . .. فلما دخلوا علی یوسف

مراد از ضمیر <دخلوا> به قرینه <و أتونی بأهلکم أجمعین> در آیه ۹۳ و کلمه <أبویه> برادران یوسف، خانواده های ایشان و پدر و مادر اوست. جمله <فلما دخلوا علی یوسف> عطف بر جمله هایی مقدر است که به قرینه <وأتونی بأهلکم أجمعین> عبارتند از: آنان تقاضای یوسف را پذیرفتند و همگی به سوی مصر کوچ کردند.

۲ یوسف ( ع ) برای استقبال از پدر و مادر ، برادران و سایر بستگانش ، از شهر مصر بیرون رفت .

فلما دخلوا علی یوسف . .. قال ادخلوا مصر

جمله <ادخلوا مصر> (به مصر وارد شوید) گویای این است که یوسف(ع) در خارج شهر با خاندان خویش ملاقات کرد و در بیرون مصر به استقبال آنان رفت.

۴ یوسف ( ع ) در استقبال از پدر ، مادر و

بستگانش ، از تشریفات وزارتی و حکومتی پیراسته بود .

فلما دخلوا علی یوسف

یاد کردن از یوسف(ع) با نام وی و نه عنوان و سمت او (عزیز و مانند آن) می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

۵ یوسف ( ع ) در بیرون شهر مصر ، جایگاهی را برای مراسم استقبال از خاندانش تدارک دید .

فلما دخلوا علی یوسف

جمله <آن گاه که بر یوسف(ع) وارد شدند> (فلما دخلوا علی یوسف) می رساند که یوسف(ع) در ساختمان و یا چادرهایی منزل گرفته بود. در غیر این صورت واژه ورود و دخول جایگاهی نداشت ; بلکه کلمه ملاقات و مانند آن مناسب می نمود.

۶ یعقوب ( ع ) و خاندانش در بیرون شهر مصر بر یوسف ( ع ) وارد شدند و فراق چندین ساله آنان با یوسف ( ع ) پایان یافت .

فلما دخلوا علی یوسف

۷ یوسف ( ع ) با اظهار محبتی ویژه به پدر و مادر خویش ، آنان را در کنار خود جای داد .

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

۸ مادر یوسف به هنگام کوچ خاندان یعقوب از کنعان به مصر زنده بود .

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

۱۰ یوسف ( ع ) پس از انجام مراسم استقبال ، از پدر و مادر و خویشانش خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی که <آمنین> بدان اشاره دارد با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از <ادخلوا . ..> سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

۱۱ یوسف (

ع ) به پدر و مادر و بستگانش نوید داد که به خواست خدا در مصر ، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی درامان خواهند بود .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنين

<اَمن> (مصدر آمنين) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) مصداق بارز از امنیت ، دغدغه معاش نداشتن و درامان بودن از ناحیه حکومت است.

۱۸ < عن الحسن بن اسباط قال : سألت أباالحسن فی کم دخل یعقوب من ولده علی یوسف ؟ قال : فی أحد عشر إبناً له . . . ;

حسن بن اسباط گوید: از امام رضا(ع) سؤال کردم: یعقوب در میان چند نفر از فرزندانش وارد بر یوسف شد؟ حضرت فرمود: در میان یازده پسر خود . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱،۲،۳،۷،۲۶

۱ یعقوب ( ع ) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف ( ع ) درآمدند .

قال ادخلوا مصر . .. و رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکری میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش . ..> گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

۲ یوسف ( ع ) در دیار مصر دارای تخت و بارگاه فرمانروایی بود .

و رفع أبویه علی العرش

۳ یوسف ( ع ) پدر و مادرش

را بر تخت فرمانروایی خویش نشاند .

و رفع أبویه علی العرش

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۲۶ یوسف ( ع ) به سخن خویش ( دیگر بر شما برادرانم ملامتی روا نیست ) متعهّد و بدان وفادار بود .

لاتثریب علیکم الیوم . .. نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

یوسف(ع) در بیان سرگذشت خویش برای یعقوب(ع) از برادرانش که منشأ فراق و جدایی بودند گلایه ای نکرد و رفتار ناروای ایشان را یادآور نشد ; بلکه شیطان را عامل فسادی که میان او و برادرانش رخ داده بود دانست با این برخورد به آنچه در خطاب به برادرانش گفته بود (هیچ کس حق ندارد شما را سرزنش و ملامت کند) وفا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱

۱ یوسف ( ع ) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب ( ع ) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتیتنی . .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۷

تصمیم و عزم برادران یوسف بر توطئه و مکر علیه وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای انجام کاری شدن است. مراد از ضمیرهای جمع در جمله <أجمعوا ...> برادران یوسف است. گرچه این احتمال نیز بعید به نظر نمی رسد که مقصود از آن ضمیرها علاوه بر برادران، زلیخا و هیأت حاکمه مصر نیز باشد.

قصه یوسف(ع) قبل از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲

۲ سرگذشت یوسف ( ع ) ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریّت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر ( ص )

ذلک من أنباء الغیب

<ذلک> اشاره به داستان یوسف(ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است ; یعنی: <ذلک النبأ من أنباء الغیب>.

قضاوت در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۲

۲ پاره شدن پیراهن یوسف ( ع ) محور و تکیه گاه کشف حقیقت ، در نظر داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

قضاوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۲ - ۲۲ - ۴

۴ یوسف ( ع ) در سن جوانی ، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

برخی از مفسران ، <حکم> را به دانش معارف الهی ، احکام شریعت ، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیاها ، تحلیل حوادث و درک مصالح و مفاسد دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۵

۵ محاکمه خطاکاران و قضاوت درباره آنان ، از اختیارات یوسف در زمان وزارتش در مصر

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

قوانین کیفری در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۸

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف ( ع ) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملك

کاردانی قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف ( ع ) و زلیخا ، شخصی فرزانه ، کاردان و عادل بود .

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن ، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد ، و از آن جایی که حق را ، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد ، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

کارگزاران یوسف و تدبیر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۴

۴ بی اطلاعی کارگزاران یوسف ( ع ) از طرح و نقشه وی ( جاسازی کردن پیمانه در محموله بنیامین ) برای جلوگیری از بازگشت بنیامین

جعل السقایه فی رحل أخیه ثم أذّن مؤذّن

چنان چه کارگزاران یوسف(ع) از نقشه وی مطلع بودند، به سارق بودن فرزندان یعقوب تصریح و تأکید نمی کردند (إنکم لسارقون). همچنین از اینکه یوسف(ع) خود جام را در محموله بنیامین قرار داد، این معنا استفاده می شود که او نمی خواست دیگران از نقشه وی مطلع باشند.

کارگزاران یوسف(ع) و برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۳

۳ فرزندان یعقوب نزد کارگزاران یوسف به حسن سابقه و منزه بودن از فساد و سرقت شناخته شده بودند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

۲ کارگزاران یوسف از متهمان ( فرزندان یعقوب ) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

کارگزاران یوسف(ع) و ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۹ – ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) و کارگزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در

مصر ، از هر$ گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان . .. إنا إذًا لظلمون

مقصود یوسف از ضمیرهای متکلم مع الغیر <نا> و <نحن> در حقایقی که مطرح کرد (أن نأخذ . .. إنا إذًا لظالمون) خود او و کارگزارانش می باشد.

کاروان یابنده یوسف و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۵،۶،۱۰،۱۱

۵ کاروانِ یابنده یوسف ( ع ) ، او را به عنوان کالای تجاری به همراه خود بردند .

و أسرّوه بضعه

<بضاعه> به مال و کالایی اطلاق می شود که برای تجارت قرار داده شده است.

۶ کاروانِ یابنده یوسف ( ع ) به منظور کالای تجارتی قرار دادن او ، سعی در مخفی ساختن وی داشتند .

و أسرّوه بضعه

در فعل <أسرّوا> (پنهان ساختند) معنای جعل و قرار دادن اشراب شده است ; از این رو <بضاعه> را به عنوان مفعول دوم نصب داده است. معنای جمله نیز چنین می شود: یوسف(ع) را کالای تجارتی قرار دادند و او را پنهان ساختند.

۱۰ کاروانیان بردن یوسف ( ع ) را به بردگی ، کاری نامشروع و غیرقانونی می دانستند .

و أسرّوه بضعه والله علیم بما یعملون

چنان چه برده قرار دادن و فروش کودکی که پیدا شده امری مجاز و قانونی بود ، مخفی ساختن یوسف(ع) (أسرّوه بضاعه) وجهی نداشت.

۱۱ کاروان یابنده یوسف ( ع ) به خاطر کالا قرار دادن او ، گنه کار و مستحق کیفر الهی شدند .

و أسرّوه بضعه والله علیم بما یعملون

یادآوری علم خدا به اعمال بندگان ، می تواند کنایه از کیفردهی او باشد.

نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۴

۱ كاروانيان ، يوسف ( ع ) را به درهمهايى اندك و بهايى ناچيز فروختند .

و شروه بثمن بخس درهم معدوده

<شراء> (مصدر شروا) به معناى فروختن است و ضمير فاعلى در <شروه> به <سيّاره> باز مى گردد. <بخس> مصدر به معناى اسم مفعول (مبخوس =ناقص و كم ارزش) مى باشد. <ثمن بخس> ; يعنى، بهايى كه نسبت به چيز خريدارى شده كم ارزش تر باشد. <معدوده> به معناى شمرده شده و كنايه از اندك بودن است.

۲ همه اهل كاروان ، خود را نسبت به يوسف ( ع ) ذى نفع مى پنداشتند و خويشتن را مالك او مى شمردند .

أسرّوه بضعه . .. و شروه بثمن

از آن جايى كه كالا قرار دادن و نيز فروختن يوسف(ع) به كاروان نسبت داده شده است ، برداشت فوق استفاده مى شود.

۳ كاروانيان يابنده يوسف ( ع ) ، به نگه داشتن او در نزد خويش ، رغبتى نداشتند .

شروه . .. و كانوا فيه من الزهدين

<زهد> رغبت نداشتن به چيزى به خاطر بى مقدار دانستن آن است. به نظر مى رسد كاروانيان ، بيم آن داشتند كه كار ناروايشان يعنى برده ساختن انسان يافت شده فاش شود. ازاين رو قيمتى ارزان براى او تعيين كردند ، تا هرچه زودتر به فروش رسد.

۴ تعجيل كاروانيان در فروش يوسف ( ع ) و بى رغبتى آنان در نگه داشتن وى ، دليل فروختن او به بهايى ناچيز

و شروه بثمن بخس . .. و كانوا فيه من الزهدين

جمله <و كانوا . ..> به منزله

تعلیل برای <شروه بثمن بخس> است ; یعنی ، چون رغبتی به [نگه داری ]یوسف(ع) نداشتند ، او را به بهایی ناچیز فروختند.

کرامات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۷

۷ بینا شدن یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهن یوسف ( ع ) ، کرامتی از یوسف

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

فعل <یأت> جواب امر <فألقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه علی وجه أبی یأت بصیراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف(ع) در بینا شدن چشم یعقوب(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۴۸

۴ چشمان یعقوب ( ع ) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف ( ع ) بر آن ، فروغ گرفت و بیناییش بازگشت .

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد ...> حاکی از دو معناست:$۱ ترتّب و سببیّت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف ( ع ) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهن او

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

کرامت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۵

۲۵ سیمای یوسف ( ع ) ، نمایانگر بزرگواری و کرامت والای او بود .

إن هذا إلّا ملك كريم

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۰ – ۱۳

۱۳ یوسف ( ع ) شخصیتی با عظمت ، بزرگوار و در اوج کرامت و آزادگی

قال الملک ائتونی به . .. فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

کمالات یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۲۰

۲۰ یوسف ( ع ) برخوردار از مقام های بلند معنوی و نایل شده به مراحل و درجاتی از کمال

نرفع درجت من نشاء

کودکی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵ – ۱۳

۱۳ رؤیای شگفت یوسف ( ع ) ( سجده ستارگان ، ماه و خورشید ) در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است .

قال یبنیّ

کلمه <بنیّ> تصغیر کلمه <ابن> می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است. <یبنیّ> ; یعنی، ای پسر کوچک من.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۲ – ۶

۶ یوسف ( ع ) به هنگام اجرای توطئه برادرانش علیه او ، در سنین کودکی یا نوجوانی بوده است .

أرسله معنا غدًا یرتع و یلعب

برداشت فوق ، از فعل <یلعب> (بازی کند) به دست می آید ; زیرا معمولاً بازی کردن را در مورد کودکان و نوجوانان به

کار می برند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۵ – ۱۰،۱۲

۱۰ یوسف ( ع ) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به . .. و أوحینا إلیه

۱۲ یوسف

( ع ) در سنین کودکی به نبوت رسید . *

و أوحینا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱

۱ یوسف ( ع ) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أکرمی مثویه . .. و لما بلغ أشدّه

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> ; یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۴

۴ یوسف ( ع ) در دوران کودکی اش به ناحق متهم به دزدی شده بود .

فقد سرق أخ له من قبل . .. قال ... الله أعلم بما تصفون

گزارش برادران یوسف به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۳

۳ فرزندان یعقوب سختی معیشت و نابسامان بودن وضع مادی خاندان یعقوب را به یوسف گزارش کردند .

قالوا یأیها العزیز مسّنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه

گفتگوی جبرئیل با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۸

١٨ < قـال رسول الله ( ص ) لما اُلقى يوسف فى الجبّ أتاه جبرئيل عليه السـلام فقال له : يا غلام ، من ألقاك فى هـذا الجبّ ؟ قال : إخوتى . قال : و لِمَ ؟ قال :

لمودّه أبی إیّای حسدونی . . . ;

رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که یوسف(ع) در چاه افکنده شد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای پسر! چه کسی تو را در این چاه افکند؟ گفت: برادرانم. جبرئیل گفت: چرا؟ گفت : چون پدرم مرا دوست می داشت، آنان بر من حسد ورزیدند...>.

گفتگوی یوسف(ع) با پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴،۵

۴ یوسف ( ع ) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف ( ع ) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ; ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و. .. بوده است.

۵ گفت و گوی یوسف ( ع ) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلّمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت وگوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم ...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱،۳،۱۶،۱۸

۱ یوسف ( ع ) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیّت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار ; یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غلّه در اختیار من باشد.

۳ یوسف ( ع ) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم>تعلیل برای <اجعلنی. ..>است.

۱۶ < عن علی بن موسی الرضا ( ع ) : . . . ان یوسف ( ع ) . . . لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>.

۱۸ < عن أبی عبدالله ( ع ) أنه قال لقوم ممّن یظهرون الزّهد و یدعون الناس أن یکونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التقشّف . . . أخبرونی أین أنتم عن . . .یوسف النبی ( ع ) حیث قال لملک مصر : < اجعلنی علی خزائن الأرض . . . > فکان من أمره الذی کان أن اختار مملکه

الملك و ما حول ها إلى اليمن . . . فلم نجد أحداً عاب ذلك عليه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند . .. فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...>.

گواه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . قال یوسف و إله یعقوب ما أردت بأهلك سوء بل هی راودتنی عن نفسی فسل هذا الصبی . . . و كان عندها من أهلها صبی زائر ل ها فانطق الله الصبی لفصل القضاء فقال : . . . انظر إلى قمیص یوسف . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. یوسف گفت: به خدای یعقوب قسم! من قصد بد درباره همسر تو نداشتم. او مرا به خودش دعوت کرد، پس تو از این کودك بپرس کودکی از بستگان آن زن نزد او بود که به دیدنش آمده بود پس خدا آن کودك را برای قطع داوری به سخن درآورد و گفت: ... به پیراهن یوسف نگاه کن ...>.

گواهان صداقت یوسف(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۵

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهدی بر صدق دعوای خویش ( من یوسفم ) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخی

جمله <هذا أخی> می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای <قد منّ الله> باشد به عنوان شاهدی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوّت ما را درخواهید یافت.

گواهی بر عفت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۳

۳ زلیخا نزد زنان اشراف ، به پاکدامنی و عفت یوسف ( ع ) و نپذیرفتن تقاضای او ( درخواست وصال ) شهادت داد .

لقد رودته عن نفسه فاستعصم

عصمت و استعصام ، هر دو گویای امتناع ورزیدن و نپذیرفتن می باشند ; با این تفاوت که استعصام حاکی از مبالغه است. بنابراین <فاستعصم> ; یعنی، یوسف(ع) بشدت با تقاضای من مخالفت کرد و بر عفت خویش اصرار ورزید.

لاوی و تبعید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۲

۲ لاوی برخلاف دیگر برادرانش ، با توطئه علیه یوسف ( ع ) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب ( ع ) موافق نبود .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. إن کنتم فعلین

جمله شرطی <إن کنتم فاعلین> (اگر بر توطئه علیه یوسف(ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم

به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن کنتم...) معنایی است که از <ألقوه...> استفاده می شود ; یعنی، <إن کنتم فاعلین فألقوه فی غیبت الجب>.

لاوی و قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۴

۱ یکی از برادران یوسف ( لاوی ) در جلسه توطئه ، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۴ لاوی با پیشنهاد خود ( انداختن یوسف به چاه ) درصدد حفظ جان یوسف ( ع ) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لاتقتلوا یوسف . .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

لاوی و نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۴،۶

۴ لاوی با پیشنهاد خود ( انداختن یوسف به چاه ) درصدد حفظ جان یوسف ( ع ) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لاتقتلوا یوسف . .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر

اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف ( ع ) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف ( ع ) و مایه نجات او از مرگ می دید .

یلتقطه بعض السیّاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

لاوی و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۳

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

لیاقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به . .. و أوحینا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲

- ۵۵ - ۳،۴،۶

۳ یوسف ( ع ) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم>تعلیل برای <اجعلنی. ..>است.

۴ یوسف ( ع ) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبار های غذایی از حیف و میل شدن ، توانا بود .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

۶ یوسف ( ع ) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امرکشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

مادر یوسف(ع) در دربار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳

۳ یوسف ( ع ) پدر و مادرش را بر تخت فرمانروایی خویش نشاند .

و رفع أبویه علی العرش

مادر یوسف(ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۸

۸ مادر یوسف به هنگام کوچ خاندان یعقوب از کنعان به مصر زنده بود .

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

مجازات یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۵ – ۱۶

۱۶ زندانی کردن یوسف ( ع ) و یا شکنجه او ، مجازات پیشنهادی زلیخا به

عزیز مصر

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

محافظت از یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۸

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، با تأکیدی فراوان مراقبت از یوسف ( ع ) را برعهده گرفتند .

و إنا له لحفظون

تأکید فراوان ، از آوردن جمله اسمیه به همراه <إنّ> و <لام> تأکید استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۵،۷

۵ ترسیدن بر جان یوسف ( ع ) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب ( ع ) با فرستادن یوسف به همراه فرزندانش

قال إني . .. أخاف أن يأكله الذئب

۷ غفلت برادران از حراست یوسف ( ع ) در صحرا ، دور از انتظار یعقوب ( ع ) نبود .

أخاف أن يأكله الذئب و أنتم عنه غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۹

۹ یعقوب ( ع ) در پی تعهد فرزندانش بر محافظت از یوسف ( ع ) به آنان اطمینان کرد و به حفاظت آنان دل بست .

كما أمنتكم على أخيه من قبل

محبت یعقوب(ع) به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۶

۶ رابطه یوسف ( ع ) و پدرش یعقوب ( ع ) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

إذ قال یوسف لأبیه یأبت . .. یبنیّ

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنیّ> (ای پسرک من) در کلام

یعقوب(ع) ، حاکی از اظهار علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵ – ۱۴

۱۴ رابطه یوسف ( ع ) و پدرش یعقوب ( ع ) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

یأبت . .. قال یبنیّ لاتقصص رءیاک

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنیّ> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) حاکی از علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸ – ۳،۴،۵،۶،۹،۱۳،۱۵

۳ یوسف ( ع ) و بنیامین محبوب تر از دیگر فرزندان یعقوب در نزد آن حضرت

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا

مراد از <أخوه> چنانچه مفسران گفته اند بنیامین است.

۴ یوسف ( ع ) محبوب تر از بنیامین در نزد یعقوب ( ع )

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا

برداشت فوق ، از تقدیم <یوسف> بر برادرش <بنیامین> استفاده شده است.

۵ شایستگی های معنوی یوسف ( ع ) و فضیلت های خدادادی وی ، عامل محبت فراوان یعقوب ( ع ) به او بود .

کذلک یجتبیک ربک . .. لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

بیان مسأله محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) ، پس از بیان ویژگیهای یوسف (وکذلک یجتبیک . ..) ، اشاره به ریشه محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) دارد.

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف ( ع ) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

ضمیر در <قالوا>

به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد ; یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۹ لطف و محبت افزون تر یعقوب ( ع ) به یوسف ( ع ) و بنیامین و شایسته نبودن آن دو برای آن لطف و محبت ، از سخنان و پیش درآمد های جلسه مشورتی برادران یوسف علیه وی

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا و نحن عصبه إن أبانا لفی ضلل مبین

۱۳ محبت فراوان یعقوب ( ع ) به یوسف ( ع ) و بنیامین ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب . .. إن أبانا لفی ضلل مبین

۱۵ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . فلما رأی یوسف الرؤیا و أصبح یقصّها علی أبیه یعقوب ، فاغتم یعقوب لما سمع من یوسف مع ما أوحی الله عزوجل إلیه أن استعد للبلاء . . . و خاف أن یکون ما أوحی الله عزوجل إلیه من الإستعداد للبلاء هو فی یوسف خاصّه فاشتدت رقته علیه من بین ولده فلما رأی إخوه یوسف ما یصنع یعقوب بیوسف و تکرمته إیّاه و إیثاره إیّاه علیهم إشتد ذلک علیهم . . . و قالوا : إن یوسف و أخاه < أحب إلی أبینا منّا > . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که یوسف(ع) آن خواب را دید و بامداد برای یعقوب بازگو کرد، یعقوب به خاطر آنچه از یوسف شنید با آنچه خدای عزوجل به او وحی کرد که آماده بلا باش غمگین شد ... و ترسید

که آن بلاـ بـالخصوص در مورد یوسف باشـد. از این رو مهربانی او از میان برادران به یوسف زیادتر شـد ; چون برادران رفتار یعقوب را نسـبت به یوسف دیدند که او را گرامی می دارد و بر آنان ترجیح می دهد، بر آنان گران آمد ... و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب ترند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۳ – ۳

۳ یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف ( ع ) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۵ – ۲

۲ بسـتگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانسـتن یوسف ( ع ) و محبّت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنک لفی ضللک القدیم

محبت یوسف(ع) به مادر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۹ – ۷

۷ یوسف ( ع ) با اظهار محبتی ویژه به پدر و مادر خویش ، آنان را در کنار خود جای داد .

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

محبت یوسف(ع) به یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴ – ۶

۶ رابطه یوسف ( ع ) و پدرش یعقوب ( ع ) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

إذ قال يوسف لأبيه يأبت . .. يبنىّ

تعبير <يأبت> (اى

پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنیّ> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) ، حاکی از اظهار علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۴

۱۴ رابطه یوسف ( ع ) و پدرش یعقوب ( ع ) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

یأبت . .. قال یبنیّ لاتقصص رءیاک

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنیّ> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) حاکی از علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۷

۷ یوسف ( ع ) با اظهار محبتی ویژه به پدر و مادر خویش ، آنان را در کنار خود جای داد .

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

محدوده اختیارات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۵

۵ محاکمه خطاکاران و قضاوت درباره آنان ، از اختیارات یوسف در زمان وزارتش در مصر

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۷،۱۰

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف ( ع ) مجاز نبود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

دين به معناى آيين و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شـدنش به <ملك> قوانين و مقررات حاكم بر مصـر مى باشـد. قابل ذكر است كه به قرينه <فما جزاؤه ...> در

آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

۱۰ یوسف ( ع ) در زمان وزارتش ، نمی توانست با قوانین و مقررات حکومت مصر مخالفت کند .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ یوسف ( ع ) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

محدوده حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۶

۶ قلمرو حکومتی یوسف ( ع ) محدود بود و فراگیر همه سرزمین ها نمی شد .

قد ءاتیتنی من الملک

برداشت فوق با توجه به اینکه <من> در <من الملک> برای تبعیض است ، استفاده شده است.

محدوده علم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۹

۱۹ دانش یوسف ( ع ) به تعبیر و تأویل رؤیا ها و تحلیل رخدادها ، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

برداشت فوق، با توجه به <من> که برای تبعیض است استفاده می شود. بنابراین <ولنعلّمه ...> ; یعنی: تا تحلیل بخشی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیاها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۹

۹ دانش یوسف ( ع ) به

تعبیر و تأویل رؤیا ها و تحلیل حوادث و رخدادها ، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

علمتنی من تأویل الأحادیث

برداشت فوق با توجه به <من> که برای تبعیض است ، استفاده می شود.

محکومیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۹،۱۰

۹ یوسف ( ع ) ، برای زمانی محدود و نامعلوم محکوم به زندان شد .

لیسجننه حتی حین

۱۰ محکومیت یوسف ( ع ) به زندان تا زمان فرو نشستن غائله زلیخا و دیگر زنان *

لیسجننه حتی حین

محمد(ص) و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۹

۹ پیامبر ( ص ) ، پیش از نزول قرآن و سوره یوسف ، از داستان حضرت یوسف اطلاعی نداشت .

نقصّ . .. بما أوحینا ... و إن کنت من قبله لمن الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۳،۵،۶

۳ خداوند ، داستان یوسف ( ع ) را از طریق وحی برای پیامبر ( ص ) تشریح کرد .

ذلک من أنباء الغیب نوحیه إلیک

۵ پیامبر ( ص ) پیش از نزول قرآن ، از خصوصیات و حقایق داستان یوسف ( ع ) اطلاعی نداشت .

و ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم

جمله <ما کنت لدیهم> (نزد آنان نبودی) کنایه از بی خبر بودن پیامبر(ص) از داستان یوسف(ع) است.

۶ آگاه نبودن پیامبر ( ص ) به حقایق داستان یوسف پیش از نزول قرآن ، دلیلی روشن بر الهی بودن قرآن

ذلک من أنباء الغیب نوحیه إلیک و ما کنت لدیهم

جمله

حـالیه <و ما کنت لـدیهم> به منزله تعلیل برای <نوحیه إلیك> است ; یعنی، از نشانه های این حقیقت که قرآن وحی الهی است آن است که تو از داسـتان یوسف(ع) بی خـبر بودی ; ولی آن را به بهـترین وجه آوردی و این جز از طریق وحی امکـان پذیر نبود.

مدبر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲۳

۲۳ حوادث و مراحل زندگانی یوسف ( ع ) ، به تدبیر و فرمان خداوند تحقق می یافت .

و کذلك مکّنّا لیوسف فی الأرض . .. والله غالب علی أمره

از مصـداقهای مورد نظر برای <أمره> به قرینه <کـذلك مکّنّا لیوسف> تدبیر امور یوسف(ع) است. برخی برآنند که ضـمیر در <أمره> به یوسف برمی گردد. بر این اساس جمله <والله غالب علی أمره> (خداونـد بر امور یوسف(ع) غلبه دارد و تدبیر امور او در اختیار خداست) در برداشت فوق صراحت بیشتری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۰

۲۰ یوسف ( ع ) در برابر زلیخا تصریح کرد که تنظیم جریان زندگی او ، به عنایت و تدبیر خداوند بوده است .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

ضمیر در <إنه> به <الله> باز می گردد و در برداشت فوق، جمله <إنه ربی> تعلیل برای <معاذ الله> گرفته شـده است. بر این اساس مفاد جمله فوق، چنین می شود: من [از این امر فریبنـده] به خدا پناه می برم و او مرا یاری خواهد کرد ; زیرا او مدبر امور من و تربیت کننده من است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۷

۱۷ یوسف ( ع ) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فسئله ما بال النسوه . .. إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۰

۳۰ سرگذشت یوسف ( ع ) ( خروج او از زندان ، پایان فراق او با بستگان و . . . ) بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند رقم می خورد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم

مدت زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۹،۱۰،۱۲

۹ یوسف ( ع ) ، برای زمانی محدود و نامعلوم محکوم به زندان شد .

لیسجننه حتی حین

۱۰ محکومیت یوسف ( ع ) به زندان تا زمان فرو نشستن غائله زلیخا و دیگر زنان *

لیسجننه حتی حین

۱۲ < عن الصادق ( ع ) : انه قال : دخل یوسف السجن و هو إبن إثنتی عشر سنه و مکث فیه ثمان عشر سنه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: که فرمود: یوسف در سن دوازده سالگی وارد زندان شد و هیجده سال در زندان ماند . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۳،۱۶

۱۳ یوسف ( ع ) پس از آزادی ساقی پادشاه ، سالیانی دیگر ، گرفتار زندان بود .

فلبث فی السجن بضع سنین

<بضع> به معنای <چند> و کنایه از عددی مبهم بین

۳ تا ۱۰ می باشد.

۱۶ < عن أبی عبدالله ( ع ) فی قول الله تعالی : < فلبث فی السجن بضع سنین > قال : سبع سنین ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <فلبث فی السجن بضع سنین> روایت شده که فرمود: [مراد از بضع سنین] هفت سال است>.

مدت فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۵

۱۵ کمترین فاصله زمانی میان آخرین برخورد یوسف ( ع ) با برادران خویش تا ملاقات آنان با وی ، حدود بیست سال بوده است .

یرتع و یلعب . .. و لما بلغ أشدّه ... فلبث فی السجن بضع سنین... تزرعون سبع ... و

محاسبه مراحلی که یوسف(ع) در مصر بسر برد، حدود بیست سال می شود ; زیرا کودکی حداکثر ده ساله بود که به دست کاروانیان افتاد و جمله <یرتع و یلعب> و نیز <أخاف أن یأکله الذئب> دلالت بر این معنا دارد. در خانه زلیخا به جوانی و رشد رسید (لما بلغ أشدّه) که این فاصله حدود هشت تا ده سال می شود. بیش از سه سال نیز (بضع سنین) در زندان بسر برد و هفت سال دوران پس از زندان را به وزارت اشتغال داشت و طبعاً یک سال پس از قحطی برادرانش به وی مراجعه کردند. مجموعه اینها حدوداً بیست سال می شود.

مدح یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۸

۸ یوسف ( ع ) ، برخوردار از عفتی اعجاب برانگیز و درخور برترین ستایش

قلن حش لله

<حاش لله>

سخنی است که از شدت شگفت زدگی حکایت دارد.

مراحل عمر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱

۱ یوسف ( ع ) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أکرمی مثویه . .. و لما بلغ أشدّه

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> ; یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

مربی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۷

۱۷ یوسف ( ع ) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فسئله ما بال النسوه . .. إن ربی بکیدهنّ علیم

مردسالاری در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ سیادت و آقایی مرد بر همسر خویش در عصر یوسف ( ع )

و ألفیا سیدها لدا الباب

مرگ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۵

۵ برادران یوسف بر$ این باور بودند که یوسف ( ع ) از میان رفته و نابود شده است .

فقد سرق أخ له من قبل

<من قبل> می تواند متعلق به <سرق> باشد. بر این اساس جمله <فقد سرق ...> چنین معنا می شود: او برادری داشت که پیش از این دزدی کرده بود.

همچنین می تواند متعلق به مضمون <أخ له> باشد. بر این مبنا جمله چنین معنا می شود: او پیشتر برادری داشت که دزدی کرده بود. بر این فرض قید <من قبل> حاکی است که برادران یوسف می پنداشتند که یوسف(ع) از میان رفته است.

مسلمانان صدر اسلام و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۰

۱۰ مردم عصر بعثت ، ناآگاه به سرگذشت یوسف ( ع ) پیش از نزول قرآن

و إن کنت من قبله لمن الغفلین

<إن> در جمله فوق مخففه است و مراد از <الغافلین> مردم عصر بعثت می باشد. بنابراین مفاد جمله <إن کنت ...> چنین می شود: تو نیز ای پیامبر! پیش از نزول قرآن همانند سایر مردم ، از داستان یوسف بی خبر بودی.

مصر در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۲

۱۲ مصر ، دیاری بهره مند از امنیت در عصر یوسف ( ع )

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

مصرباستان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۸

۸ مصر مرکز مراجعه مردم آبادی های مجاور برای تهیه آذوقه ، در قحطی هفت ساله عصر یوسف ( ع ) .

و جاء إخوه یوسف . .. و لما جهزهم بجهازهم

مصریان باستان و نیاکان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۴

۱۴ ناشناخته بودن حسب و نسب یوسف ( ع ) نزد عموم مصریان

فعرفهم و هم

له منكرون

اگر عموم مردم مصر می دانستند که یوسف(ع) از کدام قبیله، جامعه و دودمان است طبعاً به گوش برادران وی نیز می رسید و یوسف(ع) برای آنان ناشناخته نمی ماند.

مطالعه قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۶

۶ مطالعه و دقت در داستان یوسف ، مایه دریافت حقایق و معارف الهی است .

إنا أنزلنه قرء نًا عربيًّا لعلكم تعقلون. نحن نقصّ عليك أحسن القصص

برداشت فوق ، مقتضای ارتباط میان جمله <لعلکم تعقلون> با <نحن نقصّ علیک> است.

معجزه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۸

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف ( ع ) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب ( ع ) به وسیله پیراهن او

ألقيه على وجهه فارتد بصيرًا

معرفی یوسف(ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۳

۳ یوسف ( ع ) در نشستی با بنیامین و به دور از حضور دیگر برادرانش ، خود را به وی شناساند .

قال إنى أنا أخوك

از آیات قبل و آیات بعد معلوم می شود که یوسف(ع) از اینکه برادرانش وی را بشناسند، امتناع داشت. بنابراین انجام معرفی خود به بنیامین در خفای از برادران بوده است. فصل جمله <قال ...> از ما قبل می تواند اشاره به این داشته باشد که سخن

یوسف(ع) با برادرش در مقامی غیر از مقام ورود برادرانش بر وی انجام گرفته است.

معلم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف ( ع ) ، موجب شد تا او را برگزینند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

یجتبیک ربک . .. إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۵،۱۶

۱۵ خداوند ، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیاها

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

۱۶ آموزش تحلیل رخداد ها و تأویل رؤیاها ، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

<لام> در <لنعلّمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۹

۹ خداوند ، آموزنده علم غیب به یوسف ( ع )

ذلکما مما علمنی ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۷

۷ پیروی یوسف ( ع ) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت . .. واتبعت ملّه ءاباءِی

جمله <اتبعت . ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند

شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ –

۱۰ - ۱۰۱

۱۰ خداوند ، آموزگار یوسف ( ع ) در تأویل و تحلیل رؤیا ها و حوادث

رب قد . .. علمتنی من تأویل الأحادیث

مقاطع پنهان قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۸

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او ، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف ( ع ) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است ، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمتهای آن می باشد.

مقامات معنوی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۲۰

۲۰ یوسف ( ع ) برخوردار از مقام های بلند معنوی و نایل شده به مراحل و درجاتی از کمال

نرفع درجت من نشاء

مقامات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲

۲ رؤیای یوسف گویای آن بود که به مقامی رفیع نایل خواهد شد و بر برادرانش سیادت خواهد یافت .

یبنیّ لاتقصص رءیاك

على إخوتک فيکيدوا

از اينکه برادران يوسف در صورت شـنيدن رؤيايش درصـدد ضـربه زدن به او برمی آمدند ، دو نکته روشن می شود: ۱ رتبه و منزلت والای يوسف(ع) ;$۲- آشنايی برادران او به تعبير و تأويل رؤيا.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶ - ۱،۱۲

۱ رؤيای يوسف ( ع ) حاکی از برگزيده شدنش از ناحيه خدا و خالص شدن او برای خداوند بود .

و کذلک يجتبيک ربک

<اجتباء> به معنـای گزينش کردن و برای خود خالص ساختن است. بنابراين <يجتبيک ربک> ; يعنی ، پروردگارت تو را برمی گزيند و برای خويش خالص می گرداند ، به طوری که نصيبی در تو برای غير او نخواهد بود.

۱۲ خداوند به واسطه يوسف ( ع ) ، نعمت کامل و تمام خويش را بر خاندان يعقوب ارزانی داشت .

و کذلک . .. و يتم نعمته عليک و على ءال يعقوب

يوسف(ع) از خانـدان يعقوب(ع) بود و <آل يعقوب> شامل او نيز می شـد. بنابراين آوردن <عليک> و عطف کردن <آل يعقوب> بر آن، می توانـد حاکی از نکته ای باشـد که در برداشت فوق آمده است. قابل ذکر است که تأويل سـتارگان، ماه و خورشيد بر برادران و پدر و مادر يوسف(ع) مؤيد آن نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۰،۱۲

۱۰ يوسف ( ع ) در سنين کودکی ، شايستگی دريافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به . .. و أوحينا إليه

۱۲ يوسف ( ع ) در سنين کودکی به نبوت رسيد . *

و أوحينا

إليه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۶

۶ يوسف ( ع ) در سن جوانى و برخوردار شدن از رشد ، به مقام نبوّت نايل گرديد .

و لما بلغ أشدّه ءاتينه حكمًا و علمًا

برداشت فوق ، بر اساس نظر برخى از مفسران است كه <حكم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شريعت ، تفسير كرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۶،۱۶

۶ يوسف ( ع ) ، در عنفوان جوانى از ارتكاب هر گناه كوچك و بزرگى ، مصون و معصوم بود .

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصين

۱۶ < عن الرضا ( ع ) : لقد همّت به و لولا أن رأى برهان ربّه لهمّ بها كما همّت به ، لكنّه كان معصوماً ، والمعصوم لايهمّ بذنب . . . ;

از امام رضا(ع) روايت شده است: آن زن قصد يوسف كرد و اگر يوسف برهان پروردگارش را نديده بود، قصد آن زن مى كرد همان گونه كه زن او را قصد كرد ; ولى يوسف معصوم بود و معصوم قصد گناه نمى كند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۷

۷ شناساندن ارزش و مقام يوسف ( ع ) به مردم ، از انگيزه هاى ساقى براى مراجعه به يوسف ( ع ) جهت تعبير خواب

لعلّى أرجع إلى الناس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۲

٢ يوسف (

ع ) در سرزمین مصر به منزلتی والا و قدرتی بلامنازع دست یافت .

مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

<تمکین> (مصدر مکّنّا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت بخشیدن است. مناسبت حکم و موضوع و نیز قید <فی الأرض> می رساند که معنای دوم اراده شده است. بنابراین <مکّنّا لیوسف فی الأرض> ; یعنی، به یوسف در سراسر سرزمین مصر قدرت و سلطنت بخشیدیم. و <حیث یشاء> حاکی از نبود قدرتی در برابر اوست.

مکان استقبال یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۵

۵ یوسف ( ع ) در بیرون شهر مصر ، جایگاهی را برای مراسم استقبال از خاندانش تدارک دید .

فلما دخلوا علی یوسف

جمله <آن گاه که بر یوسف(ع) وارد شدند> (فلما دخلوا علی یوسف) می رساند که یوسف(ع) در ساختمان و یا چادرهایی منزل گرفته بود. در غیر این صورت واژه ورود و دخول جایگاهی نداشت ; بلکه کلمه ملاقات و مانند آن مناسب می نمود.

مکذبان حیات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۷

۷ خانواده یعقوب ، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف ( ع ) ، انکار می کردند .

قال أبوهم . .. لولا أن تفنّدون

روشن است که جمله <إنی لأجد . ..> نمی تواند بیانگر جواب <لولا ...> باشد ; زیرا یعقوب(ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف(ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این

احتمال باشد که جواب شرط جمله ای است نظیر <لما کذبتمونی و ...> (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف(ع) را باور می کردید).

مکر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۷،۸،۹

۷ تصمیم و عزم برادران یوسف بر توطئه و مکر علیه وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای انجام کاری شدن است. مراد از ضمیرهای جمع در جمله <أجمعوا ...> برادران یوسف است. گرچه این احتمال نیز بعید به نظر نمی رسد که مقصود از آن ضمیرها علاوه بر برادران، زلیخا و هیأت حاکمه مصر نیز باشد.

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او ، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف ( ع ) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است ، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمتهای آن می باشد.

۹ بیان قرآن درباره مکر ها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او ، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

جمله <و ما کنت لدیهم. ..> به منزله تعلیل برای <ذلک من أنباء الغیب...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۴

۴ خداوند با بیان مکر برادران یوسف علیه

وی ، تسلّی دهنده پیامبر ( ص ) بر مخالفت مردمان با وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون. و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان <ما أکثر الناس . ..> با خصوص مکر برادران یوسف علیه وی (و هم یمکرون) است و به این نکته اشاره دارد که: ای پیامبر! آنان که فرزندان یعقوب پیامبر بودند با پدر و برادرشان آن گونه رفتار کردند، پس مبادا از ایمان نیاوردن مردم اندوهگین باشی و خود را مقصر پنداری چرا که عموم مردم حق ناپذیرند.

ملاقات آل یعقوب با یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۹ – ۶

۶ یعقوب ( ع ) و خاندانش در بیرون شهر مصر بر یوسف ( ع ) وارد شدند و فراق چندین ساله آنان با یوسف ( ع ) پایان یافت .

فلما دخلوا علی یوسف

ملاقات بایوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۶ – ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف ( ع ) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیّها الصدیق أفتنا

ملاقات برادران یوسف با یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۸ – ۱۰،۱۳

۱۰ یوسف ( ع ) به مجرّد مشاهده برادران خویش ، علی رغم گذشت سالیانی دراز ، آنان را شناخت .

فدخلوا علیه فعرفهم

<فاء> در <فعرفهم> حکایت از آن دارد که یوسف(ع) بدون پرسش و جست و جو بلکه به مجرّد مشاهده برادرانش ، آنان را شناخت.

۱۳ هیچ یک از

برادران یوسف در ملاقات با او ، وی را نشناختند .

فدخلوا علیه فعرفهم و هم له منکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۵

۵ برادران یوسف به دستور وی موظف شدند بنیامین را در سفر آینده به همراه خویش بیاورند .

قال ائتونی بأخ لکم من أبیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۶

۶ فرزندان یعقوب به بازگشت مجدد به مصر برای دریافت آذوقه ، مصمم بودند .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱

۱ فرزندان یعقوب به همراه بنیامین به جایگاه یوسف ( ع ) درآمدند و به حضور وی رسیدند .

و لما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أخاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۴

۴ بنیامین در سومین جلسه ملاقات فرزندان یعقوب با عزیز مصر ، حضور داشت .

و هذا أخی

ملاقات بنیامین با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱،۳،۵

۱ فرزندان یعقوب به همراه بنیامین به جایگاه یوسف ( ع ) درآمدند و به حضور وی رسیدند .

و لما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أخاه

۳ یوسف ( ع ) در نشستی با بنیامین و به دور از حضور دیگر برادرانش ، خود را به وی شناساند .

قال إنی أنا أخوک

از آیات قبل و آیات بعد معلوم می شود که یوسف(ع) از اینکه برادرانش وی را بشناسند،

امتناع داشت. بنابراین انجام معرفی خود به بنیامین در خفای از برادران بوده است. فصل جمله <قال ...> از ما قبل می تواند اشاره به این داشته باشد که سخن یوسف(ع) با برادرش در مقامی غیر از مقام ورود برادرانش بر وی انجام گرفته است.

۵ یوسف ( ع ) شرح ماجرای خود و برادرانش ( داستان قرار دادن او در چاه کنعان و . . . ) را برای بنیامین باز گفت .

قال إنی أنا أخوك فلاتبتئس بما كانوا یعملون

مراد از ضمیر در <كانوا> و <یعملون> برادران یوسف است. آوردن جمله <لاـتبتئس> (اندوهگین نشو و تأسّف نخور) پس از <إنی أنا أخوك> می رساند که یوسف(ع) پس از معرفی خویش، ماجرای چاه کنعان و مسائل پیرامون آن را برای بنیامین باز گفته بود و گرنه مجرد معرفی خودش، زمینه ای برای ناراحتی و اندوه بنیامین نداشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۴،۱۱

۴ بنیامین در سومین جلسه ملاقات فرزندان یعقوب با عزیز مصر ، حضور داشت .

و هذا أخی

۱۱ دیدار یوسف ( ع ) و بنیامین و پایان یافتن فراق آن دو ، از نعمت های بزرگ خداوند به ایشان

قال أنا یوسف و هذا أخی قد منّ الله علینا

ملاقات پادشاه مصر با یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۴ – ۸

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف ( ع ) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما

کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <أمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت بپرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستوراتت نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

ملاقات یعقوب(ع) با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۶

۶ یعقوب ( ع ) و خاندانش در بیرون شهر مصر بر یوسف ( ع ) وارد شدند و فراق چندین ساله آنان با یوسف ( ع ) پایان یافت .

فلما دخلوا علی یوسف

ملاقات یوسف(ع) با برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۲،۳

۲ یوسف ( ع ) به برادرانش خاطر نشان ساخت که تنها در صورتی غله نوبت بعد را دریافت خواهند کرد که بنیامین را همراه خود بیاورند .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی

۳ یوسف ( ع ) به برادرانش اعلام کرد در صورتی که بنیامین را در نوبت بعد همراه نیاورند ، نباید به بارگاه او حاضر شوند .

فإن لم تأتونی به . .. و لاتقربون

نون مکسور در <لاتقربون> نون وقایه و حاکی از یای متکلم محذوف است. بنابراین <لاتقربون> ; یعنی، نزد من نیایید.

ملاقات یوسف(ع) با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۱

۱۱ دیدار یوسف ( ع ) و بنیامین و

پایان یافتن فراق آن دو ، از نعمت های بزرگ خداوند به ایشان

قال أنا یوسف و هذا أخی قد منّ الله علینا

ملّیت خریدار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۳

۳ خریدار یوسف ( ع ) ( همسر زلیخا ) از شهروندان مصری بود .

و قال الذی اشتریه من مصر

برداشت فوق ، مبتنی بر این احتمال است که <من مصر> متعلق به محذوف و توصیفی برای <الذی اشتراه> باشد ; یعنی: قال الذی اشتراه و هو من اهل مصر.

منافع یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۶

۶ حضور بنیامین نزد یوسف ( ع ) ، به سود و منفعت یوسف ( ع ) بود .

کذلک کدنا لیوسف

لام در <لیوسف> لام منفعت است. بنابراین نقشه طرح شده و هدف از آن (نگه داشتن بنیامین) در جهت منافع یوسف(ع) بوده است.

منجی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ خداوند ، خنثی کننده مکر و حیله زنان اشراف و نجات بخش یوسف ( ع ) از زندان

أن الله لایهدی کید الخائنین

منشأ برگزیدگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲۲

**۲۲** حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف ( ع ) ، موجب شد تا او را برگزینند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

یجتبیک ربک . .. إن ربک علیم حکیم

منشأ تدبیر یوسف(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۵

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف ( ع ) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

کذلک کدنا لیوسف

<کذلک> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

منشأ حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۳

۳ خداوند ، عطاکننده حکمت و علم به یوسف ( ع )

ءاتینه حکمًا و علمًا

منشأ حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۵

۵ خداوند ، اعطا کننده حکومت و فرمانروایی به یوسف ( ع )

رب قد ءاتیتنی من الملک

منشأ عصمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۵

۵ خداوند ، با ارائه برهان به یوسف ( ع ) ، او را از آمیزش با زلیخا ( زنا ) و نگاه های شهوانی به وی ، حفظ کرد و مصون داشت .

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچک است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می توانـد برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش،

و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱،۷،۸

۱ یوسف ( ع ) مصون ماندن خویش از گناهان و ارتکاب بدی ها را ، به امداد خدا می دانست نه برخاسته از اراده خود بدون توفیق الهی .

أنی لم أخنه . .. و ما أُبرّءُ نفسی إن النفس لأمّاره بالسوء إلاّ ما رحم ربی

از ارتباط <ما أُبرّءُ نفسی> (من نفس خویش را از ارتکاب بدیها تبرئه نمی کنم)با جمله <لم أخنه بالغیب> و نیز شهادت زنان بر پاکدامنی یوسف(ع) (حاش لله ما علمنا علیه من سوء) این نکته معلوم می شود که: یوسف(ع) با جمله <ما أُبرّءُ نفسی> درصدد نیست که بگوید من گناه کرده ام; بلکه با توجه به عبارت <إلاّ ـ ما رحم ربی> در مقام بیان این حقیقت است که اگر من مرتکب گناه نشده ام، نه به خاطر توان شخصی است ; زیرا نفس هر کس و نیز نفس من ترغیب کننده به گناه و بدی است. پس آلوده نشدن من به گناه به توفیق الهی و رحمت او بوده است.

۷ یوسف ( ع ) مصونیت خویش از گناه و خیانت را پرتوی از رحمت الهی بر خویش می دانست .

ما أُبرّءُ نفسی . .. إلاّ ما رحم ربی

۸ یوسف ( ع ) به دلیل باور به ربوبیت و تدبیر الهی ، رحمت

او را مایه ترک گناهان و بدی ها دانست و خود را ستایش نکرد .

و ما أُبرّءُ نفسی إن النفس لأمّاره بالسوء إلاّ ما رحم ربی

منشأ علم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۳

۳ خداوند ، عطاکننده حکمت و علم به یوسف ( ع )

ءاتینه حکمًا و علمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۰،۱۷

۱۰ خداوند ، آموزگار یوسف ( ع ) در تأویل و تحلیل رؤیا ها و حوادث

رب قد . .. علمتنی من تأویل الأحادیث

۱۷ برخورداری یوسف ( ع ) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتنی من الملک و علمتنی . .. أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

منشأ فضایل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۲،۶

۲ فضیلت و برتری یوسف ( ع ) عنایتی از ناحیه خداوند به او بود .

لقد ءاثرک الله علینا

۶ اعتقاد و باور برادران یوسف به خدادادی بودن مقام و منزلت برتر او

لقد ءاثرك الله علينا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۰ – ۱۴

۱۴ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف ( ع ) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قد جعلها ربی حقًا

منشأ قدرت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲

- ۵۶ - ۵،۱۱،۱۷،۱۸

۵ سرگذشت یوسف ( ع ) ( نجات از چاه کنعان تا رسیدن به وزارت و نیل به قدرت ) به اراده خداوند و بر اساس تدبیر او بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

۱۱ به قدرت رسیدن یوسف ( ع ) پس از بردگی و اسارت در زندان ، دلیلی متقن بر حاکمیت مشیّت الهی بر تمامی اسباب و علّتهاست .

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء نصیب برحمتنا من نشاء

جمله <رحمت خویش را بر هر کس که خواهیم شامل می گردانیم و به او قدرت می بخشیم> که مفاد <نصیب برحمتنا. ..> است به منزله ادعایی است که با <کذلک مکّنّا ...> بر آن استدلال شده است ; یعنی، خداوند برده ای را که اختیاردار خودش نیز نبود به جایی رسانید که اختیار همگان را دارا شد، و این دلیلی روشن بر حاکمیت مطلق الهی است.

۱۷ دستیابی یوسف ( ع ) به قدرت در سرزمین مصر و بهره مندی او از رحمت خاص الهی ، پاداش کار های نیک او بود .

کذلک مکّنّا . .. نصیب برحمتنا ... و لانضیع أجر المحسنین

۱۸ به قدرت رسیدن یوسف ( ع ) در سرزمین مصر ، دلیلی روشن بر ضایع نشدن اجر نیکوکاران از ناحیه خداوند است .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض . .. و لانضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف ( ع ) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی

از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتنی من الملک و علمتنی . .. أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

منشأ نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۵

۵ سرگذشت یوسف ( ع ) ( نجات از چاه کنعان تا رسیدن به وزارت و نیل به قدرت ) به اراده خداوند و بر اساس تدبیر او بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

موجبات دانش تعبیر رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ پیروی نکردن یوسف ( ع ) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون

جمله <إنی ترکت . ..> تعلیل برای <علمنی ربی> می باشد ; یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

موجبات علم غیب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ پیروی نکردن یوسف ( ع ) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون

جمله <إنی ترکت . ..> تعلیل برای <علمنی ربی> می باشد ; یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

موجبات نبوت

یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ نیکوکاری یوسف ( ع ) ، مایه رسیدن او به مقام نبوت بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

موفقیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۲

۲ یوسف ( ع ) در طی هفت سال آبادانی ، به کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات برای دوران قحطی کاملًا موفق شد .

و جاء إخوه یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۲۱

۲۱ موفقیت یوسف ( ع ) در طرح و اجرای نقشه برای نگه داشتن بنیامین ، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از دانش افزون تر وی

کذلک کدنا لیوسف . .. نرفع درجت من نشاء و فوق کل ذی علم علیم

مصداق مورد نظر برای <من نشاء> یوسف(ع) است.

مؤمن آل فرعون و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - آشنایی مؤمن آل فرعون ، از تاریخ مردم مصر و سرگذشت یوسف پیامبر ( ع )

و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبيّنت . .. حتّى إذا هلك قلتم لن يبعث اللّه من بعده ر

مهربانی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۱

۱ یوسف ( ع ) با اظهار مهربانی و ملاطفت به هم بندان خویش ، به ارشاد آنان پرداخت .

يصحبى السجن ءأرباب متفرقون خير أم

الله الوحد

مهمان نوازی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۷،۸،۹،۱۲

۷ یوسف ( ع ) از میهمانان و کسانی که برای تهیه آذوقه و دریافت سهمیه به او مراجعه می کردند ، به خوبی پذیرایی می کرد .

ألا ترون . .. أنا خیر المنزلین

<نزول> به طعام و مانند آن که برای میهمان تهیه شده گفته می شود و <نزیل> به معنای میهمان است. <منزلین> در آیه شریفه از همین ماده گرفته شده و به معنای میزبانها و مهمان نوازان می باشد.

۸ یوسف ( ع ) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

۹ یوسف ( ع ) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

ائتونی بأخ لکم من أبیکم ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

جمله <ألا ـ ترون . ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <ائتونی بأخ لکم> بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

۱۲ یوسف ( ع ) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون . .. أنا خیر المنزلین

نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم،

اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ یوسف ( ع ) در سنین کودکی به نبوت رسید . *

و أوحینا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۶

۶ یوسف ( ع ) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد ، به مقام نبوّت نایل گردید .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

برداشت فوق ، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت ، تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ < عن الصادق ( ع ) [ فی البرهان الذی رأی یوسف ] : انه النبوه المانعه من إرتکاب الفواحش والحکمه الصارفه عن القبایح ;

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده ]روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۲

۲ - یوسف ( ع ) ، پیامبر مردم مصر پیش از حضرت موسی ( ع )

و لقد جاءکم یوسف من قبل

نجات همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۵

۵ یوسف ( ع ) ، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را ، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضی الأمر ...> ; یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۵،۶

۵ ساقی پادشاه به درستی تعبیر یوسف ( ع ) از رؤیای خویش اعتماد کرد و به نجات خویش امیدوار گردید .

و قال للذی ظنّ أنه ناج منهما

ضمیر در <ظن> محتمل است به <الذی> باز گردد و محتمل است به یوسف(ع) ارجاع شود. برداشت فوق، بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا مفاد جمله <قال للذی ...> چنین می شود: یوسف(ع) به ساقی پادشاه - همان که به نجات خویش دل بسته بود و بدان امیدوار بود - گفت: مرا نزد مالکت یاد کن. قابل ذکر است که چون یوسف(ع) به نجات وی یقین داشت نه گمان، این احتمال قوی تر به نظر می رسد.

۶ تعبیر یوسف ( ع ) از رؤیای هم بند خویش ، تحقق یافت و او با رهایی از زندان ، به استخدام پادشاه درآمد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

با

توجه به اینکه ضـمیر در <فأنساه> به <الذی> که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأنساه الشیطان ذکر ربه> دلالت می کند که وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱

۱ یکی از دو هم بنـد زنـدانی یوسف ( ع ) ، از مرگ و زنـدان نجات پیـدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

و قال الذی نجا منهما

نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۸

۸ یوسف ( ع ) ، به گشودن درب و فرار از چنگ زلیخا موفق شد .

و ألفیا سیدها لدا الباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۶

۶ نجات یوسف ( ع ) از کید زلیخا و دیگر زنان ، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

نجات یوسف(ع) از چاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۲،۳،۷،۱۳

۲ آب آور کـاروان به منظور آب کشـیدن ، دلو خویش را در چـاه کنعـان افکنـد و برخلاـف انتظـار ، کودکی را از آن بیرون آورد .

فأدلی دلوه قال یبشری هذا غلم

<أدلاء> (مصدر أدلی) به معنای فرستادن <دلو> است. <غلام> به پسر کوچک گفته می شود (مصباح المنیر).

۳ یوسف ( ع ) با چنگ زدن به طناب و دلو آب آورِ کاروان ،

خود را از چاه نجات داد .

فأرسلوا واردهم فأدلی دلوه قال یبشری هذا غلم

۷ نجات یوسف ( ع ) از چاه سرآغاز بردگی او

و أسرّوه بضعه

بضاعت و کالای تجارتی قرار دادن انسان ، مستلزم برده بودن و یا برده شمردن اوست.

۱۳ اتراق کاروانیان در اطراف چاه کنعان ، نجات دادن یوسف ( ع ) از آن چاه و به همراه خویش بردن او ، به تقدیر خداوند و تحت نظارت دقیق او انجام می گرفت .

و جاءت سیّاره . .. والله علیم بما یعملون

مراد از <ما> در <ما یعملون> می تواند کالا قرار دادن یوسف(ع) باشد (أسرّوه بضاعه). و نیز محتمل است همه داستان کاروان، در رابطه با یوسف(ع) باشد. بنابر فرض نخست، علم خدا به رفتار آنان (کالا قرار دادن) کنایه از کیفردهی است و بنابر فرض دوم، علم خدا کنایه از تقدیر و تدبیر اوست ; یعنی، تمام مقدماتی که مایه نجات یوسف(ع) از چاه شد (گذر کردن کاروان در اطراف کنعان، منزل کردن در اطراف چاه و ...) همه به نظارت خدا و تدبیر او بود.

نجات یوسف(ع) از زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۲،۱۴

۱۲ خروج یوسف ( ع ) از زندان و رفع اتهام از او ، ناسازگار با اهداف شیطان

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف ( ع ) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع

جمله <لبث ...> بر جمله قبل معلوم می شود ; یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳،۴،۵

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف ( ع ) در نزد خویش شد .

و قال الملک ائتونی به

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف ( ع ) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد .

و قال الملک ائتونی به . .. قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ; بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف ( ع ) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاءه الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف(ع) فرستاده شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ خداوند ، خنثی کننده مکر و حیله زنان اشراف و نجات بخش یوسف ( ع ) از زندان

أن الله لایهدی کید الخائنین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۰ – ۱۶

۱۶ آزاد ساختن یوسف ( ع ) از زندان و کوچ دادن خاندان یعقوب از کنعان به مصر ، از جمله احسان های خداوند در حق یوسف ( ع ) .

و قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

نشانه های احسان یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۸ – ۱۰

۱۰ نیکوکاری یوسف در زمان اقتدارش ، در رفتار و منش او جلوه گر بود .

إنا نریک من المحسنین

<نری> در آیه شریفه، به معنای <اطمینان داریم> است. رساندن این معنا با کلمه <می بینیم> گویای آن است که اطمینان برادران یوسف به شخصیت وی از طریق مشاهده رفتار و منش او حاصل شده بود.

نشانه های شخصیت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۶ – ۱۳

۱۳ سیمای یوسف ( ع ) و عملکرد او ، نشان دهنده شخصیت بلند مرتبه و بیانگر نیکوکاری او بود .

إنا نریک من المحسنین

<نری> در آیه شریفه، به معنای <یقین داریم> است. رساندن این معنا با کلمه <نری> (می بینیم) گویای این مطلب است که: علم و یقین آن دو نفر به شخصیت یوسف(ع) ، از طریق مشاهده رفتار و منش او حاصل شده بود.

نشانه های صداقت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

٨ - يوسف - ١٢ - ٣٥ - ١١

١١ < عن أبى جعفر ( ع ) فى قوله : < ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيات ليسجننه حتى

حین > فالأیات شهاده الصبی و القمیص المخرّق من دبر و استباقهما الباب حتی سمع مجاذبت ها إیّاه علی الباب فلما عصاها فلم تزل ملحّه بزوجها حتی حبسه . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم . ..> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد ; پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد>.

نشانه های عفت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۵

۵ وجود نشانه های متعدد بر پاکدامنی یوسف ( ع )

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

نظارت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱

۱ یوسف ( ع ) بر توزیع ارزاق ذخیره شده در مصر ، نظارت مستقیم داشت .

و جاء إخوه یوسف . .. و لما جهزهم بجهازهم

نظام جزایی در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۶

۱۶ مجازات مجرمان بیگانه بر اساس مقررات خودِ آنان ، با قوانین و مقررات مصر در زمان وزارت یوسف ( ع ) مخالفتی نداشت .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلاّ أن یشاء الله

نظام قضایی در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۸

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف ( ع ) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

نعمتهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۴،۲۱

۱۴ نعمتهایی که خداوند به یوسف ( ع ) و آل یعقوب ارزانی داشت ، مسانخ و هم طراز نعمتهایی بود که به ابراهیم و اسحاق ( ع ) اعطا کرده بود .

یتم نعمته علیک . .. کما أتمّها علی أبویک

۲۱ فضیلت های یوسف ( ع ) و نعمت های عطا شده به او و حضرت ابراهیم و اسحاق ( ع ) و خاندان یعقوب ، جلوه هایی از ربوبیت خداوند

یجتبیک ربک . .. و یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب ... إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۶،۱۱

۶ خداوند یوسف ( ع ) و بنیامین را از نعمتی بزرگ بهره مند ساخت .

قد منّ الله علینا

<منّ> به معنای احسان کردن و نعمت بخشیدن است. در <مفردات راغب> آمده که <منّه> به معنای نعمت گران سنگ است. مراد از ضمیر در <علینا> به قرینه جمله بعد (إنه من یتق ...) که تعلیل برای <قد منّ الله علینا> است یوسف(ع) و بنیامین می باشد نه همه برادران.

۱۱ دیدار یوسف ( ع ) و بنیامین و پایان یافتن فراق آن دو ، از نعمت های بزرگ خداوند به ایشان

قال أنا يوسف و هذا أخى قد منّ الله علينا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۵

۱۵ خداوند ، یوسف ( ع ) را از احسان های خویش برخوردار ساخت و به او نعمت ها بخشید .

قد أحسن بی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱

۱ یوسف ( ع ) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب ( ع ) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتیتنی . .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

نقش خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۰

۳۰ سرگذشت یوسف ( ع ) ( خروج او از زندان ، پایان فراق او با بستگان و . . . ) بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند رقم می خورد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم

نقش کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۴

۴ غلامان و کارگزارانی فراوان در استخدام یوسف ( ع ) برای توزین و توزیع آذوقه ها و دریافت بهای آنها

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

<فتیان> جمع فتی و به معنای غلامان و جوانان است.

نقش یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶ – ۱۲

۱۲ خداوند به واسطه یوسف ( ع ) ، نعمت کامل و تمام خویش را بر خاندان یعقوب ارزانی داشت .

و

كذلك . .. و يتم نعمته عليك و على ءال يعقوب

يوسف(ع) از خانـدان يعقوب(ع) بود و <آل يعقوب> شامل او نيز مى شـد. بنابراين آوردن <عليك> و عطف كردن <آل يعقوب> بر آن، مى توانـد حاكى از نكته اى باشـد كه در برداشت فوق آمده است. قابل ذكر است كه تأويل سـتارگان، ماه و خورشيد بر برادران و پدر و مادر يوسف(ع) مؤيد آن نكته است.

نگرانى يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۷

۷ يوسف ( ع ) نگران تأثير مكر و حيله زليخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصيت

و إلّا تصرف عنى كيدهنّ أصب إليهنّ

نوجوانى يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۳

۱۳ رؤياى شگفت يوسف ( ع ) ( سجده ستارگان ، ماه و خورشيد ) در سنين كودكى يا نوجوانى او بوده است .

قال يبنىّ

كلمه <بنىّ> تصغير كلمه <ابن> مى باشد و به ضمير متكلم اضافه شده است. <يبنىّ> ; يعنى، اى پسر كوچك من.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۶

۶ يوسف ( ع ) به هنگام اجراى توطئه برادرانش عليه او ، در سنين كودكى يا نوجوانى بوده است .

أرسله معنا غدًا يرتع و يلعب

برداشت فوق ، از فعـل <يلعب> (بـازى كنـد) به دست مى آيـد ; زيرا معمولاً بازى كردن را در مورد كودكان و نوجوانان به كار مى برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۲ - ۲۲ - ۱

۱ یوسف ( ع ) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أکرمی مثویه . .. و لما بلغ أشدّه

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> ; یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

نهی به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱،۲۱

۱ یعقوب ( ع ) ، فرزندش یوسف ( ع ) را از نقل خواب خویش برای برادرانش برحذر داشت .

یبنیّ لاتقصص رءیاک علی إخوتک

۲۱ یعقوب ( ع ) افشا شدن رؤیای یوسف ( ع ) را به تحریک شیطان می دانست و یوسف ( ع ) را از آن برحذر داشت .

لاتقصص رءیاک علی إخوتک . .. إن الشیطن للإنسن عدو مبین

جمله <إن الشیطان . ..> هم ناظر به <فیکیدوا ...> است و هم ناظر به <لاتقصص رؤیاک>. بنابر وجه دوم، مفاد جمله <لاتقصص ...> به ضمیمه <إن الشیطان> چنین می شود: شیطان درصدد است که تو را به افشای رؤیایت وا دارد، پس برحذر باش!

نیازهای مادی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۵

۵ نیاز یوسف ( ع ) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع ، بهانه برادرانش برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب ( ع )

أرسله معنا غدًا یرتع

و یلعب

نیاکان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۶،۷

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندانی از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمن و أیوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندانی از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا . .. و من ذریته داود و سلیمن و أیوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق ( ع ) ، پدران یعقوب و یوسف ( ع ) بودند .

علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پدران و اجداد یوسف ( ع ) بودند .

واتبعت

ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

وحی به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۸،۹،۱۰،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶

۸ خداوند یوسف ( ع ) را از طریق وحی به نجات یافتن از چاه کنعان و دیداری مجدد با برادرانش ، نوید داد .

و أوحینا إلیه لتنبئنّهم بأمرهم هذا

جمله <لتنبئنّهم> (همانا این واقعه را در آینده به برادرانت یادآوری خواهی کرد) دلالت بر نجات یوسف از چاه دارد و نیز حاکی از این است که او برادرانش را در آینده ملاقات خواهد کرد.

۹ عنایت خاص خداوند به یوسف ( ع ) با وحی کردن به او در چاه کنعان

أن یجعلوه فی غیبت الجب و أوحینا إلیه

۱۰ یوسف ( ع ) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به . .. و أوحینا إلیه

۱۳ یادآوری داستان چاه کنعان از سوی یوسف ( ع ) به برادرانش ، محتوای وحی خداوند به یوسف ( ع )

و أوحینا إلیه لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

۱۴ خداوند به یوسف ( ع ) خبر داد که ملاقات او با برادرانش ، پس از داستان چاه کنعان ، در آینده ای دور تحقق خواهد یافت .

لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

جمله حالیه <و هم لایشعرون> متعلق به <لتنبئنّ> است ; یعنی، به آنان خبر می دهی در حالی که متوجه نیستند [و تو را نمی شناسند]. از اینکه هیچ یک از برادران یوسف به هنگام ملاقات با وی، او را نخواهند شناخت، معلوم می شود ملاقات مذکور با فاصله زمانی بسیار اتفاق خواهد افتاد.

۱۵ سلطه داشتن یوسف ( ع

) بر برادرانش در دیدار مجدد ، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف ( ع ) در چاه کنعان

و أوحینا إلیه لتنبئّنهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لایشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان هستی.

۱۶ برادران یوسف از شنیدن و احساس کردن وحی الهی به او ، ناتوان بودند .

و أوحینا إلیه . .. و هم لایشعرون

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که عامل حال (و هم لایشعرون) فعل <أوحینا> باشد. بر این اساس مفاد <و هم لایشعرون> چنین می شود: آنان وحی ما را به یوسف(ع) نمی فهمیدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۴

۴ طرح و نقشه یوسف ( ع ) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلک کدنا لیوسف

وزارت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۸ – ۹

۹ یوسف ( ع ) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

إنا نریک من المحسنین

وعده های یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۹ – ۱۲

۱۲ یوسف ( ع ) به برادرانش وعده داد

که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون . .. أنا خیر المنزلین

وفاداری یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۰ – ۲۶

۲۶ یوسف ( ع ) به سخن خویش ( دیگر بر شما برادرانم ملامتی روا نیست ) متعهّد و بدان وفادار بود .

لاتثریب علیکم الیوم . .. نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

یوسف(ع) در بیان سرگذشت خویش برای یعقوب(ع) از برادرانش که منشأ فراق و جدایی بودند گلا‌یه ای نکرد و رفتار ناروای ایشان را یادآور نشد ; بلکه شیطان را عامل فسادی که میان او و برادرانش رخ داده بود دانست با این برخورد به آنچه در خطاب به برادرانش گفته بود (هیچ کس حق ندارد شما را سرزنش و ملامت کند) وفا کرد.

ولایت تشریعی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۶ – ۴

۴ یوسف ( ع ) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

جمله <مکّنّا لیوسف . ..> هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریعی ; یعنی ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

ولایت تکوینی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۶ – ۴

۴ یوسف ( ع ) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و كذلك مكّنّا

ليوسف فى الأرض يتبوّأ منها حيث يشاء

جمله <مكّنّا ليوسف . ..> هم شامل اقتدار تكوينى است و هم گوياى اقتدار تشريعى ; يعنى ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمين مصر را عطا كرد.

ولىّ يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخوردارى يوسف ( ع ) از قدرت و مكنت و بهره مندى او از دانش تعبير رؤيا ها و تحليل حوادث ، پرتوى از ولايت خداوند بر او بود .

قد ءاتيتنى من الملك و علمتنى . .. أنت ولىّ فى الدنيا و الأخره

ويژگيهاى استقبال يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۴

۴ يوسف ( ع ) در استقبال از پدر ، مادر و بستگانش ، از تشريفات وزارتى و حكومتى پيراسته بود .

فلما دخلوا على يوسف

ياد كردن از يوسف(ع) با نام وى و نه عنوان و سمت او (عزيز و مانند آن) مى تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

ويژگيهاى حكومت يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ يوسف ( ع ) در حكومت مصر براى جاى دادن به يعقوب ( ع ) و خاندان او در آن ديار ، محدوديت و مشكلى نداشت .

وأتونى بأهلكم أجمعين

ويژگيهاى زندان يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۸

۸ زندان یوسف ( ع ) و هم بندان او ، فاقد هرگونه برنامه غذایی از پیش تعیین شده

لایأتیکما

طعام ترزقانه

چنان چه برنامه غـذایی زنـدان مشـخص بود ، پیشـگویی نوع و خصوصـیات آن امری دشوار نبود و به عنوان یک ویژگی برای کسی که از آن خبر می داد ، محسوب نمی شد.

ویژگیهای قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۴،۵

۴ داستان یوسف ( ع ) بهترین و زیباترین داستان

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

۵ خداوند ، داستان یوسف را با بهترین و زیباترین بیان نقل کرده و گزارش داده است .

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۱

۱ داستان یوسف و برادرانش ، حاوی نشانه ها و آیاتی فراوان از ربوبیت خدا و علم و حکمت او

إن ربک علیم حکیم. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

<آیـات> به معنای نشانه هاست و چون در جمله <لقـد کان . ..> بیان نشـده است که داسـتان یوسف و برادرانش نشانه چه حقیقت و یـا حقـایقی می توانـد باشـد و به عبـارت دیگر، متعلق <آیات> ذکر نشـده است، می توان گفت متعلق آن، حقایق مطرح شده در آیه قبل است که از جمله آنها ربوبیت، علم و حکمت خداوند است (إن ربک علیم حکیم).

ویژگیهای کاخ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۳

۳ دربار یوسف ( ع ) ، دارای دربهایی متعدد برای ورود و خروج مراجعه کنندگان *

لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبوب متفرقه

در اینکه مراد از مفعول <ادخلوا> چیست ، آیا مصر است و یا بارگاه

یوسف؟ دو نظر ابراز شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است. قابل ذکر است که تکرار <لما دخلوا> در آیه ۶۹ مؤید احتمال اول می باشد.

ویژگیهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲۴

۲۴ حکمت خدا و علم او به خصلت های یوسف ( ع ) موجب شد تا نعمت خویش را بر خاندان یعقوب کامل کند .

و یتم نعمته علیك و علی ءال یعقوب . .. إن ربك علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۰

۲۰ جمال یوسف ( ع ) ، جمالی بی نظیر ، دلربا و در اوج زیبایی و ملاحت بود .

فلما رأینه أکبرنه و قطّعن أیدیهنّ و قلن حش لله ما هذا بشرًا

نقل این قسمت از داستان یوسف (فلما رأینه . ..) برای بیان اوج زیبایی و دلربایی یوسف(ع) است. علاوه بر این، محتمل است اشاره به معذور بودن زلیخا در عشقش به یوسف(ع) باشد. مؤید این احتمال، این است که قرآن از او مذمت نکرده و یوسف(ع) نیز او را در مراحل مراوده، به عذابهای الهی هشدار نداده است.

هدایت همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲،۳،۱۵

۲ یوسف ( ع ) اقبال هم بندانش را به او غنیمت شمرد و به ارشاد و هدایت آنان پرداخت .

إنا نریك من المحسنین . .. ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله

۳ یوسف ( ع ) با اشاره به خدادادی بودن دانش های

ویژه اش ، هم بندان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلکما مما علمنی ربی

از اهـداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که <این دانش را پروردگارم به من آموخته است> آن است که: هم بندان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذلکما> مؤید این هدف است.

۱۵ یوسف ( ع ) ، بـا بیـان نقش ایمـان به خـدا و آخرت در دستیـابی او به دانش هـای ویژه ، درصـدد گرایش دادن هم بنـدان خویش به آیین الهی بود .

مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم . .. هم کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۹ – ۱

۱ یوسف ( ع ) با اظهار مهربانی و ملاطفت به هم بندان خویش ، به ارشاد آنان پرداخت .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۱ – ۱

۱ یوسف ( ع ) ، پس از ارشاد هم بندان خویش به توحید و یکتاپرستی ، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت .

یصحبی السجن أما أحدکما فیسقی ربه خمرًا

هدایت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۴ – ۶،۷

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندانی از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمن و أیوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می

آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندانی از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا . .. و من ذریته داود و سلیمن و أیوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

هدایتگری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲

۲ یوسف ( ع ) اقبال هم بندانش را به او غنیمت شمرد و به ارشاد و هدایت آنان پرداخت .

إنا نریک من المحسنین . .. ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله

همبندان یوسف و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۲،۱۴

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر ، به شخصیت والای یوسف ( ع ) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إنا نریک من المحسنین

۱۴ محسن بودن یوسف ( ع ) ، دلیل مراجعه هم بندانش به او برای تعبیر رؤیا

نبّئنا بتأویله إنا نریک من المحسنین

جمله <إنا نراک> تعلیل برای <نبّئنا بتأویله> است.

همبندان یوسف(ع)

فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۲

۲ دو تن از خادمان دربار مصر ، هم زمان با زندانی شدن یوسف ( ع ) ، به زندان درافتادند .

و دخل معه السجن فتیان

<فتی> (مفرد فتیان) به معنای عبد و نیز به معنای جوان است.

همراه بردن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱

۱ فرزندان یعقوب ، پس از طرح توطئه علیه یوسف ( ع ) از او خواستند تا یوسف ( ع ) را همراه آنان به مرتع بفرستد .

أرسله معنا غدًا

همسر پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف ( ع ) بود .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

بر این مبنا که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد ، از جمله <ذلک لیعلم . ..> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

یعقوب(ع) در دربار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱،۳

۱ یعقوب ( ع ) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف ( ع ) درآمدند .

قال ادخلوا مصر . .. و رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکری میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش . ..> گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس

از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

۳ یوسف ( ع ) پدر و مادرش را بر تخت فرمانروایی خویش نشاند .

و رفع أبویه علی العرش

یعقوب(ع) در فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۲

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف ( ع ) ، از اعتذار های یعقوب ( ع ) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لک لاتأمنّا . .. قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸

۸ یعقوب ( ع ) بر آن بود که در فراق فرزندانش ( یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جمیل

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۲،۶،۷،۱۲،۱۶،۱۷

۲ ماجرای بنیامین ، خاطره یوسف ( ع ) را برای یعقوب ( ع ) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف ( ع ) شد .

و قال یأسفی علی یوسف

حرف <الف> در آخر <اسفی> منقلب از یای متکلم است. بنابراین <یأسفی> ، یعنی ای دریغ من.

۶ افول بینایی یعقوب ( ع ) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسى الله أن يأتيني

بهم جميعًا . .. وابيضت عيناه من الحزن

۷ گريه فراوان يعقوب ( ع ) در فراق يوسف ( ع ) *

وابيضت عيناه من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعليليه است و حاكى از اين است كه حزن عامل نابينايى يعقوب(ع) بود ; ولى از آن جا كه اثر بارز حزن در چشمان يعقوب(ع) ظاهر گشت نه در ديگر حواس او، معلوم مى شود كه اندوه يعقوب(ع) مايه گريستن فراوان او گشته و گريه فراوانش چشمان او را بى فروغ ساخته بود.

۱۲ يعقوب ( ع ) بر اثر فراق يوسف ( ع ) ، درونى آكنده از غم و دلى لبريز از اندوه داشت .

وابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم

(كظيم) به معناى اسم مفعول مكظوم به كسى گفته مى شود كه لبريز از غم و غصه و يا آكنده از خشم و غضب باشد.

۱۶ < عن أبى عبدالله ( ع ) : قيل له : كيف يحزن يعقوب على يوسف و قد أخبره جبرئيل أنه لم يمت و أنه سيرجع إليه فقال : إنه نسى ذلك ;

از امام صادق(ع) روايت شده كه به ايشان گفته شد: چگونه يعقوب براى يوسف محزون مى شود و حال آنكه جبرئيل او را خبر داده بود كه يوسف نمرده و به زودى به سوى او برمى گردد؟ امام(ع) فرمود: يعقوب خبر جبرئيل را فراموش كرده بود>.

۱۷ < سئل أبوعبدالله ( ع ) ما بلغ من حزن يعقوب على يوسف ؟ قال : حزن سبعين ثكلى بأولادها . . . ;

از امام صادق(ع) سؤال شد: حزن يعقوب بر يوسف چقدر بود؟ فرمود: به مقدارى كه هفتاد زن فرزند مرده به خاطر

فرزندانشان اندوهگین باشند . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱،۲،۴

۱ یعقوب ( ع ) ، همواره به یاد فرزندش یوسف ( ع ) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافیه است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف> ; یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

۲ یعقوب ( ع ) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف ( ع ) ، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

<حرض> به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده و مشرف بر هلاکت باشد.

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف ( ع ) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله . ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱،۲

۱ یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) گرفتار غم و اندوهی فراوان و طاقت فرسا بود .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

<بثّ> در لغت به معنای حزن شدید است. گویا شدّت آن باعث می شود که دارنده اش نتواند آن را تحمل کند. از این رو برای دیگران بازگو کرده و منتشرش می سازد.

۲ یعقوب ( ع ) از غم و اندوه جانکاهش در فراق یوسف ( ع ) ، تنها به خداوند

شکایت می کرد .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

شکایت چیزی را نزد شخصی بردن ; یعنی، خبر دادن و گلایه کردن به آن شخص از بدرفتاری آن چیز. بنابراین <إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله> ; یعنی، فقط به خداوند خبر می دهم که حزن و اندوه با من چه کرده و از آنها فقط به خداوند گلایه می کنم و از او دادخواهی می نمایم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۳

۱۳ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . .انه [ یعقوب ] دعا ربّه فی السحر أن یهبط علیه ملک الموت فهبط علیه . . . قال یعقوب : . . . هل عرض علیک فی الأرواح روح یوسف ؟ فقال : لا فعند ذلک علم أنه حیّ فقال لولده : < اذهبوا فتحسّسوا من یوسف . . . > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: یعقوب در سحر از خدا خواست تا ملک الموت بر او فرود آید . .. پس او فرود آمد ... یعقوب گفت: ... آیا در میان ارواح، روح یوسف بر تو عرضه شده؟ گفت: نه. پس در این هنگام دانست که یوسف زنده است، پس به فرزندان خود گفت: <اذهبوا فتحسّسوا من یوسف ...>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) در فراق یوسف ( ع ) نابینا شده بود .

یأت بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) در طول فراق یوسف ( ع ) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

یعقوب(ع) و بازگشت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب ( ع ) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

یعقوب(ع) و برادران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۲،۴،۵

۲ یعقوب ( ع ) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها بپردازند .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

۴ یعقوب ( ع ) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف ( ع ) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لاتأْیئسوا من روح الله

۵ مأیوس نشدن از رحمت خدا و امید داشتن به یاری او ، توصیه یعقوب ( ع ) به فرزندان خویش

و لاتأْیئسوا من روح الله

<روح> به معنای سرور ، فرح ، استراحت و رحمت می باشد. اضافه آن کلمه به <الله> و متعلق قرار گرفتن <من روح الله> برای <لاتأْیئسوا> گویای این است که مراد از آن <رحمت> می باشد.

یعقوب(ع) و برگزیدگی یوسف(ع)

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶ – ۸

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب ( ع ) به برگزیده شدن یوسف ( ع ) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

إنی رأیت أحد عشر . .. کذلک یجتبیک ربک و یعلمک من تأویل الأحادیث

یعقوب(ع) و بوی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۴ – ۲،۳،۴،۱۳

۲ یعقوب ( ع ) از فاصله ای دور ( از کنعان تا مصر ) بوی یوسف ( ع ) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

جمله <قال أبوهم . ..> جواب شرط <لما فصلت ...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب ( ع ) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش ( شنیدن بوی یوسف ) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۴ شامّه معجزه آسای یعقوب ( ع ) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف ( ع ) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۱۳ < عن أبی عبدالله ( ع ) قال : . . . ان ابراهیم لما اُوقدت له النار أتاه جبرئیل (

ع ) بثوب من ثیاب الجنه . . . فلما حضر ابراهیم الموت جعله فی تمیمه و علّقه إسحاق علی یعقوب ، فلما ولد یوسف ( ع ) علّقه علیه فکان فی عضده . . . فلما أخرجه یوسف بمصر من التمیمه وجد یعقوب ریحه و هو قوله : < إنی لأجد ریح یوسف . . . > فهو ذلک القمیص الذی أنزله الله من الجنه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. چون برای سوزاندن ابراهیم(ع) آتش افروخته شد، جبرئیل پیراهنی از پیراهنهای بهشتی برای او آورد ... آن گاه که مرگ ابراهیم(ع) فرا رسید ابراهیم(ع) آن را در جلدی قرار داد و به عنوان حِرز بر اسحاق و اسحاق هم بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب [آن را] بر یوسف آویخت و آن بر بازوی یوسف بود ... پس چون یوسف آن پیراهن را در مصر از جلد بیرون آورد، بوی آن به مشام یعقوب رسید و این است سخن یعقوب: <إنی لأجد ریح یوسف ...>. پس پیراهن یوسف همان پیراهنی است که خداوند از بهشت فرو فرستاد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۴

۴ بستگان یعقوب او را در خبر استشمام بوی یوسف ( ع ) تکذیب کرده و این احساس را ناشی از کژاندیشی دانستند .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

یعقوب(ع) و پیراهن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۲

۲ یعقوب (

ع ) از فاصله ای دور ( از کنعان تا مصر ) بوی یوسف ( ع ) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

جمله <قال أبوهم . ..> جواب شرط <لما فصلت ...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

یعقوب(ع) و حیات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب ( ع ) به زنده بودن یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۹،۱۱،۱۳،۱۶

۹ یعقوب ( ع ) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف ( ع ) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می توانـد به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر اساس معنای اول مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۱ آگاهی یعقوب ( ع ) به حیات یوسف ( ع ) ، دانشی بود که از ناحیه خدا به او افاضه شده بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۳ جهل و ناآگاهی

فرزندان یعقوب به حقایقی درباره خداوند

و أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۶ < عن أبی عبـدالله ( ع ) قال : قـدم أعرابیّ علی یوسف . . . قال له یوسف : . . . فإذا مررت بوادی کـذا و کذا فقف فناد : یا یعقوب ! یـا یعقوب ! فإنه سـیخرج إلیک رجل . . . فقل له : لقیت رجلاً بمصـر و هو یقرئک السـلام و یقول لک : إن ودیعتک عند الله عزوجل لن تضیع ، قال : فمضی الأعرابیّ . . . فأبلغه ما قال له یوسف . . . فکان یعقوب ( ع ) یعلم أن یوسف ( ع ) حیّ لم یمت و أن الله تعالی ذکره سیظهره له بعد غیبته و کان یقول لبنیه : < إنی أعلم من الله ما لاتعلمون > . . . ;

از امـام صادق(ع) روایت شـده که فرمود: بادیه نشـینی بر یوسف وارد شـد . .. یوسف به او گفت: ... آن گاه که بر فلان وادی گـذر کردی بـایست و صـدا بزن: ای یعقـوب، ای یعقـوب! پس مردی به سوی تو بیرون خواهـد آمـد ... به او بگو مردی را در مصـر ملاقات کردم که تو را سلام رساند و گفت: امانت تو نزد خدا هرگز از بین نمی رود. امام فرمود: آن بادیه نشین رفت ... و گفتـار یوسـف را به یعقوب ابلاـغ کرد ... پس یعقوب می دانست یوسف زنـده است و نمرده و خـدای تعـالی به زودی او را پس از غیبت، آشکارش خواهد کرد و همواره به پسران خویش می گفت: <إنی أعلم من الله ما لاتعلمون>...>.

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۷ – ۱

۱ یعقوب ( ع ) بر این باور بود که یوسف ( ع ) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۵ – ۳

۳ یعقوب ( ع ) در طول فراق یوسف ( ع ) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللك القدیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۶ – ۹،۱۰،۱۱،۱۲

۹ یعقوب ( ع ) پیش از دریافت بشارت به حیات یوسف ( ع ) ، به زنده بودن او اطمینان داشت .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می تواند به معنای <ازناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. براساس معنای اول، مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد زنده بودن یوسف(ع) ، دیدار او و ... می باشد.

۱۰ یعقوب ( ع ) برخلاف فرزندانش ، به سپری شدن دوران فراقش از یوسف ( ع ) اطمینان داشت .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۱ یعقوب ( ع ) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف ( ع ) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بستگان خویش بازگو می کرد .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما

لاتعلمون

۱۲ آگاهی یعقوب ( ع ) به حیات یوسف ( ع ) و وصال او ، دانشی بود که از ناحیه خداوند به آن حضرت افاضه شده بود .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

یعقوب(ع) و رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۱

۲۱ یعقوب ( ع ) افشا شدن رؤیای یوسف ( ع ) را به تحریک شیطان می دانست و یوسف ( ع ) را از آن برحذر داشت .

لاتقصص رءیاک علی إخوتک . .. إن الشیطن للإنسن عدو مبین

جمله <إن الشیطان . ..> هم ناظر به <فیکیدوا ...> است و هم ناظر به <لاتقصص رؤیاک>. بنابر وجه دوم، مفاد جمله <لاتقصص ...> به ضمیمه <إن الشیطان> چنین می شود: شیطان درصدد است که تو را به افشای رؤیایت وا دارد، پس برحذر باش!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۱

۱۱ یعقوب ( ع ) از رؤیای یوسف دریافت که خداوند نعمت کامل خویش را بر یوسف ( ع ) و خاندان یعقوب ، ارزانی خواهد داشت .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

یعقوب(ع) و فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) به فرزندش یوسف ( ع ) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

- فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ بسنده کردن یعقوب ( ع ) به اعراض از فرزندان ، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف ( ع ) و بنیامین ، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء> بر <تولّی عنهم> است.

یعقوب(ع) و ملاقات با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب ( ع ) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف ( ع ) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ یعقوب ( ع ) به دیدار یوسف ( ع ) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

یعقوب(ع) و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۳

۳ یعقوب ( ع ) از سپردن یوسف ( ع ) به برادرانش ، همواره اجتناب می کرد .

ما لک لاتأمنّا علی یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۵

۵ ترسیدن بر جان یوسف ( ع ) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب ( ع ) با فرستادن یوسف به همراه فرزندانش

قال إنی . .. أخاف أن یأكله الذئب

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، پدران و اجداد یوسف ( ع ) بودند .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

یعقوب(ع) هنگام حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۴

۴ یعقوب ( ع ) در زمان وزارت یوسف و داستان اتهام سرقت بنیامین ، سالخورده و بسیار کهنسال بود .

إن له أبًا شیخًا کبیرًا

<شیخ> به معنای پیرمرد و <کبیر> به معنای بزرگ است و مراد از آن ظاهراً بزرگی در سن و سال می باشد.

یقین یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۳

۳ یوسف ( ع ) هیچ ابهام و تردیدی در رؤیای خویش و خصوصیات آن نداشت .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. رأیتهم لی سجدین

تکرار فعل <رأیت> برای تأکید است و هدف از تأکید رساندن این معناست که یوسف در خواب خویش و خصوصیات آن ، ابهام و تردیدی نداشت.

یوسف(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

یوسف(ع) از متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۷

۷ یوسف ( ع ) و بنیامین از تقواپیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله

علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

یوسف(ع) از محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۸

۸ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) از نیکوکاران هستند.

و من ذریته . .. و کذلک نجزی المحسنین

مشارالیه <کذلک> هم می تواند هدایت باشد، که از <هدینا> استفاده می شود، و هم می تواند کثرت ذریه صالح باشد، که از <وهبنا> و <من ذریته> به دست می آید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۸

۸ یوسف ( ع ) از نمونه های بارز نیکوکاران

و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۸،۱۴،۱۳،۱۲،۱۱

۱۱ یوسف ( ع ) از زمره نیکوکاران بود .

إنا نریک من المحسنین

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر ، به شخصیت والای یوسف ( ع ) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إنا نریک من المحسنین

۱۳ سیمای یوسف ( ع ) و عملکرد او ، نشان دهنده شخصیت بلند مرتبه و بیانگر نیکوکاری او بود .

إنا نریک من المحسنین

<نری> در آیه شریفه، به معنای <یقین داریم> است. رساندن این معنا با کلمه <نری> (می بینیم) گویای این مطلب است که: علم و یقین آن دو نفر به شخصیت یوسف(ع) ، از طریق مشاهده رفتار و منش او حاصل شده بود.

۱۴ محسن بودن یوسف ( ع ) ، دلیل مراجعه هم بندانش به او برای تعبیر رؤیا

نبّئنا

بتأویله إنا نریک من المحسنین

جمله <إنا نراک> تعلیل برای <نبّئنا بتأویله> است.

۱۸ < عن أبی عبدالله ( ع ) فی قول الله عزوجل < إنا نراک من المحسنین > قال : کان یوسع المجلس و یستقرض للمحتاج و یعین الضعیف ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل <إنا نراک من المحسنین> روایت شده که فرمود: در مجلس جای نشستن را برای دیگران باز می کرد و برای نیازمند وام می گرفت و به ناتوان کمک می کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۶

۱۶ یوسف ( ع ) از زمره محسنان بود .

و لانضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۹

۹ یوسف ( ع ) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

إنا نریک من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۷

۷ یوسف ( ع ) و بنیامین از تقواپیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

یوسف(ع) از مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) از بندگان مطیع خدا و از خالص شدگان برای او بود .

إنه من عبادنا المخلصین

مراد از <مخلصین> (خالص شدگان) این است که غیر خدا در آنان نصیبی ندارد و کاملاً ـ در اختیار خداوند و اوامر او هستند. نه شیطان بر ایشان فرمان روایی می کند و

نه اسیر هواهای نفسانی اند.

یوسف(ع) پس از زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۳،۴

۳ یوسف ( ع ) پس از آشکار شدن بی گناهیش بر پادشاه و درباریان ، دعوت او را پذیرفت و بی درنگ از زندان به دربار رفت .

قال الملک ائتونی به . .. فلما کلّمه

اتصال جمله <فلما کلّمه> به <ائتونی به> و نیاوردن مطالبی نظیر رساندن فرمان پادشاه به یوسف(ع) ، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و. .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و گو با یوسف(ع) فاصله ای نبود.

۴ یوسف ( ع ) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف ( ع ) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ; ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و. .. بوده است.

یوسف(ع) در چاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۳،۷

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند

که <جبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمـده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی اسـت که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

۷ < عن علی بن الحسین ( ع ) : . . . قال کبیرهم < ولاتقتلوا یوسف > و لکن < ألقوه فی غیابت الجبّ > ;

از امـام سـجاد(ع) روایت شـده است: . .. که برادر بزرگ تر آنـان گفت: یوسف را نکشـید ، ولی او را در مخفی گاه چاه قرار دهید>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۱ – ۱

۱ پیشنهاد لاوی ( نکشتن یوسف ( ع ) و افکندن او در چاه ) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. قالوا یأبانا ما لک

بیـان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضـایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیـان پیشـنهاد لاـوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۵ – ۹،۱۸

۹ عنایت خاص خداوند به یوسف ( ع ) با وحی کردن به او در چاه کنعان

أن یجعلوه فی غیبت الجب و أوحینا إلیه

۱۸ < قال رسول الله ( ص ) لما اُلقی یوسف فی الجبّ أتاه جبرئیل علیه السلام فقال له : یا

غلام ، من ألقاك فی هذا الجبّ ؟ قال : إخوتی . قال : و لِمَ ؟ قال : لمودّه أبی إیّای حسدونی . . . ;

رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که یوسف(ع) در چاه افکنده شد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای پسر! چه کسی تو را در این چاه افکند؟ گفت: برادرانم. جبرئیل گفت: چرا؟ گفت : چون پدرم مرا دوست می داشت، آنان بر من حسد ورزیدند...>.

یوسف(ع) در خانه عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۲،۱۴،۱۶

۱۲ آسودگی و رفاه یوسف ( ع ) در خانه عزیز مصر

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

۱۴ ورود یوسف به خانه عزیز مصر ، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

عبارت <لنعلّمه> عطف بر عبارتی مقدر است ; یعنی: مکّنّا لیوسف لنفعل کذا و لنعلّمه . .. ; مراد از لنفعل کذا ، اموری است که خداوند در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند <رأیتهم لی ساجدین> و <کذلک یجتبیک ربک ...>.

۱۶ آموزش تحلیل رخداد ها و تأویل رؤیاها ، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

<لام> در <لنعلّمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱

۱ یوسف ( ع ) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد

جسمی و عقلی رسید .

أکرمی مثویه . .. و لما بلغ أشدّه

کلمه <أشـدّ> چنان چه لسان العرب از سـیبویه نقل کرده جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> ; یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

یوسف(ع) در دربار مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۶

۶ یوسف ( ع ) در دربار عزیز مصر ، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و لیکونًا من الصغرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۳،۵،۸

۳ یوسف ( ع ) پس از آشکار شـدن بی گنـاهیش بر پادشاه و درباریان ، دعوت او را پـذیرفت و بی درنگ از زنـدان به دربار رفت .

قال الملک ائتونی به . .. فلما کلّمه

اتصـال جمله <فلما کلّمه> به <ائتونی به> و نیاوردن مطالبی نظیر رسانـدن فرمان پادشاه به یوسف(ع) ، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و. .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و گو با یوسف(ع) فاصله ای نبود.

۵ گفت و گوی یوسف ( ع ) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلّمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت وگوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم ...>، معلوم می شود

سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف ( ع ) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <أمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت بپرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستوراتت نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

یوسف(ع) در دوران قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۴

۴ یوسف ( ع ) در دوران قحطی مصر ، سمت عزیزی آن دیار را بر عهده داشت .

قالوا یأیها العزیز

یوسف(ع) در زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۳

۲۳ < عن أبی عبدالله ( ع ) قال : لما أمر الملک بحبس یوسف فی السجن ألهمه الله علم تأویل الرؤیا . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که شاه فرمان زندانی شدن یوسف را صادر کرد ، خدا علم تعبیر خواب را به او الهام کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۳

۲ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و

يعقوب ( ع ) را فاش ساخت .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

۳ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، حسب و نسب خویش را برای زندانیان بیان کرد .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ شیطان ، برای باقی ماندن یوسف ( ع ) در زندان ، به دسیسه و شیطنت پرداخت .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۶

۶ ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف ( ع ) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أُنبّئکم بتأویله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلی ربک . .. ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم . ..> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله ...> عطف بر <أنی لم أخنه ...> باشد

; یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی ...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است برنمی آید.

یوسف(ع) در فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۴

۴ فراق یوسف ( ع ) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر ، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

یوسف(ع) در محضر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۳

۳ یوسف ( ع ) با یادآوری نعمت های الهی و توجه به ربوبیّت و علم و حکمت فراگیر خداوند ، خویشتن را در محضر او احساس کرد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم. رب قد ءاتیتنی

تغییر سیاق ; یعنی، التفات از غیبت (إن ربی . .. إنه هو العلیم) به خطاب (رب قد ءاتیتنی) حاوی نکاتی است از جمله اینکه یوسف(ع) با یاد کردن از نعمتهای خدادادی و توجه به ربوبیّت و علم و حکمت مطلق الهی، به این حقیقت توجه پیدا کرد که خداوند حاضر و ناظر است. از این رو خود را در محضر او احساس کرد و او را مخاطب قرار داد.

یوسف(ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱،۲،۱۱

۱ کاروان یابنده یوسف ( ع ) ، به مصر وارد شد و او را در آن دیار به فروش رساند .

و شروه بثمن . .. و قال الذی اشتریه من مصر

۲ عزیز مصر ، یوسف ( ع ) را در مصر از کاروانیان خریداری کرد .

و قال الذی اشتریه من مصر

<من مصر> محتمل است متعلق به <اشتراه> باشد ، و احتمال دارد حال برای <الذی اشتراه> باشد. برداشت فوق ، ناظر به احتمال اول است. آیات بعد ، بیانگر آن است که مراد از <الذی اشتراه>، عزیز مصر است.

۱۱ خداوند ، با وارد ساختن یوسف ( ع ) به خانواده عزیز مصر ، راه قدرتمند شدن یوسف ( ع ) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

مراد از <الأرض> سرزمین مصر است. <تمکین> (مصدر مکّنّا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت و سلطنت بخشیدن است. قید <فی الأرض> حکایت از آن دارد که: مراد از <مکّنّا> در آیه شریفه ، معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۲،۳،۴

۲ یوسف ( ع ) در سرزمین مصر به منزلتی والا و قدرتی بلامنازع دست یافت .

مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

<تمکین> (مصدر مکّنّا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت بخشیدن است. مناسبت حکم و موضوع و نیز قید <فی الأرض> می رساند که معنای دوم اراده شده است. بنابراین <مکّنّا لیوسف فی الأرض> ; یعنی، به یوسف در سراسر سرزمین

مصر قدرت و سلطنت بخشیدیم. و <حیث یشاء> حاکی از نبود قدرتی در برابر اوست.

۳ یوسف ( ع ) آزاد و متمکن برای استقرار و تصرف در هر نقطه از سرزمین مصر

مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

<یتبوّأ> به معنای منزل گرفتن و اقامت کردن است. جمله <یتبوّأ منها حیث یشاء> (در هر جای مصر که می خواست منزل می گرفت و اقامت می کرد) به منزله تفسیر برای <مکّنّا...> است و لذا کنایه از اقتدار او برای دخل و تصرف در سراسر سرزمین مصر می باشد.

۴ یوسف ( ع ) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

جمله <مکّنّا لیوسف . ..> هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریعی ; یعنی ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲

۲ یوسف ( ع ) در دیار مصر دارای تخت و بارگاه فرمانروایی بود .

و رفع أبویه علی العرش

یوسف(ع) در مهمانی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۱،۱۲،۱۴

۱۱ زلیخا ، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند ، از یوسف ( ع ) خواست بر آنان گذر کند .

و قالت اخرج علیهنّ

۱۲ یوسف ( ع ) پس از دستور زلیخا بدون درنگ در مجلس زنان اشراف حاضر شد .

قالت اخرج عليهنّ فلما رأينه

<فاء> در <فلما.

..> فصیحه است و گویای جمله هایی مقدر می باشد ; یعنی: <فخرج علیهنّ فرأینه فلما رأینه...>. حذف این جمله ها برای رساندن این نکته است که دستور زلیخا همان و اطاعت یوسف(ع) همان.

۱۴ زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا ، برای اولین بار یوسف ( ع ) را مشاهده کردند .

فلما رأینه أکبرنه . .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

یوسف(ع) و اتهام به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۵

۵ اجتناب یوسف ( ع ) از نسبت دادن دزدی به بنیامین

أن نأخذ إلّا من وجدنا متعنا عنده

آوردن عبارت <إلّا من وجدنا متعنا عنده> (مگر کسی که متاع خویش را نزد او یافتیم) به جای <إلّا من سرق متعنا> (مگر کسی که متاع ما را سرقت کرده باشد) گویای اجتناب یوسف از نسبت دادن سرقت به بنیامین است.

یوسف(ع) و ارزشها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ ارزش اعاده حیثیت و شرف بیش از ارزش رهایی از زندان و نجات از دشواری ها و مشکلات ، در بینش یوسف ( ع )

فلما جاءه الرسول قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه

یوسف(ع) و امدادهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ یوسف ( ع ) بدون امداد الهی ، خویشتن را از مقاومت در برابر خواست نامشروع زلیخا و همپالگی های او ناتوان می دید .

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

## ۱۲ احساس ناتوانی یوسف (ع

) از ترک گناه بدون امداد های الهی ، جلوه ای از اعتقاد او به ربوبیت خدا

رب . .. و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ یوسف ( ع ) جز به مشیت خدا و امداد او با هیچ سبب و مستمسکی ، نمی توانست بنیامین را نزد خویش نگه دارد .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلّا أن یشاء الله

یوسف(ع) و بازداشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۷

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف ( ع ) مجاز نبود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به <ملک> قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه <فما جزاؤه ...> در آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

یوسف(ع) و بت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۶

۱۶ < عن النبی ( ص ) فی قوله : < إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل > قال : سرق یوسف ( ع ) صنماً لجدّه أبی اُمّه من ذهب و فضّه ، فکسره و ألقاه فی الطریق ، فعیّره بذلک إخوته ;

از رسول خدا(ص)

درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: <إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل>: روایت شده است: یوسف، بتی از طلا و نقره را که از جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این کار سرزنش کردند>.

یوسف(ع) و برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱

۱ یعقوب ( ع ) ، فرزندش یوسف ( ع ) را از نقل خواب خویش برای برادرانش برحذر داشت .

یبنیّ لاتقصص رءیاک علی إخوتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ یادآوری داستان چاه کنعان از سوی یوسف ( ع ) به برادرانش ، محتوای وحی خداوند به یوسف ( ع )

و أوحینا إلیه لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۶

۱۶ < عن أبی جعفر ( ع ) : < . . . فعرفهم یوسف و لم یعرفه إخوته لهیبه الملک و عزّته . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . .. یوسف برادران خود را شناخت و آنان یوسف را به علت هیبت و شکوه پادشاهی نشناختند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۲۸

۲ یوسف ( ع ) بار آذوقه و جیره غذایی برادران را ، خود آماده کرد . *

و لما جهزهم بجهازهم

<تجهیز> (مصدر جهز) به معنای مهیا ساختن و آماده

کردن جهاز (زاد و توشه) است. ضمیر در <جهز> به یوسف(ع) برمی گردد. بنابراین <لما جهزهم ...> ; یعنی، پس آن گاه که یوسف(ع) بار و بنه و زاد و توشه برادرانش را آماده ساخت. البته این احتمال که اسناد <جهز> به یوسف(ع) مجازی باشد، بعید به نظر نمی رسد ; زیرا بسیار متعارف است که فعل کارگزاران به کارفرما اسناد داده می شود.

۸ یوسف ( ع ) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۲،۱۰

۲ یوسف ( ع ) خود به تجهیز و مهیّا کردن محموله برادران خویش پرداخت .

فلما جهّزهم بجهازهم

۱۰ < عن أبی جعفر ( ع ) : . . . و ارتحل القوم ( إخوه یوسف ) مع الرفقه فمضوا ، فلحقهم یوسف و فتیته فنادوا فیهم قال : < أیّتها العیر إنکم لسارقون > . . . > .

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. برادران یوسف با کاروانیان حرکت کردند و رفتند، سپس یوسف و افرادش به آنان ملحق شدند. آن گاه بین آنان ندا دادند و منادی چنین گفت: <أیّتها العیر إنکم لسارقون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۴،۱۶

۱۴ یوسف ( ع ) به فرزندان یعقوب گوشزد کرد که سخن آنان ( دزدی کردن برادر ابوینی بنیامین ) را باور ندارد .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

. .. و الله أعلم بما تصفون

جمله <و الله أعلم . ..> عطف بر <أنتم ...> است و هر دو مقول <قال> می باشند. و از آن جا که <قال> در مقابل <أسرّ> و <لم يبد> قرار گرفته، می توان گفت: مراد از <قول> ابراز کردن آن و آشکارا گفتن آن سخن است، نه آن که در دل خويش و زير لب گفته باشد.

۱۶ < عن النبی ( ص ) فی قوله : < إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل > قال : سرق يوسف ( ع ) صنماً لجدّه أبی اُمّه من ذهب و فضّه ، فكسره و ألقاه فی الطريق ، فعيّره بذلك إخوته ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا [كه به نقل از برادران يوسف] فرموده: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل>: روايت شده است: يوسف، بتی از طلاـ و نقره را كه از جدّ مادريش بود، دزديد و آن را شكست و در راه انداخت، پس برادران يوسف او را برای اين كار سرزنش كردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱،۹،۱۲

۱ عزيز مصر در پی مشاهده ذلت فرزندان يعقوب ، داستان ر ها كردن يوسف ( ع ) در چاه كنعان را به آنان يادآوری كرد .

قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه

مراد از <ما فعلتم بيوسف> و يا مصداق مورد نظر از آن، داستان رهاسازی يوسف(ع) در چاه كنعان است. گويا اين يادآوری همان است كه خداوند در آيه ۱۵ از همين سوره بيان داشت، بدين مضمون كه همانا اين واقعه (داستان چاه) را

در آینده به آنان گزارش خواهی کرد، در حالی که متوجه نیستند (تو را نمی شناسند).

۹ یوسف ( ع ) ضمن اعتراض به عملکرد ناصواب برادرانش ، عذر تقصیرشان ( جهل و نادانی ) را به آنان القا کرد .

إذ أنتم جهلون

یوسف(ع) با مقید کردن عملکرد ناصواب برادرانش به زمان جهل آنان (إذ أنتم جاهلون) اشاره به این معنا دارد که: من شما را معذور می شمرم چرا که در زمانی مرتکب خلاف شدید که نادان بودید.

۱۲ < عن أبی عبدالله ( ع ) : . . . کل ذنب عمله العبد و إن کان به عالماً فهو جاهل حین خاطر بنفسه فی معصیه ربه ، و قد قال فی ذلک تبارک و تعالی یحکی قول یوسف لإخوته : < هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون > فنسبهم إلی الجهل لمخاطرتهم بأنفسهم فی معصیه الله ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. هر گناهی را که بنده انجام دهد اگر چه به گناه بودن آن آگاه باشد نادان است ; زیرا خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته است. خدای تبارک و تعالی در همین مورد، قول یوسف را خطاب به برادرانش حکایت کرده که گفت: <هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون> [امام(ع) فرمود:] یوسف به آنان نسبت نادانی داد ; چون خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته بودند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۳،۱۶

۳ یوسف ( ع ) در پی پرسش برخاسته از شگفت زدگی و ناباوری

برادرانش ، تصريح كرد كه او همان يوسف است .

أءنک لأنت يوسف قال أنا يوسف

۱۶ يوسف ( ع ) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إنه من يتّق و يصبر فإن الله لايضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۱

۱ يوسف ( ع ) ، برتر و با فضيلت تر از ساير برادرانش بود .

لقد ءاثرک الله علينا

<ايثار> (مصدر آثر) به معناى برترى دادن و اختيار كردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۶،۱۳،۱۴

۶ يوسف ( ع ) از خداوند خواستار آمرزش خطا ها و گناهان برادرانش شد .

يغفر الله لكم

جمله <يغفر. ..> مى تواند دعايى باشد و مى تواند خبرى باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

۱۳ يوسف ( ع ) برادرانش را به آمرزش خدا و شمول رحمتش بر آنان نويد داد .

يغفر الله لكم و هو أرحم الرحمين

برداشت فوق بر اين اساس است كه <يغفر الله . ..> جمله اى خبرى باشد.

۱۴ يوسف ( ع ) با توجه دادن برادرانش به رحمت گسترده الهى ، آنان را به آمرزش گناهانشان اميدوار ساخت .

يغفر الله لكم و هو أرحم الرحمين

جمله <و هو . ..> حاليه است و به منزله تعليل براى <يغفر الله> مى باشد ; يعنى، چون <ارحم الراحمين> است، گناه شما

را می بخشاید. قابل ذکر است که یوسف با یادآوری این صـفت خداوند، پس از گذشت از گناه برادرانش، به این نکته اشاره می کند که: من از شما درگذشتم

پس او که از همه از من و غیر من مهربان تر است، بی هیچ تردید از شما خواهد گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱،۴،۹

۱ یوسف ( ع ) ، برادرانش را با پیراهنی خاص از خویش روانه کنعان کرد .

اذهبوا بقمیصی هذا

کلمه <هذا> گویای آن است که یوسف(ع) پیراهن خاصی را به برادرانش سپرد تا به کنعان ببرند.

۴ یوسف ( ع ) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب ( ع ) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند .

اذهبوا . .. فألقوه علی وجه أبی

برداشت فوق از حرف <فاء> در <فألقوه> استفاده شده است. <فألقوه> ; یعنی ، به مجرد رسیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

۹ یوسف ( ع ) از برادران خویش خواست تمام اهل و عیالشان ( خاندان یعقوب ) را به مصر کوچ دهند .

وأتونی بأهلکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۱

۲۱ شیطان با وسوسه ها و دسیسه های خویش ، میان یوسف ( ع ) و برادرانش فسادانگیزی کرد .

من بعد أن نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

<نزغ> به معنای تحریک کردن بر فساد است و مراد از <نزغ شیطان> وسوسه هایی است که او برای ایجاد فساد به انسانها القا می کند.

یوسف(ع) و بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۸

۸ اشتیاق وافر یوسف ( ع ) به بنیامین و دیدار او

ائتونی بأخ

لکم . .. فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی و لاتقربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۲،۷

۲ یوسف ( ع ) در پی ملاقات با برادرانش ، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد .

و لما دخلوا . .. ءاوی إلیه أخاه

۷ یوسف ( ع ) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱

۱ طرح و نقشه یوسف ( ع ) برای نگاهداشتن بنیامین نزد خویش

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۴،۵،۲۱

۴ طرح و نقشه یوسف ( ع ) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلک کدنا لیوسف

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف ( ع ) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

کذلک کدنا لیوسف

<کذلک> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

۲۱ موفقیت یوسف ( ع ) در طرح و اجرای نقشه برای نگه داشتن بنیامین ، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از

دانش افزون تر وی

کذلک کدنا

لیوسف . .. نرفع درجت من نشاء و فوق کل ذی علم علیم

مصداق مورد نظر برای <من نشاء> یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱

۱ یوسف ( ع ) بنیامین را بازداشت کرد و از رفتن او به همراه برادرانش جلوگیری کرد .

فهو جزؤه . .. قالوا یأیها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا

---

الدرالمنثور، ج۴، ص۵۶۴.

یوسف(ع) و بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ یوسف ( ع ) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

یوسف(ع) و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف ( ع ) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱،۷،۱۴،۱۶،۱۷،۱۸

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف ( ع ) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملک ائتونی به

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف ( ع ) برای بیرون

آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۱۴ یوسف ( ع ) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۶ یوسف ( ع ) در پیامش به پادشاه ، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان ها معرفی کرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۷ یوسف ( ع ) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فسئله ما بال النسوه . .. إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۸ یوسف ( ع ) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳،۱۲،۱۳

۳ یوسف ( ع ) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

۱۲ یوسف ( ع ) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لایهدی . ..> عطف بر <أنی ...>

است ; یعنی: <ذلـک لیعلم أن الله ...>. این بـدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بدانـد که خداونـد مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

۱۳ تلاـش یوسـف ( ع ) برای متـوجه سـاختن پادشـاه مصـر به نقش تعیین کننـده سـنن و اراده الهی در شـکل گیری حوادث و رخدادها

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

یوسف(ع) و پیشگیری از قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۲

۲ پیشـگیری از بروز فـاجعه برای مردم مصـر به سـبب قحطی و خشـکسالی ، از هـدف هـای یوسـف ( ع ) در تقاضـای منصـب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

یوسف(ع) و پیشنهاد برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱

۱ یوسف ( ع ) پیشنهاد فرزندان یعقوب ( بازداشت یکی از آنان به جای بنیامین ) را نپذیرفت .

فخذ أحدنا مکانه . .. قال معاذ الله أن نأخذ إلاّ من وجدنا

<معـاذ> مصـدر میمی و مفعول مطلق برای فعـل محـذوف است (نعوذ بـالله معاذاً). عبارت <أن نأخـذ> به تقـدیر <من> و متعلق به <معـاذ الله> می باشـد. بنـابراین جمله <معـاذ الله أن نأخـذ ...> ; یعنی، به خـدا پنـاه می بریم پنـاه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

یوسف(ع) و ترک گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ احساس ناتوانی یوسف ( ع ) از ترک گناه بدون امداد های الهی ، جلوه ای از اعتقاد

او به ربوبیت خدا

رب . .. و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

یوسف(ع) و تصدی امور غذایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۳،۴

۳ یوسف ( ع ) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم>تعلیل برای <اجعلنی. ..>است.

۴ یوسف ( ع ) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبار های غذایی از حیف و میل شدن ، توانا بود .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

یوسف(ع) و توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۳

۳ یوسف ( ع ) ، برای هم بندان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش ، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد .

ما تعبدون من دونه إلّا أسماءً . .. ذلک الدین القیم

یوسف(ع) و توزیع غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱

۱ یوسف ( ع ) بر توزیع ارزاق ذخیره شده در مصر ، نظارت مستقیم داشت .

و جاء إخوه يوسف . .. و لما جهزهم بجهازهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۱

۱ يوسف ( ع ) در سال هاى قحطى ، سهميه و جيره افراد را طبق برنامه اى زمانبندى شده در دفعات متعدد تحويل مى داد .

و لما جهزهم بجهازهم . .. فإن لم تأتونى به فلاكيل لكم

<كيل> به معناى اسم مفعول

(مکیل) می باشد و مراد از آن طعام و غلات است. نامیدن غله به <کیل> بدان جهت است که برای تحویل، آنها را پیمانه می کردند و این بر سهمیه بندی دلالت دارد. از جمله <فإن لم تأتونی به ...> (اگر در سفر آینده و نوبت بعد بنیامین را نزد من نیاورید ...) معلوم می شود غله در دفعات متعدد و طبعاً زمان بندی شده پرداخت می گردید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۲ – ۱۱

۱۱ یوسف ( ع ) دارای اختیارات ویژه در توزیع غلات و آذوقه های ذخیره شده *

قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

از اینکه یوسف(ع) پرداخت سهمیه فرزندان یعقوب در نوبتهای بعد را در صورت همراه نداشتن بنیامین ، ممنوع کرد ، برداشت فوق استفاده می شود. باز گرداندن بضاعت برادرانش به خودشان نیز می تواند تأیید کننده اختیارات ویژه او باشد.

یوسف(ع) و تهدیدهای زلیخا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۳ – ۱

۱ یوسف ( ع ) حافظ عفت خویش وبی اعتنا به تهدید های زلیخا

قال رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

یوسف(ع) و تهمتهای برادران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۷ – ۹،۱۴

۹ یوسف ( ع ) در برابر سخن ناحق برادرانش ( مطرح کردن سرقت دروغین او ) از خود دفاع نکرد .

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرّها> و <لم یبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرایی که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح

ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرّها ...> ; یعنی، یوسف(ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۴ یوسف ( ع ) به فرزندان یعقوب گوشزد کرد که سخن آنان ( دزدی کردن برادر ابوینی بنیامین ) را باور ندارد .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل . .. و الله أعلم بما تصفون

جمله <و الله أعلم . ..> عطف بر <أنتم ...> است و هر دو مقول <قال> می باشند. و از آن جا که <قال> در مقابل <أسرّ> و <لم یبد> قرار گرفته، می توان گفت: مراد از <قول> ابراز کردن آن و آشکارا گفتن آن سخن است، نه آن که در دل خویش و زیر لب گفته باشد.

یوسف(ع) و تهمتهای زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱

۱ دفاع یوسف ( ع ) از خویش ، در برابر اتهام زلیخا

قال هی رودتنی عن نفسی

یوسف(ع) و حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ یوسف ( ع ) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون . .. إلاّ قلیلاً مما تأکلون

یوسف(ع) و خدمات زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ یوسف ( ع ) به پاس خدمات زلیخا به او ، شکایتی علیه وی به پادشاه نکرد .

فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

با وجود اینکه زلیخا

نیز همانند دیگر زنان اشراف در گرفتاریهای یوسف(ع) و متهم ساختن او نقشی بسزا داشت، ولی یوسف(ع) از او نام نمی برد و علیه او سخنی به پادشاه نمی گوید. به نظر می رسد دلیل این امر خدماتی است که زلیخا در عهد کودکی و نوجوانی یوسف(ع) برای وی انجام داده بود.

یوسف(ع) و خواسته های زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۹،۱۰،۲۸

۹ یوسف ( ع ) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و سلطه ظاهری زلیخا بر او ، تمنّای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد .

رودته . .. و قالت هیت لک قال معاذ الله

<معاذ> مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر <أعوذ> است ; یعنی ، <أعوذ بالله معاذاً>.

۱۰ یوسف ( ع ) در برابر صحنه های پر جاذبه شهوانی ( تمنّای زلیخا ، ابراز اشتیاق او ، خلوت بودن قصر و بسته بودن درب ها ) به خدا پناه برد .

قال معاذ الله

۲۸ یوسف ( ع ) ، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را ، مصداقی از ستم کاری می دانست .

إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۸،۱۹

۱۸ یوسف ( ع ) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را ، سقوط به ورطه سفاهت و بی خردی می دانست .

و إلاّ تصرف . .. أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق

، ناظر به معنای نخست است.

۱۹ یوسف ( ع ) ، ارتکاب گناه و پـذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش می دانست .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنا می توان گفت: مقصود یوسف(ع) از جاهل شدن ، سلب گشتن علم و حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتیناه حکماً و علماً) <آیه ۲۲>.

یوسف(ع) و درخواست تحقیق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۰ – ۶،۷،۸

۶ یوسف ( ع ) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف ( ع ) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی ، هدف یوسف ( ع ) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف ( ع ) بریدند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

یوسف(ع) و دزدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ –

۱۵ < عن الرضا ( ع ) فی قول الله : < إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل . . . > قال : کانت لإسحاق النبی ( ع ) منطقه . . . و کانت عند عمّه یوسف و کان یوسف عندها . . . فربطتها فی حقوه . . . و قالت : سرقت المنطقه فوجدت علیه . . . ;

از حضرت امام رضا(ع) درباره سخن خدا که [به نقل از برادران یوسف] فرمود: <إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل . ..> روایت شده است که فرمود: اسحاق پیامبر کمربندی داشت ... که در نزد عمّه یوسف بود و یوسف نیز در نزد عمّه خود بود ... پس عمّه کمربند را به کمر او بست ... و گفت: کمربند به سرقت رفته و سپس در کمر یوسف پیدا شد ...>.

۱۶ < عن النبی ( ص ) فی قوله : < إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل > قال : سرق یوسف ( ع ) صنماً لجدّه أبی اُمّه من ذهب و فضّه ، فکسره و ألقاه فی الطریق ، فعیّره بذلک إخوته ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: <إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل>: روایت شده است: یوسف، بتی از طلاـ و نقره را که از جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این کار سرزنش کردند>.

یوسف(ع) و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۴،۷

۲ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) را فاش ساخت .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

۴ یوسف ( ع ) ، پیرو شریعت پدرانش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

۷ پیروی یوسف ( ع ) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت . .. واتبعت ملّه ءاباءِی

جمله <اتبعت . ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

یوسف(ع) و دین اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۴،۷

۴ یوسف ( ع ) ، پیرو شریعت پدرانش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

۷ پیروی یوسف ( ع ) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت . .. واتبعت ملّه ءاباءِی

جمله <اتبعت . ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند

که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

یوسف(ع) و دین مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۳،۱۴

۱۳ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و ناباور به قیامت را ، ابراز داشت .

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

۱۴ پیروی نکردن یوسف ( ع ) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون

جمله <إنی ترکت . ..> تعلیل برای <علمنی ربی> می باشد ; یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

یوسف(ع) و دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۴،۷

۴ یوسف ( ع ) ، پیرو شریعت پدرانش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

۷ پیروی یوسف ( ع ) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب ( ع ) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت . .. واتبعت ملّه ءاباءِی

جمله <اتبعت . ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می

کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

یوسف(ع) و ذخیره سازی غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۶

۶ یوسف ( ع ) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امرکشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۲

۲ یوسف ( ع ) در طی هفت سال آبادانی ، به کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات برای دوران قحطی کاملاً موفق شد .

و جاء إخوه یوسف

یوسف(ع) و ذلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲

۲ زندانی شدن و خوار گشتن ، محبوب تر از گناه و معصیت ، در پیش حضرت یوسف ( ع ) و بندگان مخلص خدا

قال رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

یوسف(ع) و ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۷

۱۷ یوسف ( ع ) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فسئله

ما بال النسوه . .. إن ربی بکیدهنّ علیم

یوسف(ع) و رد دعوت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ یوسف ( ع ) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلی ربک . .. ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم . ..> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله ...> عطف بر <أنی لم أخنه ...> باشد ; یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی ...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است برنمی آید.

یوسف(ع) و زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۴،۲۰،۲۱،۲۲

۴ یوسف ( ع ) ، همواره از پذیرش تقاضای زلیخا ( درخواست وصال و آمیزش ) امتناع میورزید .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در معنای مراوده ، کشمکش و نزاع میانِ طرفین را قید کرده و گفته اند: <مراوده> این است که یک طرف خواهان چیزی و دیگری غیر آن را خواهان است. برداشت فوق ، براساس این معناست.

۲۰ یوسف ( ع ) در برابر زلیخا تصریح کرد

که تنظیم جریان زندگی او ، به عنایت و تدبیر خداوند بوده است .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

ضمیر در <إنه> به <الله> باز می گردد و در برداشت فوق، جمله <إنه ربی> تعلیل برای <معاذ الله> گرفته شده است. بر این اساس مفاد جمله فوق، چنین می شود: من [از این امر فریبنده] به خدا پناه می برم و او مرا یاری خواهد کرد ; زیرا او مدبر امور من و تربیت کننده من است.

۲۱ یوسف ( ع ) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا ، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت ، قدرشناسی و سپاس دانست .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۲۲ یوسف ( ع ) ، پذیرفتن تمنای زلیخا ( درخواست وصال و آمیزش ) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۳،۵

۳ توانایی جسمی و جنسی یوسف ( ع ) ، برای کام جویی از زلیخا

و لقد همّت به و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

قرآن، پس از بیان این که زلیخا تمام شرایط کام جویی را برای یوسف فراهم ساخته بود و موانع را برطرف کرده بود، با جمله <همّ بها لولا. ..> تنها مانع یوسف(ع) را، مشاهده برهان الهی معرفی کرد تا گمان نشود که او گرایشی به امور جنسی نداشت و از آمیزش با زنان ناتوان بود.

۵ خداوند ، با ارائه برهان به یوسف ( ع ) ، او را از آمیزش با زلیخا ( زنا ) و نگاه های شهوانی به وی

، حفظ کرد و مصون داشت .

کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچك است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش، و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۲،۵،۹

۲ یوسف ( ع ) برای نجات خویش از درآویختن زلیخا با او ، به طرف درب خروجی فرار کرد .

و لقد همّت به . .. واستبقا الباب

معرفه آوردن <الباب>، اشاره به دربی خاص دارد که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن درب خروجی است.

۵ یوسف ( ع ) در تعقیب و گریزش با زلیخا ، زودتر از وی به درب خروجی رسید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۹ یوسف ( ع ) و زلیخا ، پس از تعقیب و گریز و باز شدن درب ، با عزیز مصر در آستانه آن درب برخورد کردند .

و ألفیا سیدها لدا الباب

<إلفاء> (مصدر ألفیا) به معنای یافتن و مواجه شدن است. <سیّد> به معنای شریف و دارای مجد است ، و مراد از آن در این جا ، شوهر است.

یوسف(ع) و ساقی

پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱

۱ یوسف ( ع ) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف ( ع ) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

یوسف(ع) و سرزنش برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۳،۴

۳ یوسف ( ع ) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد ، بلکه از سرزنش آنان نیز پرهیز نمود .

لاتثریب علیکم

<تثریب> به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (برگرفته شده از لسان العرب).

۴ یوسف ( ع ) پس از اعتراف برادرانش به خطا ، هر گونه سرزنش آنان را از ناحیه خویش و دیگران ، ناروا شمرد .

لاتثریب علیکم الیوم

کلمه <تثریب> نکره است و پس از حرف نفی (لا) قرار گرفته است. از این رو شامل هر گونه ملامت می شود. یاد نکردن از فاعل (سرزنش کننده) دلالت بر عموم دارد ; یعنی، هیچ کس نه من و نه دیگری. جمله <لاتثریب علیکم الیوم> جمله ای خبری و در مقام انشا و دستور است ;

یعنی، نباید شما ملامت شوید و یا نباید هیچ کس شما را ملامت کند.

یوسف(ع) و سهمیه بندی غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۱

۱ یوسف ( ع ) در سال های قحطی ، سهمیه و جیره افراد را طبق برنامه ای زمانبندی شده در دفعات متعدد تحویل می داد .

و لما جهزهم بجهازهم . .. فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم

<کیل> به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن طعام و غلات است. نامیدن غله به <کیل> بدان جهت است که برای تحویل، آنها را پیمانه می کردند و این بر سهمیه بندی دلالت دارد. از جمله <فإن لم تأتونی به ...> (اگر در سفر آینده و نوبت بعد بنیامین را نزد من نیاورید ...) معلوم می شود غله در دفعات متعدد و طبعاً زمان بندی شده پرداخت می گردید.

یوسف(ع) و صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۳

۲۳ ملحق شدن به صالحان در سرای آخرت ، از تقاضا های یوسف ( ع ) در نیایشش به درگاه خداوند

و ألحقنی بالصلحین

یوسف(ع) و ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۸،۱۰

۸ استعاذه یوسف ( ع ) به خداوند از روا داشتن ظلم و ستم

قال معاذ الله . .. إنا إذًا لظلمون

۱۰ یوسف ( ع ) و کارگزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در مصر ، از هر$ گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان .

.. إنا إذًا لظلمون

مقصود یوسف از ضـمیرهای متکلم مع الغیر <نـا> و <نحن> در حقایقی که مطرح کرد (أن نأخـذ . .. إنا إذًا لظالمون) خود او و کارگزارانش می باشد.

یوسف(ع) و ظلم برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱

۱ یوسف ( ع ) ستم های برادرانش را در حق خویش نادیده گرفت و آنان را بخشود .

قال لاتثریب علیکم

روا نداشـتن سـرزنش برادران که جمله <لاتثریب . ..> گویای آن است ، می رساند که یوسف(ع) آنان را مورد عفو خویش قرار داد.

یوسف(ع) و عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۹

۹ یوسف ( ع ) و زلیخا ، پس از تعقیب و گریز و باز شدن درب ، با عزیز مصر در آستانه آن درب برخورد کردند .

و ألفیا سیدها لدا الباب

<إلفاء> (مصـدر ألفیا) به معنای یافتن و مواجه شـدن است. <سـیّد> به معنای شـریف و دارای مجد است ، و مراد از آن در این جا ، شوهر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۲

۲ یوسف ( ع ) در نزد عزیز مصر ، تمنای نامشروع زلیخا و استنکاف خویش را فاش ساخت ، و خود را از هر گونه اراده سوئی مبرّا دانست .

قال هی رودتنی عن نفسی

ترکیبهـایی نظیر <هی رودتنی> و <أنـا قمت> که مبتـدا در معنـا فاعل است و خبر آن فعل می باشـد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر

حصـر دارد. و از آن جـا که یوسـف(ع) در مقـام رفـع اتهـام از خویش بود، معلوم می شود او از جمله <هی رودتنی> معنـای حصــر را اراده کرده اسـت. بنــابراین <هی راودتنی> ; یعنی، او (زلیخـا) از مـن درخـواست کـام جـویی داشـت و مـن چنین درخواستی نداشتم و استنکاف ورزیدم.

یوسف(ع) و علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۵،۱۶

۱۵ تأکید یوسف ( ع ) بر آگاهی کامل خداوند به کید زنان اشراف درباره او

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۶ یوسف ( ع ) در پیامش به پادشاه ، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان ها معرفی کرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

یوسف(ع) و عوامل انحطاط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ یوسف ( ع ) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را ، سقوط به ورطه سفاهت و بی خردی می دانست .

و إلاّ تصرف . .. أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

جهـل به معنـای سـفاهت در مقابـل عقـل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشـد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخسـت است.

یوسف(ع) و عوامل سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ یوسف ( ع ) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را ، سقوط به ورطه سفاهت و بی خردی می دانست .

و إلّا تصرف . .. أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

جهل به معناى سفاهت در مقابل عقل ، و

نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

یوسف(ع) و فروش غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱

۱ یوسف ( ع ) سهمیه افراد را به آنان می فروخت و بهای آن را دریافت می کرد .

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

<بضاعه> به مالی که برای تجارت و خرید و فروش است گفته می شود. بنابراین مراد از <بضاعتهم> مالی است که برادران یوسف در مقابل دریافت سهمیه به او پرداخته بودند.

یوسف(ع) و فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) از فقیران و تهیدستان برای پرداخت سهمیه شان ، بهایی دریافت نمی کرد .

مسّنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <أوف لنا الکیل> به وسیله <فاء> بر <مسنا و أهلنا الضر . ..> است.

یوسف(ع) و قصه مهمانان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف ( ع ) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

یوسف(ع) و قوانین مصر باستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۱۰

۱۰ یوسف ( ع ) در

زمان وزارتش ، نمی توانست با قوانین و مقررات حکومت مصر مخالفت کند .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

یوسف(ع) و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۲

۲۲ یوسف ( ع ) ، پذیرفتن تمنای زلیخا ( درخواست وصال و آمیزش ) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربی أحسن مثوای

یوسف(ع) و کمربند اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۵

۱۵ < عن الرضا ( ع ) فی قول الله : < إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل . . . > قال : کانت لإسحاق النبی ( ع ) منطقه . . . و کانت عند عمّه یوسف و کان یوسف عندها . . . فربطتها فی حقوه . . . و قالت : سرقت المنطقه فوجدت علیه . . . ;

از حضرت امام رضا(ع) درباره سخن خدا که [به نقل از برادران یوسف] فرمود: <إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل . ..> روایت شده است که فرمود: اسحاق پیامبر کمربندی داشت ... که در نزد عمّه یوسف بود و یوسف نیز در نزد عمّه خود بود ... پس عمّه کمربند را به کمر او بست ... و گفت: کمربند به سرقت رفته و سپس در کمر یوسف پیدا شد ...>.

یوسف(ع) و کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۵

۵ یوسف ( ع ) از نابینا شدن پدرش آگاه شده

بود .

یأت بصیرًا

یوسف(ع) و کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزه بودن از کینه توزی و حسّ انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف ( ع )

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

یوسف(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲،۷

۲ زندانی شدن و خوار گشتن ، محبوب تر از گناه و معصیت ، در پیش حضرت یوسف ( ع ) و بندگان مخلص خدا

قال رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

۷ یوسف ( ع ) نگران تأثیر مکر و حیله زلیخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

یوسف(ع) و مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۴

۴ احترام ویژه یوسف ( ع ) به پدر و مادر خویش

و رفع أبویه علی العرش

یوسف(ع) و مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۷،۸،۹

۷ یوسف ( ع ) علی رغم ترغیب و تهدید برادران و نیز آماده سازی همه زمینه های مراجعت آنان ، اطمینان به بازگشت آنان نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم یرجعون

۸ یوسف ( ع ) به آمدن برادرش بنیامین به مصر علاقه ای وافر داشت و بدان امید بسته بود .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم . .. لعلهم یرجعون

۹ طرح و نقشه یوسف

( ع ) برای مسافرت بنیامین از کنعان به مصر

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم . .. اجعلوا بضعتهم فی رحالهم ... لعلهم یرجعون

یوسف(ع) و مشیت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۱۵

۱۵ یوسف ( ع ) جز به مشیت خدا و امداد او با هیچ سبب و مستمسکی ، نمی توانست بنیامین را نزد خویش نگه دارد .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلاّ أن یشاء الله

یوسف(ع) و مصریان باستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۷ – ۸

۸ هفت سال تلاش برای تولید غله ، ذخیره سازی غله ها با خوشه های آن ، صرفه جویی در مصرف ، توصیه های یوسف ( ع ) به مردم مصر برای مصون ماندن از مشکلات دوران هفت ساله قحطی و خشکسالی

قال تزرعون سبع سنین دأبًا

برخی برآننـد که رؤیـای پادشـاه اشـاره ای به دسـتورالعملها و چـاره اندیشـیها نـدارد و تـدبیرهایی که یوسف(ع) بیان داشـته و دستوراتی که صادر کرده از دانشی خدادادی او بوده و ارتباطی به رؤیای پادشاه ندارد. برداشت فوق بر اساس این نظر است.

یوسف(ع) و معبودان باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۰ – ۳

۳ یوسف ( ع ) ، برای هم بندان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش ، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد .

ما تعبدون من دونه إلاّ أسماءً . .. ذلک الدین القیم

یوسف(ع) و مکر زلیخا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۳ – ۷،۱۱

۷ یوسف ( ع ) نگران تأثیر مکر و حیله زلیخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

۱۱ یوسف ( ع ) ، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . .. و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

<صبو> (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إلّا تصرف ...> (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

یوسف(ع) و مکر زنان اشراف مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۳ – ۷،۱۱

۷ یوسف ( ع ) نگران تأثیر مکر و حیله زلیخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

۱۱ یوسف ( ع ) ، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . .. و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

<صبو> (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إلّا تصرف ...> (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

یوسف(ع) و ملاقات

با برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۸،۱۴،۱۵

۸ خداوند یوسف ( ع ) را از طریق وحی به نجات یافتن از چاه کنعان و دیداری مجدد با برادرانش ، نوید داد .

و أوحینا إلیه لتنبئنّهم بأمرهم هذا

جمله <لتنبئنّهم> (همانا این واقعه را در آینده به برادرانت یادآوری خواهی کرد) دلالت بر نجات یوسف از چاه دارد و نیز حاکی از این است که او برادرانش را در آینده ملاقات خواهد کرد.

۱۴ خداوند به یوسف ( ع ) خبر داد که ملاقات او با برادرانش ، پس از داستان چاه کنعان ، در آینده ای دور تحقق خواهد یافت .

لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

جمله حالیه <و هم لایشعرون> متعلق به <لتنبئنّ> است ; یعنی، به آنان خبر می دهی در حالی که متوجه نیستند [و تو را نمی شناسند]. از اینکه هیچ یک از برادران یوسف به هنگام ملاقات با وی، او را نخواهند شناخت، معلوم می شود ملاقات مذکور با فاصله زمانی بسیار اتفاق خواهد افتاد.

۱۵ سلطه داشتن یوسف ( ع ) بر برادرانش در دیدار مجدد ، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف ( ع ) در چاه کنعان

و أوحینا إلیه لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لایشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را

نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان هستی.

یوسف(ع) و ملاقات با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۹،۱۲

۹ یوسف ( ع ) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

ائتونی بأخ لکم من أبیکم ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

جمله <ألاـ ترون . ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <ائتونی بأخ لکم> بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

۱۲ یوسف ( ع ) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون . .. أنا خیر المنزلین

یوسف(ع) و ملاقات بابنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۲،۳

۲ یوسف ( ع ) به برادرانش خاطر نشان ساخت که تنها در صورتی غله نوبت بعد را دریافت خواهند کرد که بنیامین را همراه خود بیاورند .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی

۳ یوسف ( ع ) به برادرانش اعلام کرد در صورتی که بنیامین را در نوبت بعد همراه نیاورند ، نباید به بارگاه او حاضر شوند .

فإن لم تأتونی به . .. و لاتقربون

نون مکسور در <لاتقربون> نون وقایه و حاکی از یای متکلم محذوف است. بنابراین <لاتقربون> ; یعنی، نزد من نیایید.

یوسف(ع) و ملائکه

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۳

۲۳ زنان اشراف ، یوسف ( ع ) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

إن هذا إلّا ملک کریم

یوسف(ع) و منّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۵

۵ فرزندان یعقوب به وی خاطرنشان کردند که عزیز مصر ( یوسف ) بدون آگاهی ایشان و بدون کمترین امتنانی ، بضاعت آنان را بازگردانده است .

هذه بضعتنا ردّت إلینا

آوردن فعل <رُدّت> به صورت مجهول و یاد نکردن از فاعل آن برای رساندن این معناست که باز گرداننده به گونه ای عمل کرده که ما متوجّه او نشویم و احساس کوچکی و شرمندگی نکنیم.

یوسف(ع) و نقل رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱

۱ یعقوب ( ع ) ، فرزندش یوسف ( ع ) را از نقل خواب خویش برای برادرانش برحذر داشت .

یبنیّ لاتقصص رءیاک علی إخوتک

یوسف(ع) و وزارت کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱

۱ یوسف ( ع ) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدّیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به

من بسپار ; یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غلّه در اختیار من باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف ( ع ) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض . .. و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

یوسف(ع) و همبندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲،۵

۲ یوسف ( ع ) اقبال هم بندانش را به او غنیمت شمرد و به ارشاد و هدایت آنان پرداخت .

إنا نریک من المحسنین . .. ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله

۵ یوسف ( ع ) ، بهره مندی خویش از علم غیب را برای هم بندان زندانیش فاش ساخت .

ذلکما مما علمنی ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۳،۴،۷

۳ یوسف ( ع ) ، هم بندان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد

۴ یوسف ( ع ) ، با طرح سؤال و برانگیختن وجدان هم بندان خویش ، حقانیّت توحید و یکتاپرستی را برای آنان مطرح ساخت .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد القهار

۷ یوسف ( ع ) از هم بندان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد ، عقیده درست را

برگزينند .

ءأرباب متفرقون خير أم الله الوحد القهار

**جلد**

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۳

۳ یوسف ( ع ) ، برای هم بندان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش ، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد .

ما تعبدون من دونه إلّا أسماءً . .. ذلک الدین القیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۵

۵ یوسف ( ع ) ، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را ، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضی الأمر ...> ; یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

یوسف(ع) و همسر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف ( ع ) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

یوسف(ع) و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۵

۵ یوسف ( ع ) رؤیای شگفت خویش را برای پدرش ( یعقوب ( ع ) ) بیان کرد .

إذ قال یوسف لأبیه یأبت إنی رأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۴،۸

۴ احترام ویژه یوسف ( ع ) به پدر و مادر خویش

و رفع أبویه علی العرش

۸ یوسف ( ع ) پس از ورود خانـدانش به مصـر ، خلاصه ای از سـرگذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب ( ع ) بازگو کرد .

یأبت . .. قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱

۱ یوسف ( ع ) ، پس از برشـمردن احسان ها و نعمت های خـدادادیش برای یعقوب ( ع ) ، به سـتایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتیتنی . .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

یوسف(ع) هنگام قحطی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ یوسف ( ع ) در زمان قحطی مصر ، پادشاه آن دیار نبود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۵

۵ یوسف ( ع ) ، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یأیها العزیز

## یوشع بن نون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{یوشع بن نون}

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۴،۵،۱۴،۱۵،۲۵

۴ یوشع و کالب از یاران خداترس موسی ( ع )

قال رجلان من الذین یخافون انعم اللّه علیهما

بسیاری از مفسران برآنند که مقصود از <رجلان>، یوشع و کالب می باشد.

۵ خداترسی یوشع وکالب ، بر انگیزنده احساس مسؤولیت آنان در برابر فرمان های موسی ( ع )

قال رجلان من الذین یخافون . .. ادخلوا علیهم الباب

۱۴ تاختن بر جباران سرزمین مقدس و گشودن دروازه آن ، طرح پیشنهادی یوشع و کالب برای فتح بی درنگ آن سرزمین

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

۱۵ آگاهی یوشع و کالب از روش برخورد با جباران سرزمین مقدس برای دستیابی به پیروزی

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

۲۵ دعوت یوشع بن نون و کالب بن یافنا ( عموزاده های حضرت موسی ( ع ) ) ، از بنی اسرائیل برای ورود به سرزمین مقدس

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: احدهما یوشع بن نون و الاخر کالب بن یافنا قال: و هما ابنا عمه . .. .

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۶۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۶، ح ۱۱۳.

تبلیغ یوشع بن نون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۲۴

۲۴ تبلیغات یاوران خداترس موسی ( ع ) ( یوشع و کالب ) به هدف برانگیختن و بسیج بنی اسرائیل برای هجوم به سرزمین

مقدس و نبرد با زورگویان

قال رجلان . ..

ان كنتم مؤمنين

دعوت یوشع بن نون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۲،۱۹

۱۲ یوشع و کالب ، در عین ترس از دشمن ، مردم را برای یورش به سرزمین مقدس فرا خواندند .

قال رجلان من الذين يخافون

برداشت فوق مبنی بر این است که مفعول محذوف <یخافون>، <جبارین> باشد.

۱۹ یوشع و کالب برای مقابله با زورگویان و پیروزی بر آنان ، قوم موسی ( ع ) را به تلاش همراه با توکل بر خدا فرا خواندند .

ادخلوا عليهم الباب . .. فانكم غلبون و على اللّه فتوكلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۳

۳ بی اعتنایی قوم موسی ( ع ) به فراخوانی یوشع و کالب برای یاری موسی ( ع ) در مبارزه با جباران

ادخلوا عليهم الباب . .. قالوا يموسى إنّا لن ندخلها

بنی اسرائیل پس از شنیدن سخنان یوشع و کالب، حضرت موسی(ع) را مخاطب قرار دادند تا بی اعتنایی و بی توجهی خود را به دعوت آن دو نفر اعلام کرده باشند.

فضایل یوشع بن نون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۶

۶ یوشع و کالب ، مردانی بهره مند از نعمت های خداوند

قال رجلان . .. انعم اللّه عليهما

یوشع بن نون و بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۳ – ۱۹

۱۹ یوشع و کالب برای مقابله با زورگویان و پیروزی بر آنان ، قوم موسی

( ع ) را به تلاش همراه با توکل بر خدا فرا خواندند .

ادخلوا علیهم الباب . .. فانکم غلبون و علی اللّه فتوکلوا

## یوشع(ع)از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

استراحت یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۱،۴

۱- موسی ( ع ) و همسفرش ، کنار صخره ای در مجمع البحرین ، آرمیدند .

إذ أوینا إلی الصخره

۴- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی ( ع ) ، در مدّت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أرءیت إذ أوینا إلی الصخره فإنّی نسیت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است. <أوینا إلی الصخره> یعنی: <برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.>.

اهداف مسافرت یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۲

۲- هدف موسی ( ع ) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود ، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود .

فارتّدا . .. فوجدا عبدًا من عبادنا ... و علّمنه من لدنّا

واژه <وجدا> بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستوجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. <لدنا> دلالت می کند که علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

بازگشت یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۴ – ۴

۴- موسی ( ع ) و همسفرش ، پی جویانه ، به نقطه قبلیِ توقّف خود و محل از دست دادن ماهی بازگشتند .

فارتّدا

علی ءاثارهما قصصًا

<إرتداد> (مصدر <إرتّدا)؛ یعنی، <بازگشتن> و <قصّ أثره قَصَصاً>؛ یعنی، جاب پای او را با دقت، دنبال و پی گیری کرد. مراد از <فارتّدا...> این است که موسی(ع) و همراه او، به دقت، راه رفته را بازگشتند تا به همان نقطه که ماهی به دریا رفته بود، بازگردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسی ( ع ) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرین ، با خضر ( ع ) ملاقات کردند .

فارتّدا علی ءاثارهما قصصًا . فوجدا

بینش یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۶

۶- خدمت کار موسی ، غفلت خود را از یادآوری ماجرای ماهی به موسی ( ع ) ، ناشی از نفوذ شیطان در خود دانست .

و ما أنسنیه إلاّ الشیطن أن أذکره

تعجب یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۱۰

۱۰- فرو غلتیدن ماهی و حرکت آن در آب در نظر همسفر موسی به گونه ای غیرعادی و عجیب بوده است .

واتخذ سبیله فی البحر عجبًا

تلاش یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۳

۳- موسی و یوشع ، در شبانگاه و صبح دم پس از عبور از مجمع البحرین برای یافتن خضر ( ع ) راه درازی پیمودند . *

**ءاتنا غداءنا**

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی(ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب

باشد.

جانشینی یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱۲

۱۲- < عن أبی جعفر ( ع ) : کان وصیّ موسی بن عمران ، یوشع بن نون و هو فتاه الذی ذکر اللّه فی کتابه ;

از امام باقر(ع) روایت شده: جانشین موسی بن عمران، یوشع بن نون بود و او، همان جوان همراه موسی(ع) بود که خداوند، او را در قرآن یاد کرده است>.

جدایی یوشع(ع) و موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۳

۳- همسفر موسی ( ع ) ( یوشع ) با آغاز سفر موسی و خضر ( ع ) ، از آنان جدا شد . *

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

در این آیه، نامی از همسفر قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمایر تثنیه (<فانطلقا>، <رکبا>) گواهی روشن بر این نکته است.

جهل یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۳

۳- همسفر موسی ، با وجود ناآگاهی از علائم جایگاه ملاقات او با خضر ، همگام موسی ( ع ) وخواهان به مقصد رسیدن او بود .

ذلک ما کنّا نبغ

خستگی یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۲

۲- موسی ( ع ) در پی گذر کردن و پشت سر گذاشتن مجمع البحرین ، گرسنگی و خستگی شدیدی را در خود و همسفرش احساس

کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

<نصب> به معنای <رنج و سختی> است.

خواسته های یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۳

۳- همسفر موسی ، با وجود ناآگاهی از علائم جایگاه ملاقات او با خضر ، همگام موسی ( ع ) وخواهان به مقصد رسیدن او بود .

ذلک ما کنّا نبغ

درخواست صبحانه از یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۵

۵- موسی ( ع ) پس از گذر از مجمع البحرین ، در آغاز روز ، از همسفر خویش درخواست تهیه چاشت کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<غداء> به معنای طعامی است که در ساعات آغازین روز خورده می شود.

طعام یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۲،۳

۲- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرین ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

<حوت> یعنی <ماهی> و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ك. لسان العرب) به قرینه <غداءنا> در آیه بعد آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

۳- موسی ( ع ) و همسفرش هنگام رسیدن به محلِّ تلاقی دو دریا ، از ماهیِ همراه خویش ، غفلت کردند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۲ – ۷

۷- موسی ( ع ) و جوان خدمت کارِ

همراه او ، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است; زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاًمی گفت <آتنی غدائی>.

علم یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۹

۹- خدمت کار موسی ( یوشع ) به شرارت شیطان و سلطه او بر ذهن انسان ، آشنا بود .

ما أنسنيه إلاّ الشيطن أن أذكره

عوامل فراموشی یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۶

۶- خدمت کار موسی ، غفلت خود را از یادآوری ماجرای ماهی به موسی ( ع ) ، ناشی از نفوذ شیطان در خود دانست .

و ما أنسنيه إلاّ الشيطن أن أذكره

فراموشی یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۳

۳- موسی ( ع ) و همسفرش هنگام رسیدن به محلِّ تلاقی دو دریا ، از ماهیِ همراه خویش ، غفلت کردند .

فلمّا بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۴،۱۱

۴- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی ( ع ) ، در مدّت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أرءیت إذ أوینا إلی الصخره فإنّی نسیت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است. <أوینا إلی الصخره> یعنی:

<برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.>.

۱۱- < عن أبی جعفر ( ع ) و أبی عبداللّه ( ع ) قال : إنّه لما کان من أمر موسی الذی کان أعطی مکتل فیه حوت مملّح قیل له : هذا یدلّک علی صاحبک عند عین مجمع البحرین . . . فانطلق الفتی یغسل الحوت فی العین فاضطرب الحوت فی یده حتّی خدشه فانفلت و نسیه الفتی ;

از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) روایت شده: آن گاه که از کار موسی(ع) گذشت آنچه در زندگی او پیش آمد، زنبیلی به او داده شد که در آن یک ماهی نمک زده بود. به وی گفته شد: <این ماهی، تو را به صاحب ات، نزد چشمه ای در محل تلاقی دو دریا، راهنمایی می کند ... پس آن جوانی که همراه موسی(ع) بود، رفت که ماهی را در آن چشمه بشوید، ماهی در دست او به حرکت درآمد تا این که به او خراش وارد کرد و از چنگ او درآمد (و رفت) و جوان آن را فراموش کرد>.

قصه یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۵

۵- موسی ( ع ) همسفر خود را از احتمال طولانی بودن سفرشان آگاه ساخت و احتمال بازگشت از نیمه راه را منتفی دانست .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح . .. أو أمضی حقبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۱،۲،۳

۱- موسی ( ع ) و همسفر او به محلِّ تلاقی دو دریا رسیدند و در آن جا

توقف کردند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما

۲- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرین ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

<حوت> یعنی <ماهی> و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه <غداءنا> در آیه بعد آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

۳- موسی ( ع ) و همسفرش هنگام رسیدن به محلِّ تلاقی دو دریا ، از ماهیِ همراه خویش ، غفلت کردند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۱،۲،۳،۵،۷

۱- موسی ( ع ) و همسفرش ، پس از توقف در مجمع البحرین ، در جستوجوی خضر ( ع ) ، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما . .. فلمّا جاوزا

موسی(ع) در سخن خود با یوشع، مجمع البحرین را هدف و مقصد نهایی خود اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسی(ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محلِّ مورد نظر موسی(ع) رسیده اند.

۲- موسی ( ع ) در پی گذر کردن و پشت سر گذاشتن مجمع البحرین ، گرسنگی و خستگی شدیدی را در خود و همسفرش احساس کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<نصب> به معنای <رنج و سختی> است.

۳- موسی و یوشع ، در شبانگاه و صبح دم پس از

عبور از مجمع البحرین برای یافتن خضر ( ع ) راه درازی پیمودند . *

ءاتنا غداءنا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی(ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

۵- موسی ( ع ) پس از گذر از مجمع البحرین ، در آغاز روز ، از همسفر خویش درخواست تهیه چاشت کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<غداء> به معنای طعامی است که در ساعات آغازین روز خورده می شود.

۷- موسی ( ع ) و جوان خدمت کارِ همراه او ، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است; زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاًمی گفت <آتنی غدائی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۱،۴،۱۱

۱- موسی ( ع ) و همسفرش ، کنار صخره ای در مجمع البحرین ، آرمیدند .

إذ أوینا إلی الصخره

۴- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی ( ع ) ، در مدّت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أرءیت إذ أوینا إلی الصخره فإنّی نسیت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است. <أوینا إلی الصخره> یعنی: <برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.>.

۱۱- < عن أبی جعفر ( ع ) و أبی عبدالله ( ع ) قال : إنّه لما کان من أمر موسی الذی کان أعطی مکتل فیه حوت

مملّح قیل له : هذا یدلّک علی صاحبک عند عین مجمع البحرین . . . فانطلق الفتی یغسل الحوت فی العین فاضطرب الحوت فی یده حتّی خدشه فانفلت و نسیه الفتی ;

از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) روایت شده: آن گاه که از کار موسی(ع) گذشت آنچه در زندگی او پیش آمد، زنبیلی به او داده شد که در آن یک ماهی نمک زده بود. به وی گفته شد: <این ماهی، تو را به صاحب ات، نزد چشمه ای در محل تلاقی دو دریا، راهنمایی می کند ... پس آن جوانی که همراه موسی(ع) بود، رفت که ماهی را در آن چشمه بشوید، ماهی در دست او به حرکت درآمد تا این که به او خراش وارد کرد و از چنگ او درآمد (و رفت) و جوان آن را فراموش کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۴

۴- موسی ( ع ) و همسفرش ، پی جویانه ، به نقطه قبلیِ توقّف خود و محل از دست دادن ماهی بازگشتند .

فارتّدا علی ءاثارهما قصصًا

<إرتداد> (مصدر <إرتّدا)؛ یعنی، <بازگشتن> و <قصّ أثره قَصَصاً>؛ یعنی، جاب پای او را با دقت، دنبال و پی گیری کرد. مراد از <فارتّدا...> این است که موسی(ع) و همراه او، به دقت، راه رفته را بازگشتند تا به همان نقطه که ماهی به دریا رفته بود، بازگردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۲

۲- هدف موسی ( ع ) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود ، یافتن بنده ای

از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود .

فارتّدا . .. فوجدا عبدًا من عبادنا ... و علّمنه من لدنّا

واژه <وجدا> بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستوجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. <لدنا> دلالت می کند که علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

گرسنگی یوشع(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۲ – ۲

۲– موسی ( ع ) در پی گذر کردن و پشت سر گذاشتن مجمع البحرین ، گرسنگی و خستگی شدیدی را در خود و همسفرش احساس کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<نصب> به معنای <رنج و سختی> است.

مسافرت یوشع(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۱ – ۶

۶– < عن أبی عبداللّه ( ع ) قال : . . . أرسل ( أی موسی ) إلی یوشع إنّی قد ابتلیت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا ، و اشتری حوتاً . . .ثمّ شواه ثمّ حمله فی مکتل . . . فقطرت قطره من السماء فی المکتل فاضطرب الحوت ثمّ جعل یَثِبُ من المکتل إلی البحر قال : و هو قوله : < واتّخذ سبیله فی البحر سرباً > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: . .. موسی به یوشع پیام فرستاد: <من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!>. یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل

نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب وجوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتّخذ سبیله فی البحر سرباً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۱،۳

۱- موسی ( ع ) و همسفرش ، پس از توقف در مجمع البحرین ، در جستوجوی خضر ( ع ) ، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما . .. فلمّا جاوزا

موسی(ع) در سخن خود با یوشع، مجمع البحرین را هدف و مقصد نهایی خود اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسی(ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محلِّ مورد نظر موسی(ع) رسیده اند.

۳- موسی و یوشع ، در شبانگاه و صبح دم پس از عبور از مجمع البحرین برای یافتن خضر ( ع ) راه درازی پیمودند . *

ءاتنا غداءنا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی(ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

ملاقات یوشع(ع) با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسی ( ع ) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرین ، با خضر ( ع ) ملاقات کردند .

فارتّدا علی ءاثارهما قصصًا . فوجدا

موسی(ع) و یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف

- ۱۸ - ۶۰ - ۲

۲- موسی ( ع ) در جُستار تحقیقیِ خویش برای یافتن خضر ، با خدمت کار خود ( یوشع ( ع ) ) همراه بود .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

<فتی> به معنای جوان است. در تعبیرات قرآن، از غلام و خدمت کار نیز با این تعبیر یاد شده است. لازم به ذکر است که بنابر برخی از روایات مأثور، همراه و همسفر موسی(ع)، <یوشع بن نون> وصی آن حضرت بوده است.

نقش یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۶

۶- همسفر موسی ( ع ) عهده دار حمل و تدارک غذا بود .

قال لفتیه ءاتنا غداءنا

یوشع(ع) در مجمع البحرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۱،۲،۳

۱- موسی ( ع ) و همسفر او به محلِّ تلاقی دو دریا رسیدند و در آن جا توقف کردند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما

۲- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرین ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

<حوت> یعنی <ماهی> و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه <غداءنا> در آیه بعد آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

۳- موسی ( ع ) و همسفرش هنگام رسیدن به محلِّ تلاقی دو دریا ، از ماهیِ همراه خویش ، غفلت کردند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲

١ -

١- موسی ( ع ) و همسفرش ، پس از توقف در مجمع البحرین ، در جستوجوی خضر ( ع ) ، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما . .. فلمّا جاوزا

موسی(ع) در سخن خود با یوشع، مجمع البحرین را هدف و مقصد نهایی خود اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسی(ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محلِّ مورد نظر موسی(ع) رسیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ - کهف - ١٨ - ۶٣ - ١

١- موسی ( ع ) و همسفرش ، کنار صخره ای در مجمع البحرین ، آرمیدند .

إذ أوینا إلی الصخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ - کهف - ١٨ - ۶۵ - ١

١- موسی ( ع ) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرین ، با خضر ( ع ) ملاقات کردند .

فارتّدا علی ءاثارهما قصصًا . فوجدا

## یونس (ع) از دیدگاه قرآن در تفسیرراهنما

یونس(ع)

آثار ترک اولای یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - قلم - ۶٨ - ۵٠ - ٢

٢ - انقطاع وحی به یونس ( ع ) از زمان ارتکاب < ترك اولی > ( ترک مردم و نفرین علیه آنان ) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب <ترک اولی>

از پیـامبران بود. بنـابراین مقصود از <فاجتبـاه> به رسـالت رسانـدن او نیست; بلکه به معنـای تـداوم رسـالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

آثار تسبیح یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱ - یونس ( ع ) اگر به تسبیح خدا در شکم ماهی نمی پرداخت ، تا قیامت در آنجا می ماند .

فلولا أنّه کان من المسبّحین . للبث فی بطنه إلی یوم یبعثون

۲ - تسبیح مستمر یونس ( ع ) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنّه کان من المسبّحین . للبث فی بطنه إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۵

۵ - دعا و تسبیح یونس ( ع ) ، موجب برخوردار شدن او از لطف و امداد خداوند

إنّه کان من المسبّحین . .. و أنبتنا علیه شجره من یقطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ - < عن أبی عبـدالله ( ع ) الأنبیاء و المرسـلون علی أربع طبقات . . . و نبیّ یری فی منامه و یسـمع الصوت و یعاین الملک و قد أرسل إلی طائفه قلّوا أو کثروا کیونس . قال الله لیونس < و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شـده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . .. و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و

به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون>...>.

آثار توبه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس ( ع ) از زمان ارتکاب < ترک اولی > ( ترک مردم و نفرین علیه آنان ) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب <ترک اولی> از پیامبران بود. بنابراین مقصود از <فاجتباه> به رسالت رساندن او نیست; بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

آثار دعای یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۵

۵ - دعا و تسبیح یونس ( ع ) ، موجب برخوردار شدن او از لطف و امداد خداوند

إنّه کان من المسبّحین . .. و أنبتنا علیه شجره من یقطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ - < عن أبی عبدالله ( ع ) الأنبیاء و المرسلون علی أربع طبقات . . . و نبیّ یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملک و قد أرسل إلی طائفه قلّوا أو کثروا کیونس . قال الله لیونس < و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و

رسولان بر چهار طبقه اند . .. و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون>...>.

آثار فرار یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۲ - ۲،۳

۲ - حضرت یونس ( ع ) به جهت خروج عجولانه از میان قوم خود ، سزاوار سرزنش شد .

إذ أبق إلی الفلک . .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

<ملیم> (اسم فاعل از <ألام>) به معنای <دخل فی الملامه> (ملامت شد) است ; چنان که به کسی که وارد حرم شد، گویند: <أحرم> و یا این که همزه <ألام> برای صیرورت است; یعنی، <صار ذا ملامه> (مستحق ملامت گردید).

۳ - بلعیده شدن یونس به وسیله ماهی ، نتیجه خروج عجولانه او از میان مردم و ادامه ندادن رسالت خود در میان آنان بود .

إذ أبق إلی الفلک . .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

اجابت دعای یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۱

۱- دعای یونس ( ع ) به هنگام گرفتار شدن آن حضرت در تاریکی شکم ماهی ، مورد اجابت و پذیرش خدا قرار گرفت .

فنادی فی الظلمت . .. فاستجبنا له

اذیت یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۶

۶ - یونس ( ع ) ، در معرض

اذیت و آزار شدید و طاقت فرسای قوم خود قرار داشت .

إذ أبق إلی الفلک المشحون

گریختن یونس(ع) از میان قومش، می تواند به این دلیل باشد که او به شدت تحت شکنجه و آزار آنان قرار داشت.

اشتباه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۷

۷- یونس ( ع ) در بیرون آمدن از میان قوم کافر خود و هجرت به سرزمین دیگر ، دچار خشم بی جا و گمان نادرست شد . *

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

اصابت قرعه به یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۳

۳ - اصابت قرعه به نام یونس ( ع ) و مغلوبیت او در قرعه کشی

فساهم فکان من المدحضین

<مدحضین> (اسم مفعول از <ادحاض>) به معنای <ازلاق> (کسی را لغزاندن) است و در این جا کنایه از شکست و مغلوبیت در امر قرعه کشی می باشد.

اقرار یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۷،۲۱

۱۷- خضوع یونس ( ع ) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی . .. إنّی کنت من الظلمین

۲۱- < قـال المـأمون للرضـا ( ع ) فأخبرنى عن قول اللّه عزّوجلّ : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضـباً فظنّ أن لن نقـدر عليه > فقال الرضا ( ع ) : ذاك يونس بن متى ( ع ) ذهب مغاضباً لقومه < فظنّ > بمعنى إستيقن < أن لن نقدر عليه > أى لن نضيق عليه

رزقه . . . < فنادی فی الظلمات > أی ظلمه اللیل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : < أن لا إله إلاّ أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین > بترکی مثل هذه العباده التی قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که] مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزّوجلّ <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه> امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناك بود، از میان آنان برفت. <ظنّ> در کلام خدا به معنای <إستیقن> و <لن نقدر علیه> به معنای <لن نضیق علیه رزقه> ... می باشد. <فنادی فی الظلمات>; یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانك إنّی کنت من الظالمین>; یعنی، ... من از ستم کارانم; زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم>.

امداد به یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۳،۴

۳ - یونس ( ع ) ، مورد لطف ویژه خداوند و برخوردار از امداد او

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

۴ - رویاندن درختی پهن برگ در زمینی خالی از درخت و گیاه برای یونس ( ع ) ، از نشانه های قدرت خداوند و امداد الهی برای حق طلبان

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، با ارائه نمونه ای از قدرت خداوند و امدادهای

او برای جبهه حق، در مقام امتنان بر یونس(ع) و نیز در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان، است.

اندوه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۶

۶ - یونس ( ع ) ، در حالی که سینه اش مملو از غم و اندوه بود خدا را ندا کرد .

إذ نادی و هو مکظوم

انقطاع وحی از یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس ( ع ) از زمان ارتکاب < ترک اولی > ( ترک مردم و نفرین علیه آنان ) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب <ترک اولی> از پیامبران بود. بنابراین مقصود از <فاجتباه> به رسالت رساندن او نیست; بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

ایمان به یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۷

۷ - < قال أبوعبیده : قلت لأبی جعفر ( ع ) کم غاب یونس عن قومه حتّی رجع إلیهم بالنبوّه و الرساله فآمنوا و صدّقوه قال : أربعه أسابیع . . . إنّ العذاب أتاهم یوم الأربعاء فی النصف من شوّال و صرف عنهم من یومهم ذلک فانطلق یونس مغاضباً فمضی یوم الخمیس سبعه أیّام فی مسیره إلی البحر و سبعه أیّام فی بطن الحوت و سبعه أیّام تحت الشجره بالعراء

و سبعه أيّام فی رجوعه إلی قومه . . . ثمّ أتاهم فآمنوا به و صدّقوه و اتبعوه . . . ;

ابوعبیده گوید: به امام باقر(ع) گفتم: چه مدتی یونس از قوم خود دور شد و سپس با نبوت و رسالت به سوی آنان بازگشت و آنها به او ایمان آوردند و تصدیقش کردند؟ فرمود: چهار هفته . .. همانا در روز چهارشنبه، در نیمه شوال عذاب بر آنان نازل شد و در همان روز عذاب از آنان برداشته شد. پس یونس با حالت غضب در روز پنج شنبه از آنان جدا شد و هفت روز در مسیرش تا دریا و هفت روز در شکم ماهی بود و هفت روز را در زیر درخت در سرزمین خشک و خالی و هفت روز را در راه بازگشت به سوی قومش گذراند... آن گاه به نزد آنان آمد و آنها به آن حضرت ایمان آورده و تصدیقش نمودند و از او پیروی کردند...>.

بازگشت یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۷

۷ - < قال أبوعبیده : قلت لأبی جعفر ( ع ) کم غاب یونس عن قومه حتّی رجع إلیهم بالنبوّه و الرساله فآمنوا و صدّقوه قال : أربعه أسابیع . . . إنّ العذاب أتاهم یوم الأربعاء فی النصف من شوّال و صرف عنهم من یومهم ذلک فانطلق یونس مغاضباً فمضی یوم الخمیس سبعه أیّام فی مسیره إلی البحر و سبعه أیّام فی بطن الحوت و سبعه أیّام تحت الشجره بالعراء و سبعه أیّام فی رجوعه إلی قومه . . . ثمّ أتاهم فآمنوا به

و صدّقوه و اتبعوه . . . ;

ابوعبیده گوید: به امام باقر(ع) گفتم: چه مدتی یونس از قوم خود دور شد و سپس با نبوت و رسالت به سوی آنان بازگشت و آنها به او ایمان آوردند و تصدیقش کردند؟ فرمود: چهار هفته . .. همانا در روز چهارشنبه، در نیمه شوال عذاب بر آنان نازل شد و در همان روز عذاب از آنان برداشته شد. پس یونس با حالت غضب در روز پنج شنبه از آنان جدا شد و هفت روز در مسیرش تا دریا و هفت روز در شکم ماهی بود و هفت روز را در زیر درخت در سرزمین خشک و خالی و هفت روز را در راه بازگشت به سوی قومش گذراند... آن گاه به نزد آنان آمد و آنها به آن حضرت ایمان آورده و تصدیقش نمودند و از او پیروی کردند...>.

برگزیدگی یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۱،۵

۱ - یونس ( ع ) ، از برگزیدگان و پیامبران الهی بود .

فاجتبیه ربّه

۵ - برگزیدگی یونس ( ع ) به رسالت و از صالحان شدن او ، جلوه عنایت و لطف ویژه خداوند به ایشان

لولا أن تدرکه نعمه . .. فجعله من الصلحین

بیماری یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۲،۴

۲ - یونس ( ع ) ، به هنگام بیرون افتادن از شکم ماهی ، بیمار بود .

فنبذنه بالعراء و هو سقیم

۴ - "قال رسول اللّه(ص): "لما أراد اللّه حبس یونس علیه السلام فی بطن

الحوت، أوحی اللّه إلی الحوت أن خذه، و لاتخدش له لحماً، و لاتکسر له عظماً، فأخذه ثمّ أهوی به إلی مسکنه فی البحر، فلمّا انتهی به إلی أسفل البحر سمع یونس حساً فقال فی نفسه: ما هذا ....؟ فأوحی اللّه إلیه و هو فی بطن الحوت: إنّ هذا تسبیح دوابّ الأرض فسبّح و هو فی بطن الحوت فسمعت الملائکه علیهم السلام تسبیحه فقالوا: ربّنا إنّا نسمع صوتاً ضعیفاً بأرض غربه، قال: ذاک عبدی یونس، عصانی فحبسته فی بطن الحوت فی البحر، قالوا: العبد الصالح الذی کان یصعد إلیک منه فی کلّ یوم عمل صالح؟ قال: نعم. فشفعوا له عند ذلک، فأمره فقذفه فی الساحل، کما قال اللّه: "و هو سقیم";

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند اراده نمود که یونس را در شکم ماهی زندانی کند به ماهی وحی (الهام) نمود: او را بگیر، اما خدشه ای به گوشت او وارد نکن و استخوانش را نشکن. پس ماهی یونس را گرفت و به سوی جایگاهش در دریا حرکت کرد پس چون به قعر دریا رسید، یونس صدای خفیفی شنید و با خود گفت: این صدا چیست ...؟ سپس خدا به یونس که در شکم ماهی بود وحی کرد که: این تسبیح جنبندگان زمین است، پس یونس در حالی که در شکم ماهی بود تسبیح گفت: ملائکه تسبیح او را شنیدند و گفتند: پروردگارا! ما صدای ضعیفی را در زمینی ناآشنا می شنویم؟ خداوند فرمود: این بنده من یونس است. وی نافرمانی من نمود، پس او را در شکم ماهی در دریا زندانی کردم. ملائکه گفتند: همان بنده صالحی که هر روز عمل صالحی از

او به سوی تو بالا می آمد؟ خدا فرمود: آری . پس ملائکه در این هنگام یونس را شفاعت کردند، سپس خدا به ماهی امر کرد و ماهی یونس را در ساحل انداخت، چنان که خدا فرمود: و هو سقیم".

بینش یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۱۸

۱۸– در دیدگاه یونس ( ع ) ، خروج از میان قوم خود بدون اذن الهی ، ظلمی به خویش بود .

إذ ذهب مغضبًا . .. إنّی کنت من الظلمین

پیشگامی یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۴

۱۴– پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی ( علیهم السلام ) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

تداوم رسالت یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۷ – ۱

۱ – یونس ( ع ) ، پس از نجات از شکم ماهی ، مجدداً از سوی خداوند مأمور ادامه رسالت خود در میان قومش گردید .

فنبذنه بالعراء . .. و أرسلنه إلی مائه ألف

ترک اولای یونس(ع)

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۴

۴ - شتاب کردن یونس ( ع ) در نفرین علیه قومش ، غیر قابل تحسین و الگوگیری برای پیامبر ( ص )

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادی و هو مکظوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۴

۴ - هشدار خداوند به پیامبر ( ص ) ، از گرفتار شدن به مجازات ترک اولی ، همچون یونس ( ع )

و لاتکن کصاحب الحوت . .. لنبذ بالعراء و هو مذموم

این که خداوند به پیامبر(ص) هشدار داد که مانند یونس مباش; اشاره به ترک اولی و مجازات آن دارد که یونس(ع) گرفتار آن شده بود.

تسبیح یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۳ - ۱

۱ - یونس ( ع ) ، در دل ماهی به تسبیح مستمر خدا پرداخت .

فلولا أنّه کان من المسبّحین

تهلیل یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۴،۱۵

۱۴- روی آوردن یونس ( ع ) در شکم ماهی به تهلیل و تنزیه خداوند ، در نیایش ویژه خویش

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت سبحنک

۱۵- < لاـ إله إلاّـ أنت سـبحانك إنّی کنت من الظالمین > ، نـدا و دعای یونس ( ع ) به هنگام گرفتار شـدن در ظلمت شـکم ماهی

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت سبحنک إنّی کنت من الظلمین

خضوع یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۱۷

۱۷-

خضوع یونس ( ع ) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی . .. إنّی کنت من الظلمین

خطر در کشتی قصه یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۱ – ۲

۲ – وجود خطر برای کشتی حامل یونس ( ع ) و رفع آن ، با افکنده شدن یک نفر به دریا

إذ أبق إلی الفلک المشحون . فساهم فکان من المدحضین

دریانوردی در دوران یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۰ – ۳

۳ – وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس ( ع )

إذ أبق إلی الفلک المشحون

دعای یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳– دعا و تضرع یونس ( ع ) به درگاه الهی ، پس از گرفتار آمدن در ظلمات ( شکم ماهی )

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت

۱۴– روی آوردن یونس ( ع ) در شکم ماهی به تهلیل و تنزیه خداوند ، در نیایش ویژه خویش

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت سبحنک

۱۵– < لاـ إله إلاّـ أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین > ، ندا و دعای یونس ( ع ) به هنگام گرفتار شدن در ظلمت شکم

ماهی

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلّاأنت سبحنک إنّی کنت من الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۸ – ۶

۶ – یونس ( ع ) ، در حالی که سینه اش مملو از غم و اندوه

بود خدا را ندا کرد .

إذ نادی و هو مکظوم

ذکر قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱

۱- ماجرای ذاالنون ( یونس ( ع ) ) ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و ذاالنون إذ ذهب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <ذا النون> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد. گفتنی است که <النون> به معنای ماهی است و <ذاالنون> لقب برای یونس(ع) است; به این مناسبت که او مدتی در شکم ماهی قرار داشت.

رفع اندوه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۲۸

۲- خداوند ، یونس ( ع ) را از غم و اندوه نجات و رهایی بخشید .

و نجّینه من الغمّ

۸- رهایی یونس ( ع ) از غم و اندوه ، جلوه ای از سنت الهی در نجات مؤمنان

و نجّینه من الغمّ و کذلک ننجی المؤمنین

اسم اشاره <کذلک>، اشاره به نجات یونس(ع) از غم و اندوه است.

روزی یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۱

۲۱- < قـال المـأمون للرضـا ( ع ) فأخبرنى عن قول اللّه عزّوجلّ : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضـباً فظنّ أن لن نقـدر عليه > فقال الرضا ( ع ) : ذاك يونس بن متى ( ع ) ذهب مغاضـباً لقومه < فظنّ > بمعنى إستيقن < أن لن نقدر عليه > أى لن نضيق عليه رزقه . . . < فنادى فى الظلمات > أى ظلمه

اللیل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : < أن لا إله إلّا أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین > بترکی مثل هذه العباده التی قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که] مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزّوجلّ <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه> امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناك بود، از میان آنان برفت. <ظنّ> در کلام خدا به معنای <إستیقن> و <لن نقدر علیه> به معنای <لن نضیق علیه رزقه> ... می باشد. <فنادی فی الظلمات>; یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إنّی کنت من الظالمین>; یعنی، ... من از ستم کارانم; زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم>.

زمینه امداد به یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۵

۵ - دعا و تسبیح یونس ( ع ) ، موجب برخوردار شدن او از لطف و امداد خداوند

إنّه کان من المسبّحین . .. و أنبتنا علیه شجره من یقطین

زمینه سرزنش یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۲ - ۲

۲ - حضرت یونس ( ع ) به جهت خروج عجولانه از میان قوم خود ، سزاوار سرزنش شد .

إذ أبق إلی الفلک . .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

<ملیم> (اسم فاعل از <ألام>)

به معنای <دخل فی الملامه> (ملامت شد) است ; چنان که به کسی که وارد حرم شد، گویند: <أحرم> و یا این که همزه <ألام> برای صیرورت است; یعنی، <صار ذا ملامه> (مستحق ملامت گردید).

زمینه نجات یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۲

۲ - تسبیح مستمر یونس ( ع ) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنّه کان من المسبّحین . للبث فی بطنه إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ - < عن أبی عبدالله ( ع ) الأنبیاء و المرسلون علی أربع طبقات . . . و نبیّ یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملک و قد أرسل إلی طائفه قلّوا أو کثروا کیونس . قال الله لیونس < و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . .. و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون>...>.

زمینه وحی به یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس ( ع ) از زمان ارتکاب < ترک اولی > ( ترک مردم

و نفرین علیه آنان ) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب <ترک اولی> از پیامبران بود. بنابراین مقصود از <فاجتباه> به رسالت رساندن او نیست; بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

سایبان یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۱،۲،۴

۱ - روییدن درخت پهن برگ و پوشش دهنده به اراده خداوند ، بر فراز یونس ( ع ) پس از بیرون آمدن او از شکم ماهی

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

<یقطین> به درخت و گیاه پهن برگ و پوشش دهنده (مانند کدو) گفته می شود.

۲ - احتیاج یونس ( ع ) به سایبان ، پس از بیرون آمدن از شکم ماهی

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

۴ - رویاندن درختی پهن برگ در زمینی خالی از درخت و گیاه برای یونس ( ع ) ، از نشانه های قدرت خداوند و امداد الهی برای حق طلبان

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، با ارائه نمونه ای از قدرت خداوند و امدادهای او برای جبهه حق، در مقام امتنان بر یونس(ع) و نیز در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ - < عن أبی عبداللّه ( ع ) الأنبیاء و المرسلون علی أربع طبقات . . . و نبیّ یری فی

منامه و یسمع الصوت و یعاین الملک و قد أرسل إلی طائفه قلّوا أو کثروا کیونس . قال اللّه لیونس < و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . .. و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون>...>.

ظلم یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۷،۱۸،۲۱

۱۷- خضوع یونس ( ع ) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی . .. إنّی کنت من الظلمین

۱۸- در دیدگاه یونس ( ع ) ، خروج از میان قوم خود بدون اذن الهی ، ظلمی به خویش بود .

إذ ذهب مغضبًا . .. إنّی کنت من الظلمین

۲۱- < قال المأمون للرضا ( ع ) فأخبرنی عن قول اللّه عزّوجلّ : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه > فقال الرضا ( ع ) : ذاک یونس بن متی ( ع ) ذهب مغاضباً لقومه < فظنّ > بمعنی إستیقن < أن لن نقدر علیه > أی لن نضیق علیه رزقه . . . < فنادی فی الظلمات > أی ظلمه اللیل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : < أن لا إله إلاّ أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین >

بترکی مثل هذه العباده التی قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که] مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزّوجلّ <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه> امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. <ظنّ> در کلام خدا به معنای <إستیقن> و <لن نقدر علیه> به معنای <لن نضیق علیه رزقه> ... می باشد. <فنادی فی الظلمات>; یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إنّی کنت من الظالمین>; یعنی، ... من از ستم کارانم; زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم>.

ظن یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۵،۶،۲۲

۵- گمان یونس ( ع ) در سخت نگرفتن خداوند بر وی ، نسبت به ترک قوم خویش

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

یکی از معناهای <قدر>، سخت گرفتن و تنگ گرفتن(ضیق) است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۶- گمان یونس ( ع ) به مجازات نشدن او از جانب خداوند ، در زمینه بیرون آمدنش از میان قوم خود و هجرت به سرزمینی دیگر

فظنّ أن لن نقدر علیه

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <قدر> به معنای <قضا> و <حکم> باشد. گفتنی است که ذیل آیه (إنّی کنت من الظالمین) مؤید همین برداشت است.

۲۲ - < عن أبی جعفر (

ع ) فى قوله : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً > يقول : من أعمال قومه < فظنّ أن لن نقدر عليه > يقول : ظنّ أن لن يعاقب بما صنع ;

از امام باقر(ع) در باره قول خدا <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً> روايت شده كه: غضب يونس(ع) از اعمال قومش بود [و در معناى] <فظنّ أن لن نقدر عليه> فرمود: يونس(ع) گمان كرد كه او در برابر آن چه انجام داده مجازات نمى شود>.

عبرت از قصه يونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۷ - ۱

۱- ماجراى ذاالنون ( يونس ( ع ) ) ، درس آموز و شايسته ياد و يادآورى است .

و ذاالنون إذ ذهب

برداشت ياد شده مبتنى براين است كه نصب <ذا النون> به وسيله عامل مقدرى چون <أذكر> يا <أذكروا> باشد. گفتنى است كه <النون> به معناى ماهى است و <ذاالنون> لقب براى يونس(ع) است; به اين مناسبت كه او مدتى در شكم ماهى قرار داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۹ - ۲

۲ - سرگذشت يونس پيامبر ، درس آموز و تسلى بخش پيامبراسلام و ايمان آورندگان به آن حضرت

و إنّ يونس لمن المرسلين

برداشت بالا، به خاطر اين نكته است كه يادآورى سرگذشت يونس(ع) و قومش، براى پيامبر و مؤمنان كه در شرايط سخت مكه قرار داشتند و با مخالفت هاى مشركان روبه رو بودند در واقع به منظور درس آموزى و دلدارى به آنان است.

عجله يونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ -

انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۷

۱۷- خضوع یونس ( ع ) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی . .. إنّی کنت من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۳،۴،۵

۳ - هشدار خداوند به پیامبر ( ص ) ، مبنی بر شتاب نکردن در غضب و نفرین بر مردم و جدا شدن از آنان ، مانند شتاب کردن یونس ( ع ) در این باره

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادی و هو مکظوم

مفسران بر آنند که این آیه، به داستانی از یونس(ع) اشاره دارد که در سوره <انبیا> (آیه ۸۷) بیان شده است: <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات. ..>.

۴ - شتاب کردن یونس ( ع ) در نفرین علیه قومش ، غیر قابل تحسین و الگوگیری برای پیامبر ( ص )

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادی و هو مکظوم

۵ - یونس ( ع ) ، در غضب و نفرین کردن بر قوم خویش شتاب کرد .

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادی و هو مکظوم

عمل خیر یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی ( علیهم السلام ) بود .

و لقد ءاتینا موسی و

هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عوامل بیماری یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۵ – ۳

۳ – بلعیده شدن یونس ( ع ) به وسیله ماهی ، موجب بیماری او گردید .

فالتقمه الحوت . .. فنبذنه بالعراء و هو سقیم

عوامل غضب یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۳،۲۲

۳– رفتار قوم یونس ، خشم شدید آن حضرت را برانگیخت و موجب ناخرسندی او شد .

إذ ذهب مغضبًا

۲۲ – < عن أبی جعفر ( ع ) فی قوله : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً > یقول : من أعمال قومه < فظنّ أن لن نقدر علیه > یقول : ظنّ أن لن یعاقب بما صنع ;

از امام باقر(ع) در باره قول خدا <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً> روایت شده که: غضب یونس(ع) از اعمال قومش بود [و در معنای] <فظنّ أن لن نقدر علیه> فرمود: یونس(ع) گمان کرد که او در برابر آن چه انجام داده مجازات نمی شود>.

غذای یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۷ – ۴

۴ – < عن أبی عبدالله ( ع ) الأنبیاء و المرسلون علی أربع طبقات . . . و نبیّ یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملک و قد أرسل إلی طائفه قلّوا أو کثروا کیونس . قال الله لیونس < و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان

بر چهار طبقه انـد . .. و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شـنود و فرشـته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون>...>.

غضب یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲،۵،۷،۲۱

۲- یونس ( ع ) خشمگینانه از میان قومش بیرون رفت و به سرزمین دیگری هجرت کرد .

إذ ذهب مغضبًا

آن چـه از نظر مفسـران و مورخـان اسـتفاده می شـود، ایـن اسـت که یـونس(ع) از میـان قـومش، به خـاطر ایمـان نیاوردنشـان، خشمگینانه بیرون رفت و به جای دیگری هجرت کرد و آیه شریفه ناظر به این داستان است.

۵- گمان یونس ( ع ) در سخت نگرفتن خداوند بر وی ، نسبت به ترک قوم خویش

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

یکی از معناهای <قدر>، سخت گرفتن و تنگ گرفتن(ضیق) است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۷- یونس ( ع ) در بیرون آمدن از میان قوم کافر خود و هجرت به سرزمین دیگر ، دچار خشم بی جا و گمان نادرست شد . *

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

۲۱- < قـال المـأمون للرضـا ( ع ) فأخبرنی عن قول اللّه عزّوجلّ : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضـباً فظنّ أن لن نقـدر علیه > فقال الرضا ( ع ) : ذاک یونس بن متی ( ع ) ذهب مغاضباً لقومه < فظنّ > بمعنی إستیقن < أن

لن نقدر علیه > أی لن نضیق علیه رزقه . . . < فنادی فی الظلمات > أی ظلمه اللیل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : < أن لا إله إلاّ أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین > بترکی مثل هذه العباده التی قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که] مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزّوجلّ <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه> امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناك بود، از میان آنان برفت. <ظنّ> در کلام خدا به معنای <إستیقن> و <لن نقدر علیه> به معنای <لن نضیق علیه رزقه> ... می باشد. <فنادی فی الظلمات>; یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إنّی کنت من الظالمین>; یعنی، ... من از ستم کارانم; زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم>.

فرار یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۱،۲

۱ - یونس پیامبر ، با سوار شدن بر کشتی مملو از بار و مسافر ، از میان قوم خود گریخت .

إذ أبق إلی الفلک المشحون

<أبُق> (مصدر <أبَقَ>) به معنای فرار عبد از مالك است و <مشحون> به معنای مملو است.

۲ - تصمیم یونس ( ع ) ، به گریختن از میان قوم خود و هجرت به دیار دیگر ، تصمیمی فردی بود ; نه با

اذن و رهنمود خداوند .

إذ أبق إلى الفلك المشحون

تعبیر <أبق> (گریختن عبد از دست مالکش) استعاره تمثیلیه است که در آن وضع یونس در گریختن از میان قوم خود به عبد فراری از مالکش تشبیه شده است. به کار رفتن این تعبیر گویای برداشت یاد شده است.

فضایل یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۴

۴ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، پیامبرانی برتری یافته بر همه مردم عصر خویش

و زکریا و یحیی . .. و کلا فضلنا علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۳،۴

۳ - یونس ( ع ) ، مورد لطف ویژه خداوند و برخوردار از امداد او

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

۴ - رویاندن درختی پهن برگ در زمینی خالی از درخت و گیاه برای یونس ( ع ) ، از نشانه های قدرت خداوند و امداد الهی برای حق طلبان

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، با ارائه نمونه ای از قدرت خداوند و امدادهای او برای جبهه حق، در مقام امتنان بر یونس(ع) و نیز در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۱،۲،۳

۱ - یونس ( ع ) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدركه نعمه من ربّه

۲ – نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع

) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء

۳ - نعمت و لطف خداوند به یونس ( ع ) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء و هو مذموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۱،۴،۵

۱ - یونس ( ع ) ، از برگزیدگان و پیامبران الهی بود .

فاجتبیه ربّه

۴ - یونس ( ع ) ، به عنایت خداوند از صالحان کامل و راستین بود .

فجعله من الصلحین

۵ - برگزیدگی یونس ( ع ) به رسالت و از صالحان شدن او ، جلوه عنایت و لطف ویژه خداوند به ایشان

لولا أن تدرکه نعمه . .. فجعله من الصلحین

قرعه در قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۱،۷

۱ - قرعه کشی یونس ( ع ) و سرنشینان کشتی ، برای به دریا افکنده شدن یک نفر از جمعشان

فساهم فکان من المدحضین

<ساهم> به معنای <قارع> (قرعه افکند) می باشد.

۷ - < عن أبی جعفر ( ع ) قال : . . .إستهموا فی یونس لمّا رکب مع القوم فوقفت السفینه فی اللجّه . . . فوقع السهم علی یونس ثلاث مرّات . . . ;

از امـام باقر(ع) روایت شـده که فرمود: . ..در مورد یونس(ع) قرعه انداختنـد، آن هنگام که به همراه قوم بر کشتی سوار شـد و کشتی در آب های متراکم متوقف گردید، ...و قرعه سه مرتبه به نام یونس اصابت کرد...>.

قصه یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۲،۳،۵،۶،۷،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۷،۲۱

۲- یونس ( ع ) خشمگینانه از میان قومش بیرون رفت و به سرزمین دیگری هجرت کرد .

إذ ذهب مغضبًا

آن چه از نظر مفسران و مورخان استفاده می شود، این است که یونس(ع) از میان قومش، به خاطر ایمان نیاوردنشان، خشمگینانه بیرون رفت و به جای دیگری هجرت کرد و آیه شریفه ناظر به این داستان است.

۳- رفتار قوم یونس ، خشم شدید آن حضرت را برانگیخت و موجب ناخرسندی او شد .

إذ ذهب مغضبًا

۵- گمان یونس ( ع ) در سخت نگرفتن خداوند بر وی ، نسبت به ترک قوم خویش

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

یکی از معناهای <قدر>، سخت گرفتن و تنگ گرفتن(ضیق) است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۶- گمان یونس ( ع ) به مجازات نشدن او از جانب خداوند ، در زمینه بیرون آمدنش از میان قوم خود و هجرت به سرزمینی دیگر

فظنّ أن لن نقدر علیه

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <قدر> به معنای <قضا> و <حکم> باشد. گفتنی است که ذیل آیه (إنّی کنت من الظالمین) مؤید همین برداشت است.

۷- یونس ( ع ) در بیرون آمدن از میان قوم کافر خود و هجرت به سرزمین دیگر ، دچار خشم بی جا و گمان نادرست شد . *

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

۱۲- گرفتار آمدن یونس ( ع ) در دریا و شکم ماهی ، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذاالنون إذ ذهب مغضبًا . .. فنادی فی الظلمت

مقصود از

<ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

۱۳- دعا و تضرع یونس ( ع ) به درگاه الهی ، پس از گرفتار آمدن در ظلمات ( شکم ماهی )

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت

۱۴- روی آوردن یونس ( ع ) در شکم ماهی به تهلیل و تنزیه خداوند ، در نیایش ویژه خویش

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت سبحنک

۱۵- < لاـ إله إلاّـ أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین > ، ندا و دعای یونس ( ع ) به هنگام گرفتار شدن در ظلمت شکم ماهی

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت سبحنک إنّی کنت من الظلمین

۱۷- خضوع یونس ( ع ) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی . .. إنّی کنت من الظلمین

۲۱- < قال المأمون للرضا ( ع ) فأخبرنی عن قول اللّه عزّوجلّ : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه > فقال الرضا ( ع ) : ذاک یونس بن متی ( ع ) ذهب مغاضباً لقومه < فظنّ > بمعنی إستیقن < أن لن نقدر علیه > أی لن نضیق علیه رزقه . . . < فنادی فی الظلمات > أی ظلمه اللیل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : < أن لا إله إلاّ أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین > بترکی مثل هذه العباده التی قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که] مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزّوجلّ <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه>

امـام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حـالی که بر قوم خود غضـبناک بود، از میـان آنـان برفت. <ظنّ> در کلاـم خـدا به معنای <إستیقن> و <لن نقدر علیه> به معنای <لن نضـیق علیه رزقه> ... می باشد. <فنادی فی الظلمات>; یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إنّی کنت من الظالمین>; یعنی، ... من از سـتم کـارانم; زیرا مثـل چنین عبـادتی را که اکنون مرا برای آن در شـکم مـاهی فـارغ گردانیـده ای در گذشـته ترک کرده بودم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ - یونس پیامبر ، با سوار شدن بر کشتی مملو از بار و مسافر ، از میان قوم خود گریخت .

إذ أبق إلی الفلک المشحون

<أبُق> (مصدر <أبَقَ>) به معنای فرار عبد از مالک است و <مشحون> به معنای مملو است.

۲ - تصـمیم یـونس ( ع ) ، به گریختن از میـان قـوم خـود و هجرت به دیـار دیگر ، تصـمیمی فردی بـود ; نه بـا اذن و رهنمود خداوند .

إذ أبق إلی الفلک المشحون

تعبیر <أبق> (گریختن عبد از دست مالکش) استعاره تمثیلیه است که در آن وضع یونس در گریختن از میان قوم خود به عبد فراری از مالکش تشبیه شده است. به کار رفتن این تعبیر گویای برداشت یاد شده است.

۴ - محل تبلیغ و رسالت یونس پیامبر ( ع ) ، به دریا نزدیک بود . *

إذ أبق إلی الفلک المشحون

۵ - یأس و ناامیدی یونس پیامبر ، از هدایت قوم خویش

إذ أبق إلی

الفلك المشحون

فرار یونس(ع) از میان قوم خود، می تواند به دلیل یأس او از هدایت آنان باشد.

۶ - یونس ( ع ) ، در معرض اذیت و آزار شدید و طاقت فرسای قوم خود قرار داشت .

إذ أبق إلی الفلك المشحون

گریختن یونس(ع) از میان قومش، می تواند به این دلیل باشد که او به شدت تحت شکنجه و آزار آنان قرار داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۳،۴

۳ - اصابت قرعه به نام یونس ( ع ) و مغلوبیت او در قرعه کشی

فساهم فکان من المدحضین

<مدحضین> (اسم مفعول از <ادحاض>) به معنای <ازلاق> (کسی را لغزاندن) است و در این جا کنایه از شکست و مغلوبیت در امر قرعه کشی می باشد.

۴ - نبودن هیچ داوطلبی برای افکندن خویش به دریا و فدا کردن خود در ماجرای یونس *

فساهم فکان من المدحضین

از قرعه کشی و نیز تعبیر <مدحضین> (مغلوب شدگان)، می توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۲ - ۱،۲،۳

۱ - بلعیده شدن یونس ( ع ) به وسیله ماهی بزرگ ، پس از افکنده شدن او به دریا

فالتقمه الحوت و هو ملیم

<إلتقام> (مصدر <التقم>) به معنای بلعیدن است و <حوت> هر چند در مطلق ماهی چه بزرگ باشد و چه کوچک به کار می رود; اما کاربرد آن در ماهی بزرگ بیشتر است و در آیه شریفه نیز به همین معنا به کار رفته است.

۲ - حضرت یونس ( ع ) به جهت خروج عجولانه از

میان قوم خود ، سزاوار سرزنش شد .

إذ أبق إلی الفلک . .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

<ملیم> (اسم فاعل از <ألام>) به معنای <دخل فی الملامه> (ملامت شد) است ; چنان که به کسی که وارد حرم شد، گویند: <أحرم> و یا این که همزه <ألام> برای صیرورت است; یعنی، <صار ذا ملامه> (مستحق ملامت گردید).

۳ - بلعیده شدن یونس به وسیله ماهی ، نتیجه خروج عجولانه او از میان مردم و ادامه ندادن رسالت خود در میان آنان بود .

إذ أبق إلی الفلک . .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۳ - ۱

۱ - یونس ( ع ) ، در دل ماهی به تسبیح مستمر خدا پرداخت .

فلولا أنّه کان من المسبّحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱ - یونس ( ع ) اگر به تسبیح خدا در شکم ماهی نمی پرداخت ، تا قیامت در آنجا می ماند .

فلولا أنّه کان من المسبّحین . للبث فی بطنه إلی یوم یبعثون

۲ - تسبیح مستمر یونس ( ع ) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنّه کان من المسبّحین . للبث فی بطنه إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۱،۲،۴

۱ - یونس ( ع ) با اراده الهی ، از شکم ماهی در زمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی بیرون افکنده شد .

فنبذنه بالعراء

<نبذ> (مصدر <نبذنا>) به معنای افکندن است و

<عراء> به سرزمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی گفته می شود.

۲ - یونس ( ع ) ، به هنگام بیرون افتادن از شکم ماهی ، بیمار بود .

فنبذنه بالعراء و هو سقیم

۴ - "قال رسول اللّه(ص): "لما أراد اللّه حبس یونس علیه السلام فی بطن الحوت، أوحی اللّه إلی الحوت أن خذه، و لاتخدش له لحماً، و لاتکسر له عظماً، فأخذه ثمّ أهوی به إلی مسکنه فی البحر، فلمّا انتهی به إلی أسفل البحر سمع یونس حساً فقال فی نفسه: ما هذا ....؟ فأوحی اللّه إلیه و هو فی بطن الحوت: إنّ هذا تسبیح دوابّ الأرض فسبّح و هو فی بطن الحوت فسمعت الملائکه علیهم السلام تسبیحه فقالوا: ربّنا إنّا نسمع صوتاً ضعیفاً بأرض غربه، قال: ذاک عبدی یونس، عصانی فحبسته فی بطن الحوت فی البحر، قالوا: العبد الصالح الذی کان یصعد إلیک منه فی کلّ یوم عمل صالح؟ قال: نعم. فشفعوا له عند ذلک، فأمره فقذفه فی الساحل، کما قال اللّه: "و هو سقیم";

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند اراده نمود که یونس را در شکم ماهی زندانی کند به ماهی وحی (الهام) نمود: او را بگیر، اما خدشه ای به گوشت او وارد نکن و استخوانش را نشکن. پس ماهی یونس را گرفت و به سوی جایگاهش در دریا حرکت کرد پس چون به قعر دریا رسید، یونس صدای خفیفی شنید و با خود گفت: این صدا چیست ...؟ سپس خدا به یونس که در شکم ماهی بود وحی کرد که: این تسبیح جنبندگان زمین است، پس یونس در حالی که در شکم ماهی بود تسبیح گفت: ملائکه

تسبیح او را شـنیدند و گفتند: پروردگارا! ما صدای ضـعیفی را در زمینی ناآشـنا می شنویم؟ خداوند فرمود: این بنده من یونس است. وی نافرمـانی من نمود، پس او را در شـکم مـاهی در دریا زنـدانی کردم. ملائکه گفتنـد: همان بنـده صالحی که هر روز عمل صالحی از او به سوی تو بالا می آمد؟ خدا فرمود: آری . پس ملائکه در این هنگام یونس را شـفاعت کردند، سپس خدا به ماهی امر کرد و ماهی یونس را در ساحل انداخت، چنان که خدا فرمود: و هو سقیم".

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۱،۲

۱ - روییدن درخت پهن برگ و پوشش دهنده به اراده خداوند ، بر فراز یونس ( ع ) پس از بیرون آمدن او از شکم ماهی

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

<یقطین> به درخت و گیاه پهن برگ و پوشش دهنده (مانند کدو) گفته می شود.

۲ - احتیاج یونس ( ع ) به سایبان ، پس از بیرون آمدن از شکم ماهی

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۱،۴

۱ - یونس ( ع ) ، پس از نجات از شکم ماهی ، مجدداً از سوی خداوند مأمور ادامه رسالت خود در میان قومش گردید .

فنبذنه بالعراء . .. و أرسلنه إلی مائه ألف

۴ - < عن أبی عبـداللّه ( ع ) الأنبیاء و المرسـلون علی أربع طبقات . . . و نبیّ یری فی منامه و یسـمع الصوت و یعاین الملک و قد أرسل إلی طائفه

قلّوا أو كثروا كيونس . قال اللّه ليونس < و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . .. و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلى مائه ألف أو یزیدون>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۱،۷

۱ - تمامی قوم یونس ، پس از رسالت و مأموریت مجدد آن حضرت به سوی آنان ایمان آوردند .

و أرسلنه . .. فَامنوا فمتّعنهم إلى حين

۷ - < قال أبوعبيده : قلت لأبى جعفر ( ع ) كم غاب يونس عن قومه حتّى رجع إليهم بالنبوّه و الرساله فآمنوا و صدّقوه قال : أربعه أسابيع . . . إنّ العذاب أتاهم يوم الأربعاء فى النصف من شوّال و صرف عنهم من يومهم ذلك فانطلق يونس مغاضباً فمضى يوم الخميس سبعه أيّام فى مسيره إلى البحر و سبعه أيّام فى بطن الحوت و سبعه أيّام تحت الشجره بالعراء و سبعه أيّام فى رجوعه إلى قومه . . . ثمّ أتاهم فآمنوا به و صدّقوه و اتبعوه . . . ;

ابوعبیده گوید: به امام باقر(ع) گفتم: چه مدتی یونس از قوم خود دور شد و سپس با نبوت و رسالت به سوی آنان بازگشت و آنها به او ایمان آوردند و تصدیقش کردند؟ فرمود: چهار هفته .

.. همانـا در روز چهارشـنبه، در نیمه شوال عـذاب بر آنان نازل شـد و در همان روز عـذاب از آنان برداشـته شـد. پس یونس با حالت غضب در روز پنج شـنبه از آنان جدا شد و هفت روز در مسـیرش تا دریا و هفت روز در شکم ماهی بود و هفت روز را در زیر درخت در سرزمین خشک و خالی و هفت روز را در راه بازگشت به سوی قومش گذراند... آن گاه به نزد آنان آمد و آنها به آن حضرت ایمان آورده و تصدیقش نمودند و از او پیروی کردند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۵،۶

۵ - یونس ( ع ) ، در غضب و نفرین کردن بر قوم خویش شتاب کرد .

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادی و هو مکظوم

۶ - یونس ( ع ) ، در حالی که سینه اش مملو از غم و اندوه بود خدا را ندا کرد .

إذ نادی و هو مکظوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۱،۲،۳

۱ - یونس ( ع ) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

۲ - نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس ( ع ) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء

۳ - نعمت و لطف خداوند به یونس ( ع ) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن

تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء و هو مذموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس ( ع ) از زمان ارتکاب < ترک اولی > ( ترک مردم و نفرین علیه آنان ) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب <ترک اولی> از پیامبران بود. بنابراین مقصود از <فاجتباه> به رسالت رساندن او نیست; بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

قضاوت یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

کشتی سازی در دوران یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳ - وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس ( ع )

إذ أبق إلی الفلک المشحون

کشتی سواری یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٥ – صافات – ٣٧ – ١٤٠ – ١

١ – یونس پیامبر ، با سوار شدن بر کشتی مملو از بار و مسافر ، از میان قوم خود گریخت .

إذ أبق إلی الفلك المشحون

<أبُق> (مصدر <أبَقَ>) به معنای فرار عبد از مالك است و <مشحون> به معنای مملو است.

کیفر غضب یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۲

۱۲- گرفتار آمدن یونس ( ع ) در دریا و شکم ماهی ، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذاالنون إذ ذهب مغضبًا . .. فنادی فی الظلمت

مقصود از <ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

کیفر یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۶

۶- گمان یونس ( ع ) به مجازات نشدن او از جانب خداوند ، در زمینه بیرون آمدنش از میان قوم خود و هجرت به سرزمینی دیگر

فظنّ أن لن نقدر علیه

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <قدر> به معنای <قضا> و <حکم> باشد. گفتنی است که ذیل آیه (إنّی کنت من الظالمین) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۴

۴ - هشدار خداوند به پیامبر ( ص ) ، از گرفتار شدن به مجازات ترک اولی ، همچون یونس ( ع )

و لاتکن کصاحب الحوت . .. لنبذ بالعراء و هو مذموم

این که خداوند به پیامبر(ص) هشدار داد که مانند یونس مباش; اشاره به ترک اولی و مجازات آن دارد که یونس(ع) گرفتار آن شده بود.

گرفتاری یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۲،۱۳

۱۲- گرفتار آمدن یونس ( ع ) در دریا و شکم ماهی ، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذاالنون إذ ذهب مغضبًا . ..

فنادی فی الظلمت

مقصود از <ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

۱۳- دعا و تضرع یونس ( ع ) به درگاه الهی ، پس از گرفتار آمدن در ظلمات ( شکم ماهی )

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۱

۱- دعای یونس ( ع ) به هنگام گرفتار شدن آن حضرت در تاریکی شکم ماهی ، مورد اجابت و پذیرش خدا قرار گرفت .

فنادی فی الظلمت . .. فاستجبنا له

محدوده علم یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۹

۹- عدم آگاهی کامل یونس ( ع ) از تمامی مقدرات الهی نسبت به خویش

و ذاالنون . .. فظنّ أن لن نقدر علیه

مقامات یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۹ - ۱

۱ - یونس ( ع ) ، از رسولان الهی

و إنّ یونس لمن المرسلین

مکان تبلیغ یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۴

۴ - محل تبلیغ و رسالت یونس پیامبر ( ع ) ، به دریا نزدیک بود . *

إذ أبق إلی الفلک

المشحون

مکذبان یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۶

۶ قوم یونس ، پیامبر خویش را در آغاز تکذیب کرده و از ایمان آوردن به دعوت های او سرباز زدند .

إلا قوم یونس لما ءامنوا کشفنا عنهم عذاب

منشأ نجات یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۱

۱ - یونس ( ع ) با اراده الهی ، از شکم ماهی در زمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی بیرون افکنده شد .

فنبذنه بالعراء

<نبذ> (مصدر <نبذنا>) به معنای افکندن است و <عراء> به سرزمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۲

۲ - نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس ( ع ) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء

موانع سرزنش یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۳

۳ - نعمت و لطف خداوند به یونس ( ع ) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن تدركه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء و هو مذموم

نبوت یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۴

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (

ع ) و مخاطب وحی

و أوحينا إلى إبرهيم . .. و سليمن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۹ - ۱

۱ - یونس ( ع ) ، از رسولان الهی

و إنّ يونس لمن المرسلين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۵

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۱

۱ - تمامی قوم یونس ، پس از رسالت و مأموریت مجدد آن حضرت به سوی آنان ایمان آوردند .

و أرسلنه . .. فَامنوا فمتّعنهم إلى حين

نجات یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۲

۲- خداوند ، یونس ( ع ) را از غم و اندوه نجات و رهایی بخشید .

و نجّینه من الغمّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۲،۴

۲ - یونس ( ع ) ، به هنگام بیرون افتادن از شکم ماهی ، بیمار بود .

فنبذنه بالعراء و هو سقیم

۴ - "قال رسول اللّه(ص): "لما أراد اللّه حبس یونس علیه السلام فی بطن الحوت، أوحی اللّه إلی الحوت أن خذه، و لاتخدش له لحماً، و لاتکسر له

عظماً، فأخذه ثمّ أهوی به إلی مسکنه فی البحر، فلمّا انتهی به إلی أسفل البحر سمع یونس حساً فقال فی نفسه: ما هذا ....؟ فأوحی اللّه إلیه و هو فی بطن الحوت: إنّ هذا تسبیح دوابّ الأرض فسبّح و هو فی بطن الحوت فسمعت الملائکه علیهم السلام تسبیحه فقالوا: ربّنا إنّا نسمع صوتاً ضعیفاً بأرض غربه، قال: ذاک عبدی یونس، عصانی فحبسته فی بطن الحوت فی البحر، قالوا: العبد الصالح الذی کان یصعد إلیک منه فی کلّ یوم عمل صالح؟ قال: نعم. فشفعوا له عند ذلک، فأمره فقذفه فی الساحل، کما قال اللّه: "و هو سقیم";

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند اراده نمود که یونس را در شکم ماهی زندانی کند به ماهی وحی (الهام) نمود: او را بگیر، اما خدشه ای به گوشت او وارد نکن و استخوانش را نشکن. پس ماهی یونس را گرفت و به سوی جایگاهش در دریا حرکت کرد پس چون به قعر دریا رسید، یونس صدای خفیفی شنید و با خود گفت: این صدا چیست ...؟ سپس خدا به یونس که در شکم ماهی بود وحی کرد که: این تسبیح جنبندگان زمین است، پس یونس در حالی که در شکم ماهی بود تسبیح گفت: ملائکه تسبیح او را شنیدند و گفتند: پروردگارا! ما صدای ضعیفی را در زمینی ناآشنا می شنویم؟ خداوند فرمود: این بنده من یونس است. وی نافرمانی من نمود، پس او را در شکم ماهی در دریا زندانی کردم. ملائکه گفتند: همان بنده صالحی که هر روز عمل صالحی از او به سوی تو بالا می آمد؟ خدا فرمود: آری . پس ملائکه در

این هنگام یونس را شفاعت کردند، سپس خدا به ماهی امر کرد و ماهی یونس را در ساحل انداخت، چنان که خدا فرمود: و هو سقیم".

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۱

۱ - روییدن درخت پهن برگ و پوشش دهنده به اراده خداوند ، بر فراز یونس ( ع ) پس از بیرون آمدن او از شکم ماهی

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

<یقطین> به درخت و گیاه پهن برگ و پوشش دهنده (مانند کدو) گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۱

۱ - یونس ( ع ) ، پس از نجات از شکم ماهی ، مجدداً از سوی خداوند مأمور ادامه رسالت خود در میان قومش گردید .

فنبذنه بالعراء . .. و أرسلنه إلی مائه ألف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۱

۱ - یونس ( ع ) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

نعمتهای یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۲،۳

۲ - نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس ( ع ) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء

۳ - نعمت و لطف خداوند به یونس ( ع ) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن تدرکه نعمه من

ربّه لنبذ بالعراء و هو مذموم

نفرین یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۳،۴،۵

۳ - هشدار خداوند به پیامبر ( ص ) ، مبنی بر شتاب نکردن در غضب و نفرین بر مردم و جدا شدن از آنان ، مانند شتاب کردن یونس ( ع ) در این باره

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادی و هو مکظوم

مفسران بر آنند که این آیه، به داستانی از یونس(ع) اشاره دارد که در سوره <انبیا> (آیه ۸۷) بیان شده است: <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات. ..>.

۴ - شتاب کردن یونس ( ع ) در نفرین علیه قومش ، غیر قابل تحسین و الگوگیری برای پیامبر ( ص )

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادی و هو مکظوم

۵ - یونس ( ع ) ، در غضب و نفرین کردن بر قوم خویش شتاب کرد .

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادی و هو مکظوم

نفی الگوگیری از یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۴

۴ - شتاب کردن یونس ( ع ) در نفرین علیه قومش ، غیر قابل تحسین و الگوگیری برای پیامبر ( ص )

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادی و هو مکظوم

نیاکان یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۱

۱ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط، از ذریه نوح(ع) بودند.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته . .. و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

هجرت

یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲،۵،۶،۷

۲- یونس ( ع ) خشمگینانه از میان قومش بیرون رفت و به سرزمین دیگری هجرت کرد .

إذ ذهب مغضبًا

آن چه از نظر مفسران و مورخان استفاده می شود، این است که یونس(ع) از میان قومش، به خاطر ایمان نیاوردنشان، خشمگینانه بیرون رفت و به جای دیگری هجرت کرد و آیه شریفه ناظر به این داستان است.

۵- گمان یونس ( ع ) در سخت نگرفتن خداوند بر وی ، نسبت به ترک قوم خویش

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

یکی از معناهای <قدر>، سخت گرفتن و تنگ گرفتن(ضیق) است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۶- گمان یونس ( ع ) به مجازات نشدن او از جانب خداوند ، در زمینه بیرون آمدنش از میان قوم خود و هجرت به سرزمینی دیگر

فظنّ أن لن نقدر علیه

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <قدر> به معنای <قضا> و <حکم> باشد. گفتنی است که ذیل آیه (إنّی کنت من الظالمین) مؤید همین برداشت است.

۷- یونس ( ع ) در بیرون آمدن از میان قوم کافر خود و هجرت به سرزمین دیگر ، دچار خشم بی جا و گمان نادرست شد . *

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

هدایت یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كلاً هدينا . .. و من ذريته ... كل من الصلحين ... و

إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

یأس یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۵

۵ - یأس و ناامیدی یونس پیامبر ، از هدایت قوم خویش

إذ أبق إلی الفلک المشحون

فرار یونس(ع) از میان قوم خود، می تواند به دلیل یأس او از هدایت آنان باشد.

یقین یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۱

۲۱- < قال المأمون للرضا ( ع ) فأخبرنی عن قول اللّه عزّوجلّ : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه > فقال الرضا ( ع ) : ذاک یونس بن متی ( ع ) ذهب مغاضباً لقومه < فظنّ > بمعنی إستیقن < أن لن نقدر علیه > أی لن نضیق علیه رزقه . . . < فنادی فی الظلمات > أی ظلمه اللیل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : < أن لا إله إلاّ أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین > بترکی مثل هذه العباده التی قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که] مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزّوجلّ <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه> امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. <ظنّ> در کلام خدا به معنای <إستیقن> و <لن نقدر علیه> به معنای <لن نضیق علیه رزقه> ... می باشد. <فنادی فی الظلمات>; یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و

تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إنّی کنت من الظالمین>; یعنی، ... من از ستم کارانم; زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم>.

یونس(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

کلاً هدینا . .. و من ذریته ... کل من الصلحین ... و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۴،۵

۴ - یونس ( ع ) ، به عنایت خداوند از صالحان کامل و راستین بود .

فجعله من الصلحین

۵ - برگزیدگی یونس ( ع ) به رسالت و از صالحان شدن او ، جلوه عنایت و لطف ویژه خداوند به ایشان

لولا أن تدرکه نعمه . .. فجعله من الصلحین

یونس(ع) در بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۱

۱ - یونس ( ع ) با اراده الهی ، از شکم ماهی در زمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی بیرون افکنده شد .

فنبذنه بالعراء

<نبذ> (مصدر <نبذنا>) به معنای افکندن است و <عراء> به سرزمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی گفته می شود.

یونس(ع) در شکم ماهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۲۱

۱۲- گرفتار آمدن یونس (ع ) در دریا و شکم ماهی

، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذاالنون إذ ذهب مغضبًا . .. فنادی فی الظلمت

مقصود از <ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

۱۳- دعا و تضرع یونس ( ع ) به درگاه الهی ، پس از گرفتار آمدن در ظلمات ( شکم ماهی )

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت

۱۴- روی آوردن یونس ( ع ) در شکم ماهی به تهلیل و تنزیه خداوند ، در نیایش ویژه خویش

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت سبحنک

۱۵- < لاـ إله إلاّـ أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین > ، ندا و دعای یونس ( ع ) به هنگام گرفتار شدن در ظلمت شکم ماهی

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت سبحنک إنّی کنت من الظلمین

۲۱- < قال المأمون للرضا ( ع ) فأخبرنی عن قول اللّه عزّوجلّ : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه > فقال الرضا ( ع ) : ذاک یونس بن متی ( ع ) ذهب مغاضباً لقومه < فظنّ > بمعنی إستیقن < أن لن نقدر علیه > أی لن نضیق علیه رزقه . . . < فنادی فی الظلمات > أی ظلمه اللیل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : < أن لا إله إلاّ أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین > بترکی مثل هذه العباده التی قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که] مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزّوجلّ <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه> امام فرمود: او یونس بن متی بود،

که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. <ظنّ> در کلام خدا به معنای <إستیقن> و <لن نقدر علیه> به معنای <لن نضیق علیه رزقه> ... می باشد. <فنادی فی الظلمات>; یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إنّی کنت من الظالمین>; یعنی، ... من از ستم کارانم; زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۱

۱- دعای یونس ( ع ) به هنگام گرفتار شدن آن حضرت در تاریکی شکم ماهی ، مورد اجابت و پذیرش خدا قرار گرفت .

فنادی فی الظلمت . .. فاستجبنا له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۲ - ۱،۳

۱ - بلعیده شدن یونس ( ع ) به وسیله ماهی بزرگ ، پس از افکنده شدن او به دریا

فالتقمه الحوت و هو ملیم

<إلتقام> (مصدر <التقم>) به معنای بلعیدن است و <حوت> هر چند در مطلق ماهی چه بزرگ باشد و چه کوچک به کار می رود; اما کاربرد آن در ماهی بزرگ بیشتر است و در آیه شریفه نیز به همین معنا به کار رفته است.

۳ - بلعیده شدن یونس به وسیله ماهی ، نتیجه خروج عجولانه او از میان مردم و ادامه ندادن رسالت خود در میان آنان بود .

إذ أبق إلی الفلک . .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

جلد - نام سوره

– سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۳ – ۱

۱ – یونس ( ع ) ، در دل ماهی به تسبیح مستمر خدا پرداخت .

فلولا أنّه کان من المسبّحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۴ – ۱،۲

۱ – یونس ( ع ) اگر به تسبیح خدا در شکم ماهی نمی پرداخت ، تا قیامت در آنجا می ماند .

فلولا أنّه کان من المسبّحین . للبث فی بطنه إلی یوم یبعثون

۲ – تسبیح مستمر یونس ( ع ) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنّه کان من المسبّحین . للبث فی بطنه إلی یوم یبعثون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۵ – ۳

۳ – بلعیده شدن یونس ( ع ) به وسیله ماهی ، موجب بیماری او گردید .

فالتقمه الحوت . .. فنبذنه بالعراء و هو سقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۷ – ۴

۴ – < عن أبی عبدالله ( ع ) الأنبیاء و المرسلون علی أربع طبقات . . . و نبیّ یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملک و قد أرسل إلی طائفه قلّوا أو کثروا کیونس . قال الله لیونس < و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . .. و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند

و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون>...>.

## یهود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{یهود}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۲

۲ جبهه گیری یهود در برابر مسلمانان ، علی رغم مشاهده پیروزی معجزه آسای آنان در جنگ بدر

قل للّذین کفروا . .. قد کان لکم ایه فی فئتین التقتا

بنابراینکه مقصود از <الذین کفروا>، یهود باشند; چنانچه در شأن نزول آن بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۶،۱۴

۶ عدم قبول حکمیت تورات از سوی برخی عالمان یهود ، به دنبال ارائه پیشنهاد آن از جانب پیامبر اکرم ( ص )

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب . .. هم معرضون

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که درباره آیه مورد بحث نقل شده است. (مجمع البیان).

۱۴ داوری پیامبر ( ص ) در میان یهودیان بر اساس تورات ، و عدم پذیرش حکم تورات توسط برخی از آنان

یدعون الی کتاب اللّه لیحکم بینهم ثم یتولی فریق منهم

در شأن نزول آیه آمده است، پیامبر (ص) درباره زن و مردی از یهود که مرتکب زنا شده بودند; به استناد تورات، حکم به رجم آنان نمود که سبب خشم یهودیان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۴،۱۸

۱۴ پیروزی مسلمانان بر یهود *

و جاعل الذین اتبعوک

احتمالا مراد از پیروان عیسی

(ع)، پیروان راستین آن حضرت است که قهراً منطبق بر مسلمانان می شود; چون عیسی (ع)، بنی اسرائیل را موظف به پیروی از پیامبر اسلام (ص) کرده یود. و مراد از <الذین کفروا>، یهود است.

۱۸ خداوند ، مرجع و حاکم حلّ اختلافات یهود و نصارا در قیامت

ثمّ الیّ مرجعکم فاحکم بینکم فیما کنتم فیه تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۳

۳ عدم تبعیّت یهود از حضرت عیسی ( ع ) ، موجب عذاب سخت آنان در دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذّبهم عذاباً شدیداً فی الدنیا و الاخره

مصداق مورد نظر از جمله <فامّا الذین کفروا>، کافران به حضرت عیسی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۲۰

۲۰ دعوت پیامبر ( ص ) از یهود برای مباهله

فقل تعالوا ندع ابناءنا

تفسیر المیزان از ابن جریر نقل می کند، آنگاه که آیه <فمن حاجّک فیه . .. > نازل شد ; پیامبر (ص) یهود را برای مباهله دعوت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۵ - ۲،۴

۲ محاجه یهود و نصارا درباره آیین ابراهیم ( ع )

یا اهل الکتاب لم تحاجّون فی ابرهیم

از جمله <و ما انزلت . .. >، معلوم می شود محاجّه و نزاع، درباره آیین ابراهیم بوده است.

۴ احتجاج یهود و نصارا با یکدیگر ، در مورد انتساب و پیوند دینی خود به ابراهیم ( ع ) و نفی آن از طرف مقابل

يا اهل الكتاب لم

تحاجّون فی ابرهیم

<ان اولی الناس بابراهیم . .. > در آیه شصت و هشتم، می رساند که از جمله احتجاجهای یهود و نصارا با یکدیگر، ادّعای تبعیت و پیوند دینی خود با ابراهیم (ع) و نفی آن از دیگری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۱،۲

۱ احتجاج بحقّ نصارا ، با یهود ، درباره اثبات نبوّت حضرت عیسی ( ع )

حاججتم فیما لکم به علم

احتجاج نصارا در موردی که علم داشتند، عبارت بود از نبوّت حضرت عیسی (ع) که این احتجاج، حق بوده است.

۲ احتجاج بحق یهود با نصارا ، درباره عدم الوهیّت عیسی ( ع ) و پسر خدا نبودن وی

حاججتم فیما لکم به علم

احتجاج یهود در موردی که علم داشتند، عبارت بود از عدم الوهیّت حضرت عیسی (ع) و . .. که این احتجاج، بحق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۳،۴

۳ ادعای یهودیّت ابراهیم ( ع ) ، حجت یهود بر حقانیّت خویش در مقابل نصارا *

یا اهل الکتاب لم تحاجّون فی ابرهیم . .. ما کان ابراهیم یهودیّاً و لا نصرانیّاً

۴ ادعای مسیحیّت ابراهیم ( ع ) ، حجت نصارا برای حقّانیت خویش در مقابل یهودیان *

یا اهل الکتاب لم تحاجّون فی ابرهیم . .. ما کان ابراهیم یهودیّاً و لا نصرانیّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۴،۶

۴ بیگانگی یهود و نصارا از آیین حضرت ابراهیم ( ع

) ( تسلیم بودن در برابر خدا )

انّ اولی الناس بابرهیم لَلّذین اتّبعوه

جمله <ان اولی . .. >، تعریضی است به یهود و نصارا که چنین نیستند.

۶ سزاوارترین مردم به انتساب و پیوند دینی به حضرت ابراهیم ( ع ) ، پیامبر ( ص ) و مؤمنانند ; نه یهود و نصارا .

ما کان ابرهیم یهودیاً و لا نصرانیاً . .. انّ اولی الناس بابرهیم لَلّذین اتّبعوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۶ - ۳

۳ یهود و نصارا ، محروم از هدایت ، به جهت انکار آگاهانه حقانیّت پیامبر ( ص ) با وجود دلایل روشن بر آن

کیف یهدی اللّه قوماً . .. و اللّه لا یهدی القوم الظالمین

آیه در مورد اهل کتاب نازل شده و آنان با وجود شهادت قبلی بر حقّانیّت آن حضرت، منکر حقّانیت وی شدند. (روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر ( ص ) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئك جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۵،۷

۵ کوشش یهود در تفرقه افکنی میان مؤمنان

قل یا اهل الکتاب لم تصدّون . .. من امن

برخی از مفسران برآنند که آیه درباره یهود نازل شده است، که سعی در اختلاف افکنی بین اوس و خزرج را

داشتند. (مجمع البیان ج ۲).

۷ منحرف نشان دادن اسلام ، از راه های مبارزه اهل یهود با اسلام

لم تصدّون . .. تبغونها عوجاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۱ – ۱۲

۱۲ کشتار نابحق ( با علم و عمد ) انبیای الهی ، به دست یهود

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ

نفی هر گونه حق در کشتن انبیا دلالت می کند که یهود، با علم به نبوّت آنان و بدون خطا و فراموشی، پیامبران را می کشتند. چون اگر آنان را پیامبر نمی دانستند و یا به خطا و نسیان آنان را می کشتند، <بغیر حقّ> صدق نمی کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۳ – ۵،۱۰،۱۲،۲۳،۲۵

۵ مبارزات یهود علیه اسلام و پیامبر ( ص ) ، به نام دین و دینداری

انّ اللّه عهد الینا الّا نؤمن لرسول حتّی یاتینا بقربان

چون یهود مدعی بودند با ایمان نیاوردن به پیامبر (ص)، به عهد الهی وفادار بوده و از دستورات خداوند پیروی کرده اند.

۱۰ احتجاج و استدلال پیامبر ( ص ) با یهود ، به تعلیم خداوند

قل قد جآءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود ، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حقّانیّت آنان

قل قد جآءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، <بیّنه> گفته می شود که حقّ را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حقانیّت آن آگاه

کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

۲۳ تکذیب عهد خداوند با یهود در مورد ایمان نیاوردن به پیامبر ( ص ) ، جز با ارائه قربانی که آتشی از غیب آن را بسوزاند .

انّ اللّه عهد الینا الّا نؤمن . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

اگر ادعای یهود صحیح بود، باید پیامبر (ص) خواسته آنان را عملی می کرد، و نیز نباید از عهد، به <الّذی قلتم> (آنچه را گفتید) تعبیر می کرد ; بلکه می فرمود: بالعهد الّذی عهد اللّه علیکم. چون اگر ادعای آنان حقیقت داشت، عهدی بود الهی ; نه گفتار آنان.

۲۵ برخورد منطقی و استدلالی قرآن در برابر اهل کتاب ( یهود )

قل قد جاءکم رسل من قبلی . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۴ - ۱،۲،۳،۵

۱ تکذیب پیامبر ( ص ) از سوی یهود

فان کذّبوک

۲ اندوه پیامبر ( ص ) به جهت تکذیب آن حضرت از سوی یهود *

فان کذّبوک فقد کذّب رسل من قبلك

لحن آیه حکایت از اندوه پیامبر (ص) نسبت به تکذیبش دارد، و برخی جواب شرط را محذوف دانسته اند و چنین گفته اند: ان کذّبوك فلا تحزن. از این رو، جمله <فقد کذّب> را علّت <لا تحزن> گرفته اند.

۳ دلداری خداوند به پیامبر ( ص ) به جهت تکذیب آن حضرت از سوی یهود

فان کذّبوک فقد کذّب رسل من قبلك

۵ یهودیان ، در گستره رسالت پیامبر ( ص )

فان کذّبوک

از اینکه یهود، پیامبر (ص) را

تکذیب کردند، معلوم می شود که پیامبر (ص) آنان را نیز به پذیرش اسلام دعوت می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۵

۵- < عن إبن عباس سأل رجل رسول الله ( ص ) قال : أرأیت قول الله : < کما أنزلنا علی المقتسمین > قال : الیهود و النصاری . . . ;

از ابن عباس روایت شده است که مردی از رسول خدا(ص) سؤال کرد و گفت: نظر شما درباره سخن خداوند <کما أنزلنا علی المقتسمین> چیست؟ حضرت فرمود: [مقصود از مقتسمین] یهود و نصاراست>.

آثار اختلاف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۳

۳- اختلاف یهود در تعیین روز تعطیلی ، عامل معین شدن روز شنبه برای آنان

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فیه

برداشت فوق بنابراین نکته است که <جعل السبت> معلول و پیامد <اختلفوا فیه> باشد و ضمیر <فیه> به معنای لغوی سبت که روز تعطیل است باز گردد و نه به معنای اصطلاحی آن که روز شنبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ - تهدید یهود از سوی خداوند ، به خاطر اختلاف های مغرضانه و جاه طلبانه آنان در امر رسالت پیامبراکرم ( ص ) *

بیّنت من الأمر . .. إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

آثار اسلام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۴

## ۴ - یهودیان در صورت

ایمان به پیامبر ( ص ) و قرآن و پرهیز از گناهان ( سحر ، بی اعتنایی به کتاب های آسمانی و . . . ) از پاداش های الهی بهره مند می شدند .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه من عنداللّه خیر

مراد از ضمیر در <أنهم> به قرینه آیه ۹۹ و ۱۰۱ یهودیان کافر به پیامبر و قرآن است. قابل ذکر است که جمله <لمثوبه ...> جانشین جواب شرط است و آن جواب جمله ای همانند <لأثیبوا> (همانا پاداش داده می شدند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۵

۵ - یهود و نصارا ، در صورتی که تسلیم خدا شوند ( اسلام را بپذیرند ) و کار های نیک انجام دهند ، اهل بهشت خواهند بود .

قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً . .. بلی من أسلم ... فله أجره

آثار ایمان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۲

۲ - ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح ، شرط دور ماندن مسلمانان ، یهودیان ، نصارا و صابئان از هرگونه ترس و اندوه

إن الذین ءامنوا . .. و لا خوف علیهم و لاهم یحزنون

تکرار <ایمان> در <ان الذین آمنوا> و <من آمن> حکایت از آن دارد که: مراد از ایمان در جمله <من آمن> ایمان واقعی و راستین است نه ایمان صوری و اسمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۳

۳- گواهی و ایمان بنی اسرائیل

و یهود به حقانیت قرآن ، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن کان من عند اللّه و کفرتم به و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله

خداونـد، ایمان فردی از یهود را که آگاه به تورات و مفاد آن بود گواهی بر حقانیت قرآن شـمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

آثار پیروی از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۹

۹ خداوند پیامبر ( ص ) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به محروم کردن از یاری و حفاظت خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم . .. مالک من الله من ولیّ ولاواق

<ولیّ> به معنای یاور و <واق> اسم فاعل از <وقایه> به معنای نگهدارنده است. <من الله> می تواند متعلق به محذوف و حال برای <ولیّ> و <واق> باشـد. بر این مبنا جمله <مالک ...> چنین معنا می شود: برای تو از جانب خداوند هیچ یاور و نگه دارنده ای نخواهد بود ; یعنی، امدادهای خداوند به تو نخواهد رسید.

آثار تبعیت از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۶

۱۶ - خداوند به پیامبر ( ص ) هشدار داد که در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا ، از زمره ستمگران خواهد شد .

لئن اتبعت اهواءهم . .. إنک إذاً لمن الظلمین

آثار تقوای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۴

۴ - یهودیان در صورت ایمان به پیامبر ( ص

) و قرآن و پرهیز از گناهان ( سحر ، بی اعتنایی به کتاب های آسمانی و . . . ) از پاداش های الهی بهره مند می شدند .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه من عنداللّه خیر

مراد از ضمیر در <أنهم> به قرینه آیه ۹۹ و ۱۰۱ یهودیان کافر به پیامبر و قرآن است. قابل ذکر است که جمله <لمثوبه ...> جانشین جواب شرط است و آن جواب جمله ای همانند <لأثیبوا> (همانا پاداش داده می شدند) است.

آثار حسد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر ( ص ) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است; برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعولٌ به برای <أن یکفروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۵

۵ - حسادت یهود و نصارا ، منشأ علاقه و تلاش آنها بر بازگرداندن اهل ایمان از اسلام بود .

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

<حسداً> مفعولٌ له برای <ودّ کثیراً . ..> می باشد; یعنی، علاقه و تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان، به علت حسادت ایشان بود.

آثار دشمنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۷

۷ - ایمان نیاوردن یهود و

نصارا به قرآن و معارف اسلام ، از سر ستیزه جویی و دشمنی است .

و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

آثار دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۲،۱۶

۱۲ روابط دوستانه گروهی از مسلمانان عصر پیامبر ( ص ) ، با یهود و نصارا ، موجب تباهی اعمال نیک گذشته آنان

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

۱۶ ناکامی پذیرندگان ولایت و دوستی یهود و نصارا ، در بهره گیری از روابط دوستانه با آنان

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

بدان احتمال که مراد از <اعملهم> تلاشهایی است که بیماردلان برای ایجاد روابط دوستانه با یهود و نصارا، داشتند ; بر این اساس مقصود از <خسارت> بهره نجستن از ایجاد رابطه با یهود و نصارا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۵

۱۵ دوستی با کافران ( یهود ، نصارا و . . . ) ، موجب فروتنی در مقابل آنان و گردنفرازی در مقابل اهل ایمان

من یرتد منکم عن دینه . .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۵ - ۵

۵ - برقراری رابطه دوستی منافقان با یهودیان ، مصداق بارز زشت کاری آنان و سبب دچار شدنشان به عذاب سخت الهی

ألم تر إلی الذین تولّوا قومًا . .. إنّهم ساء ما کانوا یعملون

آثار طغیان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

**۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۲**

۲۲ کفر و طغیان یهود ،

زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و لیزیدن کثیراً منهم . .. طغیناً و کفراً و القینا بینهم العدوه و البغضاء

آثار ظلم یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۸ – ۴

۴- تحریم برخی از حلال ها بر یهود ، کیفر و بازتاب عملکرد ظالمانه خود آنان بود نه برخاسته از ستم الهی .

و علی الذین هادوا حرّمنا . .. و ما ظلمنهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

آثار فسق یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۹ – ۷

۷ – فسق و انحراف یهودیان ، موجب کفرشان به قرآن و آیات الهی است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

مصداق روشن برای <الفاسقون> – به قرینه آیات قبل و بعد – یهودیان هستند. آیات پیشین برخی از بهانه های یهود را برای اعراض از ایمان یادآور شده و آیه مورد بحث بیان می دارد که ریشه اصلی اعراض یهود از ایمان انحراف و فسق پیشگی آنان است.

آثار کفر یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۸ – ۶

۶ – قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم

اللّه ...> بیان می دارد حجابِ قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۲

۲۲ کفر و طغیان یهود ، زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و لیزیدن کثیراً منهم . .. طغیناً و کفراً و القینا بینهم العدوه و البغضاء

آثار نژاد پرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ - قوم گرایی و نژاد پرستی یهود ، از عوامل کفر ورزی آنان به قرآن

قالوا نؤمن بما أنزل علینا و یکفرون بما وراءه

آثار یأس یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

آخرت فروشی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۸

۴۸ - ترجیح منافع دنیوی بر منافع اخروی ، در دیدگاه یهودیان ساحر

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم لو كانوا یعلم

كسی كه بداند با دستیابی به منافعی نامشروع، آخرت خویش را از دست داده است (لقد علموا . ..) ولی در عین حال به زیانباری این

داد و ستد اعتقاد نداشته باشد (لو كانوا يعلمون)، معلوم می شود وی منافع دنیوی را بر آخرت ترجیح می دهد.

آرزوهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۷

۷ - پیروزی بر کافران در پرتو قرآن و بعثت پیامبر ( ص ) ، آرمان یهودیان پیش از بعثت

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

از معانی <فتح> نصرت و پیروزی است. <استفتاح> به معنای طلب پیروزی است. آمدن فعل مضارع (یستفتحون) قرین <کان> و مانند آن دلالت بر استمرار در زمان گذشته دارد. ارتباط جمله <و کانوا ...> با قبل و بعد اقتضا می کند که: این پیروزی طلبی در ارتباط با نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) مطرح باشد. بنابراین <و کانوا ...>; یعنی، یهودیان پیش از بعثت از زمانهایی دور در انتظار نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) بودند تا در سایه آن بر کافران پیروز شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

يود أحدهم لو يعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن يعمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۳

۳ - آرزوی یهود و نصارا برای مرتد ساختن مسلمانان صدر اسلام آرزویی خام و تلاش آنان در این زمینه ، تلاشی ناموفق بود .

ودّ كثير من أهل الكتب لو يردونكم

به کارگیری فعل ماضی <ودّ> (دوست داشتند) به جای فعل مضارع

(دوست می دارند) اشاره به این نکته دارد که: تلاش آنان بی ثمر است، به گونه ای که باید علاقه و تلاش آنان را سپری شده دانست.

آسایش یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۴

۴ خداوند امت های یهود را گاهی با اعطای نعمت ها و آسایش ها و زمانی با گرفتار ساختن به سختی ها و ناخوشایندی ها آزمود .

و بلونهم بالحسنت و السیئات

مراد از ضمیر مفعولی در <بلوناهم> می تواند همه یهود، صالحان و ناصالحان، باشد و می تواند مراد از آن تنها ناصالحان ایشان باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

آگاهی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ - عالمان یهود در عصر پیامبر ( ص ) ، به الهی بودن قرآن آگاهی کامل داشتند .

و هم یعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول <یعلمون> به قرینه <یسمعون کلام اللّه> الهی بودن کلامی باشد که برای آنان قراءت می شده است؛ یعنی: <و هم یعلمون ان الذی یسمعونه کلام اللّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

آگاهی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۹ – ۵

۵ – یهودیان ، پیش از بعثت ، به نازل شدن قرآن و مبعوث

شدن پیامبر ( ص ) آگاهی داشتند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۱،۴۹

۴۱ - یهود در عین آگاهی به اینکه فراگیری سحر موجب محروم شدن آنان از همه مواهب اخروی خواهد شد ، به آموزش آن پرداختند .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق

<خلاق> به معنای بهره وافر و نصیب نیکوست. نکره بودن کلمه <خلاق> به همراه <من> زایده، دلالت بر قلت دارد و ظاهر آن است که ضمیر در <علموا> به یهودیان بر می گردد.

۴۹ - یهودیان ساحر ، علی رغم اطمینانشان به محروم بودن از سرای آخرت ، محرومیت خویش را انکار می کردند .

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق

تأکید جمله با لام قسم (لقد) و نیز لام تأکید (لمن) گویای این است که: یهودیان ساحر، حقیقتی را که بدان علم داشتند، مورد انکار قرار می دادند; زیرا تأکید جمله غالباً در مواردی است که مضمون آن مورد انکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱۶،۱۷

۱۶ یهودیان ، آگاه به حرمت انتساب امور ناحق به خداوند بودند .

و درسوا ما فیه

هدف از بیان این حقیقت که یهودیان، تورات را همواره می خواندند، رساندن این معناست که آنان به محتوای تورات آگاهی کامل داشتند.

۱۷ یهودیان با مطالعه مکرر تورات به معارف و احکام آن آگاهی داشتند .

درسوا ما فیه

<درس> تکرار کردن چیزی است و <درس الکتاب> هنگامی گفته می شود که خواندن تکرار شود. (مجمع البیان).

آگاهی یهود به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۲

۱۲ - از امام صادق ( ع ) روایت شده است که فرمود : < هذه الآیه نزلت فی الیهود و النصاری یقول اللّه تبارک و تعالی < الذین آتیناهم الکتاب > یعنی التوراه و الأنجیل - یعرفونه - یعنی رسول اللّه کما یعرفون أبناءهم لان اللّه عز و جل قد أنزل علیهم فی التوراه و الزبور و الأنجیل صفه محمد و صفه اصحابه و مبعثه و هجرته . . . ;

آیه فوق، درباره یهود و نصارا نازل شده است و آنان کسانی بودند که تورات و انجیل به آنان داده شده بود و رسول خدا(ص) را مانند فرزندان خود می شناختند; چون خداوند در تورات، زبور و انجیل صفات رسول خدا و اصحابش و بعثت و هجرت آن حضرت را نازل کرده بود . .. >.

آگاهی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۴

۴ یهودیان عصر بعثت آگاه به تجاوزگری همدینان یهودی خویش در ایله و سرگذشت شوم آنان

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۸

۸- اطلاع یهود عصر پیامبر ( ص ) از سرگذشت موسی ( ع ) و فرعون

فسئل بنی إسرءیل إذ جاءهم فقال له فرعون

آلودگی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۱،۵،۱۶

۱ ادعای گروهی از اهل کتاب

( یهود ) مبنی بر پیراستگی خویش از آلودگی و انحراف

الم تر الی الذین یزکّون انفسهم

تزکیه به معنای برطرف کردن رذایل و بدیها است و گاهی در انتساب پاکی و طهارت معنوی نیز به کار برده می شود. یعنی پاک شمردن و منزه دانستن. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است. گفتنی است با توجه به آیات پیشین و نیز آیات بعدی به دست می آید که مراد از <الذین یزکّون> یهود و یا گروهی از آنان است.

۵ خداوند نخواسته است که یهودیان کفرپیشه ، از آلودگی ها پیراسته گردند و تزکیه شوند .

یزکّون انفسهم بل اللّه یزکّی من یشاء

۱۶ یهود و نصارا ، مدعی پیراستگی خویش از آلودگی و انحراف

الم تر الی الذین یزکّون انفسهم

امام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: انّهم الیهود و النصاری.

---

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۲۲۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ۴۸۹، ح ۲۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۷

۷ افترای یهود بر خداوند دلیل آلودگی آنان و پیراسته نبودنشان از انحراف

الم تر . .. انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

جمله <انظر کیف> می تواند دلیلی باشد بر اثبات عدم تزکیه یهودیان که در آیه قبل مطرح شده است.

آمرزش گناه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۷،۸،۱۱

۷ دنیاگرایان یهود بر این باور بودند که خداوند گناهان آنان را ، حتی بدون توبه ، خواهد آمرزید .

و يقولون سيغفر لنا و إن يأتهم عرض مثله يأخذوه

جمله <و إن يأتهم عرض . .. > حاكى

از این است که گنهکاران یهود در عین آمادگی برای حرامخواری مجدد، خود را مورد عفو و مغفرت خداوند می پنداشتند. یعنی هرگز از عمل گذشته پشیمان نبودند تا توبه کنند.

۸ یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا ، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند .

یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون سیغفر لنا

۱۱ ادعای آمرزش گناه یهودیان بدون توبه ، از نسبت های دروغین دنیاگرایان یهود به خداوند

و یقولون سیغفر لنا . .. ألم یؤخذ علیهم ... أن لا یقولوا علی اللّه إلا الحق

ابتلای یهود عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۲

۲ خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرد به زندگی زجرآور و تحت شکنجه دیگران ، به همگان اعلام کرد .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

ابراهیم(ع) و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۴،۵،۶

۴ بیگانگی یهود و نصارا از آیین حضرت ابراهیم ( ع ) ( تسلیم بودن در برابر خدا )

انّ اولی الناس بابرهیم لَلّذین اتّبعوه

جمله <ان اولی . .. >، تعریضی است به یهود و نصارا که چنین نیستند.

۵ یهود و نصارا هر یک مدعی انتساب و پیوند دینی با ابراهیم ( ع ) بودند .

یا اهل الکتاب لم تحاجّون فی ابرهیم . .. انّ اولی الناس بابرهیم لَلّذین اتّبعوه

۶ سزاوارترین مردم به انتساب و پیوند دینی به حضرت ابراهیم (ع

) ، پیامبر ( ص ) و مؤمنانند ; نه یهود و نصارا .

ما کان ابرهیم یهودیاً و لا نصرانیاً . .. انّ اولی الناس بابرهیم لَلّذین اتّبعوه

اتحاد منافقان مدینه با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۶

۶ - منافقان مدینه ، در جبهه بندی سیاسی ، در جبهه یهود بودند .

و القائلین لإخونهم

بنابراین احتمال که مراد از <القائلین> یهود و مرجع ضمیر در <إخوانهم> منافقان باشد، معلوم می شود که منافقان، در جبهه یهود و برادران سیاسی آنان بودند.

اتحاد یهود و مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۲

۲ - توافق و اتحاد یهود و نصارای عصر بعثت علیه مسلمانان ، علی رغم اختلافات شدید ایشان با یکدیگر

و قالوا کونوا هوداً أو نصری تهتدوا

هدف از <لفّ اجمالی> در آیه و بیان دو جمله در یک کلام، رساندن اتحاد و توافق یهود و نصارا علیه مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۳

۳ - یهود و نصارا - علی رغم داشتن اختلاف های اساسی با یکدیگر - بر ضد اسلام و مسلمانان همسو و هم آوا هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. کانوا هوداً أو نصری

روشن است که یهودیان اظهار نمی داشتند که ابراهیم و . .. نصرانی بودند و همچنین نصارا نمی گفتند که ابراهیم و ... یهودی بودند. بنابراین آوردن <لفّ اجمالی> و بیان نکردن عقیده هر کدام به صورت تفصیلی، حاوی این نکته است که: آنان -

علی رغم اختلافاتشان - بر ضد اسلام و مسلمین هم آوا و همسو هستند.

اتمام حجت با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۲

۲ - اتمام حجت بر تمام کافران ( یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان ) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

اجتناب یهود از طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۹

۱۹ یهود و نصارا در پیش از اسلام ، مبتلا به بهره گیری از ناپاکی ها و پرهیز از برخی پاکی ها و پاکیزه ها

یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

مراد از ضمیر <هم> در <لهم> و <علیهم> به قرینه <التوریه و الانجیل>، یهود و نصارا است.

احتجاج محمد(ص) با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۴

۲۴ پیامبر(ص) موظف به ترک مباحثه و احتجاج با یهود، بیش از مقدار بیان شده در این آیات بوده است.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

آیه مورد بحث خود در مقام احتجاج با یهود است و جمله ذیل آیه (ثم ذرهم)، دستور به ترک احتجاج می دهد. مقتضای جمع بین این دو فراز، آن است که احتجاج باید در حد مذکور باشد و بیش از آن نباید به آن پرداخته شود.

احتجاج یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

**۲ – آل عمران – ۳ – ۶۵ – ۲،۴**

**۲ محاجه یهود و نصارا درباره آیین**

ابراهیم ( ع )

یا اهل الکتاب لم تحاجّون فی ابرهیم

از جمله <و ما انزلت . .. >، معلوم می شود محاجّه و نزاع، درباره آیین ابراهیم بوده است.

۴ احتجاج یهود و نصارا با یکدیگر ، در مورد انتساب و پیوند دینی خود به ابراهیم ( ع ) و نفی آن از طرف مقابل

یا اهل الکتاب لم تحاجّون فی ابرهیم

<ان اولی الناس بابراهیم . .. > در آیه شصت و هشتم، می رساند که از جمله احتجاجهای یهود و نصارا با یکدیگر، ادّعای تبعیت و پیوند دینی خود با ابراهیم (ع) و نفی آن از دیگری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۱،۲

۱ احتجاج بحقّ نصارا ، با یهود ، درباره اثبات نبوّت حضرت عیسی ( ع )

حاججتم فیما لکم به علم

احتجاج نصارا در موردی که علم داشتند، عبارت بود از نبوّت حضرت عیسی (ع) که این احتجاج، حق بوده است.

۲ احتجاج بحق یهود با نصارا ، درباره عدم الوهیّت عیسی ( ع ) و پسر خدا نبودن وی

حاججتم فیما لکم به علم

احتجاج یهود در موردی که علم داشتند، عبارت بود از عدم الوهیّت حضرت عیسی (ع) و . .. که این احتجاج، بحق بوده است.

احکام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۳

۱۳ دریافت فدیه از اسیران همکیش برای آزادی آنان ، از محرمات آیین یهود

و إن یأتوکم أسری تفدوهم

اختلاف یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۷

۸اختلاف یهود ، در اصل رخداد قتل و به دار آویخته شدن عیسی ( ع )

إنّ الذین اختلفوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۲،۵

۲- قانون تعطیلی روز شنبه حکمی علیه یهودیان ، به جرم اختلافشان درباره دین توحیدی ابراهیم ( ع ) بود .

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فیه

آیه شریفه، پاسخی است از این سؤال که: در دین ابراهیم(ع) و ادیان پس از آن حضرت، روز جمعه به عنوان روز تعطیل تعیین شده بود، پس چرا در دین یهود روز شنبه اعلان شد؟ پاسخ این است که: این حکم مختص به یهودیان بود که به جرم اختلافشان در دین ابراهیم(ع) وضع گردید. گفتنی است ضمیر <فیه> به حضرت ابراهیم(ع) با تقدیر مضاف; یعنی، ملته باز می گردد.

۵- خداوند در قیامت ، نسبت به اختلافات و انحرافات یهود ، داوری خواهد کرد .

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ - اختلاف یهود درباره رسالت پیامبراکرم ( ص ) اختلافی ریشه دار و دیرپا *

و ءاتینهم بیّنت من الأمر . .. فیما کانوا فیه یختلفون

در صورتی که <الأمر> اشاره به رسالت پیامبراکرم(ص) داشته باشد; اختلاف مستمری که از <کانوا فیه یختلفون> استفاده می شود، ریشه دار بودن اختلافات آنان را درباره رسالت پیامبراکرم(ص) می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۸

## ۸ – یهودیان ، گرفتار تفرقه و دسته بندی

های سخت میان خویش

بأسهم بینهم شدید تحسبهم جمیعًا و قلوبهم شتّی

برداشت یاد شده در صورتی است که ضمایر به یهودیان بازگردد و بأس اشاره به عداوت و دشمنی داشته باشد.

اختلاف یهود با مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۸

۸ - تورات و انجیل ، راهگشای حل اختلاف مذهبی یهود و نصارا

قالت الیهود . .. و قالت النصری ... و هم یتلون الکتب

جمله حالیه <و هم یتلون الکتاب> می تواند به داعی تعجب ایراد شده باشد; یعنی، باعث شگفتی است که یهود و نصارا کتابهای آسمانی را می خوانند، ولی در عین حال این گونه اختلاف دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۲

۲ - توافق و اتحاد یهود و نصارای عصر بعثت علیه مسلمانان ، علی رغم اختلافات شدید ایشان با یکدیگر

و قالوا کونوا هوداً أو نصری تهتدوا

هدف از <لفّ اجمالی> در آیه و بیان دو جمله در یک کلام، رساندن اتحاد و توافق یهود و نصارا علیه مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۳

۳ - یهود و نصارا - علی رغم داشتن اختلاف های اساسی با یکدیگر - بر ضد اسلام و مسلمانان همسو و هم آوا هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. کانوا هوداً أو نصری

روشن است که یهودیان اظهار نمی داشتند که ابراهیم و . .. نصرانی بودند و همچنین نصارا نمی گفتند که ابراهیم و ... یهودی بودند. بنابراین آوردن <لفّ اجمالی> و بیان نکردن عقیده

هر کدام به صورت تفصیلی، حاوی این نکته است که: آنان - علی رغم اختلافاتشان - بر ضد اسلام و مسلمین هم آوا و همسو هستند.

اختلاف یهود دوران عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۷

۷ - ربوبیت الهی ، محور اصلی اختلافات یهودیان در عصر عیسی ( ع )

الذی تختلفون فیه . .. إنّ اللّه هو ربّی و ربّکم فاعبدوه

از ارتباط این آیه با آیه قبل، به دست می آید که آنچه مورد اختلاف یهودیان بوده است، مسأله ربوبیت الهی می باشد.

اختلافات دینی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۵

۵ - یهودیان ، گرفتار اختلافات پردامنه مذهبی در عصر بعثت عیسی ( ع )

لأُبیّن لکم بعض الذی تختلفون فیه

اختلافات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۸

۱۸ خداوند ، مرجع و حاکم حلّ اختلافات یهود و نصارا در قیامت

ثمّ الیّ مرجعکم فاحکم بینکم فیما کنتم فیه تختلفون

اخراج یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱،۲،۷

۱ - خداوند ، یهود بنی قریظه را از قلعه های مستحکم خود بیرون کشید تا در دسترس مسلمانان مدینه قرار گیرند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب من صیاصیهم . ..فریقًا تقتلون

<صیاصی> جمع <صیصیه> است و <صیصیه> به دژ و قلعه و هر آنچه را که بتوان در پناه آن خود را حفظ کرد، گفته می شود (مفردات راغب).

۲

- توان مندی و شکست ناپذیری خداوند ، یهودیان را از قلعه های مستحکم خویش ، فرود آورد .

و كان اللّه قويًا عزيزًا . و أنزل الذين ظهروا من أهل الكتب من صياصيهم

۷ - چیره شدن ترس بر یهود بنی قریظه ، موجب شد که آنان ، بدون هیچ گونه زحمتی از قلعه های مستحکم خارج شوند . *

و أنزل الذين ظهروهم . .. و قذف فى قلوبهم الرعب

ممکن است چنان چه در کتاب های سیره و تاریخ آمده است واقعیت امر، چنین باشد که بر یهودیان، ترس چیره شد و باعث گردید که آنها، از قلعه های مستحکم خود بیرون بیایند و به راحتی در دست رس سپاه مسلمانان قرار بگیرند. بنابراین، ذکر <أنزل> پیش از <قذف> ممکن است به خاطر اهمیت خارجی آن باشد.

اخلالگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۳،۴

۳ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب ( یهود ) به پیامبر ( ص ) و اخلالگری آنان در راه تحقق اسلام

و منهم من صدّ عنه

<صدّ> در برداشت فوق به معنای متعدی آن، یعنی بازداشتن و منع کردن گرفته شده است و لذا از آن به اخلالگری تعبیر شد.

۴ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب ( یهود ) به پیامبران آل ابراهیم و اخلالگری آنان در راه تحقق اهداف ایشان

فقد اتينا ال ابرهيم . .. و منهم من صدّ عنه

ادعاهای علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۸

۸ تناقض آشکار میان ادعا های اهل

کتاب ( عالمان یهود ) و عمل آنان

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

خداونـد از یکسو یهودیـان را به دارا بودن کتاب آسـمانی که طبعاً کتاب توحیـد است توصـیف کرده و از سوی دیگر شـرک آنان را گوشزد کرده تا تناقض در ادعا و عمل یهودیان را به خود آنان و به مسلمانان تفهیم کند.

ادعاهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ - یهودیان ، مدعی دارا بودن قلب و اندیشه ای نفوذناپذیر در برابر افکار و عقاید نادرست

قالوا قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که مراد یهودیان از <حجاب داشتن قلبهایشان> متأثر نشدن از سخنان ناصحیح باشد; چنانچه هر غلافی مانع از آن است که چیز ناصوابی به آنچه در غلاف است در آیـد و بـدان ضـربه زند. گفتنی است که کلمه <بل> در این صورت نفی همین ادعاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۶،۷

۶ - یهودیان ، مدعی اعتقاد به خدا ، قیامت و نعمت های اخروی هستند .

إن کانت لکم الدار الأخره عند اللّه خالصه من دون الناس فتمنوا الموت

۷ - ادعـای یهودیـان ( یقین به بهشـتی بودن ) آن گـاه صادقـانه و برخاسـته از بـاور آنـان است که تمنـای مرگ کرده و از آن استقبال کنند .

قل إن کانت لکم الدار الأخره . .. فتمنوا الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰ - پیامبر ( ص ) ، موظف

به مطالبه برهان از یهود و نصارا بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۵

۵ - اتهام یهود و نصارا علیه یکدیگر ( بی پایه و اساس خواندن آیین طرف مقابل ) مخالف با کتاب آسمانی خود آنان است .

و قالت الیهود . .. و هم یتلون الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱

۱ - توصیه یعقوب ( ع ) بر ملازمت فرزندانش بر آیین یهودیت ، از ادعا های دروغین یهود

أم کنتم شهداء إذ حضر یعقوب الموت

<أم> منقطعه و متضمن معنای استفهام انکاری است. <شهداء> جمع شهید و به معنای حاضران می باشد و خطاب متوجه یهودیان است. بنابراین <أم کنتم شهداء ...>; یعنی، شما یهودیان به هنگام مرگ یعقوب حضور نداشتید. (پس چگونه ادعا می کنید که او فرزندانش را به پایداری در آئین یهود سفارش کرد؟)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۱،۴،۱۶

۱ ادعای گروهی از اهل کتاب ( یهود ) مبنی بر پیراستگی خویش از آلودگی و انحراف

الم تر الی الذین یزکّون انفسهم

تزکیه به معنای برطرف کردن رذایل و بدیها است و گاهی در انتساب پاکی و طهارت معنوی نیز به کار برده می شود. یعنی پاک شمردن و منزه دانستن. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است. گفتنی است با توجه به آیات پیشین و نیز آیات بعدی به دست می آید که مراد از <الذین یزکّون> یهود

و یا گروهی از آنان است.

۴ یهودیان عصر پیامبر ( ص ) علی رغم ادعایشان هرگز منزّه نبودند و نزد خدا منزلتی نداشتند .

الم تر الی الذین یزکّون انفسهم بل اللّه یزکّی من یشاء

۱۶ یهود و نصارا ، مدعی پیراستگی خویش از آلودگی و انحراف

الم تر الی الذین یزکّون انفسهم

امام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: انّهم الیهود و النصاری.

---

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۲۲۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ۴۸۹، ح ۲۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۶

۶ ادعای یهود مبنی بر پاک و پیراستگی خویش در پیشگاه خداوند ، افترا بر اوست .

الم تر الی الذین یزکون . .. انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

ادعای پاکی و رشدیافتگی یهود می تواند از مصادیق مورد نظر از افترا بر خدا باشد. چون مدعی بودند که این پیراستگی را خداوند به آنها داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۷،۱۷

۷ یهود ، با ادعای دانش وافر ، خود را از تعالیم انبیا بی نیاز می پنداشتند .

و قولهم قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که <غلف> جمع غلاف به معنای ظرف باشد. بر این مبنا، مقصود یهود از جمله <قلوبنا غلف> این است که دلهایشان آکنده از دانش است و نیازی به تعالیم انبیا ندارند.

۱۷ یهود ، مدعی جبر و قدرت بر ایمان *

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه عليها بكفرهم

بدان احتمال كه منظور يهود از <قلوبنا غلف> نسبت دادن حالت كفر خويش به

عوامل غیر اختیاری باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۷ – ۱،۴،۶،۱۰،۱۴

۱ یهود ، مدعی کشتن حضرت مسیح ( ع )

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح ( ع ) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

۶ یهود بر خلاف پندارشان حضرت عیسی ( ع ) را نکشتند و به دار نیز نیاویختند .

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم . .. و ما قتلوه و ما صلبوه

۱۰ ادعای یهود در مورد کشته شدن حضرت عیسی ( ع ) ، بر پایه گمان بود ، نه علم و یقین .

إنّ الذین اختلفوا فیه لفی شک منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن

۱۴ پندار غلط و خلافگویی یهود ، در مورد تولد و مرگ حضرت عیسی ( ع )

قولهم علی مریم بهتاناً عظیماً. و قولهم إنّا قتلنا المسیح ... ما لهم به من علم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۴ – ۳

۳ بسته بودن دست خداوند ، از گفتار های ناروا و گناه آلودِ بسیاری از یهودیان

عن قولهم الاثم . .. و قالت الیهود یداللّه مغلوله

<و قالت الیهود . .>، می تواند بیان مصداقی برای <قولهم الاثم> در آیه قبل باشد و به قرینه آیه ۶۲ این سخن، گفته تمامی یهودیان نبوده

و گروهی از آنان همچون ربانیون و احبار چنین گفتاری نداشته و لذا در برداشت فوق به همه آنان نسبت داده نشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۴

۴ یهودیان به سبب ادعای نازل نشدن وحی بر هیچیک از بشر ظالمترین مردم هستند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء . .. و من أظلم ممن افتری علی

ارتداد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۳

۳ یهود ، مرتدانی که با انکار عیسی ( ع ) کافر شدند و با انکار حضرت محمد ( ص ) ، بر کفر خویش افزودند .

لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم سبیلا

در شأن نزول آمده که مقصود آیه، یهودیان هستند که به حضرت موسی(ع) ایمان آوردند و سپس با گوساله پرستی کافر شدند و پس از مراجعه ی آن حضرت(ع) از طور، دوباره مؤمن شدند. تا آنگاه که به حضرت عیسی(ع) کفر ورزیدند و با انکار رسول اللّه(ص)، بر کفر خویش افزودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۸

۱۸ گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی ( ع ) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت فعفونا عن ذلک

ارزش دنبه در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۴

۴ دنبه و پیه گاو و گوسفند از نظر غذایی برای یهودیان ارزش فراوانی داشت.

و على

الذين هادوا . .. حرمنا عليهم شحومهما ... ذلك جزينهم ببغيهم

چون تحریم پیه و دنبه بر یهودیـان به عنوان مجـازاتی در برابر ظلم و تجـاوز آنهـا مطرح شـده، طبیعتاً چیزهایی مرغوب و مورد پسند و نیاز آنها بوده تا عنوان مجازات لغو و بی اثر نباشد.

اسارت یهود بنی قریظه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۶ – ۱۱

۱۱ – گروهی از یهود بنی قریظه ، به اسارت سپاه مسلمانان در آمدند .

و تأسرون فریقًا

استفاده یهود از خبایث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۷ – ۱۹

۱۹ یهود و نصارا در پیش از اسلام ، مبتلا به بهره گیری از ناپاکی ها و پرهیز از برخی پاکی ها و پاکیزه ها

یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

مراد از ضمیر <هم> در <لهم> و <علیهم> به قرینه <التوریه و الانجیل>، یهود و نصارا است.

استکبار علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۲ – ۱۳

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

استکبار یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۳،۱۴

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

۱۴ حق ناپذیری و روحیه استکباری یهود ، عامل عداوت آنان با مسلمانان

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و

انهم لايستكبرون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۸۳ – ۸

۸ استكبار و سخت دلى يهوديان و مشركان موجب تأثرناپذيرى آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى اعينهم تفيض من الدمع

بيان واكنش خاضعانه مسيحيان در برابر قرآن پس از توصيف آنان به فروتنى در آيه پيش گوياى اين است كه دو گروه ديگر (يهوديان و مشركان) به دليل گردنفرازى و استكبار در برابر حق، از پذيرش قرآن سرباز زدند.

استهزاهاى يهود

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۴ – ۱

۱ – كلمه < راعنا > دستاويز يهوديان براى اهانت به پيامبر ( ص ) و استهزاى آن حضرت

لاتقولوا رعنا و قولوا انظرنا

مسلمانان در ضمن سخن گفتن پيامبر(ص) گاهى از آن حضرت تقاضا مى كردند كه مهلت دهد تا سخنان پيشين وى را درك كنند. براى درخواست مهلت، كلمه <راعنا> (فرصتمان ده) را به كار مى بردند. يهوديان با اندك تحريفى در اين كلمه، معنايى ناروا از آن قصد كردند و در خطاب به پيامبر (ص) به كار مى بردند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۰ – ۹

۹ استهزاى يهود و مشركان به آيات الهى و شركت منافقان در جمع آنان

إذا سمعتم ءايت اللّه يكفر بها و يستهزأ بها فلاتقعدوا معهم

ابن عباس در شأن نزول آيه گفته است: منافقان، در مجالسى كه از سوى يهود ترتيب مى يافت و قرآن مورد تمسخر قرار مى گرفت، شركت مى كردند و سدى گفته است: مشركان آنگاه كه با

مسلمانان در یک مجلس می نشستند، قرآن را استهزا می کردند و به رسول خدا(ص) دشنام می دادند.

---

مجمع البیان، ذیل آیه; الدرالمنثور، ج ۲، ص ۲۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۳

۳ استهزای یهود نسبت به پیامبری حضرت عیسی ( ع ) *

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <رسول اللّه> گفتار یهودیان باشد، بر این اساس به نظر می رسد اقرار آنان به رسالت عیسی(ع) به منظور تمسخر بوده است.

استهزای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۲

۲ فرمان خداوند به انفاق و بخشش ، مورد تمسخر و استهزای یهودیان

الّذین یبخلون . .. لقد سمع اللّه قول الّذین قالوا انّ اللّه فقیر

نقل کلام یهودیان (انّ اللّه فقیر . .. )، پس از ترغیب آنان به انفاق و تهدید بخیلان، بیانگر این نکته است که یهودیان، امر خداوند مبنی بر انفاق را به تمسخر گرفته و چنین شایع کردند که خدای محمّد (ص)، فقیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۰،۱۴،۲۲

۱۰ استهزای یهود نسبت به پیامبر ( ص ) و اسلام

من الذین هادوا . .. یقولون سمعنا و عصینا واسمع غیر مسمع و راعنا لیّاً بالسنتهم

۱۴ به کارگیری کلمات دو پهلو و چند معنی ، شیوه برخی از یهودیان برای استهزای پیامبر ( ص ) و طعن بر اسلام

واسمع غير مسمع . .. راعنا ليّاً بالسنتهم و طعناً

فی الدین

کلمه <مسمع>، از مصدر اسماع، دارای دو معنای متضاد است: یکی شنیدن و فهمیدن و دیگری دشنام دادن و ناسزا گفتن. و جمله راعنا با اندکی انحراف زبان می تواند معنای <چوبان ما> را به ذهن شنونده القا کند.

۲۲ تحریفگری ، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر ( ص ) ، نمودی از کفر آنان

من الذین هادوا یحرّفون . .. سمعنا و عصینا ... لعنهم اللّه بکفرهم

اسلام و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۳،۴،۵

۳ نگرانی علمای یهود ، از افشای توطئه آنان علیه اسلام

و قالت طائفه من اهل الکتاب . .. و لا تؤمنوا الاّ لمن تبع دینکم

نهی عالمان یهود از اعتماد به غیر همکیشان، پس از طرح توطئه علیه مسلمانان، بیانگر نگرانی آنان از افشای توطئه می باشد.

۴ نهی علمای یهود پیروان خویش را از بازگویی توطئه شان علیه اسلام ، مگر در میان همکیشان خود

و قالت طائفه . .. امنوا بالذی ... و لا تؤمنوا الاّ لمن تبع دینکم

۵ نگرانی علمای یهود ، از گرایش پیروانشان به اسلام

و لا تؤمنوا الاّ لمن تبع دینکم

(بنابراینکه ایمان، به معنای گرایش باشد).

اسلام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۶

۶ - توافق های سطحی با یهود و نصارا ، در گرایش آنان به اسلام مؤثر نیست .

و لن ترضی عنك اليهود و لاالنصری حتی تتبع ملتهم

اضلال علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۹ تصمیم عالمان یهود بر گمراه کردن مسلمانان

و یریدون ان تضلوا السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۳

۳ تحریف و تفسیر ناصواب گفته ها ، از روش های عالمان یهود برای گمراه ساختن مسلمانان

و یریدون ان تضلوا السبیل . .. من الذین هادوا یحرّفون الکلم

هدف از تحریف و تفسیر ناصواب سخنان از سوی عالمان یهود، به دلیل <ان تضلوا>، گمراه ساختن مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۷

۷ بسیاری از احبار و راهبان ( پیشوایان دینی یهود و نصارا ) عوامل انحراف مردم و بازدارنده آنان از راه خدا بودند .

إن کثیراً من الأحبار و الرهبان . .. و یصدون عن سبیل اللّه

اضلال یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ لزوم هشیاری جامعه ایمانی در مقابل تلاش برای گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الی الذین . .. ان تضلوا السبیل

هدف از بیان تصمیم عالمان یهود، هشیار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پیگیر آن عالمان برای گمراه ساختن جامعه ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۸

۸ یهود عامل انحراف بسیاری از مردمان و مانع آنان از پیوستن به راه خدا

و بصدّهم عن سبیل اللّه کثیراً

بـدان احتمال که <کثیراً>، مفعول به به <صـدهم> باشـد، یعنی <بصدهم کثیراً من الناس عن سبیل اللّه>، گفتنی است که در این صورت کلمه <صدّ> متعدی و به معنای

بازداشتن خواهد بود.

اطاعت از علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۱،۱۵

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخرين لم يأتوك يحرفون الكلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون . ..>، علاوه بر توصیف یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للكذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون للكذب> که دارای لحنی مذمت آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم ءاخرين>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر ، مردمی دروغ پرداز ، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخرين لم يأتوك يحرفون الكلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للكذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للكذب>، یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخرين>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱

۱ تسلیم و اطاعت بی چون و چرای یهود و نصارا در برابر احبار و راهبان ( پیشوایان دینی ) خویش

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً

<اتخاذ رب> کنایه از تسلیم و اطاعت بی چون و چراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۴

## ۴ اطاعت محض و تبعیت

کورکورانه یهود و نصارا از احبار و راهبانشان ، در راستای مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً . .. یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم

اظهار ضعف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۸

۸ - مأیوس کردن پیامبر ( ص ) ، انگیزه یهودیان در اظهار ناتوانی خویش از درک معارف اسلام

قالوا قلوبنا غلف

انسانها معمولا به قصور خویش در فهم و درک باور ندارند. بنابراین اعتراف یهودیان به درک نکردن و نفهمیدن، می تواند به منظور مأیوس کردن پیامبر(ص) باشد تا از اصرار بر دعوت ایشان به اسلام منصرف شود.

اعتراض یهود به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ - یهودیان ، معترض به خداوند به خاطر گزینش رسول اکرم ( ص ) به پیامبری و نازل کردن وحی بر آن حضرت

بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

از اینکه قرآن در بیان ریشه حسادت یهود (أن ینزل . ..) به دو چیز اشاره کرده است (پیامبری رسول اکرم (ص) و اینکه خدا این مقام را به او عطا کرده) می توان چنین نتیجه گرفت که یهودیان علاوه بر حسادتشان بر رسول اکرم(ص) به خداوند نیز به سبب اعطای این مقام، معترض بودند.

اعراض از ولایت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱

۱ ضرورت پرهیز مسلمانان از پذیرش ولایت و حاکمیت یهود و نصارا

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء

یکی از معانی

ولایت، امارت و سلطنت است. (قاموس المحیط)، بنابراین <ولی> می تواند به معنای امیر و حاکم باشد.

اعراض از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۵

۱۵ - پیامبر ( ص ) موظف به پرهیز از پیروی یهود و نصارا و ردّ آرای نفسانی ایشان

و لئن اتبعت اهواءهم . .. إنک إذاً لمن الظلمین

اعراض یهود از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۳

۳ - خداوند ، مسلمانان را از ایمان نیاوردن بنی اسرائیل و طایفه یهود آگاه ساخت .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

همزه استفهام در <أفتطمعون> استفهام انکار توبیخی یا تعجبی است و در هر صورت دلالت بر این دارد که: جامعه یهود و بنی اسرائیل به اسلام و قرآن ایمان نخواهند آورد.

اغواگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱۰

۱۰ یهود ، ظالمانی منحرف و بسیار اغواگر

فبظلم من الذین هادوا حرمنا . .. و بصدّهم عن سبیل اللّه کثیراً

افتراهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ - بیشتر از چند روز نبودن عذاب قیامت برای یهودیان گنهکار ، از نسبت های دروغین یهود به خداوند

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده . .. أم تقولون على اللّه ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۲

۲ - داشتن زاده و اختیار کردن فرزند ، از نسبت های ناروای

یهود ، نصارا و مشرکان به خداوند

و قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه

مراد از ضمیر در <قالوا> - به قرینه آیه ۱۱۳ - یهود، نصارا و مشرکان است. یهود <عزیر> و نصارا <مسیح(ع)> را فرزند خدا می پنداشتند و مشرکان نیز فرشتگان را فرزند او می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۱۸

۱۸ پاک بودن دامن حضرت مریم ( ع ) از تهمت های ناروای یهودیان

انما المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه و کلمته القها إلی مریم و روح منه

جملات <انما المسیح . .. روح منه> علاوه بر اینکه رد عقیده غلوآمیز مسیحیان درباره حضرت عیسی(ع) است، می تواند اشاره به ناروایی اتهام یهودیان نسبت به مریم(ع) نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ توبیخ یهود و نصارا از جانب خداوند ، به خاطر ادعای دروغین فرزند بودن عزیر و مسیح برای خدا

و قالت الیهود عزیر ابن اللّه . .. أنی یؤفکون

افساد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ هشدار خداوند به یهود نسبت به فرجام شوم ستیزه جویی با پیامبر ( ص ) و فسادانگیزی در زمین

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل . .. انما جزؤا الذین یحاربون

چون در آیه پیش روی سخن با بنی اسرائیل بود، این آیه می تواند تعریض به اهداف و اعمال آنان در برابر پیامبر(ص) داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۲۸ یهودیان ، همواره در تلاش آتش افروزی و فتنه گری برای به راه انداختن جنگ علیه مسلمانان

کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

<ایقاد نار> که به معنای آتش افروزی است، می تواند کنایه از مکرها و شیطنت هایی باشد که یهودیان به وسیله آن مردم خویش و یا دیگر طوایف را علیه مسلمانان می شوراندند.

۲۹ ناکامی همواره یهود در آتش افروزی های خویش علیه مسلمانان

کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

۳۰ خداوند ، فرو نشاننده آتش هر جنگی که یهودیان علیه مسلمانان بر افروزند .

کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

۳۲ ایجاد دشمنی و کینه توزی در بین یهود ، تدبیری الهی جهت خاموش نمودن جنگ افروزی آنان علیه مسلمانان *

و القینا بینهم العدوه و البغضاء . .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

بدان احتمال که جمله <کلما اوقدوا . ..> بیان نتیجه ای برای جمله <القینا بینهم...> باشد ; وصل آن دو جمله بدون حرف عطف که حکایت از شدت اتصال مضمون آنها دارد، تأییدی برای برداشت فوق است.

۳۵ تلاش مستمر یهود برای ایجاد فساد و تباهی در زمین

و یسعون فی الارض فساداً

فعل مضارع <یسعون> حاکی از تلاش پیگیر و مستمر است.

۳۶ مفسده جویی یهود ، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان *

طغیناً و کفراً . .. و یسعون فی الارض فساداً

۳۸ مفسده جویی یهود ، عامل محرومیت آنان از محبت خداوند

و یسعون فی الارض فساداً و اللّه لایحب المفسدین

افشای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۲۵

۲۵ امتناع عالمان تحریفگر یهود از رویارویی

با رسول خدا ( ص ) ، از ترس افشای دروغ ها و تحریفهایشان *

سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم من بعد مواضعه

اقرار عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱

۱ - عوام ، یهود در حضور مسلمانان به حقانیت پیامبر اسلام ( ص ) و انطباق نشانه های پیامبر موعود ، بر آن حضرت اعتراف می کردند .

و إذا لقوا الذین ءامنوا قالوا ءامنا . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

جمله <أتحدثونهم . ..; چرا حقایقی که خدا در اختیار شما نهاده به مسلمانان باز می گویید؟> دلالت بر این دارد که مراد از <آمنا> بیان ویژگیهای پیامبر موعود در تورات و تطبیق آن با رسول اکرم(ص) است. بنابراین <آمنا>; یعنی، ما تصدیق می کنیم که محمد(ص) همان پیامبر موعود است و ویژگیهای بیان شده بر او تطبیق می کند.

اقرار یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۲

۲ - یهودیان عصر بعثت ، بر ناتوانی خویش از درک معارف اسلام معترف بودند .

و قالوا قلوبنا غلف

کلمه <قالوا> دلالت بر اعتراف دارد.

اقلیّت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۴،۲۵،۲۷،۲۸

۲۴ یهودیان ، جز اندکی از آنان ، هرگز به راه خیر و قوام روی نخواهند آورد .

لكان خيراً لهم و اقوم و لكن لعنهم اللّه بكفرهم فلا يؤمنون الّا قليلًا

۲۵ تنها اندکی از یهود به اسلام و پیامبر ( ص ) ایمان خواهند آورد .

و

لکن لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم . .. الّا قلیلا

بنابر اینکه <قلیل> استثناء از مفعول در <لعنهم اللّه> باشد. نصب <قلیلا> این احتمال را تأیید می کند.

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر ( ص ) و اسلام

لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۲۲

۲۲ وجود افراد اندکی انسانِ حق گرا در میان یهود عصر پیامبر ( ص )

فلایؤمنون إلّا قلیلا

اکثریت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۲

۲ بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا ، اموال مردم را به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع ، تصاحب می کردند .

إن کثیراً من الأحبار و الرهبان لیأکلون أمول الناس بالبطل

اکثریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۲۱

۲۱ بسیاری از یهود ، هرگز به پیامبر اسلام ( ص ) ایمان نخواهند آورد .

فلایؤمنون إلّا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراک

از جمله <فلایؤمنون الا قلیلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن ...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳۲

۳۲ بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر ( ص ) ، مردمی آلوده به گناه و معصیت

یرید اللّه ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و إن کثیراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۲

۲ بسیاری از مسیحیان و یهودیان ، در صدد جایگزینی گرایش ها و قوانین جاهلی به جای احکام و قوانین الهی

افحکم الجهلیه یبغون

<بغی>، به معنای طلب کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱

۱ بسیاری از یهود و نصارا ، مردمی حرام خوار و دارای زبانی آلوده به گناه و سخنان ناروا

لولا ینهیهم . .. عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳،۱۲

۳ بسته بودن دست خداوند ، از گفتار های ناروا و گناه آلودِ بسیاری از یهودیان

عن قولهم الاثم . .. و قالت الیهود یداللّه مغلوله

<و قالت الیهود . .>، می تواند بیان مصداقی برای <قولهم الاثم> در آیه قبل باشد و به قرینه آیه ۶۲ این سخن، گفته

تمامی یهودیان نبوده و گروهی از آنان همچون ربانیون و احبار چنین گفتاری نداشته و لذا در برداشت فوق به همه آنان نسبت داده نشد.

۱۲ معارف نازل شده بر پیامبر ( ص ) ، موجب افزایش طغیانگری و کفرورزی بسیاری از یهودیان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

امتحان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۴

۴ خداوند امت های یهود را گاهی با اعطای نعمت ها و آسایش ها و زمانی با گرفتار ساختن به سختی ها و ناخوشایندی ها آزمود .

و بلونهم بالحسنت و السیئات

مراد از ضمیر مفعولی در <بلوناهم> می تواند همه یهود، صالحان و ناصالحان، باشد و می تواند مراد از آن تنها ناصالحان ایشان باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

امتحان یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۹،۱۱

۹ وفور ماهی در روز شنبه ( روز حرمت صید بر یهودیان ) ، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

کذلک نبلوهم

۱۱ خداوند برای امتحان یهودیان ایله ، ماهیان را در روز شنبه به طرف ساحل سوق می داد و در روز های دیگر از ساحل دور می ساخت .

إذ تأتیهم حیتانهم یوم سبتهم شرعاً و یوم لایسبتون لا تأتیهم کذلک نبلوهم

چون حکم تعطیلی روز شنبه برای همه یهود بود، نه مخصوص مردم ایله، معلوم می شود آنچه خداوند برای مردم آن سامان پیش آورد تا آنان را بیازماید، همان آمدن ماهیان در روز شنبه و کمیاب شدنشان

در روزهای دیگر بود، نه اصل تحریم کار در روز شنبه. لذا مشارالیه <ذلک> وضعیت بیان شده برای ماهیان است.

امداد به یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۶

۶ تعهد مسلمانان سست ایمان بر یاری یهود و نصارا با سوگندهایی مؤکد

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق بر این مبناست که <هولاء> اشاره به بیماردلان و خطاب در <معکم> متوجه یهود و نصارا باشد.

امکانات مادی یهود خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۴

۴ - یهودیان خیبر ، دارای امکانات مالی گسترده

و مغانم کثیره یأخذونها

به دست آمدن غنایم فراوان، نشانگر وجود امکانات بسیار دشمنان اسلام، در جنگ خیبر است.

انبیای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۷

۷ یهود ، برخوردار از پیامبرانی متعدد

یحکم بها النبیون الذین اسلموا

انتظار یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۶

۶ - یهودیان ، از دیرباز در انتظار پیامبر ( ص ) و نزول قرآن بودند .

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

انتظارات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۲

۲ اهل کتاب ( یهود و نصارا ) در انتظار بعثت پیامبر ( ص ) *

ياهل الكتب قد جاءكم رسولنا

کلمه <قد> می تواند بیانگر انتظار حصول فعلی باشد که بر سر آن آمده است. نظیر <قد قامت الصلوه>.

انحراف اکثریت

یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۹ – ۱۰

۱۰ بیشتر یهودیان و مسیحیان ، مردمانی منحرف و بریده از تعالیم آسمانی خویش

و إن اکثرکم فسقون

<فاسق> غالباً به کسی گفته می شود که به برخی از آیین خویش و یا به تمامی آن پایبند نباشد. (مفردات راغب.)

انحراف عقیدتی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۳ – ۶

۶ – رسوخ افکار و اندیشه های مخالف کتاب های آسمانی ، در عقاید و باور های دینی یهود و نصارا

و قالت الیهود . .. و هم یتلون الکتب

انحراف علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۴ – ۱

۱ خداوند ، از فساد مالی و انحراف بسیاری از احبار و راهبان ( پیشوایان دینی یهود و نصارا ) پرده برداشته و مؤمنان را نسبت به خطر آنان هشدار داد .

یأیها الذین ءامنوا إن کثیراً من الأحبار و الرهبان لیأکلون أمول الناس بالبطل

انحراف یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۰ – ۷

۷ افترای یهود بر خداوند دلیل آلودگی آنان و پیراسته نبودنشان از انحراف

الم تر . .. انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

جمله <انظر کیف> می تواند دلیلی باشد بر اثبات عدم تزکیه یهودیان که در آیه قبل مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۷،۹،۱۰

۷ یهودیان مردمانی بسیار منحرف و رویگردان از راه خدا

و بصدّهم

عن سبيل اللّه كثيراً

كلمه <صداً> مى تواند به معناى بازدارى و نيز به معناى اعراض باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است، چنانچه برداشت پيش بر مبناى احتمال اول بود.

۹ انحراف عميق يهود از راه خدا و بازدارى مردمان از پيوستن به آن ، موجب تحريم نعمت هاى پاكيزه و حلال بر آنان

حرّمنا عليهم طيبت أحلت لهم و بصدّهم عن سبيل اللّه كثيراً

ظاهراً كلمه <بصدهم> عطف بر <بظلم> است، يعنى <بظلم من الذين هادوا و بصدهم حرمنا عليهم>. گفتنى است كه تكرار باء در <بصدهم> اشاره به اين دارد كه بازدارى آنان از راه خدا نيز مى توانست نقش مستقلى در تحريم داشته باشد.

۱۰ يهود ، ظالمانى منحرف و بسيار اغواگر

فبظلم من الذين هادوا حرمنا . .. و بصدّهم عن سبيل اللّه كثيراً

انحرافات يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۵

۵- خداوند در قيامت ، نسبت به اختلافات و انحرافات يهود ، داورى خواهد كرد .

و إن ربّك ليحكم بينهم يوم القيمه فيما كانوا فيه يختلفون

انحصارطلبى يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱،۲

۱ - اهل كتاب ( يهود و نصارا ) ، تنها خويشتن را سزاوار بهشت دانسته و ديگران را از آن ، محروم مى پندارند .

و قالوا لن يدخل الجنه إلا من كان هوداً أو نصرى

ضمير در <قالوا> به <اهل الكتاب> (در آيه ۱۰۹) باز مى گردد.

۲ - يهوديان ، بهشت را مخصوص يهود و ديگران را از آن محروم مى دانند .

و قالوا لن يدخل الجنه

إلا من كان هوداً

آيه ۱۱۳، بيانگر آن است كه هر يك از يهود و نصارا ديگرى را اهل نجات نمى داننـد. بنابراين به اصـطلاح اهل ادب، در آيه مورد بحث <لفّ اجمالى> وجود دارد و حرف <أو> نيز براى تفصيل است; يعنى، جمله <قالوا لن ...> حاكى از دو جمله است: ۱ قالت اليهود: < لن يدخل الجنه إلا من كان هوداً>. ۲ و قالت النصارى: < لن يدخل الجنه إلا من كان نصرى>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۵

۵ بخل شديد و انحصارطلبى يهوديان

فاذاً لا يؤتون النّاس نقيراً

ظاهراً منظور از كلمه <النّاس>، غير يهوديان هستند ; به قرينه آيه بعـد: <ام يحسدون النّاس>، بنابر اين معناى جمله <فاذاً . .. > چنين مى شود: يهوديان منافع دنيا را از ديگر مردمان دريغ مى دارند و در انحصار خويش نگه مى دارند.

انحطاط يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۱،۳

۱ خداوند جامعه يهود را گروه گروه كرد و در پهنه گيتى پراكنده ساخت .

و قطّعنهم فى الأرض أمماً

<أمماً> هم مى توانـد مفعول دوم براى <قطعناهم> باشـد، كه در اين صورت در <قطّعنا> معناى <تصـيير> تضـمين شده است، و هم مى تواند حال براى ضمير <هم> در <قطّعناهم> باشد.

۳ برخى از امت هاى پراكنده شده يهود ، مردمى صالح و گروههايى از آنان ناصالح هستند .

منهم الصلحون و منهم دون ذلك

<دون> به معناى غير مى باشد و <ذلك> اشاره است به صالح كه از <الصلحون> به دست مى آيد، يعنى: <منهم

غیر صالحین>.

انقیاد انبیای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴

۴ پیامبران یهود ، تسلیم در برابر خداوند و قوانین او

یحکم بها النبیون الذین اسلموا

<الذین اسلموا> صفت توضیحی برای <النبیون> است.

انگیزه آخرت فروشی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۷

۷ - یهودیان برای رسیدن به مزایای دنیوی ، آخرت و نعمت های آن را از دست دادند .

أولئک الذین اشتروا الحیوه الدنیا بالأخره

انگیزه تبعیدهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا ، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون . .. أولئک الذین اشتروا الحیوه الدنیا بالأخره

انگیزه قتلهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا ، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون . .. أولئک الذین اشتروا الحیوه الدنیا بالأخره

اولین تبعید یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۳

۳ - تبعید بنی نضیر ، نخستین اخراج دسته جمعی یهودیان از مدینه

أخرج الذین کفروا . .. لأوّل الحشر

<حشر>، عبارت است از بیرون راندن دسته جمعی عده ای از مردم از محل سکونت شان.

اهانتهای یهود

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱

۱ - کلمه < راعنا > دستاویز یهودیان برای اهانت به پیامبر ( ص ) و استهزای آن حضرت

لاتقولوا رعنا و قولوا انظرنا

مسلمانان در ضمن سخن گفتن پیامبر(ص) گاهی از آن حضرت تقاضا می کردند که مهلت دهد تا سخنان پیشین وی را درک کنند. برای درخواست مهلت، کلمه <راعنا> (فرصتمان ده) را به کار می بردند. یهودیان با اندک تحریفی در این کلمه، معنایی ناروا از آن قصد کردند و در خطاب به پیامبر (ص) به کار می بردند.

اهداف علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۳

۲۳ تثبیت حکم تحریف شده به دست عالمان یهود ، هدف آنان از ارجاع داوری به رسول خدا ( ص )

ان اوتیتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

ارجاع داوری به رسول خدا(ص) و نپذیرفتن قضاوت آن حضرت در صورت مخالفت حکم وی با اظهارات عالمان یهود، می رساند که هدف آنان از این ارجاع تنها تلاش برای یافتن امضای حکم تحریف شده بوده است.

ایمان اقلیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ - عده بسیار اندکی از یهودیان ، معارف اسلام را باور کرده ، به پیامبر ( ص ) ایمان می آوردند . *

فقلیلا ما یؤمنون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <قلیلاً> حال برای فاعل <یؤمنون> باشد; یعنی: <فما یؤمنون منهم إلا نفر قلیل; پس ایمان نمی آورند از یهود مگر افرادی معدود>. (اقتباس از مجمع البیان)

یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۲

۲ گرایش و ایمان برخی اهل کتاب و علمای یهود به جبت ( معبودی غیر از خدا ) و طاغوت

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

<جبت> در لغت به معنای هر چیزی است که در آن خیری نباشد و نیز به معبودی غیر از خدا گفته می شود.

ایمان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۹

۹ - یهود ، تنها به اندکی از معارف الهی ایمان دارند .

فقلیلا ما یؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <قلیلاـ> صفت برای مفعول مطلق محذوف باشد; یعنی، <ایماناً قلیلا>. حرف <ما> تأکید این قلّت می باشد. قابل ذکر است که ایمان قلیل یا به معنای ضعف ایمان است و یا به معنای ایمان داشتن به بخش اندکی از دین و باور نداشتن به اکثریت آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱۵

۱۵ - یهود و نصارا ، تنها به برخی از پیامبران ایمان داشتند .

لانفرق بین أحد منها

جمله <و ما أوتی النبیّون> دلالت بر لزوم ایمان به همه پیامبران دارد. بنابراین تأکید آن با جمله <و لانفرق ...> اشاره به این معنا دارد که مخاطبان; یعنی، یهود و نصارا به همه پیامبران ایمان ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۵

۲۵ تنها اندکی از یهود به اسلام و پیامبر ( ص ) ایمان

خواهند آورد .

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱

۱ ایمان به خدا و قیامت و انجام عمل صالح ، شرط رهایی مسلمانان ، یهودیان ، صائبی ها و نصارا از هرگونه ترس و اندوه

إنّ الذین ءامنوا و الذین هادوا و الصبئون و النصری . .. و لا هم یحزنون

<صابئی> که مفرد <صابئون> است به کسی گفته می شود که آیین خویش را رها کرده و به آیینی دیگر گرویده باشد ; با توجه به این معنا می توان گفت مصداق مورد نظر از <الصبئون> در این آیه به قرینه وقوع آن بین <الذین ءامنوا و الذین هادوا> <و النصری>، کسانی هستند که با ترک اسلام و یا یهودیت پذیرای آیین نصارا شده باشند.

ایمان یهود به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۶

۲۶ - پایبندی گروهی از یهودیان عصر بعثت به تورات با عمل کردن به پیمان های الهی و پرهیز از کشتن و بیرون راندن همکیشان خود

فما جزاء من یفعل ذلک منکم

سیاق خطابهای گذشته اقتضا می کرد که جمله <فما جزاء . ..> بدین گونه ایراد شود: <فما جزاءکم بما تفعلون إلا خزی>. این تغییر سیاق اشاره به این دارد که همه یهودیان مرتکب اعمال ناروای مذکور نشدند. من تبعیضیه در <منکم> مؤید این معناست.

ایمان یهود به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۶

۶ - یهودیان ، مدعی اعتقاد به

خدا ، قیامت و نعمت های اخروی هستند .

إن کانت لکم الدار الأخره عند اللّه خالصه من دون الناس فتمنوا الموت

ایمان یهود به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۶

۶ - یهودیان ، مدعی اعتقاد به خدا ، قیامت و نعمت های اخروی هستند .

إن کانت لکم الدار الأخره عند اللّه خالصه من دون الناس فتمنوا الموت

بخل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۵

۵ بخل شدید و انحصارطلبی یهودیان

فاذاً لا یؤتون النّاس نقیراً

ظاهراً منظور از کلمه <النّاس>، غیر یهودیان هستند ; به قرینه آیه بعد: <ام یحسدون النّاس>، بنابر این معنای جمله <فاذاً . .. > چنین می شود: یهودیان منافع دنیا را از دیگر مردمان دریغ می دارند و در انحصار خویش نگه می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۵،۶

۵ گرفتاری یهودیان به بخل و خودداری آنان از انفاق و یاری دیگران ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیهم

جمله <ینفق کیف یشاء> دلالت می کند که از مصادیق مورد نظر در نفرین الهی بر یهود (غلت ایدیهم) بسته بودن دست آنها از انفاق و بخیل گشتن آنهاست.

۶ یهود ، مردمی ناتوان ، درمانده و بخیل

غلت ایدیهم

جمله <غلت ایدیهم> چه اخبار باشد و چه نفرین، در هر صورت دلالت بر تحقق ناتوانی و یا بخل ورزی یهودیان دارد.

بدعت در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ -

۲۲ یهود و نصارا در قبل از اسلام ، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

و یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

جمع آوردن <اغلال> حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

بدعت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ از امام صادق ( ع ) درباره سخن خدا که فرمود : < اتخذوا أحبارهم و رهبانهم أرباباً من دون اللّه > روایت شده که فرمود : < و اللّه ما صلّوا لهم و لا صاموا و لکنهم أحلّوا لهم حراماً و حرّموا علیهم حلالا فاتّبعوهم ;

به خدا سوگند آنان برای احبار و راهبان نه نماز خواندند و نه روزه گرفتند ; ولی آن علما و صومعه داران، برای مردم حرام را حلال و حلال را حرام کردند و آنان پیروی کردند>.

بدعتگذاری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۵،۶،۷،۸،۱۰

۵ - گروهی از عالمان یهود ، افکار تحریر یافته خویش را حقایقی ( معارف ، احکام و . . . ) از جانب خدا قلمداد نموده ، به مردم ارائه می کردند .

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عند اللّه

<بأیدیهم> (با دستهای خود)، تأکید بر این است که عالمان یهود آنچه را به عنوان کتاب الهی می نوشتند، ساخته و پرداخته خود آنان بود، همانند جمله های <یقولون بأفواههم> و <نظرته بعینی . ..> و ... .

۶ - دستیابی به متاع های دنیوی ( مال ،

ریاست ، وجاهت و . . . ) هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب آسمانی

لیشتروا به ثمناً قلیلا

۷ - عوام یهود ، خریداران تحریف ها و بدعت های عالمانشان

لیشتروا به ثمناً قلیلا

۸ - گروهی از عالمان یهود ، مردمانی بدعتگذار و دین ساز بودند .

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم

۱۰ - عالمان تحریفگر و بدعتگذار یهود ، زمینه سازان گمراهی مردم خویش

ثم یقولون هذا من عند اللّه لیشتروا به ثمناً قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۲

۲ - اندیشه یهود درباره عذاب قیامت ( نبود عذاب برای یهودیان جز روزی چند ) از بدعت های عالمان یهود

فویل للذین یکتبون الکتب . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

جمله <و قالوا . ..> در ضمن اینکه عطف بر <قد کان فریق> در آیه ۷۵ است، بیانگر مصداقی از <أمانی> در آیه ۷۸ و مصداقی از <الکتاب> در آیه ۷۹ می باشد. برداشت فوق به لحاظ وجه اخیر است.

بدعتگذاری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۴ - ۳

۳ یهودیان ، بدعتگذار و دروغپردازانی سخت ستمگر

قل فاتوا بالتوریه . .. فمن افتری ... فاولئک هم الظالمون

برخورد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۸

۸ تبلیغات سوء یهود علیه احکام و دستورات اسلام ( انفاق )

و لا یحسبنّ الّذین . .. لقد سمع اللّه قول الّذین قالوا انّ اللّه فقیر و نحن اغنی

بطلان ادعای یهود

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۷

۷ - یهودیان خود نیز بر بی پایه بودن ادعایشان ( تقدیر بهشت برای آنان ) واقفند .

إن کانت لکم الدار الأخره . .. و لتجدنهم أحرص الناس

جمله های <لتجدنهم . ..> و <یود أحدهم ...> را می توان ناظر به ادعای یهود (إن کانت ... در آیه ۹۴) دانست; یعنی، شما یهودیان از یکسو مدعی هستید که سرای آخرت از آن شماست و از سوی دیگر آرزوی ماندگار شدن در حیات دنیا را دارید، این نشان می دهد که خود شما نیز آن ادعا را باور ندارید.

بغض یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ کینه و دشمنی دایمی یهود و مسیحیان با یکدیگر تا روز قیامت

و لقد اخذ اللّه میثق بنی اسرءیل . .. العداوه و البغضاء إلی یوم القیمه

بنابر اینکه ضمیر در <بینهم> به یهود و نصارا برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۹،۲۰،۲۱،۲۳

۱۹ یهودیان ، گرفتار کینه و دشمنی با یکدیگر تا روز قیامت

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

۲۰ خداوند ، ایجاد کننده دشمنی و کینه در بین یهود

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

۲۱ دشمنی و کینه یهود با یکدیگر ، کیفر و عقوبت دنیوی آنان

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

۲۳ دشمنی و کینه توزی یهود با یکدیگر از پیامد های گرفتاری آنان به لعنت خدا و دوری از

رحمت او

و لعنوا بما قالوا . .. و القينا بينهم العدوه و البغضاء إلى يوم القيمه

جمله <و القينا . ..> می تواند بیان پیامدی دیگر برای <لعنوا بما قالوا> باشد ; یعنی گرفتاری به لعنت الهی علاوه بر افزایش کفر و طغیان یهودیان، مایه گرفتاری آنان به دشمنی و کینه توزی با یکدیگر نیز گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۲

۲ هشدار خداوند به پیامبر ( ص ) در مورد کینه توزی یهودیان و مشرکان نسبت به مؤمنان

لتجدن اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود و الذین اشرکوا

بهانه جویی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۱،۲۴

۲۱ بهانه جویی یهود برای گریز از ایمان به پیامبر ( ص )

الّذین قالوا . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جمله <فلم قتلتموهم . .. >، می رساند که پیشنهاد آنان برای ایمان آوردن، بهانه ای بیش نبوده است.

۲۴ سرزنش یهود از سوی خداوند به جهت بهانه جویی و ادعا های واهی

الّذین قالوا انّ اللّه . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۸

۸ غیر علمی شمردن تعالیم انبیا ، بهانه بی اساس یهود ، برای نپذیرفتن آنها

و قولهم قلوبنا غلف

مقصود یهودیـان از اینکه می گفتنـد قلبهایمان آکنـده از علم است، می توانـد این باشـد که تعالیم انبیا اگر دارای مبنایی علمی بود، قلبهای ما آن را درک می کرد و در خود جای می داد و چنین

نتیجه می گرفتند که تعالیم انبیا به دلیل نافذ نبودنش در قلبها علمی نیست.

بهانه های یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۷

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

بی پناهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۲

۲ کارساز نبودن یاری هیچکس برای یهودیان ، معلول نقش نداشتن آنان در نظام هستی است .

فلن تجد له نصیراً. ام لهم نصیب من الملك

در برداشت فوق، جمله <ام لهم>، علت برای جمله <فلن تجد . ..> گرفته شده است.

بی تقوایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ یهودیان عصر بعثت بی هیچ ترس و پروایی از پیامبر ( ص ) و مسلمانان ، پیمانهایشان را نقض می کردند .

و هم لایتقون

برای فعل <یتقون> چندین متعلق می توان لحاظ کرد ; از جمله ضمیر <ك> که خطاب به پیامبر(ص) باشد و یا کلمه ای همانند <المؤمنین>.

بی تقوایی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۲،۱۳

۱۲ جامعه یهود در عصر پیامبر ( ص ) ، جامعه ای به دور از تقوا و پرهیزگاری *

و هم لایتقون

برداشت فوق بر این اساس است که متعلق <لایتقون>، اللّه باشد ; یعنی یهودیان ترسی از خداوند ندارند و

تقوای الهی را رعایت نمی کنند.

۱۳ بی تقوایی یهودیان عصر بعثت عامل پیمان شکنی آنان

ینقضون عهدهم فی کل مره و هم لایتقون

جمله حالیه <و هم لا یتقون> بیانگر ریشه پیمان شکنی یهودیان و به اصطلاح حال معلّله است.

بی تقوایی یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ بی پروایی یهودیان کفرپیشه از پیمان شکنی های مکرر

و هم لایتقون

بی سوادی عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۲،۶

۲ - عوام یهود ، مردمی بی سواد که نه خواندن می دانستند و نه نوشتن آموخته بودند .

و منهم أمیون

<أمیون> (جمع أمی) است و أمی به کسی گفته می شود که نوشتن نمی داند. برخی از اهل لغت نخواندن را نیز در معنای <أمی> قید کرده اند.

۶ - بی سوادی عوام یهود و آگاهی نداشتن آنان از تورات ، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از آنها

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. و منهم أمیون لایعلمون الکتب إلا امانی

جمله <منهم أمیون> عطف بر <قد کان فریق . ..> در آیه <۷۵> است. بنابراین آیه مورد بحث نیز بیانگر علت برای <أفتطمعون ...> می باشد.

بی عقلی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۶

۱۶ - یهود ، مردمانی دور از اندیشه و خردورزی *

ذلک بأنّهم قوم لایعقلون

با توجه به بازگشت ضـمیر <هم> به یهودیان، اسناد عدم تعقل به <قوم>; می تواند اشاره به خصوصیت این <قوم> داشته باشد.

بی منطقی یهود

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۱ – ۸

۸ – یهود و نصارا هیچ برهانی بر ادعای خویش ( اختصاص بهشت به خویشتن و محرومیت مسلمان از آن ) ندارند .

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

<هات> (مفرد هاتوا) اسم فعل و به معنای عطا کن است. بنابراین <هاتوا برهانکم) یعنی، برهانتان را ارائه کنید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۰ – ۷

۷ – تعصب بی منطق یهود و نصارا در دفاع از آیین خویش و مقاومت در برابر اسلام

و لن ترضی عنک الیهود و لاالنصری حتی تتبع ملتهم . .. و لئن اتبعت أهواءهم

بینش علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۶،۸،۱۱،۱۲

۶ – ناتوانی مسلمانان از احتجاج علیه یهود در پیشگاه خدا ، توجیه عالمان یهود برای بازداری مردم خویش از بازگویی و نشر صفات پیامبر موعود

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

۸ – پیشوایان یهود ، بازگویی صفات پیامبر موعود و اعتراف به حقانیت او را ، نشانه بی خردی بازگو کننده می شمردند .

أتحدثونهم . .. أفلا تعقلون

۱۱ – حفظ منافع قوم و جامعه یهود ، برتر از اعتراف به باور ها و عقاید دینی در دیدگاه عالمان و پیشوایان آنان

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم . .. أفلا تعقلون

۱۲ – پیشوایان و عالمان یهود ، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را ، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد ، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أتحدثونهم

بما فتح اللّه عليكم . .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۵

۵ - گروهى از عالمـان يهود ، افكار تحرير يافته خويش را حقايقى ( معارف ، احكام و . . . ) از جانب خـدا قلمـداد نموده ، به مردم ارائه مى كردند .

فويل للذين يكتبون الكتب بأيديهم ثم يقولون هذا من عند اللّه

<بأيديهم> (با دستهاى خود)، تأكيد بر اين است كه عالمان يهود آنچه را به عنوان كتاب الهى مى نوشتند، ساخته و پرداخته خود آنان بود، همانند جمله هاى <يقولون بأفواههم> و <نظرته بعينى . ..> و ... .

بينش عوام يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۷

۷ - عوام يهود ، خريداران تحريف ها و بدعت هاى عالمانشان

ليشتروا به ثمناً قليلا

بينش يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۳

۳ - يهوديان ، ناتوانى خويش را از پذيرش اسلام ، برخاسته از فطرت و خلقت خويش پنداشته ، خود را معذور مى دانستند .

و قالوا قلوبنا غلف

جملـه <لعنهـم اللّه يكفرهم> (خـدا يهوديـان را بسـزاى كفرشـان لعنتشـان كرده است) بـا جمله تفريـع شـده بر آن (فقليلاـ ما يؤمنون; و لـذا كمتر ايمـان مى آورنـد) به خوبى مى رسانـد كه: ادعـاى يهود مبنى بر نـاتوانى از درك معـارف اسـلام ادعـاى صحيحى است. بنـابراين كلمه <بـل> رد معنـاى مطـابقى <قلوبنـا غلـف> نيست; بلكه نفى معنـايى است كه مى توان گفت مقصود اصلى يهوديان بوده و آن معذور بودن به خاطر

درک نکردن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۴۸

۴۸ – ترجیح منافع دنیوی بر منافع اخروی ، در دیدگاه یهودیان ساحر

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم لو کانوا یعلم

کسی که بداند با دستیابی به منافعی نامشروع، آخرت خویش را از دست داده است (لقد علموا . ..) ولی در عین حال به زیانباری این داد و ستد اعتقاد نداشته باشد (لو کانوا یعلمون)، معلوم می شود وی منافع دنیوی را بر آخرت ترجیح می دهد.

پاداش یهود مؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۲ – ۱

۱ – مسلمانان ، یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذین ءامنوا . .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیّه بوده است.

پرسش محمد(ص) از یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۳ – ۵

۵ توجه دادن یهودیان به فرجام شوم مخالفت با فرمان های الهی ، هدف از پرسش پیامبر ( ص ) از یهودیان درباره مردم ایله

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر

پندار یهود

فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۹

۱۹ یهودیان تحریفگر به پندار خیر و صلاح خویش در صدد آزار رساندن به پیامبر ( ص ) و ضربه زدن به اسلام بودند .

من الذین هادوا . .. لکان خیراً لهم و اقوم

پیروزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۷

۷ - پیروزی بر کافران در پرتو قرآن و بعثت پیامبر ( ص ) ، آرمان یهودیان پیش از بعثت

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

از معانی <فتح> نصرت و پیروزی است. <استفتاح> به معنای طلب پیروزی است. آمدن فعل مضارع (یستفتحون) قرین <کان> و مانند آن دلالت بر استمرار در زمان گذشته دارد. ارتباط جمله <و کانوا ...> با قبل و بعد اقتضا می کند که: این پیروزی طلبی در ارتباط با نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) مطرح باشد. بنابراین <و کانوا ...>; یعنی، یهودیان پیش از بعثت از زمانهایی دور در انتظار نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) بودند تا در سایه آن بر کافران پیروز شوند.

پیروی از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۶

۶ خداوند پیامبر ( ص ) را از پیروی آرا و عقاید یهود و نصارا برحذر داشت .

و لئن اتبعت أهواءهم . .. مالك من الله من ولیّ ولاواق

پیشگویی جنگ با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۴

۴ - خبردادن خداوند از درگیری های آینده کافران ( یهود ) با مؤمنان ،

از درون دژ ها و از پس دیوار های بلند

لايقتلونكم جميعًا إلاّ فى قرًى محصّنه أو من وراء جدر

با توجه به معنای مضارع (یقاتلون)، مطلب بالا قابل برداشت است.

پیشگویی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۲

۲ - پیشگویی علمای یهود و نصارا ، در باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام ( ص )

أوَلم يكن لهم ءايه أن يعلمه علمؤا بنى إسرءيل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

پیه گاو در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۲

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و على الذين هادوا حرمنا . .. ذلك جزينهم ببغيهم

پیه گوسفند در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۲

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و على الذين هادوا حرمنا . .. ذلك جزينهم ببغيهم

تاریخ یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱،۲

۱ - یهودیان ، در طول تاریخ خویش عهد ها و پیمانهایی را با خدا و پیامبران بسته بودند .

أو کلما عهدوا عهداً

جمله <کلما عاهدوا . ..> (هرگاه عهدی می بندند) دلالت

بر عهـدها و پیمانهـای متعـدد دارد. قرینه هایی هماننـد <بل أکثرهم لایؤمنون> دلالت بر آن دارد که مراد از عهـدهای مطرح شده در آیه، عهدهایی است که یهود با خدا و پیامبران داشتند.

۲ - تاریخ یهود ، آکنده از عهدشکنی و بی اعتنایی به پیمان های الهی است .

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم

<نبذ> به معنای انداختن و رها کردن است و در آیه شریفه کنایه از شکستن و نقض کردن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۴

۱۴ احتجاج پیامبر ( ص ) با یهود بر اساس تاریخ گذشته آنان

قل قد جآءکم رسل من قبلی . .. فلم قتلتموهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۷

۷ ورود به بیت المقدس و سجده به درگاه الهی در آن هنگام ، فرمان خداوند به یهودیان عصر موسی ( ع )

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ بقای یهودیان تا روز قیامت

فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء إلی یوم القیمه

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در <بینهم> به یهود و نصارا برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۲،۱۱

۲ یهودیـان سـاکن در آبـادی ایله واقع در ساحـل دریـای سـرخ ، حکـم تعطیلی روز شـنبه را با ماهیگیری در آن روز نقض می کردند .

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر إذ یعدون

. .. إذ تأتيهم حيتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القریه>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

۱۱ خداوند برای امتحان یهودیان ایله ، ماهیان را در روز شنبه به طرف ساحل سوق می داد و در روز های دیگر از ساحل دور می ساخت .

إذ تأتیهم حیتانهم یوم سبتهم شرعاً و یوم لایسبتون لا تأتیهم کذلك نبلوهم

چون حکم تعطیلی روز شنبه برای همه یهود بود، نه مخصوص مردم ایله، معلوم می شود آنچه خداوند برای مردم آن سامان پیش آورد تا آنان را بیازماید، همان آمدن ماهیان در روز شنبه و کمیاب شدنشان در روزهای دیگر بود، نه اصل تحریم کار در روز شنبه. لذا مشارالیه <ذلك> وضعیت بیان شده برای ماهیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱

۱ یهودیان ساکن در ایله متشکل از سه گروه بودند : تجاوزگران فاسق ، صالحان موعظه گر و نهی کننده از منکرات ، تارکان نهی از منکر .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

مقصود از موعظه، به دلیل <الذین ینهون عن السوء> در آیه بعد، نهی از منکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۱،۳،۴

۱ خداوند جامعه یهود را گروه گروه کرد و در پهنه گیتی پراکنده ساخت .

و قطّعنهم فی الأرض أمماً

<أمماً> هم می تواند مفعول دوم برای <قطعناهم> باشد، که در این صورت در <قطّعنا> معنای <تصییر> تضمین

شده است، و هم می تواند حال برای ضمیر <هم> در <قطّعناهم> باشد.

۳ برخی از امت های پراکنده شده یهود ، مردمی صالح و گروههایی از آنان ناصالح هستند .

منهم الصلحون و منهم دون ذلک

<دون> به معنای غیر می باشد و <ذلک> اشاره است به صالح که از <الصلحون> به دست می آید، یعنی: <منهم غیر صالحین>.

۴ خداوند امت های یهود را گاهی با اعطای نعمت ها و آسایش ها و زمانی با گرفتار ساختن به سختی ها و ناخوشایندی ها آزمود .

و بلونهم بالحسنت و السیئات

مراد از ضمیر مفعولی در <بلوناهم> می تواند همه یهود، صالحان و ناصالحان، باشد و می تواند مراد از آن تنها ناصالحان ایشان باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱،۲،۲۳

۱ تاریخ یهود ، شاهد نسلهایی دنیاگرا و معصیتکار

فخلف من بعدهم خلف ورثوا الکتب یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون

۲ دنیاگرایان یهود ، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن ، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا چنگ می زدند .

ورثوا الکتب یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون سیغفر لنا

جمله <ورثوا الکتب> (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند ; مدعی اعتقاد به آن بودند.

۲۳ تاریخ یهود شاهد عالمانی دنیاگرا و بی تقوا *

خلف ورثوا الکتب یأخذون عرض هذا الأدنی . . و الدار الأخره خیر للذین یتقون

جمله <ورثوا الکتب>، هم می تواند ناظر به

این باشد که یهودیان مورد بحث مردمی بودند که تورات نسل به نسل به آنها رسیده و در دسترس آنان بود، و هم می تواند حاکی از آگاهی کافی آنها به تورات و محتوای آن باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۲

۲- تنها یهود از میان سایر امت ها ، موظف به انجام تکالیفی فزون تر و دشوارتر بودند .

و علی الذین هادوا حرّمنا

جار و مجرور <علی الذین> متعلق به فعل <حرّمنا> است و تقدیم آن بر فعل مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۷۸

۷- اختلاف یهود درباره روز تعطیلی ، اختلافی دامنه دار و بی فرجام

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به <سبت> برگردد. گفتنی است فعل مضارع <یختلفون> همراه با فعل <کانوا> دلالت بر استمرار و دوام مضمون آن دارد.

۸- اختلافات یهود درباره دین حق و صراط مستقیم ، اختلافاتی دامنه دار و بی فرجام است .

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه>

به ابراهیم(ع) و دین او برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۵

۵ - یهودیان ، گرفتار اختلافات پردامنه مذهبی در عصر بعثت عیسی ( ع )

لأُبيّن لكم بعض الذى تختلفون فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۳

۳ - یهودیان در عصر عیسی ( ع ) ، گرفتار شرک در ربوبیت و دور ماندن از پرستش پروردگار یگانه

إنّ اللّه هو ربّى و ربّكم فاعبدوه

از تأکید عیسی(ع) بر ربوبیت الهی، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ - اختلاف یهود درباره رسالت پیامبراکرم ( ص ) اختلافی ریشه دار و دیرپا *

و ءاتينهم بيّنت من الأمر . .. فيما كانوا فيه يختلفون

در صورتی که <الأمر> اشاره به رسالت پیامبراکرم(ص) داشته باشد; اختلاف مستمری که از <كانوا فيه يختلفون> استفاده می شود، ریشه دار بودن اختلافات آنان را درباره رسالت پیامبراکرم(ص) می رساند.

تبعیت از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۵

۱۵ - پیامبر ( ص ) موظف به پرهیز از پیروی یهود و نصارا و ردّ آرای نفسانی ایشان

و لئن اتبعت اهواءهم . .. إنك إذاً لمن الظلمين

تبعیت یهود از شیاطین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۱۲

۱۲ – فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطین علی ملک

سلیمن

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل <اتبعوا> یهودیان عصر سلیمان باشند.

تبعیت یهود از علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱

۱ تسلیم و اطاعت بی چون و چرای یهود و نصارا در برابر احبار و راهبان ( پیشوایان دینی ) خویش

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً

<اتخاذ رب> کنایه از تسلیم و اطاعت بی چون و چراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۴

۴ اطاعت محض و تبعیت کورکورانه یهود و نصارا از احبار و راهبانشان ، در راستای مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً . .. یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم

تبعیت یهود از ماروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۷

۱۷ - یهودیان ، تعالیم هاروت و ماروت را دنبال کرده و آنها را در جهت مبارزه با پیامبر به کار گرفتند .

اتبعوا ما تتلوا . .. و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

<ما أنزل> عطف بر <ما تتلوا . ..> است; یعنی: اتبعوا ما تتلوا الشیاطین و اتبعوا ما أنزل علی الملکین.

تبعیت یهود از هاروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۷

۱۷ - یهودیان ، تعالیم هاروت و ماروت را دنبال کرده و آنها را در جهت مبارزه با پیامبر به کار گرفتند .

اتبعوا ما تتلوا . .. و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

<ما أنزل> عطف بر <ما

تتلوا . ..> است; يعنى: اتبعوا ما تتلوا الشياطين و اتبعوا ما أنزل على الملكين.

تبليغ يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۹

۹ - تلاش تبليغاتى يهود و نصارا عليه اسلام و قرآن

ودّ كثير من أهل الكتب لو يردونكم من بعد إيمنكم كفاراً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱،۲

۱ تلاش بى امان يهود و نصارا ، با هدف خاموش كردن نور الهى ( قرآن ) ، با سخنان و تبليغات خود

يريدون أن يطفئوا نور اللّه بأفوههم

ضميرهاى جمع در <يريدون>، <يطفئوا> و <بأفواههم> به يهود و نصارا (الذين أوتوا الكتاب) بازمى گردد. قيد <بأفواههم> (با سخنان خويش) مى رساند كه: اهل كتاب براى انحراف افكار عمومى عليه قرآن و اسلام، دست به تبليغات نادرست مى زدند.

۲ موضع گيرى ها و تبليغات سوء يهود و نصارا ، عليه اسلام به مثابه پفى ناچيز در مقابل نور فروزنده و جاودان الهى

يريدون أن يطفئوا نور اللّه بأفوههم

تبليغ يهود عليه اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۶

۶ - تلاش هاى تبليغى اهل كتاب ( يهود و نصارا ) بر ضد احكام اسلام ، ايجاد كننده زمينه هاى شك و ترديد در اذهان مسلمانان صدر اسلام

الحق من ربک فلاتكونن من الممترين

بر حـذر داشـتن مسـلمانان از شک و تردیـد، با فعل <فلاتکونن> - که مقرون به نون تأکیـد است - گویای این معناست که: زمینه های شک و تردید در مسلمانان به وجود آمده بود. از

آیات قبل می توان فهمید که مخالفتهای اهل کتاب منشأ این تردیدها بوده است.

تجاوزگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۲،۱۶،۱۷

۱۲ عصیان یهود و تعدّی و تجاوز مستمر آنان ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه <ذلک بما عصوا>، اشاره به ذلّت و . .. باشد.

۱۶ کفر ، جنایت و تجاوز ، سیره دائمی اهل کتاب ( یهود )

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه و یقتلون . .. و کانوا یعتدون

فعل مضارع پس از فعل ماضی از ماده <کَوْنْ> دلالت بر استمرار دارد.

۱۷ عصیان اهل کتاب ( یهود ) و تجاوز مداومشان ، باعث کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک بما عصوا>، کفر به آیات الهی و کشتن پیامبران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۹،۱۱،۱۲

۹ یهود، مردمی تجاوز پیشه بودند.

و علی الذین هادوا . .. ذلک جزینهم ببغیهم

۱۱ تجاوز پیشگی یهود در تاریخ، خبری راست و عین حقیقت است.

ذلک جزینهم ببغیهم و إنا لصدقون

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب

خداوند است.

علی الذین هادوا . .. ذلک جزینهم ببغیهم و إنا لصدقون

تجاوزگری یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷

۴ - ۱۶۳ -

۴ یهودیان عصر بعثت آگاه به تجاوزگری همدینان یهودی خویش در ایله و سرگذشت شوم آنان

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر

تحجّر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۷

۱۷ خرافه گویی و جمود و تحجر یهود *

الّذین قالوا انّ اللّه عهد الینا الّا نؤمن لرسول حتی یاتینا بقربان تأکله النّار

۱ ظاهر جمله <الّا نؤمن لرسول>، این است که خداوند به ما دستور داده به کسی که فلان معجزه خاص را ندارد، ایمان نیاوریم، هر چند حقیقتاً پیامبر باشد. چون نگفتند <الّا نؤمن لمدعی الرّساله>، و این معنا که به فرض نبوت، ایمان نیاورید اگر فلان معجزه خاص را نداشت، خرافه ای بیش نیست. ۲ بر فرض که چنین عهدی باشد، آنان باید بیندیشند که قربانی کذایی، معجزه ای است برای کشف صادق از کاذب، نه اینکه موضوعیّت داشته باشد و اصرار به این معنا حاکی از جمود و تحجّر یهود است.

تحریفگری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱،۲،۳

۱ عالمان یهود ، تحریف کننده حقایق و سخنها

من الذین هادوا یحرّفون الکلم عن مواضعه

<کلم> (جمع کلمه) به معنای سخن است که به مناسبت مورد، حقایقی است که تحریف آن در گمراه ساختن مسلمانان مؤثر بوده است.

۲ تحریف و تفسیر نابجای تورات از سوی عالمان یهود *

من الذین هادوا یحرّفون الکلم عن مواضعه

برخی برآنند که مراد از <الکلم> تورات است و تحریف در این آیه به معنای تفسیر غلط است و نه

تغییر الفاظ و جملات ; به دلیل <عن مواضعه>. چون با تفسیر غلط، جمله از موضع و موقعیّت خود خارج می شود.

۳ تحریف و تفسیر ناصواب گفته ها ، از روش های عالمان یهود برای گمراه ساختن مسلمانان

و یریدون ان تضلوا السبیل . .. من الذین هادوا یحرّفون الکلم

هدف از تحریف و تفسیر ناصواب سخنان از سوی عالمان یهود، به دلیل <ان تضلوا>، گمراه ساختن مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۶،۲۵،۲۳،۲۲،۱۵،۱۴،۱۱

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون . ..>، علاوه بر توصیف یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للکذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون للکذب> که دارای لحنی مذمت آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

۱۴ دروغ پذیری برخی منافقان و یهودیان و پیروی آنان از عالمان تحریفگر ، فلسفه نهی خداوند از تأسف پیامبر ( ص ) بر کفرورزی آنان

لایحزنک الذین یسرعون . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

<سمعون> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <الذین قالوا> و <الذین هادوا> بر می گردد (هم سماعون) و این جمله، بیانگر علت نهی خداوند از تأسف بر کفر منافقان و یهودیان است.

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر ، مردمی دروغ پرداز ، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب

سمعون لقوم ءاخرين لم يأتوك يحرفون الكلم

برداشت فوق بر اين مبناست كه <للكذب> و <لقوم> مفعول له براى <سمعون> باشد. بنابراين <سمعون للكذب>، يعنى سخنان تو را مى شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شايعه سازى كنند و <سمعون لقوم ءاخرين>، يعنى آنان جاسوس ديگرانند و سخنان تو را براى ديگران مى شنوند.

۲۲ سفارش عالمان يهود به فرستادگان خويش مبنى بر پذيرش حكم پيامبر ( ص ) به شرط موافقت آن با حكم تحريف شده آنان

سمعون لقوم ءاخرين لم يأتوك . .. ان اوتيتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

<هذا> اشاره به حكمى است كه عالمان يهود آن را ابراز مى داشتند و جمله <يحرفون الكلم> مى رساند كه حكمى تحريف شده بوده است.

۲۳ تثبيت حكم تحريف شده به دست عالمان يهود ، هدف آنان از ارجاع داورى به رسول خدا ( ص )

ان اوتيتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

ارجاع داورى به رسول خدا(ص) و نپذيرفتن قضاوت آن حضرت در صورت مخالفت حكم وى با اظهارات عالمان يهود، مى رساند كه هدف آنان از اين ارجاع تنها تلاش براى يافتن امضاى حكم تحريف شده بوده است.

۲۵ امتناع عالمان تحريفگر يهود از رويارويى با رسول خدا ( ص ) ، از ترس افشاى دروغ ها و تحريفهايشان *

سمعون لقوم ءاخرين لم يأتوك يحرفون الكلم من بعد مواضعه

۲۶ تحريف تورات از سوى عالمان يهود با جابجايى كلمات و جملات و احكام آن

يحرفون الكلم من بعد مواضعه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۳،۴

۳ عوام يهود ، قبول كننده

تحریفات صورت گرفته به دست عالمان آنها *

سمعون للکذب

چنانچه <سمعون> وصف عوام یهود باشد، مراد از <کذب> به قرینه <یحرفون> تحریفاتی خواهد بود که به دست عالمان یهود صورت می گیرد و شنیدن تحریف به معنای قبول کردن آن است.

۴ نیل به متاع دنیا ، انگیزه عالمان یهود در تحریف حقایق تورات و احکام آن

یحرفون الکلم من بعد مواضعه . .. اکلون للسحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۷،۸،۹

۷ - تحریف معنوی تورات از سوی عالمان یهود

ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه

تناسب مسائل یاد شده در آیه مورد بحث با عالمان و نیز طایفه مقابل آنان، یعنی <أمیون> - که در آیه ۷۸ بیان شده - دلالت بر این دارد که: مراد از <فریق منهم> عالمان بنی اسرائیل و یهود می باشد. <من بعد ما عقلوه> (پس از آنکه کلام خدا را می فهمیدند تحریفش می کردند) اشاره به آن دارد که مراد از تحریف، تحریف معنوی است.

۸ - عالمان یهود از روی عمد و با آگاهی و توجه ، سخنان خدا را تحریف می کردند .

ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول <یعلمون> تحریف کلام خدا باشد; یعنی: <و هم یعلمون أنهم یحرفونه>. احتمالات دیگری نیز گفته شده که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۹ - تحریف کلام الهی از سوی عالمان یهود ، دلیل نبود زمینه های ایمان در آنان

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم و قد کان فریق منهم . .. من بعد ما عقلوه

جمله حالیه <و قد کان . ..> بیانگر

علتی برای نفی امید از ایمان آوردن یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۵،۷،۱۰

۵ - گروهی از عالمان یهود ، افکار تحریر یافته خویش را حقایقی ( معارف ، احکام و . . . ) از جانب خدا قلمداد نموده ، به مردم ارائه می کردند .

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عند اللّه

<بأیدیهم> (با دستهای خود)، تأکید بر این است که عالمان یهود آنچه را به عنوان کتاب الهی می نوشتند، ساخته و پرداخته خود آنان بود، همانند جمله های <یقولون بأفواههم> و <نظرته بعینی . ..> و ... .

۷ - عوام یهود ، خریداران تحریف ها و بدعت های عالمانشان

لیشتروا به ثمناً قلیلا

۱۰ - عالمان تحریفگر و بدعتگذار یهود ، زمینه سازان گمراهی مردم خویش

ثم یقولون هذا من عند اللّه لیشتروا به ثمناً قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۶

۱۶ عالمان یهود با پنهان کردن بسیاری از معارف تورات آن را تحریف کردند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

کتمان بسیاری از نوشته های تورات از دید و اطلاع مردم طبیعتاً منجر به فراموش شدن آن قسمتها می شود و در نتیجه کتاب آسمانی به شکل ناقص در اختیار مردم قرار می گیرد که این خود نوعی تحریف است.

تحریفگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ - گروهی از یهودیان ، قرآن ( کلام خدا ) را می شنیدند ، آن را به خوبی می فهمیدند

و به تحریف معانی و مفاهیم آن اقدام می کردند .

و قد کان فریق منهم یسمعون کلم اللّه ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مراد از <کلام اللّه> در آیه مورد بحث، قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۵

۵ - یهود و نصارا ، آیین الهی خویش را تحریف کرده ، احکام و معارف الهی را با امور غیر دینی آمیخته بودند .

قولوا ءامنا باللّه . .. و ما أوتی موسی و عیسی

چون خطاب آیه، به یهود و نصاراست و آنان خویشتن را پیروان حضرت موسی و عیسی می شمرند، مقتضای کلام این بود که به جای <و ما أوتی موسی و عیسی> گفته شود <و ما أوتیتم>. این جایگزینی اشاره به این نکته دارد که: احکام و معارفی که بر موسی و عیسی(ع) نازل شد، همانی نیست که در اختیار یهود و نصاراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۶

۶ - تحریف تاریخ انبیا از سوی یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهیم و إسمعیل . .. کانوا هوداً أو نصری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۱

۱۱ - یهود و نصارا آیین الهی خویش را با آرایی برخاسته از هوا های نفسانی ، آمیخته بودند .

و لئن اتبعت اهواءهم

مقصود از <أهواءهم> (آرای برخاسته از هواهای نفسانی) آیین و مرام دینی یهود و نصاراست; زیرا مبارزه آنان با پیامبر(ص) و اهل ایمان بر سر باورها و

احکام دینی بوده است و از آنجا که آیین اهل کتاب، آیینی الهی بوده ولی در آیه شریفه از آن به هواهای نفسانی تعبیر شده، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۴

۴ عالمان یهود ، دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا ( حقایق مربوط به پیامبر ( ص ) )

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم

با توجّه به شأن نزول، مقصود از <عهد اللّه>، حقایق مربوط به پیامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۴ - ۱

۱ ادعای یهود مبنی بر تحریم برخی از خوردنی ها افترای آنان بر خداوند

کل الطعام کان . .. فمن افتری علی اللّه الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۴،۱۹،۲۲

۴ تحریف و تحلیل ناصواب گفته ها ، نمونه ای از دشمنی یهود با مسلمانان

و اللّه اعلم باعدائکم . .. یحرّفون الکلم عن مواضعه

جمله <یحرفون . .. > پس از بیان دشمنی یهود، به منزله دلیل و نشانه ای برای اثبات عداوت عالمان یهود نسبت به مسلمانان است.

۱۹ یهودیان تحریفگر به پندار خیر و صلاح خویش در صدد آزار رساندن به پیامبر ( ص ) و ضربه زدن به اسلام بودند .

من الذین هادوا . .. لکان خیراً لهم و اقوم

۲۲ تحریفگری ، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر

( ص ) ، نمودی از کفر آنان

من الذین هادوا یحرّفون . .. سمعنا و عصینا ... لعنهم اللّه بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ تحریف تورات ، توسط بنی اسرائیل ( یهود )

یحرفون الکلم عن مواضعه

<کلم> جمع <کلمه> به معنای سخن است و مصداق بارز و مورد نظر آن، تورات می باشد. گفتنی است که مراد از بنی اسرائیل، به قرینه آیه بعد، یهودیان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۷،۴۵

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر ( ص ) از اندوه بر کفرورزی آنان

لایحزنك الذین یسرعون . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۴۵ پیشتازی در کفر ، تحریفگری ، دروغپردازی و جاسوسی ، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر . .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

تحریم حلالها بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۱۴

تحریم حیوانات در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۵،۱۲

۵ تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند بر یهود،

سزای تجاوزگری آنان بود.

و علی الذین هادوا حرمنا . .. ذلک جزینهم ببغیهم

<بغی> به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا . .. ذلک جزینهم ببغیهم و إنا لصدقون

تداوم اختلاف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۷۸

۷- اختلاف یهود درباره روز تعطیلی ، اختلافی دامنه دار و بی فرجام

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به <سبت> برگردد. گفتنی است فعل مضارع <یختلفون> همراه با فعل <کانوا> دلالت بر استمرار و دوام مضمون آن دارد.

۸- اختلافات یهود درباره دین حق و صراط مستقیم ، اختلافاتی دامنه دار و بی فرجام است .

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به ابراهیم(ع) و دین او برگردد.

تداوم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۲

۱۲ تداوم یهودیّت و نصرانیّت تا قیامت

و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیمه

بنابراینکه مراد از <الذین کفروا>، یهود باشد که نتیجه اش بقای هر دو دین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ بقای یهودیان تا روز قیامت

فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء إلی یوم القیمه

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در

<بینهم> به یهود و نصارا برگردانده شود.

ترس علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۵

۲۵ امتناع عالمان تحریفگر یهود از رویارویی با رسول خدا ( ص ) ، از ترس افشای دروغ ها و تحریفهایشان *

سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم من بعد مواضعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۲

۲۲ عالمان یهود در عصر بعثت ، بیمناک از مردم خویش در حکم و قضاوت بر اساس تورات

و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه . .. فلاتخشوا الناس

ترس یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۱

۱ - یهود ، قومی هراسان از مرگ و غیر مشتاق برای لقای الهی

و لایتمنّونه أبدًا

ترس یهود از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۳،۴

۳ - روش و منش یهود ، نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

<لتجدن> مرکب از فعل تجد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است; یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که یهود حریص ترین مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب، دلبستگی یهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد یهود نمایانگر علاقه شدید آنان به حیات دنیاست.

۴ - نمایان بودن علاقه یهود به زندگی دنیا ، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نهراسیدن

از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوه

جمله <لتجدنهم . ..> استشهادی است برای جمله <لن یتمنوه>; یعنی، این حقیقت که یهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می شود; به گونه ای که حتی خود آنان نیز نمی توانند آن را انکار کنند.

ترس یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۳،۶،۷،۱۲

۳ - دل های یهودیان بنی قریظه ، آکنده از ترس و وحشت از مسلمانان مدینه شده بود .

و قذف فی قلوبهم الرعب

<رعب> در لغت، بریدن و لاعلاج شدن ناشی از ترسی است که همه جان را فراگرفته است (مفردات راغب).

۶ - خداوند ، بر دل های یهود بنی قریظه ، ترس و وحشت افکند .

و قذف فی قلوبهم الرعب

۷ - چیره شدن ترس بر یهود بنی قریظه ، موجب شد که آنان ، بدون هیچ گونه زحمتی از قلعه های مستحکم خارج شوند . *

و أنزل الذین ظهروهم . .. و قذف فی قلوبهم الرعب

ممکن است چنان چه در کتاب های سیره و تاریخ آمده است واقعیت امر، چنین باشد که بر یهودیان، ترس چیره شد و باعث گردید که آنها، از قلعه های مستحکم خود بیرون بیایند و به راحتی در دست رس سپاه مسلمانان قرار بگیرند. بنابراین، ذکر <أنزل> پیش از <قذف> ممکن است به خاطر اهمیت خارجی آن باشد.

۱۲ - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه ، شکست خوردند

.

و قذف فی قلوبهم الرعب فریقًا تقتلون و تأسرون فریقًا

ترک احتیاج با یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۲۴

۲۴ پیامبر(ص) موظف به ترک مباحثه و احتجاج با یهود، بیش از مقدار بیان شده در این آیات بوده است.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

آیه مورد بحث خود در مقام احتجاج با یهود است و جمله ذیل آیه (ثم ذرهم)، دستور به ترک احتجاج می دهد. مقتضای جمع بین این دو فراز، آن است که احتجاج باید در حد مذکور باشد و بیش از آن نباید به آن پرداخته شود.

ترک دوستی با یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۱ – ۱۲

۱۲ لزوم قطع پیوند ، با کسانی که رابطه دوستی با یهود و نصارا برقرار می سازند .

لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء . .. و من یتولهم منکم فانه منهم

جمله <فانه منهم> می رساند که هر مسلمانی که پذیرای ولایت یهود و نصارا باشد و یا با آنان روابط دوستانه برقرار کند، از زمره آنان خواهد بود و جمله <و لاتتخذوا . ..> دلالت می کند که نباید با وی رابطه دوستی داشت.

تعالیم آسمانی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۸ – ۹

۹ نزول فرمان ها و معارف الهی بر یهود و نصارا ، علاوه بر تورات و انجیل

حتّی تقیموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیکم من ربکم

تعالیم انبیای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴

- مائده - ۵ - ۴۶ - ۳

۳ بقای نشانه ها و آیین پیامبران یهود تا زمان بعثت عیسی ( ع )

و قفینا علی ءاثرهم بعیسی ابن مریم

<ءاثرهم> می رساند که شریعت و آثاری از پیامبران پیشین باقی بوده است.

تعالیم دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۸

۸ اعتبار مالکیت خصوصی در آئین یهود

و أکلهم أمول الناس بالبطل

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <اموال الناس> ثروتهای شخصی مردم باشد.

تعجب یهود دوران مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۵،۶

۵- مردم ، از واگذارشدن پاسخ اتهامات از سوی مریم ( س ) به نوزادش عیسی ( ع ) ، شگفت زده شده و آن را باور نکردند .

فأشارت إلیه قالوا کیف نکلّم من کان فی المهد صبیًّا

استفهام در آیه انکاری است. این انکار را چندین تأکید نیز همراهی می کند: ۱) فعل <کان> که در این موارد بر ماضی دلالت ندارد، بلکه استقرار و ثبوت را می فهماند; ۲) قید <فی المهد> که نشانه ناتوانی عیسی(ع) از هرگونه حرکتی است; ۳) قید <صبیّاً> که با وجود <فی المهد> نیازی به آن نبود، ولی گویندگان آن را به منظور تأکید انکار و تعجبشان افزودند.

۶- زبان گشودن کودکی آرمیده در گهواره و تشریح ماجرای میلاد خویش ، برای قوم مریم قابل تصور نبود .

کیف نکلّم من کان فی المهد صبیًّا

<مهد> گهواره یا هر مکان دیگری است که برای آرمیدن کودک اختصاص یابد.

تعصب يهود

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۰ – ۷

۷ – تعصب بی منطق یهود و نصارا در دفاع از آیین خویش و مقاومت در برابر اسلام

و لن ترضی عنک الیهود و لاالنصری حتی تتبع ملتهم . .. و لئن اتبعت أهواءهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۰ – ۱۵

۱۵ وابستگی و تعصّب یهود ، نسبت به قوانین اجتماعی و دینی خویش

و لاحلّ لکم . .. فاتقوا اللّه و اطیعون

امر به تقوا و اطاعت پس از عنوان کردن تغییر برخی احکام، بیانگر انتظار جبهه گیری و تعصب یهود در قبال احکام جدید است.

تعطیلی در یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۴ – ۱،۷

۱– تعیین روز شنبه به عنوان روز تعطیلی ، تکلیفی مختص یهود

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فیه

<سبت> از نظر ریشه لغوی به معنای <قطع> است و مقصود از آن در این آیه، تعطیلی روز شنبه برای یهود است؛ چون در روز تعطیلی تمامی کارها و تلاشها قطع می شود.

۷– اختلاف یهود درباره روز تعطیلی ، اختلافی دامنه دار و بی فرجام

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به <سبت> برگردد. گفتنی است فعل مضارع <یختلفون> همراه با فعل <کانوا> دلالت بر استمرار و دوام مضمون آن دارد.

تقوای علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۳۱،۳۳

۳۱ احبار و ربانیون ، عالمانی خداترس ، بی طمع

و دل بریده از دنیا

الربنیون و الاحبار . .. فلاتخشوا الناس و اخشون

۳۳ پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگو های خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون . .. فلاتخشوا الناس و اخشون

تکالیف شاق یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۷ – ۲۲

۲۲ یهود و نصارا در قبل از اسلام ، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

و یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

جمع آوردن <اغلال> حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

تکالیف یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۱۴

۱۴ همه انسان ها از هر گروه و طایفه ( مشرکان ، یهود ، نصارا و . . . ) وظیفه دار ایمان به قرآن

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۴ – ۱،۲

۱– تعیین روز شنبه به عنوان روز تعطیلی ، تکلیفی مختص یهود

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فیه

<سبت> از نظر ریشه لغوی به معنای <قطع> است و مقصود از آن در این آیه، تعطیلی روز شنبه برای یهود است; چون در

روز تعطیلی تمامی کارها و تلاشها قطع می شود.

۲- قانون تعطیلی روز شنبه حکمی علیه یهودیان ، به جرم اختلافشان درباره دین توحیدی ابراهیم ( ع ) بود .

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فیه

آیه شریفه، پاسخی است از این سؤال که: در دین

ابراهیم(ع) و ادیان پس از آن حضرت، روز جمعه به عنوان روز تعطیل تعیین شده بود، پس چرا در دین یهود روز شنبه اعلان شد؟ پاسخ این است که: این حکم مختص به یهودیان بود که به جرم اختلافشان در دین ابراهیم(ع) وضع گردید. گفتنی است ضمیر <فیه> به حضرت ابراهیم(ع) با تقدیر مضاف; یعنی، ملته باز می گردد.

تکبر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۴

۴ - یهود ، مردمی خودخواه ، مغرور و خودبرتربین

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۳

۳ - قوم یهود ، مردمی نژادگرا و خودبرتربین

إن كانت لکم الدار الأخره . .. خالصه من دون الناس

تکذیبگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۶

۶ - قوم یهود ، تکذیب کنندگان آیات الهی ( قرآن )

بئس مثل القوم الذین کذّبوا بایت اللّه

تکلیف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲

۲ - یهودیان ، در گستره دعوت پیامبر ( ص ) قرار دارند و موظف به پذیرش اسلام و ایمان به قرآن هستند .

و إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه

تلاش يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱

۱ - هر يك از يهود و نصارا ، در تلاش براى گرايش دادن مسلمانان به آيين خويش

و قالوا كونوا هوداً أو نصرى

تهتدوا

از آن جا که یهود و نصارا یکدیگر را هدایت یافته نمی دانند، معلوم می شود: جمله <قالوا . ..> دارای <لفّ اجمالی> بوده و حاکی از دو جمله است; یعنی: قالت الیهود کونوا هوداً تهتدوا و قالت النصاری کونوا نصاری تهتدوا>. مخاطبان جمله فوق به دلیل آیه بعد، مسلمانان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۹

۹ - تلاش یهود و نصارا در باز گرداندن پیامبر ( ص ) و مؤمنان از کعبه به قبله خویش

و ما أنت بتابع قبلتهم . .. و لئن اتبعت اهواءهم

تأکید جمله <و لئن اتبعت . .. إنک لمن الظالمین> با لام قسم (لئن) حرف تأکید (إن) و لام تأکید در (لمن) بیانگر آن است که: اهل کتاب برای گرایش دادن پیامبر(ص) و مؤمنان به قبله خویش، تلاشی پی گیر داشته و زمینه های آن را ایجاد کرده بودند. از مصداقهای <أهواءهم> به قرینه جمله های پیشین، تبعیت از قبله اهل کتاب است.

تملک اموال یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۱،۲،۹

۱ - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۲ - خداوند فراهم آورنده زمینه تملّک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۹ - قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به

مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب . .. و أورثكم أرضهم ... و كان اللّه على كلّ ش

تملک خانه های یهود بنی قریظه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۷ – ۱،۲،۹

۱ – سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثكم أرضهم و ديرهم و أمولهم

۲ – خداوند فراهم آورنده زمینه تملّک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثكم أرضهم و ديرهم و أمولهم

۹ – قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب . .. و أورثكم أرضهم ... و كان اللّه على كلّ ش

تملک سرزمین یهود بنی قریظه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۷ – ۱،۲،۳،۹

۱ – سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثكم أرضهم و ديرهم و أمولهم

۲ – خداوند فراهم آورنده زمینه تملّک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثكم أرضهم و ديرهم و أمولهم

۳ – وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملّک آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و أورثكم . .. و أرضًا لم تطئوها

<وطئ> به معناى <گرفتن به شدت

و زور> است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

۹ – قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب . .. و أورثکم أرضهم ... و کان اللّه علی کلّ ش

تناقض در عقیده یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۶

۶ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء قل من أنزل الکتب الذی جاء به موسی

توبیخ یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۶۵ – ۸

۸ توبیخ اهل کتاب ( یهود و نصارا ) به خاطر عدم تعقل آنان در منسوب کردن حضرت ابراهیم ( ع ) به یهودیّت و نصرانیّت

یا اهل الکتاب . .. افلا تعقلون

توجیه گری علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۶

۶ – ناتوانی مسلمانان از احتجاج علیه یهود در پیشگاه خدا ، توجیه عالمان یهود برای بازداری مردم خویش از بازگویی و نشر صفات پیامبر موعود

أتحدثونهم

بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

تورات در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳

۳ تورات ، مرجع و پایه قضاوت های پیامبران در بین یهود

یحکم بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا

تورات و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۷،۹

۷ پیشنهاد پیامبر ( ص ) به یهودیان برای ارائه شاهدی از تورات ، بر صدق ادعای خویش در تحریم برخی خوردنیها

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها ان کنتم صادقین

۹ پنهان کردن تورات ، توسط یهودیان *

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها

دعوت به آوردن تورات و تلاوت آن، این را گوشزد می کند که آنها تورات را از دسترس مردم خارج کرده بودند.

توطئه علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۷

۷ همسویی اهل کتاب ( علمای یهود ) با کافران و مشرکان ، تلاشی برای فراهم آوردن نیرو و یاور علیه مسلمانان *

الم تر الی الّذین . .. و یقولون للّذین کفروا ... فلن تجد له نصیراً

جمله <فلن تجد له نصیراً> پس از بیان همسویی یهود با مشرکان، می تواند بیانگر این معنا باشد که یهودیان به منظور یاری

طلبی علیه مسلمانان، با مشرکان همسو شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۴

۲۴ تحریکات پشت پرده عالمان یهود علیه پیامبر ( ص ) و اسلام

سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوك . .. ان اوتیتم هذا فخذوه و إن

لم تؤتوه فاحذروا

توطئه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۴

۴ - یهودیان عصر بعثت دارای جلسات سرّی و مخفیانه برای توطئه چینی علیه اسلام

و إذا خلا بعضهم إلی بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۳،۴،۷

۳ اظهار ایمان در ابتدای روز و کفر در انت های آن ، حیله یهود برای متزلزل ساختن مؤمنان

و قالت طائفه . .. لعلّهم یرجعون

مفسرین طبق شأن نزول، آیه را حمل بر یهودیان کرده اند.

۴ خداوند ، رسواگر یهود با افشای توطئه آنان در جهت متزلزل ساختن مؤمنان

و قالت طائفه . .. لعلّهم یرجعون

۷ یهود ، آنچه را در اوّل روز بر پیامبر ( ص ) نازل شده بود ( قبله بودن بیت المقدّس ) ، پذیرفتند و به آنچه در انت های روز نازل شده بود ( قبله بودن کعبه ) ، کفر ورزیدند تا مؤمنان را گمراه سازند .

و قالت طائفه . .. لعلّهم یرجعون

برخی از مفسران برآنند که <وجه النهار> و <آخره> متعلق به <انزل> است ; و سیاق آیه می رساند که مراد از <الذی>، حکمی خاص است ; برخی روایات دلالت دارد که آن حکم خاص، تغییر قبله بوده است که پیامبر (ص) در عصرگاهی مأمور شد نماز را به سوی کعبه بخواند و قبله مسلمانان را که تا صبحگاه آن روز، بیت المقدس بوده است تغییر دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۳ – ۳،۴،۱۲

۳ نگرانی علمای

یهود ، از افشای توطئه آنان علیه اسلام

و قالت طائفه من اهل الکتاب . .. و لا تؤمنوا الاّ لمن تبع دینکم

نهی عالمان یهود از اعتماد به غیر همکیشان، پس از طرح توطئه علیه مسلمانان، بیانگر نگرانی آنان از افشای توطئه می باشد.

۴ نهی علمای یهود پیروان خویش را از بازگویی توطئه شان علیه اسلام ، مگر در میان همکیشان خود

و قالت طائفه . .. امنوا بالذی ... و لا تؤمنوا الاّ لمن تبع دینکم

۱۲ افشای توطئه علمای یهود علیه مسلمانان ، از جانب خداوند

و لا تؤمنوا الاّ لمن تبع دینکم . .. او یحاجوکم عند ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۵

۵ کوشش یهود در تفرقه افکنی میان مؤمنان

قل یا اهل الکتاب لم تصدّون . .. من امن

برخی از مفسران برآنند که آیه درباره یهود نازل شده است، که سعی در اختلاف افکنی بین اوس و خزرج را داشتند. (مجمع البیان ج ۲).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۶

۶ تبانی و تلاش یهودیان برای برانگیختن نزاع های قومیِ زمان جاهلیّت ، میان اهل ایمان ( اوس و خزرج )

یا ایها الذین امنوا ان تطیعوا

شاش بن قیس یهودی از وحدت مؤمنان (اوس و خزرج) به خشم آمد و فردی یهودی را مأمور کرد تا فتنه های جاهلیت را میان آنها برانگیزاند. (المیزان، ج۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۴

۱۴ یهود ، در صدد قتل

پیامبر اسلام ( ص ) *

و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ

برداشت فوق، توجیهی است برای نسبت دادن قتل انبیا به یهود زمان پیامبر (ص). یعنی از اینکه کشتن پیامبران به آنان نسبت داده شده، معلوم می گردد که آنان در صدد قتل پیامبرند ; چرا که وی به منزله همه پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۲

۱۲ یهود ، در صدد وارد ساختن ضربه به اسلام

و طعناً فی الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۶

۶ تلاش مداوم و پیگیری یهود در جهت بازداری انسان ها از راه خدا

و بصدّهم عن سبیل اللّه کثیراً

برداشت فوق بر این اساس است که <کثیراً> صفت برای مفعول مطلق (صدّاً) محذوف باشد ; بر این مبنا مفعول به کلمه ای همانند <الناس> در تقدیر است، یعنی <و بصدّهم الناس عن سبیل اللّه صدّاً کثیراً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۲،۱۴

۱۲ یهودیان ، در اندیشه آسیب رسانی به پیامبر ( ص ) ، در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن یضروک شیئاً

۱۴ نوید خداوند به مصونیت پیامبر ( ص ) از توطئه های یهودیان به خاطر ترک داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن یضروک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۹ – ۱۳

۱۳ تلاش موذیانه و فریبکارانه اهل کتاب ( یهود ) ، برای بازداشتن پیامبر (

ص ) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

چون <یفتنوک> به <عن> متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است ; یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۲

۲ بسیاری از مسیحیان و یهودیان ، در صدد جایگزینی گرایش ها و قوانین جاهلی به جای احکام و قوانین الهی

افحکم الجهلیه یبغون

<بغی>، به معنای طلب کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۱

۳۱ خداوند ، حامی مؤمنان ، در برابر توطئه های یهودیان و دشمنان دین

کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۲

۲ - اتحاد و همدستی منافقان با یهودیان علیه اسلام و مسلمین

ألم تر إلی الذین تولّوا قومًا غضب اللّه علیهم

دوستی میان منافقان و یهودیان که مورد عضب خدا هستند جنبه عاطفی نداشت; بلکه سیاسی و عقیدتی بوده است.

تهدید یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴ – ۱۳

۱۳ تهدید شدن اهل کتاب ( یهود و نصارا ) به عذاب سخت الهی ، در صورت کفر به آیات خداوند ، قرآن ، تورات و انجیل

نزّل علیك . .. انّ الّذین کفروا ... لهم عذاب شدید

از شأن نزول به دست می آید که

مورد آیه، اهل کتابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۶

۶ تهدید شدن یهود به هزیمت و شکست ، پس از پیروزی مسلمین در جنگ بدر

قل للّذین کفروا ستغلبون

در شأن نزول آیه آمده است که آیه شریفه بعد از جنگ بدر آنگاه که رسول خدا از آن جنگ به طرف بنی قینقاع بازمی گشتند نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱،۲

۱ خداوند ، با برافراشتن کوه طور بر سر یهود به منظور تهدید آنان ، از ایشان پیمان گرفت .

و رفعنا فوقهم الطور بمیثقهم

<طور> علم است برای کوهی مخصوص و گفته شده <طور> به معنای مطلق کوه است (مفردات)، باء در <بمیثقهم> سببیه است و بدیهی است که خود میثاق نمی تواند دلیل و سبب باشد بر اینکه خداوند کوه طور را بر سر آنان برافرازد. بنابراین می توان گفت گرفتن میثاق علت برای برافراشتن کوه طور بوده است.

۲ یهود ، مردمانی طغیانگر که جز با تهدید ، در برابر حق تسلیم نمی شدند .

و رفعنا فوقهم الطور بمیثقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ - تهدید یهود از سوی خداوند ، به خاطر اختلاف های مغرضانه و جاه طلبانه آنان در امر رسالت پیامبراکرم ( ص ) *

بیّنت من الأمر .. إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

## ۱۹ – جمعه –

۶۲ - ۸ - ۶

۶ - تهدید یهودیان از سوی خداوند ، به فرجام بد و ناگوار اخرویشان

إنّ الموت الذی تفرّون منه . .. فینبّئکم بما کنتم تعملون

تهمت مسیحیان به یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ - اتهام هریک از یهود و نصارا به یکدیگر ( بی پایه و اساس بودن آیین یکدیگر ) اتهامی جاهلانه است .

و قالت الیهود لیست النصری . .. کذلک قال الذین لایعلمون

برداشت فوق از تشبیه سخن یهود و نصارا به گفته جاهلان، استفاده شده است.

تهمت های یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۲

۲ - یهودیان ، پیامبر ( ص ) را به نداشتن دلیل و برهانی روشن بر حقانیت رسالتش متهم می کردند .

و لقد أنزلنا إلیک ءایت بینت

معمولا بیان جمله با تأکید حکایت از آن دارد که مخاطبان، مضمون آن جمله را مورد تردید قرار داده یا انکار می کنند و از آن جا که جمله <و لقد أنزلنا . ..> با حرف لام - که حاکی از قسم مقدر است - و نیز با حرف <قد> تأکید شده معلوم می شود که یهودیان مخاطب آیه، مضمون جمله فوق را مورد تردید و یا انکار قرار می دادند.

تهمت یهود به مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ - اتهام هریک از یهود و نصارا به یکدیگر ( بی پایه و اساس بودن آیین یکدیگر ) اتهامی جاهلانه است .

و قالت اليهود

لیست النصری . .. کذلک قال الذین لایعلمون

برداشت فوق از تشبیه سخن یهود و نصارا به گفته جاهلان، استفاده شده است.

تهمتهای یهود دوران مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۳

۳- مردم با دیدن مریم ( س ) همراه کودک خویش ، بدون پرس و جو او را به زنا متهم کردند .

فأتت به قومها تحمله قالوا یمریم لقد جئت شیئًا فریًّا

<فریّاً> صفت مشبهه به معانی <سنگین و بزرگ> و <شگفت> و <کار بی سابقه> آمده و از ریشه <فری> به معنای قطع گرفته شده است; به این تناسب که چنین عملی قطع روند گذشته است. در هر صورت مرادِ کسانی که این سخن را به مریم(س) گفتند، اتهام زنا و خلاف بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۶

۶- مردم بیت المقدس ، مریم ( س ) را به زنا متهم کردند .

و ما کانت أُمّک بغیًّا

<بغیّ>، یعنی زن بدکاره (قاموس). مردم گرچه مریم(س) را صریحاً به زنا متهم نکردند، ولی با کنایه این کار را انجام دادند. جمله <و ما کانت ...> (مادرت بدکاره نبود)، یعنی تو این چنین هستی.

جادوگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۱،۱۳

۱۱ - گروهی از یهودیان به آموختن سحر های تعلیم داده شده از سوی شیاطین روی آورده و به جادوگری پرداختند .

واتبعوا ما تتلوا الشیطین

ضمیر در <اتبعوا> به <فریق من الذین أوتوا الکتاب> در آیه قبل بر می گردد.

۱۳ - یهودیان برای مبارزه

با پیامبر ( ص ) علاوه بر انکار بشارت های تورات ، از سحر و جادو مدد می گرفتند .

نبذ فریق . .. کتب اللّه وراء ظهورهم ... واتبعوا ما تتلوا الشیطین

در آیه قبل گذشت که جمله <نبذ فریق> پس از <لما جاءهم> می رساند که: یهود به خاطر اینکه بتوانند رسالت پیامبر(ص) را انکار کنند بشارتهای تورات را درباره آن حضرت، نادیده گرفتند. عطف جمله <اتبعوا ...> بر <نبذ فریق> نیز اقتضا می کند که دنبال کردن سحر به همین منظور بوده است.

جاسوسی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۱۵،۱۷،۳۶،۴۵

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر ، مردمی دروغ پرداز ، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للکذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر ( ص ) از اندوه بر کفرورزی آنان

لایحزنک الذین یسرعون . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۳۶ خداوند هرگز جان ودل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

۴۵ پیشتازی در کفر ، تحریفگری ، دروغپردازی و جاسوسی ، نمودی از

خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر . .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

جاه طلبی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۲،۱۳

۱۲ - اختلاف یهود درباره رسالت پیامبراکرم ( ص ) ، اختلافی مغرضانه و جاه طلبانه *

و ءاتینهم بیّنت من الأمر فما اختلفوا إلاّ من بعد ما جاءهم العلم . .. إنّ ربّک

برداشت بالا بدان احتمال است که <الأمر> نظر به رسالت پیامبراکرم(ص) داشته باشد. در این صورت اختلاف بنی اسرائیل نیز مربوط به همین مسأله می شود.

۱۳ - تهدید یهود از سوی خداوند ، به خاطر اختلاف های مغرضانه و جاه طلبانه آنان در امر رسالت پیامبراکرم ( ص ) *

بیّنت من الأمر . .. إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جبرگرایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۷

۱۷ یهود ، مدعی جبر و قدرت بر ایمان *

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها بکفرهم

بدان احتمال که منظور یهود از <قلوبنا غلف> نسبت دادن حالت کفر خویش به عوامل غیر اختیاری باشد.

جرایم علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۲

۲ بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا ، اموال مردم را

به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع ، تصاحب می کردند .

إن كثيراً من الأحبار و الرهبان ليأكلون أمول الناس بالبطل

جرايم يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶

۶ - يهوديان به انگيزه دستيابى به مزاياى دنيا ، همكيشان خود را كشته و آنان را از ديارشان آواره مى ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون . .. أولئك الذين اشتروا الحيوه الدنيا بالأخره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۹،۲۱

۱۹ - يهود ، پيامبران بسيارى از نژاد اسرائيل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبياء اللّه من قبل

چون جمله <فلم تقتلون . ..> (پس چرا پيامبران خدا را مى كشتيد؟) در جواب ادعاى يهود، مبنى بر ايمان آنان به پيامبران بنى اسرائيل، آمده است، معلوم مى شود: مراد از <أنبياء اللّه> پيامبران بنى اسرائيل است.

۲۱ - كشته شدن پيامبرانى از نژاد اسرائيل به دست يهوديان ، دليل ايمان نداشتن آنان حتى به پيامبران بنى اسرائيل

نؤمن بما أنزل علينا . .. قل فلم تقتلون أنبياء اللّه من قبل

جلب رضايت يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱

۱ - پيامبر ( ص ) به اميد اسلام آوردن يهود و نصارا ، در پى جلب رضايت و خشنودى آنان بود .

و لن ترضى عنك اليهود و لاالنصرى

بدیهی است که اهتمام پیامبر(ص) برای جلب خشـنودی یهود و نصارا برای دستیابی به منافع شخصی و مانند آن نبود؛ بلکه در جهت ایفای وظیفه، یعنی، گرایش دادن آنان به

اسلام بوده است و لذا قید <به امید اسلام آوردن> در برداشت آورده شد.

جلسات سرّی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۴

۴ - یهودیان عصر بعثت دارای جلسات سرّی و مخفیانه برای توطئه چینی علیه اسلام

و إذا خلا بعضهم إلی بعض

جنگ افروزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۱

۱ پیامبر ( ص ) از جانب خدا فرمان یافت تا در صورت تسلط بر یهودیان پیمان شکن و جنگ آفرین ، آنان را به گونه ای مجازات کند که زمینه پراکنده شدن دیگر دشمنان فراهم آید .

فإما تثقفنهم فی الحرب فشردبهم من خلفهم

تشرید به معنای پراکنده ساختن و کوچ دادن است. <باء> در <بهم> سببیه است که به دلیل <فی الحرب> کلمه ای همانند قتل و یا مجازات در تقدیر می باشد. و مراد از <من خلفهم> یهود و یا دیگر دشمنانی است که از مدینه و یا اطراف آن به فتنه گری می پرداختند. بنابراین جمله <فشردبهم> چنین معنا می شود: ای پیامبر با مجازات سنگین که بر یهودیان پیمان شکن تحمیل می کنی، دیگر دشمنان را متفرق ساز و پراکنده کن.

جنگ مسلمانان با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر ( ص ) را از وقوع نبردی میان مسلمانان و یهودیان پیمان شکن ، پیش از واقع شدنش ، آگاه ساخت .

فشردبهم من خلفهم

<ثقف> مصدر <تثقفن> به معنای دستیابی و تسلط

پیدا کردن است. <إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زاید است. تأکید جمله شرطیه با نون تأکید ثقلیه و <ما>ی زایده حکایت از آن دارد که شرط، یعنی وقوع جنگ و تسلط مسلمانان بر یهودیان، تحقق خواهد یافت. بنابراین معنای جمله شرط چنین خواهد بود: اگر نبردی با یهودیان رخ داد و بر آنان مسلط شدی، که البته چنین خواهد شد ... .

جنگ یهود با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۷

۷ - وجود برخورد های پراکنده و انفرادی ، میان یهودیان تبعیدی و مسلمانان *

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه

ذکر واژه <جمیعاً>، می تواند از آن جهت باشد که یهودیان اخراجی از مدینه، فقط در نبردهای جمعی از برخورد مستقیم با مسلمانان پرهیز می کردند; ولی ممکن است آنان برخوردهای انفرادی مستقیم داشته باشند.

جوسازی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۸

۸ تبلیغات سوء یهود علیه احکام و دستورات اسلام ( انفاق )

و لا یحسبنّ الّذین . .. لقد سمع اللّه قول الّذین قالوا انّ اللّه فقیر و نحن اغنی

جهل عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۳،۶

۳ - عوام یهود ، ناآگاه به محتوای کتاب آسمانی خویش ( تورات )

لایعلمون الکتب

۶ - بی سوادی عوام یهود و آگاهی نداشتن آنان از تورات ، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از آنها

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . .. و منهم أميون لايعلمون الكتب إلا امانى

جمله <منهم أميون>

عطف بر <قد کان فریق . ..> در آیه <۷۵> است. بنابراین آیه مورد بحث نیز بیانگر علت برای <أفتطمعون ...> می باشد.

جهل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۶

۴۶ - یهودیان ، ناآگاه به سودای زیانبار خویش ( از دست دادن آخرت و دستیابی به منافع سحر )

لبئس ماشروا به أنفسهم لو کانوا یعلمون

مفعول <یعلمون> - به دلیل قبل - زیانباری فروختن مواهب آخرت در مقابل منافع دنیوی است; یعنی، ای کاش! می دانستند که این داد و ستد برای آنان زیانبار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۵

۵ کوته فکری یهود در معارف الهی و صفات خداوند

لقد سمع اللّه قول الّذین قالوا انّ اللّه فقیر و نحن اغنیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۳

۱۳ دل های یهودیان بر خلاف ادعایشان تهی از دانش و ناتوان از درک تعالیم پیامبر اسلام ( ص )

قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود یهودیان از جمله <قلوبنا غلف> ادعای برخورداری از دانش وافر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۸،۹

۸ خواسته های نابجا ، اعمال ناروا و رذایل اخلاقی یهود ، نشأت گرفته از جهل آنان و ناباوری ایشان نسبت به تعالیم دین

يسئلك أهل الكتب . .. لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون

توصيف صالحان يهود با عنوان عالمان

ژرفنگر و مؤمنـان واقعی، بیـانگر این حقیقت است که جهـل و نابـاوری به تعـالیم انبیـا مایه گرایش عامه یهود به اعمال ناروا و رذایل اخلاقی بوده است.

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

در برداشت فوق کلمه <لکن> اسـتدراک از جمله <فلایؤمنون الا قلیلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورنـد و لکن عالمـان ژرفنگر ایشـان و آنـانکه اهـل بـاور به حقیقت هسـتند به قرآن ایمـان خواهنـد آورد. بنـابراین جمله <لکن ...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جهل یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ تورات دربردارنده حقایق و معارفی بود که نه یهود زمان پیامبر(ص) بر آن آگاهی داشتند و نه پدران آنها.

و علمتم ما لم تعلموا أنتم و لا ءاباؤکم

حاکمان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱

۱ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدّر ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحیط). <بعث> (مصـدر <لیبعثن>) به معنای فرسـتادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده

است. <سَوْم> (مصدر <یسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

حاکمیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۴

۴ خطر فقر و بیچارگی برای مردم ، در صورت حاکمیت یهود بر آنان

ام لهم نصیب من الملك فاذاً لا یؤتون النّاس نقیراً

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که در معنای <الملك> در آیه فوق فرمود: یعنی الامامه و الخلافه . .. .

---

کافی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۰، ح ۲۹۹.

حتمیت کیفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۲

۳۲ اراده حتمی خداوند بر مجازات یهودیان و منافقان شتابنده در کفر

قالوا ءامنا بافواههم و لم تؤمن قلوبهم و من الذین هادوا . .. و من یرد اللّه

حرامخواری در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱،۲،۳،۴

۱ بسیاری از یهود و نصارا ، مردمی حرام خوار و دارای زبانی آلوده به گناه و سخنان ناروا

لولا ینهیهم . .. عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

۲ بازداری یهودیان و مسیحیان از آلودگی به گناه ( گفتار های ناروا ، حرام خواری و . . . ) ، تکلیفی الهی بر عهده عالمان

اهل کتاب

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

۳ سکوت و بی تفاوتی عالمان اهل کتاب ، در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

۴ ربانیون

و احبـار ( عالمـان يهود و نصـارا ) مورد توبيـخ خداونـد به خـاطر بى تفاوتى ايشان در برابر حرام خوارى مردم خويش و گفتار ناروای آنان

لولا ينهيهم الربنيون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

مراد از <ربانيون> عالمان نصارا هستند و <احبار> به دانشمندان يهود، گفته مى شود.

حرامخوارى رهبران يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲۲

۲۲ حرامخوارى حاكمان يهود ، به صورت رشوه

اكلون للسحت

از رسول خدا(ص) روايت شده: رشوه الحكام حرام و هى السحت الذى ذكر اللّه فى كتابه.

---

الدر المنثور، ج ۳، ص ۸۱.

حرامخوارى علماى يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲

۲ عالمان يهود در عصر پيامبر ( ص ) گوش سپارنده به شايعات دروغين و راغب به حرمخوارى و رشوه گيرى

سمعون لقوم ءاخرين . .. سمعون للكذب اكلون للسحت

برداشت فوق بر اين مبنـاست كه دو صـفت يـاد شـده دربـاره عالمان يهود باشـد. توصـيف عوام يهود در آيه قبل به <سـمعون للكذب>، اين مبنا را تأييد مى كند، و <سحت> به معناى مال حرام است و از مصاديق مورد نظر آن، به مناسبت مورد، رشوه مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۲

۲ بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا ، اموال مردم را به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع ، تصاحب می کردند .

إن کثیراً من الأحبار و الرهبان لیأکلون أموال الناس بالبطل

حرامخواری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۱ – ۱۰

۱۰ رباخواری و حرامخواری یهودیان ، موجب محرومیت آنان از برخی طیبات *

فبظلم من الذین هادوا و حرّمنا علیهم الطیبت . .. و أکلهم أمول الناس بالبطل

بدان احتمال که مراد از تحریم، تحریم تکوینی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۲ – ۱

۱ رغبت فراوان یهود به حرامخواری و شنیدن دروغ ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للکذب اکلون للسحت

صیغه مبالغه <سمعون> و <اکلون> دلالت بر رغبت فراوان دارد. در برداشت فوق دو خصلت یاد شده، وصف عموم یهودیان (عالمان و پیروان) آنان گرفته شده است.

حرص یهود به زندگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۶ – ۱،۲،۳،۴،۵،۱۳

۱ – یهود ، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

۲ – یهود ، به هر نوع زندگی دنیوی – هر چند پست باشد – حریص و دل بسته اند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

نکره آوردن <حیاه> اشاره به این نکته دارد که: یهودیان بر صرف زنده ماندن با هر ویژگی – هر چند که پست و حقیر هم باشد – حریصند.

۳ – روش و منش یهود ، نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است .

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوه

<لتجدن> مرکب از فعل تجد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است; یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که یهود حریص ترین مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب،

دلبستگی یهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد یهود نمایانگر علاقه شدید آنان به حیات دنیاست.

۴ - نمایان بودن علاقه یهود به زندگی دنیا ، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نهراسیدن از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

جمله <لتجدنهم . ..> استشهادی است برای جمله <لن یتمنوه>; یعنی، این حقیقت که یهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می شود; به گونه ای که حتی خود آنان نیز نمی توانند آن را انکار کنند.

۵ - اشتیاق یهود به زندگی دنیا ، حتی از مشرکان فزونتر است .

و لتجدنهم أحرص الناس . .. و من الذین أشرکوا

<من الذین> عطف بر <الناس> می باشد; یعنی: <و لتجدنهم أحرص من الذین اشرکوا; می یابی آنها را که از مشرکان به زندگی در دنیا دلبسته ترند>.

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

حرص یهود به عمر طولانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۸،۱۳

۱ - یهود ، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

۸ - فرد فرد یهود ، خواهان عمر طولانیِ هزار ساله هستند .

یود أحدهم لو یعمر الف سنه

<یعمّر> از تعمیر و به معنای عمر داده شود، است. آوردن <أحدهم> به عنوان فاعل <یود> و استفاده نکردن از ضمیر

جمع (یودون) تصریح به این معنا دارد که: عمر طولانی هزار ساله، خواسته فرد فرد آنان است.

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

حس گرایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۸

۸ اهل کتاب ، به ویژه یهود ، مردمی حسگرا و دارای بینشی مادی

یسئلك أهل الکتب ان تنزل علیهم کتباً من السماء . .. فقالوا أرنا اللّه

حسادت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۹

۹ حسادت و تجاوز ، عامل مخالفت اهل کتاب ( یهود و نصارا ) با دین مورد پذیرش خدا

و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب . .. بغیاً بینهم

حسد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۱،۱۲

۱۱ - یهودیان ، به خاطر نزول وحی بر پیامبر ( ص ) و رسالت آن حضرت ، بر او حسادت میورزیدند .

بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

عبارت <أن ینزل اللّه . ..> به تقدیر <لام> بیانگر علت و منشأ حسادت است و حاصل معنای <أن یکفروا ... من عباده> چنین است: یهودیان به خاطر حسادتشان بر پیامبر(ص)، به قرآن کافر شدند و منشأ حسادتشان این بود که خدا محمد(ص) - که از نژاد عرب بود - به پیامبری برگزید و به آن حضرت وحی فرستاد.

حسادت یهود به پیامبر ( ص ) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است; برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعولٌ به برای <أن یکفروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱،۲،۳،۴،۶،۹

۱ حسادت اهل کتاب ( یهود ) ، نسبت به پیامبر ( ص ) و مسلمانان

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

این آیه و آیات گذشته جوابی است بر گفتار غیر منصفانه یهود درباره اهل ایمان (هؤلاء اهدی . .. ) بنابراین مراد از <النّاس> پیامبر (ص) و مؤمنان خواهد بود.

۲ همسویی اهل کتاب ( یهود ) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان به پیامبر ( ص ) و مسلمانان

یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا . .. یحسدون النّاس

جمله <ام یحسدون . .. > بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

۳ مقام پیامبری و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر ( ص ) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

مراد از <فضله> به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا . .. )، کتاب و حکمت و ملک عظیم است.

۴ اعطای قرآن

به پیامبر ( ص ) ، مایه حسادت یهود بر آن حضرت

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

از مصادیق <فضل> به قرینه ذیل آیه قرآن می باشد.

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر ( ص ) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

یؤمنون بالجبت و الطاغوت . .. ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

۹ بی نتیجه بودن حسادت اهل کتاب ( یهود ) نسبت به تفضّلات الهی به پیامبر ( ص )

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

<فقد آتینا> به این معناست که همان گونه که حسدورزان به آل ابراهیم طرفی نبستند و به آنان ضرری نرساندند، حسودان به پیامبر (ص) نیز نتیجه ای نخواهند برد و ضرری را متوجّه آن حضرت نخواهند کرد.

حسد یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۴

۴ - یهودیان و نصارای عصر بعثت ، بر ایمان مسلمانان رشک برده به آنان حسادت میورزیدند .

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

مقصود از <اهل الکتاب> به دلیل <و قالوا لن یدخل . ..> در آیه ۱۱۱، یهود و نصاراست.

حق ستیزی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتمون . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

حق گرایان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ -

۲۲ وجود افراد اندکی انسانِ حق گرا در میان یهود عصر پیامبر ( ص )

فلایؤمنون إلاّ قلیلا

حق ناپذیری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۹،۱۰

۹ - پیشوایان و عالمان یهود در عصر بعثت ، مردمانی لجوج و حق ناپذیر

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم . .. أفلا تعقلون

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <و قد کان . ..> و یا عطف بر جمله <یسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۱

۱ - عالمان یهود ، به رغم آگاهی از دستورات تورات ، به آن عمل نمی کردند .

مثل الذین حمّلوا التوریه ثمّ لم یحملوها

حق ناپذیری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

۴ - اهل کتاب ( یهود و نصارا ) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله

<لئن . ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۷،۱۸

۷ بازداری منافقان و یهودیان حق ناپذیر از شتاب در کفر ، خارج از محدوده رسالت پیامبر ( ص )

یأیها الرسول لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر

خطاب خداوند به پیامبر(ص) با عنوان رسالت (یایها الرسول) گویای برداشت فوق است.

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذیر ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۳،۱۴

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

۱۴ حق ناپذیری و روحیه استکباری یهود ، عامل عداوت آنان با مسلمانان

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

حیوانات چنگال دار در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۲

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمنا . .. ذلک جزینهم ببغیهم

ختم قلب یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲

۶ - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم اللّه ...> بیان می دارد حجابِ قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

۷ - یهودیان کافر ، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان ، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۱،۱۲،۱۹،۲۰

۱۱ کفر یهود ، موجب مهر زدن خداوند بر دل های آنان گشت .

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها بکفرهم

۱۲ دل های یهود ، دارای حجابی جلوگیر از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

۱۹ کفرورزی یهود ، مایه تقدیر الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

۲۰ دل های مهر خورده و در حجاب لجاج فرو رفته یهود ، مانع گرایش آنان به اسلام

بل طبع اللّه علیها بکفرهم فلا یؤمنون إلاّ قلیلا

خدا و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء

- ۴ - ۴۹ - ۴،۵

۴ یهودیان عصر پیامبر ( ص ) علی رغم ادعایشان هرگز منزّه نبودند و نزد خدا منزلتی نداشتند .

الم تر الی الذین یزکّون انفسهم بل اللّه یزکّی من یشاء

۵ خداوند نخواسته است که یهودیان کفرپیشه ، از آلودگی ها پیراسته گردند و تزکیه شوند .

یزکّون انفسهم بل اللّه یزکّی من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۹

۱۹ یهود و نصارا ، همچون سایر مردمان ، مملوک و تحت حاکمیت خدا هستند ، نه فرزند وی و نه برخوردار از محبتی ویژه در پیشگاه او .

و قالت الیهود و النصری نحن ابنؤا اللّه . .. و للّه ملک السموت و الارض

در برداشت فوق، جمله <للّه ملک السموت . ..> دلیل رد پندار یهود و نصارا (نحن ابنؤا اللّه و احبؤه) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۰

۲۰ خداوند ، ایجاد کننده دشمنی و کینه در بین یهود

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

خداشناسی ناقص یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۵

۵ - یهودیان ، فاقد معرفت و شناخت لازم به خدا و صفات او

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

خداشناسی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۳

۳ - شناخت یهود و نصارا از خدا و صفات او ، شناختی ضعیف و ناقص

و

قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه

خداشناسی یهود صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۸ – ۱۰

۱۰ – ضعف بینش و شناخت یهود ، نصارا و مشرکان عصر بعثت ، درباره خداوند

و قال الذین لایعلمون لولا یکلمنا اللّه . .. کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

خرافات در یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۳ – ۱۷

۱۷ خرافه گویی و جمود و تحجر یهود *

الّذین قالوا انّ اللّه عهد الینا الّا نؤمن لرسول حتی یاتینا بقربان تأکله النّار

۱ ظاهر جمله <الّا نؤمن لرسول>، این است که خداوند به ما دستور داده به کسی که فلان معجزه خاص را ندارد، ایمان نیاوریم، هر چند حقیقتاً پیامبر باشد. چون نگفتند <الّا نؤمن لمدعی الرّساله>، و این معنا که به فرض نبوت، ایمان نیاورید اگر فلان معجزه خاص را نداشت، خرافه ای بیش نیست. ۲ بر فرض که چنین عهدی باشد، آنان باید بیندیشند که قربانی کذایی، معجزه ای است برای کشف صادق از کاذب، نه اینکه موضوعیّت داشته باشد و اصرار به این معنا حاکی از جمود و تحجّر یهود است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۷ – ۲۱،۲۲

۲۱ ر ها ساختن مردم ( یهود ، نصارا و . . . ) از تکالیف شاق و زنجیر های خرافات ، از نشانه های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر ( ص )

الذی یجدونه . .. یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت

علیهم

۲۲ یهود و نصارا در قبل از اسلام ، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

و یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

جمع آوردن <اغلال> حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

خطر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱

۱ خداوند ، از فساد مالی و انحراف بسیاری از احبار و راهبان ( پیشوایان دینی یهود و نصارا ) پرده برداشته و مؤمنان را نسبت به خطر آنان هشدار داد .

یأیها الذین ءامنوا إن کثیراً من الأحبار و الرهبان لیأکلون أمول الناس بالبطل

خطر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ روابط و پیوند های یهود و نصارا با یکدیگر ، خطر و هشداری برای مسلمانان

لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

از اینکه دوستی یهود و نصارا با یکدیگر، دلیل بازداشتن مسلمانان از دوستی با آنان قرار گرفته است، استفاده می شود که پیوند آنان، پیوندی خطرناک برای مسلمین است.

خواسته علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۷

۷ عالمان ژرفنگر یهود ، خواسته نابجا از پیامبر اسلام ( ص ) نداشته و از صفات زشت و اعمال ناروای یهودیان ( پیمان شکنی

، انکار آیات الهی و . . . ) بر حذر بودند .

یسئلک أهل الکتب . .. لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون

خداوند در آیه ۱۵۳ تا آیه مورد بحث بهانه

گیریها و صفات زشت اهل کتاب و به خصوص یهودیان را بیان نموده و آیه مورد بحث با کلمه <لکن> مؤمنان واقعی و عالمان ژرفنگر را، استثنا کرده است.

خواسته های یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۸

۸ - فرد فرد یهود ، خواهان عمر طولانیِ هزار ساله هستند .

یود أحدهم لو یعمر الف سنه

<یعمّر> از تعمیر و به معنای عمر داده شود، است. آوردن <أحدهم> به عنوان فاعل <یود> و استفاده نکردن از ضمیر جمع (یودون) تصریح به این معنا دارد که: عمر طولانی هزار ساله، خواسته فرد فرد آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذین من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲

۲ در آتش سوختن قربانی پیامبر ( ص ) ، شرط یهود برای ایمان به آن حضرت

الّذین قالوا انّ اللّه . .. حتّی یاتینا بقربان تاکله النّار

<قربان> به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن به خداوند تقرب جوید و

قربانِ امّتهای گذشته، گاو، گوسفند و شتری بود که برای تقرّب به خدا ذبح می شد (تاج العروس).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۳ – ۲،۵،۹

۲ آشکارا دیدن خداوند ، تقاضای نابجای یهودیان از موسی ( ع )

فقد سألوا موسی أکبر من ذلک فقالوا أرنا اللّه جهره

۵ درخواست دیدن خداوند از سوی یهود ، درخواستی ظالمانه و موجب گرفتار شدن آنان به صاعقه

فقالوا أرنا اللّه جهره فأخذتهم الصعقه بظلمهم

۹ درخواست یهود از موسی ( ع ) ( دیدن خدا ) ، نابجاتر از درخواست آنان از پیامبر ( ص ) ( نزول کتاب آسمانی بر آنان )

یسئلک أهل الکتب . .. فقد سألوا موسی أکبر من ذلک

خود برتربینی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۸ – ۱۳

۱۳ یهودیان و مسیحیان خود را انسانهایی ممتاز و برتر می پندارند .

و قالت الیهود و النصری نحن ابنؤا اللّه . .. بل انتم بشر ممن خلق

از اینکه خداوند در رد پندار یهود و نصارا فرموده است که شما مانند دیگر انسانها هستید، معلوم می شود آنها برای خود امتیازی ویژه می پندارند و خود را برتر از دیگران می شمارند.

خودبرتربینی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۳ – ۷

۷ خودبرتربینی دینی و تعصب نابجای یهود

و لا تؤمنوا الاّ لمن تبع دينکم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۵ – ۸

۸ تضييع حقوق ديگران

توسط برخی از اهل کتاب ( یهود ) ، ناشی از روحیه خودبرتربینی آنان

ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل

خودفروشی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲

۲ - یهودیان ، با کفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن یکفروا بما أنزل اللّه

<اشتراء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن یکفروا ...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما ...>; یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۳

۴۳ - یهودیان با آموزش سحر های زیان آور ، خویشتن را تباه و بهای بدی را کسب کردند .

ماله فی الأخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم

خوردنیهای حرام در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۱،۲،۳

۱ خداوند خوردن گوشت حیوانات دارای ناخن (چنگال) را بر یهود حرام کرده بود.

و علی الذین هادوا حرمنا کل ذی ظفر

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمنا . .. ذلک جزینهم ببغیهم

۳ خوردن دنبه و پیه گاو و گوسفند بر یهود، جز آنچه بر پشت و چسبیده بر روده و

استخوان بوده، حرام بوده است.

و من البقر و الغنم حرمنا علیهم شحومهما إلا ما حملت

<شحم> به معنی چربی و پیه است و <ظهر> یعنی پشت و <حوایا>، جمع <حویه>، به معنی روده است.

خیال پردازی عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۵،۷

۵ - حدس و گمان ، پایه و اساس تفکرات دینی عوام یهود

إن هم لایظنون

۷ - پذیرش خیالات واهی به جای محتوای کتاب آسمانی و پایه قرار دادن حدس و گمان در تفکرات و معتقدات دینی ، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از عوام یهود

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. و منهم أمیون ... إن هم إلا یظنون

خیانت اکثریّت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۲

۲۲ تلاش مستمر اکثریت یهود در عصر بعثت برای خیانت به پیامبر ( ص ) و اسلام

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

چون آیه فوق در بیان خیانتکاری بنی اسرائیل، پیامبر(ص) را مخاطب قرار داده (و لاتزال تطلع . ..) معلوم می شود این خیانت درباره پیامبر(ص) و مسلمانان صورت می گرفته است.

خیانت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۷

۷ یهود ، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

یقولون . .. هؤلاء اهدی من الذین امنوا ... اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل

جمله <ان تحکموا بالعدل> می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان ; آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۲۱

۲۱ مراقبت مستمر پیامبر ( ص ) بر اعمال و رفتار یهودیان عصر خویش و آگاهی وی به خیانت های آنان

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

درخواست برهان از یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۱ – ۱۰

۱۰ – پیامبر ( ص ) ، موظف به مطالبه برهان از یهود و نصارا بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

دروغگویی علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۲۵

۲۵ امتناع عالمان تحریفگر یهود از رویارویی با رسول خدا ( ص ) ، از ترس افشای دروغ ها و تحریفهایشان *

سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم من بعد مواضعه

دروغگویی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۳ – ۱

۱ – توصیه یعقوب ( ع ) بر ملازمت فرزندانش بر آیین یهودیت ، از ادعا های دروغین یهود

أم کنتم شهداء إذ حضر یعقوب الموت

<أم> منقطعه و متضمن معنای استفهام انکاری است. <شهداء> جمع شهید و به معنای حاضران می باشد و خطاب متوجه

یهودیان است. بنابراین <أم کنتم شـهداء ...>; یعنی، شـما یهودیان به هنگام مرگ یعقوب حضور نداشتید. (پس چگونه ادعا می کنید که او فرزندانش را به پایداری در آئین یهود سفارش کرد؟)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۴ - ۳

۳ یهودیان ، بدعتگذار

و دروغپردازانی سخت ستمگر

قل فاتوا بالتوریه . .. فمن افتری ... فاولئک هم الظالمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۳ – ۲۲

۲۲ دروغ بودن ادعـای یهود در مورد ایمـان به پیامبر ( ص ) ، در صورت مشاهـده معجزه درخواستی خود ( سوختن قربانی در آتشی از غیب )

قل قد جاءکم . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۰ – ۱،۲

۱ یهود ، داعیه دار نسبتهایی ناروا به خداوند ، علی رغم علم و آگاهی به کذب و بطلان آن نسبتها

انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

ضمیر در <یفترون> به <الذین اوتوا الکتاب> برمی گردد، و مراد از آن به قرینه آیات گذشته یهودیان هستند.

۲ علم و آگاهی یهود به بطلان افترا های خویش بر خداوند *

انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

چون افترا به معنـای دروغ بسـتن است، آوردن کلمه <الکـذب> برای تفهیم این معنـاست که یهودیان با اینکه می داننـد مثلا خداوند به آنها امتیازی نداده، آن را به خدا نسبت می دهند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۱۵،۱۸،۳۶،۴۵

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر ، مردمی دروغ پرداز ، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للکذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی

سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و

شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپـذیر ، آن قدر بی ارزشـند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۳۶ خداوند هرگز جان ودل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

۴۵ پیشتازی در کفر ، تحریفگری ، دروغپردازی و جاسوسی ، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر . .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الـدنیا خزی> بیانگر آن است، می توانـد همان رذایلی باشـد که در آیه مطرح شـده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

دشمن شناسی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۲

۲ عالمان یهود ، دشمن مسلمانان

الم تر الی الذین . .. و اللّه اعلم باعدائکم

مراد از <اعداء> به قرینه آیه قبل و بعد، همان عالمان یهود هستند.

دشمنی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۹،۲۰،۲۱،۲۳،۲۷

۱۹ یهودیان ، گرفتار کینه و دشمنی با یکدیگر تا روز قیامت

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

۲۰ خداوند ، ایجاد کننده دشمنی و کینه در بین یهود

و القینا

بينهم العدوه و البغضاء إلى يوم القيمه

۲۱ دشمنی و کینه یهود با یکدیگر ، کیفر و عقوبت دنیوی آنان

و القينا بينهم العدوه و البغضاء إلى يوم القيمه

۲۳ دشمنی و کینه توزی یهود با یکدیگر از پیامد های گرفتاری آنان به لعنت خدا و دوری از رحمت او

و لعنوا بما قالوا . .. و القينا بينهم العدوه و البغضاء إلى يوم القيمه

جمله <و القينا . ..> می تواند بیان پیامدی دیگر برای <لعنوا بما قالوا> باشد ; یعنی گرفتاری به لعنت الهی علاوه بر افزایش کفر و طغیان یهودیان، مایه گرفتاری آنان به دشمنی و کینه توزی با یکدیگر نیز گردید.

۲۷ بقاء ملت و آیین یهود تا روز قیامت

و القينا بينهم العدوه و البغضاء إلى يوم القيمه

دشمنی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱

۱ - جامعه یهود در عصر بعثت متشکل از عالمانی معاند و عوامی ناآگاه

و قد كان فريق منهم . .. و منهم أميون لايعلمون الكتب إلا امانى

چنانچه در آیه <۷۵> گذشت، مراد از <فریق منهم> - به قرینه صفات شمرده شده بر آنان - عالمان یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۳

۳ احبار ( عالمان یهود ) و راهبان ( عالمان نصارا ) سردمداران مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً . .. يريدون أن يطفئوا نور اللّه بأفوههم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <هم> در <یریدون>، <یطفئوا> و <بأفواههم> به احبار و راهبان بازگردد، که در این صورت آیه

شریفه بیانگر یکی از مصداقهای <اتخذوا أحبارهم و رهبانهم أرباباً> خواهد بود ; بدین معنا که احبار و راهبان علیه قرآن و اسلام سخنان نادرست می گفتند و یهود و نصارا از آنان تبعیت کورکورانه و اطاعت محض داشتند.

دشمنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۴

۴ - یهود و نصارا ، در صورت نپذیرفتن معارف ابلاغ شده به آنان ( ایمان به قرآن ، ایمان به همه پیامبران و . . . ) از دشمنان و ستیزه جویان با اسلام و مسلمانان ، تلقی خواهند شد .

فإن ءامنوا . .. فقد اهتدوا و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

<شقاق> به معنای دشمنی و مخالفت کردن است. حرف <فی> می رساند که دشمنی و مخالفت یهود و نصارا با اسلام، سراسر وجود آنان را فرا گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۵

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۰

۲۰ یهودیان ، مردمی لجوج و معاند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۳

۳ ناباوری مسلمانان صدر اسلام ، نسبت به دشمنی یهود با آنان

اعلم باعدائكم

آوردن <اعلم>، با صيغه افعل تفضيل، حكايت از ناباورى مسلمانان نسبت به دشمنى عالمان يهود با آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۴

۴ تحريف و تحليل ناصواب گفته ها ، نمونه اى از دشمنى يهود با مسلمانان

و اللّه اعلم باعدائكم . .. يحرّفون الكلم عن مواضعه

جمله <يحرفون . .. > پس از بيان دشمنى يهود، به منزله دليل و نشانه اى براى اثبات عداوت عالمان يهود نسبت به مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۹

۱۹ تحريف نشانه هاى پيامبر اسلام ( ص ) در تورات و به فراموشى سپردن آن توسط يهود *

يحرفون الكلم . .. و نسوا حظاً مما ذكروا به

به احتمال اينكه مراد از <الكلم> و <ما ذكروا به> به قرينه مقام ، نشانه هاى پيامبر(ص) در تورات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ كينه و دشمنى دايمى يهود و مسيحيان با يكديگر تا روز قيامت

و لقد اخذ اللّه ميثق بنى اسرءيل . .. العداوه و البغضاء إلى يوم القيمه

بنابر اينكه ضمير در <بينهم> به يهود و نصارا برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱،۳،۱۴

۱ یهودیان و مشرکان سرسخت ترین دشمن برای مسلمانان

لتجدن اشد الناس عدوه للذین ءامنوا یهود و الذین اشرکوا

۳ دشمنی یهود با مسلمانان بیش از دشمنی مشرکان با آنان است .

لتجدن اشد الناس عدوه

للذين ءامنوا اليهود و الذين اشركوا

تقديم ذكرى <يهود> بر <مشركان> مى تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۱۴ حق ناپذيرى و روحيه استكبارى يهود ، عامل عداوت آنان با مسلمانان

اشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود . .. و انهم لايستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱،۲،۴،۷

۱ تلاش بى امان يهود و نصارا ، با هدف خاموش كردن نور الهى ( قرآن ) ، با سخنان و تبليغات خود

يريدون أن يطفئوا نور اللّه بأفوههم

ضميرهاى جمع در <يريدون>، <يطفئوا> و <بأفواههم> به يهود و نصارا (الذين أوتوا الكتاب) بازمى گردد. قيد <بأفواههم> (با سخنان خويش) مى رساند كه: اهل كتاب براى انحراف افكار عمومى عليه قرآن و اسلام، دست به تبليغات نادرست مى زدند.

۲ موضع گيرى ها و تبليغات سوء يهود و نصارا ، عليه اسلام به مثابه پفى ناچيز در مقابل نور فروزنده و جاودان الهى

يريدون أن يطفئوا نور اللّه بأفوههم

۴ اطاعت محض و تبعيت كوركورانه يهود و نصارا از احبار و راهبانشان ، در راستاى مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً . .. يريدون أن يطفئوا نور اللّه بأفوههم

۷ اسلام ، همواره در معرض كينه و عداوت يهود و نصارا

يريدون أن يطفئوا نور اللّه بأفوههم

با توجه به اينكه جمله <يريدون . .. > مفيد استمرار است برداشت فوق استفاده مى گردد.

دشمنى يهود با جبرئيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱،۵،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵

۱ – عداوت و کینه توزی یهودیان با جبرئیل ( ع )

من كان عدواً لجبريل

مراد از

<من كان> - به دليل آيات گذشته - يهوديان هستند.

۵ - نزول قرآن بر پيامبر ( ص ) توسط جبرئيل ، موجب دشمنى و كينه توزى يهود با او گرديد .

من كان عدواً لجبريل فإنه نزله على قلبك بإذن اللّه

جمله <فانه . ..> (جبرئيل به اذن خدا قرآن را بر قلب تو فرود آورد) بيانگر منشأ كينه توزى يهود با جبرئيل است.

۱۱ - بازگشت دشمنى يهود با جبرئيل ، به دشمنى با خداوند است .

من كان عدواً لجبريل فإنه نزله على قلبك بإذن اللّه

هر يك از حقايق بيان شده در جمله <فإنه نزله> تا <بشرى للمؤمنين> پاسخى به يهود در ارتباط با كينه توزى آنان با جبرئيل است. قيد <بإذن اللّه> بيان مى دارد كه جبرئيل به فرمان خدا، قرآن را براى پيامبر(ص) آورده است; پس اگر نزول قرآن مايه عداوت است بايد شما يهوديان با خدا دشمنى كنيد. بنابراين جواب جمله شرطيه <من كان ...> چنين مى شود: <فهو عدو اللّه>.

۱۲ - دشمنى يهود با جبرئيل ، در حقيقت دشمنى با تورات ، دشمنى با مايه هاى هدايت بشر و دشمنى با پيام آور بشارت است .

فإنه نزله . .. مصدقاً لما بين يديه و هدىً و بشرى للمؤمنين

هر يك از توصيفهاى <مصدقاً . ..> و <هدىً> و <بشرى للمؤمنين> همانند <بإذن اللّه> مى تواند پاسخى نقضى به يهوديان كينه توز با جبرئيل باشد; يعنى، دشمنى كردن با آورنده قرآن - كه دين و كتاب شما را تأييد مى كند، مايه هدايت بشر است و به سعادتها بشارت مى دهد - در واقع دشمنى كردن با تورات و ... است.

۱۳ - نازل شدن قرآن

به فرمان خدا ، دلیلی بر ناروایی عداوت یهود با جبرئیل است .

من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که قید <بإذن اللّه> پاسخی حلّی در ارتباط با عداوت یهود با جبرئیل باشد; یعنی، او به فرمان خدا قرآن را بر قلب پیامبر(ص) نازل کرد و کسی که فرمان خدا را اطاعت کند، نباید در نزد معتقدان به خدا مبغوض باشد.

۱۴ - تأیید تورات از سوی قرآن ، دلیلی بر بیجا بودن دشمنی یهود با پیام آور وحی ( جبرئیل ) است .

فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه مصدقاً لما بین یدیه

<مصدقاً لما بین یدیه> (قرآن درستی تورات را تأیید می کند) در پاسخ به یهودیان دشمن جبرئیل، این نکته را بیان می کند که جبرئیل حقیقتی را آورد که دین و کتاب شما را تصدیق می کند و شاهد راستی و درستی آن است و لذا نا به جاست که با نازل کننده آن (جبرئیل) دشمنی کنید.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن ( جبرئیل ) است .

فإنه نزله علی قلبک . .. هدیً و بشری للمؤمنین

عبارت <هدیً و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۹

۹ - یهودیان ، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرند و خداوند دشمن آنان است .

من

كان عدواً للّه . .. و جبريل و ميكل فإن اللّه عدو للكفرين

از مصداقهای <الكافرين> - به دليل آيات گذشته - يهوديان هستند.

دشمنی يهود با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۱

۱۱ - بازگشت دشمنی يهود با جبرئيل ، به دشمنی با خداوند است .

من كان عدواً لجبريل فإنه نزله على قلبك بإذن اللّه

هر يک از حقايق بيان شده در جمله <فإنه نزله> تا <بشرى للمؤمنين> پاسخی به يهود در ارتباط با كينه توزی آنان با جبرئيل است. قيد <بإذن اللّه> بيان می دارد كه جبرئيل به فرمان خدا، قرآن را برای پيامبر(ص) آورده است; پس اگر نزول قرآن مايه عداوت است بايد شما يهوديان با خدا دشمنی كنيد. بنابراين جواب جمله شرطيه <من كان ...> چنين می شود: <فهو عدو اللّه>.

دشمنی يهود با سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲ - فعاليت يهوديان عصر سليمان عليه حكومت وی ، با پيروی از افسون شياطين *

واتبعوا ما تتلوا الشيطين على ملك سليمن

برداشت فوق بر اين اساس است كه فاعل <اتبعوا> يهوديان عصر سليمان باشند.

دشنام در يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۶

۱۶ - امام باقر ( ع ) فرمود : < هذه الكلمه سب بالعبرانيه ، إليه كانوا يذهبون ;

این کلمه (راعنا) به زبان عبری فحش است و آنان (یهود) این کلمه را به عنوان فحش استعمال می کردند>.

دعوت از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱

۱ - پیامبر ( ص ) ، یهودیان را به پذیرش اسلام و ایمان آوردن به قرآن فرا می خواند .

و إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه

فاعل <قیل> به قرینه <قل فلم تقتلون> (در ذیل آیه) پیامبر است; یعنی: و إذا قلت لهم . ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۵

۵ - خداوند توسط پیامبر ( ص ) ، به یهود پیشنهاد کرد برای اثبات ادعای خود ( این که آنان دوستان خدایند ) ، آرزوی مرگ کنند .

قل یأیّها الذین هادوا. .. فتمنّوا الموت إن کنتم صدقین

دفع شر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۵

۵ - دفع شر یهودیان و نصرانیان از جامعه اسلامی ، وعده و نوید خداوند به پیامبر ( ص )

فإنما هم فی شقاق فسیکفیکهم اللّه و هو السمیع العلیم

دلایل اعراض یهود از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ - تبیین علل ایمان نیاوردن جامعه یهود و بنی اسرائیل به اسلام ، از اهداف تشریع سرگذشت آنان در قرآن

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

آیه مورد بحث نتیجه است برای حقایق تاریخی مربوطه به بنی اسرائیل و خصوصاً یهود; یعنی، آنان پس از مشاهده معجزه های فراوان و برخوردار شدن از نعمتهای الهی کفر ورزیدند; به گوساله پرستی گرایش پیدا کردند و نسبت جهل و استهزا به موسی(ع) دادند. بنابراین انتظار ایمان آوردن به قرآن از آنان انتظاری

نا به جاست.

دلایل صداقت یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۴ – ۷

۷ – ادعـای یهودیـان ( یقین به بهشـتی بودن ) آن گـاه صادقـانه و برخاسـته از بـاور آنـان است که تمنـای مرگ کرده و از آن استقبال کنند .

قل إن کانت لکم الدار الأخره . .. فتمنوا الموت

دلایل کفر یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۱ – ۲۱

۲۱ – کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۲ – ۱۲

۱۲ – گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل ... و لقد جاء کم موسی بالبینت ثم أتخذتم العجل

جمله <لقد جاءکم . ..> عطف بر <لم تقتلون ...> در آیه قبل است. بنابراین مضـمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علینا).

دلایل کفر یهود به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۱ – ۷

۷ – نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا

نؤمن بما أنزل علينا

دنیاطلبان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱،۲،۴

۱ تاریخ یهود ، شاهد نسلهایی دنیاگرا و معصیتکار

فخلف من بعدهم خلف ورثوا الکتب یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون

۲ دنیاگرایان یهود ، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن ، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا چنگ می زدند .

ورثوا الکتب یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون سیغفر لنا

جمله <ورثوا الکتب> (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند ; مدعی اعتقاد به آن بودند.

۴ دنیاگرایان یهود به گناه خویش ( دستیابی به مال و منال دنیا از راه های نامشروع ) ، اصرار میورزیدند .

و إن یأتهم عرض مثله یأخذوه

جمله <و إن یأتهم . .. > (اگر مال و منال دنیا در مرتبه و زمانی دیگر به آنان روی می آورد از گرفتن آن دریغ نداشتند)، اشاره به اصرار یهودیان دنیاگرا به گناه کسب درآمدهای نامشروع دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

دنیاطلبی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۶

۶ حرص و آزمندی شدید عالمان یهود عصر

پیامبر ( ص ) به متاع دنیا

اکلون للسحت

صیغه مبالغه <اکلون> نشان از رغبت و حرص فراوان عالمان یهود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۶

۶ - دستیابی به متاع های دنیوی ( مال ، ریاست ، وجاهت و . . . ) هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب آسمانی

لیشتروا به ثمناً قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۸

۸ تلاش احبار و راهبان ، در بازداشتن مردم از راه خدا ، در راستای دستیابی به مطامع دنیوی خویش

لیأکلون أمول الناس بالبطل و یصدون عن سبیل اللّه

با توجه به ارتباط و پیوستگی <یصدون> با <یأکلون> برداشت فوق استفاده می شود.

دنیاطلبی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - دستیابی به متاع دنیا ، از هدف های یهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

و لاتشتروا بأیتی ثمناً قلیلا

کلمه <آیاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تأمین این هدف باشد. قابل ذکر است که چون سخن درباره ایمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶،۷

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا ، همکیشان

خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون . .. أولئک الذین اشتروا الحیوه الدنیا بالأخره

۷ - یهودیان برای رسیدن به مزایای دنیوی ، آخرت و نعمت های آن را از دست دادند .

أولئک الذین اشتروا الحیوه الدنیا بالأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۶،۱۶

۶ - دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

۱۶ - خداوند ، ناظر بر رفتار و کردار برخاسته از دنیاپرستی یهود است .

و اللّه بصیر بما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۸

۴۸ - ترجیح منافع دنیوی بر منافع اخروی ، در دیدگاه یهودیان ساحر

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم لو کانوا یعلم

کسی که بداند با دستیابی به منافعی نامشروع، آخرت خویش را از دست داده است (لقد علموا . ..) ولی در عین حال به زیانباری این داد و ستد اعتقاد نداشته باشد (لو کانوا یعلمون)، معلوم می شود وی منافع دنیوی را بر آخرت ترجیح می دهد.

دنیاطلبی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۵

۵ - یهودیان عصر بعثت ، به دلیل وابستگی به دنیا و فسق پیشگی زمینه های ایمان و تقوا را از دست داده بودند .

لبئس ما شروا به أنفسهم . .. و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه من عنداللّه خير

به کارگیری <لو> امتناعیه در جمله <لو أنهم . ...> می نمایاند

که: ایمان آوردن یهود و پرهیز از گناهانی همانند سحر، امری مشکل یا ممتنع بوده است. آیات پیشین - که سخن از دلبستگی شدید یهود به دنیا و فاسق بودن آنان داشت - می تواند بیانگر علت به وجود آمدن این روحیه در ایشان باشد.

دنیاگرایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۴،۸

۴ عالمان یهود ، دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا ( حقایق مربوط به پیامبر ( ص ) )

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم

بـا توجّه به شـأن نزول، مقصود از <عهـد اللّه>، حقـایق مربوط به پیـامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

۸ محرومیّت عالمان یهود ، سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، از بهره های اخروی

انّ الّذین یشترون . .. اولئک لا خلاق لهم فی الاخره

دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۲،۳،۴،۸،۱۷

۲ حرمت ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا

لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء

در برداشت فوق <ولی> به معنای دوست که یکی از معانی آن است، گرفته شده است.

۳ یهود و نصارا ، مردمی غیر قابل اعتماد و ناشایست برای برقراری روابط دوستی مسلمانان با آنان

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء

کلمه <اتخاذ> به معنای برگزیدن و اعتماد کردن است. (مجمع البیان).

۴ ناسازگاری ایمان با ایجاد پیوند دوستی و مودت با یهود و نصارا

يا ايها الذين ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى أولياء

مخاطب قرار دادن مسلمانان با عنوان اهل ايمان

و سپس نهی از ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا، گویای برداشت فوق است.

۸ پایبند نبودن یهود و نصارا به تعهدات خویش نسبت به مسلمانان ، فلسفه حرمت ایجاد روابط با آنان

لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

۱۷ دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان ، ظلم و موجب محرومیت از هدایت الهی

و من یتولهم منکم فانه منهم إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۳،۱۴،۲۰،۲۳

۱۳ داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام ، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر ( ص ) با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

یقولون نخشی ان تصیبنا دائره

۱۴ مصلحت اندیشی و ترس از پیشامد های ناگوار ، بهانه بیماردلان برای دوستی با یهود و نصارا

یقولون نخشی ان تصیبنا دائره

<دائره> از مصدر <دوران> (چرخیدن) است ; که در برداشت فوق به معنای حادثه های ناگوار گرفته شده ; چون چرخش روزگار احیاناً موجب کمبودهایی نظیر قحطی، خشکسالی و دیگر حوادث تلخ می شود.

۲۰ پشیمانی ، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

یسرعون فیهم . .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

۲۳ نزول عذاب الهی بر دشمنان دین ، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دلبستگی به یهود و نصارا

او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

برداشت فوق بر این احتمال است که مراد از <امر>، عذاب دنیوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱،۲

سوگند مؤکد یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمـال است که <هولاء>، اشاره به یهود و نصارا بوده و مخاطب در <لمعکم> همان بیماردلانی باشـند که پیونـد ولاـیی با یهود و نصارا داشـتند. کلمه <جهـد> مفعول مطلق برای <اقسـموا> می باشـد ; یعنی سوگنـد یاد کردند در بالاترین درجه سوگند.

۲ ناتوانی یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

لحن ملامت بار جمله <اهولاء . ..> حکایت از آن دارد که یهود و نصارا در عصـر پیامبر(ص)، رسوا شده و به ذلت افتادند ; بگونه ای که نتوانستند به تعهد خویش با مسلمانان سست ایمان پایبند بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴،۵،۱۱

۴ پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا ، ارتداد و بازگشت از دین است .

و من یتولهم منکم فانه منهم . .. یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود از مصادیق مورد نظر برای مرتدان، مسلمانانی هستند که علی رغم نهی خداوند با یهود و نصارا ارتباط دوستی و ولایی برقرار می کنند.

۵ ارتداد برخی مسلمانان صدر اسلام ، با پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

۱۱ دوستی با کافران ( یهود و نصارا و . . . ) ، ناسازگار

با عشق به خداوند

و من يتولهم منكم . .. فسوف يأتى اللّه بقوم يحبهم و يحبونه

با توجه به ارتباط آيه مورد بحث با آيات گذشته، معلوم مى شود كه توصيف مؤمنان واقعى به ويژگيهاى ياد شده براى اشاره به اين حقيقت است كه مدعيان اسلام در صورت گرايش به كافران (من يتولهم منكم) نمى توانند آن ويژگيها و از جمله محبت و عشق به خدا را دارا باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۱،۳،۶

۱ - منافقان ، داراى روابط دوستانه با يهوديان

ألم تر إلى الذين تولّوا قومًا غضب اللّه عليهم

<تولّى> (مصدر <تولّوا>) به معناى دوست گرفتن است و مراد از <قومى كه خدا بر آنان غضب كرده است>، قوم يهود مى باشد.

۳ - روابط دوستانه منافقان با يهود ، از نشانه هاى روشن و قابل توجه نفاق آنان

ألم تر إلى الذين تولّوا قومًا غضب اللّه عليهم

۶ - منافقان ، عناصرى بيگانه ، هم با مسلمانان به رغم ادعاى مسلمانى و هم با يهوديان به رغم برقرار كردن روابط دوستى با آنان

ما هم منكم و لا منهم

دوستى مسلمانان صدراسلام با يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۴

۴ - روابط دوستانه برخى از مسلمانان صدراسلام با يهوديان

يأيّها الذين ءامنوا لاتتولّوا قومًا غضب اللّه عليهم

چنان که در بعضی شأن نزول ها آمده است، آیه شریفه ناظر به جریان خارجی می باشد.

دوستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۶

یهود و نصارا ، تنها با یکدیگر و همکیشان خویش روابط دوستی داشته و به آن وفادار هستند .

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

چون جمله <بعضهم أولیاء بعض> به منزله دلیل برای جمله <لاتتخذوا . ..> است، معنای حصر از آن استفاده می شود.

دین سازی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۵،۶،۸،۹

۵ - گروهی از عالمان یهود ، افکار تحریر یافته خویش را حقایقی ( معارف ، احکام و . . . ) از جانب خدا قلمداد نموده ، به مردم ارائه می کردند .

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عند اللّه

<بأیدیهم> (با دستهای خود)، تأکید بر این است که عالمان یهود آنچه را به عنوان کتاب الهی می نوشتند، ساخته و پرداخته خود آنان بود، همانند جمله های <یقولون بأفواههم> و <نظرته بعینی . ..> و ... .

۶ - دستیابی به متاع های دنیوی ( مال ، ریاست ، وجاهت و . . . ) هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب آسمانی

لیشتروا به ثمناً قلیلا

۸ - گروهی از عالمان یهود ، مردمانی بدعتگذار و دین ساز بودند .

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم

۹ - عالمان بدعتگذار و دین ساز یهود ، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

فویل للذین یکتبون الکتب . .. فویل لهم مما کتبت أیدیهم

دین فروشی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۴

۳۴ خداوند بر حذر دارنده عالمان یهود از

دین فروشی و سوداگری با آیات الهی

و لاتشتروا بایتی ثمناً قلیلا

دین فروشی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۵

۱۵ نادیده گرفتن آیات بیانگر حقّانیّت قرآن و پیامبر ( ص ) در تورات از سوی علمای یهود ، به خاطر متاع اندک دنیا

انّ من اهل الکتب لمن . .. لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلا

تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۶

۶ - آیین یهود ، نصارا و صابئان ، از ادیان الهی و آسمانی است .

إن الذین ءامنوا . .. و الصبئین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۴،۵

۴ سهولت شریعت عیسی ( ع ) ، در مقایسه با شریعت موسی ( ع )

و لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم

۵ وعده عیسی ( ع ) به بنی اسرائیل ، دربرداشتن حرمت برخی از محرمات شریعت موسی ( ع )

و لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۴ – ۸

۸ اهمیّت ویژه آیین موسی و عیسی و کتاب نازل شده بر آنها ( تورات و انجیل )

و ما اُوتی موسی و عیسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۰ – ۱۹

۱۹ اسلام ، برترین

آیین در میان سایر ادیان ( دین یهود و نصارا ) برای سعادت بشر

و لو أمن من اهل الکتب لکان خیراً لهم

بنابر اینکه <خیر> برای تفضیل باشد و مُفضّل علیه، آیین خود اهل کتاب و مفضّل، اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۴

۲۴ یهودیان ، مسیحیان و مسلمانان ، هر کدام دارای آیین و شریعتی خاص

لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجاً

با توجه به آیات گذشته که درباره یهودیان، مسیحیان و مسلمانان سخن داشت، می توان گفت خطاب در <منکم> متوجه همه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۳

۳ آیین یهود ، نصارا و صابئین ، از ادیان رسمی و الهی

إنّ الذین ءامنوا و الذین هادوا و الصبئون و النصری . .. فلاخوف علیهم

درباره آیین صابئیها نظرات مختلفی بیان شده است، علامه طباطبایی در تفسیر <المیزان> پس از اشاره به اقوالی گوناگون تأیید می کند که آیین صابئی آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیه بوده است.

ذلت دنیوی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۹،۲۰،۲۳

۱۹ - سزای یهودیانی که پیمان های الهی را نقض کردند ، خواری و خفت در دنیاست .

إذ أخذنا میثقکم . .. فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

<ذلک> اشاره به همه کارهایی است که آیه شریفه از یهودیان نقل کرد و آنها را ناپسند شمرد; از جمله: پایبند نبودن به

۲۰ – گرفتار شدن

به خواری و ذلت در دنیا ، سزای یهودیانی است که همدیگر را کشتند و همکیشان خو را از دیارشان بیرون راندند .

تقتلون أنفسکم . .. فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

۲۳ – سزای یهودیانی که کتاب آسمانی را تبعیض کردند ( به برخی از تورات عمل کرده و برخی را وانهادند ) ، خفت و خواری در دنیاست .

أفتؤمنون ببعض . .. فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلّا خزی فی الحیوه الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۴۲،۴۵

۴۲ خواری و رسوایی در دنیاو عذاب بزرگ آخرت ، کیفر منافقان و یهودیان شتابگر در کفر

من الذین قالوا ءامنا بافواههم . .. لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

۴۵ پیشتازی در کفر ، تحریفگری ، دروغپردازی و جاسوسی ، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر . .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

ذلت یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۰ – ۲۰

۲۰ – یهودیان منکر رسالت پیامبر ( ص ) ، از زمره کافرانند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۵

۱۳ برتری پیروان حضرت عیسی ( ع ) بر یهودیان تا روز قیامت

و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱،۲،۳،۴،۹،۲۱

۱ ذلّتِ همیشگی اهل کتاب ( یهود ) ، سرنوشت محتوم آنان

ضُربت علیهم الذّلّه أین ما ثقفوا

۲ به ذلّت کشانیدن اهل کتاب ( یهود ) در هر زمان و مکان ، وظیفه اهل ایمان

ضُربت علیهم الذّلّه أین ما ثقفوا

بنابر اینکه جمله <ضربت علیهم . .. >، به قرینه استثنای <الّا بحبل ... > و جمله <این ما ثقفوا>، تعیین وظیفه باشد، و نه اِخبار از یک امر خارجی.

۳ رهایی اهل کتاب ( یهود ) از ذلّت ، در گرو رابطه با خدا یا وابستگی به دیگر مردمان

ضُربت علیهم الذّلّه . .. إلّا بحبل من اللّه و حبل من الناس

جمله <حبل من الناس>، بنابر احتمالی وابسته شدن به مردمان و عدم استقلال معنا شده است.

۴ اهل کتاب ( یهود ) ، همواره مبتلا به ذلت یا وابستگی و عدم استقلال

ضُربت علیهم الذّلّه . .. الّا بحبل من اللّه و حبل من الناس

۹ درماندگی و ناتوانی شدید اهل کتاب ( یهود ) ، سرنوشت محتوم آنان

و ضربت علیهم المسکنه

۲۱ تقویت روحیه اهل ایمان ، با بیان وضعیّت نکبت بار و ننگین اهل کتاب ( یهود )

و إن یقتلوکم . .. ثمّ لا ینصرون. ضربت علیهم الذّلّه أین ما ثقفوا الّا بحبل من ال

بیان ذلّت و مسکنت یهود، پس از اشاره به ستیزه جویی آنان، می تواند برای تقویت روحیه اهل

ایمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۳

۳ یهود و نصارا در عصر پیامبر ( ص ) ، شوکت خویش را از دست دادند و به ذلت و خواری کشیده شدند .

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۳

۳ ذلت و خواری یهودیان با مسلط ساختن مردمی بر آنان ، پرتوی از ربوبیت خدا بر پیامبر ( ص ) و در راستای تقویت و گسترش آیین وی

و إذ تأذن ربک

برداشت فوق از کلمه <رب> و اضافه شدن آن به ضمیری که برای خطاب به پیامبر(ص) به کار رفته، استفاده شده است.

ذلت یهود متخلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱۰

۱۰ تقدیر الهی بر ذلت یهودیان متمرد ، امری عبرت آموز و شایان به یاد داشتن

و إذ تأذن ربک لیبعثن

برداشت فوق با توجه به فعل مقدّر <أذکر> استفاده شده است ; یعنی: <أذکر إذ تأذن ربک . .. .>

رباخواری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱،۲،۹،۱۰

۱ حرمت رباخواری بر یهود

و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه

۲ یهود مردمی رباخوار علی رغم آگاهی به حرمت آن

و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه

۹ رباخواری و تصرف نابحق یهودیان در اموال مردم ، موجب تحریم برخی از حلال های پاکیزه بر ایشان

حرّمنا علیهم . .. و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه

و أكلهم أمول الناس

۱۰ رباخواری و حرامخواری یهودیان ، موجب محرومیت آنان از برخی طیبات *

فبظلم من الذین هادوا و حرّمنا علیهم الطیبت . .. و أكلهم أمول الناس بالبطل

بدان احتمال که مراد از تحریم، تحریم تکوینی باشد.

رذایل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۴،۵

۴ یهودیان با اسباب غیر مشروع و باطل اموال دیگران را تصاحب می کردند .

و أكلهم أمول الناس بالبطل

کلمه <باء> در <بالبطل> سببیه است و مراد از <اموال الناس> می تواند ثروتهای متعلق به جامعه همانند معادن، جنگلها و . .. باشد و می تواند مقصود از آن داراییهای شخصی دیگران باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است گفتنی است مراد از <اكل> خصوص خوردن نیست بلکه هر نوع تصرفی منظور است.

۵ یهودیان با اسباب باطل و غیر مشروع اموال عمومی و متعلق به جامعه را تصاحب می کردند .

و أكلهم أمول الناس بالبطل

بدان احتمال که مراد از <اموال الناس> اموال عمومی که متعلق به همه مردم است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۸

۸ خواسته های نابجا ، اعمال ناروا و رذایل اخلاقی یهود ، نشأت گرفته از جهل آنان و ناباوری ایشان نسبت به تعالیم دین

یسئلك أهل الكتب . .. لكن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون

توصیف صالحان یهود با عنوان عالمان ژرفنگر و مؤمنان واقعی، بیانگر این حقیقت است که جهل و ناباوری به تعالیم انبیا مایه گرایش عامه یهود به اعمال ناروا و رذایل اخلاقی بوده است.

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۷

۷ - کافران به اسلام ( یهودیان ، مسیحیان ، مجوسیان و مشرکان ) ، شرورترین مردم و بدترین مخلوقات اند .

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین . .. أُولئک هم شرّ البریّه

<بریّه> (فعیله به معنای مفعوله) با کلمه <بری> (به وزن <عصا>; یعنی، خاک) هم خانواده است و تمام خاکیان، از جمله بشر را شامل می شود (مصباح و مفردات). برخی گفته اند: این کلمه با فعل <بَرَءَ> (به معنای <خَلَقَ>) هم خانواده است و بر تمام مخلوقات تطبیق می کند.

رشوه خواری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲،۵

۲ عالمان یهود در عصر پیامبر ( ص ) گوش سپارنده به شایعات دروغین و راغب به حرمخواری و رشوه گیری

سمعون لقوم ءاخرین . .. سمعون للکذب اکلون للسحت

برداشت فوق بر این مبناست که دو صفت یاد شده درباره عالمان یهود باشد. توصیف عوام یهود در آیه قبل به <سمعون للکذب>، این مبنا را تأیید می کند، و <سحت> به معنای مال حرام است و از مصادیق مورد نظر آن، به مناسبت مورد، رشوه می باشد.

۵ رشوه خواری عالمان کفرپیشه یهود برای پذیرش و تأیید دروغپردازی های رشوه دهندگان

لقوم ءاخرین . .. سمعون للکذب اکلون للسحت

ذکر رشوه خواری عالمان یهود پس از توصیف آنان به دروغ پذیری، بیانگر آن است که آنان برای پذیرش و تأیید دروغهای بافته شده توسط گروهی از یهودیان رشوه می گرفتند.

رشوه خواری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲۲

۲۲ حرامخواری حاکمان یهود ، به صورت رشوه

اکلون للسحت

از رسول خدا(ص) روایت شده: رشوه الحکام حرام و هی السحت الذی ذکر اللّه فی کتابه.

---

الدر المنثور، ج ۳، ص ۸۱.

روزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۵

۲۵ بهره مندی یهود و نصارا از نعمت های بیکران خداوند ، در گرو برپا داشتن حکومت و ولایت الهی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل . .. لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: الولایه.

---

کافی، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۰، ح ۴۸۵.

روش احتجاج با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۱

۱ - رهنمود الهی به پیامبر ( ص ) ، در احتجاج با یهودیان

قل یأیّها الذین هادوا

روش برخورد با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ لزوم هشیاری جامعه ایمانی در مقابل تلاش برای گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الی الذین . .. ان تضلوا السبیل

هدف از بیان تصمیم عالمان یهود، هشیار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پیگیر آن عالمان برای گمراه ساختن جامعه ایمانی است.

روش برخورد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۶،۷،۸،۱۴

۶ بی اعتنایی و پشت گوش انداختن گفته های یهود ، اتهام آن به پیامبر ( ص )

من الذین هادوا . .. یقولون ...

واسمع غیر مسمع

بر این مبنا که <غیر مسمع> اخبار باشد، نه نفرین. و جمله <اسمع غیر مسمع> بدین معناست: ای پیامبر سخنان ما را بشنو، اگر چه تاکنون نسبت به گفته ها و سخنان ما ناشنوا بودی و اعتنایی بدانها نداشتی.

۷ درک ننمودن گفته های یهود ، تهمت آنان به پیامبر ( ص )

واسمع غیر مسمع

برداشت فوق بر این مبناست که شنیدن به معنای درک کردن باشد. یعنی درک کن و بفهم آنچه را ما می گوییم ; اگر چه تاکنون سخنان ما را درک نکردی و نفهمیدی.

۸ توهین و نفرین برخی از یهودیان به پیامبر ( ص ) در ضمن سخن با آن حضرت

من الذین هادوا . .. واسمع غیر مسمع

<غیر مسمع> در برداشت فوق به معنای انشایی آن گرفته شده است. و مفهوم آن چنین است: خدا تو را کر و ناشنوا قرار دهد. و یا: خدا تو را نفهم گرداند.

۱۴ به کارگیری کلمات دو پهلو و چند معنی ، شیوه برخی از یهودیان برای استهزای پیامبر ( ص ) و طعن بر اسلام

واسمع غیر مسمع . .. راعنا لیّاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

کلمه <مسمع>، از مصدر اسماع، دارای دو معنای متضاد است: یکی شنیدن و فهمیدن و دیگری دشنام دادن و ناسزا گفتن. و جمله راعنا با اندکی انحراف زبان می تواند معنای <چوبان ما> را به ذهن شنونده القا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۷

۷ معرفی پیامبر ( ص ) به عنوان عامل شرور ، از روش های ایذایی و تبلیغی منافقان و یهود

علیه آن حضرت

ان تصبهم سیّئه یقولوا هذه من عندک

برخی از مفسران با توجّه به شأن نزول آیه گفته اند که مقصود از ضمیر <تصبهم>، منافقین و یهودیان هستند که حوادثی چون قحطی و خشکسالی را به پیامبر (ص) منتسب می کردند و از این راه علیه او تبلیغ می کردند.

روش تبلیغ علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۱

۱۱ عالمان یهود برخی از حقایق تورات را برای مردم بیان می کردند و بسیاری از حقایق آن را از مردم پنهان می ساختند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

روش مبارزه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۳،۱۷

۱۳ - یهودیان برای مبارزه با پیامبر ( ص ) علاوه بر انکار بشارت های تورات ، از سحر و جادو مدد می گرفتند .

نبذ فریق . .. کتب اللّه وراء ظهورهم ... واتبعوا ما تتلوا الشیطین

در آیه قبل گذشت که جمله <نبذ فریق> پس از <لما جاءهم> می رساند که: یهود به خاطر اینکه بتوانند رسالت پیامبر(ص) را انکار کنند بشارتهای تورات را درباره آن حضرت، نادیده گرفتند. عطف جمله <اتبعوا ...> بر <نبذ فریق> نیز اقتضا می کند که دنبال کردن سحر به همین منظور بوده است.

۱۷ - یهودیان ، تعالیم هاروت و ماروت را دنبال کرده و آنها را در جهت مبارزه با پیامبر به کار گرفتند .

اتبعوا ما تتلوا . .. و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

<ما أنزل> عطف بر <ما تتلوا . ..> است; یعنی: اتبعوا ما تتلوا

الشياطين و اتبعوا ما أنزل على الملكين.

رهبران يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۵۲

۵۲ پیشوایان یهود ( ربانیون ) ، دارای جایگاهی پایینتر از انبیا و منزلتی برتر از علمای یهود ( احبار )

یحکم بها النبیون . .. للذین هادوا و الربنیون و الاحبار

از امام صادق(ع) روایت شده که آن حضرت پس از تلاوت آیه فوق فرمود: فهذه الائمه دون الانبیاء الذین یربون الناس بعلمهم و اما الاحبار فهم العلماء دون الربانیین . .. .

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۱۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۳۴، ح ۲۰۶.

ریاست طلبی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۶

۶ - دستیابی به متاع های دنیوی ( مال ، ریاست ، وجاهت و . . . ) هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب آسمانی

لیشتروا به ثمناً قلیلا

زکات در دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۰

۲۰ زکات از واجبات الهی در آیین یهود

و یؤتون الزکوه

زمینه بغض در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۲

۲۲ کفر و طغیان یهود ، زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و لیزیدن کثیراً منهم . .. طغیناً و کفراً و القینا بینهم العدوه و البغضاء

زمینه توجیه گری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶

۶ - ناتوانی مسلمانان از احتجاج علیه یهود در پیشگاه خدا ، توجیه عالمان یهود برای بازداری مردم خویش از بازگویی و نشر صفات پیامبر موعود

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

زمینه دشمنی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۲

۲۲ کفر و طغیان یهود ، زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و لیزیدن کثیراً منهم . .. طغیناً و کفراً و القینا بینهم العدوه و البغضاء

زمینه دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۴

۴ سستی ایمان زمینه گرایش به یهود و نصارا و طرح دوستی با آنان

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

مراد از بیماردلان، کسانی هستند که نسبت به حقانیت پیامبر(ص) و یا برخی از معارف دین در شک بوده و ایمانی ضعیف دارند.

زمینه طغیان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ معارف نازل شده بر پیامبر ( ص ) ، موجب افزایش طغیانگری و کفرورزی بسیاری از یهودیان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

زمینه علاقه به یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۲ – ۴

۴ سستی ایمان زمینه گرایش به یهود و نصارا و طرح دوستی با آنان

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

مراد از بیماردلان، کسانی هستند که نسبت به حقانیت پیامبر(ص) و یا برخی از معارف دین در شک بوده

و ایمانی ضعیف دارند.

زمینه کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ معارف نازل شده بر پیامبر ( ص ) ، موجب افزایش طغیانگری و کفرورزی بسیاری از یهودیان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۸

۸ - اهل کتاب ( یهود و نصارا ) ، در صورت توطئه علیه اسلام و مسلمانان ، در زمره کافران اند .

الذین کفروا من أهل الکتب

زمینه گمراهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ - عالمان تحریفگر و بدعتگذار یهود ، زمینه سازان گمراهی مردم خویش

ثم یقولون هذا من عند اللّه لیشتروا به ثمناً قلیلا

زمینه گناه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۸

۸ یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا ، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند
.

يأخذون عرض هذا الأدنی و يقولون سيغفر لنا

زندگی دنيوی يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ - زندگانی در دنيا و داشتن عمری طولانی ، نجاتبخش يهود از عذاب اخروی نيست .

و ما هو بمزحزحه من العذاب أن يعمر

<أن يعمر> بدل برای <هو> و يا فاعل برای <مزحزح> است. مآل هر دو به يک معناست; معنای جمله <ما هو ...> چنين است:

یهودیان ]بر فرض اینکه عمری هزار ساله داده شوند [آن عمر طولانی، ایشان را از عذاب رها نخواهد ساخت.

زندگی سخت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱،۲،۶

۱ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدّر ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحیط). <بعث> (مصدر <لیبعثن>) به معنای فرستادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. <سَوْم> (مصدر <یسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

۲ خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرد به زندگی زجرآور و تحت شکنجه دیگران ، به همگان اعلام کرد .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

۶ مسلط ساختن مردمی شکنجه گر بر یهود ، نمودی از کیفر سریع خداوند برای متمردان و فاسقان ستم پیشه

لیبعثن علیهم . .. إن ربک لسریع العقاب

زهد علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۱

۳۱ احبار و ربانیون ، عالمانی خداترس ، بی طمع و دل بریده از دنیا

الربنیون و الاحبار . .. فلاتخشوا الناس و اخشون

زیانکاری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۶

۴۶ - یهودیان ، ناآگاه به سودای زیانبار خویش ( از دست دادن آخرت و دستیابی به منافع

سحر )

لبئس ماشروا به أنفسهم لو كانوا يعلمون

مفعول <یعلمون> - به دلیل قبل - زیانباری فروختن مواهب آخرت در مقابل منافع دنیوی است; یعنی، ای کاش! می دانستند که این داد و ستد برای آنان زیانبار است.

ساختار اجتماعی یهود صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۳

۳ یهود و نصارا ، در عصر پیامبر ( ص ) به گروههایی با گرایش های مختلف ، تقسیم شده بودند .

والذین ءاتینهم الکتب یفرحون . .. و من الأحزاب من ینکر بعضه

<حزب> چنان چه از<لسان العرب> استفاده می شود به مردمی که دارای اندیشه و رفتاری مشابهند گفته می شود. <ال> در <الأحزاب> عهد ذکری و اشاره به <الذین ...> (یهود و نصارا) دارد. بنابراین آنان در عصر بعثت به چند حزب که هر یک عقاید و گرایشهای متفاوتی داشتند، تقسیم شده بودند.

سختی تکالیف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۲

۲- تنها یهود از میان سایر امت ها ، موظف به انجام تکالیفی فزون تر و دشوارتر بودند .

و علی الذین هادوا حرّمنا

جار و مجرور <علی الذین> متعلق به فعل <حرّمنا> است و تقدیم آن بر فعل مفید حصر است.

سرزش علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ نکوهش اهل کتاب ( علمای یهود ) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الی الّذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون

جمله <الم تر . .. > دارای

لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

سرزنش احترام به علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۲

۲ توبیخ یهود و نصارا از سوی خدا ، به خاطر ارج نهادن به پیشوایان دینی خود ( احبار و راهبان ) تا حد پروردگاری

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون اللّه

سرزنش علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۴

۴ ربانیون و احبار ( عالمان یهود و نصارا ) مورد توبیخ خداوند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

مراد از <ربانیون> عالمان نصارا هستند و <احبار> به دانشمندان یهود، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۲

۲ - نکوهش شدید عالمان یهود ، از سوی خداوند

مثل الذین حمّلوا التوریه ثمّ لم یحملوها کمثل الحمار یحمل أسفارًا

سرزنش یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۳

۳ - یهود مورد توبیخ و سرزنش خداوند ، به خاطر محدود پنداشتن علم و آگاهی او

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۳

۳ - یهود ، مورد توبیخ و سرزنش خداوند به جهت عهدشکنی و نقض پیمان های الهی

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم

استفهام در <أو کلما .

..> انکار توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۳

۳ سرزنش اهل کتاب ( علمای یهود و نصارا ) به خاطر محاجّه و انتساب ناآگاهانه ابراهیم ( ع ) به یهودیّت و نصرانیّت

فلم تحاجّون فیما لیس لکم به علم

آنچه یهودیان و نصارا بدان علم نداشتند و درباره آن احتجاج می کردند، انتساب ابراهیم به یهودیت و نصرانیت بوده و لذا به خاطر آن، سرزنش شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۴

۲۴ سرزنش یهود از سوی خداوند به جهت بهانه جویی و ادعا های واهی

الّذین قالوا انّ اللّه . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۵

۵ یهود ، مورد سرزنش خداوند به خاطر نسبت های ناروا به خداوند

انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۳

۳اگر یهودیان در حکومت بر هستی نقشی داشتند ، هیچ پشیزی به مردم نمی دادند .

ام لهم نصیب من الملک فاذاً لا یؤتون النّاس نقیراً

کلمه <نقیراً> به معنای چیزی است که پرنده ای با منقار خویش برمی گیرد و کنایه از چیز حقیر و اندک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۸

۸ یهودیان و مسیحیان دلگرم به یاری و همگامی مسلمانان سست ایمان ، مورد ملامت مؤمنان پس از پیروزی

و

يقول الذين ءامنوا اهولاء الذين اقسموا . .. انهم لمعكم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۳۰ – ۱۰

۱۰ توبيخ يهود و نصارا از جانب خداوند ، به خاطر ادعای دروغين فرزند بودن عزير و مسيح برای خدا

و قالت اليهود عزير ابن اللّه . .. أنی يؤفكون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۳۱ – ۲

۲ توبيخ يهود و نصارا از سوی خدا ، به خاطر ارج نهادن به پيشوايان دينی خود ( احبار و راهبان ) تا حد پروردگاری

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – حديد – ۵۷ – ۱۶ – ۱۲

۱۲ – يهود و نصارا مورد نكوهش خداوند ، به خاطر بی تفاوتی شان در برابر تذكار ها و رهنمود های تورات و انجيل

و لايكونوا كالذين أُوتوا الكتب من قبل

مراد از <الذين اُوتوا الكتاب> پيروان موسی(ع) و عيسی(ع) است. برداشت ياد شده با توجه به اين نكته است كه خداوند، به مسلمانان هشدار می دهد كه مبادا مانند يهود و نصارا شوند.

سرزنشهای يهود دوران مريم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – مريم – ۱۹ – ۲۸ – ۱

۱– قوم مريم با بيان عفت و پاكدامنی پدر و مادر وی ، او را در فرزندار شدنِ بدون ازدواج سرزنش كردند .

ما كان أبوك امرأ سوء و ما كانت أُمّك بغيًّا

سرنوشت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱،۹

۱

ذلّتِ همیشگی اهل کتاب ( یهود ) ، سرنوشت محتوم آنان

ضُربت علیهم الذّلّه أین ما ثقفوا

۹ درماندگی و ناتوانی شدید اهل کتاب ( یهود ) ، سرنوشت محتوم آنان

و ضربت علیهم المسکنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱

۱ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدّر ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحیط). <بعث> (مصدر <لیبعثن>) به معنای فرستادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. <سَوْم> (مصدر <یسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

سکوت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۴،۱۰

۴ ربانیون و احبار ( عالمان یهود و نصارا ) مورد توبیخ خداوند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

مراد از <ربانیون> عالمان نصارا هستند و <احبار> به دانشمندان یهود، گفته می شود.

۱۰ سکوت عالمان یهود و نصارا در برابر منکرات جامعه خویش ، بسیار زشت و ناپسند

لبئس ما کانوا یصنعون

ظاهراً مراد از ضمیر در <کانوا> و <یصنعون>، <ربانیون> و <احبار> می باشد نه توده اهل کتاب ; قابل ذکر است که

در برداشت فوق مراد از <ما>ی موصوله، سکوت عالمان اهل کتاب در برابر گناهان دانسته شده است.

سوء استفاده

علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۶

۱۶ - سوء استفاده عالمان یهود ، از ضعف بینش های دینی و اعتقادی مردم خویش

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

سوگند یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱

۱ سوگند مؤکد یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <هولاء>، اشاره به یهود و نصارا بوده و مخاطب در <لمعکم> همان بیماردلانی باشند که پیوند ولایی با یهود و نصارا داشتند. کلمه <جهد> مفعول مطلق برای <اقسموا> می باشد ; یعنی سوگند یاد کردند در بالاترین درجه سوگند.

شایعه سازی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۷

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر ( ص ) از اندوه بر کفرورزی آنان

لایحزنك الذین یسرعون . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

شبهه افکنی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۶

۱۶ - < و قیل کتابتهم بأیدیهم انهم عمدوا إلی التوراه و حرفوا صفه النبی ( ص ) لیوقعوا الشک بذلک للمستضعفین من الیهود و هو المروی عن ابی جعفر ( ع ) . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که: <علمای یهود به سراغ تورات رفتند و اوصاف

حضرت محمد(ص) را در آن تغییر دادند تا به این وسیله در دل مستضعفان فکری یهود، شک ایجاد کنند>.

شبهه افکنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن ، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من ءایه . .. أم تریدون أن تسئلوا رسولکم ... ودّ کثیر من أهل الکتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان رادر ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

شجاعت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۳

۳۳ پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگو های خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون . .. فلاتخشوا الناس و اخشون

شخصیت مریم(س) در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۹

۹- مریم ( س ) و خاندان او ، افرادی سرشناس در بین مردم عصر خویش

یأخت هرون ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أُمّک بغیًّا

شخصیت نیاکان مریم(س) در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ – مريم – ١٩ – ٢٨ – ٩

٩- مريم

( س ) و خاندان او ، افرادی سرشناس در بین مردم عصر خویش

یأخت هرون ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أُمّک بغیًّا

شرارت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۷

۷ - کافران به اسلام ( یهودیان ، مسیحیان ، مجوسیان و مشرکان ) ، شرورترین مردم و بدترین مخلوقات اند .

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین . .. أُولئک هم شرّ البریّه

<بریّه> (فعیله به معنای مفعوله) با کلمه <بری> (به وزن <عصا>; یعنی، خاک) هم خانواده است و تمام خاکیان، از جمله بشر را شامل می شود (مصباح و مفردات). برخی گفته اند: این کلمه با فعل <بَرَءَ> (به معنای <خَلَقَ>) هم خانواده است و بر تمام مخلوقات تطبیق می کند.

شرایط رستگاری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۴

۲۴ رستگاری همگان ، حتی یهود و نصارا ، در گرو ایمان به پیامبر ( ص ) ، دفاع از او در مقابل دشمنان و تقویت وی در پیشبرد رسالت است .

فالذین ءامنوا و عزّروه و نصروه . .. أولئک هم المفلحون

<تعزیر> به معنای یاری کردن با شمشیر است. بنابراین <الذین ... عزّروه> کسانی هستند که از پیامبر در مقابل هجوم دشمنان دفاع می کنند. <نصر> به معنای مطلق یاری کردن است، ولی چون <نصروه> در مقابل <عزّروه> قرار گرفته، مراد از آن یاری دادن در غیر مسائل دفاعی است.

شرایط رضایت یهود از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۴ - ۱۲۰

۴ - خشنودی و رضایت یهود از پیامبر ( ص ) ، در گرو پیروی او از آیی یهودیت بود .

و لن ترضی عنك الیهود . .. حتی تتبع ملتهم

<مله> به معنای دین و آیین است.

شرایط هدایت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا ، تا آن گاه که به قرآن و تمامی پیامبران و همه کتاب های آسمانی ایمان نیاوردند ، هدایت یافته نیستند .

فإن ءامنوا بمثل ما ءامنتم به فقد اهتدوا

مراد از ضمیر فاعلی در <ءامنوا> و <اهتدوا>، به دلیل آیه ۱۳۵، یهود و نصارا هستند.

شرک ربوبی یهود دوران عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۳

۳ - یهودیان در عصر عیسی ( ع ) ، گرفتار شرک در ربوبیت و دور ماندن از پرستش پروردگار یگانه

إنّ اللّه هو ربّی و ربّکم فاعبدوه

از تأکید عیسی(ع) بر ربوبیت الهی، مطلب بالا استفاده می شود.

شرک عبادی یهود دوران عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۳

۳ - یهودیان در عصر عیسی ( ع ) ، گرفتار شرک در ربوبیت و دور ماندن از پرستش پروردگار یگانه

إنّ اللّه هو ربّی و ربّكم فاعبدوه

از تأكید عیسی(ع) بر ربوبیت الهی، مطلب بالا استفاده می شود.

شرك علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۴

۴ شرك برخی از اهل كتاب ( علمای یهود ) ، علی رغم

بهره مندی آنان از کتاب های آسمانی

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

جمله <اوتوا نصیباً . .. > می تواند اشاره به علّت سرزنش و اعتراضی باشد که از جمله <الم تر ... > به دست می آید. یعنی چگونه است که از کتاب خداوند بهره مند هستند، ولی کافر و مشرک می شوند.

شرک یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۸

۸ یهود و نصارا ، منحرف از حق ، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من المشرکین

بنابراینکه جمله <و لکن کان . .. >، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۶

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر ( ص ) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

یؤمنون بالجبت و الطاغوت . .. ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ یهود و نصارا ، مردمانی شرک پیشه

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون اللّه . .. سبحنه عما یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ یهود و نصارا ، مردمانی شرك پیشه

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً . .. و لو كره المشركون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۶ – ۹

گروه هایی از یهود و نصارا دارای گرایشهایی شرک آلود بودند .

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أُمرت أن أعبد الله و لا أُشرک به

چون جمله <قل إنما أُمرت . ..> که حاکی از توحید و یکتاپرستی است در پاسخ گروه هایی از یهود و نصارا قرار گرفته است ، معلوم می شود این گروه ها به پرستش غیر خدا و شرک در عبادت روی آورده بودند.

شکست یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۷

۷ خبر غیبی قرآن از شکست قریب الوقوع یهود عصر پیامبر ( ص )

قل للّذین کفروا ستغلبون

بنابراینکه منظور از <للّذین کفروا>، یهودیان باشند; چنانچه در شأن نزول آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۱،۱۴

۱۱ وعده خداوند به عیسی ( ع ) در مورد غلبه پیروان راستین آن حضرت بر کافران ( یهودیان ) تا قیامت

و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیمه

۱۴ پیروزی مسلمانان بر یهود *

و جاعل الذین اتبعوک

احتمالا مراد از پیروان عیسی (ع)، پیروان راستین آن حضرت است که قهراً منطبق بر مسلمانان می شود; چون عیسی (ع)، بنی اسرائیل را موظف به پیروی از پیامبر اسلام (ص) کرده یود. و مراد از <الذین کفروا>، یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۴،۷

۴ شکست و فرار ، فرجّام رویارویی و نبرد اهل کتاب ( یهود ) با مسلمانان

و إن يقتلوكم يولّوكم الادبار

اهل کتاب ( یهود زمان پیامبر ( ص ) ) ، آغازگر پیکاری که فرجامش جز شکست و فرار برای آنان نخواهد بود .

و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار

چون نسبت قتال به اهل کتاب داده شده، معلوم می شود که آنان آغازگر پیکار خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۸

۸ بشارت الهی در مورد ناکامی یهود و کافران در مبارزه مشترک علیه مسلمانان

الم تر الی الذین اوتوا الکتب . .. و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۸

۱۸ ناکامی یهود و نصارا در بهره گیری از روابط دوستانه خویش با مسلمانان سست ایمان

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

در برداشت فوق <هولاء> اشاره به بیماردلان مسلمان و خطاب در <معکم> متوجه یهود و نصارا دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۹،۳۳

۲۹ ناکامی همواره یهود در آتش افروزی های خویش علیه مسلمانان

کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

۳۳ ناکامی یهود در جنگ افروزی های خود علیه مسلمانان ، نمود ناتوانی آنان بر اثر نفرین خداوند

غلت ایدیهم . .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <کلما اوقدوا . ..> بیان نتیجه ای برای <غلت ایدیهم> باشد.

شکست یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث

از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه ، شکست خوردند .

و قذف فی قلوبهم الرعب فریقًا تقتلون و تأسرون فریقًا

شکنجه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۶،۹

۶ مسلط ساختن مردمی شکنجه گر بر یهود ، نمودی از کیفر سریع خداوند برای متمردان و فاسقان ستم پیشه

لیبعثن علیهم . .. إن ربک لسریع العقاب

۹ توبه و بازگشت به خدا ، راه نجات یهودیان از ذلت و بیرون آمدن از سلطه عذاب کنندگان ایشان است .

و إذ تأذن ربک لیبعثن . .. و إنه لغفور رحیم

هدف از تذکر بخشایشگری و مهربانی خداوند پس از بیان گرفتاری یهودیان به شکنجه و سلطه دیگران، این است که آنچه بر یهود از جانب خداوند مقدّر شده است، تا زمانی است که از فرمانهای الهی سرپیچی کنند.

شکنجه یهود عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱،۲

۱ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدّر ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحیط). <بعث> (مصدر <لیبعثن>) به معنای فرستادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. <سَوْم> (مصدر <یسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

۲ خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرد به زندگی زجرآور و تحت شکنجه دیگران

، به همگان اعلام کرد .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

شگفتی دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۵

۵ - برقراری دوستی میان منافقان و یهودیان ، امری بس شگفت آور

ألم تر إلی الذین تولّوا قومًا غضب اللّه علیهم

استفهام در <ألم تر> تعجبی است.

شنبه در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۹،۱۰،۱۲

۹ خداوند ، روز شنبه را به عنوان روز تعطیل رسمی یهودیان اعلام کرد .

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

چون نهی از تجاوز به روز شنبه اختصاص داده شده است و <سبت> در لغت به معنای تعطیلی و دست از کار کشیدن است، معلوم می شود مراد از تجاوز در روز شنبه این است که تعطیلی را بشکنند و رعایت نکنند، بنابراین جمله <لاتعدوا فی السبت> می رساند که تعطیلی روز شنبه فرمانی از جانب خدا برای بنی اسرائیل بوده است.

۱۰ حرمت ماهیگیری در روز شنبه بر یهود و نهی الهی از مخالفت با آن

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

مقید شدن <لاتعدوا> به <فی السبت> حکایت از آن دارد که روز شنبه دارای حکمی خاص برای یهودیان بوده است که با توجه به دیگر آیات می توان گفت مراد از آن حکم، حرمت ماهیگیری است.

۱۲ ورود خاضعانه به بیت المقدس و رعایت قانون تعطیلی روز شنبه ، از جمله پیمان های خداوند با یهود

و قلنا لهم ادخلوا . .. و أخذنا منهم ميثقاً غليظاً

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۳ – ۱،۲،۶،۹،۱۰

۱ خداوند کار و فعالیت در روز شنبه را برای یهود تحریم کرده بود .

إذ یعدون فی السبت . .. و یوم لا یسبتون

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می شود. بنابراین <یوم السبت> یعنی روز تعطیلی و استراحت و <یوم لا یسبتون> یعنی روزی که تعطیل نمی کردند و روز کاری بود. <عدوان> (مصدر یعدون) به معنی تخلف و تجاوز است. تجاوز در روز تعطیل به معنای شکستن تعطیلی است. بنابراین مطلق کار در آن روز حرام بوده و ماهیگیری به عنوان یک مصداق تحقق یافته حرمت مطرح است.

۲ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر إذ یعدون . .. إذ تأتیهم حیتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القریه>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

۶ ماهیان در روز شنبه ( روز تعطیلی کار در آیین یهود ) به ساحل دریای مجاور ایله هجوم می آوردند و بر سطح آب آشکار می گشتند .

إذ تأتیهم حیتانهم یوم سبتهم شرعاً

<شرّع> جمع شارع است. در لسان العرب آمده است: <حیتان شرع> یعنی ماهیانی که از عمق آب به سوی ساحل می آیند. برخی از اهل لغت گفته اند که <حیتان شرع> یعنی ماهیانی که سر از آب

بیرون می کنند.

۹ وفور ماهی در روز شنبه ( روز حرمت صید بر یهودیان ) ، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

کذلک نبلوهم

۱۰ وفور ماهی در روز شنبه و ظهورشان بر سطح آب ، محرّک یهودیان ایله به تعدّی از حکم خدا

إذ یعدون فی السبت إذ تأتیهم حیتانهم یوم سبتهم شرعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۲،۷

۲ اکثریت ساکنان ایله به گناه صید ماهی در روز شنبه آلوده شدند .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

تعبیر از تجاوزگران با کلمه <قوما> می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۷ شکستن حرمت تعطیلی روز شنبه گناهی بزرگ در آیین یهود و در پی دارنده عذاب شدید

اللّه مهلکهم أو معذبهم عذاباً شدیداً

شدت عذاب، حکایت از بزرگی گناه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۶

۶ یهودیان متخلف از حکم روز شنبه ( حرمت تلاش برای کسب مال و صید ماهی ) مردمانی فاسق و ظالم در پیشگاه خداوند

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس بما کانوا یفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۱،۷

۱- تعیین روز شنبه به عنوان روز تعطیلی ، تکلیفی مختص یهود

إنما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه

<سبت> از نظر ریشه لغوی به معنای <قطع> است و مقصود از آن در این آیه، تعطیلی روز شنبه برای یهود است**;** چون در روز تعطیلی تمامی کارها و تلاشها قطع می شود.

۷- اختلاف یهود درباره روز تعطیلی ، اختلافی دامنه دار و

بی فرجام

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به <سبت> برگردد. گفتنی است فعل مضارع <یختلفون> همراه با فعل <کانوا> دلالت بر استمرار و دوام مضمون آن دارد.

صالحان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۳

۳ برخی از امت های پراکنده شده یهود ، مردمی صالح و گروههایی از آنان ناصالح هستند .

منهم الصلحون و منهم دون ذلک

<دون> به معنای غیر می باشد و <ذلک> اشاره است به صالح که از <الصلحون> به دست می آید، یعنی: <منهم غیر صالحین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۱،۴

۱ یهودیانی که به تورات چنگ زنند و به محتوای آن پایبند باشند و نماز را برپا دارند ، مردمی صلاح پیشه اند .

و الذین یمسکون بالکتب . .. إنا لانضیع أجر المصلحین

تمسیک (مصدر <یمسکون>) به معنای حفظ کردن و رها ساختن است. محافظت کتاب آسمانی به این است که انسان معارف آن را باور داشته و به احکان آن پایبند باشد.

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

صفات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۴

۴ - یهود ، مردمی خودخواه ، مغرور و خودبرتربین

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۶ – ۶

۶ – یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا ، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون . .. أولئک الذین اشتروا الحیوه الدنیا بالأخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۱ – ۱۳

۱۳ – یهودیان ، مردمی نژادگرا

قالوا نؤمن بما أنزل علینا و یکفرون بما وراءه و هو الحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۲ – ۹

۹ – یهود ، مردمی ستم پیشه و ظالمند .

و أنتم ظلمون

جمله <و أنتم ظالمون> (و شما ستمکار بودید) را می توان جمله ای معترضه دانست. بر این مبنا جمله مذکور بیانگر آن است که: یهود نه تنها در مورد گوساله پرستی ستمکاری کردند، بلکه عادت و رویه آنها ستمگری بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۴ – ۳

۳ – قوم یهود ، مردمی نژادگرا و خودبرتربین

إن کانت لکم الدار الأخره . .. خالصه من دون الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۵ – ۳،۷

۳ - یهود ، مردمی گنهکار و دارای کردارهایی ناروا

و لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

مراد از <ما> در <ما قدمت أیدیهم> (آنچه را پیش فرستادند) گناهان و اعمال نارواست.

۷ - یهود ، مردمی ستم پیشه اند .

و اللّه علیم بالظلمین

از مصداقهای <الظالمین> - به قرینه صدر آیه و آیات پیشین - یهودیان می باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱،۲،۶

۱ - یهود ، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

۲ - یهود ، به هر نوع زندگی دنیوی - هر چند پست باشد - حریص و دل بسته اند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

نکره آوردن <حیاه> اشاره به این نکته دارد که: یهودیان بر صرف زنده ماندن با هر ویژگی - هر چند که پست و حقیر هم باشد - حریصند.

۶ - دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۱،۲،۷

۱ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند ; که مبادا به غیر همکیش خود اعتماد کنند .

و لا تؤمنوا الّا لمن تبع دینکم

بنابراینکه <لا تؤمنوا>، به معنای عدم اعتماد باشد; نه به معنی عدم تصدیق و باور.

۲ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند که مبادا به غیر همکیش خود ایمان بیاورند .

و لا تؤمنوا الّا لمن تبع دینکم

بنابراینکه ایمان، به معنی گرایش و باور باشد.

۷ خودبرتربینی دینی و تعصب نابجای یهود

و لا تؤمنوا الّا لمن تبع دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۰

۲۰ یهودیان ، مردمی لجوج و معاند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳

۵ بخل شدید و انحصارطلبی یهودیان

فاذاً لا یؤتون النّاس نقیراً

ظاهراً منظور از کلمه <النّاس>، غیر یهودیان هستند ; به قرینه آیه بعد: <ام یحسدون النّاس>، بنابر این معنای جمله <فاذاً . .. > چنین می شود: یهودیان منافع دنیا را از دیگر مردمان دریغ می دارند و در انحصار خویش نگه می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا ، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب . .. فقست قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۶

۱۶ - یهود ، مردمانی دور از اندیشه و خردورزی *

ذلک بأنّهم قوم لایعقلون

با توجه به بازگشت ضمیر <هم> به یهودیان، اسناد عدم تعقل به <قوم>; می تواند اشاره به خصوصیت این <قوم> داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند ( یهودیان )

قومًا غضب اللّه علیهم قد یئسوا من الأخره

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد; بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند; ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

**۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۳**

۳ - یهود ، قومی نژاد پرست و خودبرتربین

إن زعمتم أنّكم أولياء للّه من دون

الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۱،۲

۱ - یهود ، قومی هراسان از مرگ و غیر مشتاق برای لقای الهی

و لایتمنّونه أبدًا

۲ - یهودیان ، مردمی ظالم و ستمگراند .

و لایتمنّونه . .. و اللّه علیم بالظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۲

۲ - قوم یهود ، مردمی هراسان از مرگ

قل إنّ الموت الذی تفرّون منه

صفات یهود دوران مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۵

۵- مردم بیت المقدس در زمان مریم ( س ) ، در برابر انحرافات اخلاقی و جنسی حساس بودند .

لقد جئت شیئًا فریًّا

صید حرام بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۹،۱۴

۹ وفور ماهی در روز شنبه ( روز حرمت صید بر یهودیان ) ، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

كذلك نبلوهم

۱۴ فسق و تبهكارى ديرينه مردم ايله ، موجب آزمون آنان با فراهم آوردن زمينه اى مساعد ( تسهيل ماهيگيرى در شنبه و ناياب شدن ماهى در غير آن روز ) براى سرپيچى از حكم تحريم صيد

كذلك نبلوهم بما كانوا يفسقون

<كذلك> اشاره است به معنايى كه از <إذ تأتيهم حيتانهم . .. > به دست مى آيد.

صيد ماهى در يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ داستان مناظره دو گروه پرهيزكننده از صيد ماهى در ميان يهوديان (

موعظه گران و تارکان نهی از منکر ) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهم لم تعظون . .. قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذ قالت . .. > متعلق به فعل محذوف <اذکر> باشد.

ضعف فهم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱،۲

۱ - دل و قلب یهودیان عصر بعثت ، ناتوان از درک معارف اسلام بود .

و قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا

<غلف> جمع اغلف است و <اغلف> به چیزی گفته می شود که دارای پوشش باشد. بنابراین <قلوبنا غلف>; یعنی، قلبهای ما دارای پوشش و حجاب است. منظور یهودیان را به دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ قلب ما حجاب دارد و لذا توان درک معارف اسلام را ندارد پس ای پیامبر! چه انتظار داری که پیامهای تو را پذیرا باشیم پیش از آنکه آنها را دریابیم. ۲ قلب ما حجاب دارد و به گونه ای نیست که هر سخنی را بپذیرد; بلکه فقط آنچه که حقیقت دارد در می یابد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۲ - یهودیان عصر بعثت ، بر ناتوانی خویش از درک معارف اسلام معترف بودند .

و قالوا قلوبنا غلف

کلمه <قالوا> دلالت بر اعتراف دارد.

ضعف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۲

۲ ناتوانی یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

لحن ملامت بار جمله >اهولاء .

..> حکایت از آن دارد که یهود و نصارا در عصر پیامبر(ص)، رسوا شـده و به ذلت افتادنـد ; بگونه ای که نتوانسـتند به تعهد خویش با مسلمانان سست ایمان پایبند بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۴،۶

۴ درماندگی و ناتوانی همیشگی یهود ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیهم

۶ یهود ، مردمی ناتوان ، درمانده و بخیل

غلت ایدیهم

جمله <غلت ایدیهم> چه اخبار باشد و چه نفرین، در هر صورت دلالت بر تحقق ناتوانی و یا بخل ورزی یهودیان دارد.

طبقات اجتماعی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱

۱ - جامعه یهود در عصر بعثت متشکل از عالمانی معاند و عوامی ناآگاه

و قد کان فریق منهم . .. و منهم أمیون لایعلمون الکتب إلا امانی

چنانچه در آیه <۷۵> گذشت، مراد از <فریق منهم> - به قرینه صفات شمرده شده بر آنان - عالمان یهود است.

طرد یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدّل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خسئین

<عتوّ> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

طغیان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۲

۲ یهود ، مردمانی طغیانگر که جز با

تهدید ، در برابر حق تسلیم نمی شدند .

و رفعنا فوقهم الطور بمیثقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۲

۲ یهود ، مردمی کفرپیشه و طغیانگر علیه عیسی ( ع ) ، علی رغم اذعان به رسالت الهی وی

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

بر این مبنا که <رسول اللّه> دنباله سخن یهودیان <انا قتلنا . ..> باشد می توان گفت اعتراف آنان به رسالت عیسی اعترافی واقعی و حقیقی بوده ولی در عین حال اقرار به کشتن وی داشته و این حکایت از شدت خباثت آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۳،۱۴،۳۶

۱۳ یهودیان عصر پیامبر ( ص ) ، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

واقع شدن جمله <و لیزیدن . ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

۳۶ مفسده جویی یهود ، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان *

طغیناً و کفراً . .. و یسعون فی الارض فساداً

طمع علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده

- ۵ - ۴۲ - ۶

۶ حرص و آزمندی شدید عالمان یهود عصر پیامبر ( ص ) به متاع دنیا

اکلون للسحت

صیغه مبالغه <اکلون> نشان از رغبت و حرص فراوان عالمان یهود دارد.

ظلم علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ داوری ظالمانه علمای یهود نسبت به مسلمانان

الم تر الی الّذین . .. و یقولون للّذین کفروا هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۳

۲۳ ستم پیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر ( ص ) ، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

فأولئک هم الظلمون

ظلم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۹

۹ - یهود ، مردمی ستم پیشه و ظالمند .

و أنتم ظلمون

جمله <و أنتم ظالمون> (و شما ستمکار بودید) را می توان جمله ای معترضه دانست. بر این مبنا جمله مذکور بیانگر آن است که: یهود نه تنها در مورد گوساله پرستی ستمکاری کردند، بلکه عادت و رویه آنها ستمگری بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۷

۷ - یهود ، مردمی ستم پیشه اند .

و اللّه علیم بالظلمین

از مصداقهای <الظالمین> - به قرینه صدر آیه و آیات پیشین - یهودیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی

درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ کافران به عیسی ( ع ) ( یهودیان ) ، ظالم و محروم از محبّت خداوند هستند .

فاما الذین کفروا . .. و اللّه لا یحبّ الظالمین

از مصادیق مورد نظر از کلمه <الظالمین>، به قرینه آیات قبل، یهودیانی هستند که به حضرت عیسی (ع) ایمان نیاوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ کفر ، جنایت و تجاوز ، سیره دائمی اهل کتاب ( یهود )

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه و یقتلون . .. و کانوا یعتدون

فعل مضارع پس از فعل ماضی از ماده <کَوْنْ> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱،۳،۱۰

۱ ظلم یهود ، موجب حرام گشتن برخی از نعمت های پاکیزه و حلال بر آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبت أحلت لهم

۳ ظلم یهود ، موجب محرومیت آنان از برخی نعمت های پاکیزه *

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبت أحلت لهم

بدان احتمال که مراد از تحریم، تحریم تکوینی باشد ; بنابراین <حرمنا . ..> به این معنا

است که خداوند یهود را از دستیابی به برخی طیبات محروم ساخت.

۱۰ یهود ، ظالمانی منحرف و بسیار اغواگر

فبظلم من الذین هادوا حرمنا . .. و بصدّهم عن سبیل اللّه کثیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۱ – ۱۵

۱۵ یهود و نصارا ، مردمی گمراه و ستمگر

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

از مصادیق مورد نظر برای <الظلمین> به قرینه صدر آیه ، یهود و نصارا هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۴

۴ یهودیان به سبب ادعای نازل نشدن وحی بر هیچیک از بشر ظالمترین مردم هستند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء . .. و من أظلم ممن افتری علی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۵ – ۹

۹ – قوم یهود ، گروهی ظالم و محروم از هدایت خداوند

الذین کذّبوا بایت اللّه و اللّه لایهدی القوم الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۷ – ۲،۵

۲ – یهودیان ، مردمی ظالم و ستمگراند .

و لایتمنّونه . .. و اللّه علیم بالظلمین

۵ – دستاورد زشت و ظلم و ستم یهودیان ، سبب ترس و هراس آنان از مرگ

و لایتمنّونه أبدًا بما قدّمت أیدیهم و اللّه علیم بالظلمین

ظلم یهود ایله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۵ – ۷

۷ فسق و ستمگریِ یهودیان ایله ، مایه نزول عذاب الهی بر آنان شد .

أخذنا الذین

ظلموا بعذاب بئيس بما كانوا يفسقون

<ما> در <بما كانوا> مصدريه و <باء> سببيه است يعنى: أخذناهم بسبب فسقهم.

عجب يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۰

۱۰ غرور علمى يهود در برابر دعوت انبيا ، موجب گرفتارى آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

كلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراين متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است. يعنى <بقولهم ... لعناهم.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۲،۳

۲ - قوم يهود ، تنها خود را اوليا و دوستان خداوند مى پنداشتند .

إن زعمتم أنّكم أولياء للّه

۳ - يهود ، قومى نژاد پرست و خودبرتربين

إن زعمتم أنّكم أولياء للّه من دون الناس

عجز يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۶

۶ ناتوانى يهود و نصارا از مغلوب ساختن و نابود كردن اسلام ، در پرتو تبليغات بى امان خويش

يريدون أن يطفئوا نور اللّه بأفوههم و يأبى اللّه إلا أن يتم نوره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۲

۲ - کافران ( یهود ) ، پس از غزوه بنی نضیر ، ناتوان از مقابله رویارو در میدان نبرد با مؤمنان *

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه

این آیات، پس از آیات غزوه بنی نضـیر، آمـده است; ازاین رو می توانـد ناظر به برنامه های آینده یهود باشد هر چند آنان در گذشته نیز قدرت رویارویی مستقیم نداشته اند. روشن است که در این احتمال، ضمیر فاعل

<یقاتلون> تنها به یهودیان بازگردد; نه آنان و منافقان (چنان که در برداشت قبل آمده است).

عذاب اخروی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۱،۲،۳،۶،۷،۱۲

۱ - گرفتار نشدن یهودیان گنهکار به آتش دوزخ - به جز چند روز محدود - از باور های دینی یهود

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

<معدوده> به معنای شمرده شده، کنایه از اندک و ناچیز بودن است. روشن است که پندار مذکور درباره گنهکاران یهود است. آیه بعد (بلی من کسب ...) این معنا را تأیید می کند و لذا در برداشت کلمه گنهکار آورده شد.

۲ - اندیشه یهود درباره عذاب قیامت ( نبود عذاب برای یهودیان جز روزی چند ) از بدعت های عالمان یهود

فویل للذین یکتبون الکتب . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

جمله <و قالوا . ..> در ضمن اینکه عطف بر <قد کان فریق> در آیه ۷۵ است، بیانگر مصداقی از <أمانی> در آیه ۷۸ و مصداقی از <الکتاب> در آیه ۷۹ می باشد. برداشت فوق به لحاظ وجه اخیر است.

۳ - عذاب نشدن یهودیان گنهکار در قیامت به جز عذابی اندک ، از خیالات واهی و خام عوام یهود

لایعلمون الکتب إلا أمانی . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

در برداشت فوق، جمله <قالوا . ..> بیان مصداقی از <أمانی> در آیه ۷۸ گرفته شده است.

۶ - اندیشه باطل یهود ( عذاب نشدن یهودیان جز روزی چند ) بازدارنده آنان از ایمان آوردن به اسلام

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

جمله

<و قالوا . ..> عطف بر <قد کان فریق> در آیه ۷۵ است و لذا حاکی از آن است که چنین عقیده و پنداری، مانع از آن شده که یهودیان ایمان آورند.

۷ - توجه به باور ناردست یهود درباره ( عذاب نشدن یهود جز روزی چند ) ، موجب قطع امید از ایمان آوردن اینان

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

۱۲ - بیشتر از چند روز نبودن عذاب قیامت برای یهودیان گنهکار ، از نسبت های دروغین یهود به خداوند

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده . .. أم تقولون علی اللّه ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۱،۳

۱ - گنهکاران یهود همانند دیگر گنهکاران ، به اندازه استحقاقشان ، در آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

لن تمسنا النار إلاّ أیاماً معدوده . .. بلی

<بلی> (چنین نیست) حرف جواب است و برای رد سخن و ادعای مطرح شده به کار می رود. این کلمه در آیه شریفه رد ادعای یهود (لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده) است.

۳ - خداوند ، نه تنها اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده ; بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان ، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد .

أتخذتم عند اللّه عهداً . .. بلی من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۲،۲۴

۲۲ - یهودیانی که همکیشان خود را کشتند یا آنان را آواره ساختند ، به شدیدترین عذاب های

قیامت ، کیفر خواهند شد .

تقتلون أنفسکم . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

۲۴ - یهودیانی که با تبعیض به احکام و معارف تورات برخورد می کردنـد ، در قیامت به شدیدترین عذاب ها گرفتار خواهند شد .

أفتؤمنون ببعض . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۲،۱۴

۱۲ - یهودیان گنهکار به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

بما قدمت أیدیهم . .. و ما هو بمزحزحه من العذاب

<زحزحه> (مصدر مزحزح) به معنای دور ساختن است.

۱۴ - زندگانی در دنیا و داشتن عمری طولانی ، نجاتبخش یهود از عذاب اخروی نیست .

و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

<أن یعمر> بـدل برای <هو> و یـا فاعـل برای <مزحزح> است. مـآل هر دو به یـک معنـاست; معنـای جمله <مـا هو ...> چنین است: یهودیان ]بر فرض اینکه عمری هزار ساله داده شوند [آن عمر طولانی، ایشان را از عذاب رها نخواهد ساخت.

عذاب برزخی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ یهودیان تجاوزگر ایله ، علاوه بر چشیدن عذاب های دنیوی ، تا قیامت به عذاب های برزخی گرفتار خواهند بود .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

برداشت فـوق مبتنی بر این است که مراد از ضـمیر <علیهم> یهودیـان مسـخ شـده ایله باشـد. بر این اسـاس مقصـود از <سوء العـذاب> عذابهای دنیوی نیست، بلکه به دلیل <إلی یوم القیمه> مراد عذابهای برزخی خواهد بود. یعنی: <لیبعثن علیهم من

بعد موتهم

إلى يوم القيمه ... .>

۱۲ خداوند برای عذاب یهودیان متمرد ، نیروهایی را در برزخ بر آنان مسلط کرده است .

لیبعثن علیهم إلى یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

عذاب دنیوی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۰

۲۰ - گرفتار شدن به خواری و ذلت در دنیا ، سزای یهودیانی است که همدیگر را کشتند و همکیشان خو را از دیارشان بیرون راندند .

تقتلون أنفسکم . .. فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ گرفتاری گنهکاران یهود و نصارا به عذاب های دنیوی *

قل فلم یعذبکم بذنوبکم

چون مسیحیان خود را مصون از عذاب قیامت می دانند، بنابراین در صورتی استدلال تمام است که مراد از عذاب، عذابهای دنیوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱۱

۱۱ یهودیان تجاوزگر ایله ، علاوه بر چشیدن عذاب های دنیوی ، تا قیامت به عذاب های برزخی گرفتار خواهند بود .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلى یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <علیهم> یهودیان مسخ شده ایله باشد. بر این اساس مقصود از <سوء العذاب> عذابهای دنیوی نیست، بلکه به دلیل <إلى یوم القیمه> مراد عذابهای برزخی خواهد بود. یعنی: <لیبعثن علیهم من

بعد موتهم إلى يوم القيمه ... .>

عذاب کافران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء

- ۴ - ۱۶۱ - ۱۱

۱۱ خداوند برای کافران یهود عذاب دردناک آماده کرده است .

و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً أليماً

عذاب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۹

۹ - خداوند ، هرگز اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده و با آنان در این باره عهد و پیمانی نبسته است .

أتخذتم عند اللّه عهداً

همزه استفهام در <أتخذتم> انکار ابطالی است; یعنی، چنین عهد و پیمانی نزد خدا ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲۰

۲۰ - یهودیان منکر رسالت پیامبر ( ص ) ، از زمره کافرانند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۴

۲۴ مشرکان ، یهود و نصارای عصر بعثت ، همواره در خطر گرفتاری به عذاب الهی بودند .

او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

عذاب یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۲،۳،۴،۷

۲ خداونـد یهودیان متمرد در آبادی ایله را پس از مداومت بر صـید ماهی در روز شـنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصـلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذکروا به . .. أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

<بئیس> به معنای شدید است.

۳ خداوند از میان یهودیان ایله تنها مصلحانِ نهی کننده از منکر را از گرفتار شدن به عذاب رهایی بخشید .

أنجینا الذین ینهون عن

السوء

۴ خداونـد حتی آن گروه از یهودیان ایله را که خود صالـح بودنـد ، ولی متجاوزان را موعظه نکردند ، به عذابی شدید گرفتار ساخت .

أنجینا الذین ینهون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

در آیـه قبـل در مقـام تقسـیم یهودیـان ایلـه از نظر عملکرد، آنـان را بـه سـه گروه تقسـیم کرد و آیه مـورد بحث در مقـام بیـان سرنوشت آنان است و ایشان را در دو گروه قرار داده است. این مقایسه نشان می دهد که خداوند ترک کنندگان نهی از منکر را از گروه ظالمان (الذین ظلموا) شمرده است.

۷ فسق و ستمگریِ یهودیان ایله ، مایه نزول عذاب الهی بر آنان شد .

أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس بما کانوا یفسقون

<ما> در <بما کانوا> مصدریه و <باء> سببیه است یعنی: أخذناهم بسبب فسقهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۳

۳ خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس . .. فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واقع شـدن جمله <فلما عتوا> پس از <أخـذنا الـذین ظلموا . .. >، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی همچنان به صید ماهی در شنبه ادامه می دادند.

عذاب یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ - یهودیانِ کافر به پیامبر ( ص ) و استهزا کننده او ، مستحق عذابی دردناک هستند .

و

للكفرين عذاب أليم

عذاب یهود متخلف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۷ – ۱۲

۱۲ خداوند برای عذاب یهودیان متمرد ، نیروهایی را در برزخ بر آنان مسلط کرده است .

لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

عصیان اکثریت یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۶ – ۲۰

۲۰ – بسیاری از اهل کتاب ( یهود و نصارا ) ، فاسق و متمرداند .

و کثیر منهم فسقون

عصیان علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۲۷

۲۷ عدم پایبندی سران و عالمان یهود به احکام تورات

یحرفون الکلم من بعد مواضعه

عصیان یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۶۷ – ۸

۸ یهود و نصارا ، منحرف از حق ، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

و لكن كان حنيفاً مسلماً و ما كان من المشركين

بنابراینكه جمله <و لكن كان . .. >، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۲

۱۲ عصیان یهود و تعدّی و تجاوز مستمر آنان ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون

بنابر اینكه <ذلک بما عصوا>، اشاره به ذلّت و . .. باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۵

۵ نافرمانی

آگاهانه پس از دریافت و شنیدن سخنان پیامبر ( ص ) ، عکس العمل یهود در برابر آن حضرت

من الذیین هادوا . .. و یقولون سمعنا و عصینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۵

۵ تسلیم نبودن یهود در برابر خدا ، دلیل رویگردانی آنان از احکام تورات

ثم یتولون من بعد ذلک . .. یحکم بها النبیون الذین اسلموا

<الذین اسلموا> بیان علتی است برای <یحکم بها النبیون> یعنی انبیا چون تسلیم خدا بودند، بر اساس تورات حکم می کردند. بیان این حقیقت پس از <ثم یتولون من بعد ذلک>، اشاره به ریشه تمرد یهودیان عصر پیامبر(ص) از احکام تورات دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۸

۸ گروهی از یهودیان ، رویگردان از پذیرش قانون قصاص و برابری آن نسبت به تمامی یهودیان

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه . .. و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

مطرح ساختن قانون قصاص پس از بیان اعراض یهود از حکم تورات، حاکی از آن است که احکامی که آنان نپذیرفتند، قانون قصاص و برابری آن نسبت به همه افراد بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۶

۶ پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرّد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر ( ص ) ، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه ۵۶ گذشت، مشهور مفسران برآنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش

از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از <الذین کفروا> هستند.

عصیان یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۲،۱۶

۲ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر إذ یعدون . .. إذ تأتیهم حیتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القریه>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

۱۶ خداوند یهودیان ایله را به آزمونی مبتلا کرد که عدم موفقیّت در آن ، ایشان را به انحراف و تمرد همیشگی می کشانید .

کذلک نبلوهم بما کانوا یفسقون

برداشت فوق بر این اساس است که <ما> در <بما کانوا> موصول اسمی باشد ; یعنی: <بالذی کانوا یفسقون به>. (به چیزی آنان را آزمودیم که موجب فسق ایشان می شد). بدیهی است تحقق این معنا ناشی از شکست آنان در آزمون خواهد بود.

عصیانگران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱

۱ تاریخ یهود ، شاهد نسلهایی دنیاگرا و معصیتکار

فخلف من بعدهم خلف ورثوا الکتب یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون

عفو از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۸

۱۸ گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی ( ع ) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا

العجل من بعد ما جاءتهم البينت فعفونا عن ذلک

عقاید یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۵ - ۳،۶،۷

۳ نصارا ، ابراهیم ( ع ) را نصرانی و یهودیان ، او را یهودی می پنداشتند .

لم تحاجّون فی ابرهیم و ما انزلت التوریه و الانجیل

۶ پندار نصارا ، در انحصار آیین الهی به نصرانیت و یهودیان ، به یهودیت *

یا اهل الکتاب . .. و ما انزلت التوریه و الانجیل الاّ من بعده

با توجه به تقدم زمانی ابراهیم (ع) بر یهود و نصارا، انتساب یهودیت و نصرانیّت به ابراهیم، ناشی از پنداری است که در برداشت آمده است.

۷ نزول تورات و انجیل پس از ابراهیم ( ع ) ، دلیل بطلان ادعای یهودی یا نصرانی بودن آن حضرت

یا اهل الکتاب لم تحاجّون فی ابرهیم و ما انزلت التوریه و الانجیل الاّ من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۲،۳

۲ یهود ، مدّعی یهودیت ابراهیم ( ع ) و نصارا ، مدّعی نصرانیّت او بودند .

یا اهل الکتاب . .. ما کان ابراهیم یهودیّاً و لا نصرانیاً

۳ ادعای یهودیّت ابراهیم ( ع ) ، حجت یهود بر حقانیّت خویش در مقابل نصارا *

یا اهل الکتاب لم تحاجّون فی ابرهیم . .. ما کان ابراهیم یهودیّاً و لا نصرانیّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۵

۵ یهود و نصارا هر یک مدعی انتساب و پیوند دینی با ابراهیم

( ع ) بودند .

یا اهل الکتاب لم تحاجّون فی ابرهیم . .. انّ اولی الناس بابرهیم لَلّذین اتّبعوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۶

۶ علمای یهود می پنداشتند که پیامبر ( ص ) باید از میان آنان برگزیده شود .

و لا تؤمنوا الاّ لمن تبع دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۱۳

۱۳ راه نداشتن نسخ در احکام شریعت ، پندار باطل یهود

الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزّل التوریه قل فأْتوا بالتوریه فاتلوها

بنابراینکه <من قبل> متعلق به <کان حلا> باشد; یعنی برخی طعامها قبل از نزول تورات حلال بوده و تورات آن را حرام کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۵ - ۷

۷ یهودیان عصر پیامبر ( ص ) ، دارای اعتقادات شرک آلود

و ما کان من المشرکین

نفی شرک از ابراهیم (ع)، تعریضی به یهودیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۵

۵ شرافت کعبه بر بیت المقدس ، علی رغم پندار یهودیان

انّ اوّل بیت وضع للناس

با توجه به شأن نزول که یهودیان می گفتند بیت المقدّس، برتر و باارزشتر از کعبه است.

عقیده اکثریت یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۰ – ۱۰

۱۰ – اکثر یهودیانی که به عهد های الهی وفا نکردند ، به آن عهد و پیمان ها ،

ایمان و اعتقاد نداشتند .

کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لایؤمنون

این برداشت بدان احتمال است که متعلق <یؤمنون> عهدها و پیمانها باشد; یعنی، اکثر عهدشکنان، آن عهد و پیمانها را به قلب و دل خویش نپذیرفته بودند اگر چه تظاهر به پذیرش آن می کردند. گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در <أکثرهم> به <فریق> برگردانده شده است.

عقیده باطل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ - آگاه نبودن خدا به اسرار نهانی انسان ها ، از باور ها و پندار های باطل یهود

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

از جمله <أتحدثونهم . .. لیحاجوکم> چنین بر می آید که یهود آن گاه راه احتجاج علیه خویش را گشوده می دیدند که حقایق و دانسته های خویش را آشکار کنند; ولی اگر حقایق را آشکار نکنند علیه آنان احتجاج نمی شود و مؤاخذه نمی گردند. این پندار بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۷

۷ - توجه به باور نادرست یهود درباره ( عذاب نشدن یهود جز روزی چند ) ، موجب قطع امید از ایمان آوردن اینان

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۶

۶ پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرّد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر ( ص ) ، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای

ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه ۵۶ گذشت، مشهور مفسران برآنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از <الذین کفروا> هستند.

عقیده دنیاطلبان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۳،۷،۱۱

۳ دنیاگرایان یهود خود به گناه دنیاگرایی و کسب مال و منال از راه های ناروا معترف بودند .

یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون سیغفر لنا

جمله <سیغفر لنا> (آمرزیده خواهیم شد)، اعتراف یهودیان دنیاگرا به گنهکاری خویش و بیانگر این است که جمله <یأخذون . .. > ناظر به کسب مال از راههای نامشروع است.

۷ دنیاگرایان یهود بر این باور بودند که خداوند گناهان آنان را ، حتی بدون توبه ، خواهد آمرزید .

و یقولون سیغفر لنا و إن یأتهم عرض مثله یأخذوه

جمله <و إن یأتهم عرض . .. > حاکی از این است که گنهکاران یهود در عین آمادگی برای حرامخواری مجدد، خود را مورد عفو و مغفرت خداوند می پنداشتند. یعنی هرگز از عمل گذشته پشیمان نبودند تا توبه کنند.

۱۱ ادعای آمرزش گناه یهودیان بدون توبه ، از نسبت های دروغین دنیاگرایان یهود به خداوند

و یقولون سیغفر لنا . .. ألم یؤخذ علیهم ... أن لا یقولوا علی اللّه إلا الحق

عقیده عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۴،۵،۶،۷

۴ - عوام یهود ، خیالات واهی و نسبت داده شده به تورات را به عنوان کتاب آسمانی و دستورات الهی پذیرفته بودند .

لايعلمون الكتب إلا امانى

<امانى>

(جمع امنیه) به معنای خیالات واهی و دروغهای بافته شده است. استثنا در جمله فوق، استثنای منقطع است. بنابراین <لا یعلمون ...>; یعنی، عوام یهود به محتوای تورات آگاهی ندارند، بلکه خیالات واهی و مطالب دروغین را به عنوان کتاب می شناسند.

۵ - حدس و گمان ، پایه و اساس تفکرات دینی عوام یهود

إن هم لایظنون

۶ - بی سوادی عوام یهود و آگاهی نداشتن آنان از تورات ، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از آنها

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. و منهم أمیون لایعلمون الکتب إلا امانی

جمله <منهم أمیون> عطف بر <قد کان فریق . ..> در آیه <۷۵> است. بنابراین آیه مورد بحث نیز بیانگر علت برای <أفتطمعون ...> می باشد.

۷ - پذیرش خیالات واهی به جای محتوای کتاب آسمانی و پایه قرار دادن حدس و گمان در تفکرات و معتقدات دینی ، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از عوام یهود

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. و منهم أمیون ... إن هم إلا یظنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۳

۳ - عذاب نشدن یهودیان گنهکار در قیامت به جز عذابی اندک ، از خیالات واهی و خام عوام یهود

لایعلمون الکتب إلا أمانی . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

در برداشت فوق، جمله <قالوا . ..> بیان مصداقی از <أمانی> در آیه ۷۸ گرفته شده است.

عقیده یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۳،۱۴

۱۳ - یهودیان معتقد به برپایی قیامت ، بر قراری صحنه های محاکمه در آن

روز و احتجاج انسان ها علیه یکدیگر در پیشگاه خدا

أتحدثونهم . .. لیحاجوکم به عند ربکم

۱۴ - یهودیان ، معتقد به ربوبیت خداوند

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۲،۳،۵

۲ - یهودیان ، خداوند را به امور نهانی انسان عالم و آگاه نمی دانستند .

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

استفهام در <أو لایعلمون . ..> انکار توبیخی است.

۳ - یهود مورد توبیخ و سرزنش خداوند ، به خاطر محدود پنداشتن علم و آگاهی او

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

۵ - یهودیان ، فاقد معرفت و شناخت لازم به خدا و صفات او

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۱،۲

۱ - گرفتار نشدن یهودیان گنهکار به آتش دوزخ - به جز چند روز محدود - از باور های دینی یهود

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

<معدوده> به معنای شمرده شده، کنایه از اندک و ناچیز بودن است. روشن است که پندار مذکور درباره گنهکاران یهود است. آیه بعد (بلی من کسب ...) این معنا را تأیید می کند و لذا در برداشت کلمه گنهکار آورده شد.

۲ - اندیشه یهود درباره عذاب قیامت ( نبود عذاب برای یهودیان جز روزی چند ) از بدعت های عالمان یهود

فويل للذين يكتبون الكتب . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

جمله <و قالوا . ..> در ضمن اينكه عطف بر <قد كان

فریق> در آیه ۷۵ است، بیانگر مصداقی از <أمانی> در آیه ۷۸ و مصداقی از <الکتاب> در آیه ۷۹ می باشد. برداشت فوق به لحاظ وجه اخیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۶،۷،۱۰،۱۱،۱۲،۲۱

۶ - یهود ، ایمان به وحی و کتاب های آسمانی را تنها در صورت نزولشان بر پیامبری از نژاد اسرائیل ، ضروری می پنداشتند .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

۱۰ - ملاک یهودیان ، برای ایمان آوردن به پیامبران ، بعثت آنان از میان بنی اسرائیل است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا

هر چند ایمان به قرآن و کتابهای آسمانی محور سخن در آیه شریفه است؛ ولی از آن جا که نزول کتاب آسمانی مستلزم بعثت پیامبر (ص) نیز هست، دعوت به پذیرش قرآن، دعوت به ایمان به پیامبر(ص) نیز می باشد و سخن یهود - که فقط به کتاب خود ایمان می آوریم - مستلزم این معنا نیز هست که: فقط به پیامبران خود ایمان می آوریم.

۱۱ - یهودیان ، به هر پیامبری که از نژاد اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

۱۲ - یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا .

.. قل فلم تقتلون أنبياء اللّه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل ... و لقد جاء کم موسی بالبینت ثم أتخذتم العجل

جمله <لقد جاءکم . ..> عطف بر <لم تقتلون ...> در آیه قبل است. بنابراین مضمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علینا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۱،۲،۴،۵،۶،۱۲

۱ - یهود ، سرای آخرت و نعمت های آن را ویژه خویش می پندارند .

قل إن کانت لکم الدار الأخره . .. خالصه

تقدیم <لکم> بر <الدار الأخره> مفید حصر و اختصاص است و <خالصه> - که حال برای <الدار> می باشد - بر این انحصار و اختصاص تأکید می کند; زیرا خالص بودن به معنای اختصاص داشتن است.

۲ - یهودیان ، دیگر مردمان را از نعمت های آخرت بی نصیب می پندارند .

إن کانت لکم الدار الأخره . .. خالصه من دون الناس

۴ - یهودیان ، اختصاص یافتن بهشت را به قوم یهود ، حکم و تقدیری الهی می شمرند .

إن کانت لکم الدار الأخره عند اللّه

<عند اللّه> متعلق به <کانت> است و مفادش این است که ثبوت آخرت برای یهود در نزد خداست; یعنی، او این معنا را پذیرفته، تحقق بخشیده و مقرر

ساخته است.

۵ - یهود ، همه ادیان جز دین یهود را بی اعتبار و دیگر ملت ها را در پیشگاه خدا فاقد قدر و منزلت می شمرند .

إن كانت لكم الدار الأخره عند اللّه خالصه من دون الناس

۶ - یهودیان ، مدعی اعتقاد به خدا ، قیامت و نعمت های اخروی هستند .

إن كانت لكم الدار الأخره عند اللّه خالصه من دون الناس فتمنوا الموت

۱۲ - یهود ، بر خلاف ادعایشان ، به بهشتی بودن خویش اطمینان نداشتند .

فتمنوا الموت إن كنتم صدقين

جمله <إن كنتم صادقين> اشاره به دروغ گویی یهود دارد; یعنی، آنان خود می دانند که ادعایشان واقعیت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۷

۷ - یهودیان خود نیز بر بی پایه بودن ادعایشان ( تقدیر بهشت برای آنان ) واقفند .

إن كانت لكم الدار الأخره . .. و لتجدنهم أحرص الناس

جمله های <لتجدنهم . ..> و <يود أحدهم ...> را می توان ناظر به ادعای یهود (إن كانت ... در آیه ۹۴) دانست; یعنی، شما یهودیان از یکسو مدعی هستید که سرای آخرت از آن شماست و از سوی دیگر آرزوی ماندگار شدن در حیات دنیا را دارید، این نشان می دهد که خود شما نیز آن ادعا را باور ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۶

۶ - تصور جاهلانه یهود در مورد جبرئیل و نظام وحی

قل من كان عدواً لجبريل فإنه نزله على قلبك بإذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۵ - عهد ها و پیمان های الهی در دیدگاه بسیاری از یهودیان ، امری بی مقدار و کم ارزش

نبذه فریق منهم

برداشت فوق بر اساس معنایی است که <راغب> در کلمه <نبذ> بیان کرده است. او در <المفردات> می گوید: <نبذ> انداختن و دور افکندن چیزی است به خاطر کم ارزش شمردن آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱،۲،۶،۷

۱ - اهل کتاب ( یهود و نصارا ) ، تنها خویشتن را سزاوار بهشت دانسته و دیگران را از آن ، محروم می پندارند .

و قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

ضمیر در <قالوا> به <اهل الکتاب> (در آیه ۱۰۹) باز می گردد.

۲ - یهودیان ، بهشت را مخصوص یهود و دیگران را از آن محروم می دانند .

و قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً

آیه ۱۱۳، بیانگر آن است که هر یک از یهود و نصارا دیگری را اهل نجات نمی دانند. بنابراین به اصطلاح اهل ادب، در آیه مورد بحث <لفّ اجمالی> وجود دارد و حرف <أو> نیز برای تفصیل است; یعنی، جمله <قالوا لن ...> حاکی از دو جمله است: ۱ قالت الیهود: < لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً>. ۲ و قالت النصاری: < لن یدخل الجنه إلا من کان نصری>.

۶ - محرومیت مسلمانان از بهشت از خیالات واهی و نادرست یهود و نصارا

تلک أمانیّهم

<أمانی> جمع امنیه و به معنای آرزوها، خیالات واهی و دروغهای یافته شده است.

۷ - عقاید و باور های دینی یهود و نصارا ، آمیخته با خیالات واهی است

.

تلک أمانیّهم

<تلک أمانیهم> حاکی از این است که: پندار یهود و نصارا بر محرومیت دیگران از بهشت، از خیالات و آرزوهای آنان است و این در حالی است که یهود و نصارا، آن پندار را یک عقیده و باور دینی می شمرند. بنابراین عقاید مذهبی و باورهای دینی یهود با آرزوها و خیالات آمیخته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱

۱ - یهودیان ، آیین نصرانیت را پوچ و بی پایه و اساس می دانستند .

و قالت الیهود لیست النصری علی شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۲،۳

۲ - داشتن زاده و اختیار کردن فرزند ، از نسبت های ناروای یهود ، نصارا و مشرکان به خداوند

و قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه

مراد از ضمیر در <قالوا> - به قرینه آیه ۱۱۳ - یهود، نصارا و مشرکان است. یهود <عزیر> و نصارا <مسیح(ع)> را فرزند خدا می پنداشتند و مشرکان نیز فرشتگان را فرزند او می شمردند.

۳ - شناخت یهود و نصارا از خدا و صفات او ، شناختی ضعیف و ناقص

و قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۴،۹

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که

دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

۹ - مؤاخذه یهود به خاطر رفتار نادرست نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتسئلون عما کانوا یعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۳

۳ - هر یک از یهود و نصارا ، آیین خویش را موجب هدایت بشر می پنداشتند .

قالوا کونوا هوداً أو نصری تهتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهیم و إسمعیل . .. کانوا هوداً

جمله <أم تقولون . ..> دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۴،۹

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون : ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاورد پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می

توان به برداشت فوق

دست یافت.

۹ - مؤاخذه یهود به خاطر رفتار ناصواب نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتسئلون عما کانوا یعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱،۵

۱ پندار ناروای یهود به فقر و نیاز خداوند ، و غنا و بنی نیازی خویش

لقد سمع اللّه قول الّذین قالوا انّ اللّه فقیر و نحن اغنیاء

به گفته بسیاری از مفسّرین، مراد از <الّذین قالوا>، یهودیان هستند.

۵ کوته فکری یهود در معارف الهی و صفات خداوند

لقد سمع اللّه قول الّذین قالوا انّ اللّه فقیر و نحن اغنیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱،۳،۴،۶،۷

۱ ارائه قربانی و سوخته شدن آن به آتشی از غیب ، عهدی الهی در پندار یهود ، برای ایمان به رسولان

الّذین قالوا انّ اللّه عهد الینا الّا نؤمن لرسول حتّی یاتینا بقربان تاکله النّار

۳ اعتقاد و اعتراف یهود به پایان نیافتن پیامبری و رسالت ، پس از بعثت حضرت موسی ( ع )

الّا نؤمن لرسول حتّی یاتینا بقربان

اگر یهود، مدعی خاتمیّت نبوت حضرت موسی(ع) بودند، باید به پیامبر (ص) می گفتند از ما تعهّد گرفته شده که به هیچ مدعی رسالتی ایمان نیاوریم، نه اینکه علامت پیامبر راستین را بیان کنند.

۴ یهود ، مدعی وفاداری خویش به پیمان های الهی

انّ اللّه عهد الینا الّا نؤمن لرسول

۶ سوختن قربانی در آتشی از غیب ،

نشانه راستگویی مدعی رسالت از دیدگاه یهود

الّا نؤمن لرسول حتّی یاتینا بقربان تاکله النار

۷ تشریع قربانی در ادیان الهی

حتّی یاتینا بقربان تاکله النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۱

۱ یهود ، داعیه دار نسبتهایی ناروا به خداوند ، علی رغم علم و آگاهی به کذب و بطلان آن نسبتها

انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

ضمیر در <یفترون> به <الذین اوتوا الکتاب> برمی گردد، و مراد از آن به قرینه آیات گذشته یهودیان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۴

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح ( ع ) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۸،۱۵

۱ یهودیان و مسیحیان خود را پسران خدا و محبوب پیشگاه او می پندارند .

و قالت الیهود و النصری نحن ابنؤا اللّه و احبؤه

۲ فرزند داشتن خدا ، از پندار های باطل یهود و نصارا

و قالت الیهود و النصری نحن ابنؤا اللّه و احبؤه

۳ هر یک از یهود و نصارا ، خو را از مقربان خداوند می پندارند .

و قالت الیهود و النصری نحن ابنؤا اللّه و احبؤه

بنابر اینکه مقصود از <ابناء>، معنای کتابی آن (مقربان) باشد.

۴ محبت و عشق به خدا ، ادعای واهی یهود و نصارا

و قالت الیهود

و النصری نحن ابنؤا اللّه و احبؤه

برداشت فوق بر این مبناست که <احباء>، جمع <حبیب>، و به معنای اسم فاعل (محبان) باشد.

۸ گرفتاری گنهکاران یهود و نصارا به عذاب الهی ، ردی بر پندار تقرب و محبوب بودنشان نزد خداوند

قل فلم یعذبکم بذنوبکم

۱۵ همسانی و همگونی یهود و نصارا با دیگر انسان ها ، دلیل نادرستی پندار آنان بر محبوبیت و تقرب در پیشگاه خداوند

نحن ابنؤا اللّه و احبؤه . .. بل انتم بشر ممن خلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱،۲،۲۶،۴۱

۱ یهودیان ، منکر قدرت و نفوذ اراده خداوند در تدبیر جهان

و قالت الیهود یداللّه مغلوله

اطلاق جمله <یداللّه مغلوله> می رساند که یهود بر این باور بودند که خداوند هیچ دخل و تصرفی در جهان هستی ندارد. بنابراین جمله <ینفق کیف یشاء> پس از <یداهُ مبسوطتان> تنها اشاره به نمونه و مصداقی از نفوذ و قدرت الهی در جهان هستی دارد.

۲ ناتوانی خداوند در انفاق و بخشش روزی به موجودات ، از باور های باطل یهود

و قالت الیهود یداللّه مغلوله

جمله <ینفق کیف یشاء> می تواند قرینه باشد بر اینکه مراد از بسته بودن دست خدا و نافذ نبودن قدرت وی در پندار یهود تنها ناتوانی از اعطای روزی و انفاق به انسانهاست.

۲۶ اصرار یهود بر انحرافات اعتقادی خویش تا قیامت

قالت الیهود یداللّه مغلوله . .. القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

چون دشمنی یهود با یکدیگر، کیفر انحرافات رفتاری و اعتقادی آنان است و این عقوبت تا قیامت باقی می ماند (. .. الی یوم

القیمه)، معلوم می شود آنان همچنان به اعتقادات انحرافی و رفتار ناپسند خویش پافشاری دارند.

۴۱ اعتقاد یهود به کناره گزینی خداوند از تدبیر امور جهان پس از فراغت از آفرینش آن

و قالت الیهود ید اللّه مغلوله

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. قالوا قد فرغ من الامر فلایزید و لاینقص ... .

---

توحید صدوق، ص ۱۶۷، ح ۱، ب ۲۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۹، ح ۲۷۸.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۴

۴ یهود به سبب انکار رسالت پیامبر(ص) منکر نزول هرگونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۹ – ۱۱،۱۶

۱۱ ادعای آمرزش گناه یهودیان بدون توبه ، از نسبت های دروغین دنیاگرایان یهود به خداوند

و یقولون سیغفر لنا . .. ألم یؤخذ علیهم ... أن لا یقولوا علی اللّه إلا الحق

۱۶ یهودیان ، آگاه به حرمت انتساب امور ناحق به خداوند بودند .

و درسوا ما فیه

هدف از بیان این حقیقت که یهودیان، تورات را همواره می خواندند، رساندن این معناست که آنان به محتوای تورات آگاهی کامل داشتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۰ – ۱،۳،۴

۱ یهودیان ، < عزیر > را فرزند خدا خواندند .

و قالت الیهود عزیر ابن اللّه

۳ فرزند خدا خواندن < عزیر > و < مسیح > ، سخنان نسنجیده و باطلی بود که یهود و نصارا به زبان آوردند

.

و قالت . .. ذلک قولهم بأفوههم

۴ پندار فرزند خدا بودن < عزیر > و < مسیح > ، پنداری است سابقه دار در تاریخ یهود و نصارا .

یضهئون قول الذین کفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ < عن أبی عبدالله ( ع ) انه قال فی قول الله عزوجل : < و قالت الیهود یدالله مغلوله > : لم یعنوا أنه هکذا ، و لکنّهم قالوا : قد فرغ من الأمر فلایزید و لاینقص فقال الله جل جلاله تکذیباً لقولهم : < غلّت أیدیهم و لعنوا بما قالوا بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء > ألم تسمع الله عزوجل یقول : < یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده اُمّ الکتاب > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدای عزوجل: <و قالت الیهود ید الله مغلوله> فرمود: منظور یهود این نبود که واقعاً دستهای خدا در غُلّ بسته است ; بلکه آنان می گفتند: خدا از کار خلقت فارغ شده و دیگر چیزی را زیاد و کم نمی کند. پس خداوند جل جلاله برای تکذیب سخن آنان فرمود: <دستهای خودشان در غل بسته باد و به خاطر سخنی که گفتند، لعنت بر آنان باد ; بلکه دستهای خدا باز است و هر گونه می خواهد می بخشد>.آیا نشنیده ای که خدای عزوجل می فرماید: <یمحوا الله مایشاء و یثبت و عنده اُمّ الکتاب>.

عقیده یهود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۵

۵

- یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

عقیده یهود به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۸،۹

۸ - یهودیان عصر بعثت ، مطمئن به آسمانی بودن قرآن و معترف به الهی بودن آن

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

چنانچه یهودیان آسمانی بودن قرآن را باور نداشتند در پاسخ به دعوت پیامبر(ص) (ءامنوا بما أنزل اللّه; به آنچه خدا فرو فرستاده ایمان آورید)، اظهار می داشتند که: قرآن از جانب خدا نیست. اعراض از چنین پاسخی، گویای اطمینان ایشان به آسمانی بودن قرآن و اعتراف ضمنی آنان به الهی بودن آن است.

۹ - یهودیان ، علی رغم اطمینانشان به الهی بودن قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

عقیده یهود به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۵

۵ - یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

عقیده یهود به کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۵

۵ - یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

عقیده یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۰

۱۰ - ضعف بینش و

شناخت یهود ، نصارا و مشرکان عصر بعثت ، درباره خداوند

و قال الذین لایعلمون لولا یکلمنا اللّه . .. کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۶

۶ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء قل من أنزل الکتب الذی جاء به موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۵

۵ عقاید و آرای یهود و نصارا در عصر پیامبر ( ص ) ، عقاید و آرایی برخاسته از هوا های نفسانی بود .

و لئن اتبعت أهواءهم

<أهواء> (جمع هوی) به معنای خواهشها و تمایلات نفس است و مراد از آن در آیه شریفه به قرینه مقابله آن با احکام قرآن آرا ، عقاید و قوانین برخاسته از تمایلات نفسانی است.

علایق علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲

۲ عالمان یهود در عصر پیامبر ( ص ) گوش سپارنده به شایعات دروغین و راغب به حرمخواری و رشوه گیری

سمعون لقوم ءاخرین . .. سمعون للکذب اکلون للسحت

برداشت فوق بر این مبناست که دو صفت یاد شده درباره عالمان یهود باشد. توصیف عوام یهود در آیه قبل به <سمعون للکذب>، این مبنا را تأیید می کند، و <سحت> به معنای مال حرام است و از مصادیق مورد نظر آن،

به مناسبت مورد، رشوه می باشد.

علایق یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۵

۵ - حسادت یهود و نصارا ، منشأ علاقه و تلاش آنها بر بازگرداندن اهل ایمان از اسلام بود .

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

<حسداً> مفعولٌ له برای <ودّ کثیراً . ..> می باشد; یعنی، علاقه و تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان، به علت حسادت ایشان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۲،۱۳

۱۲ اعتنا و رغبت فراوان منافقان و یهود به شنیدن گفته ها و شایعه های دروغین ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للکذب

چون شنیدن سخنانی که دروغ بودن آن برای شنونده معلوم نباشد، صفت مذمومی نیست، لذا مراد این است که آنان با توجه و آگاهی به دروغ بودن سخنان به شنیدن آنها رغبت داشتند.

۱۳ رغبت منافقان و یهودیان به شنیدن شایعات و دروغ های بافته شده علیه رسول خدا ( ص )

سمعون للکذب

مخاطب قرار دادن پیامبر (لایحزنک) و توصیف شتابگران در کفر به گوش سپاران دروغ، می رساند که مراد از <کذب> دروغها و شایعاتی بوده است که علیه پیامبر(ص) ساخته شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱

۱ رغبت فراوان یهود به حرامخواری و شنیدن دروغ ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للکذب اکلون للسحت

صیغه مبالغه <سمعون> و <اکلون> دلالت بر رغبت فراوان دارد. در برداشت فوق دو خصلت یاد

شده، وصف عموم یهودیان (عالمان و پیروان) آنان گرفته شده است.

علم علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ - عالمان یهود و نصارا ، به خوبی می دانستند که قبله شدن مسجدالحرام ، فرمانی از ناحیه خداوند است .

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

<لام> تأکید در <لیعلمون> بیانگر این است که: اهل کتاب هیچ تردیدی نداشتند و به روشنی می دانستند که تغییر قبله حق و از ناحیه خداوند است.

علم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۷

۷ - یهودیان خود نیز بر بی پایه بودن ادعایشان ( تقدیر بهشت برای آنان ) واقفند .

إن کانت لکم الدار الأخره . .. و لتجدنهم أحرص الناس

جمله های <لتجدنهم . ..> و <یود أحدهم ...> را می توان ناظر به ادعای یهود (إن کانت ... در آیه ۹۴) دانست; یعنی، شما یهودیان از یکسو مدعی هستید که سرای آخرت از آن شماست و از سوی دیگر آرزوی ماندگار شدن در حیات دنیا را دارید، این نشان می دهد که خود شما نیز آن ادعا را باور ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۷

۷ یهود ، با ادعای دانش وافر ، خود را از تعالیم انبیا بی نیاز می پنداشتند .

و قولهم قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که <غلف> جمع غلاف به معنای ظرف باشد. بر این مبنا، مقصود یهود از جمله <قلوبنا

غلف> این است که دلهایشان آکنده

از دانش است و نیازی به تعالیم انبیا ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۷

۷ - آگاهی یهود و نصارا ، از کتاب آسمانی بعد از تورات و انجیل ( قرآن ) پیش از نزول آن

إنّا کنّا من قبله مسلمین

علمای دنیاطلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۳

۲۳ تاریخ یهود شاهد عالمانی دنیاگرا و بی تقوا *

خلف ورثوا الکتب یأخذون عرض هذا الأدنی . .. و الدار الأخره خیر للذین یتقون

جمله <ورثوا الکتب>، هم می توانـد نـاظر به این باشـد که یهودیان مورد بحث مردمی بودنـد که تورات نسل به نسل به آنها رسـیده و در دسترس آنـان بود، و هم می توانـد حـاکی از آگـاهی کـافی آنهـا به تورات و محتوای آن باشـد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

علمای فاسق یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۳

۲۳ تاریخ یهود شاهد عالمانی دنیاگرا و بی تقوا *

خلف ورثوا الکتب یأخذون عرض هذا الأدنی . .. و الدار الأخره خیر للذین یتقون

جمله <ورثوا الکتب>، هم می توانـد نـاظر به این باشـد که یهودیان مورد بحث مردمی بودنـد که تورات نسل به نسل به آنها رسـیده و در دسترس آنـان بود، و هم می توانـد حـاکی از آگـاهی کـافی آنهـا به تورات و محتوای آن باشـد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳

- ۲۳ - ۶

۶ عدم قبول حکمیت تورات از سوی برخی عالمان یهود ، به دنبال ارائه پیشنهاد آن از جانب پیامبر اکرم ( ص )

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب . .. هم معرضون

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که درباره آیه مورد بحث نقل شده است. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۳

۳ سرزنش اهل کتاب ( علمای یهود و نصارا ) به خاطر محاجّه و انتساب ناآگاهانه ابراهیم ( ع ) به یهودیّت و نصرانیّت

فلم تحاجّون فیما لیس لکم به علم

آنچه یهودیان و نصارا بدان علم نداشتند و درباره آن احتجاج می کردند، انتساب ابراهیم به یهودیت و نصرانیت بوده و لذا به خاطر آن، سرزنش شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۱،۳

۱ آمیختن آگاهانه حق به باطل و کتمان آن توسط علمای یهود و نصارا ، و نکوهش آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون الحق و انتم تعلمون

۳ علم و آگاهی علمای یهود و نصارا به حقّانیّت قرآن و رسالت پیامبر ( ص )

یا اهل الکتاب . .. و انتم تعلمون

با توجه به اینکه محور اختلاف اهل کتاب با مسلمانان در حقانیت قرآن و پیامبر (ص) بوده، معلوم می شود منظور از کلمه <الحق>، قرآن و رسالت پیامبر (ص) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۴،۸

۴ عالمان یهود ،

دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا ( حقایق مربوط به پیامبر ( ص ) )

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم

بـا توجّه به شـأن نزول، مقصود از <عهـد اللّه>، حقـایق مربوط به پیـامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

۸ محرومیّت عالمان یهود ، سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، از بهره های اخروی

انّ الّذین یشترون . .. اولئک لا خلاق لهم فی الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۵

۵ انتظار ستایش عالمان یهود و نصارا از پیروانشان به جهت بیان نکردن حقایقی از تورات و انجیل

لا تحسبنّ الّذین . .. یحبّون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

بنابر اینکه مراد از <ما لم یفعلوا> (آنچه را انجام ندادنـد)، وفادار نبودنشان به پیمان الهی و کتمان حقایق باشد که در آیه قبل به آن تصـریح شد. و انتظار سـتایش شاید بدان جهت بوده که آنان با کتمان حقایق، دین اجدادی مردم خویش را محفوظ می داشتند و لذا فاعل محذوف در <یُحمدوا> به پیروان آنان تفسیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۵

۱۵ نادیده گرفتن آیات بیانگر حقّانیّت قرآن و پیامبر ( ص ) در تورات از سوی علمای یهود ، به خاطر متاع اندک دنیا

انّ من اهل الکتب لمن . .. لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلا

تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۴ – ۲،۱۱

۲ آگاهی ناقص دانشمندان یهود به تورات

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب

بدان احتمال که <من> در <من الذین هادوا آیه ۴۶ > بیانیه باشد.

۱۱ سوء استفاده علمای یهود و دانشمندان اهل کتاب از علم و مقام خویش برای گمراهی مسلمانان

الم تر الی الذین . .. ان تضلوا السبیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۲ – ۱،۲

۱ وجود دانشمندان ژرفنگر و مؤمنانی واقعی در میان یهودیان

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک

ظاهراً مراد از <المؤمنون>، یهودیان با ایمان می باشد، یعنی <المؤمنون منهم> و کلمه <منهم> به قرینه فراز قبل حذف شده است.

۲ عالمان ژرفنگر یهود و مؤمنان واقعی آنها ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۵۲

۵۲ پیشوایان یهود ( ربانیون ) ، دارای جایگاهی پایینتر از انبیا و منزلتی برتر از علمای یهود ( احبار )

یحکم بها النبیون . .. للذین هادوا و الربنیون و الاحبار

از امام صادق(ع) روایت شده که آن حضرت پس از تلاوت آیه فوق فرمود: فهذه الائمه دون الانبیاء الذین یربون الناس بعلمهم و اما الاحبار فهم العلماء دون الربانیین . .. .

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۱۹; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۳۴، ح ۲۰۶.

علماى يهود و اسلام

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۴

۱۴ - عالمان یهود ، دارای نقش بسزا در بازداری مردم خویش از ایمان آوردن به پیامبر ( ص ) و اسلام

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم و قد کان فریق منهم

جمله <و قد کان . ..> می تواند دلیل قطع امید از ایمان آوردن عالمان یهود باشد و می تواند علت قطع امید از ایمان آوردن عامه یهود باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است; یعنی، یهودیان ایمان نمی آورند; زیرا عالمانشان به خاطر تحریفگر بودن، اجازه نخواهند داد حقایق - همان گونه که هست - به دست مردم برسد و زمینه های ایمان در آنان شکوفا شود.

علمای یهود و انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۲

۳۲ ضرورت درس آموزی عالمان یهود از انبیا ، احبار و ربانیون ، در خداترسی و بی پروایی از مردم

یحکم بها النبیون . .. فلاتخشوا الناس و اخشون

تفریع جمله <فلاتخشوا الناس> بر <یحکم بها النبیون> با کلمه <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

علمای یهود و تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱

۱ بهره اندک علمای یهود از تورات

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب

۲ کلمه <نصیباً> با توجّه به نکره بودن آن، دلالت بر بهره اندک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۷

۲۷ عدم پایبندی سران و عالمان یهود به احکام تورات

یحرفون الکلم من بعد مواضعه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۱،۱۲،۱۶

۱۱ عالمان یهود برخی از حقایق تورات را برای مردم بیان می کردند و بسیاری از حقایق آن را از مردم پنهان می ساختند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۲ عالمان یهود مانع دسترسی مردم به حقایق کتاب آسمانی خود (تورات) بودند.

هدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۶ عالمان یهود با پنهان کردن بسیاری از معارف تورات آن را تحریف کردند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

کتمان بسیاری از نوشته های تورات از دید و اطلاع مردم طبیعتاً منجر به فراموش شدن آن قسمتها می شود و در نتیجه کتاب آسمانی به شکل ناقص در اختیار مردم قرار می گیرد که این خود نوعی تحریف است.

علمای یهود و سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۸،۱۲

۸ - پیشوایان یهود ، بازگویی صفات پیامبر موعود و اعتراف به حقانیت او را ، نشانه بی خردی بازگو کننده می شمردند .

أتحدثونهم . .. أفلا تعقلون

۱۲ - پیشوایان و عالمان یهود ، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را ، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد ، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم . .. أفلا تعقلون

علمای یهود و قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ – عالمان یهود و نصارا ، به خوبی می دانستند که قبله شدن مسجدالحرام ، فرمانی از ناحیه خداوند است

.

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

<لام> تأكيد در <ليعلمون> بيانگر اين است كه: اهل كتاب هيچ ترديدى نداشتند و به روشنى مى دانستند كه تغيير قبله حق و از ناحيه خداوند است.

علماى يهود و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ - عالمان يهود در عصر پيامبر ( ص ) ، به الهى بودن قرآن آگاهى كامل داشتند .

و هم يعلمون

برداشت فوق، مبتنى بر اين است كه مفعول <يعلمون> به قرينه <يسمعون كلام اللّه> الهى بودن كلامى باشد كه براى آنان قراءت مى شده است; يعنى: <و هم يعلمون ان الذى يسمعونه كلام اللّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل كتاب (عالمان يهود و نصارا) آگاه به حقانيت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذين ءاتينهم الكتب يعلمون أنه منزل من ربك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۲

۲ - پيشگويى علماى يهود و نصارا ، در باره آمدن قرآن و ظهور پيامبر اسلام ( ص )

أوَلم يكن لهم ءايه أن يعلمه علمؤا بنى إسرءيل

برداشت ياد شده با توجه به اين نكته است كه صرف آگاهى و اطلاع علماى بنى اسرائيل تا زمانى كه اطلاعات خود را در اختيار ديگران قرار نداده اند، نمى تواند آيه و نشانه باشد.

علمای یهود و کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۲ – ۱،۷

۱ اهل کتاب ( علمای یهود )

مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

۷ همسویی اهل کتاب ( علمای یهود ) با کافران و مشرکان ، تلاشی برای فراهم آوردن نیرو و یاور علیه مسلمانان *

الم تر الی الّذین . .. و یقولون للّذین کفروا ... فلن تجد له نصیراً

جمله <فلن تجد له نصیراً> پس از بیان همسویی یهود با مشرکان، می تواند بیانگر این معنا باشد که یهودیان به منظور یاری طلبی علیه مسلمانان، با مشرکان همسو شدند.

علمای یهود و کتمان حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۲ – ۱

۱ اهل کتاب ( علمای یهود ) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۲۵

۲۵ خداوند ، بر حذر دارنده عالمان یهود از کتمان حقایق تورات

و کانوا علیه شهداء فلاتخشوا الناس

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <فلاتخشوا . ..> مضمونی باشد که از <کانوا علیه شهداء> به دست می آید. یعنی در اظهار آنچه در تورات است، از مردم نترسید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۱۲

۱۲ – پیشوایان و عالمان یهود ، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را ، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد ، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أتحدثونهم بما فتح اللّه عليكم . .. أفلا

تعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۹ – ۶،۱۰

۶ – عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر ( ص ) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذین یکتمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

۱۰ – علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. أولئک یلعنهم اللّه و یلعنهم اللعنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۶ – ۵

۵ – حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتمون . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۱۱،۱۲،۱۳،۱۶

۱۱ عالمان یهود برخی از حقایق تورات را برای مردم بیان می کردند و بسیاری از حقایق آن را از مردم پنهان می ساختند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۲ عالمان یهود مانع دسترسی مردم به حقایق کتاب آسمانی خود (تورات) بودند.

هدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۳ تورات مشتمل بر حقایقی بوده، که بیان آن به نفع و مصلحت عالمان یهود نبوده است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۶ عالمان یهود با پنهان کردن بسیاری از معارف تورات آن را تحریف کردند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

کتمان بسیاری از نوشته های تورات از دید و اطلاع مردم طبیعتاً منجر به فراموش

شدن آن قسمتها می شود و در نتیجه کتاب آسمانی به شکل ناقص در اختیار مردم قرار می گیرد که این خود نوعی تحریف است.

علمای یهود و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۷

۷ عالمان ژرفنگر یهود ، خواسته نابجا از پیامبر اسلام ( ص ) نداشته و از صفات زشت و اعمال ناروای یهودیان ( پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و . . . ) بر حذر بودند .

یسئلک أهل الکتب . .. لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون

خداوند در آیه ۱۵۳ تا آیه مورد بحث بهانه گیریها و صفات زشت اهل کتاب و به خصوص یهودیان را بیان نموده و آیه مورد بحث با کلمه <لکن> مؤمنان واقعی و عالمان ژرفنگر را، استثنا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۱،۲۴،۲۵

۲۱ عالمان یهود با اعزام گروهی از منافقان و یهودیان به حضور پیامبر ( ص ) ، جویای حکم وی درباره قضیه مورد اختلاف در بین یهودیان شدند .

سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک

۲۴ تحریکات پشت پرده عالمان یهود علیه پیامبر ( ص ) و اسلام

سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک . .. ان اوتیتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

۲۵ امتناع عالمان تحریفگر یهود از رویارویی با رسول خدا ( ص ) ، از ترس افشای دروغ ها و تحریفهایشان *

سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم من بعد مواضعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۵ - عالمان و پیشوایان یهود ، مردم خویش را از بازگویی صفات پیامبر موعود و اعتراف به انطباق آن به رسول اکرم ( ص ) ، بر حذر می داشتند .

قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

استفهام در <أتحدثونهم> انکار توبیخی است.

۶ - ناتوانی مسلمانان از احتجاج علیه یهود در پیشگاه خدا ، توجیه عالمان یهود برای بازداری مردم خویش از بازگویی و نشر صفات پیامبر موعود

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

۸ - پیشوایان یهود ، بازگویی صفات پیامبر موعود و اعتراف به حقانیت او را ، نشانه بی خردی بازگو کننده می شمردند .

أتحدثونهم . .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۶

۱۶ - < و قیل کتابتهم بأیدیهم انهم عمدوا إلی التوراه و حرفوا صفه النبی ( ص ) لیوقعوا الشک بذلک للمستضعفین من الیهود و هو المروی عن ابی جعفر ( ع ) . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که: <علمای یهود به سراغ تورات رفتند و اوصاف حضرت محمد(ص) را در آن تغییر دادند تا به این وسیله در دل مستضعفان فکری یهود، شک ایجاد کنند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۸

۸ - انگیزه عالمان یهود از نادیده گرفتن بشارت های تورات ، ایجاد زمینه برای انکار رسالت پیامبر ( ص ) بود .

و لما جاءهم رسول . .. نبذ فریق من الذین أوتوا الکتب کتب اللّه وراء ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٣ - شعراء

- ۲۶ - ۱۹۷ - ۲

۲ - پیشگویی علمای یهود و نصارا ، در باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام ( ص )

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

علمای یهود و مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۴

۱۴ - عالمان یهود ، دارای نقش بسزا در بازداری مردم خویش از ایمان آوردن به پیامبر ( ص ) و اسلام

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم و قد کان فریق منهم

جمله <و قد کان . ..> می تواند دلیل قطع امید از ایمان آوردن عالمان یهود باشد و می تواند علت قطع امید از ایمان آوردن عامه یهود باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است; یعنی، یهودیان ایمان نمی آورند; زیرا عالمانشان به خاطر تحریفگر بودن، اجازه نخواهند داد حقایق - همان گونه که هست - به دست مردم برسد و زمینه های ایمان در آنان شکوفا شود.

علمای یهود و مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ داوری ظالمانه علمای یهود نسبت به مسلمانان

الم تر الی الّذین . .. و یقولون للّذین کفروا هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلاً

۱۱ موضعگیری مشترک عالمان یهود و مشرکان مکه علیه اهل ایمان

الم تر الی الّذین . .. و یقولون للّذین کفروا هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلاً

نکوهش اهل کتاب ( علمای یهود ) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الی الّذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون

جمله <الم تر . .. > دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱

۱ اهل کتاب ( علمای یهود ) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۶

۶ - ناتوانی مسلمانان از احتجاج علیه یهود در پیشگاه خدا ، توجیه عالمان یهود برای بازداری مردم خویش از بازگویی و نشر صفات پیامبر موعود

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

علمای یهود و مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۷

۷ همسویی اهل کتاب ( علمای یهود ) با کافران و مشرکان ، تلاشی برای فراهم آوردن نیرو و یاور علیه مسلمانان *

الم تر الی الّذین . .. و یقولون للّذین کفروا ... فلن تجد له نصیراً

جمله <فلن تجد له نصیراً> پس از بیان همسویی یهود با مشرکان، می تواند بیانگر این معنا باشد که یهودیان به منظور یاری طلبی علیه مسلمانان، با مشرکان همسو شدند.

علمای یهود و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۵،۱۶

۵ - عالمان و پیشوایان یهود ، مردم خویش را از بازگویی صفات پیامبر موعود و

اعتراف به انطباق آن به رسول اکرم ( ص ) ، بر حذر می داشتند .

قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

استفهام در <أتحدثونهم> انکار توبیخی است.

۱۶ - سوء استفاده عالمان یهود ، از ضعف بینش های دینی و اعتقادی مردم خویش

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

عمل ناپسند یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ ( کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . . ) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما . ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۳

۳ - یهود ، مردمی گنهکار و دارای کردارهایی ناروا

و لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

مراد از <ما> در <ما قدمت أیدیهم> (آنچه را پیش فرستادند) گناهان و اعمال نارواست.

عمل نیاکان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۹

۹ - مؤاخذه یهود به خاطر رفتار ناصواب نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتسئلون عما کانوا یعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت

که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

عمل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، ناظر بر رفتار و کردار برخاسته از دنیاپرستی یهود است .

و اللّه بصیر بما یعملون

عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱

۱ - جامعه یهود در عصر بعثت متشکل از عالمانی معاند و عوامی ناآگاه

و قد کان فریق منهم . .. و منهم أمیون لایعلمون الکتب إلا امانی

چنانچه در آیه <۷۵> گذشت، مراد از <فریق منهم> - به قرینه صفات شمرده شده بر آنان - عالمان یهود است.

عوام یهود و پیامبر موعود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱

۱ - عوام ، یهود در حضور مسلمانان به حقانیت پیامبر اسلام ( ص ) و انطباق نشانه های پیامبر موعود ، بر آن حضرت اعتراف می کردند .

و إذا لقوا الذین ءامنوا قالوا ءامنا . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

جمله <أتحدثونهم . ..; چرا حقایقی که خدا در اختیار شما نهاده به مسلمانان باز می گویید؟> دلالت بر این دارد که مراد از <آمنا> بیان ویژگیهای پیامبر موعود در تورات و تطبیق آن با رسول اکرم(ص) است. بنابراین <آمنا>; یعنی، ما تصدیق می کنیم که محمد(ص) همان پیامبر موعود است و ویژگیهای بیان شده بر او تطبیق می کند.

عوام یهود و تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

- ۷۸ - ۳،۴،۶

۳ - عوام یهود ، ناآگاه به محتوای کتاب آسمانی خویش ( تورات )

لایعلمون الکتب

۴ - عوام یهود ، خیالات واهی و نسبت داده شده به تورات را به عنوان کتاب آسمانی و دستورات الهی پذیرفته بودند .

لایعلمون الکتب إلا امانی

<امانی> (جمع امنیه) به معنای خیالات واهی و دروغهای بافته شده است. استثنا در جمله فوق، استثنای منقطع است. بنابراین <لا یعلمون ...>; یعنی، عوام یهود به محتوای تورات آگاهی ندارند، بلکه خیالات واهی و مطالب دروغین را به عنوان کتاب می شناسند.

۶ - بی سوادی عوام یهود و آگاهی نداشتن آنان از تورات ، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از آنها

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. و منهم أمیون لایعلمون الکتب إلا امانی

جمله <منهم أمیون> عطف بر <قد کان فریق . ..> در آیه <۷۵> است. بنابراین آیه مورد بحث نیز بیانگر علت برای <أفتطمعون ...> می باشد.

عوام یهود و عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۳

۳ - عذاب نشدن یهودیان گنهکار در قیامت به جز عذابی اندك ، از خیالات واهی و خام عوام یهود

لایعلمون الکتب إلا أمانی . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

در برداشت فوق، جمله <قالوا . ..> بیان مصداقی از <أمانی> در آیه ۷۸ گرفته شده است.

عوام یهود و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۴

۴ – عوام یهود ، خیالات واهی و نسبت داده شده به تورات را به عنوان کتاب آسمانی و دستورات الهی

پذیرفته بودند .

لایعلمون الکتب إلا امانی

<امانی> (جمع امنیه) به معنای خیالات واهی و دروغهای بافته شده است. استثنا در جمله فوق، استثنای منقطع است. بنابراین <لا یعلمون ...>; یعنی، عوام یهود به محتوای تورات آگاهی ندارند، بلکه خیالات واهی و مطالب دروغین را به عنوان کتاب می شناسند.

عوام یهود و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱

۱ - عوام ، یهود در حضور مسلمانان به حقانیت پیامبر اسلام ( ص ) و انطباق نشانه های پیامبر موعود ، بر آن حضرت اعتراف می کردند .

و إذا لقوا الذین ءامنوا قالوا ءامنا . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

جمله <أتحدثونهم . ..; چرا حقایقی که خدا در اختیار شما نهاده به مسلمانان باز می گویید؟> دلالت بر این دارد که مراد از <آمنا> بیان ویژگیهای پیامبر موعود در تورات و تطبیق آن با رسول اکرم(ص) است. بنابراین <آمنا>; یعنی، ما تصدیق می کنیم که محمد(ص) همان پیامبر موعود است و ویژگیهای بیان شده بر او تطبیق می کند.

عوامل تعطیلی شنبه در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۳

۳- اختلاف یهود در تعیین روز تعطیلی ، عامل معین شدن روز شنبه برای آنان

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فیه

برداشت فوق بنابراین نکته است که <جعل السبت> معلول و پیامد <اختلفوا فیه> باشد و ضمیر <فیه> به معنای لغوی سبت که روز تعطیل است باز گردد و نه به معنای اصطلاحی آن که روز شنبه است.

عوامل دشمنی یهود

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۵

۵ - نزول قرآن بر پیامبر ( ص ) توسط جبرئیل ، موجب دشمنی و کینه توزی یهود با او گردید .

من كان عدواً لجبريل فإنه نزله على قلبك بإذن اللّه

جمله <فانه . ..> (جبرئیل به اذن خدا قرآن را بر قلب تو فرود آورد) بیانگر منشأ کینه توزی یهود با جبرئیل است.

عوامل ذلت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۳

۲۳ - سزای یهودیانی که کتاب آسمانی را تبعیض کردند ( به برخی از تورات عمل کرده و برخی را وانهادند ) ، خفت و خواری در دنیاست .

أفتؤمنون ببعض . .. فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلّا خزى فى الحيوه الدنيا

عوامل سرور یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۴

۴ نزول قرآن بر پیامبر ( ص ) مایه سرور و شادمانی گروهی از یهود و نصارا بود .

والذين ءاتينهم الكتب يفرحون بما أُنزل إليك

جمله <و من الأحزاب . ..> (برخی از یهود و نصارا بخشی از قرآن را نمی پذیرند) حکایت از آن دارد که مراد از <الذین ... یفرحون> همه یهود و نصارا نیستند. از این رو در برداشت سرور و شادمانی به گروهی از آنان نسبت داده شد.

عوامل شکست یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۸،۹

۸ – قدرت مطلق خداوند ، عامل شکست یهود بنی قریظه و پیروزی مسلمانان مدینه

بود .

أنزل الذين ظهروهم . .. فريقًا تقتلون ... وكان اللّه على كلّ شیء قديرًا

۹ – قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشـی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب . .. و أورثكم أرضهم ... و كان اللّه على كلّ ش

عوامل قساوت قلب یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۶ – ۱۹

۱۹ – قسـاوت قلب و سـنگدلی یهود و نصارا ، نتیجه بی تفاوتی دراز مـدت آنان در برابر تعالیم و رهنمود های کتاب آسـمانی شان ( تورات و انجیل )

و لايكونوا كالذين أُوتوا الكتب من قبل فطال عليهم الأمد فقست قلوبهم

عوامل کفر یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۱ – ۱۴

۱۴ – قوم گرایی و نژاد پرستی یهود ، از عوامل کفر ورزی آنان به قرآن

قالوا نؤمن بما أنزل علينا و يكفرون بما وراءه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۹ – ۷

۷ – فسق و انحراف یهودیان ، موجب کفرشان به قرآن و آیات الهی است .

و ما يكفر بها إلا الفسقون

مصداق روشن برای <الفاسـقون> – به قرینه آیات قبل و بعد – یهودیان هستند. آیات پیشین برخی از بهانه های یهود را برای

اعراض از ایمان یادآور شده و آیه مورد بحث بیان می دارد که ریشه اصلی اعراض یهود از ایمان انحراف و فسق پیشگی آنان است.

عوامل کیفر یهود

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۳

۳- تکالیف فزون تر یهود در مقایسه با دیگر امت ها ، برای کیفر و مجازات آنان بود نه به خاطر دفع ضرر و مفسده از آنان .

و علی الذین هادوا حرّمنا

تحریم هر چیزی در دین برای دفع مفسده و ضرر است و تحریم اختصاصی برای یهودیان، این مطلب را می رساند که این تحریم به خاطر امر دیگری است و گرنه برای همه مکلفان حرام می شد و جمله <لکن کانوا أنفسهم یظلمون> نشان می دهد که فلسفه این تحریم، کیفر ظلم آنان بود. گفتنی است که در جمله <جزیناهم ببغیهم> (در آیه ۱۴۶ سوره انعام) به این مطلب تصریح شده است.

عوامل محرومیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۴،۵

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم اللّه بکفرهم

۵ - کفر ورزی یهود ، موجب محروم شدن آنان از رحمت الهی است .

لعنهم اللّه بکفر هم

<باء> در <بکفر> سببیه است.

عوامل مخالفت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک ، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أُمرت أن أعبد الله

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ینکر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب ، اصرار قرآن بر توحید و

نفی شرک است.

عوامل معذوریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۳

۳ - یهودیان ، ناتوانی خویش را از پذیرش اسلام ، برخاسته از فطرت و خلقت خویش پنداشته ، خود را معذور می دانستند .

و قالوا قلوبنا غلف

جمله <لعنهم اللّه یکفرهم> (خدا یهودیان را بسزای کفرشان لعنتشان کرده است) با جمله تفریع شده بر آن (فقلیلا ما یؤمنون; و لذا کمتر ایمان می آورند) به خوبی می رساند که: ادعای یهود مبنی بر ناتوانی از درک معارف اسلام ادعای صحیحی است. بنابراین کلمه <بل> رد معنای مطابقی <قلوبنا غلف> نیست; بلکه نفی معنایی است که می توان گفت مقصود اصلی یهودیان بوده و آن معذور بودن به خاطر درک نکردن است.

عوامل نجات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ - رهایی یافتن یهود از خواری و درماندگی و برطرف شدن غضب الهی از آنان ، در گرو ایمان واقعی ایشان به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح است .

ضربت علیهم الذله و المسکنه . .. من ءامن باللّه و الیوم الأخر و عمل صلحاً فلهم أج

در آیه قبل بیان شد که یهود بر اثر کفر و گناه به خواری، ذلت و غضب گرفتار شدند. آیه مورد بحث خصوصاً با توجه به اینکه از یهودیان نام برده (والذین هادوا) می تواند اشاره به این باشد که: راه نجات یهود از آن سرنوشت شوم ایمان و عمل صالح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷

۹ - ۱۶۷ -

۹ توبه و بازگشت به خدا ، راه نجات یهودیان از ذلت و بیرون آمدن از سلطه عذاب کنندگان ایشان است .

و إذ تأذن ربک لیبعثن . .. و إنه لغفور رحیم

هدف از تذکر بخشایشگری و مهربانی خداوند پس از بیان گرفتاری یهودیان به شکنجه و سلطه دیگران، این است که آنچه بر یهود از جانب خداوند مقدّر شده است، تا زمانی است که از فرمانهای الهی سرپیچی کنند.

عوامل یأس یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۴

۴ - یهودیان ، به خاطر ارتکاب گناهان ، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

عهد خدا با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۹

۹ - خداوند ، هرگز اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده و با آنان در این باره عهد و پیمانی نبسته است .

أتخذتم عند اللّه عهداً

همزه استفهام در <أتخذتم> انکار ابطالی است; یعنی، چنین عهد و پیمانی نزد خدا ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱،۱۱،۱۲

۱ خداوند ، با برافراشتن کوه طور بر سر یهود به منظور تهدید آنان ، از ایشان پیمان گرفت .

و رفعنا فوقهم الطور بمیثقهم

<طور> علم است برای کوهی مخصوص و گفته شده <طور> به معنای مطلق کوه است (مفردات)، باء در <بمیثقهم> سببیه است و بدیهی است که خود میثاق نمی تواند دلیل و سبب باشد بر اینکه خداوند کوه طور

را بر سر آنان برافرازد. بنابراین می توان گفت گرفتن میثاق علت برای برافراشتن کوه طور بوده است.

۱۱ خداوند برای اجرای فرامین و رعایت حدود خویش ، از یهودیان پیمانی محکم گرفت .

و قلنا لهم . .. و أخذنا منهم میثقاً غلیظاً

۱۲ ورود خاضعانه به بیت المقدس و رعایت قانون تعطیلی روز شنبه ، از جمله پیمان های خداوند با یهود

و قلنا لهم ادخلوا . .. و أخذنا منهم میثقاً غلیظاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱۰

۱۰ نسبت ندادن امور ناروا به خدا ، از پیمان های خداوند با یهودیان

ألم یؤخذ علیهم میثق الکتب أن لا یقولوا علی اللّه إلا الحق

عهد محمد(ص) با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۳

۳ پیامبر ( ص ) بار ها از یهودیان پیمان گرفت و آنان همواره پیمان خویش را شکستند .

الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

برخی برآنند که مراد از <الذین عهدت> مشرکان مکه هستند، ولی مشهور مفسران گفته اند مقصود یهودیانی هستند که در عصر بعثت در اطراف مدینه سکونت گزیده بودند.

عهد یهود با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱

۱ - یهودیان ، در طول تاریخ خویش عهد ها و پیمانهایی را با خدا و پیامبران بسته بودند .

أو کلما عهدوا عهداً

جمله <کلما عاهدوا . ..> (هرگاه عهدی می بندند) دلالت بر عهدها و پیمانهای متعدد دارد. قرینه هایی همانند <بل أکثرهم لایؤمنون> دلالت

بر آن دارد که مراد از عهدهای مطرح شده در آیه، عهدهایی است که یهود با خدا و پیامبران داشتند.

عهد یهود با خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۰ – ۱،۳

۱ – یهودیان ، در طول تاریخ خویش عهد ها و پیمانهایی را با خدا و پیامبران بسته بودند .

أو کلما عهدوا عهداً

جمله <کلما عاهدوا . ..> (هرگاه عهدی می بندند) دلالت بر عهدها و پیمانهای متعدد دارد. قرینه هایی همانند <بل أکثرهم لایؤمنون> دلالت بر آن دارد که مراد از عهدهای مطرح شده در آیه، عهدهایی است که یهود با خدا و پیامبران داشتند.

۳ – یهود ، مورد توبیخ و سرزنش خداوند به جهت عهدشکنی و نقض پیمان های الهی

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم

استفهام در <أو کلما . ..> انکار توبیخی است.

عهدشکنان یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۴ – ۴

۴ فزونی پیمان شکنان یهود نسبت به پیمان شکنان نصارا

فبما نقضهم . .. و من الذین قالوا إنّا نصری

<من الذین> خبر مبتدای محذوف است. یعنی <من الذین قالوا انا نصاری قوم اخذنا میثاقهم>، بنابراین آیه شریفه، تنها سخن از پیمان شکنی گروهی ازمسیحیان را مطرح کرده است. به خلاف آنچه درباره یهود بیان داشت که همه آنها، جز اندکی، پیمان شکن بودند.

عهدشکنی اکثریت یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۰ – ۱۰

۱۰ – اکثر یهودیانی که به عهد های الهی وفا نکردند ، به آن عهد و پیمان ها ، ایمان

و اعتقاد نداشتند .

كلما عهدوا عهداً نبذه فريق منهم بل اكثرهم لايؤمنون

اين برداشت بـدان احتمال است كه متعلق <يؤمنون> عهـدها و پيمانها باشـد; يعنى، اكثر عهدشـكنان، آن عهد و پيمانها را به قلب و دل خـويش نپـذيرفته بودنـد اگر چـه تظـاهر بـه پـذيرش آن مى كردنـد. گفتنى اسـت كـه در برداشـت فـوق ضـمير در <أكثرهم> به <فريق> برگردانده شده است.

عهدشكنى يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۲،۳،۸

۲ - تاريخ يهود ، آكنده از عهدشكنى و بى اعتنايى به پيمان هاى الهى است .

أو كلما عهدوا عهداً نبذه فريق منهم

<نبذ> به معناى انداختن و رها كردن است و در آيه شريفه كنايه از شكستن و نقض كردن مى باشد.

۳ - يهود ، مورد توبيخ و سرزنش خداوند به جهت عهدشكنى و نقض پيمان هاى الهى

أو كلما عهدوا عهداً نبذه فريق منهم

استفهام در <أو كلما . ..> انكار توبيخى است.

۸ - رواج عهدشكنى در ميان يهود ، نشانه فقدان ايمان در اكثريت آنان است .

أو كلما عهدوا عهداً نبذه فريق منهم بل اكثرهم لايؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۳،۱۳

۳ نقض ميثاق از سوى يهود ، سبب شد تا خداوند بر آنان خشم گيرد و كوه طور را بر سر آنان بالا برد .

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

برداشت فوق بر اين اسـاس است كه نقض ميثاق و تصـميم بر ادامه نقض ميثاق علت برافراشـتن كوه طور باشـد ; بنابراين جمله

<و رفعنا . ..> یعنی بدان سبب که پیمان الهی را شکستند و

تصمیم بر ادامه پیمان شکنی داشتند، به عنوان تهدید، کوه طور را بر سر آنان بالا برده و مسلط ساختیم.

۱۳ وجود زمینه های تخلف و پیمان شکنی در یهود

و أخذنا منهم میثقاً غلیظاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۵ – ۱۰۹

۱ یهود ، مردمی پیمان شکن و قاتل پیامبران

فبما نقضهم میثقهم و کفرهم بایت اللّه و قتلهم الأنبیاء بغیر حق

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم میثقهم . .. و قتلهم الأنبیاء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم . ..> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۲ – ۷

۷ عالمان ژرفنگر یهود ، خواسته نابجا از پیامبر اسلام ( ص ) نداشته و از صفات زشت و اعمال ناروای یهودیان ( پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و . . . ) بر حذر بودند .

یسئلك أهل الکتب . .. لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون

خداوند در آیه ۱۵۳ تا آیه مورد بحث بهانه گیریها و صفات زشت اهل کتاب و به خصوص یهودیان را بیان نموده و آیه مورد بحث با کلمه <لکن> مؤمنان واقعی و عالمان ژرفنگر را، استثنا کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۸

۸ هشدار خداوند به یهودیان نسبت به شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم

قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۷،۸

۷ یهود و نصارا هرگز به تعهدات و روابط خویش با مسلمانان پایبند نخواهند بود .

بعضهم أولیاء بعض

۸ پایبند نبودن یهود و نصارا به تعهدات خویش نسبت به مسلمانان ، فلسفه حرمت ایجاد روابط با آنان

لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱۲

۱۲ یهودیان به تورات و پیمان های الهی پایبند نبودند .

ألم یؤخذ علیهم میثق الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۳،۱۰

۳ پیامبر ( ص ) بار ها از یهودیان پیمان گرفت و آنان همواره پیمان خویش را شکستند .

الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

برخی برآنند که مراد از <الذین عهدت> مشرکان مکه هستند، ولی مشهور مفسران گفته اند مقصود یهودیانی هستند که در عصر بعثت در اطراف مدینه سکونت گزیده بودند.

۱۰ بی پروایی یهودیان کفرپیشه از پیمان شکنی های مکرر

و هم لایتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۶

۶ پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرّد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر ( ص ) ، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه ۵۶ گذشت، مشهور مفسران برآنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از <الذین کفروا> هستند.

عهدشکنی یهود با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ یهودیان عصر بعثت بی هیچ ترس و پروایی از پیامبر ( ص ) و مسلمانان ، پیمانهایشان را نقض می کردند .

و هم لایتقون

برای فعل <یتقون> چندین متعلق می توان لحاظ کرد ; از جمله ضمیر <ک> که خطاب به پیامبر(ص) باشد و یا کلمه ای همانند <المؤمنین>.

عهدشکنی یهود با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ یهودیان عصر بعثت بی هیچ ترس و پروایی از پیامبر ( ص ) و مسلمانان ، پیمانهایشان را نقض می کردند .

و هم لایتقون

برای فعل <یتقون> چندین متعلق می توان لحاظ کرد ; از جمله ضمیر <ک> که خطاب به پیامبر(ص) باشد و یا کلمه ای همانند <المؤمنین>.

عهدشکنی یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۴

۴ یهودیان مدینه در عصر بعثت نمونه پست ترین جنبندگان به سبب اصرارشان بر کفر و از میان بردن زمینه های ایمان در خویش و شکستن پیمانها

إن شر الدواب عنداللّه الذین کفروا . .. الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم

عیبجویی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ گفته های یهود با پیامبر ( ص ) ، آمیخته با عیبجویی به آیین اسلام

راعنا لیّاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

<طعناً فی الدین> به معنای ضربه وارد کردن در دین با ناسزاگویی و عیبجویی است.

گفتنی است که <طعنا> حال برای فاعل <یقولون> است ; یعنی <یقولون کذا طاعنین فی الدین>.

غرور علمی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۰

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا ، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است. یعنی <بقولهم ... لعناهم.

غرور یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۶

۶ یهودیان ، مردمی خودبین و مغرور

قالوا انّ اللّه فقیر و نحن اغنیاء

غصب در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۴،۵

۴ یهودیان با اسباب غیر مشروع و باطل اموال دیگران را تصاحب می کردند .

و أکلهم أمول الناس بالبطل

کلمه <باء> در <بالبطل> سببیه است و مراد از <اموال الناس> می تواند ثروتهای متعلق به جامعه همانند معادن، جنگلها و . .. باشد و می تواند مقصود از آن داراییهای شخصی دیگران باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است گفتنی است مراد از <اکل> خصوص خوردن نیست بلکه هر نوع تصرفی منظور است.

۵ یهودیان با اسباب باطل و غیر مشروع اموال عمومی و متعلق به جامعه را تصاحب می کردند .

و أكلهم أمول الناس بالبطل

بدان احتمال كه مراد از <اموال الناس> اموال عمومى كه متعلق به همه مردم است، باشد.

غصب علماى يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۲

۲

بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا ، اموال مردم را به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع ، تصاحب می کردند .

إن كثيراً من الأحبار و الرهبان ليأكلون أمول الناس بالبطل

غفلت یهود از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا محتوای اساسی دین را ( ایمان به خدا ، سرای آخرت و . . . ) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله ، به بحث و مشاجره می پرداختند .

ليس البر أن تولوا وجوهكم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان نقل شده است: <آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. >

غلو یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۳

۳ یهود و نصارا مردمی آلوده به غلو و گزافه گویی در دین

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

با توجه به سیاق آیه معلوم می شود، غلو و تجاوز تحقق پیدا کرده نه اینکه نهی از غلو تنها برای پیشگیری باشد.

فاسقان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ قوم موسی ، مردمانی فاسق و نافرمان

إنّا لن ندخلها . .. فلاتأس على القوم الفسقين

فرار یهود از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۲ – ۹۵ – ۲

۲ – گریز یهود از آرزوی مرگ ، نشانه نادرستی ادعای آنان ( بهشتی بودنشان ) است .

فتمنوا الموت إن کنتم صدقین. و لن یتمنوه أبداً

فراموشی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۱۹

۱۹ تحریف نشانه های پیامبر اسلام ( ص ) در تورات و به فراموشی سپردن آن توسط یهود *

یحرفون الکلم . .. و نسوا حظاً مما ذکروا به

به احتمال اینکه مراد از <الکلم> و <ما ذکروا به> به قرینه مقام ، نشانه های پیامبر(ص) در تورات باشد.

فرجام اخروی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۸ – ۶

۶ – تهدید یهودیان از سوی خداوند ، به فرجام بد و ناگوار اخرویشان

إنّ الموت الذی تفرّون منه . .. فینبّئکم بما کنتم تعملون

فرجام شوم یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۸ – ۶

۶ – تهدید یهودیان از سوی خداوند ، به فرجام بد و ناگوار اخرویشان

إنّ الموت الذی تفرّون منه . .. فینبّئکم بما کنتم تعملون

فرجام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۶،۲۷

۲۶ اصرار یهود بر انحرافات اعتقادی خویش تا قیامت

قالت الیهود یداللّه مغلوله . .. القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

چون دشـمنی یهود با یکـدیگر، کیفر انحرافات رفتاری و اعتقادی آنان است و این عقوبت تا قیامت باقی می مانـد (. .. الی یوم القیمه)، معلوم می شود آنان همچنان به

اعتقادات انحرافی و رفتار ناپسند خویش پافشاری دارند.

۲۷ بقاء ملت و آیین یهود تا روز قیامت

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

فرجام یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۵

۵ توجه دادن یهودیان به فرجام شوم مخالفت با فرمان های الهی ، هدف از پرسش پیامبر ( ص ) از یهودیان درباره مردم ایله

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر

فرقه های یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۶

۲۶ تنها یک فرقه از هفتاد و یک فرقه یهود و یک گروه از هفتاد و دو گروه نصارا ، معتدل و متعهد به کتاب آسمانی خویشند .

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل . .. و کثیر منهم ساء ما یعملون

از رسول خدا(ص) روایت شده: تفرقت امه موسی علی احدی و سبعین مله (فرقه) سبعون منها فی النار و واحده فی الجنه و تفرقت امه عیسی علی اثنین و سبعین فرقه احدی و سبعون فرقه فی النار و واحده فی الجنه . .. حضرت علی(ع) هرگاه این حدیث را از رسول خدا(ص) نقل می کرد، این آیه را قرائت می فرمود: و لو ان اهل الکتاب امنوا ... و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل ... منهم ساء ما یعملون

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۵۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۱، ح ۲۸۸.

فساد مالی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱

۱ خداوند

، از فساد مالی و انحراف بسیاری از احبار و راهبان ( پیشوایان دینی یهود و نصارا ) پرده برداشته و مؤمنان را نسبت به خطر آنان هشدار داد .

یأیها الذین ءامنوا إن کثیراً من الأحبار و الرهبان لیأکلون أمول الناس بالبطل

فسق اکثریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۲۰

۲۰ - بسیاری از اهل کتاب ( یهود و نصارا ) ، فاسق و متمرداند .

و کثیر منهم فسقون

فسق یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۱۳،۱۴

۱۳ یهودیانِ ساکن ایله دارای پیشینه فسق و تبهکاری

بما کانوا یفسقون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ما> در <بما کانوا> مصدریه باشد ; یعنی: به سبب فسق و تبهکاری سابقشان آنان را این گونه آزمودیم.

۱۴ فسق و تبهکاری دیرینه مردم ایله ، موجب آزمون آنان با فراهم آوردن زمینه ای مساعد ( تسهیل ماهیگیری در شنبه و نایاب شدن ماهی در غیر آن روز ) برای سرپیچی از حکم تحریم صید

کذلك نبلوهم بما کانوا یفسقون

<کذلك> اشاره است به معنایی که از <إذ تأتیهم حیتانهم . .. > به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۷

۷ فسق و ستمگریِ یهودیان ایله ، مایه نزول عذاب الهی بر آنان شد .

أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس بما کانوا یفسقون

<ما> در <بما کانوا> مصدریه و <باء> سببیه است یعنی: أخذناهم بسبب فسقهم.

فسق یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۳ – ۵

۵ – یهودیان عصر بعثت ، به دلیل وابستگی به دنیا و فسق پیشگی زمینه های ایمان و تقوا را از دست داده بودند .

لبئس ما شروا به أنفسهم . .. و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه من عنداللّه خیر

به کارگیری <لو> امتناعیه در جمله <لو أنهم . ...> می نمایاند که: ایمان آوردن یهود و پرهیز از گناهانی همانند سحر، امری مشکل یا ممتنع بوده است. آیات پیشین – که سخن از دلبستگی شدید یهود به دنیا و فاسق بودن آنان داشت – می تواند بیانگر علت به وجود آمدن این روحیه در ایشان باشد.

فطرت یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۸ – ۳

۳ – یهودیان ، ناتوانی خویش را از پذیرش اسلام ، برخاسته از فطرت و خلقت خویش پنداشته ، خود را معذور می دانستند .

و قالوا قلوبنا غلف

جمله <لعنهم اللّه یکفرهم> (خدا یهودیان را بسزای کفرشان لعنتشان کرده است) با جمله تفریع شده بر آن (فقلیلاـ ما یؤمنون؛ و لذا کمتر ایمان می آورند) به خوبی می رساند که: ادعای یهود مبنی بر ناتوانی از درک معارف اسلام ادعای صحیحی است. بنابراین کلمه <بل> رد معنای مطابقی <قلوبنا غلف> نیست؛ بلکه نفی معنایی است که می توان گفت مقصود اصلی یهودیان بوده و آن معذور بودن به خاطر درک نکردن است.

فلسفه آسایش یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۸ – ۶

۶ بازگشت ناصالحان یهود به صلاح و صواب ،

از اهداف آزمون آنان با ایجاد سختی ها و آسایش ها در زندگانی ایشان بود .

و بلونهم بالحسنت و السیئات لعلهم یرجعون

چنانچه ضمیر در <بلوناهم> به ناصالحان برگردد، ارجاع ضمیر <لعلهم> به آنان طبیعی و روشن است. و اگر ضمیر در <بلوناهم> به همگان، صالح و ناصالح، برگردد، مرجع ضمیر <لعلهم> به طریقه استخدام، ناصالحان است.

فلسفه اختلاف یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۷ – ۱۲

۱۲ – اختلاف یهود درباره رسالت پیامبراکرم ( ص ) ، اختلافی مغرضانه و جاه طلبانه *

و ءاتینهم بیّنت من الأمر فما اختلفوا إلاّ من بعد ما جاءهم العلم . .. إنّ ربّک

برداشت بالا بدان احتمال است که <الأمر> نظر به رسالت پیامبراکرم(ص) داشته باشد. در این صورت اختلاف بنی اسرائیل نیز مربوط به همین مسأله می شود.

فلسفه امتحان یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۸ – ۶

۶ بازگشت ناصالحان یهود به صلاح و صواب ، از اهداف آزمون آنان با ایجاد سختی ها و آسایش ها در زندگانی ایشان بود .

و بلونهم بالحسنت و السیئات لعلهم یرجعون

چنانچه ضمیر در <بلوناهم> به ناصالحان برگردد، ارجاع ضمیر <لعلهم> به آنان طبیعی و روشن است. و اگر ضمیر در <بلوناهم> به همگان، صالح و ناصالح، برگردد، مرجع ضمیر <لعلهم> به طریقه استخدام، ناصالحان است.

فلسفه بغض در یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۴ – ۳۲

۳۲ ایجاد دشمنی و کینه توزی در بین یهود ، تدبیری الهی جهت خاموش نمودن جنگ

افروزی آنان علیه مسلمانان *

و القینا بینهم العدوه و البغضاء . .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

بـدان احتمال که جمله <کلما اوقـدوا . ..> بیان نتیجه ای برای جمله <القینا بینهم...> باشد ; وصل آن دو جمله بدون حرف عطف که حکایت از شدت اتصال مضمون آنها دارد، تأییدی برای برداشت فوق است.

فلسفه تبیین تاریخ یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ - تبیین علل ایمان نیاوردن جامعه یهود و بنی اسرائیل به اسلام ، از اهداف تشریع سرگذشت آنان در قرآن

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

آیه مورد بحث نتیجه است برای حقـایق تـاریخی مربوطه به بنی اسـرائیل و خصوصـاً یهود; یعنی، آنـان پس از مشاهـده معجزه های فراوان و برخوردار شدن از نعمتهای الهی کفر ورزیدند; به گوساله پرستی گرایش پیدا کردند و نسبت جهل و اسـتهزا به موسی(ع) دادند. بنابراین انتظار ایمان آوردن به قرآن از آنان انتظاری نا به جاست.

فلسفه ترس یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۵

۵ - دستاورد زشت و ظلم و ستم یهودیان ، سبب ترس و هراس آنان از مرگ

و لایتمنّونه أبدًا بما قدّمت أیدیهم و اللّه علیم بالظلمین

فلسفه تعطیلی شنبه در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۲

۲- قانون تعطیلی روز شنبه حکمی علیه یهودیان ، به جرم اختلافشان درباره دین توحیدی ابراهیم ( ع ) بود .

إنما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه

آیه شریفه، پاسخی است از این سؤال که: در

دین ابراهیم(ع) و ادیـان پس از آن حضـرت، روز جمعه به عنوان روز تعطیل تعیین شـده بود، پس چرا در دین یهود روز شـنبه اعلاـن شـد؟ پاسـخ ایـن است که: این حکم مختص به یهودیـان بـود که به جرم اختلافشـان در دین ابراهیم(ع) وضـع گردیـد. گفتنی است ضمیر <فیه> به حضرت ابراهیم(ع) با تقدیر مضاف; یعنی، ملته باز می گردد.

فلسفه دشمنی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۲

۳۲ ایجاد دشمنی و کینه توزی در بین یهود ، تدبیری الهی جهت خاموش نمودن جنگ افروزی آنان علیه مسلمانان *

و القینا بینهم العدوه و البغضاء . .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

بـدان احتمال که جمله <کلما اوقـدوا . ..> بیان نتیجه ای برای جمله <القینا بینهم...> باشد ; وصل آن دو جمله بدون حرف عطف که حکایت از شدت اتصال مضمون آنها دارد، تأییدی برای برداشت فوق است.

فلسفه سختی تکالیف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۳

۳- تکالیف فزون تر یهود در مقایسه با دیگر امت ها ، برای کیفر و مجازات آنان بود نه به خاطر دفع ضرر و مفسده از آنان .

و علی الذین هادوا حرّمنا

تحریـم هر چیزی در دین برای دفع مفسـده و ضـرر است و تحریم اختصاصـی برای یهودیـان، این مطلب را می رسانـد که این تحریم به خاطر امر دیگری است و گرنه برای همه مکلفان حرام می شد و جمله <لکن کانوا أنفسهم یظلمون> نشان می دهد که فلسفه این تحریم، کیفر ظلم آنان

بود. گفتنی است که در جمله <جزیناهم ببغیهم> (در آیه ۱۴۶ سوره انعام) به این مطلب تصریح شده است.

فلسفه مشکلات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۶

۶ بازگشت ناصالحان یهود به صلاح و صواب ، از اهداف آزمون آنان با ایجاد سختی ها و آسایش ها در زندگانی ایشان بود .

و بلونهم بالحسنت و السیئات لعلهم یرجعون

چنانچه ضمیر در <بلوناهم> به ناصالحان برگردد، ارجاع ضمیر <لعلهم> به آنان طبیعی و روشن است. و اگر ضمیر در <بلوناهم> به همگان، صالح و ناصالح، برگردد، مرجع ضمیر <لعلهم> به طریقه استخدام، ناصالحان است.

قبله یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۷

۷ - یهود و نصارا هر یک دارای قبله ای ویژه خویش

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۷

۷ - یهود و نصارای عصر بعثت ، در تلاشی پی گیر ، برای اثبات حقانیت قبله خویش و ناحق جلوه دادن تغییر آن به کعبه

الحق من ربک فلاتکونن من الممترین

قبول دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۹

۹ گرایش بی حد و مرز گروهی از مسلمانان بیمار دل به سوی یهود و نصارا ، دلیلی روشن برای محرومیت ستمگران از هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

تفریع جمله <فتری> بر جمله <ان اللّه . ..>، می رساند که گرایش عمیق

بیماردلان، بیان مصداقی برای جمله <ان اللّه لایهدی ...> است.

قبول ولایت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۱،۱۶،۱۷

۱۱ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا ، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من یتولهم منکم فانه منهم

۱۶ مسلمانانِ پذیرای ولایت یهود و نصارا ، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من یتولهم منکم فانه منهم إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

۱۷ دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان ، ظلم و موجب محرومیت از هدایت الهی

و من یتولهم منکم فانه منهم إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲،۶،۱۱،۱۳،۲۰

۲ شتاب زدگی بیماردلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی ، در پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

در برداشت فوق <یسرعون فیهم> به قرینه آیه قبل به معنای <یسارعون فی تولیهم> گرفته شده است.

۶ شتاب بیماردلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا ، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۱۱ سرزنش و توبیخ خداوند از مسلمانانی که با یهود و نصارا رابطه مودت آمیز داشته و پذیرای ولایت آنها هستند .

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۱۳ داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام ، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر ( ص ) با یهود و نصارا و

پذیرش ولایت آنان

یقولون نخشی ان

تصیبنا دائره

۲۰ پشیمانی ، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

یسرعون فیهم . .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۶

۱۶ ناکامی پذیرندگان ولایت و دوستی یهود و نصارا ، در بهره گیری از روابط دوستانه با آنان

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

بدان احتمال که مراد از <اعملهم> تلاشهایی است که بیماردلان برای ایجاد روابط دوستانه با یهود و نصارا، داشتند ; بر این اساس مقصود از <خسارت> بهره نجستن از ایجاد رابطه با یهود و نصارا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴،۵

۴ پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا ، ارتداد و بازگشت از دین است .

و من یتولهم منکم فانه منهم . .. یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود از مصادیق مورد نظر برای مرتدان، مسلمانانی هستند که علی رغم نهی خداوند با یهود و نصارا ارتباط دوستی و ولایی برقرار می کنند.

۵ ارتداد برخی مسلمانان صدر اسلام ، با پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۸

۸ ناکامی و شکست ، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود ، نصارا و دیگر کافران

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب

اللّه هم الغلبون

حصر در جمله <فان حزب اللّه . ..> می توانـد ناظر به پنـدار غلط کسانی باشـد که برای مصون مانـدن از شکست احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیبنا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

قتل انبیا در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۲،۱۳،۱۹،۲۷

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود ، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حقّانیّت آنان

قل قد جآءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، <بیّنه> گفته می شود که حقّ را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حقانیّت آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهـده معجزه مورد درخواست خود ( سوختن قربانی در آتشـی از غیب ) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جآءکم رسل من قبلی . .. و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

۱۹ یهود عصر پیامبر ( ص ) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۷ رضایت یهود معاصـر پیامبر ( ص ) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت ، موجب نسـبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین

و القائلین خمس ماه عام، فالزمهم اللّه القتل برضاهم ما فعلوا.

---

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

قتل یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - گروهی از یهود بنی قریظه ، به دست مسلمانان ، به قتل رسیدند .

فریقًا تقتلون

قتلهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۹،۲۱

۱۹ - یهود ، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

چون جمله <فلم تقتلون . ..> (پس چرا پیامبران خدا را می کشتید؟) در جواب ادعای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبیاء اللّه> پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

قرآن و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۴

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

واقع شدن جمله <و لیزیدن . ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان

آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

قساوت قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم . .. أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد; یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا ، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب . .. فقست قلوبهم

قصاص در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۸

۸ گروهی از یهودیان ، رویگردان از پذیرش قانون قصاص و برابری آن نسبت به تمامی یهودیان

و

کیف یحکمونک و عندهم التوریه . .. و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

مطرح ساختن قانون قصاص پس از بیان اعراض یهود از حکم تورات، حاکی از آن است که احکامی که آنان نپذیرفتند، قانون قصاص و برابری آن نسبت به همه افراد بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ آیین یهودیان و مسیحیان ، دارای احکام و قوانین یکسان در قصاص *

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس . .. مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

توصیف تورات به نور و هدایت و سپس بیان احکام قصاص می رساند که آن احکام از مصادیق نور و هدایت است و چون انجیل بلافاصله به نور و هدایت توصیف شده، معلوم می شود آن احکام بر اهل انجیل نیز نوشته شده است. جمله <و قفینا علی ءاثرهم> و نیز کلمه <مصدقاً> این معنا را تأیید می کند.

قصه یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۴

۴ یهودیان عصر بعثت آگاه به تجاوزگری همدینان یهودی خویش در ایله و سرگذشت شوم آنان

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر

قضاوت بین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۱،۱۲

۱۱ پیامبر ( ص ) ، از جانب خداوند ، اختیار دار داوری در میان یهودیان و یا خودداری از آن

فان جاءوک فاحکم بینهم او اعرض عنهم

۱۲ یهودیان ، در اندیشه آسیب رسانی به پیامبر ( ص ) ، در صورت اعراض آن

حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروک شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱ ارجاع داوری به پيامبر ( ص ) از سوی يهوديان ، علی رغم دسترسی آنان به حکم خدا در تورات ، شگفت آور و سؤال بر انگيز

و کيف يحکمونک و عندهم التوريه فيها حکم اللّه

۲ گريز از احکام تورات ، انگيزه مراجعه گروهی از يهوديان به پيامبر ( ص ) برای قضاوت

و کيف يحکمونک و عندهم التوريه فيها حکم اللّه

۳ پيامبر ( ص ) ، مورد مراجعه مردم ، حتی يهوديان ، برای حکميت و داوری

و کيف يحکمونک و عندهم التوريه

قضاوت علمای يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۰،۱۲

۱۰ داوری ظالمانه علمای يهود نسبت به مسلمانان

الم تر الی الّذين . .. و يقولون للّذين کفروا هؤلاء اهدی من الّذين امنوا سبيلاً

۱۲ نکوهش اهل کتاب ( علمای يهود ) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الی الّذين اوتوا نصيباً من الکتب يؤمنون

جمله <الم تر . .. > دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آميز است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۳۳،۱۰،۹

۹ تورات ، محور قضاوت های عالمان ربانی و احبار در بین یهود

یحکم بها . .. الربنیون و الاحبار

۱۰ عالمان ربانی و احبار یهود ، ادامه دهندگان راه انبیا در مسند قضاوت

یحکم بها النبیون . .. و الربنیون و الاحبار

۳۳ پیامبران

، ربانیون و احبار ، الگو های خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون . .. فلاتخشوا الناس و اخشون

قضاوت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۷

۷ یهود ، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

یقولون . .. هؤلاء اهدی من الذین امنوا ... اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل

جمله <ان تحکموا بالعدل> می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان ; آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ - یهودیان ، مدعی دارا بودن قلب و اندیشه ای نفوذناپذیر در برابر افکار و عقاید نادرست

قالوا قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که مراد یهودیان از <حجاب داشتن قلبهایشان> متأثر نشدن از سخنان ناصحیح باشد; چنانچه هر غلافی مانع از آن است که چیز ناصوابی به آنچه در غلاف است در آید و بدان ضربه زند. گفتنی است که کلمه <بل> در این صورت نفی همین ادعاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۳

۱۳ دل های یهودیان بر خلاف ادعایشان تهی از دانش و ناتوان از درک تعالیم پیامبر اسلام ( ص )

قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود یهودیان از جمله <قلوبنا غلف> ادعای برخورداری از دانش وافر باشد.

قلعه های یهود بنی قریظه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱،۵،۷

۱ - خداوند ، یهود بنی قریظه را از قلعه های مستحکم خود بیرون کشید تا در دسترس مسلمانان مدینه قرار گیرند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب من صیاصیهم . ..فریقًا تقتلون

<صیاصی> جمع <صیصیه> است و <صیصیه> به دژ و قلعه و هر آنچه را که بتوان در پناه آن خود را حفظ کرد، گفته می شود (مفردات راغب).

۵ - یهود بنی قریظه ، دژ های مستحکمی داشتند .

أهل الکتب من صیاصیهم

۷ - چیره شدن ترس بر یهود بنی قریظه ، موجب شد که آنان ، بدون هیچ گونه زحمتی از قلعه های مستحکم خارج شوند . *

و أنزل الذین ظهروهم . .. و قذف فی قلوبهم الرعب

ممکن است چنان چه در کتاب های سیره و تاریخ آمده است واقعیت امر، چنین باشد که بر یهودیان، ترس چیره شد و باعث گردید که آنها، از قلعه های مستحکم خود بیرون بیایند و به راحتی در دست رس سپاه مسلمانان قرار بگیرند. بنابراین، ذکر <أنزل> پیش از <قذف> ممکن است به خاطر اهمیت خارجی آن باشد.

کافران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۳،۴

۳ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب ( یهود ) به پیامبر ( ص ) و اخلالگری آنان در راه تحقق اسلام

و منهم من صدّ عنه

<صدّ> در برداشت فوق به معنای متعدی آن، یعنی بازداشتن و منع کردن گرفته شده است و لذا از آن به اخلالگری تعبیر شد.

۴ ایمان نیاوردن برخی

از اهل کتاب ( یهود ) به پیامبران آل ابراهیم و اخلالگری آنان در راه تحقق اهداف ایشان

فقد اتینا ال ابرهیم . .. و منهم من صدّ عنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۱ – ۱۲

۱۲ تحریم طیبات بر تمامی یهود کافر و مؤمن و عذاب قیامت تنها از آن کافران ایشان

حرّمنا علیهم الطیبت . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

با توجه به جمله <اعتدنا للکفرین منهم> و جمله <حرمنا علیهم الطیبت> که در یکی کلمه <منهم> آمده و در دیگری نیامده، معلوم می شود برای همه یهودیان چه کافر و چه مؤمن طیبات تحریم شده ولی عذاب قیامت، تنها از آن کافران ایشان است.

کتاب آسمانی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۱ – ۱

۱ – یهود و نصارا ، از جمله امتهایی که از کتاب آسمانی برخوردار بودند .

الذین ءاتینهم الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۶ – ۱

۱ یهود و نصارا ، از کتاب آسمانی ( تورات و انجیل ) برخوردار بودند .

والذین ءاتینهم الکتب

در اینکه مراد از <الذین . ..> چه کسانی اند چند نظر ابراز شده است: ۱ یهود و نصارا ، ۲ آنها و مجوس ، ۳ مسلمانان.

کفر اکثریت یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۱،۱۰،۸،۷

۷ - اکثریت یهود ، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان

- به قرینه آیات گذشته - پیامبران و کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است; یعنی، و بالاتر از پیمان شکنی این است که اکثر آنها اهل ایمان نیستند.

۸ - رواج عهدشکنی در میان یهود ، نشانه فقدان ایمان در اکثریت آنان است .

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لایؤمنون

۱۰ - اکثر یهودیانی که به عهد های الهی وفا نکردند ، به آن عهد و پیمان ها ، ایمان و اعتقاد نداشتند .

کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لایؤمنون

این برداشت بدان احتمال است که متعلق <یؤمنون> عهدها و پیمانها باشد; یعنی، اکثر عهدشکنان، آن عهد و پیمانها را به قلب و دل خویش نپذیرفته بودند اگر چه تظاهر به پذیرش آن می کردند. گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در <أکثرهم> به <فریق> برگردانده شده است.

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر ( ص ) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لایؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

کفر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۵

۵ رشوه خواری عالمان کفرپیشه یهود برای پذیرش و تأیید دروغپردازی های رشوه دهندگان

لقوم ءاخرین . .. سمعون للکذب اکلون للسحت

ذکر رشوه خواری عالمان یهود پس از توصیف آنان به دروغ پذیری، بیانگر آن است که آنان برای پذیرش و تأیید دروغهای بافته شده توسط گروهی از یهودیان رشوه می گرفتند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۵۱

۵۱ کفرپیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر ( ص ) ، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

ثم یتولون من بعد ذلک . .. و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۵

۵ - کفر ورزی یهود ، موجب محروم شدن آنان از رحمت الهی است .

لعنهم اللّه بکفر هم

<باء> در <بکفر> سببیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۱،۱۵

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم ( ص ) ، به آن کافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به

۱۵ - از امام صادق ( ع ) درباره سخن خداوند عز و جل ( و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا ) روایت شده که فرموده اند : < کانت الیهود تجد فی کتاب ها ان مهاجر محمد ( ص ) مابین عیر و اُحد فخرجوا یطلبون الموضع . . . فاتخذوا بأرض المدینه الأموال فلما کثرت أموالهم بلغ تبع فغزاهم . . . فخلّف حییّن الأوس و الخزرج . . . و کانت الیهود تقول لهم : أما لو قد بعث محمد لیخرجنکم من دیارنا و اموالنا فلما بعث اللّه عز و جل محمداً آمنت به الأنصار و کفرت به الیهود و هو قول اللّه عز و جل : و کانوا من

قبل يستفتحون على الذين كفروا فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به فلعنه اللّه على الكافرين ;

يهود در كتابهاى آسمانى خود خوانده بودند كه محل هجرت محمد(ص) بين كوه عير و كوه احد است لذا براى يافتن آن محل از جايگاه خود خارج گرديدند . .. پس در مدينه ساكن شدند و اموالى فراوان به دست آوردند. چون اين خبر به <تُبَّع> رسيد با آنان جنگ كرد ... پس دو طايفه اوس و خزرج را به جا گذاشت ... و يهود به آنان (اوس و خزرج) مى گفتند: اگر محمد(ص) مبعوث شود، شما را از خانه هاى ما و اموالمان بيرون مى كند. پس چون خداوند پيامبر را مبعوث كرد، انصار (اوس و خزرج) ايمان آوردند و يهود به آن حضرت كافر گشتند و اين سخن خداوند است كه: آنان (يهوديان) قبل از بعثت محمد(ص) وعده پيروز شدن بر كافران را مى دادند; پس وقتى كتابى كه آن را (از قبل) مى شناختند نزد آنان آمد به آن كافر شدند; پس لعنت خدا بر كافران باد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - يهوديان ، به قرآن و كتاب آسمانى خويش ( تورات ) كفر ورزيدند .

أن يكفروا بما أنزل اللّه

مراد از <ما أنزل اللّه> قرآن است و بعيد نيست كه علاوه بر آن، تورات نيز منظور باشد. قابل ذكر است كه مراد از كافر شدن يهود به تورات، انكار يا تحريف آن بخش از تورات است كه ويژگيهاى پيامبر اكرم(ص) را بيان كرده است.

۲ - يهوديان ، با كفرشان به قرآن و تورات ،

خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن یکفروا بما أنزل اللّه

<اشتراء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن یکفروا ...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما ...>; یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۱،۲۰،۱۴،۱۲،۱۱،۹

۹ - یهودیان ، علی رغم اطمینانشان به الهی بودن قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

۱۱ - یهودیان ، به هر پیامبری که از نژاد اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

۱۲ - یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

۱۴ - قوم گرایی و نژاد پرستی یهود ، از عوامل کفر ورزی آنان به قرآن

قالوا نؤمن بما أنزل علینا و یکفرون بما وراءه

۲۰ - یهود ، بر خلاف اظهاراتشان حتی به پیامبران بنی اسرائیل نیز ایمان نداشتند .

نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل إن کنتم مؤمنین

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۱۲ - ۹۲ -

۱۲ - گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل ... و لقد جاء کم موسی بالبینت ثم أتخذتم العجل

جمله <لقد جاءکم . ..> عطف بر <لم تقتلون ...> در آیه قبل است. بنابراین مضمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علینا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ ( کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . . ) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما . ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۷،۱۱

۷ - اکثریت یهود ، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان - به قرینه آیات گذشته - پیامبران و کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است؛ یعنی، و بالاتر از پیمان شکنی این است که اکثر آنها

اهل ایمان نیستند.

۱۱ – بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر ( ص ) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لا یؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۵ – ۱

۱ – اهل کتاب ( یهود و نصارا ) و مشرکان ، مردمی کفرپیشه اند .

ما یودّ الذین کفروا من اهل الکتب و لاالمشرکین

<من> در <من أهل . ..> به دلیل عطف <المشرکین> بر <اهل الکتاب> بیانیه است. بنابراین <ما یود الذین کفروا ...>; یعنی، آنان که کافر شدند – مقصود از کافران، اهل کتاب و مشرکانند – دوست ندارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۷ – ۷

۷ – ایمان نیاوردن یهود و نصارا به قرآن و معارف اسلام ، از سر ستیزه جویی و دشمنی است .

و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۸ – ۲

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر ( ص )

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. خالدین فیها لا یخفّف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوما کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۱،۱۶

۱۱ کفر مستمر یهود به آیات الهی و کشتن نارواى پیامبران

، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه و ضربت علیهم المسکنه ذلک بانّهم کا

۱۶ کفر ، جنایت و تجاوز ، سیره دائمی اهل کتاب ( یهود )

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه و یقتلون . .. و کانوا یعتدون

فعل مضارع پس از فعل ماضی از ماده <کَوْنْ> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۳،۲۱

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهـده معجزه مورد درخواست خود ( سوختن قربانی در آتشی از غیب ) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جآءکم رسل من قبلی . .. و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

۲۱ بهانه جویی یهود برای گریز از ایمان به پیامبر ( ص )

الّذین قالوا . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جمله <فلم قتلتموهم . .. >، می رساند که پیشنهاد آنان برای ایمان آوردن، بهانه ای بیش نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۱،۲۲

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذین هادوا . .. لعنهم اللّه بکفرهم

۲۲ تحریفگری ، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر ( ص ) ، نمودی از کفر آنان

من الذین هادوا یحرّفون . .. سمعنا و عصینا ... لعنهم اللّه بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۹ – ۱۵،۱۴،۵،۴

۴ یهودیان عصر

پیامبر ( ص ) علی رغم ادعایشان هرگز منزّه نبودند و نزد خدا منزلتی نداشتند .

الم تر الی الذین یزکّون انفسهم بل اللّه یزکّی من یشاء

۵ خداوند نخواسته است که یهودیان کفرپیشه ، از آلودگی ها پیراسته گردند و تزکیه شوند .

یزکّون انفسهم بل اللّه یزکّی من یشاء

۱۴ شهادت خدا بر ناپاکی یهودیان کفرپیشه ، هرگز ستمی به آنها نیست .

الم تر . .. بل اللّه یزکّی من یشاء و لا یظلمون فتیلا

۱۵ خداوند در اعطا نکردن کمال و پاک ننمودن یهودیان کفرپیشه ، هرگز ستمی به آنها نکرده است .

الم تر . .. بل اللّه یزکّی من یشاء و لا یظلمون فتیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۴ – ۶

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر ( ص ) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

یؤمنون بالجبت و الطاغوت . .. ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۷ – ۳

۳ یهود ، مرتدانی که با انکار عیسی ( ع ) کافر شدند و با انکار حضرت محمد ( ص ) ، بر کفر خویش افزودند .

لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم سبیلا

در شأن نزول آمده که مقصود آیه، یهودیان هستند که به حضرت موسی(ع) ایمان آوردند و سپس با گوساله پرستی کافر شدند و پس از مراجعه ی آن حضرت(ع) از طور، دوباره مؤمن شدند. تا آنگاه که به حضرت عیسی(ع) کفر ورزیدند و با انکار رسول اللّه(ص)،

بر کفر خویش افزودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۵

۱۵ کفر و گوساله پرستی یهود ، علی رغم مشاهده بینات و دلایل آشکار بر توحید و ضرورت خداپرستی

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۳،۱۱،۱۹

۳ آیات الهی ( معجزات پیامبران و . . . ) مورد انکار یهودیان

و کفرهم بایت اللّه

۱۱ کفر یهود ، موجب مهر زدن خداوند بر دل های آنان گشت .

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها بکفرهم

۱۹ کفرورزی یهود ، مایه تقدیر الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۱،۲،۷

۱ یهود ، مردمی کفرپیشه

و بکفرهم

۲ بهتان یهودیان به مریم ( ع ) ، نمونه ای از کفرپیشگی آنهاست .

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

بدان احتمال که <قولهم> تفسیر و تبیین کفر در <بکفرهم> باشد.

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح ( ع ) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۲

۲ یهود ، مردمی کفرپیشه و طغیانگر

علیه عیسی ( ع ) ، علی رغم اذعان به رسالت الهی وی

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

بر این مبنا که <رسول اللّه> دنباله سخن یهودیان <انا قتلنا . ..> باشد می توان گفت اعتراف آنان به رسالت عیسی اعترافی واقعی و حقیقی بوده ولی در عین حال اقرار به کشتن وی داشته و این حکایت از شدت خباثت آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراك از جمله <فلایؤمنون الا قلیلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن ...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۱،۱۴،۱۷،۱۸،۳۵،۴۵

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوك یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون . ..>، علاوه بر توصیف یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للکذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون للکذب> که دارای لحنی مذمت

آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

۱۴ دروغ پذیری برخی منافقان و یهودیان و پیروی آنان از عالمان تحریفگر ، فلسفه نهی خداوند از تأسف پیامبر ( ص ) بر کفرورزی آنان

لایحزنک الذین یسرعون . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

<سمعون> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <الذین قالوا> و <الذین هادوا> بر می گردد (هم سماعون) و این جمله، بیانگر علت نهی خداوند از تأسف بر کفر منافقان و یهودیان است.

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر ( ص ) از اندوه بر کفرورزی آنان

لایحزنک الذین یسرعون . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذیر ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۳۵ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، دارای جان و دلی آلوده و ناپاک

قالوا ءامنا بافواههم و لم تؤمن قلوبهم و من الذین هادوا . .. أولئک الذین

۴۵ پیشتازی در کفر ، تحریفگری ، دروغپردازی و جاسوسی ، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر . .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان

در جامعه خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۳،۱۴،۳۶

۱۳ یهودیان عصر پیامبر ( ص ) ، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

واقع شـدن جمله <و لیزیـدن . ..> پس از بیـان پنـدار باطـل یهود و گرفتار شـدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رسانـد که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

۳۶ مفسده جویی یهود ، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان *

طغیناً و کفراً . .. و یسعون فی الارض فساداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۲

۲ مشرکان و یهودیان ، مردمانی کفر پیشه و تکذیب کننده آیات الهی

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود مصداق بارز از <الذین کفروا و کذبوا . ..> مشرکان و یهودیان منکر قرآن و رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۸

۸ یهود و نصارا به دلیل فرزند خدا خواندن < عزیر > و < مسیح > کافرند .

یضهئون قول الذین کفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه

- ۹ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، مردمانی کفرپیشه

یریدون أن یطفئوا نور اللّه . .. و یأبی اللّه ... و لو کره الکفرون

کفر یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۶

۶ گروهی از منافقان و یهودیان عصر پیامبر ( ص ) ، کافرانی شتابگر در جهت کفر

لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر من الذین . .. و من الذین هادوا

<من الذین هادوا> عطف بر <من الذین قالوا> گرفته شده است و <من> در هر دو مورد برای تبعیض می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۸

۸ - گروهی از یهود و نصارا و مشرکان در عصر بعثت ، اسلام را نپذیرفته و خود را همچنان در انتظار دستیابی به برهان آشکار قلمداد می کردند .

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

حرف <من>، ممکن است برای تبعیض باشد.

کفر یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۴

۴ یهودیان مدینه در عصر بعثت نمونه پست ترین جنبندگان به سبب اصرارشان بر کفر و از میان بردن زمینه های ایمان در خویش و شکستن پیمانها

إن شر الدواب عنداللّه الذین کفروا . .. الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم

کیفر اخروی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۲۱

۲۱ – شدیدترین عذاب های اخروی ، کیفر یهودیانی است که پیمان های الهی را

شکستند .

إذ أخذنا میثقکم . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

اضافه <أشد> (سخت ترین) به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است; یعنی، <العذاب الأشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست; زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم ...> به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۲

۴۲ خواری و رسوایی در دنیاو عذاب بزرگ آخرت ، کیفر منافقان و یهودیان شتابگر در کفر

من الذین قالوا ءامنا بافواههم . .. لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

کیفر بدعتگذاران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۹

۹ - عالمان بدعتگذار و دین ساز یهود ، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

فویل للذین یکتبون الکتب . .. فویل لهم مما کتبت أیدیهم

کیفر پیروی از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ خداوند پیامبر ( ص ) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به عقوبتهایی از جانب

خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم . .. مالك من الله من ولیّ ولاواق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <من الله> متعلق به <ولیّ> و <واق> باشد. بر این مبنا <ولیّ و واق> متضمن معنای <منع> است و جمله <مالك ...> چنین معنا می شود: برای تو یاور و نگه دارنده ای که تو را از [عذاب] خدا باز دارد، وجود نخواهد داشت.

کیفر تبعیدگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۰،۲۲

۲۰ - گرفتار شدن به خواری و ذلت در دنیا ، سزای یهودیانی است که همدیگر را کشتند و همکیشان خو را از دیارشان بیرون راندند .

تقتلون أنفسكم . .. فما جزاء من یفعل ذلك منكم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

۲۲ - یهودیانی که همکیشان خود را کشتند یا آنان را آواره ساختند ، به شدیدترین عذاب های قیامت ، کیفر خواهند شد .

تقتلون أنفسكم . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

کیفر تجاوزگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۵،۱۲

۵ تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند بر یهود، سزای تجاوزگری آنان بود.

و علی الذین هادوا حرمنا . .. ذلك جزینهم ببغیهم

<بغی> به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

على الذين هادوا . .. ذلك جزينهم ببغيهم و إنا لصدقون

كيفر دنيوى يهود

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۴ – ۲۱

۲۱ دشمنی و کینه یهود با یکدیگر ، کیفر و عقوبت دنیوی آنان

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۸ – ۴

۴- تحریم برخی از حلال ها بر یهود ، کیفر و بازتاب عملکرد ظالمانه خود آنان بود نه برخاسته از ستم الهی .

و علی الذین هادوا حرّمنا . .. و ما ظلمنهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

کیفر شرک یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۰ – ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان ( فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح ) مستحق کیفر مرگ

و قالت الیهود عزیر ابن اللّه . .. قتلهم اللّه أنی یؤفکون

کیفر گناهکاران یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۱ – ۱،۳

۱ – گنهکاران یهود همانند دیگر گنهکاران ، به اندازه استحقاقشان ، در آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

لن تمسنا النار إلاّ أیاماً معدوده . .. بلی

<بلی> (چنین نیست) حرف جواب است و برای رد سخن و ادعای مطرح شده به کار می رود. این کلمه در آیه شریفه رد ادعای یهود (لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده) است.

۳ - خداونـد ، نه تنهـا انـدک بودن عـذاب یهود را تضـمین نکرده ; بلکه در صورت احـاطه داشـتن گناه بر آنان ، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد .

أتخذتم عند اللّه عهداً . .. بلی من کسب

سیئه ... هم فیها خلدون

کیفر نیاکان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۳

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر ( ص ) در گناه پدران خویش ( کشتار انبیا )

و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلک بما قدّمت . .. > می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

کیفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۱،۳،۴،۵

۱ کافران ( یهودیان ) ، مشمول عذاب سخت خداوند در دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذّبهم عذاباً شدیداً فی الدنیا و الاخره

۳ عدم تبعیّت یهود از حضرت عیسی ( ع ) ، موجب عذاب سخت آنان در دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذّبهم عذاباً شدیداً فی الدنیا و الاخره

مصداق مورد نظر از جمله <فامّا الذین کفروا>، کافران به حضرت عیسی (ع) است.

۴ برتری پیروان عیسی ( ع ) بر یهودیان ، موجب عذاب سخن دنیوی یهودیان

و جاعل الذین اتبعوک . .. فاما الذین کفروا

بنابراینکه جمله <فاما الذین . .. >، به قرینه ذکر عذاب دنیوی، نتیجه جمله <جاعل الّذین ... > باشد; یعنی عذاب دنیوی یهود نتیجه تفوّق نصارا بر ایشان است.

۵ کافران ( یهودیان ) ، هیچ یار و یاوری در برابر عذاب الهی در دنیا و آخرت ندارند .

فأمّا الذين كفروا . .. و ما لهم من ناصرين

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۳

۳ خداوند بدون مهلت و تأخیر ، مرتدّان و کافران یهود و نصارا را عذاب می کند .

لا یخفّف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۱۶

۱۶ عذاب سخت اهل کتاب ( یهود و نصارا ) ، به خاطر تفرقه و اختلاف

و لا تکونوا کالذین تفرّقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البیّنات و اولئک لهم عذاب ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱،۳

۱ عذاب سخت یهود در آخرت ، دستاورد اعمال ناروای آنان ( نسبت دادن فقر به خدا و کشتن انبیا )

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر ( ص ) در گناه پدران خویش ( کشتار انبیا )

و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلک بما قدّمت . .. > می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۹

۱۹ یهود عصر پیامبر ( ص ) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۳ – ۱۷

۱۷ گرفتاری یهود

به صاعقه ، از بینات الهی برای آنان

فأخذتهم الصعقه بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ هشدار خداوند به مسلمانان با بیان مجازات یهود و نصارا به خاطر نقض پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم . .. و من الذین قالوا إنّا نصری اخذنا میثقهم فنسوا

بیان مجازات مسیحیان و یهودیان به خاطر پیمان شکنی آنان پس از <اذکروا . .. میثقه> (ای مسلمین پیمان الهی را به یاد داشته باشید)، هشداری است به مسلمانان که مبادا همانند اهل کتاب پیمان الهی را نقض کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۲

۲۲ اراده خداوند به عذاب بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر ( ص )

فان تولوا . .. ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و إن کثیراً من الناس لفسقون

کیفر یهود عهدشکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۹،۲۱

۱۹ - سزای یهودیانی که پیمان های الهی را نقض کردند ، خواری و خفت در دنیاست .

إذ أخذنا میثقکم . .. فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

<ذلک> اشاره به همه کارهایی است که آیه شریفه از یهودیان نقل کرد و آنها را ناپسند شمرد; از جمله: پایبند نبودن به پیمانهای الهی، کشتن همکیشان و . ..

۲۱ - شدیدترین عذاب های اخروی ، کیفر یهودیانی است که پیمان های الهی را شکستند .

إذ أخذنا میثقکم . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

اضافه

<أشد> (سخت ترین) به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است; یعنی، <العذاب الأشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۱

۱ پیامبر ( ص ) از جانب خدا فرمان یافت تا در صورت تسلط بر یهودیان پیمان شکن و جنگ آفرین ، آنان را به گونه ای مجازات کند که زمینه پراکنده شدن دیگر دشمنان فراهم آید .

فإما تثقفنهم فی الحرب فشردبهم من خلفهم

تشرید به معنای پراکنده ساختن و کوچ دادن است. <باء> در <بهم> سببیه است که به دلیل <فی الحرب> کلمه ای همانند قتل و یا مجازات در تقدیر می باشد. و مراد از <من خلفهم> یهود و یا دیگر دشمنانی است که از مدینه و یا اطراف آن به فتنه گری می پرداختند. بنابراین جمله <فشردبهم> چنین معنا می شود: ای پیامبر با مجازات سنگین که بر یهودیان پیمان شکن تحمیل می کنی، دیگر دشمنان را متفرق ساز و پراکنده کن.

کیفر یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۷

۷ - یهودیان ، در صورت انکار رسالت پیامبر ( ص ) ، برای همیشه به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

کینه توزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۴

۱۴ اهل کتاب ( یهود ) ، با علم به ناحق بودن قتل انبیاء ، آنان را می کشتند . *

و یقتلون الانبیاء بغیر حقّ

چون تصوّر حق

بودن قتل انبیا نمی رود، لذا می توان گفت که قید <بغیر حق>، اشاره باشد به اینکه قاتلین می دانستند که قتل انبیا، حق نیست.

گرایش به یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۱

۲۱ شکست دشمنان اسلام ، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دلبستگی به یهود و نصارا

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح . .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

در برداشت فوق جمله <ما اسروا> به قرینه <و من یتولهم منکم> در آیه قبل به دلبستگی مسلمانان به یهود و نصارا تفسیر شده است.

گرایش علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۲

۲ گرایش و ایمان برخی اهل کتاب و علمای یهود به جبت ( معبودی غیر از خدا ) و طاغوت

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

<جبت> در لغت به معنای هر چیزی است که در آن خیری نباشد و نیز به معبودی غیر از خدا گفته می شود.

گرایشهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۹

۹ گروه هایی از یهود و نصارا دارای گرایشهایی شرک آلود بودند .

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أُمرت أن أعبد الله و لا أُشرک به

چون جمله <قل إنما أُمرت . ..> که حاکی از توحید و یکتاپرستی است در پاسخ گروه هایی از یهود و نصارا قرار گرفته

است ، معلوم می شود این گروه ها به پرستش غیر

خدا و شرک در عبادت روی آورده بودند.

گروه گرایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۶

۶ یهود و نصارا ، تنها با یکدیگر و همکیشان خویش روابط دوستی داشته و به آن وفادار هستند .

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

چون جمله <بعضهم أولیاء بعض> به منزله دلیل برای جمله <لاتتخذوا . ..> است، معنای حصر از آن استفاده می شود.

گروههای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۱

۱ خداوند جامعه یهود را گروه گروه کرد و در پهنه گیتی پراکنده ساخت .

و قطّعنهم فی الأرض أمماً

<أمماً> هم می تواند مفعول دوم برای <قطعناهم> باشد، که در این صورت در <قطّعنا> معنای <تصییر> تضمین شده است، و هم می تواند حال برای ضمیر <هم> در <قطّعناهم> باشد.

گمراهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۸

۸ یهود و نصارا ، منحرف از حق ، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من المشرکین

بنابراینکه جمله <و لکن کان . .. >، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۴

۲۴ یهودیان ، جز اندکی از آنان ، هرگز به راه خیر و قوام روی نخواهند آورد .

لکان خیراً لهم و اقوم و لکن لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلاً

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۵

۱۵ یهود و نصارا ، مردمی گمراه و ستمگر

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

از مصادیق مورد نظر برای <الظلمین> به قرینه صدر آیه ، یهود و نصارا هستند.

گناه دنیاطلبان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۸

۸ یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا ، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند .

یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون سیغفر لنا

گناه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۴

۱۴ آلوده شدن گروهی از یهودیان به گناه ، موجب تحریم طیبات الهی بر تمامی آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۱،۳۲

۲۱ گناهان یهودیان و مسیحیان عصر بعثت حتی برخی از آن ، زمینه ساز محرومیت آنان از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر ( ص )

فان تولوا فاعلم انما یریداللّه ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

کلمه <بعض> می توانـد اشاره به این باشـد که تنها برخی از گناهان اهل کتاب اقتضای محرومیت از حق پذیری را دارد ; نه همه آنهـا و می توانـد به این معنـا باشـد که برخی از گناهـان آنـان در محرومیتشـان از پـذیرش احکام الهی کافی است گرچه بسیاری از گناهانشان چنین اقتضایی را دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال

دوم است.

۳۲ بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر ( ص ) ، مردمی آلوده به گناه و معصیت

یرید اللّه ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و إن کثیراً من الناس لفسقون

گناهان کبیره در یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۴ – ۷

۷ شکستن حرمت تعطیلی روز شنبه گناهی بزرگ در آیین یهود و در پی دارنده عذاب شدید

اللّه مهلکهم أو معذبهم عذاباً شدیداً

شدت عذاب، حکایت از بزرگی گناه دارد.

گناهکاران یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۸ – ۵،۶،۸،۹،۱۱

۵ گروهی از یهود و نصارا ، آلوده به گناه هستند .

فلم یعذبکم بذنوبکم

۶ گناهکاران یهود و نصارا ، گرفتار عذاب الهی

فلم یعذبکم بذنوبکم

۸ گرفتاری گنهکاران یهود و نصارا به عذاب الهی ، ردی بر پندار تقرب و محبوب بودنشان نزد خداوند

قل فلم یعذبکم بذنوبکم

۹ یهود و نصارا به دلیل ارتکاب گناه ، نه محبوب خدا هستند و نه مقرب درگاه او

نحن ابنؤا اللّه و احبؤه قل فلم یعذبکم بذنوبکم

۱۱ گرفتاری گنهکاران یهود و نصارا به عذاب های دنیوی *

قل فلم یعذبکم بذنوبکم

چون مسیحیان خود را مصون از عـذاب قیامت می داننـد، بنابراین در صورتی اسـتدلال تمام است که مراد از عذاب، عذابهای دنیوی باشد.

گناهکاری یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۵ – ۳،۴

۳ – یهود ، مردمی گنهکار و دارای کردارهایی ناروا

و لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

مراد از <ما> در <ما قدمت أیدیهم> (آنچه را پیش فرستادند) گناهان و اعمال

نارواست.

۴ - یهودیان ، به خاطر ارتکاب گناهان ، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

گواهی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۶،۱۷

۱۶ دانشمندان یهود و عالمان ربانی آنان ، گواهان حقانیت تورات و بیان کنندگان حقایق آن

یحکم بها . .. و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

۱۷ دانشمندان یهود به دلیل شهادتشان بر حقانیت تورات آن را اساس احکام خویش قرار دادند .

یحکم . .. بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

چون جمله <کانوا . ..> عطف بر <استحفظوا> است، معلوم می شود که دلیل قضاوت ربانیون و احبار بر اساس تورات، اعتقاد آنان به حقانیت آن کتاب است.

گواهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۳

۳- گواهی و ایمان بنی اسرائیل و یهود به حقانیت قرآن ، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن کان من عند اللّه و کفرتم به و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله

خداوند، ایمان فردی از یهود را که آگاه به تورات و مفاد آن بود گواهی بر حقانیت قرآن شمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

گوساله پرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن

بما أنزل علينا . .. قل ... و لقد جاء كم موسى بالبينت ثم أتخذتم العجل

جمله <لقد جاءكم . ..> عطف بر <لم تقتلون ...> در آيه قبل است. بنابراين مضـمون اين آيه نيز پاسخی به اين ادعای يهود است كه خود را مؤمن به پيامبران اسرائيلی و كتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علينا).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمـال نـاروای يهود در طول تاريـخ ( كشـتن پيامبران ، گوساله پرستی و . . . ) نشانه ايمان نداشـتن آنان حتی به پيامبران بنی اسرائيل و كتاب های آسمانی خويش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا . .. قل بئسما يأمركم به إيمنكم إن كنتم مؤمنين

چون جمله <قل بئسـما . ..> (اگر ايمان داريد، ايمانتان شـما را به كارهای ناروايی واداشـته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا> قرار گرفته، بيانگر آن است كه: شـما يهوديان به كتابهای آسمانی ايمان نداريد كه چنين اعمال ناپسندی را مرتكب می شويد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۵،۱۸

۱۵ كفر و گوساله پرستی يهود ، علی رغم مشاهده بينات و دلايل آشكار بر توحيد و ضرورت خداپرستی

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البينت

۱۸ گوساله پرستی و ارتداد يهوديان عصر موسی ( ع ) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البينت فعفونا عن ذلك

لجاجت علمای يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۹،۱۰

- ۹

پیشوایان و عالمان یهود در عصر بعثت ، مردمانی لجوج و حق ناپذیر

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم . .. أفلا تعقلون

۱۰ – لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <و قد کان . ..> و یا عطف بر جمله <یسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

لجاجت یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۵ – ۴،۵

۴ – اهل کتاب ( یهود و نصارا ) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن . ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

۵ – یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۳ – ۲۰

۲۰ یهودیان ، مردمی لجوج و معاند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۵ – ۱۹

۱۹ کفرورزی یهود ، مایه تقدیر

الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

لجاجت یهود صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۵

۵ یهودیان صدر اسلام در برابر دعوت پیامبر(ص) موضعی غیر منطقی و لجوجانه داشتند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

جملات بعدی این آیه قرینه نزول این آیه در شأن یهود است. و چون یهود، گرچه ظاهراً، معتقد به نبوت موسی(ع) و دیگر انبیای الهی بودند، ادعای عدم نزول وحی بر هیچیک از افراد بشر باید از سر مکابره و عناد باشد.

لعن بر علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۹ – ۱۰

۱۰ – علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. أولئک یلعنهم اللّه و یلعنهم اللعنون

لعن بر یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۸ – ۴،۶،۱۰

۴ – خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم اللّه بکفرهم

۶ – قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از

رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به

خـاطر نفهمیـدن است. کلمه <بـل> معـذور بودن یهود را نفی می کنـد و جمله <لعنهم اللّه ...> بیـان می دارد حجـابِ قلب یهود از کفرورزی آنـان به وجود آمـده نه اینکه فطرتـاً این گونه باشـند و این چنین نفهمیـدنی - که خود آدمی زمینه سـاز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

۱۰ - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا ما یؤمنون

فـاء تفریع در <فقلیلاـ مـا . ..> گویای آن است که: لعنت الهی موجب شـده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۰،۲۱،۲۷،۲۸

۲۰ گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذین هادوا . .. لعنهم اللّه بکفرهم

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم . .. الّا قلیلا

بنابر اینکه <قلیل> استثناء از مفعول در <لعنهم اللّه> باشد. نصب <قلیلا> این احتمال را تأیید می کند.

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر ( ص ) و اسلام

لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۹،۱۰

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم

میثقهم . .. و قتلهم الأنبیاء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم . ..> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا ، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است. یعنی <بقولهم ... لعناهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۷،۸

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح ( ع ) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

۸ اتهام ناروای یهود به حضرت مریم ( ع ) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۴

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح ( ع ) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۷،۱۴

۷ یهود ، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

و لعنوا

<لعنت> به معنای دوری از رحمت است.

۱۴ تأثیر منفی قرآن

در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

واقع شـدن جمله <و لیزیـدن . ..> پس از بیـان پنـدار باطـل یهود و گرفتار شـدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رسانـد که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ < عن أبی عبـدالله ( ع ) انه قال فی قول الله عزوجل : < و قالت الیهود یـدالله مغلوله > : لم یعنوا أنه هکذا ، و لکنّهم قالوا : قـد فرغ من الأمر فلایزید و لاینقص فقال الله جل جلاله تکذیباً لقولهم : < غلّت أیدیهم و لعنوا بما قالوا بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء > ألم تسمع الله عزوجل یقول : < یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده اُمّ الکتاب > ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است که دربـاره قول خـدای عزوجل: <و قالت الیهود یـد الله مغلوله> فرمود: منظور یهود این نبود که واقعاً دسـتهای خدا در غُلّ بسـته است ; بلکه آنان می گفتند: خدا از کار خلقت فارغ شده و دیگر چیزی را زیاد و کم نمی کند. پس خداوند جل جلاله برای تکذیب سـخن آنان فرمود: <دسـتهای خودشان در غل بسـته باد و به خاطر سـخنی که گفتند، لعنت بر آنان باد ; بلکه دستهای خدا باز است و هرگونه می خواهد می بخشد>.آیا

نشنیده ای که خدای عزوجل می فرماید: <یمحوا الله مایشاء و یثبت و عنده اُمّ الکتاب>.

لعن بر یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر ( ص ) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه اللّه علی الکفرین

ماهی گیری یهود در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۲،۱۴

۲ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر إذ یعدون . .. إذ تأتیهم حیتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القریه>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

۱۴ فسق و تبهکاری دیرینه مردم ایله ، موجب آزمون آنان با فراهم آوردن زمینه ای مساعد ( تسهیل ماهیگیری در شنبه و نایاب شدن ماهی در غیر آن روز ) برای سرپیچی از حکم تحریم صید

کذلك نبلوهم بما کانوا یفسقون

<کذلك> اشاره است به معنایی که از <إذ تأتیهم حیتانهم . .. > به دست می آید.

متجاوزان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۳

۳ – خداوند ، اصحاب سبت ( تجاوزکاران یهود در روز شنبه ) را به بوزینه هایی

مطرود تبدیل کرد .

فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

<قِرْد> (مفرد قِرَدَة) به معنای میمون است. <خاسیء> به معنای مطرود و نیز به معنای حقیر و ذلیل می باشد و کلمه <خاسئین> خبر دوم برای <کونوا> است.

متعهدان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۶

۲۶ تنها یک فرقه از هفتاد و یک فرقه یهود و یک گروه از هفتاد و دو گروه نصارا ، معتدل و متعهد به کتاب آسمانی خویشند .

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل . .. و کثیر منهم ساء ما یعملون

از رسول خدا(ص) روایت شده: تفرقت امه موسی علی احدی و سبعین مله (فرقه) سبعون منها فی النار و واحده فی الجنه و تفرقت امه عیسی علی اثنین و سبعین فرقه احدی و سبعون فرقه فی النار و واحده فی الجنه . .. حضرت علی(ع) هرگاه این حدیث را از رسول خدا(ص) نقل می کرد، این آیه را قرائت می فرمود: و لو ان اهل الکتاب امنوا ... و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل ... منهم ساء ما یعملون

---

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۵۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۱، ح ۲۸۸.

مثل علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۳

۳ - مَثَل عالمان بی عمل یهود در پیشگاه خداوند ، مَثَل الاغی است که بار کتاب حمل می کند ; ولی از آن بهره ای ندارد .

مثل الذین حمّلوا التوریه . .. کمثل الحمار یحمل أسفارًا

محرمات یهود

فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۱۳

۱۳ دریافت فدیه از اسیران همکیش برای آزادی آنان ، از محرمات آیین یهود

و إن یأتوکم أسری تفدوهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۰ – ۵

۵ وعده عیسی ( ع ) به بنی اسرائیل ، دربرداشتن حرمت برخی از محرمات شریعت موسی ( ع )

و لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹۳ – ۷

۷ پیشنهاد پیامبر ( ص ) به یهودیان برای ارائه شاهدی از تورات ، بر صدق ادعای خویش در تحریم برخی خوردنیها

قل فأْتوا بالتوریه فاتلوها ان کنتم صادقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۴ – ۱۰

۱۰ حرمت ماهیگیری در روز شنبه بر یهود و نهی الهی از مخالفت با آن

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

مقید شدن <لاتعدوا> به <فی السبت> حکایت از آن دارد که روز شنبه دارای حکمی خاص برای یهودیان بوده است که با توجه به دیگر آیات می توان گفت مراد از آن حکم، حرمت ماهیگیری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۱ – ۱،۲

۱ حرمت رباخواری بر یهود

و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه

۲ یهود مردمی رباخوار علی رغم آگاهی به حرمت آن

و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۱،۲،۳،۵،۱۲

۱ خداوند خوردن گوشت حیوانات

دارای ناخن (چنگال) را بر یهود حرام کرده بود.

و علی الذین هادوا حرمنا کل ذی ظفر

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمنا . .. ذلک جزینهم ببغیهم

۳ خوردن دنبه و پیه گاو و گوسفند بر یهود، جز آنچه بر پشت و چسبیده بر روده و استخوان بوده، حرام بوده است.

و من البقر و الغنم حرمنا علیهم شحومهما إلا ما حملت

<شحم> به معنی چربی و پیه است و <ظهر> یعنی پشت و <حوایا>، جمع <حویه>، به معنی روده است.

۵ تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند بر یهود، سزای تجاوزگری آنان بود.

و علی الذین هادوا حرمنا . .. ذلک جزینهم ببغیهم

<بغی> به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا . .. ذلک جزینهم ببغیهم و إنا لصدقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۱

۱ خداوند کار و فعالیت در روز شنبه را برای یهود تحریم کرده بود .

إذ یعدون فی السبت . .. و یوم لا یسبتون

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می شود. بنابراین <یوم السبت> یعنی روز تعطیلی و استراحت و <یوم لا یسبتون> یعنی روزی که تعطیل نمی کردند و روز کاری بود. <عدوان> (مصدر یعدون) به معنی تخلف و تجاوز است. تجاوز در روز

تعطیل به معنای شکستن تعطیلی است. بنابراین مطلق کار در آن روز حرام بوده و ماهیگیری به عنوان یک مصداق تحقق یافته حرمت مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۷

۷ شکستن حرمت تعطیلی روز شنبه گناهی بزرگ در آیین یهود و در پی دارنده عذاب شدید

اللّه مهلکهم أو معذبهم عذاباً شدیداً

شدت عذاب، حکایت از بزرگی گناه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۶

۶ یهودیان متخلف از حکم روز شنبه ( حرمت تلاش برای کسب مال و صید ماهی ) مردمانی فاسق و ظالم در پیشگاه خداوند

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس بما کانوا یفسقون

محرومیت اخروی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۴

۴ - یهودیان ، به خاطر ارتکاب گناهان ، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

محرومیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر ( ص ) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه اللّه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۹

**۴۹** - یهودیان ساحر ، علی رغم اطمینانشان به محروم بودن از سرای آخرت ، محرومیت خویش را انکار می کردند .

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره

من خلق

تأكيد جمله با لام قسم (لقد) و نيز لام تأكيد (لمن) گوياى اين است كه: يهوديان ساحر، حقيقتى را كه بدان علم داشتند، مورد انكار قرار مى دادند; زيرا تأكيد جمله غالباً در مواردى است كه مضمون آن مورد انكار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۵

۵ يهود و نصارا و مرتدّان ، محروم از نظر و توجّه خداوند

قوماً كفروا بعد ايمانهم . .. و لا هم ينظرون

جمله <و لا هم ينظرون>، مى تواند به اين معنا باشد كه آنان مورد عنايت و توجه خداوند قرار نمى گيرند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸

۲۸ گرفتارى يهود به لعنت الهى ، موجب دورى آنان از ايمان به پيامبر ( ص ) و اسلام

لعنهم اللّه بكفرهم فلا يؤمنون الّا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۱

۴۱ ناپاكى جان ودل منافقان و يهوديان ، موجب محروميت آنان از شفاعت رسول خدا ( ص ) براى هدايت و نجاتشان از عذاب *

و من يرداللّه فتنته فلن تملك له . .. أولئك الذين لم يرد اللّه ان يطهر قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۷،۸،۳۸

۷ يهود ، مردمى به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

و لعنوا

<لعنت> به معنای دوری از رحمت است.

۸ سخن ناروای یهود درباره خداوند ( نافذ نبودن قدرت او ) موجب دوری آنان از

رحمت الهی

و لعنوا بما قالوا

۳۸ مفسده جویی یهود ، عامل محرومیت آنان از محبت خداوند

و یسعون فی الارض فساداً و اللّه لایحب المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۹

۹ - قوم یهود ، گروهی ظالم و محروم از هدایت خداوند

الذین کذّبوا بایت اللّه و اللّه لایهدی القوم الظلمین

محمد(ص) و اسلام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱،۲

۱ - پیامبر ( ص ) به امید اسلام آوردن یهود و نصارا ، در پی جلب رضایت و خشنودی آنان بود .

و لن ترضی عنک الیهود و لاالنصری

بدیهی است که اهتمام پیامبر(ص) برای جلب خشنودی یهود و نصارا برای دستیابی به منافع شخصی و مانند آن نبود; بلکه در جهت ایفای وظیفه، یعنی، گرایش دادن آنان به اسلام بوده است و لذا قید <به امید اسلام آوردن> در برداشت آورده شد.

۲ - تلاش پی گیر پیامبر ( ص ) برای گرایش دادن یهود و نصارا به اسلام

و لن ترضی عنک الیهود و لاالنصری

محمد(ص) و عهدشکنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۷

۷ خداوند ، پیامبر ( ص ) را بر روحیه پیمان شکنی یهودیان عصر خویش آگاه ساخت .

ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

به کارگیری فعل مضارع <ینقضون> به جای فعل ماضی، با اینکه سیاق آیه اقتضا می کرد که گفته شود <ثم نقضوا>، اشاره به این است که پیمان شکنی یک حالت مستمر برای یهودیان است.

محمد(ص) و محرمات یهود

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۵

۵- پیامبر ( ص ) از محرماتی که تنها برای ملت یهود وضع گردیده بود ، از راه وحی آگاه شد .

و علی الذین هادوا حرّمنا ما قصصنا علیک من قبل

محمد(ص) و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹،۱۰

۹ توصیه علمای یهود به یکدیگر ، بر مخفی کردن ادلّه رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا . .. ان یؤتی احد مثل ما اوتیتم

احتمالا مراد از <ما اوتیتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

۱۰ علمای یهود ، منکر توان مسلمانان در احتجاج بر نبوّت پیامبر اسلام ( ص )

و لا تؤمنوا الّا لمن تبع دینکم . .. او یحاجّوکم عند ربّکم

بنابراینکه <او یحاجّوکم>، که عطف به <ان یؤتی> است، مفعول له برای <لا تؤمنوا> باشد; به تقدیر <لا> یعنی: لان لا یحاجّوکم عند ربّکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۷

۷ پیشنهاد پیامبر ( ص ) به یهودیان برای ارائه شاهدی از تورات ، بر صدق ادعای خویش در تحریم برخی خوردنیها

قل فأْتوا بالتوریه فاتلوها ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۲

۲ – یهودیان ، همچون سایر مردم در گستره رسالت پیامبر ( ص ) هستند .

و لما جاءهم رسول من عنداللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۳ – ۶،۱۴

عدم قبول حکمیت تورات از سوی برخی عالمان یهود ، به دنبال ارائه پیشنهاد آن از جانب پیامبر اکرم ( ص )

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب . .. هم معرضون

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که درباره آیه مورد بحث نقل شده است. (مجمع البیان).

۱۴ داوری پیامبر ( ص ) در میان یهودیان بر اساس تورات ، و عدم پذیرش حکم تورات توسط برخی از آنان

یدعون الی کتاب اللّه لیحکم بینهم ثم یتولی فریق منهم

در شأن نزول آیه آمده است، پیامبر (ص) درباره زن و مردی از یهود که مرتکب زنا شده بودند; به استناد تورات، حکم به رجم آنان نمود که سبب خشم یهودیان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۲۰

۲۰ دعوت پیامبر ( ص ) از یهود برای مباهله

فقل تعالوا ندع ابناءنا

تفسیر المیزان از ابن جریر نقل می کند، آنگاه که آیه <فمن حاجّک فیه . .. > نازل شد ; پیامبر (ص) یهود را برای مباهله دعوت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۷

۷ یهود ، آنچه را در اوّل روز بر پیامبر ( ص ) نازل شده بود ( قبله بودن بیت المقدّس ) ، پذیرفتند و به آنچه در انت های روز نازل شده بود ( قبله بودن کعبه ) ، کفر ورزیدند تا مؤمنان را گمراه سازند .

و قالت طائفه . .. لعلّهم یرجعون

برخی از مفسران برآنند که <وجه النهار> و <آخره> متعلق به <انزل> است ; و

سیاق آیه می رساند که مراد از <الذی>، حکمی خاص است ; برخی روایات دلالت دارد که آن حکم خاص، تغییر قبله بوده است که پیامبر (ص) در عصر گاهی مأمور شد نماز را به سوی کعبه بخواند و قبله مسلمانان را که تا صبحگاه آن روز، بیت المقدس بوده است تغییر دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۶ - ۳

۳ یهود و نصارا ، محروم از هدایت ، به جهت انکار آگاهانه حقانیّت پیامبر ( ص ) با وجود دلایل روشن بر آن

کیف یهدی اللّه قوماً . .. و اللّه لا یهدی القوم الظالمین

آیه در مورد اهل کتاب نازل شده و آنان با وجود شهادت قبلی بر حقّانیّت آن حضرت، منکر حقّانیت وی شدند. (روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر ( ص ) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۱

۲۱ مراقبت مستمر پیامبر ( ص ) بر اعمال و رفتار یهودیان عصر خویش و آگاهی وی به خیانت های آنان

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۱،۱۳،۱۵

۱۱ پیامبر ( ص ) ، از جانب خداوند ، اختیار

دار داوری در میان یهودیان و یا خودداری از آن

فان جاءوک فاحکم بینهم او اعرض عنهم

۱۳ پیامبر ( ص ) ، نگران آسیب رسانی یهود به اسلام و مسلمانان در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن یضروک شیئاً

به نظر می رسد مراد از <یضروک> آسیب رسانی به اسلام و جامعه ایمانی باشد، زیرا رسول خدا(ص) نگران آسیب دیدن شخص خود نبوده است.

۱۵ پیامبر ( ص ) ، مأمور به قضاوت عادلانه بین یهودیان در صورت تصمیم بر داوری میان آنان

و إن حکمت فاحکم بینهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۵

۵ توجه دادن یهودیان به فرجام شوم مخالفت با فرمان های الهی ، هدف از پرسش پیامبر ( ص ) از یهودیان درباره مردم ایله

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۱

۱ پیامبر ( ص ) از جانب خدا فرمان یافت تا در صورت تسلط بر یهودیان پیمان شکن و جنگ آفرین ، آنان را به گونه ای مجازات کند که زمینه پراکنده شدن دیگر دشمنان فراهم آید .

فإما تثقفنهم فی الحرب فشردبهم من خلفهم

تشرید به معنای پراکنده ساختن و کوچ دادن است. <باء> در <بهم> سببیه است که به دلیل <فی الحرب> کلمه ای همانند قتل و یا مجازات در تقدیر می باشد. و مراد از <من خلفهم> یهود و یا دیگر دشمنانی است که از مدینه و یا اطراف آن به فتنه گری می پرداختند.

بنابراین جمله <فشردبهم> چنین معنا می شود: ای پیامبر با مجازات سنگین که بر یهودیان پیمان شکن تحمیل می کنی، دیگر دشمنان را متفرق ساز و پراکنده کن.

محمد(ص) و یهود عهدشکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر ( ص ) را از وقوع نبردی میان مسلمانان و یهودیان پیمان شکن ، پیش از واقع شدنش ، آگاه ساخت .

فشردبهم من خلفهم

<ثقف> مصدر <تثقفن> به معنای دستیابی و تسلط پیدا کردن است. <إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زاید است. تأکید جمله شرطیه با نون تأکید ثقلیه و <ما>ی زایده حکایت از آن دارد که شرط، یعنی وقوع جنگ و تسلط مسلمانان بر یهودیان، تحقق خواهد یافت. بنابراین معنای جمله شرط چنین خواهد بود: اگر نبردی با یهودیان رخ داد و بر آنان مسلط شدی، که البته چنین خواهد شد ... .

مخالفت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۹

۹ یهود و نصارا ، مخالف اسلام و ناخشنود از گسترش آن

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً . .. لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

مخالفت یهود با موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۷

۷ - یهودیان ، علی رغم دریافت دلایل و معجزات موسی ( ع ) با رسالت های او مخالفت کردند .

لقد جاء کم موسی بالبینت ثم أتخذتم العجل من بعده

مرگ گریزی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹

- جمعه - ۶۲ - ۷ - ۴

۴ - گریزان بودن یهود از مرگ ، نشان دروغین بودن ادعای آنان ( این که آنان دوستان و اولیای خدا هستند ) .

إن زعمتم أنّكم أولياء للّه . .. إن كنتم صدقين . و لايتمنّونه أبدًا

مسخ یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱،۳،۷

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدّل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم كونوا قرده خسئين

<عتوّ> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

۳ خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئيس . .. فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واقع شدن جمله <فلما عتوا> پس از <أخذنا الذين ظلموا . .. >، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی همچنان به صید ماهی در شنبه ادامه می دادند.

۷ مسخ یهودیان متمرد آبادی ایله به بوزینگانی مطرود ، عذاب سخت الهی برای ایشان

قلنا لهم كونوا قرده خسئين

برخی برآنند که <قلنا لهم . .. > بیان همان <عذاب بئیس> است که در آیه قبل آمده است. گفتنی است بر این مبنا <الذین ظلموا> شامل ترک کنندگان نهی از منکر نمی شود. زیرا آنان قانون حرمت صید را نشکستند و به بوزینه تبدیل نشدند.

مسلمانان صدر اسلام و علمای

یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۳

۳ خوشبینی مسلمانان صدر اسلام ، نسبت به پیشوایان دینی یهود و نصارا

يأيها الذين ءامنوا إن كثيراً من الأحبار و الرهبان ليأكلون أمول الناس بالبطل

افشای چهره عالمان دینی یهود و نصارا برای مسلمانان (یا أیها الذین آمنوا) که متضمن هشدار به ایشان است بیانگر این حقیقت است که: مسلمانان از ماهیت خطر پیشوایان دینی اهل کتاب آگاهی نداشتند بلکه بر عکس به آنان خوشبین بودند.

مسلمانان و علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه عليكم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <و قد کان . ..> و یا عطف بر جمله <یسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

مسلمانان و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ علمای یهود ، منکر توان مسلمانان در احتجاج بر نبوّت پیامبر اسلام ( ص )

و لا تؤمنوا الّا لمن تبع دينكم . .. او يحاجّوكم عند ربّكم

بنابراینکه <او یحاجّوکم>، که عطف به <ان یؤتی> است، مفعول له برای <لا تؤمنوا> باشد; به تقدیر <لا> یعنی: لان لا یحاجّوکم عند ربّکم.

## ۱۱ نگرانی علمای یهود ، از احتجاج مسلمانان

با آنها در پيشگاه خداوند

و لا تؤمنوا . .. او يحاجّوكم عند ربّكم

۱۲ افشاى توطئه علماى يهود عليه مسلمانان ، از جانب خداوند

و لا تؤمنوا الاّ لمن تبع دينكم . .. او يحاجوكم عند ربّكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۱،۲،۴،۱۰،۱۲

۱ كوشش اهل كتاب ( يهود ) ، براى زيان رساندن به مسلمانان

لن يضرّوكم إلّا اذًى

مفسّرين شأن نزول آيه را يهوديان گفته اند.

۲ ناتوانى اهل كتاب ( يهود ) ، از آسيب رساندن به مسلمانان ، جز اندك آزارى

لن يضرّوكم إلّا اذًى

اندك بودن آزار از نكره آوردن <اذىً> استفاده شده است.

۴ شكست و فرار ، فرجام رويارويى و نبرد اهل كتاب ( يهود ) با مسلمانان

و إن يقتلوكم يولّوكم الادبار

۱۰ محروميّت اهل كتاب ( يهود ) از يارى ديگران ، پس از فرار و شكست در پيكار با مسلمانان

و إن يقتلوكم يولّوكم الادبار ثم لا ينصرون

۱۲ گروندگان از اهل كتاب ( عبداللّه بن سلام و يارانش ) به اسلام ، مورد سرزنش و آزار سران يهود

لن يضرّوكم إلّا اذًى

در شأن نزول آمده است: عبداللّه بن سلام و يارانش پس از ايمانشان به پيامبر(ص) مورد سرزنش رؤساى يهود قرار گرفتند. (مجمع البيان).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۵ – ۱

۱ – تأیید حقانیت رسالت پیامبر ( ص ) و تأیید پیروان او ، انتظار مسلمانان عصر بعثت از یهودیان آن دوران

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

طمع به معنای کشش نفس به چیزی دلخواه است (مفردات راغب). طمع به معنای امید و

رغبت است (لسان العرب). ایمان در <أن یؤمنوا> به قرینه متعلق آن (لکم) به معنای تصدیق و تأیید کردن است. بنابراین <أفنطمعون ...>; یعنی، آیا انتظار دارید شما را - بر آن راهی که انتخاب کرده اید - تأیید کنند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱۰،۱۳

۱۰ - مسلمانان ، باید به یهود و نصارا ابلاغ کنند که به قرآن و همه پیامبران و احکام و معارف نازل شده بر آنان و به تمامی کتاب های آسمانی ، ایمان دارند .

قولوا ءامنا باللّه و ما أنزل إلینا و ما أنزل إلی إبرهیم . .. و ما أوتی النبیّون

برداشت فوق از کلمه <قولوا> (بگویید) استفاده می شود. آیه قبل گویای این است که <مقول له> (کسی که باید به او ابلاغ شود) یهود و نصاراست.

۱۳ - مسلمانان ، باید به یهودیان و نصرانیان ابلاغ کنند که هرگز تسلیم خواسته های آنان نخواهند شد .

کونوا هوداً أو نصری . .. قولوا ءامنا ... و نحن له مسلمون

حصر در جمله <و نحن له مسلمون> ناظر به سخن یهود و نصاراست که از مسلمانان می خواستند به آیین یهودیت و نصرانیت ایمان آورند و در زمره یهودیان و نصرانیان قرار بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ پیروزی مسلمانان بر یهود *

و جاعل الذین اتبعوک

احتمالا مراد از پیروان عیسی (ع)، پیروان راستین آن حضرت است که قهراً منطبق بر مسلمانان می شود; چون عیسی (ع)، بنی اسرائیل را موظف به پیروی از پیامبر اسلام (ص) کرده

یود. و مراد از <الذین کفروا>، یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۹،۲۶

۱۹ عنایت خداوند به عزت و شوکت مسلمین در برابر یهود و نصارا

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح او امر من عنده

۲۶ یهود و نصارا ، مورد علاقه و محبت مسلمانان سست ایمان در عصر بعثت

ما اسروا فی انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۴،۶،۷

۴ مسلمانان فریب خورده و دلگرم به یاری یهود و نصارا ، مورد ملامت مؤمنان راستین پس از فتح و پیروزی

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

۶ تعهد مسلمانان سست ایمان بر یاری یهود و نصارا با سوگندهایی مؤکد

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق بر این مبناست که <هولاء> اشاره به بیماردلان و خطاب در <معکم> متوجه یهود و نصارا باشد.

۷ ناتوانی مسلمانان سست ایمان بر پایبندی به تعهد خویش با یهود و نصارا

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۳

۳ خداوند پیش از وقوع نبرد ، تسلط مسلمانان بر یهودیان را بر پیامبر ( ص ) بشارت داد .

فإما تثقفنهم فی الحرب

برداشت فوق مبتنی بر مطالبی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

مسؤولیت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۲،۲۱،۳۲،۳۳

۱۲ حراست و نگهبانی تورات از تغییر ، تبدیل و تحریف ، مسؤولیت عالمان ربانی

و احبار یهود

یحکم بها . .. الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه

<استحفظوا> به معنای <امروا بالحفظ> و <من کتب> بیان برای <ما> در <بما استحفظوا> می باشد. یعنی ربانیون و احبار به چیزی حکم می کنند که مأمور حفاظت از آن هستند و آن چیز کتاب خداست.

۲۱ حراست از تورات و قضاوت بر اساس آن ، بدون هیچ ترسی از مردم ، فرمان خداوند به عالمان یهود معاصر پیامبر ( ص )

و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه . .. فلاتخشوا الناس

۳۲ ضرورت درس آموزی عالمان یهود از انبیا ، احبار و ربانیون ، در خداترسی و بی پروایی از مردم

یحکم بها النبیون . .. فلاتخشوا الناس و اخشون

تفریع جمله <فلاتخشوا الناس> بر <یحکم بها النبیون> با کلمه <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

۳۳ پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگو های خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون . .. فلاتخشوا الناس و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ سکوت عالمان یهود و نصارا در برابر منکرات جامعه خویش ، بسیار زشت و ناپسند

لبئس ما کانوا یصنعون

ظاهراً مراد از ضمیر در <کانوا> و <یصنعون>، <ربانیون> و <احبار> می باشد نه توده اهل کتاب ; قابل ذکر است که در برداشت فوق مراد از <ما>ی موصوله، سکوت عالمان اهل کتاب در برابر گناهان دانسته شده است.

مسؤولیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۷

۷ - خداوند ، بنی

اسرائیل ( یهودیان و نصرانیان ) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا أول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۴

۴ - مسلمانان ، یهودیان ، مسیحیان و صابئی ها سزاوارترین امت ها برای برخوردار شدن از ایمان راستین و انجام عمل صالح

إن الذین ءامنوا . .. من ءامن باللّه و الیوم الأخر و عمل صلحاً

نام بردن از ملتهای مذکور - با وجود این که ایمان راستین چنانچه گذشت از هر فرد و ملتی پذیرفته است - می تواند اشاره به این نکته باشد که: پیروان آیینهای یاد شده دارای زمینه بیشتری برای ایمان حقیقی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۸

۸ - یهود و نصارا ، حقیقتی را از ناحیه خداوند در اختیار داشتند که باید آن را به مردم ارائه می کردند .

أم تقولون . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

چون در این بخش از آیات سخن درباره یهود و نصارا است، معلوم می شود: اشاره مستقیم جمله <من أظلم . ..> و مصداق مورد نظر آن، یهود و نصارا می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲

۲ یهود وظیفه دار اجرای احکام و قوانین قصاص ( بیان شده در تورات ) در میان خویش

و کتبنا

علیهم فیها ان النفس بالنفس . .. و الجروح قصاص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۹ – ۴

۴ ایمان به خدا و قیامت و رسالت انبیا ، از اصول مشترک ادیان آسمانی

إنّ الذین ءامنوا و الذین هادوا و الصبئون . .. من ءامن باللّه و الیوم الاخر

ایمان به رسولان الهی، از عناوین مذکور در آیه (الذین ءامنوا . .. النصری) استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۷ – ۱۰

۱۰ ایمان به رسول اکرم ( ص ) و پیروی از او وظیفه ای الهی بر عهده یهود و نصارا و ثبت شده در تورات و انجیل

الذین یتبعون الرسول النبی الأمّی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوریه و الإنجیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۸ – ۱۵،۲۰

۱۵ همه انسان ها ، حتی یهود و نصارا ، باید به خدا و پیامبر او ایمان آورند .

قل یأیها الناس . .. فامنوا باللّه و رسوله

مصداق مورد نظر برای <النـاس>، به قرینه آیات گذشـته و نیز آیه قبل که بیان داشت اوصاف پیامبر در تورات و انجیل ثبت شده، یهود و نصارا است. بنابراین یهود و نصارا از مخاطبان <فامنوا ... > هستند.

۲۰ همگان ، حتی یهود و نصارا ، باید از پیامبر اسلام تبعیت کنند .

و اتبعوه

مسیحیان و قبله یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۸

۸ - هیچ یک از یهود و نصارا ،

قبله یکدیگر را نخواهند پذیرفت .

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

مسیحیان و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۸

۱۸ خداوند ، مرجع و حاکم حلّ اختلافات یهود و نصارا در قیامت

ثمّ الیّ مرجعکم فاحکم بینکم فیما کنتم فیه تختلفون

مشاجره یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا محتوای اساسی دین را ( ایمان به خدا ، سرای آخرت و . . . ) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله ، به بحث و مشاجره می پرداختند .

لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق بـا توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمـده، اسـتفاده می شود. در مجمع البیان نقل شـده است: <آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. >

مشکلات یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۸

۸ - یهودیان مدینه ، پیش از اسلام در گیر با کافران و از ناحیه آنان در سختی و فشار بودند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

مصلحت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۶،۱۸

۱۶ خیر و صلاح یهود در گوش سپردن به گفته های پیامبر ( ص ) و فرمانبرداری از آن حضرت

و لو انهم قالوا سمعنا

و اطعنا . .. لكان خيراً لهم

۱۸ خیر و قوام یهود ، در پرهیز از سخنان مبهم ، دو پهلو و تمسخرآمیز در برابر پیامبر ( ص )

و لو انهم قالوا . .. واسمع و انظرنا لكان خيراً لهم و اقوم

معاهده با یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۰ – ۶

۶ – توافق های سطحی با یهود و نصارا ، در گرایش آنان به اسلام مؤثر نیست .

و لن ترضی عنک الیهود و لاالنصری حتی تتبع ملتهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۳ – ۷

۷ ناتوانی مسلمانان سست ایمان بر پایبندی به تعهد خویش با یهود و نصارا

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

معاهده یهود بنی قریظه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۶ – ۴

۴ – یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، همْ پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب

مراد از <الذین ظاهروا> یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر <هم>، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

معاهده یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - اطمینان بخشی خداوند به مؤمنان ، در وفا نکردن منافقان به پیمان خویش باکافران ( یهود بنی نضیر )

و اللّه یشهد إنّهم لکذبون

معذور نبودن یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

- ۲ - ۸۸ - ۷

۷ - یهودیان کافر ، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان ، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم

مغضوبیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۵،۱۶،۱۷

۱۵ - یهودیان ، مردمی گرفتار شده به غضب و خشم خداوند

فباء و بغضب علی غضب

۱۶ - یهودیان ، بر اثر انکار رسالت پیامبر و کفر به قرآن ، خشم خداوند را بر خویش هموار ساختند .

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه . .. فباء و بغضب علی غضب

<باءوا> به معنای <بازگشتند> است. حرف <باء> در <بغضب> بای مصاحبت یا ملابست می باشد; یعنی، یهودیان از آن مبادله (فروختن خویش به کفر) باز آمدند، در حالی که غضب الهی را به همراه داشتند.

۱۷ - یهودیان به خاطر کفرشان به تورات ، مورد غضب و خشم خدا قرار گرفتند .

أن یکفروا بما أنزل اللّه . .. فباء و بغضب علی غضب

تفریع جمله <باءوا . ..> بر جمله های سابق، بیانگر آن است که: منشأ خشم خدا بر یهود، کافر شدن به قرآن و تورات از یکسو و حسدورزی و اعتراض آنان به خداوند از سوی دیگر است و لذا می توان گفت: <غضب> اول به خاطر کفر آنان و <غضب> دوم به خاطر حسادت و اعتراضشان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۸،۱۱،۱۲

۸ اهل کتاب ( یهود ) ، هموارکننده غضب الهی بر خویشتن

و باءُو بغضب من اللّه

١١ كفر

مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه و ضربت علیهم المسکنه ذلک بانّهم کا

۱۲ عصیان یهود و تعدّی و تجاوز مستمر آنان ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه <ذلک بما عصوا>، اشاره به ذلّت و . .. باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۴

۴ - یهود ، ملتی مغضوب و مورد خشم خداوند

قومًا غضب اللّه علیهم

مقلدان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۳

۳ عوام یهود ، قبول کننده تحریفات صورت گرفته به دست عالمان آنها *

سمعون للکذب

چنانچه <سمعون> وصف عوام یهود باشد، مراد از <کذب> به قرینه <یحرفون> تحریفاتی خواهد بود که به دست عالمان یهود صورت می گیرد و شنیدن تحریف به معنای قبول کردن آن است.

مکر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ تلاش موذیانه و فریبکارانه اهل کتاب ( یهود ) ، برای بازداشتن پیامبر ( ص ) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

چون <یفتنوک> به <عن> متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است ; یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی

بازدارند و گمراه سازند.

ملاکهای ایمان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۶،۱۰،۱۲

۶ - یهود ، ایمان به وحی و کتاب های آسمانی را تنها در صورت نزولشان بر پیامبری از نژاد اسرائیل ، ضروری می پنداشتند .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا

۱۰ - ملاک یهودیان ، برای ایمان آوردن به پیامبران ، بعثت آنان از میان بنی اسرائیل است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا

هر چند ایمان به قرآن و کتابهای آسمانی محور سخن در آیه شریفه است; ولی از آن جا که نزول کتاب آسمانی مستلزم بعثت پیامبر (ص) نیز هست، دعوت به پذیرش قرآن، دعوت به ایمان به پیامبر(ص) نیز می باشد و سخن یهود - که فقط به کتاب خود ایمان می آوریم - مستلزم این معنا نیز هست که: فقط به پیامبران خود ایمان می آوریم.

۱۲ - یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

منابع غذایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۴

۴ دنبه و پیه گاو و گوسفند از نظر غذایی برای یهودیان ارزش فراوانی داشت.

و علی الذین هادوا . .. حرمنا علیهم شحومهما ... ذلک جزینهم ببغیهم

چون تحریم پیه و دنبه بر یهودیان به عنوان مجازاتی در برابر ظلم و تجاوز آنها مطرح شده، طبیعتاً چیزهایی مرغوب و مورد پسند و نیاز آنها بوده تا عنوان مجازات لغو و بی اثر نباشد.

منافقان و علمای یهود

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون . ..>، علاوه بر توصیف یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للکذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون للکذب> که دارای لحنی مذمت آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

منافقان و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۹

۹ استهزای یهود و مشرکان به آیات الهی و شرکت منافقان در جمع آنان

إذا سمعتم ءایت اللّه یکفر بها و یستهزأ بها فلاتقعدوا معهم

ابن عباس در شأن نزول آیه گفته است: منافقان، در مجالسی که از سوی یهود ترتیب می یافت و قرآن مورد تمسخر قرار می گرفت، شرکت می کردند و سدی گفته است: مشرکان آنگاه که با مسلمانان در یک مجلس می نشستند، قرآن را استهزا می کردند و به رسول خدا(ص) دشنام می دادند.

---

مجمع البیان، ذیل آیه; الدرالمنثور، ج ۲، ص ۲۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۲

۲ - اتحاد و همدستی منافقان با یهودیان علیه اسلام و مسلمین

ألم تر إلی الذین تولّوا قومًا غضب اللّه علیهم

دوستی میان منافقان و یهودیان که مورد عضب خدا هستند جنبه عاطفی نداشت; بلکه سیاسی و عقیدتی بوده است.

منشأ عقیده

یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۵

۵ تأثیرپذیری فرهنگ دینی یهود و نصارا از عقاید کافران پیشین *

یضهئون قول الذین کفروا من قبل

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الذین کفروا من قبل> جوامع کفرپیشه پیش از پیدایش دین یهود و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۵

۵ عقاید و آرای یهود و نصارا در عصر پیامبر ( ص ) ، عقاید و آرایی برخاسته از هوا های نفسانی بود .

و لئن اتبعت أهواءهم

<أهواء> (جمع هوی) به معنای خواهشها و تمایلات نفس است و مراد از آن در آیه شریفه به قرینه مقابله آن با احکام قرآن آرا ، عقاید و قوانین برخاسته از تمایلات نفسانی است.

منشأ کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر ( ص ) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است; برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعولٌ به برای <أن یکفروا> می باشد.

موانع اسلام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۶،۷

۶ - اندیشه باطل یهود ( عذاب نشدن یهودیان جز روزی چند ) بازدارنده آنان از ایمان آوردن به اسلام

أفتطمعون أن یؤمنوا

لکم . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

جمله <و قالوا . ..> عطف بر <قد كان فريق> در آیه ۷۵ است و لذا حاکی از آن است که چنین عقیده و پنداری، مانع از آن شده که یهودیان ایمان آورند.

۷ - توجه به باور نادرست یهود درباره ( عذاب نشدن یهود جز روزی چند ) ، موجب قطع امید از ایمان آوردن اینان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۳

۳ - یهودیان ، ناتوانی خویش را از پذیرش اسلام ، برخاسته از فطرت و خلقت خویش پنداشته ، خود را معذور می دانستند .

و قالوا قلوبنا غلف

جمله <لعنهم اللّه يكفرهم> (خدا یهودیان را بسزای کفرشان لعنتشان کرده است) با جمله تفریع شده بر آن (فقليلاـ ما يؤمنون; و لذا کمتر ایمان می آورند) به خوبی می رساند که: ادعای یهود مبنی بر ناتوانی از درک معارف اسلام ادعای صحیحی است. بنابراین کلمه <بل> رد معنای مطابقی <قلوبنا غلف> نیست; بلکه نفی معنایی است که می توان گفت مقصود اصلی یهودیان بوده و آن معذور بودن به خاطر درک نکردن است.

موانع ایمان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۶

۶ - اندیشه باطل یهود ( عذاب نشدن یهودیان جز روزی چند ) بازدارنده آنان از ایمان آوردن به اسلام

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

جمله <و قالوا . ..> عطف بر <قد

کان فریق> در آیه ۷۵ است و لذا حاکی از آن است که چنین عقیده و پنداری، مانع از آن شده که یهودیان ایمان آورند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۸ – ۳،۷،۱۰

۳ – یهودیان ، ناتوانی خویش را از پذیرش اسلام ، برخاسته از فطرت و خلقت خویش پنداشته ، خود را معذور می دانستند .

و قالوا قلوبنا غلف

جمله <لعنهم اللّه یکفرهم> (خدا یهودیان را بسزای کفرشان لعنتشان کرده است) با جمله تفریع شده بر آن (فقلیلاـ ما یؤمنون; و لذا کمتر ایمان می آورند) به خوبی می رساند که: ادعای یهود مبنی بر ناتوانی از درک معارف اسلام ادعای صحیحی است. بنابراین کلمه <بل> رد معنای مطابقی <قلوبنا غلف> نیست; بلکه نفی معنایی است که می توان گفت مقصود اصلی یهودیان بوده و آن معذور بودن به خاطر درک نکردن است.

۷ – یهودیان کافر ، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان ، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم

۱۰ – گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا ما یؤمنون

فاء تفریع در <فقلیلاـ ما . ..> گویای آن است که: لعنت الهی موجب شده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

موضعگیری یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۱۹

۱۹ همسویی منافقان و یهود عصر بعثت در گرایش ها و موضعگیری های خویش در برابر پیامبر (

ص ) و اسلام

الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

موضعگیری یهود صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۵

۵ یهودیان صدر اسلام در برابر دعوت پیامبر(ص) موضعی غیر منطقی و لجوجانه داشتند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

جملات بعدی این آیه قرینه نزول این آیه در شأن یهود است. و چون یهود، گرچه ظاهراً، معتقد به نبوت موسی(ع) و دیگر انبیای الهی بودند، ادعای عدم نزول وحی بر هیچیک از افراد بشر باید از سر مکابره و عناد باشد.

مؤاخذه یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۴ – ۹

۹ – مؤاخذه یهود به خاطر رفتار نادرست نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتسئلون عما کانوا یعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

مؤمنان یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۶ – ۲۷

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم . .. الّا قلیلا

بنابر اینکه <قلیل> استثناء از مفعول در <لعنهم اللّه> باشد. نصب <قلیلا> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۱،۲

۱ ایمان برخی از اهل کتاب ( یهود ) به پیامبر اسلام ( ص )

فمنهم من امن به و منهم

بدان احتمال

که مراد از <النّاس> در آیه قبل پیامبر (ص) باشد و ضمیر <به> به آن ارجاع شود.

۲ ایمان برخی از اهل کتاب ( یهود ) به پیامبران خاندان ابراهیم

فقد اتینا ال ابرهیم . .. فمنهم من امن به

بنابر اینکه ضمیر در <به> به مجموعه کتاب، حکمت و ملک عظیم برگردانده شود. یعنی: <فمهنم من آمن بما اتینا ال ابراهیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۲،۱۳

۱۲ تحریم طیبات بر تمامی یهود کافر و مؤمن و عذاب قیامت تنها از آن کافران ایشان

حرّمنا علیهم الطیبت . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً أليماً

با توجه به جمله <اعتدنا للکفرین منهم> و جمله <حرمنا علیهم الطیبت> که در یکی کلمه <منهم> آمده و در دیگری نیامده، معلوم می شود برای همه یهودیان چه کافر و چه مؤمن طیبات تحریم شده ولی عذاب قیامت، تنها از آن کافران ایشان است.

۱۳ گروهی از یهود حافظ حریم ایمان و پایبند به احکام الهی

و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً أليماً

کلمه <من> در <منهم> برای تبعیض است و می رساند که گروهی از یهودیان کافر نشدند ; قابل ذکر است که مراد از کافر در اینجا می تواند کفر عملی یعنی پایبند نبودن به احکام الهی، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱،۲،۱۰،۱۱

۱ وجود دانشمندان ژرفنگر و مؤمنانی واقعی در میان یهودیان

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إليك

ظاهراً مراد از <المؤمنون>، یهودیان با ایمان می باشد، یعنی <المؤمنون منهم> و کلمه

<منهم> به قرينه فراز قبل حذف شده است.

۲ عالمان ژرفنگر يهود و مؤمنان واقعى آنها ، به قرآن و ديگر كتب آسمانى ايمان مى آورند .

لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

۱۰ يهوديان بپادارنده نماز و پرداخت كننده زكات ، به قرآن و ديگر كتب آسمانى ايمان مى آورند .

و لكن الرسخون . .. و المقيمين الصلوه و المؤتون الزكوه

گفتنى است كه <المقيمين> به وسيله فعلى همانند <امدح> و يا <اخص> منصوب شده و در اصل چنين بوده <و المقيمون الصلوه اخصهم و امدحهم> كه بنابر قواعد ادبى المقيمون و فعل اخص و امدح حذف شده است و ضمير در <امدحهم> به صورت اسم ظاهر در آمده است.

۱۱ يهوديان مؤمن به خدا و قيامت ، به قرآن و ديگر كتب آسمانى ايمان مى آورند .

و لكن الرسخون فى العلم منهم . .. و المؤمنون باللّه و اليوم الاخر

بنابر اينكه <المؤمنون باللّه . ..> عطف باشد بر <الرسخون>.

ناآگاهى يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۳

۳ اطلاعات ناقص برخى اهل كتاب ( يهود ) ، از كتاب آسمانى خويش

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتاب

نابخردى دنياطلبان يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۶

۲۶ دنياگرايان يهود ، مردمى نابخرد و خام فكر در پيشگاه خداوند

أفلا تعقلون

ناپاکی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۹ – ۱۴،۱۵

۱۴ شهادت خدا

بر ناپاکی یهودیان کفرپیشه ، هرگز ستمی به آنها نیست .

الم تر . .. بل اللّه یزکّی من یشاء و لا یظلمون فتیلا

۱۵ خداوند در اعطا نکردن کمال و پاک ننمودن یهودیان کفرپیشه ، هرگز ستمی به آنها نکرده است .

الم تر . .. بل اللّه یزکّی من یشاء و لا یظلمون فتیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۳۵،۳۶،۴۱

۳۵ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، دارای جان و دلی آلوده و ناپاک

قالوا ءامنا بافواههم و لم تؤمن قلوبهم و من الذین هادوا . .. أولئک الذین

۳۶ خداوند هرگز جان ودل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

۴۱ ناپاکی جان ودل منافقان و یهودیان ، موجب محرومیت آنان از شفاعت رسول خدا ( ص ) برای هدایت و نجاتشان از عذاب *

و من یرداللّه فتنته فلن تملک له . .. أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

ناخشنودی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۵ – ۲

۲ – کفرپیشگان ( یهود ، نصارا و مشرکان ) ناخشنود از نزول کمترین خیر ، بر مسلمانان

ما یودّ الذین کفروا . .. أن ینزل علیکم من خیر

نکره آوردن <خیر> به همراه <من> زایده در آیه، حکایت از آن دارد که: مشرکان کمترین خیری را برای مسلمانان نمی پسندیدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۲ – ۱۳

۱۳

یهود و نصارا ، ناخشنود از گسترش اسلام

و یأبی اللّه إلا أن یتم نوره و لو کره الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۹

۹ یهود و نصارا ، مخالف اسلام و ناخشنود از گسترش آن

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً . .. لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

ناروا گویی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱،۲،۳،۴

۱ بسیاری از یهود و نصارا ، مردمی حرام خوار و دارای زبانی آلوده به گناه و سخنان ناروا

لولا ینهیهم . .. عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

۲ بازداری یهودیان و مسیحیان از آلودگی به گناه ( گفتار های ناروا ، حرام خواری و . . . ) ، تکلیفی الهی بر عهده عالمان اهل کتاب

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

۳ سکوت و بی تفاوتی عالمان اهل کتاب ، در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

۴ ربانیون و احبار ( عالمان یهود و نصارا ) مورد توبیخ خداوند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

مراد از <ربانیون> عالمان نصارا هستند و <احبار> به دانشمندان یهود، گفته می شود.

ناروا گویی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۴ – ۳۸

۳ بسته بودن دست خداوند ، از گفتار

های ناروا و گناه آلودِ بسیاری از یهودیان

عن قولهم الاثم . .. و قالت الیهود یداللّه مغلوله

<و قالت الیهود . .>، می تواند بیان مصداقی برای <قولهم الاثم> در آیه قبل باشد و به قرینه آیه ۶۲ این سخن، گفته تمامی یهودیان نبوده و گروهی از آنان همچون ربانیون و احبار چنین گفتاری نداشته و لذا در برداشت فوق به همه آنان نسبت داده نشد.

۸ سخن ناروای یهود درباره خداوند ( نافذ نبودن قدرت او ) موجب دوری آنان از رحمت الهی

و لعنوا بما قالوا

ناصالحان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۳

۳ برخی از امت های پراکنده شده یهود ، مردمی صالح و گروههایی از آنان ناصالح هستند .

منهم الصلحون و منهم دون ذلك

<دون> به معنای غیر می باشد و <ذلك> اشاره است به صالح که از <الصلحون> به دست می آید، یعنی: <منهم غیر صالحین>.

نجات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ - زندگانی در دنیا و داشتن عمری طولانی ، نجاتبخش یهود از عذاب اخروی نیست .

و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

<أن یعمر> بدل برای <هو> و یا فاعل برای <مزحزح> است. مآل هر دو به یک معناست; معنای جمله <ما هو ...> چنین است: یهودیان ]بر فرض اینکه عمری هزار ساله داده شوند [آن عمر طولانی، ایشان را از عذاب رها نخواهد ساخت.

نزول کتاب آسمانی بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۴ نزول کتاب آسمانی بر دو طایفه غیر عرب (یهود و نصارا) قبل از نزول قرآن

إنما أنزل الكتب على طائفتين من قبلنا

نژاد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، آفریده هایی همانند و همسان با سایر انسانها

بل انتم بشر ممن خلق

نژادپرستی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ - حفظ منافع قوم و جامعه یهود ، برتر از اعتراف به باور ها و عقاید دینی در دیدگاه عالمان و پیشوایان آنان

أتحدثونهم بما فتح اللّه عليكم . .. أفلا تعقلون

نژادپرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۳،۱۲،۱۱،۱۰،۷،۶

۶ - یهود ، ایمان به وحی و کتاب های آسمانی را تنها در صورت نزولشان بر پیامبری از نژاد اسرائیل ، ضروری می پنداشتند .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علينا

۱۰ - ملاک یهودیان ، برای ایمان آوردن به پیامبران ، بعثت آنان از میان بنی اسرائیل است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا

هر چند ایمان به قرآن و کتابهای آسمانی محور سخن در آیه شریفه است; ولی از آن جا که نزول کتاب آسمانی مستلزم بعثت پیامبر (ص) نیز هست، دعوت به پذیرش قرآن، دعوت به ایمان به پیامبر(ص) نیز می باشد و سخن یهود - که

فقط به کتاب خود ایمان می آوریم - مستلزم این معنا نیز هست که: فقط به پیامبران خود ایمان می آوریم.

۱۱ - یهودیان ، به هر پیامبری که از نژاد اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

۱۲ - یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

۱۳ - یهودیان ، مردمی نژادگرا

قالوا نؤمن بما أنزل علینا و یکفرون بما وراءه و هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۳

۳ - قوم یهود ، مردمی نژادگرا و خودبرتربین

إن کانت لکم الدار الأخره . .. خالصه من دون الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۱،۲،۷

۱ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند ; که مبادا به غیر همکیش خود اعتماد کنند .

و لا تؤمنوا الّا لمن تبع دینکم

بنابراینکه <لا تؤمنوا>، به معنای عدم اعتماد باشد; نه به معنی عدم تصدیق و باور.

۲ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند که مبادا به غیر همکیش خود ایمان بیاورند .

و لا تؤمنوا الّا لمن تبع دینکم

بنابراینکه ایمان، به معنی گرایش و باور باشد.

۷ خودبرتربینی دینی و تعصب نابجای یهود

و لا تؤمنوا الاّ لمن تبع دينكم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۳ – ۲۶

۲۶ پیوستگی و ارتباط محکم یهود با پیشینه تاریخی ، فرهنگی و قومی خود

الّذین قالوا انّ اللّه عهد الینا الّا نؤمن . .. فلم قتلتموهم

ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ يهوديان و مسيحيان خود را انسانهايى ممتاز و برتر مى پندارند .

و قالت اليهود و النصرى نحن ابنؤا اللّه . .. بل انتم بشر ممن خلق

از اينكه خداوند در رد پندار يهود و نصارا فرموده است كه شما مانند ديگر انسانها هستيد، معلوم مى شود آنها براى خود امتيازى ويژه مى پندارند و خود را برتر از ديگران مى شمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۶

۶ يهود و نصارا ، تنها با يكديگر و همكيشان خويش روابط دوستى داشته و به آن وفادار هستند .

يا ايها الذين ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى أولياء بعضهم أولياء بعض

چون جمله <بعضهم أولياء بعض> به منزله دليل براى جمله <لاتتخذوا . ..> است، معناى حصر از آن استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۳

۳ - يهود ، قومى نژاد پرست و خودبرتربين

إن زعمتم أنّكم أولياء للّه من دون الناس

نشانه هاى بطلان ادعاى يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۲

۲ - گريز يهود از آرزوى مرگ ، نشانه نادرستى ادعاى آنان ( بهشتى بودنشان ) است .

فتمنوا الموت إن كنتم صدقين. و لن يتمنوه أبداً

نشانه های حرص یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۳،۴

۳ - روش و منش یهود ،

نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

<لتجدن> مرکب از فعل تجد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است; یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که یهود حریص ترین مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب، دلبستگی یهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد یهود نمایانگر علاقه شدید آنان به حیات دنیاست.

۴ - نمایان بودن علاقه یهود به زندگی دنیا ، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نهراسیدن از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

جمله <لتجدنهم . ..> استشهادی است برای جمله <لن یتمنوه>; یعنی، این حقیقت که یهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می شود; به گونه ای که حتی خود آنان نیز نمی توانند آن را انکار کنند.

نشانه های دروغگویی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۴

۴ - گریزان بودن یهود از مرگ ، نشان دروغین بودن ادعای آنان ( این که آنان دوستان و اولیای خدا هستند ) .

إن زعمتم أنّکم أولیاء للّه . .. إن کنتم صدقین . و لایتمنّونه أبدًا

نشانه های کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۸

۸ - رواج عهدشکنی در میان یهود ، نشانه فقدان ایمان در اکثریت آنان است .

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لایؤمنون

نظام اقتصادی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۷

۷ حاکمیت روابط ناسالم اقتصادی بر جامعه یهود

و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه و أكلهم أمول الناس بالبطل

نعمتهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۴

۴ خداونـد امت هـای یهود را گاهی با اعطای نعمت ها و آسایش ها و زمانی با گرفتار ساختن به سـختی ها و ناخوشاینـدی ها آزمود .

و بلونهم بالحسنت و السيئات

مراد از ضـمیر مفعولی در <بلونـاهم> می توانـد همه یهود، صالحان و ناصالحان، باشـد و می توانـد مراد از آن تنها ناصالحان ایشان باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

نفاق علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۸

۸ تناقض آشکار میان ادعا های اهل کتاب ( عالمان یهود ) و عمل آنان

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت و الطّاغوت

خداونـد از یکسو یهودیـان را به دارا بودن کتاب آسـمانی که طبعاً کتاب توحیـد است توصـیف کرده و از سوی دیگر شـرک آنان را گوشزد کرده تا تناقض در ادعا و عمل یهودیان را به خود آنان و به مسلمانان تفهیم کند.

نفاق یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۷

۷ یهود ، آنچه را در اوّل روز بر پیامبر ( ص ) نازل شـده بود ( قبله بودن بیت المقدّس ) ، پذیرفتند و به آنچه در انت های روز نازل شده بود ( قبله بودن کعبه ) ،

کفر ورزیدند تا مؤمنان را گمراه سازند .

و قالت طائفه . .. لعلّهم یرجعون

برخی از مفسران برآنند که <وجه النهار> و <آخره> متعلق به <انزل> است ; و سیاق آیه می رساند که مراد از <الذی>، حکمی خاص است ; برخی روایات دلالت دارد که آن حکم خاص، تغییر قبله بوده است که پیامبر (ص) در عصرگاهی مأمور شد نماز را به سوی کعبه بخواند و قبله مسلمانان را که تا صبحگاه آن روز، بیت المقدس بوده است تغییر دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۶

۱۶ برخورد منافقانه یهود ، با پیامبر ( ص )

الّذین قالوا انّ اللّه عهد الینا الّا نؤمن لرسول . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقی

جمله <فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین>، بیانگر این است که یهود، علی رغم ادعای ایمان در صورت مشاهده معجزه قصد ایمان آوردن، نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ نفاق و دورویی قوم یهود

یقولون سمعنا و عصینا واسمع غیر مسمع و راعنا

نفرین بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۴،۵،۳۳

۴ درماندگی و ناتوانی همیشگی یهود ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیهم

۵ گرفتاری یهودیان به بخل و خودداری آنان از انفاق و یاری دیگران ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیهم

جمله <ینفق کیف یشاء> دلالت می کند که از مصادیق مورد نظر در نفرین الهی بر یهود (غلت ایدیهم) بسته بودن دست آنها از انفاق و بخیل گشتن آنهاست.

ناکامی یهود در جنگ افروزی های خود علیه مسلمانان ، نمود ناتوانی آنان بر اثر نفرین خداوند

غلت ایدیهم . .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <کلما اوقدوا . ..> بیان نتیجه ای برای <غلت ایدیهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۹

۹ نفرین خداوند به یهود و نصارا ، به خاطر سخنان کفرآمیزشان

قتلهم اللّه أنی یؤفکون

نقش علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۰،۱۹

۱۰ عالمان ربانی و احبار یهود ، ادامه دهندگان راه انبیا در مسند قضاوت

یحکم بها النبیون . .. و الربنیون و الاحبار

۱۹ عالمان ربانی و احبار یهود ، وفادار به تکلیف حراست از تورات تا عصر بعثت

بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

بنابر اینکه <شهداء> به معنای <رقباء> و <حافظان> باشد، جمله <و کانوا علیه شهداء> دلالت بر تحقق مأموریتی دارد که بر عهده عالمان یهود گذاشته شده بود که همان حراست از تورات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۴

۱۴ - عالمان یهود ، دارای نقش بسزا در بازداری مردم خویش از ایمان آوردن به پیامبر ( ص ) و اسلام

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم و قد کان فریق منهم

جمله <و قد كان . ..> مى تواند دليل قطع اميد از ايمان آوردن عالمان يهود باشد و مى تواند علت قطع اميد از ايمان آوردن عامه يهود باشد. برداشت فوق مبتنى بر احتمال دوم

است; یعنی، یهودیان ایمان نمی آورند; زیرا عالمانشان به خاطر تحریفگر بودن، اجازه نخواهند داد حقایق - همان گونه که هست - به دست مردم برسد و زمینه های ایمان در آنان شکوفا شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ - عالمان تحریفگر و بدعتگذار یهود ، زمینه سازان گمراهی مردم خویش

ثم یقولون هذا من عند اللّه لیشتروا به ثمناً قلیلا

نگرانی از اتحاد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۳

۳ - وجود زمینه های نگرانی برای مسلمانان از همدستی جامعه یهود علیه آنان ( پس از غزوه بنی نضیر )

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه

از این که خداوند، همدستی کافران در نبرد و رویارویی با مؤمنان را نفی کرده است; چنین احتمال می رود که نگرانی هایی در میان مسلمانان وجود داشته است.

نماز در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۱،۲،۴

۱ یهودیانی که به تورات چنگ زنند و به محتوای آن پایبند باشند و نماز را برپا دارند ، مردمی صلاح پیشه اند .

و الذین یمسکون بالکتب . .. إنا لانضیع أجر المصلحین

تمسیک (مصدر <یمسکون>) به معنای حفظ کردن و رها ساختن است. محافظت کتاب آسمانی به این است که انسان معارف آن را باور داشته و به احکان آن پایبند باشد.

۲ خداوند پاداش یهودیان تمسک کننده به تورات و برپا دارنده نماز را تباه نخواهد کرد .

و الذين يمسكون بالكتب . .. إنا لانضيع أجر المصلحين

چون آیه

مورد بحث در سیاق آیات مربوط به یهود واقع شده، می توان گفت مراد از <الذین . .. > یهودیان متعهد هستند، و یا اینکه آنان از مصادیق مورد نظر برای <الذین ... > می باشند.

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

نمازگزاران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۰

۱۰ یهودیان بپادارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لکن الرسخون . .. و المقیمین الصلوه و المؤتون الزکوه

گفتنی است که <المقیمین> به وسیله فعلی همانند <امدح> و یا <اخص> منصوب شده و در اصل چنین بوده <و المقیمون الصلوه اخصهم و امدحهم> که بنابر قواعد ادبی المقیمون و فعل اخص و امدح حذف شده است و ضمیر در <امدحهم> به صورت اسم ظاهر در آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

نهی از دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۳

۳ - نهی الهی از رابطه مودّت آمیز مؤمنان با یهودیان معاند و مورد خشم

خداوند

يأيّها الذين ءامنوا لاتتولّوا قومًا غضب اللّه عليهم

مفسران در تفسير <قوماً غضب اللّه>، يهود را ياد كرده اند.

نياكان يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۷

۲۷ - ابو عمرو زبيرى از امام صادق ( ع ) درباره سخن خداوند كه مى فرمايد < . . . فلم تقتلون انبياء اللّه من قبل ان كنتم مؤمنين > روايت كرده كه : < انما نزل هذا فى قوم اليهود و كانوا على عهد محمد ( ص ) لم يقتلوا الأنبياء بأيديهم و لاكانوا فى زمانهم و انما قتل أوايلهم . . . فجعلهم اللّه منهم و أضاف إليهم فعل أوايلهم بما تبعوهم و تولّوهم ;

اين آيه درباره يهود نازل گشته است در حالى كه يهوديان زمان پيامبر(ص) پيامبرانى را نكشته بودند و در زمان آنان نيز زندگى نمى كردند و همانا گذشتگان آنان پيامبران را كشتند .. پس خداوند اين يهوديان (يهوديان زمان حضرت محمد(ص)) را جزء آنان دانسته و قتل انبيا را به خاطر پيروى آنان و محبتشان به پيشينيان به آنان نسبت داده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۹

۹ - مؤاخذه يهود به خاطر رفتار نادرست نياكانى از آنان ، از پندار هاى باطل ايشان *

و لاتسئلون عما كانوا يعملون

مخاطب قرار دادن يهوديان و يادآور شدن اين حقيقت كه شما مسؤول اعمال گذشتگان نيستيد، مى تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۴

۴ رضايت

یهود زمان پیامبر ( ص ) از کشتار انبیای گذشته به دست نیاکان و همکیشان خویش

و قتلهم الانبیآء . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

به نظر می رسد نسبت قتل پیامبران به یهود عصر پیامبر (ص) که از خطاب در <ایدیکم> به دست می آید، به جهت رضایت آنان به عملکرد گذشتگان خویش باشد، چون آنان مرتکب قتل انبیا نشدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۳ – ۱۹،۲۷

۱۹ یهود عصر پیامبر ( ص ) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۷ رضایت یهود معاصر پیامبر ( ص ) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت ، موجب نسبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین و القائلین خمس ماه عام، فالزمهم اللّه القتل برضاهم ما فعلوا.

---

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۰ – ۱۰

۱۰ رضایت یهودیان و مسیحیان عصر بعثت از رفتار های ناپسند نیاکان خویش

هل انبئکم بشرّ من ذلک مثوبه عند اللّه من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت

سرزنش یهودیان و مسیحیان عصر بعثت به خاطر رفتار ناپسند پیشینیان آنان، می تواند حاکی از رضایشتان به آن رفتار باشد.

ولایت یهود

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۵ – ۱۰

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من یتولهم منکم فانه منهم . .. انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

ویژگیهای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۸ – ۲

۲– تنها یهود از میان سایر امت ها ، موظف به انجام تکالیفی فزون تر و دشوارتر بودند .

و علی الذین هادوا حرّمنا

جار و مجرور <علی الذین> متعلق به فعل <حرّمنا> است و تقدیم آن بر فعل مفید حصر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۴ – ۱

۱– تعیین روز شنبه به عنوان روز تعطیلی ، تکلیفی مختص یهود

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فیه

<سبت> از نظر ریشه لغوی به معنای <قطع> است و مقصود از آن در این آیه، تعطیلی روز شنبه برای یهود است; چون در روز تعطیلی تمامی کارها و تلاشها قطع می شود.

هارون(ع) در یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۸ – ۲

۲– مریم ( س ) از نوادگان حضرت هارون ( ع ) بود . *

یأخت هرون

هرگاه قبیله ای از نسل فردی به وجود آید، آن قبیله را به نام وی می نامند و افراد قبیله را با تعبیر <أخ> یا <أخت> آن قبیله یاد می کنند; بنابراین، اطلاق <أخت هارون> بر مریم(س) به این اعتبار است که وی فردی از نسل هارون می باشد.

هشدار به علمای یهود

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۲۷

۲۷ تهدید و هشدار خداوند به عالمان یهود ، نسبت به خودداری از بیان احکام تورات

یحکم بها . .. و اخشون

هشدار به یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۸

۸ هشدار خداوند به یهودیان نسبت به شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۳ – ۱۸

۱۸ هشدار خداوند به یهود نسبت به فرجام شوم ستیزه جویی با پیامبر ( ص ) و فسادانگیزی در زمین

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل . .. انما جزؤا الذین یحاربون

چون در آیه پیش روی سخن با بنی اسرائیل بود، این آیه می تواند تعریض به اهداف و اعمال آنان در برابر پیامبر(ص) داشته باشد.

هماهنگی یهود و مسیحیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۱ – ۴

۴ – اتفاق نظر یهود و نصارا ، بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

هـدف از اینکه قرآن، پنـدار نصـارا و یهود را به صورت <لفّ اجمالی> بیان کرده، رسانـدن این معناست که: مقصود اصـلی یهود و نصارا در طرح آن ادعا، بیان محرومیت مسلمانان از بهشت است.

هواپرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۱

۱۱ - یهود و نصارا ، آیین الهی خویش را با آرایی برخاسته از هوا های نفسانی

، به انحراف کشانده بودند .

و لئن اتبعت أهواءهم

بـدیهی است که آیین یهودیت و نصـرانیت، ریشه الهی و آسـمانی دارد. بنـابراین تعبیر کردن از آیین آنـان به هواهای نفسانی، می رسانـد که: یهودیـان و نصـرانیان بـا نفوذ دادن آرا و هواهای نفسانی خویش در معارف و احکام دین، وجهه الهی آن را از میان برده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۱،۱۵

۱۱ - یهود و نصارا آیین الهی خویش را با آرایی برخاسته از هوا های نفسانی ، آمیخته بودند .

و لئن اتبعت اهواءهم

مقصـود از <أهـواءهم> (آرای برخاســته از هواهــای نفســانی) آییـن و مرام دینی یهـود و نصــاراست; زیرا مبــارزه آنـان با پیـامبر(ص) و اهـل ایمـان بر سـر باورهـا و احکـام دینی بوده است و از آنجـا که آیین اهل کتاب، آیینی الهی بوده ولی در آیه شریفه از آن به هواهای نفسانی تعبیر شده، برداشت فوق به دست می آید.

۱۵ - پیامبر ( ص ) موظف به پرهیز از پیروی یهود و نصارا و ردّ آرای نفسانی ایشان

و لئن اتبعت اهواءهم . .. إنک إذاً لمن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۸

۱۸ گروهی از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر ( ص ) ، هواپرسـتان گمراه و ناشـر عقایـد افراطی و غلوآمیز در میان همکیشان خود

و لاتتبعوا اهواء قوم . .. و اضلوا کثیراً و ضلوا عن سواء السبیل

کلمه <ضلوا> در دو بخش از آیه می تواند اشاره به دو طایفه از گمراهان داشته باشد، طائفه ای پیش از بعثت که

جمله <قد ضلوا من قبل> بیانگر آن است و طائفه ای معاصر پیامبر(ص) که جمله <ضلوا عن سواء السبیل> حاکی از آنان می باشد. گفتنی است که آوردن قید <من قبل> در یک بخش و نیامدن آن در بخش بعد، گویای این تفسیر است.

هواپرستی یهود صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۵

۵ عقاید و آرای یهود و نصارا در عصر پیامبر ( ص ) ، عقاید و آرایی برخاسته از هوا های نفسانی بود .

و لئن اتبعت أهواءهم

<أهواء> (جمع هوی) به معنای خواهشها و تمایلات نفس است و مراد از آن در آیه شریفه به قرینه مقابله آن با احکام قرآن آرا ، عقاید و قوانین برخاسته از تمایلات نفسانی است.

یأس از اسلام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <و قد کان . ..> و یا عطف بر جمله <یسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۷

۷ - توجه به باور ناردست یهود درباره ( عذاب نشدن یهود جز روزی چند ) ، موجب قطع امید از ایمان آوردن اینان

أفتطمعون

أن يؤمنوا لكم . .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

يأس يهود از سعادت اخروى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۹۵ – ۱،۴

۱ – يهوديان ، هرگز – به خاطر يأس از سعادت اخروى – خواهان مرگ نبوده و هيچ گاه از آن استقبال نخواهند كرد .

و لن يتمنوه أبداً

۴ – يهوديان ، به خاطر ارتكاب گناهان ، اميدى به بهره مند شدن از سراى آخرت ندارند .

لن يتمنوه أبداً بما قدمت أيديهم

يهود ايله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۳ – ۸،۱۰

۸ ماهى هاى درياى سرخ در روز هاى كارى يهود به سواحل ايله گذر نمى كردند و خود را در ديد ماهيگيران قرار نمى دادند .

يوم لا يسبتون لا تأتيهم

۱۰ وفور ماهى در روز شنبه و ظهورشان بر سطح آب ، محرّك يهوديان ايله به تعدّى از حكم خدا

إذ يعدون فى السبت إذ تأتيهم حيتانهم يوم سبتهم شرعاً

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۴ – ۱،۴،۵

۱ يهوديان ساكن در ايله متشكل از سه گروه بودند : تجاوزگران فاسق ، صالحان موعظه گر و نهى كننده از منكرات ، تاركان نهى از منكر .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

مقصود از موعظه، به دلیل <الذین ینهون عن السوء> در آیه بعد، نهی از منکر است.

۴ تارکان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، به موعظه گران اعتراض کردند و عمل آنان ( نهی از منکر ) را نابجا شمردند

.

لم تعظون قوماً

۵ پرهیزکنندگان از صید ماهی در میان یهودیان ایله ( چه موعظه گران و چه تارکان نهی از منکر ) مطمئن به نزول عذاب الهی بر متجاوزان و یا به هلاکت رسیدن ایشان به دست خدا

اللّه مهلکهم أو معذبهم عذاباً شدیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۵

۵ ترک کنندگان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، بی اعتنا به تذکار موعظه گران ( لزوم نهی از منکر )

فلما نسوا ما ذکروا به

ضمیر در <نسوا> و <ذکروا> به تجاوزگران و نیز به ترک کنندگان نهی از منکر برمی گردد. تذکری که به ترک کنندگان نهی از منکر داده شد، همان است که از جمله <معذره إلی ربکم> فهمیده می شود. یعنی مصلحان به آنان تفهیم کردند که شما نیز باید نهی از منکر کنید، و گر نه مسؤول هستید ; اما آنان همچنان بی تفاوت ماندند.

یهود بنی قریظه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۶ – ۴

۴ – یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، همْ پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب

مراد از <الذین ظاهروا> یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر <هم>، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

یهود بنی قریظه و مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۶ – ۳

۳ – دل های یهودیان بنی قریظه ، آکنده از ترس و وحشت از مسلمانان مدینه شده بود .

و قذف فی قلوبهم الرعب

<رعب> در لغت، بریدن و لاعلاج شدن ناشی از ترسی است که همه جان را فراگرفته است (مفردات راغب).

یهود بنی نضیر در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۰ – ۴

۴ – یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

یهود جادوگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۸،۴۹

۴۸ - ترجیح منافع دنیوی بر منافع اخروی

، در دیدگاه یهودیان ساحر

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم لو کانوا یعلم

کسی که بداند با دستیابی به منافعی نامشروع، آخرت خویش را از دست داده است (لقد علموا . ..) ولی در عین حال به زیانباری این داد و ستد اعتقاد نداشته باشد (لو کانوا یعلمون)، معلوم می شود وی منافع دنیوی را بر آخرت ترجیح می دهد.

۴۹ - یهودیان ساحر ، علی رغم اطمینانشان به محروم بودن از سرای آخرت ، محرومیت خویش را انکار می کردند .

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق

تأکید جمله با لام قسم (لقد) و نیز لام تأکید (لمن) گویای این است که: یهودیان ساحر، حقیقتی را که بدان علم داشتند، مورد انکار قرار می دادند; زیرا تأکید جمله غالباً در مواردی است که مضمون آن مورد انکار باشد.

یهود جاسوس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۸

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذیر ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لایحزنك الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

یهود حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۴

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم اللّه بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۳

٢٣ - يهود

و نصارای عصر بعثت ، مردمی حق ناپذیر بودند .

و إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۳

۳ دوزخ جایگاه مشرکان و یهودیان مستکبر و حق ناپذیر

و الذين كفروا و كذبوا بايتنا أولئك اصحب الجحيم

یهود در بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۶

۶ یهودیان عصر موسی ، مأمور ورود به بیت المقدس ، با حالتی خاضعانه

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

مراد از <الباب> بنابه گفته بسیاری از مفسران، دروازه شهر بیت المقدس است و <سجداً> جمع ساجد می باشد و مراد از سجده می تواند معنای لغوی آن (خضوع) باشد.

یهود در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۳

۳ دوزخ جایگاه مشرکان و یهودیان مستکبر و حق ناپذیر

و الذين كفروا و كذبوا بايتنا أولئك اصحب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هرگروه و طایفه ( مشرکان ، یهودیان ، نصارا و . . . ) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده

اند.

یهود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۲

۲۲ - یهودیانی که همکیشان خود را کشتند یا آنان را آواره ساختند ، به شدیدترین عذاب های قیامت ، کیفر خواهند شد .

تقتلون أنفسکم . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست; زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم ...> به کیفر رساندن متخلفان است.

یهود در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۶ - ۳

۳ - وجود افرادی یهودی و یا مسیحی در مکّه ، در دوران بعثت پیامبر اکرم ( ص )

و لاتجدلوا أهل الکتب إلّا بالتی هی أحسن

سوره عنکبوت، طبق نظر مشهور، مکّی است و برداشت بالا، براساس آن است.

یهود دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲ - فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل <اتبعوا>

یهودیان عصر سلیمان باشند.

یهود دوران عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۵

۵ - یهودیان ، گرفتار اختلافات پردامنه مذهبی در عصر بعثت عیسی ( ع )

لأُبيّن لكم بعض الذى تختلفون فيه

یهود دوران مریم(ع) و انحرافات جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۵

۵- مردم بیت المقدس در زمان مریم ( س ) ، در برابر انحرافات اخلاقی و جنسی حساس بودند .

لقد جئت شيئًا فريًّا

یهود دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۸

۱۸ گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی ( ع ) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البينت فعفونا عن ذلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۶،۷

۶ یهودیان عصر موسی ، مأمور ورود به بیت المقدس ، با حالتی خاضعانه

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

مراد از <الباب> بنابه گفته بسیاری از مفسران، دروازه شهر بیت المقدس است و <سجداً> جمع ساجد می باشد و مراد از سجده می تواند معنای لغوی آن (خضوع) باشد.

۷ ورود به بیت المقدس و سجده به درگاه الهی در آن هنگام ، فرمان خداوند به یهودیان عصر موسی ( ع )

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

یهود ساحل دریای سرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۲

۲ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع

در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر إذ یعدون . .. إذ تأتیهم حیتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القریه>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱

۱ - جامعه یهود در عصر بعثت متشکل از عالمانی معاند و عوامی ناآگاه

و قد کان فریق منهم . .. و منهم أمیون لایعلمون الکتب إلا امانی

چنانچه در آیه <۷۵> گذشت، مراد از <فریق منهم> - به قرینه صفات شمرده شده بر آنان - عالمان یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱

۱ - دل و قلب یهودیان عصر بعثت ، ناتوان از درک معارف اسلام بود .

و قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا

<غلف> جمع اغلف است و <اغلف> به چیزی گفته می شود که دارای پوشش باشد. بنابراین <قلوبنا غلف>; یعنی، قلبهای ما دارای پوشش و حجاب است. منظور یهودیان را به دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ قلب ما حجاب دارد و لذا توان درک معارف اسلام را ندارد پس ای پیامبر! چه انتظار داری که پیامهای تو را پذیرا باشیم پیش از آنکه آنها را دریابیم. ۲ قلب ما حجاب دارد و به گونه ای نیست که هر سخنی را بپذیرد;

بلكه فقط آنچه كه حقيقت دارد در مى يابد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۸،۲۵،۲۷

۸ - يهوديان عصر بعثت ، مطمئن به آسمانى بودن قرآن و معترف به الهى بودن آن

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علينا

چنـانچه يهوديـان آسـمانى بودن قرآن را بـاور نداشـتند در پاسـخ به دعوت پيـامبر(ص) (ءامنوا بما أنزل اللّه; به آنچه خـدا فرو فرسـتاده ايمـان آوريـد)، اظهـار مى داشـتند كه: قرآن از جانب خـدا نيست. اعراض از چنين پاسـخى، گوياى اطمينان ايشان به آسمانى بودن قرآن و اعتراف ضمنى آنان به الهى بودن آن است.

۲۵ - يهوديان عصر بعثت ، داراى روحيه اى همسان با گذشتگان خويش در برخورد با پيامبران

فلم تقتلون أنبياء اللّه من قبل

استناد قتل به يهوديان عصر بعثت با فعل مضارع <تقتلون> - با اينكه آنان پيامبرى را نكشتند - حكايت از برداشت فوق دارد.

۲۷ - ابو عمرو زبيرى از امـام صـادق ( ع ) دربـاره سـخن خداونـد كه مى فرمايـد < . . . فلم تقتلون انبيـاء اللّه من قبل ان كنتم مؤمنين > روايت كرده كه : < انما نزل هـذا فى قوم اليهود و كانوا على عهـد محمد ( ص ) لم يقتلوا الأنبياء بأيديهم و لاكانوا فى زمانهم و انما قتل أوايلهم . . . فجعلهم اللّه منهم و أضاف إليهم فعل أوايلهم بما تبعوهم و تولّوهم ;

اين آيه دربـاره يهود نـازل گشـته است در حـالى كه يهوديـان زمـان پيامبر(ص) پيامبرانى را نكشـته بودنـد و در زمان آنان نيز زندگى نمى

کردند و همانا گذشتگان آنان پیامبران را کشتند . .. پس خداوند این یهودیان (یهودیان زمان حضرت محمد(ص)) را جزء آنان دانسته و قتل انبیا را به خاطر پیروی آنان و محبتشان به پیشینیان به آنان نسبت داده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۲

۲ - یهودیان ، پیامبر ( ص ) را به نداشتن دلیل و برهانی روشن بر حقانیت رسالتش متهم می کردند .

و لقد أنزلنا إلیک ءایت بینت

معمولا بیان جمله با تأکید حکایت از آن دارد که مخاطبان، مضمون آن جمله را مورد تردید قرار داده یا انکار می کنند و از آن جا که جمله <و لقد أنزلنا . ..> با حرف لام - که حاکی از قسم مقدر است - و نیز با حرف <قد> تأکید شده معلوم می شود که یهودیان مخاطب آیه، مضمون جمله فوق را مورد تردید و یا انکار قرار می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱،۱۳

۱ - کلمه < راعنا > دستاویز یهودیان برای اهانت به پیامبر ( ص ) و استهزای آن حضرت

لاتقولوا رعنا و قولوا انظرنا

مسلمانان در ضمن سخن گفتن پیامبر(ص) گاهی از آن حضرت تقاضا می کردند که مهلت دهد تا سخنان پیشین وی را درک کنند. برای درخواست مهلت، کلمه <راعنا> (فرصتمان ده) را به کار می بردند. یهودیان با اندک تحریفی در این کلمه، معنایی ناروا از آن قصد کردند و در خطاب به پیامبر (ص) به کار می بردند.

۱۳ - یهودیان عصر بعثت ، مردمی کفرپیشه

بودند .

و للكفرين عذاب أليم

از مصداقهای <الكافرين> به قرينه آيات پيشين، يهوديانند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۳

۳ - يهوديان و نصرانيان عصر بعثت ، مردمانى هدايت ناپذير بودند .

و لن ترضى عنك اليهود و لاالنصرى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۲

۲ - توافق و اتحاد يهود و نصارای عصر بعثت عليه مسلمانان ، على رغم اختلافات شديد ايشان با يكديگر

و قالوا كونوا هوداً أو نصرى تهتدوا

هدف از <لفّ اجمالى> در آيه و بيان دو جمله در يک كلام، رساندن اتحاد و توافق يهود و نصارا عليه مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۳

۲۳ - يهود و نصارای عصر بعثت ، مردمى حق ناپذير بودند .

و إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۶

۶ - عالمان يهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانيت پيامبر ( ص ) و احكام اسلام را كتمان مى كردند .

الذين يكتمون ما أنزلنا من البينت و الهدى من بعد ما بينه للناس فى الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۳،۴

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر ( ص ) در گناه پدران خویش ( کشتار انبیا )

و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ . .. ذلک بما

قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلک بما قدّمت . .. > می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

۴ رضایت یهود زمان پیامبر ( ص ) از کشتار انبیای گذشته به دست نیاکان و همکیشان خویش

و قتلهم الانبیآء . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

به نظر می رسد نسبت قتل پیامبران به یهود عصر پیامبر (ص) که از خطاب در <ایدیکم> به دست می آید، به جهت رضایت آنان به عملکرد گذشتگان خویش باشد، چون آنان مرتکب قتل انبیا نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۹،۲۷

۱۹ یهود عصر پیامبر ( ص ) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۷ رضایت یهود معاصر پیامبر ( ص ) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت ، موجب نسبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین و القائلین خمس ماه عام، فالزمهم اللّه القتل برضاهم ما فعلوا.

---

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۴

۴ یهودیان عصر پیامبر ( ص ) علی رغم ادعایشان هرگز منزّه نبودند و نزد خدا منزلتی

نداشتند .

الم تر الی الذین یزکّون انفسهم بل اللّه یزکّی من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۲۲

۲۲ وجود افراد اندکی انسانِ حق گرا در میان یهود عصر پیامبر ( ص )

فلایؤمنون إلاّ قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۱

۲۱ مراقبت مستمر پیامبر ( ص ) بر اعمال و رفتار یهودیان عصر خویش و آگاهی وی به خیانت های آنان

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ همسویی منافقان و یهود عصر بعثت در گرایش ها و موضعگیری های خویش در برابر پیامبر ( ص ) و اسلام

الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۶

۶ حرص و آزمندی شدید عالمان یهود عصر پیامبر ( ص ) به متاع دنیا

اکلون للسحت

صیغه مبالغه <اکلون> نشان از رغبت و حرص فراوان عالمان یهود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۳ – ۴،۶،۷

۴ وجود تورات ، به صورت اصلی و تحریف نشده ، در نزد یهود عصر پیامبر ( ص ) *

و عندهم التوریه

مذمت یهودیان عصر پیامبر(ص) به خاطر اعراض از تورات، حکایت از صحت توراتی دارد که در نزد آنان بوده است.

۶ تورات ، پاسخگوی نیاز یهود عصر پیامبر ( ص ) به احکام قضایی و

حدود الهی

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

۷ احکام تورات در دسترس یهود عصر پیامبر ( ص ) و قابل فهم برای آنان

و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۱،۲۲

۲۱ حراست از تورات و قضاوت بر اساس آن ، بدون هیچ ترسی از مردم ، فرمان خداوند به عالمان یهود معاصر پیامبر ( ص )

و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه . .. فلاتخشوا الناس

۲۲ عالمان یهود در عصر بعثت ، بیمناک از مردم خویش در حکم و قضاوت بر اساس تورات

و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه . .. فلاتخشوا الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۳

۲۳ ستم پیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر ( ص ) ، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

فأولئک هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۱،۲۲،۳۲

۲۱ گناهان یهودیان و مسیحیان عصر بعثت حتی برخی از آن ، زمینه ساز محرومیت آنان از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر ( ص )

فان تولوا فاعلم انما یریداللّه ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

کلمه <بعض> می تواند اشاره به این باشد که تنها برخی از گناهان اهل کتاب اقتضای محرومیت از حق پذیری را دارد ; نه همه آنها و می تواند به این معنا باشد که برخی از گناهان آنان در محرومیتشان از پذیرش احکام

الهی کافی است گرچه بسیاری از گناهانشان چنین اقتضایی را دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

۲۲ اراده خداوند به عذاب بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر ( ص )

فان تولوا . .. ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و إن کثیراً من الناس لفسقون

۳۲ بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر ( ص ) ، مردمی آلوده به گناه و معصیت

یرید اللّه ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و إن کثیراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۴

۲۴ مشرکان ، یهود و نصارای عصر بعثت ، همواره در خطر گرفتاری به عذاب الهی بودند .

او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۳

۳ یهود و نصارا در عصر پیامبر ( ص ) ، شوکت خویش را از دست دادند و به ذلت و خواری کشیده شدند .

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ رضایت یهودیان و مسیحیان عصر بعثت از رفتار های ناپسند نیاکان خویش

هل انبئکم بشرّ من ذلک مثوبه عند اللّه من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت

سرزنش یهودیان و مسیحیان عصر بعثت به خاطر رفتار ناپسند پیشینیان آنان، می تواند حاکی از رضایشتان به آن رفتار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۳

( ص ) ، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۸

۱۸ گروهی از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر ( ص ) ، هواپرستان گمراه و ناشر عقاید افراطی و غلوآمیز در میان همکیشان خود

و لاتتبعوا اهواء قوم . .. و اضلوا کثیراً و ضلوا عن سواء السبیل

کلمه <ضلوا> در دو بخش از آیه می تواند اشاره به دو طایفه از گمراهان داشته باشد، طائفه ای پیش از بعثت که جمله <قد ضلوا من قبل> بیانگر آن است و طائفه ای معاصر پیامبر(ص) که جمله <ضلوا عن سواء السبیل> حاکی از آنان می باشد. گفتنی است که آوردن قید <من قبل> در یک بخش و نیامدن آن در بخش بعد، گویای این تفسیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۶

۶ پذیرش ولایت مشرکان و دوستی با آنان از جمله اعمال ناپسند و رایج در بین انبوهی از یهودیان عصر پیامبر ( ص )

لبئس ما کانوا یفعلون. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

جمله <یتولون الذین کفروا> مصداقی برای جمله <لبئس ما کانوا یفعلون> است. وبه قرینه آیه ۸۲ (و لتجدن اقربهم موده ...) که مسیحیان را دوستار مسلمانان معرفی کرده است، معلوم می شود، مراد از بنی اسرائیل در این بخش از آیات، یهودیان است.

یهود صدر اسلام و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۷

- ۷

یهودیان عصر بعثت در تلاش برای کتمان حقانیت اسلام و رسالت پیامبر ( ص )

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

یهود صدر اسلام و پیامبر موعود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۲

۲ – یهودیان عصر بعثت ، مطمئن به حقانیت رسالت پیامبر و انطباق علایم پیامبر موعود بر آن حضرت

و إذا لقوا الذین ءامنوا قالوا ءامنا . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه

عبارت <لیجاجوکم به . ..; تا به استناد آن حقایق در پیشگاه خدا علیه شما استدلال کنند.> می رساند که مصداق مورد نظر از <ما فتح اللّه> حقانیت اسلام و رسول اکرم(ص) است که در تورات بیان شده است. بنابراین همه یهودیان – چه عالمان و چه عوام ایشان – به رسالت پیامبر(ص) اطمینان داشتند.

یهود صدر اسلام و تاریخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۱ – ۸

۸- اطلاع یهود عصر پیامبر ( ص ) از سرگذشت موسی ( ع ) و فرعون

فسئل بنی إسرءیل إذ جاءهم فقال له فرعون

یهود صدر اسلام و فرجام فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۱ – ۸

۸- اطلاع یهود عصر پیامبر ( ص ) از سرگذشت موسی ( ع ) و فرعون

فسئل بنی إسرءیل إذ جاءهم فقال له فرعون

یهود صدر اسلام و قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۸

۸- اطلاع یهود عصر پیامبر ( ص ) از سرگذشت موسی ( ع ) و فرعون

فسئل بنی

إسرءيل إذ جاءهم فقال له فرعون

يهود صدر اسلام و كتمان حق

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۷

۷ – يهوديان عصر بعثت در تلاش براى كتمان حقانيت اسلام و رسالت پيامبر ( ص )

أتحدثونهم بما فتح اللّه عليكم

يهود صدر اسلام و محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۲،۷،۱۷

۲ – يهوديان عصر بعثت ، مطمئن به حقانيت رسالت پيامبر و انطباق علايم پيامبر موعود بر آن حضرت

و إذا لقوا الذين ءامنوا قالوا ءامنا . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه

عبارت <ليجاجوكم به . ..; تا به استناد آن حقايق در پيشگاه خدا عليه شما استدلال كنند.> مى رساند كه مصداق مورد نظر از <ما فتح اللّه> حقانيت اسلام و رسول اكرم(ص) است كه در تورات بيان شده است. بنابراين همه يهوديان – چه عالمان و چه عوام ايشان – به رسالت پيامبر(ص) اطمينان داشتند.

۷ – يهوديان عصر بعثت در تلاش براى كتمان حقانيت اسلام و رسالت پيامبر ( ص )

أتحدثونهم بما فتح اللّه عليكم

۱۷ – از امام باقر ( ع ) روايت شده كه : < انه قال كان قوم من اليهود ليسوا من المعاندين المتواطئين إذا لقوا المسلمين حدثوهم بما فى التوراه من صفه محمد ( ص ) فنهاهم كبرائهم عن ذلك ، و قالوا : لا تخبروهم بما فى التوراه ، من صفه محمد ( ص ) فيحاجوكم به عند ربكم فنزلت هذه الآيه ;

گروهى از يهود – كه كينه اى به مسلمانان نداشتند – هنگامى كه با مسلمانان روبرو مى

شدنـد از اوصاف رسول خـدا(ص) که در تورات آمده بود سـخن می گفتند; بزرگان یهود با خبر شده و آنها را نهی کردند و گفتند: از صـفات محمد ]ص[ - که در تورات آمده - مسـلمانان را مطلع نسازید که به وسـیله آن با شـما در نزد پروردگارتان استدلال و احتجاج خواهند نمود، پس آیه فوق نازل گشت. >.

یهود غطفان در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

طبق شواهـد تـاریخی، غزوه احزاب، بـا ائتلاـف یهودیان بنی نضـیر و بنی قریظه و غطفان و مشـرکان مکه به وجود آمـد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شـرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

یهود فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۱۳

۱۳ یهودیانِ ساکن ایله دارای پیشینه فسق و تبهکاری

بما کانوا یفسقون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ما> در <بما کانوا> مصـدریه باشـد ; یعنی: به سـبب فسق و تبهکاری سابقشان آنان را این گونه آزمودیم.

یهود قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۷۸

۷ - پیروزی بر کافران در پرتو قرآن و بعثت پیامبر ( ص ) ، آرمان یهودیان پیش از بعثت

و

کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

از معانی <فتح> نصرت و پیروزی است. <استفتاح> به معنای طلب پیروزی است. آمدن فعل مضارع (یستفتحون) قرین <کان> و مانند آن دلالت بر استمرار در زمان گذشته دارد. ارتباط جمله <و کانوا ...> با قبل و بعد اقتضا می کند که: این پیروزی طلبی در ارتباط با نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) مطرح باشد. بنابراین <و کانوا ...>; یعنی، یهودیان پیش از بعثت از زمانهایی دور در انتظار نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) بودند تا در سایه آن بر کافران پیروز شوند.

۸ - یهودیان مدینه ، پیش از اسلام در گیر با کافران و از ناحیه آنان در سختی و فشار بودند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۲

۲۲ یهود و نصارا در قبل از اسلام ، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

و یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

جمع آوردن <اغلال> حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲۰

۲۰ - یهودیان منکر رسالت پیامبر ( ص ) ، از زمره کافرانند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۹،۱۰

۹ یهودیان اعراض کننده از حکم تورات ، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئک بالمؤمنین

برداشت

فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به حکم الهی در تورات باشد. قابل ذکر است که بر این مبنا، <یتولون> عطف بر جمله <فیها حکم اللّه> است و <ثم> برای ترتیب در خبر است، نه برای ترتیب حکم.

۱۰ یهودیان اعراض کننده از حکم رسول خدا ( ص ) ، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئک بالمؤمنین

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره باشد به حکم رسول خدا که از <یحکمونک> به دست می آید. گفتنی است که بر این مبنا، <یتولون> عطف بر <یحکمونک> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۶

۶ پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرّد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر ( ص ) ، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه ۵۶ گذشت، مشهور مفسران برآنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از <الذین کفروا> هستند.

یهود گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۲

۱۲ - یهودیان گنهکار به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

بما قدمت أیدیهم . .. و ما هو بمزحزحه من العذاب

<زحزحه> (مصدر مزحزح) به معنای دور ساختن است.

یهود متخلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۷ – ۲

۲ خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرد به زندگی زجرآور و تحت شکنجه دیگران ،

به همگان اعلام کرد .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

یهود متخلف ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱،۲،۶

۱ یهودیان متخلف در آبادی ایله ، به نصایح و مواعظ مصلحان و نهی کنندگان از منکر اعتنا نکردند و آن را به فراموشی سپردند .

فلما نسوا ما ذکروا به

۲ خداوند یهودیان متمرد در آبادی ایله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذکروا به . .. أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

<بئیس> به معنای شدید است.

۶ یهودیان متخلف از حکم روز شنبه ( حرمت تلاش برای کسب مال و صید ماهی ) مردمانی فاسق و ظالم در پیشگاه خداوند

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس بما کانوا یفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۷

۷ مسخ یهودیان متمرد آبادی ایله به بوزینگانی مطرود ، عذاب سخت الهی برای ایشان

قلنا لهم کونوا قرده خسئین

برخی برآنند که <قلنا لهم . .. > بیان همان <عذاب بئیس> است که در آیه قبل آمده است. گفتنی است بر این مبنا <الذین ظلموا> شامل ترک کنندگان نهی از منکر نمی شود. زیرا آنان قانون حرمت صید را نشکستند و به بوزینه تبدیل نشدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۷ – ۱۱

۱۱ یهودیان تجاوزگر ایله ، علاوه بر چشیدن عذاب های دنیوی ، تا قیامت

به عذاب های برزخی گرفتار خواهند بود .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <علیهم> یهودیان مسخ شده ایله باشد. بر این اساس مقصود از <سوء العذاب> عذابهای دنیوی نیست، بلکه به دلیل <إلی یوم القیمه> مراد عذابهای برزخی خواهد بود. یعنی: <لیبعثن علیهم من بعد موتهم إلی یوم القیمه ... .>

یهود مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۳

۳ دوزخ جایگاه مشرکان و یهودیان مستکبر و حق ناپذیر

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا أولئک اصحب الجحیم

یهود مکذب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲۰

۲۰ - یهودیان منکر رسالت پیامبر ( ص ) ، از زمره کافرانند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

یهود مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۵

۵ - کسانی از یهود و نصارا به کتاب آسمانی خویش ایمان دارند که از آن به خوبی وشایستگی پیروی می کنند .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

در برداشت فوق، ضمیر <به> به <الکتاب> - که مقصود از آن تورات و انجیل است - برگردانده شده است.

یهود مؤمن به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۱ – ۲

۲ – از میان یهود و نصارا ، پیروان حقیقی تورات و انجیل به قرآن و محمد ( ص

) ایمان می آورند .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

<تلاوت به معنای خوانـدن و قرائت کردن است. برخی از اهل لغت آن را به معنای پیروی کردن نیز گفته انـد. مراد از ضـمیر <به> محتمـل است قرآن یـا پیـامبر(ص) باشـد و نیز می توانـد به الکتاب (تورات و انجیل) برگردد. برداشت فوق ناظر به این است که مراد از ضمیر <به> قرآن یا پیامبر (ص) بوده و تلاوت به معنای پیروی کردن باشد.

یهود مؤمن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۲

۲ - از میان یهود و نصارا ، پیروان حقیقی تورات و انجیل به قرآن و محمد ( ص ) ایمان می آورند .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

<تلاوت به معنای خوانـدن و قرائت کردن است. برخی از اهل لغت آن را به معنای پیروی کردن نیز گفته انـد. مراد از ضـمیر <به> محتمـل است قرآن یـا پیـامبر(ص) باشـد و نیز می توانـد به الکتاب (تورات و انجیل) برگردد. برداشت فوق ناظر به این است که مراد از ضمیر <به> قرآن یا پیامبر (ص) بوده و تلاوت به معنای پیروی کردن باشد.

یهود مؤمن صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۶

۲۶ - پایبنـدی گروهی از یهودیـان عصـر بعثت به تورات بـا عمـل کردن به پیمـان های الهی و پرهیز از کشـتن و بیرون رانـدن همکیشان خود

فما جزاء من یفعل ذلک منکم

سیاق خطابهای گذشته اقتضا می کرد که جمله <فما جزاء . ..> بدین گونه

ایراد شود: <فما جزاءکم بما تفعلون إلا خزی>. این تغییر سیاق اشاره به این دارد که همه یهودیان مرتکب اعمال ناروای مذکور نشدند. من تبعیضیه در <منکم> مؤید این معناست.

یهود و آرزوی مرگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۴ – ۷

۷ – ادعای یهودیان ( یقین به بهشتی بودن ) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند .

قل إن کانت لکم الدار الأخره . .. فتمنوا الموت

یهود و آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۳ – ۱،۲،۳

۱ یهود ، نقشی در نظام هستی ندارند .

ام لهم نصیب من الملک

۲ کارساز نبودن یاری هیچکس برای یهودیان ، معلول نقش نداشتن آنان در نظام هستی است .

فلن تجد له نصیراً. ام لهم نصیب من الملک

در برداشت فوق، جمله <ام لهم>، علت برای جمله <فلن تجد . ..> گرفته شده است.

۳اگر یهودیان در حکومت بر هستی نقشی داشتند ، هیچ پشیزی به مردم نمی دادند .

ام لهم نصیب من الملک فاذاً لا یؤتون النّاس نقیراً

کلمه <نقیراً> به معنای چیزی است که پرنده ای با منقار خویش برمی گیرد و کنایه از چیز حقیر و اندک است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۴ – ۴۱

۴۱ اعتقاد یهود به کناره گزینی خداوند از تدبیر امور جهان پس از فراغت از آفرینش آن

و قالت الیهود ید اللّه مغلوله

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده:

. .. قالوا قد فرع من الامر فلايزيد و لاينقص ... .

---

توحید صدوق، ص ۱۶۷، ح ۱، ب ۲۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۹، ح ۲۷۸.

یهود و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۳

۳ آیات الهی ( معجزات پیامبران و . . . ) مورد انکار یهودیان

و کفرهم بایت اللّه

یهود و ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۱

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهیم . .. کانوا هوداً أو نصری

یهود و ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۵

۵ – یهود ، همه ادیان جز دین یهود را بی اعتبار و دیگر ملت ها را در پیشگاه خدا فاقد قدر و منزلت می شمرند .

إن كانت لكم الدار الأخره عند اللّه خالصه من دون الناس

یهود و ارتداد مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۹ – ۳،۵

۳

- آرزوی یهود و نصارا برای مرتد ساختن مسلمانان صدر اسلام آرزویی خام و تلاش آنان در این زمینه ، تلاشی ناموفق بود .

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم

به کـارگیری فعـل ماضـی <ودّ> (دوست داشـتند) به جای فعل مضارع (دوست می دارنـد) اشاره به این نکته دارد که: تلاش آنان بی ثمر است، به گونه ای که باید علاقه و تلاش آنان را سپری شده دانست.

۵ - حسادت یهود و نصارا ، منشأ علاقه و تلاش آنها بر بازگرداندن اهل ایمان از اسلام بود .

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

<حسـداً> مفعولٌ له برای <ودّ کثیراً . ..> می باشـد; یعنی، علاـقه و تلاش اهل کتاب برای مرتـد ساختن مسـلمانان، به علت حسادت ایشان بود.

یهود و اسباط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹

۹ - یهود و نصـارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسـماعیل ، اسـحاق و یعقوب ( ع ) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

یهود و اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۱

۹ - یهود و نصـارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسـماعیل ، اسـحاق و یعقوب ( ع ) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن

إبراهيم . .. و من أظلم ممن كتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۱ – ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهیم . .. کانوا هوداً أو نصری

یهود و اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۸ – ۲

۲ – یهودیان عصر بعثت ، بر ناتوانی خویش از درک معارف اسلام معترف بودند .

و قالوا قلوبنا غلف

کلمه <قالوا> دلالت بر اعتراف دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۱ – ۳

۳ – یهود به قرآن ایمان نمی آورند و اسلام را نخواهند پذیرفت . *

و إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

حذف فاعل و آوردن فعل به صورت مجهول (قیل) حاوی این نکته است که: پاسخ منفی یهود به دعوت قرآن، مخصوص یهود عصر بعثت نیست; بلکه آیندگان اینان نیز همین رویه را خواهند داشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۹ – ۹،۱۴

۹ – تلاش تبلیغاتی یهود و نصارا علیه اسلام و قرآن

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً

۱۴ - حقانیت اسلام ، حتی در نظر یهودیان و مسیحیان امری روشن و تردیدناپذیر بود .

من بعد ما تبین لهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۶ - توافق های سطحی با یهود و نصارا ، در گرایش آنان به اسلام مؤثر نیست .

و لن ترضی عنك الیهود و لاالنصری حتی تتبع ملتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۹،۲۲،۲۵

۱۰ استهزای یهود نسبت به پیامبر ( ص ) و اسلام

من الذین هادوا . .. یقولون سمعنا و عصینا واسمع غیر مسمع و راعنا لیّاً بالسنتهم

۱۱ گفته های یهود با پیامبر ( ص ) ، آمیخته با عیبجویی به آیین اسلام

راعنا لیّاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

<طعناً فی الدین> به معنای ضربه وارد کردن در دین با ناسزاگویی و عیبجویی است. گفتنی است که <طعنا> حال برای فاعل <یقولون> است ; یعنی <یقولون کذا طاعنین فی الدین>.

۱۲ یهود ، در صدد وارد ساختن ضربه به اسلام

و طعناً فی الدین

۱۳ تشبیه وحی و سخنان پیامبر ( ص ) به هیاهوی چوپان ها ، طعن یهود بر دین اسلام

راعنا لیّاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

هدف شوم یهودیان از چوپان خواندن پیامبر (ص) می تواند تشبیه دعوت و سخنان او به هیاهوی چوپانها باشد.

۱۹ یهودیان تحریفگر به پندار خیر و صلاح خویش در صدد آزار رساندن به پیامبر ( ص ) و ضربه زدن به اسلام بودند .

من الذین هادوا . .. لکان خیراً لهم و اقوم

۲۲ تحریفگری ، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر ( ص ) ، نمودی از کفر آنان

من الذین هادوا یحرّفون . .. سمعنا و عصینا ... لعنهم اللّه بکفرهم

۲۵ تنها اندکی از یهود به اسلام

و پیامبر ( ص ) ایمان خواهند آورد .

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۲۰

۲۰ دل های مهر خورده و در حجاب لجاج فرو رفته یهود ، مانع گرایش آنان به اسلام

بل طبع اللّه علیها بکفرهم فلا یؤمنون إلّا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ همسویی منافقان و یهود عصر بعثت در گرایش ها و موضعگیری های خویش در برابر پیامبر ( ص ) و اسلام

الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۳

۱۳ پیامبر ( ص ) ، نگران آسیب رسانی یهود به اسلام و مسلمانان در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن یضروک شیئاً

به نظر می رسد مراد از <یضروک> آسیب رسانی به اسلام و جامعه ایمانی باشد، زیرا رسول خدا(ص) نگران آسیب دیدن شخص خود نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۹

۹ همکاری و روابط دوستانه یهود و نصارا ، @در جهت مقابله با اسلام *

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

با توجه به اینکه یهود و نصارا نسبت به یکدیگر دشمنی و کینه دارند، معلوم می شود دوستی آنها با یکدیگر که از جمله <بعضهم . ..> استفاده می گردد، در جهت مقابله به

اسلام است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۲ – ۲،۴،۱۳

۲ موضع گیری ها و تبلیغات سوء یهود و نصارا ، علیه اسلام به مثابه پفی ناچیز در مقابل نور فروزنده و جاودان الهی

یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم

۴ اطاعت محض و تبعیت کورکورانه یهود و نصارا از احبار و راهبانشان ، در راستای مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً . .. یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم

۱۳ یهود و نصارا ، ناخشنود از گسترش اسلام

و یأبی اللّه إلا أن یتم نوره و لو کره الکفرون

یهود و اسماعیل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۰ – ۹،۱۱

۹ – یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۱ – ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهیم . .. کانوا هوداً أو نصری

یهود و انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۵

۲۵ - یهودیان عصر بعثت ، دارای روحیه ای همسان با گذشتگان خویش در برخورد با پیامبران

فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

استناد

قتل به یهودیان عصر بعثت با فعل مضارع <تقتلون> - با اینکه آنان پیامبری را نکشتند - حکایت از برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۲،۱۰،۸،۷،۶

۶ یهود با اظهار ناتوانی از درک سخنان پیامبران ، تعالیم آنان را به استهزا می گرفتند .

و قولهم قلوبنا غلف

<غلف> جمع اغلف به چیزی گفته می شود که دارای حجاب و پرده باشد ; بر این مبنا به نظر می رسد قصد و داعی یهود از جمله <قلوبنا غلف> (قلبهای ما دارای حجاب است)، استهزای انبیا باشد.

۷ یهود ، با ادعای دانش وافر ، خود را از تعالیم انبیا بی نیاز می پنداشتند .

و قولهم قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که <غلف> جمع غلاف به معنای ظرف باشد. بر این مبنا، مقصود یهود از جمله <قلوبنا غلف> این است که دلهایشان آکنده از دانش است و نیازی به تعالیم انبیا ندارند.

۸ غیر علمی شمردن تعالیم انبیا ، بهانه بی اساس یهود ، برای نپذیرفتن آنها

و قولهم قلوبنا غلف

مقصود یهودیان از اینکه می گفتند قلبهایمان آکنده از علم است، می تواند این باشد که تعالیم انبیا اگر دارای مبنایی علمی بود، قلبهای ما آن را درک می کرد و در خود جای می داد و چنین نتیجه می گرفتند که تعالیم انبیا به دلیل نافذ نبودنش در قلبها علمی نیست.

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا ، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است.

یعنی <بقولهم ... لعناهم.

۱۲ دل های یهود ، دارای حجابی جلوگیر از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

یهود و انبیای بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۱ – ۲۱

۲۱ – کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۱۸

۱۸ – اعمـال نـاروای یهود در طول تاریـخ ( کشـتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . . ) نشانه ایمان نداشـتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسـما . ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شـما را به کارهای ناروایی واداشـته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شـما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

یهود و انبیای غیر بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۱ – ۱۱

۱۱ – یهودیان ، به هر پیامبری که از نژاد اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

یهود و انجیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۱ – ۱۰

۱۰ – دستیابی به متاع دنیا ، از هدف های یهود و

نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

و لاتشتروا بأیتی ثمناً قلیلا

کلمه <آیـاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شـده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تـأمین این هـدف باشـد. قابل ذکر است که چون سـخن درباره ایمان به قرآن بود، مصـداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۲

۱۲ بهره مندی یهود و نصارا از تعالیم و معارفی آسمانی علاوه بر تورات و انجیل

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

مراد از <ما انزل الیهم> می تواند کتابهایی همانند زبور و . .. باشد که خداوند بر پیامبران بنی اسرائیل نازل کرده است.

یهود و اولیاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۲

۲ - قوم یهود ، تنها خود را اولیا و دوستان خداوند می پنداشتند .

إن زعمتم أنّکم أولیاء للّه

یهود و بعثت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ - یهودیان ، آمدن پیامبر ( ص ) و نزول قرآن را از دیرباز و پیش از بعثت برای کافران تشریح می کردند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

<اسـتفتاح> (مصدر یسـتفتحون) می تواند به معنای مطلع ساختن باشد، چنانچه در مفردات راغب آمده: <فتح علیه کذا; آن

گاه گفته می شود که به او امری

را اعلام کنـد و او را بر آن امر مطلع سازد>. قابل ذکر است که در این صورت بردن <یفتحون> به باب اسـتفعال برای تأکید است و معنای طلب ندارد.

یهود و بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۴،۷،۱۲

۴ - یهودیان ، اختصاص یافتن بهشت را به قوم یهود ، حکم و تقدیری الهی می شمرند .

إن كانت لكم الدار الأخره عند اللّه

<عنـد اللّه> متعلق به <کـانت> است و مفـادش این است که ثبوت آخرت برای یهود در نزد خـداست; یعنی، او این معنا را پذیرفته، تحقق بخشیده و مقرر ساخته است.

۷ - ادعـای یهودیـان ( یقین به بهشـتی بودن ) آن گـاه صادقـانه و برخاسـته از بـاور آنـان است که تمنـای مرگ کرده و از آن استقبال کنند .

قل إن كانت لكم الدار الأخره . .. فتمنوا الموت

۱۲ - یهود ، بر خلاف ادعایشان ، به بهشتی بودن خویش اطمینان نداشتند .

فتمنوا الموت إن كنتم صدقين

جمله <إن کنتم صادقین> اشاره به دروغ گویی یهود دارد; یعنی، آنان خود می دانند که ادعایشان واقعیت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۷

۷ - یهودیان خود نیز بر بی پایه بودن ادعایشان ( تقدیر بهشت برای آنان ) واقفند .

إن كانت لكم الدار الأخره . .. و لتجدنهم أحرص الناس

جمله هـای <لتجـدنهم . ..> و <یود أحـدهم ...> را می توان نـاظر به ادعـای یهود (إن کانت ... در آیه ۹۴) دانست; یعنی، شما یهودیان از یکسو مدعی هستید که سرای آخرت از آن شماست

و از سوی دیگر آرزوی ماندگار شدن در حیات دنیا را دارید، این نشان می دهد که خود شما نیز آن ادعا را باور ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱،۲،۴،۸،۱۰

۱ - اهل کتاب ( یهود و نصارا ) ، تنها خویشتن را سزاوار بهشت دانسته و دیگران را از آن ، محروم می پندارند .

و قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

ضمیر در <قالوا> به <اهل الکتاب> (در آیه ۱۰۹) باز می گردد.

۲ - یهودیان ، بهشت را مخصوص یهود و دیگران را از آن محروم می دانند .

و قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً

آیه ۱۱۳، بیانگر آن است که هر یک از یهود و نصارا دیگری را اهل نجات نمی دانند. بنابراین به اصطلاح اهل ادب، در آیه مورد بحث <لفّ اجمالی> وجود دارد و حرف <أو> نیز برای تفصیل است; یعنی، جمله <قالوا لن ...> حاکی از دو جمله است: ۱ قالت الیهود: < لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً>. ۲ و قالت النصاری: < لن یدخل الجنه إلا من کان نصری>.

۴ - اتفاق نظر یهود و نصارا ، بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

هدف از اینکه قرآن، پندار نصارا و یهود را به صورت <لفّ اجمالی> بیان کرده، رساندن این معناست که: مقصود اصلی یهود و نصارا در طرح آن ادعا، بیان محرومیت مسلمانان از بهشت است.

۸ - یهود و نصارا هیچ برهانی بر ادعای خویش ( اختصاص بهشت به خویشتن و محرومیت مسلمان از

آن ) ندارند .

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

<هات> (مفرد هاتوا) اسم فعل و به معنای عطا کن است. بنابراین <هاتوا برهانکم> یعنی، برهانتان را ارائه کنید.

۱۰ - پیامبر ( ص ) ، موظف به مطالبه برهان از یهود و نصارا بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

یهود و تخریب مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱۳

۱۳ - تلاش یهود و نصارا برای تخریب مساجد و بازداشتن مردم از حضور یافتن در آنها *

و من أظلم ممن منع مسجد اللّه أن یذکر فیها اسمه

از مصداقهای <من أظلم . ..> به دلیل آیه قبل، یهود و نصارا هستند.

یهود و تعالیم آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۲

۱۲ بهره مندی یهود و نصارا از تعالیم و معارفی آسمانی علاوه بر تورات و انجیل

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

مراد از <ما انزل الیهم> می تواند کتابهایی همانند زبور و . .. باشد که خداوند بر پیامبران بنی اسرائیل نازل کرده است.

یهود و تعلم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۱،۴۳

۴۱ - یهود در عین آگاهی به اینکه فراگیری سحر موجب محروم شدن آنان از همه مواهب اخروی خواهد شد ، به آموزش آن پرداختند .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق

<خلاق> به معنای بهره وافر و نصیب نیکوست. نکره بودن کلمه <خلاق> به همراه <من> زایده، دلالت

بر قلت دارد و ظاهر آن است که ضمیر در <علموا> به یهودیان بر می گردد.

۴۳ - یهودیان با آموزش سحر های زیان آور ، خویشتن را تباه و بهای بدی را کسب کردند .

ماله فی الأخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم

یهود و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۰

۲۰ - موضعگیری یهود و نصارا درباره تغییر قبله ، علی رغم آگاهی آنها به حقانیت آن

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما یعملون

جمله <و ما اللّه . ..> - که به تهدید اهل کتاب اشاره دارد - بیانگر موضعگیری اهل کتاب در برابر تغییر به حق قبله و مخالفت ایشان با حکم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۷

۷ - یهود و نصارای عصر بعثت ، در تلاشی پی گیر ، برای اثبات حقانیت قبله خویش و ناحق جلوه دادن تغییر آن به کعبه

الحق من ربک فلاتکونن من الممترین

یهود و تکذیب محمّد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۴

۴ یهود به سبب انکار رسالت پیامبر(ص) منکر نزول هرگونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

یهود و تلاوت کتاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۶

۶ یهود و نصارا کتاب آسمانی خویش را به زبان غیر عربی تلاوت می کردند.

و إن

كنا عن دراستهم لغفلين

<إن> در جمله <إن كنا> إن مخففه است. <دراست> مصدر و به معناى تلاوت است. <هم> فاعل <دراست> و مفعولش <الكتاب> مى باشد. يعنى <همانا ما از خواندن كتاب آسمانى توسط اهل كتاب غافل بوديم>. اين بدان معناست كه ما متوجه محتواى قرائت آنان نبوديم و لذا حقايق آن را درك نمى كرديم.

يهود و تورات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - دستيابى به متاع دنيا ، از هدف هاى يهود و نصارا در كفر به قرآن و انكار حقايق تورات و انجيل

و لاتشتروا بأيتى ثمناً قليلا

كلمه <آياتى> علاوه بر قرآن، شامل حقايق بيان شده در تورات و انجيل نيز هست. گويا آوردن اسم ظاهر (آياتى) به جاى ضمير <به>، براى تأمين اين هدف باشد. قابل ذكر است كه چون سخن درباره ايمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر براى <آياتى> حقايقى از تورات و انجيل است كه دليل بر حقانيت قرآن مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - يهوديان ، به قرآن و كتاب آسمانى خويش ( تورات ) كفر ورزيدند .

أن يكفروا بما أنزل اللّه

مراد از <ما أنزل اللّه> قرآن است و بعيد نيست كه علاوه بر آن، تورات نيز منظور باشد. قابل ذكر است كه مراد از كافر شدن يهود به تورات، انكار يا تحريف آن بخش از تورات است كه ويژگيهاى پيامبر اكرم(ص) را بيان كرده است.

۲ - يهوديان ، با كفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهايى فروختند

.

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل اللّه

<اشتراء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن یکفروا ...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما ...>; یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۶

۶ عدم قبول حکمیت تورات از سوی برخی عالمان یهود ، به دنبال ارائه پیشنهاد آن از جانب پیامبر اکرم ( ص )

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب . .. هم معرضون

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که درباره آیه مورد بحث نقل شده است. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۷،۹

۷ پیشنهاد پیامبر ( ص ) به یهودیان برای ارائه شاهدی از تورات ، بر صدق ادعای خویش در تحریم برخی خوردنیها

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها ان کنتم صادقین

۹ پنهان کردن تورات ، توسط یهودیان *

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها

دعوت به آوردن تورات و تلاوت آن، این را گوشزد می کند که آنها تورات را از دسترس مردم خارج کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۲

۲ آگاهی ناقص دانشمندان یهود به تورات

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب

بدان احتمال که <من> در <من الذین هادوا آیه ۴۶ > بیانیه

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۲،۸،۹

۲ گریز از احکام تورات ، انگیزه مراجعه گروهی از یهودیان به پیامبر ( ص ) برای قضاوت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

۸ گروهی از یهودیان ، بی اعتنا به حکم خدا در تورات و رویگردان از حکم پیامبر ( ص ) پس از مراجعه به آن حضرت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّه ثم یتولون من بعد ذلک

۹ یهودیان اعراض کننده از حکم تورات ، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئک بالمؤمنین

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به حکم الهی در تورات باشد. قابل ذکر است که بر این مبنا، <یتولون> عطف بر جمله <فیها حکم اللّه> است و <ثم> برای ترتیب در خبر است، نه برای ترتیب حکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۲

۱۲ بهره مندی یهود و نصارا از تعالیم و معارفی آسمانی علاوه بر تورات و انجیل

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

مراد از <ما انزل الیهم> می تواند کتابهایی همانند زبور و . .. باشد که خداوند بر پیامبران بنی اسرائیل نازل کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۷،۱۸

۱۷ یهود با نزول تورات معارف و حقایق تازه ای را فرا گرفتند.

و علمتم ما لم تعلموا أنتم و لا ءاباؤکم

۱۸ تورات دربردارنده حقایق و معارفی بود که نه یهود

زمان پیامبر(ص) بر آن آگاهی داشتند و نه پدران آنها.

و علمتم ما لم تعلموا أنتم و لا ءاباؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲،۱۲،۱۷

۲ دنیاگرایان یهود ، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن ، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا چنگ می زدند .

ورثوا الکتب یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون سیغفر لنا

جمله <ورثوا الکتب> (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند ; مدعی اعتقاد به آن بودند.

۱۲ یهودیان به تورات و پیمان های الهی پایبند نبودند .

ألم یؤخذ علیهم میثق الکتب

۱۷ یهودیان با مطالعه مکرر تورات به معارف و احکام آن آگاهی داشتند .

درسوا ما فیه

<درس> تکرار کردن چیزی است و <درس الکتاب> هنگامی گفته می شود که خواندن تکرار شود. (مجمع البیان).

یهود و جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۶

۶ - تصور جاهلانه یهود در مورد جبرئیل و نظام وحی

قل من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

یهود و حفظ منافع قومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۱۱،۱۲

۱۱ – حفظ منافع قوم و جامعه یهود ، برتر از اعتراف به باور ها و عقاید دینی در دیدگاه عالمان و پیشوایان آنان

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم . .. أفلا تعقلون

۱۲ – پیشوایان و عالمان یهود ، اعتراف به حقایق دینی و

معارف الهی را ، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد ، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم . .. أفلا تعقلون

یهود و حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذین من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

یهود و خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۱،۲،۵،۷

۱ یهود ، داعیه دار نسبتهایی ناروا به خداوند ، علی رغم علم و آگاهی به کذب و بطلان آن نسبتها

انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

ضمیر در <یفترون> به <الذین اوتوا الکتاب> برمی گردد، و مراد از آن به قرینه آیات گذشته یهودیان هستند.

۲ علم و آگاهی یهود به بطلان افترا های خویش بر خداوند *

انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

چون افترا به معنای دروغ بستن است، آوردن کلمه <الکذب> برای تفهیم این معناست که یهودیان با اینکه می دانند مثلا خداوند به آنها امتیازی نداده، آن را به خدا نسبت می دهند.

۵ یهود ، مورد سرزنش خداوند به خاطر نسبت های ناروا به

خداوند

انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

۷ افترای یهود بر خداوند دلیل آلودگی آنان و پیراسته نبودنشان از انحراف

الم تر . .. انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

جمله <انظر کیف> می تواند دلیلی باشد بر اثبات عدم تزکیه یهودیان که در آیه قبل مطرح شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۴ – ۱،۲،۸

۱ یهودیان ، منکر قدرت و نفوذ اراده خداوند در تدبیر جهان

و قالت الیهود یداللّه مغلوله

اطلاق جمله <یداللّه مغلوله> می رساند که یهود بر این باور بودند که خداوند هیچ دخل و تصرفی در جهان هستی ندارد. بنابراین جمله <ینفق کیف یشاء> پس از <یداهُ مبسوطتان> تنها اشاره به نمونه و مصداقی از نفوذ و قدرت الهی در جهان هستی دارد.

۲ ناتوانی خداوند در انفاق و بخشش روزی به موجودات ، از باور های باطل یهود

و قالت الیهود یداللّه مغلوله

جمله <ینفق کیف یشاء> می تواند قرینه باشد بر اینکه مراد از بسته بودن دست خدا و نافذ نبودن قدرت وی در پندار یهود تنها ناتوانی از اعطای روزی و انفاق به انسانهاست.

۸ سخن ناروای یهود درباره خداوند ( نافذ نبودن قدرت او ) موجب دوری آنان از رحمت الهی

و لعنوا بما قالوا

یهود و دین ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۰ – ۱

۱ – یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعيل . .. كانوا هوداً

جمله <أم تقولون . ..>

دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و دین اسباط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهیم و إسمعیل . .. کانوا هوداً

جمله <أم تقولون . ..> دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و دین اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهیم و إسمعیل . .. کانوا هوداً

جمله <أم تقولون . ..> دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و دین اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان

را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهیم و إسمعیل . .. كانوا هوداً

جمله <أم تقولون . ..> دارای لفّ اجمالی است و حاكی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید كه ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید كه ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهیم و إسمعیل . .. كانوا هوداً

جمله <أم تقولون . ..> دارای لفّ اجمالی است و حاكی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید كه ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید كه ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۴

۱۴ - یهودیان ، معتقد به ربوبیت خداوند

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیكم لیحاجوكم به عند ربكم

یهود و زكات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۰

۱۰ یهودیان بپادارنده نماز و پرداخت كننده زكات ، به قرآن و دیگر كتب آسمانی ایمان می آورند .

و لكن الرسخون . .. و المقیمین الصلوه و المؤتون الزكوه

گفتنی است که <المقیمین> به وسیله فعلی همانند <امدح> و یا <اخص> منصوب شده و در اصل چنین بوده <و
المقیمون الصلوه اخصهم و امدحهم> که بنابر

قواعد ادبی المقیمون و فعل اخص و امدح حذف شده است و ضمیر در <امدحهم> به صورت اسم ظاهر در آمده است.

یهود و سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۱۲

۱۲ – فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل <اتبعوا> یهودیان عصر سلیمان باشند.

یهود و صفات صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۳۰

۳۰– آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

یهود و صفات محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۳۰

۳۰– آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

یهود و عزیر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۰ – ۱،۳،۴

۱ یهودیان ، < عزیر > را فرزند خدا خواندند .

و قالت الیهود عزیر ابن اللّه

۳ فرزند خدا خواندن < عزیر > و < مسیح > ، سخنان نسنجیده و باطلی بود که یهود و نصارا به زبان آوردند .

و قالت . .. ذلک قولهم بأفوههم

۴ پندار فرزند خدا بودن < عزیر > و < مسیح > ، پنداری است سابقه دار در تاریخ یهود و نصارا .

یضهئون

قول الذین کفروا من قبل

یهود و علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۳

۳ - یهود مورد توبیخ و سرزنش خداوند ، به خاطر محدود پنداشتن علم و آگاهی او

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

یهود و علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ - آگاه نبودن خدا به اسرار نهانی انسان ها ، از باور ها و پندار های باطل یهود

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

از جمله <أتحدثونهم . .. لیحاجوکم> چنین بر می آید که یهود آن گاه راه احتجاج علیه خویش را گشوده می دیدند که حقایق و دانسته های خویش را آشکار کنند; ولی اگر حقایق را آشکار نکنند علیه آنان احتجاج نمی شود و مؤاخذه نمی گردند. این پندار بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۲

۲ - یهودیان ، خداوند را به امور نهانی انسان عالم و آگاه نمی دانستند .

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

استفهام در <أو لایعلمون . ..> انکار توبیخی است.

یهود و عمر طولانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ - زندگانی در دنیا و داشتن عمری طولانی ، نجاتبخش یهود از عذاب اخروی نیست .

و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

<أن یعمر> بدل برای <هو> و یا فاعل برای <مزحزح> است. مآل هر

دو به یک معناست; معنای جمله <ما هو ...> چنین است: یهودیان ]بر فرض اینکه عمری هزار ساله داده شوند [آن عمر طولانی، ایشان را از عذاب رها نخواهد ساخت.

یهود و عهد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۵

۵ - عهد ها و پیمان های الهی در دیدگاه بسیاری از یهودیان ، امری بی مقدار و کم ارزش

نبذه فریق منهم

برداشت فوق بر اساس معنایی است که <راغب> در کلمه <نبذ> بیان کرده است. او در <المفردات> می گوید: <نبذ> انداختن و دور افکندن چیزی است به خاطر کم ارزش شمردن آن.

یهود و عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۳،۷

۳ یهودیان ، منکر رسالت حضرت مسیح ( ع )

و بکفرهم

تکرار <کفر> که در این بخش از آیات به یهودیان نسبت داده شده، حکایت از تعدد موارد کفرورزی آنان دارد. در برداشت فوق کفر به قرینه فرازهای بعد انکار رسالت عیسی(ع) گرفته شده است.

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح ( ع ) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتاناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۷ – ۲،۳،۶،۱۴

۲ یهود ، مردمی کفرپیشه و طغیانگر علیه عیسی ( ع ) ، علی رغم اذعان به

رسالت الهی وی

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

بر این مبنا که <رسول اللّه> دنباله سخن یهودیان <انا قتلنا . ..> باشد می توان گفت اعتراف آنان به رسالت عیسی اعترافی واقعی و حقیقی بوده ولی در عین حال اقرار به کشتن وی داشته و این حکایت از شدت خباثت آنان دارد.

۳ استهزای یهود نسبت به پیامبری حضرت عیسی ( ع ) *

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <رسول اللّه> گفتار یهودیان باشد، بر این اساس به نظر می رسد اقرار آنان به رسالت عیسی(ع) به منظور تمسخر بوده است.

۶ یهود بر خلاف پندارشان حضرت عیسی ( ع ) را نکشتند و به دار نیز نیاویختند .

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم . .. و ما قتلوه و ما صلبوه

۱۴ پندار غلط و خلافگویی یهود ، در مورد تولد و مرگ حضرت عیسی ( ع )

قولهم علی مریم بهتناً عظیماً. و قولهم إنّا قتلنا المسیح ... ما لهم به من علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۸ - ۱

۱ عدم حضور حضرت مسیح ( ع ) در بین مردم ، پس از توطئه قتل وی توسط یهود

و ما قتلوه. بل رفعه اللّه إلیه

چنانچه عیسی(ع) پس از توطئه قتل در بین مردمان حضور می داشت، همگان به اشتباه خویش پی می بردند و واهی بودن قصه صلیب بر مدعیان آن روشن می گشت و جمله <رفعه اللّه الیه> در حقیقت جواب این سؤال است که اگر

وی کشته نشد چرا پس از واقعه قتل در بین مردمان دیده نشد.

یهود و قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۵

۲۵ - از امام صادق ( ع ) روایت شده که : < و صلّی رسول اللّه ( ص ) إلی بیت المقدس . . . ثم عیّرته الیهود ، فقالوا انک تابع لقبلتنا فاغتمّ لذلک غمّاً شدیداً و لما کان فی بعض اللیل خرج ( ص ) یقلب وجهه فی آفاق السماء . . . فلما صلّی من الظهر رکعتین جاءه جبرئیل ( ع ) فقال له : قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله ترضی ها فول وجهک شطر المسجدالحرام - الآیه - ثم أخذ بید النبی ( ص ) فحوّل وجهه إلی الکعبه . . . ;

رسول خدا(ص) به سوی بیت المقدس نماز می خواند . .. سپس یهود او را سرزنش کرده گفتند: تو پیرو قبله ما هستی، و آن حضرت در پی این سرزنش بشدت اندوهگین شد و در موقعی از شب که از ]خانه[ بیرون آمده بود، در اطراف آسمان ها می نگریست ... و چون دو رکعت نماز ظهر را خوانده بود جبرئیل نازل گشت و به آن حضرت گفت: ما نگاههای انتظارآمیز تو را ]برای تغییر قبله[ مشاهده می کردیم، پس روی تو را به سوی قبله ای - که تو به آن راضی هستی - بر می گردانیم; پس روی خود را به سوی مسجدالحرام برگردان. آن گاه دست او را گرفت و رویش را به سوی کعبه برگرداند>.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۷ – ۲

۲ – یهود و نصارا محتوای اساسی دین را ( ایمان به خدا ، سرای آخرت و . . . ) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله ، به بحث و مشاجره می پرداختند .

لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق بـا توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمـده، اسـتفاده می شود. در مجمع البیان نقل شـده است: <آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. >

یهود و قبله مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۵ – ۲،۵،۹

۲ – اهل کتاب ( یهود و نصارا ) علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ( مسجدالحرام ) ، آن را نخواهند پذیرفت .

لیعلمون أنه الحق . .. و لئن أتیت الذین ... ما تبعوا قبلتک

۵ – یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

۹ – تلاش یهود و نصارا در باز گرداندن پیامبر ( ص ) و مؤمنان از کعبه به قبله خویش

و ما أنت بتابع قبلتهم . .. و لئن اتبعت اهواءهم

تأکید جمله <و لئن اتبعت . .. إنک لمن الظالمین> با لام قسم (لئن) حرف تأکید (إن) و لام تأکید در (لمن) بیانگر آن است که: اهل کتاب برای گرایش دادن پیامبر(ص) و مؤمنان به قبله خویش، تلاشی

پی گیر داشته و زمینه های آن را ایجاد کرده بودند. از مصداقهای <أهواءهم> به قرینه جمله های پیشین، تبعیت از قبله اهل کتاب است.

یهود و قبله مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۸

۸ - هیچ یک از یهود و نصارا ، قبله یکدیگر را نخواهند پذیرفت .

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

یهود و قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۹،۲۱،۲۷

۱۹ - یهود ، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبياء اللّه من قبل

چون جمله <فلم تقتلون . ..> (پس چرا پیامبران خدا را می کشتید؟) در جواب ادعای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبياء اللّه> پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علينا . .. قل فلم تقتلون أنبياء اللّه من قبل

۲۷ - ابو عمرو زبیری از امام صادق ( ع ) درباره سخن خداوند که می فرماید < . . . فلم تقتلون انبياء اللّه من قبل ان كنتم مؤمنين > روایت کرده که : < انما نزل هذا فی قوم اليهود و كانوا على عهد محمد ( ص ) لم يقتلوا الأنبياء بأيديهم و لاكانوا فى زمانهم و انما قتل أوايلهم . . . فجعلهم اللّه منهم و أضاف إليهم فعل أوايلهم بما تبعوهم و تولّوهم ;

این آیه درباره یهود نازل گشته

است در حالی که یهودیان زمان پیامبر(ص) پیامبرانی را نکشته بودند و در زمان آنان نیز زندگی نمی کردند و همانا گذشتگان آنان پیامبران را کشتند . .. پس خداوند این یهودیان (یهودیان زمان حضرت محمد(ص)) را جزء آنان دانسته و قتل انبیا را به خاطر پیروی آنان و محبتشان به پیشینیان به آنان نسبت داده است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۱۸

۱۸ – اعمال ناروای یهود در طول تاریخ ( کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . . ) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما . ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۲ – ۱۷،۲۲

۱۷ عصیان اهل کتاب ( یهود ) و تجاوز مداومشان ، باعث کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک بما عصوا>، کفر به آیات الهی و کشتن پیامبران باشد.

۲۲ یهود با افشای اسرار پیامبران ، شریک جُرم قاتلان آنان

و یقتلون الانبیاء بغیر حقّ

امام صادق (ع) در تفسیر آیه <و یقتلون الانبیاء بغیر حق>، فرمود: .

.. و لكن اذاعوا سرّهم و افشوا عليهم فقتلوا.

---

اصول كافى، ج ۲، ص ۳۷۱ ; تفسير عياشى، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۱۳۲.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱،۴،۹

۱ يهود ، مردمى پيمان شكن و قاتل پيامبران

فبما نقضهم ميثقهم و كفرهم بايت اللّه و قتلهم الأنبياء بغير حق

۴ يهوديان ، هيچگونه توجيهى براى كشتن انبيا ، نداشتند .

و قتلهم الأنبياء بغير حق

با اينكه همواره كشتن انبيا نا به حق است، خداوند قيد توضيحى <بغير حق> را ذكر كرده است تا به اين معنا اشاره كند كه قاتلان پيامبران خود نيز به ناروا بودن كشتن انبيا آگاه بودند.

۹ يهود ، مورد نفرين و غضب خداوند به سبب پيمان شكنى ، انكار آيات الهى و كشتن پيامبران

فبما نقضهم ميثقهم . .. و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر اين اساس است كه <بما نقضهم . ..> به قرينه آيات مشابه، متعلق به فعلى محذوف همانند <لعناهم> باشد.

يهود و قتل عيسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۱،۴،۷،۸،۱۰،۱۵،۱۶

۱ يهود ، مدعى كشتن حضرت مسيح ( ع )

و قولهم إنّا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول اللّه

۴ ادعاى كشتن حضرت مسيح ( ع ) على رغم اعتراف به پيامبرى وى مايه گرفتارى يهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنّا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول اللّه

بدان احتمال كه <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آيه ۱۵۵ باشد.

۷ يهوديان ، به اشتباه شخص ديگرى را به جاى حضرت عيسى ( ع )

به دار آویخته و کشتند .

و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم

استدارك در جمله <و لكن شبه لهم> رسای به این است که یهودیان شخصی را به گمان اینکه حضرت عیسی(ع) است به دار آویخته و او را به قتل رساندند.

۸ اختلاف یهود ، در اصل رخداد قتل و به دار آویخته شدن عیسی ( ع )

إنّ الذین اختلفوا فیه

۱۰ ادعای یهود در مورد کشته شدن حضرت عیسی ( ع ) ، بر پایه گمان بود ، نه علم و یقین .

إنّ الذین اختلفوا فیه لفی شک منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن

۱۵ یهودیان ، قطعاً حضرت عیسی ( ع ) را نکشتند .

و ما قتلوه یقیناً

۱۶ یهود به جای حضرت عیسی ( ع ) جوانی را که به شکل آن حضرت در آمده بود کشتند وبه صلیب کشیدند .

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه و ما قتلوه

امام باقر(ع): . .. و اخذوا الشاب الذی القی علیه شبح عیسی فقتل و صلب ... .

---

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۹، ح ۶۵۳.

یهود و قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۱ – ۷،۱۰

۷ – خداوند ، بنی اسرائیل ( یهودیان و نصرانیان ) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا أول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۰ - دستیابی به متاع دنیا ، از

هدف های یهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

و لاتشتروا بأیتی ثمناً قلیلا

کلمه <آیـاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شـده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تـأمین این هـدف باشـد. قابل ذکر است که چون سـخن درباره ایمان به قرآن بود، مصـداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ - گروهی از یهودیـان ، قرآن ( کلام خـدا ) را می شـنیدند ، آن را به خوبی می فهمیدنـد و به تحریف معانی و مفاهیم آن اقدام می کردند .

و قد کان فریق منهم یسمعون کلم اللّه ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مراد از <کلام اللّه> در آیه مورد بحث، قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۵،۶،۱۱

۵ - یهودیان ، پیش از بعثت ، به نازل شدن قرآن و مبعوث شدن پیامبر ( ص ) آگاهی داشتند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

۶ - یهودیان ، از دیرباز در انتظار پیامبر ( ص ) و نزول قرآن بودند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم ( ص ) ، به آن کافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - یهودیان ، به قرآن و کتاب آسمانی خویش ( تورات ) کفر ورزیدند .

أن یکفروا بما أنزل اللّه

مراد از <ما أنزل اللّه> قرآن است و بعید نیست که علاوه بر آن، تورات نیز منظور باشد. قابل ذکر است که مراد از کافر شدن یهود به تورات، انکار یا تحریف آن بخش از تورات است که ویژگیهای پیامبر اکرم(ص) را بیان کرده است.

۲ - یهودیان ، با کفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن یکفروا بما أنزل اللّه

<اشتراء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن یکفروا ...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما ...>; یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۳

۳ - یهود به قرآن ایمان نمی آورند و اسلام را نخواهند پذیرفت . *

و إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

حذف فاعل و آوردن فعل به صورت مجهول (قیل) حاوی این نکته است که: پاسخ منفی یهود به دعوت قرآن، مخصوص یهود عصر بعثت نیست; بلکه آیندگان اینان نیز همین رویه را خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۹

۹ -

تلاش تبلیغاتی یهود و نصارا علیه اسلام و قرآن

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱

۱ تلاش بی امان یهود و نصارا ، با هدف خاموش کردن نور الهی ( قرآن ) ، با سخنان و تبلیغات خود

یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم

ضمیرهای جمع در <یریدون>، <یطفئوا> و <بأفواههم> به یهود و نصارا (الذین أوتوا الکتاب) بازمی گردد. قید <بأفواههم> (با سخنان خویش) می رساند که: اهل کتاب برای انحراف افکار عمومی علیه قرآن و اسلام، دست به تبلیغات نادرست می زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک ، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أُمرت أن أعبد الله

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ینکر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب ، اصرار قرآن

بر توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱

۱- یهود و نصارا ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ایمان آوردند و به برخی دیگر کفر ورزیدند .

الذین جعلوا القرءان عضین

<عضین> جمع <عضه> است و <عضه> به معنای جزء می باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل کتاب است; چون کافران و مشرکان اصل دیانت الهی را قبول نداشتند; چنان که خداوند اهل کتاب را به همین وصف توصیف فرمود: <. ..و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض...> (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

یهود و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۲

۲ همسویی اهل کتاب ( یهود ) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان به پیامبر ( ص ) و مسلمانان

یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا . .. یحسدون النّاس

جمله <ام یحسدون . .. > بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۴

۴ ایجاد پیوند دوستانه یهود با کافران برای تشکیل جبهه ای متحد و نیرومند علیه مسلمانان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا . .. لتجدن اشد الناس عدوه للذین ءامنوا

بیان عداوت یهودیان و مشرکان با اهل ایمان پس

از بیان برقراری دوستی یهود و اهل شرک می رساند که این رابطه دوستی در جهت دشمنی با مسلمانان است.

یهود و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۲

۱۲ - یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ ( کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . . ) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما . ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

یهود و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۷

۱۷ - از امام باقر ( ع ) روایت شده که : < انه قال کان قوم من الیهود لیسوا من المعاندین المتواطئین إذا لقوا المسلمین حدثوهم بما فی التوراه من صفه محمد ( ص ) فنهاهم کبرائهم عن ذلک ، و قالوا : لا تخبروهم بما فی التوراه ، من صفه محمد ( ص ) فیحاجوکم به عند ربکم فنزلت هذه الآیه ;

گروهی

از یهود - که کینه ای به مسلمانان نداشتند - هنگامی که با مسلمانان روبرو می شدند از اوصاف رسول خدا(ص) که در تورات آمده بود سخن می گفتند; بزرگان یهود با خبر شده و آنها را نهی کردند و گفتند: از صفات محمد ]ص[ - که در تورات آمده - مسلمانان را مطلع نسازید که به وسیله آن با شما در نزد پروردگارتان استدلال و احتجاج خواهند نمود، پس آیه فوق نازل گشت. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۰

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۰ - یهود و نصارا ، حقیقتی را که باید به آن شهادت می دادند ، کتمان کرده و از ارائه آن خودداری نمودند .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹

۹ توصیه علمای یهود به یکدیگر ، بر مخفی کردن ادلّه رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا . .. ان یؤتی احد مثل ما اوتیتم

احتمالا مراد از <ما اوتیتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۴ عالمان یهود ، دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا ( حقایق مربوط به پیامبر ( ص ) )

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم

با توجّه به شأن نزول، مقصود از <عهد اللّه>، حقایق مربوط به پیامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۹

۹ پنهان کردن تورات ، توسط یهودیان *

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها

دعوت به آوردن تورات و تلاوت آن، این را گوشزد می کند که آنها تورات را از دسترس مردم خارج کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳

۳ اهل کتاب ( یهود و نصارا ) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۷

۷ تبیین حقایق و معارف کتمان شده به دست یهود و نصارا ، از اهداف رسالت پیامبر ( ص )

قد جاءکم رسولنا یبین

بنابر اینکه مفعول حذف شده از <یبین>، به قرینه آیه پانزدهم، حقایقی باشد که علمای اهل کتاب آنها را مخفی می داشتند.

یهود و کتمان حقایق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۲ – ۳

۳ – کتمان حقیقت

، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

تکرار نکردن <لا->ی ناهیه در <تکتموا> به این معنا اشاره دارد که: هدف یهود و نصارا در آمیختن حق به باطل، مخفی نگاه داشتن حق بوده است.

یهود و کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱،۳،۴

۱ خداوند ، با برافراشتن کوه طور بر سر یهود به منظور تهدید آنان ، از ایشان پیمان گرفت .

و رفعنا فوقهم الطور بمیثقهم

<طور> علم است برای کوهی مخصوص و گفته شده <طور> به معنای مطلق کوه است (مفردات)، باء در <بمیثقهم> سببیه است و بدیهی است که خود میثاق نمی تواند دلیل و سبب باشد بر اینکه خداوند کوه طور را بر سر آنان برافرازد. بنابراین می توان گفت گرفتن میثاق علت برای برافراشتن کوه طور بوده است.

۳ نقض میثاق از سوی یهود ، سبب شد تا خداوند بر آنان خشم گیرد و کوه طور را بر سر آنان بالا برد .

و رفعنا فوقهم الطور بمیثقهم

برداشت فوق بر این اساس است که نقض میثاق و تصمیم بر ادامه نقض میثاق علت برافراشتن کوه طور باشد ; بنابراین جمله <و رفعنا . ..> یعنی بدان سبب که پیمان الهی را شکستند و تصمیم بر ادامه پیمان شکنی داشتند، به عنوان تهدید، کوه طور را بر سر آنان بالا برده و مسلط ساختیم.

۴ قرار دادن کوه طور بر سر یهود ، از معجزات حضرت موسی ( ع )

و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً. و رفعنا فوقهم الطور

بر افراشتن کوه طور، می تواند

بیان مصداقی برای جمله <و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً> باشد.

یهود و گسترش اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ یهود و نصارا ، ناخشنود از گسترش اسلام

و یأبی اللّه إلا أن یتم نوره و لو کره الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۹

۹ یهود و نصارا ، مخالف اسلام و ناخشنود از گسترش آن

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً . .. لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

یهود و لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۱

۱ - یهود ، قومی هراسان از مرگ و غیر مشتاق برای لقای الهی

و لایتمنّونه أبدًا

یهود و مال حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲،۳،۴

۲ دنیاگرایان یهود ، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن ، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا چنگ می زدند .

ورثوا الكتب يأخذون عرض هذا الأدنى و يقولون سيغفر لنا

جمله <ورثوا الكتب> (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند ; مدعی اعتقاد به آن بودند.

۳ دنیاگرایان یهود خود به گناه دنیاگرایی و کسب مال و منال از راه های ناروا معترف بودند .

یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون سیغفر لنا

جمله <سیغفر لنا> (آمرزیده خواهیم شد)، اعتراف یهودیان دنیاگرا به گنهکاری خویش و

بیانگر این است که جمله <یأخذون . .. > ناظر به کسب مال از راههای نامشروع است.

۴ دنیاگرایان یهود به گناه خویش ( دستیابی به مال و منال دنیا از راه های نامشروع ) ، اصرار میورزیدند .

و إن یأتهم عرض مثله یأخذوه

جمله <و إن یأتهم . .. > (اگر مال و منال دنیا در مرتبه و زمانی دیگر به آنان روی می آورد از گرفتن آن دریغ نداشتند)، اشاره به اصرار یهودیان دنیاگرا به گناه کسب درآمدهای نامشروع دارد.

یهود و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۸

۸ - مأیوس کردن پیامبر ( ص ) ، انگیزه یهودیان در اظهار ناتوانی خویش از درک معارف اسلام

قالوا قلوبنا غلف

انسانها معمولا به قصور خویش در فهم و درک باور ندارند. بنابراین اعتراف یهودیان به درک نکردن و نفهمیدن، می تواند به منظور مأیوس کردن پیامبر(ص) باشد تا از اصرار بر دعوت ایشان به اسلام منصرف شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۶،۱۱

۶ - یهودیان ، از دیرباز در انتظار پیامبر ( ص ) و نزول قرآن بودند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم ( ص ) ، به آن کافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۲

۲ - یهودیان ، پیامبر ( ص ) را به

نداشتن دلیل و برهانی روشن بر حقانیت رسالتش متهم می کردند .

و لقد أنزلنا إلیک ءایت بینت

معمولا بیان جمله با تأکید حکایت از آن دارد که مخاطبان، مضمون آن جمله را مورد تردید قرار داده یا انکار می کنند و از آن جا که جمله <و لقد أنزلنا . ..> با حرف لام - که حاکی از قسم مقدر است - و نیز با حرف <قد> تأکید شده معلوم می شود که یهودیان مخاطب آیه، مضمون جمله فوق را مورد تردید و یا انکار قرار می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۹،۱۰

۹ - تلاش یهود و نصارا در باز گرداندن پیامبر ( ص ) و مؤمنان از کعبه به قبله خویش

و ما أنت بتابع قبلتهم . .. و لئن اتبعت اهواءهم

تأکید جمله <و لئن اتبعت . .. إنک لمن الظالمین> با لام قسم (لئن) حرف تأکید (إن) و لام تأکید در (لمن) بیانگر آن است که: اهل کتاب برای گرایش دادن پیامبر(ص) و مؤمنان به قبله خویش، تلاشی پی گیر داشته و زمینه های آن را ایجاد کرده بودند. از مصداقهای <أهواءهم> به قرینه جمله های پیشین، تبعیت از قبله اهل کتاب است.

۱۰ - یهود و نصارا در صدد گرایش دادن پیامبر ( ص ) و مؤمنان به پیروی از احکام و قوانین دینی خویش

و لئن اتبعت اهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۳،۱۴،۱۸،۲۲،۲۵

۵ نافرمانی آگاهانه پس از دریافت و شنیدن سخنان پیامبر ( ص ) ، عکس العمل یهود در

برابر آن حضرت

من الذیین هادوا . .. و یقولون سمعنا و عصینا

۶ بی اعتنایی و پشت گوش انداختن گفته های یهود ، اتهام آن به پیامبر ( ص )

من الذین هادوا . .. یقولون ... واسمع غیر مسمع

بر این مبنا که <غیر مسـمع> اخبار باشد، نه نفرین. و جمله <اسـمع غیر مسـمع> بدین معناست: ای پیامبر سـخنان ما را بشنو، اگر چه تاکنون نسبت به گفته ها و سخنان ما ناشنوا بودی و اعتنایی بدانها نداشتی.

۷ درک ننمودن گفته های یهود ، تهمت آنان به پیامبر ( ص )

واسمع غیر مسمع

برداشت فوق بر این مبنـاست که شـنیدن به معنـای درک کردن باشـد. یعنی درک کن و بفهم آنچه را مـا می گوییم ; اگر چه تاکنون سخنان ما را درک نکردی و نفهمیدی.

۸ توهین و نفرین برخی از یهودیان به پیامبر ( ص ) در ضمن سخن با آن حضرت

من الذین هادوا . .. واسمع غیر مسمع

<غیر مسـمع> در برداشت فـوق به معنـای انشـایی آن گرفته شـده است. و مفهوم آن چنین است: خـدا تو را کر و ناشـنوا قرار دهد. و یا: خدا تو را نفهم گرداند.

۹ اهانت برخی یهودیان به پیامبر ( ص ) ، با تغییر لحن خویش در تلفظ کلمه < راعنا > به < راعینا >

راعنا لیّاً بالسنتهم

<راعنـا> به معنی توجه به مـا کن و <راعینـا> به معنی چوپـان مـاست. و یهودیـان کلمه <راعنـا> را به گونه ای تلفـظ می کردند که معنای <راعنیا> برای شنونده تداعی می شد.

۱۰ استهزای یهود نسبت به پیامبر ( ص ) و اسلام

من الذین هادوا . .. یقولون سمعنا

و عصینا واسمع غیر مسمع و راعنا لیّاً بالسنتهم

۱۱ گفته های یهود با پیامبر ( ص ) ، آمیخته با عیبجویی به آیین اسلام

راعنا لیّاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

<طعناً فی الدین> به معنای ضربه وارد کردن در دین با ناسزاگویی و عیبجویی است. گفتنی است که <طعنا> حال برای فاعل <یقولون> است ; یعنی <یقولون کذا طاعنین فی الدین>.

۱۳ تشبیه وحی و سخنان پیامبر ( ص ) به هیاهوی چوپان ها ، طعن یهود بر دین اسلام

راعنا لیّاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

هدف شوم یهودیان از چوپان خواندن پیامبر (ص) می تواند تشبیه دعوت و سخنان او به هیاهوی چوپانها باشد.

۱۴ به کارگیری کلمات دو پهلو و چند معنی ، شیوه برخی از یهودیان برای استهزای پیامبر ( ص ) و طعن بر اسلام

واسمع غیر مسمع . .. راعنا لیّاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

کلمه <مسمع>، از مصدر اسماع، دارای دو معنای متضاد است: یکی شنیدن و فهمیدن و دیگری دشنام دادن و ناسزا گفتن. و جمله راعنا با اندکی انحراف زبان می تواند معنای <چوبان ما> را به ذهن شنونده القا کند.

۱۸ خیر و قوام یهود ، در پرهیز از سخنان مبهم ، دو پهلو و تمسخرآمیز در برابر پیامبر ( ص )

و لو انهم قالوا . .. واسمع و انظرنا لکان خیراً لهم و اقوم

۲۲ تحریفگری ، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر ( ص ) ، نمودی از کفر آنان

من الذین هادوا یحرّفون . .. سمعنا و عصینا ... لعنهم اللّه بکفرهم

۲۵ تنها اندکی از یهود به اسلام و پیامبر ( ص

) ایمان خواهند آورد .

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۴ – ۱،۳،۶،۹

۱ حسادت اهل کتاب ( یهود ) ، نسبت به پیامبر ( ص ) و مسلمانان

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

این آیه و آیات گذشته جوابی است بر گفتار غیر منصفانه یهود درباره اهل ایمان (هؤلاء اهدی . .. ) بنابراین مراد از <النّاس> پیامبر (ص) و مؤمنان خواهد بود.

۳ مقام پیامبری و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر ( ص ) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

مراد از <فضله> به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا . .. )، کتاب و حکمت و ملک عظیم است.

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر ( ص ) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

یؤمنون بالجبت و الطاغوت . .. ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

۹ بی نتیجه بودن حسادت اهل کتاب ( یهود ) نسبت به تفضّلات الهی به پیامبر ( ص )

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

<فقد آتینا> به این معناست که همان گونه که حسدورزان به آل ابراهیم طرفی نبستند و به آنان ضرری نرساندند، حسودان به پیامبر (ص) نیز نتیجه ای نخواهند برد و ضرری را متوجّه آن حضرت نخواهند کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۸ – ۷

۷ معرفی

پیامبر ( ص ) به عنوان عامل شرور ، از روش های ایذایی و تبلیغی منافقان و یهود علیه آن حضرت

ان تصبهم سیّئه یقولوا هذه من عندک

برخی از مفسران با توجّه به شأن نزول آیه گفته اند که مقصود از ضمیر <تصبهم>، منافقین و یهودیان هستند که حوادثی چون قحطی و خشکسالی را به پیامبر (ص) منتسب می کردند و از این راه علیه او تبلیغ می کردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۳ – ۹

۹ درخواست یهود از موسی ( ع ) ( دیدن خدا ) ، نابجاتر از درخواست آنان از پیامبر ( ص ) ( نزول کتاب آسمانی بر آنان )

یسئلک أهل الکتب . .. فقد سألوا موسی أکبر من ذلک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۵ – ۱۳،۲۱

۱۳ دل های یهودیان بر خلاف ادعایشان تهی از دانش و ناتوان از درک تعالیم پیامبر اسلام ( ص )

قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود یهودیان از جمله <قلوبنا غلف> ادعای برخورداری از دانش وافر باشد.

۲۱ بسیاری از یهود ، هرگز به پیامبر اسلام ( ص ) ایمان نخواهند آورد .

فلایؤمنون إلاّ قلیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۹ – ۲

۲ اهل کتاب ( یهود و نصارا ) در انتظار بعثت پیامبر ( ص ) *

یاهل الکتب قد جاءکم رسولنا

کلمه <قد> می تواند بیانگر انتظار حصول فعلی باشد که بر سر آن آمده

است. نظیر <قد قامت الصلوه>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۳ – ۱۸

۱۸ هشدار خداوند به یهود نسبت به فرجام شوم ستیزه جویی با پیامبر ( ص ) و فسادانگیزی در زمین

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل . .. انما جزؤا الذین یحاربون

چون در آیه پیش روی سخن با بنی اسرائیل بود، این آیه می تواند تعریض به اهداف و اعمال آنان در برابر پیامبر(ص) داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۱۳،۱۶،۱۹،۲۱،۲۲،۲۳

۱۳ رغبت منافقان و یهودیان به شنیدن شایعات و دروغ های بافته شده علیه رسول خدا ( ص )

سمعون للکذب

مخاطب قرار دادن پیامبر (لایحزنک) و توصیف شتابگران در کفر به گوش سپاران دروغ، می رساند که مراد از <کذب> دروغها و شایعاتی بوده است که علیه پیامبر(ص) ساخته شده بود.

۱۶ یهودیان و منافقان ، تنها به انگیزه دروغ بستن بر پیامبر ( ص ) ، رغبت به شنیدن سخنان او داشتند .

سمعون للکذب

برداشت فوق بر این مبناست که <للکذب> مفعول له برای <سمعون> باشد و به قرینه <لم یأتوک>، منظور شنیدن سخنان پیامبر(ص) است. یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند.

۱۹ همسویی منافقان و یهود عصر بعثت در گرایش ها و موضعگیری های خویش در برابر پیامبر ( ص ) و اسلام

الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۲۱ عالمان یهود با اعزام گروهی از منافقان و یهودیان به حضور پیامبر ( ص ) ، جویای

حکم وی درباره قضیه مورد اختلاف در بین یهودیان شدند .

سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک

۲۲ سفارش عالمان یهود به فرستادگان خویش مبنی بر پذیرش حکم پیامبر ( ص ) به شرط موافقت آن با حکم تحریف شده آنان

سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک . .. ان اوتیتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

<هذا> اشاره به حکمی است که عالمان یهود آن را ابراز می داشتند و جمله <یحرفون الکلم> می رساند که حکمی تحریف شده بوده است.

۲۳ تثبیت حکم تحریف شده به دست عالمان یهود ، هدف آنان از ارجاع داوری به رسول خدا ( ص )

ان اوتیتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

ارجاع داوری به رسول خدا(ص) و نپذیرفتن قضاوت آن حضرت در صورت مخالفت حکم وی با اظهارات عالمان یهود، می رساند که هدف آنان از این ارجاع تنها تلاش برای یافتن امضای حکم تحریف شده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ یهودیان ، در اندیشه آسیب رسانی به پیامبر ( ص ) ، در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن یضروک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱،۲،۳،۸،۱۰

۱ ارجاع داوری به پیامبر ( ص ) از سوی یهودیان ، علی رغم دسترسی آنان به حکم خدا در تورات ، شگفت آور و سؤال بر انگیز

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

۲ گریز از احکام تورات ، انگیزه مراجعه گروهی از یهودیان به پیامبر (

ص ) برای قضاوت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

۳ پیامبر ( ص ) ، مورد مراجعه مردم ، حتی یهودیان ، برای حکمیت و داوری

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه

۸ گروهی از یهودیان ، بی اعتنا به حکم خدا در تورات و رویگردان از حکم پیامبر ( ص ) پس از مراجعه به آن حضرت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّه ثم یتولون من بعد ذلک

۱۰ یهودیان اعراض کننده از حکم رسول خدا ( ص ) ، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئک بالمؤمنین

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره باشد به حکم رسول خدا که از <یحکمونک> به دست می آید. گفتنی است که بر این مبنا، <یتولون> عطف بر <یحکمونک> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ تلاش موذیانه و فریبکارانه اهل کتاب ( یهود ) ، برای بازداشتن پیامبر ( ص ) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

چون <یفتنوک> به <عن> متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است ; یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۵

۵ یهودیان صدر اسلام در برابر دعوت پیامبر(ص) موضعی غیر منطقی و لجوجانه داشتند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

جملات بعدی این آیه

قرینه نزول این آیه در شأن یهود است. و چون یهود، گرچه ظاهراً، معتقد به نبوت موسی(ع) و دیگر انبیای الهی بودند، ادعای عدم نزول وحی بر هیچیک از افراد بشر باید از سر مکابره و عناد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۰

۱۰ ایمان به رسول اکرم ( ص ) و پیروی از او وظیفه ای الهی بر عهده یهود و نصارا و ثبت شده در تورات و انجیل

الذین یتبعون الرسول النبی الأمّی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوریه و الإنجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ - اختلاف یهود درباره رسالت پیامبراکرم ( ص ) اختلافی ریشه دار و دیرپا *

و ءاتینهم بیّنت من الأمر . .. فیما کانوا فیه یختلفون

در صورتی که <الأمر> اشاره به رسالت پیامبراکرم(ص) داشته باشد; اختلاف مستمری که از <کانوا فیه یختلفون> استفاده می شود، ریشه دار بودن اختلافات آنان را درباره رسالت پیامبراکرم(ص) می رساند.

یهود و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۱

۱ - یهودیان ، هرگز - به خاطر یأس از سعادت اخروی - خواهان مرگ نبوده و هیچ گاه از آن استقبال نخواهند کرد .

و لن یتمنوه أبداً

یهود و مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۲،۴،۸،۱۰

۲ بهتان یهودیان به مریم ( ع ) ، نمونه ای از کفرپیشگی آنهاست .

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

بدان

احتمال که <قولهم> تفسیر و تبیین کفر در <بکفرهم> باشد.

۴ یهودیان ، مریم ( ع ) را به کرداری بسیار ناشایست متهم کردند .

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

<بهتان> به معنای افترا و اتهام است. و مراد از آن در آیه فحشا و بی عفتی است.

۸ اتهام ناروای یهود به حضرت مریم ( ع ) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

۱۰ اتهام ارتباط نامشروع مریم ( ع ) با مردی نجار به نام یوسف ، و باردار شدن وی به عیسی ( ع ) ، بهتان بزرگ یهود به ساحت پاک مریم

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

امام صادق(ع): . .. الم ینسبوا مریم بنت عمران الی انها حملت بعیسی من رجل نجار اسمه یوسف ... .

---

امالی صدوق، ص ۹۲، ح ۳، مجلس ۲۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۲.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۱ – ۱۸

۱۸ پاک بودن دامن حضرت مریم ( ع ) از تهمت های ناروای یهودیان

انما المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه و کلمته القها إلی مریم و روح منه

جملات <انما المسیح . .. روح منه> علاوه بر اینکه رد عقیده غلوآمیز مسیحیان درباره حضرت عیسی(ع) است، می تواند اشاره به ناروایی اتهام یهودیان نسبت به مریم(ع) نیز باشد.

یهود و مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۵ – ۲

۲ – کفرپیشگان ( یهود ، نصارا و مشرکان ) ناخشنود از نزول کمترین خیر ، بر مسلمانان

ما

یودّ الذین کفروا . .. أن ینزل علیکم من خیر

نکره آوردن <خیر> به همراه <من> زایده در آیه، حکایت از آن دارد که: مشرکان کمترین خیری را برای مسلمانان نمی پسندیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۴،۱۲،۱۳

۴ - یهودیان و نصارای عصر بعثت ، بر ایمان مسلمانان رشک برده به آنان حسادت میورزیدند .

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

مقصود از <اهل الکتاب> به دلیل <و قالوا لن یدخل . ..> در آیه ۱۱۱، یهود و نصاراست.

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن ، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من ءایه . .. أم تریدون أن تسئلوا رسولکم ... ودّ کثیر من أهل الکتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان رادر ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

۱۳ - یهود و نصارا ترغیب کننده مسلمانان به پرسش ها و درخواست های نابه جا از پیامبر ( ص )

أم تریدون أن تسئلوا . .. ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۵

۵ - یهود و نصارا ، درتلاش برای تضعیف روحیه مسلمانان و بازداری مردم از گرایش به

اسلام

قالوا لن يدخل الجنه إلا من كان هوداً أو نصرى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۴۴ – ۹،۱۱،۱۲

۹ تصميم عالمان يهود بر گمراه كردن مسلمانان

و يريدون ان تضلوا السبيل

۱۱ سوء استفاده علماى يهود و دانشمندان اهل كتاب از علم و مقام خويش براى گمراهى مسلمانان

الم تر الى الذين . .. ان تضلوا السبيل

۱۲ لزوم هشيارى جامعه ايمانى در مقابل تلاش براى گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الى الذين . .. ان تضلوا السبيل

هدف از بيان تصميم عالمان يهود، هشيار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پيگير آن عالمان براى گمراه ساختن جامعه ايمانى است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۴۵ – ۳

۳ ناباورى مسلمانان صدر اسلام ، نسبت به دشمنى يهود با آنان

الم تر . .. و اللّه اعلم باعدائكم

آوردن <اعلم>، با صيغه افعل تفضيل، حكايت از ناباورى مسلمانان نسبت به دشمنى عالمان يهود با آنان دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۴۶ – ۳

۳ تحريف و تفسير ناصواب گفته ها ، از روش هاى عالمان يهود براى گمراه ساختن مسلمانان

و يريدون ان تضلوا السبيل . .. من الذين هادوا يحرّفون الكلم

هدف از تحریف و تفسیر ناصواب سخنان از سوی عالمان یهود، به دلیل <ان تضلوا>، گمراه ساختن مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱،۲،۳

۱ حسادت اهل کتاب ( یهود ) ، نسبت به پیامبر ( ص ) و مسلمانان

ام يحسدون النّاس

على ما اتيهم اللّه من فضله

این آیه و آیات گذشته جوابی است بر گفتار غیر منصفانه یهود درباره اهل ایمان (هؤلاء اهدی . .. ) بنابراین مراد از <النّاس> پیامبر (ص) و مؤمنان خواهد بود.

۲ همسویی اهل کتاب ( یهود ) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان به پیامبر ( ص ) و مسلمانان

یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا . .. یحسدون النّاس

جمله <ام یحسدون . .. > بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

۳ مقام پیامبری و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر ( ص ) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

مراد از <فضله> به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا . .. )، کتاب و حکمت و ملك عظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۳

۱۳ پیامبر ( ص ) ، نگران آسیب رسانی یهود به اسلام و مسلمانان در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن یضروك شیئاً

به نظر می رسد مراد از <یضروك> آسیب رسانی به اسلام و جامعه ایمانی باشد، زیرا رسول خدا(ص) نگران آسیب دیدن شخص خود نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۳،۷۸

۳ یهود و نصارا ، مردمی غیر قابل اعتماد

و ناشایست برای برقراری روابط دوستی مسلمانان با آنان

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء

کلمه <اتخاذ> به معنای برگزیدن و اعتماد کردن است. (مجمع البیان).

۷ یهود و نصارا هرگز به تعهدات و روابط خویش با مسلمانان پایبند نخواهند بود .

بعضهم أولیاء بعض

۸ پایبند نبودن یهود و نصارا به تعهدات خویش نسبت به مسلمانان ، فلسفه حرمت ایجاد روابط با آنان

لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱،۲،۸،۱۸

۱ سوگند مؤکد یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <هولاء>، اشاره به یهود و نصارا بوده و مخاطب در <لمعکم> همان بیماردلانی باشند که پیوند ولایی با یهود و نصارا داشتند. کلمه <جهد> مفعول مطلق برای <اقسموا> می باشد ; یعنی سوگند یاد کردند در بالاترین درجه سوگند.

۲ ناتوانی یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

لحن ملامت بار جمله <اهولاء . ..> حکایت از آن دارد که یهود و نصارا در عصر پیامبر(ص)، رسوا شده و به ذلت افتادند ; بگونه ای که نتوانستند به تعهد خویش با مسلمانان سست ایمان پایبند بمانند.

۸ یهودیان و مسیحیان دلگرم به یاری و همگامی مسلمانان سست ایمان ، مورد ملامت مؤمنان پس از پیروزی

و یقول الذین ءامنوا اهولاء الذین اقسموا . .. انهم لمعکم

۱۸ ناکامی یهود و نصارا در بهره گیری از روابط

دوستانه خویش با مسلمانان سست ایمان

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

در برداشت فوق <هولاء> اشاره به بیماردلان مسلمان و خطاب در <معکم> متوجه یهود و نصارا دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۸،۲۹،۳۲،۳۳

۲۸ یهودیان ، همواره در تلاش آتش افروزی و فتنه گری برای به راه انداختن جنگ علیه مسلمانان

کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

<ایقاد نار> که به معنای آتش افروزی است، می تواند کنایه از مکرها و شیطنت هایی باشد که یهودیان به وسیله آن مردم خویش و یا دیگر طوایف را علیه مسلمانان می شوراندند.

۲۹ ناکامی همواره یهود در آتش افروزی های خویش علیه مسلمانان

کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

۳۲ ایجاد دشمنی و کینه توزی در بین یهود ، تدبیری الهی جهت خاموش نمودن جنگ افروزی آنان علیه مسلمانان *

و القینا بینهم العدوه و البغضاء . .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

بدان احتمال که جمله <کلما اوقدوا . ..> بیان نتیجه ای برای جمله <القینا بینهم...> باشد ; وصل آن دو جمله بدون حرف عطف که حکایت از شدت اتصال مضمون آنها دارد، تأییدی برای برداشت فوق است.

۳۳ ناکامی یهود در جنگ افروزی های خود علیه مسلمانان ، نمود ناتوانی آنان بر اثر نفرین خداوند

غلت ایدیهم . .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <کلما اوقدوا . ..> بیان نتیجه ای برای <غلت ایدیهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱،۳،۱۴

۱ یهودیان و مشرکان سرسخت ترین دشمن برای

مسلمانان

لتجدن اشد الناس عدوه للذين ءامنوا يهود و الذين اشركوا

۳ دشمنی یهود با مسلمانان بیش از دشمنی مشرکان با آنان است .

لتجدن اشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود و الذين اشركوا

تقدیم ذکری <یهود> بر <مشرکان> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۱۴ حق ناپذیری و روحیه استکباری یهود ، عامل عداوت آنان با مسلمانان

اشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود . .. و انهم لايستكبرون

یهود و مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۶

۶ - تلاش های تبلیغی اهل کتاب ( یهود و نصارا ) بر ضد احکام اسلام ، ایجاد کننده زمینه های شک و تردید در اذهان مسلمانان صدر اسلام

الحق من ربك فلاتكونن من الممترين

بر حذر داشتن مسلمانان از شک و تردید، با فعل <فلاتکونن> - که مقرون به نون تأکید است - گویای این معناست که: زمینه های شک و تردید در مسلمانان به وجود آمده بود. از آیات قبل می توان فهمید که مخالفتهای اهل کتاب منشأ این تردیدها بوده است.

یهود و مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۴،۱۰

۴ فزونی پیمان شکنان یهود نسبت به پیمان شکنان نصارا

فبما نقضهم . .. و من الذين قالوا إنّا نصرى

<من الـذین> خبر مبتـدای محـذوف است. یعنی <من الـذین قـالوا انا نصاری قوم اخـذنا میثاقهم>، بنابراین آیه شـریفه، تنها سخـن از پیمـان شـکنی گروهی ازمسـیحیان را مطرح کرده است. به خلاـف آنچه دربـاره یهـود بیـان داشت که همه آنهـا، جز اندکی، پیمان شکن بودند.

۱۰ کینه و دشمنی

دایمی یهود و مسیحیان با یکدیگر تا روز قیامت

و لقد اخذ اللّه میثق بنی اسرءیل . .. العداوه و البغضاء إلی یوم القیمه

بنابر اینکه ضمیر در <بینهم> به یهود و نصارا برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۹،۱۰

۹ همکاری و روابط دوستانه یهود و نصارا ، @در جهت مقابله با اسلام *

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

با توجه به اینکه یهود و نصارا نسبت به یکدیگر دشمنی و کینه دارند، معلوم می شود دوستی آنها با یکدیگر که از جمله <بعضهم . ..> استفاده می گردد، در جهت مقابله به اسلام است.

۱۰ روابط و پیوند های یهود و نصارا با یکدیگر ، خطر و هشداری برای مسلمانان

لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

از اینکه دوستی یهود و نصارا با یکدیگر، دلیل بازداشتن مسلمانان از دوستی با آنان قرار گرفته است، استفاده می شود که پیوند آنان، پیوندی خطرناک برای مسلمین است.

یهود و مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱

۱ - یهودیان ، آیین نصرانیت را پوچ و بی پایه و اساس می دانستند .

و قالت الیهود لیست النصری علی شیء

یهود و مصلحان ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱،۲

۱ یهودیان متخلف در آبادی ایله ، به نصایح و مواعظ مصلحان و نهی کنندگان از منکر اعتنا نکردند و آن را به فراموشی سپردند .

فلما نسوا ما ذکروا به

۲

خداوند یهودیان متمرد در آبادی ایله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذکروا به . .. أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

<بئیس> به معنای شدید است.

یهود و ملتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۵

۵ - یهود ، همه ادیان جز دین یهود را بی اعتبار و دیگر ملت ها را در پیشگاه خدا فاقد قدر و منزلت می شمرند .

إن کانت لکم الدار الأخره عند اللّه خالصه من دون الناس

یهود و منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ همسویی منافقان و یهود عصر بعثت در گرایش ها و موضعگیری های خویش در برابر پیامبر ( ص ) و اسلام

الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

یهود و موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۲،۹

۲ آشکارا دیدن خداوند ، تقاضای نابجای یهودیان از موسی ( ع )

فقد سألوا موسی أکبر من ذلک فقالوا أرنا اللّه جهره

۹ درخواست یهود از موسی ( ع ) ( دیدن خدا ) ، نابجاتر از درخواست آنان از پیامبر ( ص ) ( نزول کتاب آسمانی بر آنان )

يسئلك أهل الكتب . .. فقد سألوا موسى أكبر من ذلك

يهود و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ - يهود و

نصارا در صدد گرایش دادن پیامبر ( ص ) و مؤمنان به پیروی از احکام و قوانین دینی خویش

و لئن اتبعت اهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۱

۳۱ خداوند ، حامی مؤمنان ، در برابر توطئه های یهودیان و دشمنان دین

کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۴

۴ ایجاد پیوند دوستانه یهود با کافران برای تشکیل جبهه ای متحد و نیرومند علیه مسلمانان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا . .. لتجدن اشد الناس عدوه للذین ءامنوا

بیان عداوت یهودیان و مشرکان با اهل ایمان پس از بیان برقراری دوستی یهود و اهل شرک می رساند که این رابطه دوستی در جهت دشمنی با مسلمانان است.

یهود و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۶،۴

۴ یهود به سبب انکار رسالت پیامبر(ص) منکر نزول هرگونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

۶ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء قل من أنزل الکتب الذی جاء به موسی

یهود و نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۵

۵ - یهودیان ، پیش از بعثت ، به نازل شدن قرآن و مبعوث شدن

پیامبر ( ص ) آگاهی داشتند .

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ - یهودیان ، معترض به خداوند به خاطر گزینش رسول اکرم ( ص ) به پیامبری و نازل کردن وحی بر آن حضرت

بغياً أن ينزل اللّه من فضله على من يشاء من عباده

از اینکه قرآن در بیان ریشه حسادت یهود (أن ینزل . ..) به دو چیز اشاره کرده است (پیامبری رسول اکرم (ص) و اینکه خدا این مقام را به او عطا کرده) می توان چنین نتیجه گرفت که یهودیان علاوه بر حسادتشان بر رسول اکرم(ص) به خداوند نیز به سبب اعطای این مقام، معترض بودند.

یهود و نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۶

۶ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل الكتب الذى جاء به موسى

یهود و نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ - یهودیان ، آمدن پیامبر ( ص ) و نزول قرآن را از دیرباز و پیش از بعثت برای کافران تشریح می کردند .

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

<استفتاح> (مصدر یستفتحون) می تواند به معنای مطلع ساختن باشد، چنانچه در مفردات راغب آمده: <فتح علیه کذا; آن

گاه گفته

می شود که به او امری را اعلام کند و او را بر آن امر مطلع سازد>. قابل ذکر است که در این صورت بردن <یفتحون> به باب استفعال برای تأکید است و معنای طلب ندارد.

یهود و نزول وحی بر بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۴

۴ یهودیان به سبب ادعای نازل نشدن وحی بر هیچیک از بشر ظالمترین مردم هستند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء . .. و من أظلم ممن افتری علی

یهود و نعمتهای اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۱،۲،۶

۱ - یهود ، سرای آخرت و نعمت های آن را ویژه خویش می پندارند .

قل إن كانت لكم الدار الأخره . .. خالصه

تقدیم <لکم> بر <الدار الأخره> مفید حصر و اختصاص است و <خالصه> - که حال برای <الدار> می باشد - بر این انحصار و اختصاص تأکید می کند; زیرا خالص بودن به معنای اختصاص داشتن است.

۲ - یهودیان ، دیگر مردمان را از نعمت های آخرت بی نصیب می پندارند .

إن كانت لكم الدار الأخره . .. خالصه من دون الناس

۶ - یهودیان ، مدعی اعتقاد به خدا ، قیامت و نعمت های اخروی هستند .

إن كانت لكم الدار الأخره عند اللّه خالصه من دون الناس فتمنوا الموت

یهود و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۶

۶ - تصور جاهلانه یهود در مورد جبرئیل و نظام وحی

قل من کان عدواً لجبریل

فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۶ – ۱۳

۱۳ تشبیه وحی و سخنان پیامبر ( ص ) به هیاهوی چوپان ها ، طعن یهود بر دین اسلام

راعنا لیّاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

هدف شوم یهودیان از چوپان خواندن پیامبر (ص) می تواند تشبیه دعوت و سخنان او به هیاهوی چوپانها باشد.

یهود و هدایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۵ – ۳

۳ – هر یک از یهود و نصارا ، آیین خویش را موجب هدایت بشر می پنداشتند .

قالوا کونوا هوداً أو نصری تهتدوا

یهود و یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۰ – ۹،۱۱

۹ – یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۱ – ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب ( ع ) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهیم . .. کانوا هوداً أو نصری

یهود هدایت ناپذیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۰ – ۳

۳ – یهودیان و نصرانیان عصر بعثت ، مردمانی هدایت ناپذیر بودند .

و لن

ترضی عنک الیهود و لاالنصری

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای



